دیوان حافظ

براساس نسخه های خطی سدهٔ نهم

دکتر سلیم نیساری

سرشناسه : حافظ، شمس‌الدین محمد، -۷۹۲ ق.
عنوان قراردادی : دیوان.
عنوان و نام پدیدآور : دیوان حافظ بر اساس نسخه‌های خطی سدهٔ نهم: مشتمل بر دو بخش: بخش اول غزلهای حافظ، بخش دوم: پیوستهای غزلها غزلواره‌ها.../ تدوین سلیم نیساری.
مشخصات نشر : تهران: سخن، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری : ۵۸۴ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۲۷۴-۶ ISBN: 978-964-372-274-6
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
موضوع : شعر فارسی ـ قرن ۸ ق.
شناسهٔ افزوده : نیساری، سلیم، ۱۲۹۹- ، مصحح
رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۷ف PIR۵۴۲۴
رده‌بندی دیویی : ۸فا۱/۳۲
شمارهٔ کتابشناسی ملی : ۱۲۶۱۶۶۱

دیوان حافظ

براساس نسخه‌های خطی سده نهم



به همین قلم منتشر شده است

غزلهای حافظ (چاپ آزاد)
خط: استاد محمد سلحشور
تهران، مؤسسهٔ فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۵۳

غزلهای حافظ بر اساس چهل و سه نسخهٔ خطّی سدهٔ نهم
خط: استاد محمد سلحشور
چاپ اول: اردیبهشت ۱۳۷۱
چاپ دوم: آذر ۱۳۷۱، انتشارات بین‌المللی الهدی

دیوان حافظ بر اساس چهل و هشت نسخهٔ خطّی سدهٔ نهم
ویرایش اول: انتشارات سینانگار و اسرار دانش، ۱۳۷۷
ویرایش دوم: انتشارات سخن، ۱۳۸۷

دیوان حافظ

براساس نسخه‌های خطی سدهٔ نهم

مشتمل بر دو بخش:

بخش اول: غزلهای حافظ

بخش دوم: پیوستهای غزلها (غزلواره‌ها، تشبیب، تغزل)

قصیده‌ها، مثنویها، قطعات، رباعیات

تدوین

دکتر سلیم نیساری



انتشارات سخن

تهران



انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،
خیابان وحید نظری، شمارهٔ ۱۴۶

دیوان حافظ
تدوین دکتر سلیم نیساری
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: سینانگار
ویرایش اول: ۱۳۷۷
چاپ دوم سخن: ۱۳۸۷
لیتوگرافی: کوثر
چاپ: چاپخانهٔ چاوشگران‌نقش
صحافی: حقیقت
تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

شابک: ۶-۲۷۴-۳۷۲-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-372-274-6

مرکز پخش: انتشارات علمی، خیابان انقلاب، مقابل درِ بزرگ دانشگاه تهران، شمارهٔ ۱۳۵۸ ، تلفن ۶۶۴۶۰۶۶۷

فهرست کلی مطالب کتاب

صفحه

فهرست ۵۱ نسخهٔ خطی سدهٔ نهم هجری

ردیف	نشانهٔ نسخه	تاریخ کتابت	محل نگهداری یا تعلّق	کشور	نام کاتب
۱	تـ	۸۰۷	آکادمی علوم تاجیکستان	تاجیکستان	ابراهیم ابرقوهی
۲	ک	۸۱۱	کتابخانهٔ کوپرولو استانبول	ترکیه	
۳	یج	۸۱۳	کتابخانهٔ سلیمانیهٔ استانبول (نسخهٔ معروف به اباصوفیه)	ترکیه	حسن‌بن نصرالله
۴	ید	۸۱۳-۴	موزهٔ بریتانیا (جنگ جلال‌الدین اسکندر)	انگلستان	محمد حلوائی و محمد الکاتب
۵	سـ	۸۱۳	موزهٔ سالار جنگ حیدرآباد	هند	
۶	یو	۸۱۶	کتابخانهٔ اباصوفیه استانبول	ترکیه	
۷	حیـ	۸۱۸	کتابخانهٔ آصفیه حیدرآباد	هند	
۸	کا	۸۲۱	دکتر اصغر مهدوی	ایران	
۹	طو	۸۲۲	موزهٔ طوپقاپوسرای استانبول	ترکیه	جعفرالحافظ (جعفر بایسنقری)
۱۰	کج	۸۲۳	دانشگاه میشیگان	امریکا	فرصت غریب
۱۱	کد	۸۲۴	کتابخانهٔ سیدهاشم علی سبزپوش (معروف به نسخهٔ گورکهپور)	هند	محمد القاری
۱۲	که	۸۲۵	کتابخانهٔ نور عثمانیه	ترکیه	
۱۳	خ	۸۲۷	سید عبدالرحیم خلخالی	ایران	
۱۴	خـ	۸۲۷	دانشگاه کمبریج (مجموعهٔ ادوارد برون)	انگلستان	محمود شاه نقیب
۱۵	لـ	۸۱۷-۳۸	کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی (سفینهٔ سلطان ابوالفتح ابراهیم)	ایران	
۱۶	لد	۸۳۴	کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی	ایران	
۱۷	لو	۸۳۶	دکتر اصغر مهدوی	ایران	
۱۸	لط	۸۳۹	کتابخانهٔ بادلیان	انگلستان	کمال الکافی
۱۹	مج	۸۴۳	کتابخانهٔ بادلیان	انگلستان	اسماعیل الرزمی
۲۰	مط	۸۴۹	دکتر میرمحمد نقوی	ایران	
۲۱	ند	۸۵۴	کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی	ایران	یعقوب الکاتب
۲۲	نه	۸۵۵	موزهٔ بریتانیا	انگلستان	سلیمان القوشنجی
۲۳	نز	۸۵۷	کتابخانهٔ ملی پاریس	فرانسه	علی‌اکبر اصفهانی

ردیف	نشانهٔ نسخه	تاریخ کتابت	محل نگهداری یا تعلّق	کشور	نام کاتب
۲۴	نحـ	۸۵۸	کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی	ایران	
۲۵	نط	۸۵۹	کتابخانهٔ ملی وین	اتریش	محمد جامی
۲۶	قو	۸۵۹	موزهٔ قونیه	ترکیه	حسن غیاث جوهری
۲۷	قب	۸۶۲	دکتر یحیی قریب	ایران	محمود حمادی
۲۸	سد	۸۶۴	دکتر اصغر مهدوی	ایران	عبدالرحیم
۲۹	سو	۸۶۶	دکتر اصغر مهدوی	ایران	شیخ حسن
۳۰	سز	۸۶۷	جعفر قاضی	اروپا	محمود پیر بوداقی
۳۱	عد	۸۷۴	کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران	ایران	
۳۲	عز	۸۷۵	کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران	ایران	هروی
۳۳	فخ	۸۷۵	کتابخانهٔ ملی پاریس	فرانسه	فخرالدین احمد کاتب
۳۴	ف	۸۸۷	کتابخانهٔ ملی پاریس	فرانسه	میرعلی
۳۵	فط	۸۸۹	کتابخانهٔ ملی پاریس	فرانسه	شیخ مرشد
۳۶	ص	۸۹۲	کتابخانهٔ توبینگن	آلمان	
۳۷	صج	۸۹۳	کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی	ایران	علی‌اکبر فیروزی
۳۸	صگ	۸۹۳	مسعود فرزاد	ایران	محمد منعم
۳۹	صد	۸۹۴	کتابخانهٔ دانشگاه لیدن	هلند	محمد بن ابراهیم
۴۰	قم	۸۹۴	مرکز احیای میراث اسلامی.قم	ایران	جعفر بن حسن قهستانی
۴۱	پنـ	۸۹۴	کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب	پاکستان	محمود بن حسن نیشابوری
۴۲	حصـ	۸۹۸	کتابخانهٔ ملی ملک	ایران	درویش محمود نیشابوری
۴۳	حتـ	۸۹۸	کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی	ایران	پیرحسین کاتب
۴۴	حک	۸۷۴؟	کتابخانهٔ ملی تهران	ایران	پیرحسین کاتب
۴۵	تصـ	-	دکتر اصغر مهدوی	ایران	
۴۶	تغ	-	کتابخانهٔ عزت قویون اوغلو	ترکیه	
۴۷	تج	-	کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی	ایران	
۴۸	تل	-	کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی	ایران	
۴۹	تم	-	کتابخانهٔ ملی ملک	ایران	
۵۰	تق	-	کتابخانهٔ مسجد اعظم قم	ایران	
۵۱	تیـ	-	کتابخانهٔ چستر بیتی	ایرلند	

از آنجاکه همهٔ قصاید در اکثر نسخه‌های خطی قرن نهم که معرفی گردید کتابت نشده است ناگزیر در تصحیح قصاید در چند مورد از ضبط چهار نسخهٔ خارج از منابع اصلی استفاده شد، که عبارت است از:

م: نسخهٔ خطی مورخ ۹۱۷ به خط منعم‌الدین اوحدی شیرازی متعلق به کتابخانهٔ مدرسهٔ مطهری.

ح: نسخهٔ خطی مورخ ۹۳۸ به خط پیرحسین کاتب شیرازی مضبوط در موزهٔ سن‌پطرزبورگ.

ع: نسخهٔ خطی مورخ ۹۶۳ به خط محمد بن عربشاه الحسینی متعلق به کتابخانهٔ مجلس.

ف: نسخهٔ خطی مورخ ۹۸۴ مضبوط در کتابخانهٔ مجلس.

به نام خدا

پیشگفتار

یکی از ویژگیهای دیوان حافظ این است که در فاصلهٔ چهارصد سال پس از درگذشت حافظ (۷۹۲ ه‍ق) تا زمان رواج چاپ، که کتابها از طریق دست‌نویس تکثیر می‌شد، سفینهٔ شعر حافظ بیش از هر دیوان دیگر استنساخ شده است. ویژگی دیگر دیوان حافظ افزونی اختلاف کلمات و عبارات در ضبط آن دست‌نویس‌هاست. هیچ یک از کاتبان دیوان حافظ در کنار رقم و تاریخ دست‌نویس خود این آگاهی را نیفزوده‌اند که اشعار حافظ را از متن کدام نسخه رونویسی کرده‌اند.

در تصحیح دیوان شاعرانی که تنها چند نسخهٔ خطی از آن موجود است روش معمول این است که قدیمی‌ترین و یا صحیح‌ترین نسخه را اساس کار قرار می‌دهند و اختلافهای نسخه‌های دیگر را در پاورقی درج می‌کنند. اما تصحیح دیوان حافظ در برابر ویژگیهائی که ذکر شد مسائل خاصی را مطرح می‌سازد. تردیدی نیست که برای تعیین نسخه‌های اساس باید حد و مرزی در نظر گرفته شود و شرایط استفاده از آن نسخ معلوم گردد. استناد به «نسخ خطی سدهٔ نهم هجری» شرط اصلی تعیین نسخه‌های اساس است. ازینرو متون چاپی مانند شرح سودی و چاپ قدسی و یا جامع نسخ مرحوم فرزاد (که بعضی از متون چاپی و نسخه‌های خطی قرون اخیر از جمله منابع آن نشریه است) در درون مرز «نسخه‌های اساس» برای تصحیح دیوان حافظ قرار نمی‌گیرد.

با اغتنام از این موقعیت که دفتر دگرسانیها در غزلهای حافظ چاپ و منتشر شده است[1] و اکنون مندرجات پنجاه نسخهٔ خطی متعلق به سدهٔ نهم هجری در اختیار همگان قرار دارد، ازینرو در تدوین اشعار حافظ نقل همهٔ اختلافهای ضبط پنجاه نسخهٔ خطی سدهٔ نهم در ذیل هر غزل نه عملی‌ست و نه ضرورت دارد.

در باب اینکه انتخاب چند نسخهٔ خطی و کدام نسخه‌ها برای ایفای نقش سندیت کلمات و عبارات متن منتخب دیوان ضرورت دارد، تجربهٔ شادروان دکتر خانلری در جریان تصحیح دیوان حافظ حاکی از آن است که استفاده از ۱۴ نسخهٔ خطی متعلق به ربع اول سدهٔ نهم در مواردی برای پشتیبانی متن منتخب کارآئی نداشته است. مانند عبارت «می دمد» در بیت «می دمد هر کسش افسونی و معلوم نشد» (غزل ۶۰) و یا مصرع «به سعی خود نتوان برد ره به گوهر مقصود» (غزل ۲۰۷). بدین ترتیب مصحح دیوان حافظ ناگزیر است که احتمال استفاده از هر نسخهٔ خطی سدهٔ نهم را که در خور استناد می‌باشد از نظر دور ندارد. اما نکته‌ای که در این خصوص مطرح می‌شود این است که چه ملاک و ضابطه‌ای برای گزینش یک قرائت معین در برابر ضبطهای متعدد نسخه‌های خطی معتبر است.

ملاک و ضابطهٔ گزینش متن

در پیشگفتار دیوان حافظ چاپ ۱۳۷۷ قید گردیده است که در گزینش متن غزلهای حافظ از سه ملاک و ضابطه استفاده می‌شود که عبارتند از: ۱. معیار ضبط اکثریت نسخ، ۲. اعتبار ضبط اقدم یا اهم نسخ، ۳. توجه به سنخ اندیشه و سبک بیان حافظ.

تردیدی نیست که هماهنگی کلمات و عبارات متن منتخب با ضبط اکثریت نسخ و همچنین مستند بودن بر ضبط اقدم یا اهم نسخ در امر گزینش متن مزیتی محسوب می‌شود. اما نکتهٔ مهم که باید به آن توجه داشت این است که استناد به ضبط اکثریت نسخ بدون نقد و بررسی انتقادی کلمات و همچنین پیش‌داوری در مورد برتری قاطع قرائنهای

۱. دفتر دگرسانیها در غزلهای حافظ، در دو جلد: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۵.

مندرج در نسخه‌هائی که خصوصیت آنها تنها قدمت تاریخ کتابت است روشی اصولی و اطمینان‌بخش نیست.

بررسی کلمات بر اساس معیار اندیشه و سبک بیان حافظ نخستین گام در راه تنظیم متن غزلهای حافظ است. پس از انتخاب متن است که مشخص می‌شود آیا آن کلمه و عبارتِ برگزیده‌شده برای متن متکی بر ضبط اکثریت نسخ هم هست و یا قرائت ویژه‌ای‌ست مستند به ضبط اقدم یا اهم نسخ.

تشخیص سنخ اندیشه و سبک بیان حافظ بیش از آنکه منتج از داوری ذوق شخصی باشد اصولاً بر پایهٔ استنباط از ممیزات شعر حافظ و استفاده از فرهنگ بسامدی واژگان غزلهای حافظ و بهره‌گیری از موازین نقد ادبی استوار می‌گردد.

توجه به سه جنبهٔ متمایز از ویژگی بیان حافظ یعنی مفاد و معنا، لفظ و کلمه، صوت و آهنگ در بررسی انتقادی و نقد ادبی شعر حافظ مطرح می‌گردد. سبک سخنوری حافظ تلفیق هنرمندانهٔ این سه جنبه است.

ارزیابی نسخه‌های خطی و تشخیص اهم نسخ

این طرز تفکر که ارزش و اعتبار سندیت هر نسخهٔ خطی مطلقاً درگرو تاریخ کتابت نسخه قرار گیرد و قدمت تاریخ کتابت به طور مطلق ضامن برتری مندرجات نسخه‌های کهن دانسته شود با حاصل و نتیجهٔ ارزیابی جامع و دقیق نسخه‌های خطی هماهنگی ندارد. ارزیابی نسخه‌های خطی و تعیین ترتیب تقدم «اهم نسخ» به سنجش بر اساس سه معیار مرتبط است:

ـ معیار اول «صحت متن» است که «شایستگی» کاتب را می‌رساند. و مبیّن میزان سواد و دقت و امانت کاتب است. در این جنبه از ارزیابی کمی یا زیادی اشتباههای دست‌نویس کاتب دخالت دارد.

ـ معیار دوم «اصالت متن» است که بر اساس کارآئی هر نسخهٔ خطی در رفع ابهامها و تأیید سندیت قرائتهای برتر به تقویت این حدس و احتمال کمک می‌کند که نسخهٔ مورد بررسی از یک متن موثق و اصیل رونویسی شده است.

مندرج در نسخه‌هائی که خصوصیت آنها تنها قدمت تاریخ کتابت است روشی اصولی و اطمینان‌بخش نیست.

بررسی کلمات بر اساس معیار اندیشه و سبک بیان حافظ نخستین گام در راه تنظیم متن غزلهای حافظ است. پس از انتخاب متن است که مشخص می‌شود آیا آن کلمه و عبارتِ برگزیده‌شده برای متن متکی بر ضبط اکثریت نسخ هم هست و یا قرائت ویژه‌ای‌ست مستند به ضبط اقدم یا اهم نسخ.

تشخیص سنخ اندیشه و سبک بیان حافظ بیش از آنکه منتج از داوری ذوق شخصی باشد اصولاً بر پایهٔ استنباط از ممیزات شعر حافظ و استفاده از فرهنگ بسامدی واژگان غزلهای حافظ و بهره‌گیری از موازین نقد ادبی استوار می‌گردد.

توجه به سه جنبهٔ متمایز از ویژگی بیان حافظ یعنی مفاد و معنا، لفظ و کلمه، صوت و آهنگ در بررسی انتقادی و نقد ادبی شعر حافظ مطرح می‌گردد. سبک سخنوری حافظ تلفیق هنرمندانهٔ این سه جنبه است.

ارزیابی نسخه‌های خطی و تشخیص اهم نسخ

این طرز تفکر که ارزش و اعتبار سندیت هر نسخهٔ خطی مطلقاً درگرو تاریخ کتابت نسخه قرار گیرد و قدمت تاریخ کتابت به طور مطلق ضامن برتری مندرجات نسخه‌های کهن دانسته شود با حاصل و نتیجهٔ ارزیابی جامع و دقیق نسخه‌های خطی هماهنگی ندارد. ارزیابی نسخه‌های خطی و تعیین ترتیب تقدم «اهم نسخ» به سنجش بر اساس سه معیار مرتبط است:

ـ معیار اول «صحت متن» است که «شایستگی» کاتب را می‌رساند. و مبیّن میزان سواد و دقت و امانت کاتب است. در این جنبه از ارزیابی کمی یا زیادی اشتباههای دست‌نویس کاتب دخالت دارد.

ـ معیار دوم «اصالت متن» است که بر اساس کارآئی هر نسخهٔ خطی در رفع ابهامها و تأیید سندیت قرائتهای برتر به تقویت این حدس و احتمال کمک می‌کند که نسخهٔ مورد بررسی از یک متن موثق و اصیل رونویسی شده است.

ـ معیار سوم «**منقح و مضبوط**» بودن نسخهٔ خطی‌ست. منظور از منقح بودن پیراستگی مندرجات نسخه است از انواع اشعار مشکوک و مردود. غرض از «مضبوط» بودن غنی و جامع بودن مندرجات از نظر تعداد غزلهای اصیل، قصیده‌ها، مثنویها و شمار ابیات متعلق به هر غزل است.

در دیباچهٔ دفتر **دگرسانیها در غزلهای حافظ** اشاره شده است که در ارزیابی ۵۰ نسخهٔ خطی در پایان تنظیم مندرجات غزلهای قافیهٔ سه حرف ا ـ ب ـ ت از بابت وقوع اشتباههای دست‌نویسی (معیار اول) پنج نسخهٔ **مج نز فط سز عد** در بالای جدول اهم نسخ و شش نسخهٔ **نط صج ص قو لد لط** در آخر جدول قرار گرفته‌اند. نسخهٔ **یج** (مورخ ۸۱۳) که ردیف اول نسخه‌های کامل در فهرست مربوط به ترتیب قدمت تاریخ کتابت است در ارزیابی معیار اول با ۳۷ اشتباه کتابت در ۸۶ غزل ردیف ۱۹ را احراز کرد و نسخهٔ **مج** که در صدر جدول قرار گرفت در ۸۶ غزل تنها دو فقره اشتباه دست‌نویسی دارد.

هر دانشجوی علاقه‌مند به شعر حافظ در صورتی که دفتر **دگرسانیها در غزلهای حافظ** را در اختیار داشته باشد می‌تواند با احتساب مجموع اشتباههای دست‌نویسی هر نسخهٔ خطی که در پایان جدول ضبط دگرسانیها برای هر غزل مشخص شده است و با تقسیم آن رقم به عددی که مشخص شرکت آن نسخهٔ خطی در جمع مدخلهای غزلهای مندرج در دفتر دگرسانیهاست میزان درصد اشتباهها را در مورد هر نسخهٔ خطی استخراج کند.

باید توجه داشت که گذشته از آن چاپهای تک‌نسخه‌ای که مصححان نسخهٔ اساس خود را متنی در کمال صحت و اصالت معرفی کرده‌اند، در نوشته‌های بعضی از پژوهندگان دیوان حافظ در مورد صحت و برتری قرائتهای مندرج در هرکدام از سه نسخهٔ **یج** (۸۱۳)، **طو** (۸۲۲)، **خ** (۸۲۷) نیز نظریه‌ای مبالغه‌آمیز ابراز شده است.

در یکی از چاپهای دیوان حافظ که چند سال پیش منتشر شد و مصحح آن نسخهٔ خطی ۸۱۳ را نسخهٔ اساس قرار داده بود، به تصور صحت و اصالت کلمات مندرج در آن نسخه حتی اشتباههای دست‌نویسی آن را نیز در متن منتخب خود پذیرفته بود. یکی از آن اشتباهها که در خاطرم هست عبارت «صوت الستیم» بود به جای «خلوت انسیم» در این

مصرع: «ما محرمان خلوت انسیم غم مخور... (غزل ۳۶۳).

در یک کتاب دیگر که اخیراً انتشار یافته است تصریح شده است که نسخهٔ ۸۱۳، هم کهن‌ترین و هم بهترین و دقیق‌ترین نسخه است و تصحیح دیوان حافظ باید بر اساس همین نسخهٔ ۸۱۳ به عمل آید.

در غزلی که در یک چاپ از دیوان حافظ «صوت السنبم» برای متن پذیرفته شده بود اگرچه در چاپ سوم آن قرائت اصلاح شده است اما کلمات دیگر متن نسخهٔ ۸۱۳ در این غزل (که تنها به عنوان نمونه، اشاره می‌شود) یا اشتباه دست‌نویسی و یا از جمله قرائتهای نارسا و ضبطهای فروتر است به این شرح:

۱. «بر این فقیر قصهٔ آن محتشم بخوان» به جای «نامهٔ آن محتشم». طبق گزارش دفتر دگرسانیها در غزلهای حافظ (جلد دوم، ص ۱۳۴۹) در این بیت کلمهٔ «نامه» ضبط اکثریت ۱۹ نسخه است. بیت مطلع این غزل با عبارت «ای پیک راستان...» آغاز می‌شود و پیک معمولاً خبری را اعلام می‌کند، یا «نامه» را همراه می‌آورد. ولی «خواندن قصه» در مورد پیک مطرح نیست.

۲. در بیت ۵ قرائت «خاک در» ضبط اکثریت ۲۷ نسخه و عبارت «خاک ره» تنها ضبط دو نسخهٔ **یج تة** است.

۳. در قرائت مضبوط در نسخهٔ **یج** «هرکس که گفت خاک ره او نه توتیاست» عبارت «نه توتیاست» ضبط ۴ نسخه است به جای «هرکس که گفت خاک در دوست توتیاست» که ضبط اکثریت ۲۳ نسخه است. این مطلب که خاک در دوست توتیا نیست نیازی به گفتن ندارد و توضیح واضحات است. ولی در این سخن که این خاک به منزلهٔ توتیاست مبالغهٔ شاعرانه به کار رفته و حافظ در مصرع دوم می‌افزاید که هر کس چنین سخنی گفت به او بگوئید که سخن او با مشاهده و معاینهٔ چشم ما (که خاک در دوست را توتیای چشم کرده‌ایم) تأیید می‌شود.

۴. در مصرع دوم بیت هشتم این غزل ضبط نسخهٔ **یج** ۸۱۳ (آخر نه واقفی...) مواجه با اشکال تعقید بیان می‌شود که برای اصلاح آن ناگزیر باید آغاز مصرع را به لحن پرسشی بخوانیم تا عبارت «نه واقفی» واقف نیستی تعبیر نگردد و مفهوم «نه این است که واقفی؟»

از آن مستفاد شود. ولی ضبط نسخه‌های **مج قب سز صف حک**: «آخر تو واقفی که چه رفت...» بدون اشکال منظور شاعر را می‌رساند. این نکته نیز علاوه شود که کاتب نسخهٔ **یج** (۸۱۳) در ضبط این غزل سه بیت حذف کرده است، در بسیاری از غزلهای دیگر نیز نسخهٔ **یج** یک یا دو بیت کم دارد.

توضیحی دربارهٔ مفهوم اصطلاح «نسخه»

نکته‌ای که اشاره به آن سودمند به نظر می‌رسد استنباط مفهوم اصطلاح «نسخه» در کوششهای پژوهشی ضمن استفاده از دستنویسهاست. چندی پیش یک متن چاپی از دیوان حافظ دیدم که روی جلد نوشته شده بود «بر اساس ۱۲ نسخه». کنجکاو شدم ببینم از کدام نسخه‌های خطی استفاده شده است. در فهرست منابع درج شده بود: نسخهٔ قدسی، نسخهٔ خلخالی، نسخهٔ قزوینی، نسخهٔ پژمان... الی آخر که هیچ یک نسخهٔ خطی نبود.

برای اکثر واژه‌ها درکتاب لغت معانی متعددی درج می‌شود. درکاربرد عمومی زبان، یک واژه می‌تواند انتقال معانی متفاوتی را به عهده بگیرد. ولی در یک کوشش مبتنی بر اصول پژوهش، هر واژه باید در چارچوب معین و مشخص، همان مفهوم خاصی را که مورد تفاهم میان افراد ذیربط با آن کوشش پژوهشی‌ست برساند و ابهامی از این بابت برای اهل فن پیش نیاید.

در شرح و توضیح کوششهائی که دربارهٔ تدوین اشعار حافظ مطرح است، به منظور متقن و مشخص بودن اصطلاحها و تعریفها، چنین مرسوم شده است که اصطلاح «نسخه» منحصراً به نسخه‌های خطی، یعنی دستنویسهای منحصر به فرد، اطلاق می‌شود. هر متن چاپی الزاماً با عنوان «چاپ» و نه «نسخه» معرفی می‌گردد. وقتی می‌گوئیم «نسخهٔ خلخالی» منظورمان نسخهٔ خطی مورخ ۸۲۷ است که به شادروان سید عبدالرحیم خلخالی تعلق داشت. ولی اثری که به اهتمام ایشان در سال ۱۳۰۶ منتشر گردید عنوانش «چاپ خلخالی»ست و نه «نسخهٔ خلخالی». به همین قرار آنچه به تصحیح علّامه قزوینی در سال ۱۳۲۰ منتشر شد نامش «چاپ قزوینی»ست و چیزی به نام «نسخهٔ قزوینی» وجود

ندارد. اگر به جای «چاپ قدسی» دستنویس خود مرحوم محمد شیرازی متخلص به «قدسی» در دسترس باشد آن دستنویس را با توجه به تاریخ کتابت آن می‌توانیم با عنوان «نسخهٔ قدسی» یک نسخهٔ خطی مکتوب به سال ۱۳۲۲ هجری قمری (یعنی نسخه‌ای متعلق به قرن چهاردهم) بشناسیم و نه نسخه‌ای همطراز با نسخه‌های قرن نهم.

هر پژوهنده از ضبط یک نسخهٔ خطی به طرق مختلف آگاه می‌شود:

۱. مشاهدهٔ اصل نسخه که منظور دست‌نویس منحصر به فرد آن نسخه است. ۲. میکروفیلم نسخه که برای سهولت استفاده معمولاً عکسی از صفحات آن فیلم تهیه می‌شود. ۳. کپی یا تصویر زیراکس. ۴. چاپ عکسی یا افست. ۵. متن چاپی به روش خطاطی مجدد از روی متن نسخه. ۶. متن چاپی به روش تایپ. ۷. استفاده از متون چاپی که اختلافهای ضبط آن نسخهٔ معین هم در آن متون نقل شده است.

این واقعیت شایستهٔ تذکر است که در اکثر چاپهای دیوان حافظ که مصححان منابع مورد استفادهٔ خود را معرفی می‌کنند، نه‌تنها اصطلاح «نسخه» به جای چاپ به‌کار می‌رود، بلکه کاربرد اصطلاحهای دیگر نیز به هم آمیخته است. به طور مثال مصححی می‌نویسد که «از **اصل** نسخهٔ مورخ ۸۲۷، که چاپ عکسی آن در بهار ۱۳۶۹ منتشر گردیده، استفاده کرده است...». در صورتی که منظور مصحح استفاده از همان متن چاپ عکسی بوده و **اصل** نسخهٔ خطی ۸۲۷ در دسترس ایشان قرار نداشته است.

بعضی از مصححان نیز تنها فهرستی از نسخه‌های خطی را به عنوان منابع مورد استفادهٔ خود ذکر می‌کنند ولی تصریح یکی از آن هفت شیوهٔ دسترسی به متن نسخه‌ها را مکتوم می‌دارند.

منابع مورد استفاده

در تدوین غزلهای حافظ مندرجات ۵۱ نسخهٔ خطی که فهرست آنها قبل از پیشگفتار درج شد در دسترس بود ولی نقل اختلاف ضبط همهٔ این نسخه‌ها در ذیل هر غزل ضروری و امکان‌پذیر نبود. از آنجا که اختلاف ضبط پنجاه نسخهٔ خطی سدهٔ نهم در دفتر دگرسانیها در غزلهای حافظ به طور کامل و دقیق قید شده است در این دیوان ذیل اکثر غزلها شش منبع یا

حد اقل پنج منبع معرفی شده است. سه منبع **یج** (= ۸۱۳) **طو** (= ۸۲۲) **خ** (= ۸۲۷) معرف اقدم نسخ و سه یا حد اقل دو منبع دیگر نمونه‌ای از اهم نسخ است.

اختلاف ضبط سه نسخهٔ **یج طو خ** (که در مورد آنها تبلیغات وسیعی شده است) به این منظور در ذیل متن هر غزل درج گردید که محقق شود معیار توجه به ضبط اقدم نسخ رعایت شده است. اما هر قرائتی مندرج در اقدم نسخ همانند نسخه‌های دیگر در شرایطی به متن راه یافته است که ملاک توجه به سبک اندیشه و شیوهٔ بیان حافظ گزینش آن قرائت را تأیید کرده باشد. اصولاً اعتبار قدمت تاریخ کتابت را نمی‌توان به طور مطلق ضامن برتری کلمات و عبارات مندرج در آن نسخه‌ها تلقی کرد. نمونه‌ای از اشتباههای کتابت و ضبطهای نارسای نسخهٔ **یج** پیشتر ذکر شد. در مورد دو نسخهٔ **طو** و **خ** هم باید تصریح بشود که تاریخ کتابت ۸۲۲ و ۸۲۷ یعنی تعلق این دو نسخه به حدود ربع اول سدهٔ نهم به تضمین صحت قرائتهای مندرج در این دو نسخه کمک نمی‌کند.

به دلیل قرابت و مشابهت ضبط نسخه‌های **حی کد** با نسخهٔ **یج** اختلاف آن دو نسخه در ذیل همهٔ غزلها همراه دگرسانیهای نسخهٔ **یج** افزوده نشده است. چهار نسخهٔ **کا** (= ۸۲۱)، **کج** (= ۸۲۳)، **که** (= ۸۲۵)، **قو** (= ۸۵۹) همسانی بیشتری ارائه می‌دهند. ضمناً نسخهٔ **کج** به خط کاتب نسخهٔ **کا** و متن مکرر آن نسخه و یا رونویسی مکرری از سرمشق نسخهٔ **کا** محسوب می‌شود و چون این چهار نسخهٔ همونده حاوی اغلاط و اشتباههای بیشتری هستند لذا از افزودن شناسهٔ آنها در ردیف منابع صرف نظر شد، مگر به طور استثنا برای ارائهٔ ضبطی خاص.

نسخه‌هائی که به عنوان اهم نسخ معرفی می‌شوند در هیچ غزل پیشاپیش به عنوان نسخهٔ اساس انتخاب نشده‌اند بلکه این آگاهی را مشهود می‌سازند که در هر غزل ضبط کدام نسخه یا نسخه‌ها با سرتاسر متنی که بر اساس بررسی انتقادی تدوین شده است مطابقت دارد یا کمترین اختلاف را نمایان می‌سازد. در بعضی از غزلها انتخاب یک یا چند نسخهٔ خاص در ردیف نسخ اساس به این دلیل بوده است که آن نسخه‌ها ترتیب ابیات در متن آن غزل را تأیید می‌کنند.

از یک نسخهٔ خطی متعلق به سدهٔ نهم نیز برای نخستین بار در تدوین کتاب حاضر

استفاده شده است و آن نسخهٔ مورخ ۸۷۵ هجری‌ست که در سال ۱۳۸۴ به گنجینهٔ نسخ خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران افزوده شده و با شناسهٔ **عز** در ضمن منابع تعدادی از غزلها معرفی گردیده است.

پس از درج اختلاف کلمات و عبارات مضبوط در نسخه‌های منبع با متن منتخب شمار دگرسانیها یعنی تعداد موارد اختلاف هر نسخه با متن به ترتیب بیشترین اختلاف تا کمترین اختلاف نمایانده شده و طبعاً نبودن اختلاف در نسخه‌هائی که با متن مطابقت دارد با رقم صفر مشخص گردیده است. در هر غزل اگر ضبط نسخه‌های متعددی با متن برابر است شناسهٔ تعدادی از آن نسخه‌ها همراه منابع افزوده شده است.

در اینجا لازم می‌داند تأکید شود که آنچه به عنوان دگرسانی از نسخه‌های خطی سدهٔ نهم در این دیوان درج شده بدون استثنا با مراجعه به اصل یا عکس و تصویر آن نسخه‌ها نقل گردیده است و متون چاپیِ تک‌نسخه‌ای و یا نشریاتی که اختلاف ضبط بعضی از نسخه‌ها را معرفی کرده‌اند مورد استناد قرار نگرفته است. ضمناً در نقل مندرجات نسخه‌های خطی و در تدوین اشعار در هیچ مورد تصحیح قیاسی به عمل نیامده است.

ترتیب ابیات در متن غزلها

ترتیب ابیات غزلهای مندرج در بخش اول این دیوان غالباً همان است که در دفتر دگرسانیها در غزلهای حافظ با توجه به ترتیب ابیات آن غزل در اکثر نسخه‌های خطی نقل شده است. بعضی از غزلها در تعدادی از نسخ بیتی افزوده دارد که انشاد متفاوتی از مضمون یکی از ابیات آن غزل است و گاهی قافیهٔ هر دو بیت مشترک است. این قبیل ابیات در متن غزل داخل نشده و در دفتر دگرسانیها مشخص می‌گردد که هر بیت خارج از متن درکدام نسخه‌ها و نخستین بار درکدام نسخه کتابت شده است.

بررسی نسخه‌های خطی مشخص می‌سازد که درج ابیات متضمن مدح بعد از بیت تخلص مؤید این واقعیت است که این ابیات کاربرد اتفاقی و اختصاصی داشته است. در ضبط نسخه‌های خطی ابیات مدح غالباً محذوف است و اگر هم در نسخه‌هائی درج شده باشد بعد از بیت تخلص و بیرون از متن اصلی غزل است. بعضی از مصححان دیوان حافظ

تنها با توجه به این شیوه که در سنت غزلسرائی اصولاً بیت تخلص شاعر آخرین بیت غزل است، ابیات متضمن مدح را به داخل غزل تغییر مکان داده‌اند. به طور مثال در غزل شماره ۱۶۶ بیت زیر:

شد لشکر غم بیعدد از بخت می‌خواهم مدد — تا فخر دین عبدالصمد باشد که غمخواری کند

از مجموع ۲۸ نسخه که این غزل را دارند در ۱۲ نسخه (از جمله در نسخهٔ خ) محذوف ولی در چاپ قزوینی پیش از بیت تخلص (غزل شماره ۱۹۱) افزوده شده است. همچنین در غزل ردیف ۱۸۷ بیت زیر:

گر نکردی نصرت دین شاه یحیی از کرم — کار ملک و دین ز نظم و اتّساق افتاده بود

از مجموع ۳۳ نسخه تنها در دو نسخه نوشته شده و در نسخهٔ خطی **خ** نیز محذوف است. ولی در چاپ قزوینی (شماره ۲۱۲) این بیت پیش از بیت تخلص به داخل متن غزل منتقل گردیده است. در چاپ حاضر بعضی از ابیات الحاقی و طبع‌آزمائی متفاوت یک مضمون و همچنین ابیات متضمن مدح در ذیل ابیات اصلی هر غزل جدا از متن درج شده و شمارهٔ ترتیب این قبیل ابیات در داخل پرانتز گذاشته شده است.

تفکیک غزلها از غزلواره‌ها

هیچ مدرکی به نظر کسی نرسیده است که معلوم شود حافظ اشعار خود را در دفتری که آن را «سفینه» می‌نامد[۲] به چه روش یادداشت کرده بود. نخستین جامع دیوان حافظ (محمد گلندام) نیز در مقدمهٔ دیوان کار جمع‌آوری اشعار حافظ را با اصطلاح «ترتیب این کتاب و تبویب این ابواب» ذکر کرده و اطلاعی بیش از این نیفزوده است.

در قدیمی‌ترین نسخهٔ موجود از دیوان حافظ (نسخهٔ **یج** مکتوب به سال ۸۱۳) غزلهای حافظ به ترتیب الفبائی حروف آخر قافیه یا ردیف تنظیم گردیده ولی این غزلها در دو بخش کتابت شده است. در بخش اول ۲۵۲ غزل و به دنبال آن در بخش دوم با قید عنوان «تتمهٔ دیوان حافظ» ۲۱۶ غزل دیگر به ترتیب از قافیهٔ حرف الف تا حرف ی ضبط گردیده

---

۲. درر ز شوق برآرند ماهیان به نثار — اگر سفینهٔ حافظ بری به دریائی

است. بعد از درج غزلها دو قصیدهٔ «جوزا سحر نهاد حمایل برابرم» و «ای در رخ تو پیدا انوار پادشاهی» و بعد مثنویات و مقطعات و رباعیات نوشته شده است.

جدا کردن تعدادی از غزلهای مندرج در نسخه‌های خطی از غزلهای اصلی در ضمن تدوین دیوان حافظ امر بی‌سابقه‌ای نیست. در جلد دوم دیوان حافظ به تصحیح دکتر خانلری ۳۸ غزل زیر عنوان «ملحقات» افزوده شده که منظور غزلهائی‌ست که تنها در یک و گاهی در دو نسخه از مجموع منابع مصحح وجود داشته است.

در چاپ حاضر اشعاری که با عنوان غزلواره‌ها از جرگهٔ غزلهای ناب حافظ تفکیک شده است بیش از آنکه به آمار درج آن اشعار در نسخه‌های خطی مربوط باشد به سبک انشاد و مضمون آن چکامه‌ها بستگی دارد و برخی از آنها را می‌توان در ردیف قصاید کوتاه یا تشبیب و تغزل متمایز دانست.

آمار غزلهای حافظ در دیوان حاضر بالغ بر ۴۷۴ غزل است و تفکیک ۵۰ غزلواره از ۴۲۴ غزل اصلی حافظ تأثیری در محتوای دیوان ندارد و تنها مسألهٔ نظم و ترتیب و شماره‌گذاری غزلها مشخص می‌سازد که ۵۰ غزلواره از رقم ۴۲۵ تا ۴۷۴ شماره‌گذاری شده است.

تفکیک قصیده‌ها از غزلها

با آنکه قصیده‌های کوتاه و حتی قصیدهٔ «جوزا سحر نهاد حمایل برابرم...» در ۲۵ بیت در اکثر نسخه‌ها متداخل با غزلها کتابت شده است ولی با تدقیق در متن نسخه‌های خطی سدهٔ نهم ملاحظه می‌شود که شیوهٔ تفکیک قصیده‌ها از غزلها (هرچند به صورت ناقص و محدود) در تعدادی از نسخه‌ها رعایت گردیده است. به طور مثال کاتب نسخهٔ **یج** بعد از اتمام غزلها دو قصیدهٔ ق۵ (جوزا سحر نهاد...) و ق۱۴ (ای رخ تو پیدا...) را کتابت کرده است. در نسخهٔ **که** بعد از درج غزلها سه قصیده: ق۱۳ (احمد الله علی...)، ق۱ (سپیده دم که صبا...)، ق۵ (جوزا سحر نهاد...) افزوده شده است... در نسخهٔ **سو** بعد از درج غزلها (که در میان آنها ۹ قصیده هم متداخل است) پنج قصیده به طور نسبتاً کامل به این ترتیب کتابت شده است: ق۱ (سپیده دم که صبا...)، ق۱۴ (ای در رخ تو پیدا...)، ق۵ (جوزا سحر

نهاد حمایل...)، ق۷ (شد عرصهٔ زمین...)، ق۱۲ (ز دلبری نتوان...).

قصیدهٔ (سپیده دم که صبا...) تنها در چهار نسخهٔ که سو صد تم به صورت کامل درج گردیده ولی در ۱۸ نسخه در قالب ۷ تا ۱۷ بیت در جوار غزلهای دیگر نقل شده است و برای ارائهٔ هیأت یک غزل بیت زیر را در پایان آن چکامه افزوده‌اند:

خیال شاهی اگر نیست در سر حافظ چرا به تیغ زبان عرصهٔ بیان گیرد

استاد دکتر خانلری در گزارش کار می‌نویسد: «اگر مضمون شعر را ملاک تمایز قصیده و غزل قرار دهیم غزلهای متعددی در دیوان خواجه هست که باید قطع نظر از شمار ابیات قصیده شمرده شوند...» (جلد دوم دیوان حافظ، ص ۱۱۴۳).

آنچه مسلم است در دیوان حافظ ۱۴ قصیده هست که از نظر محتوا و مضمون و سبک ترکیب با غزلها متفاوت است و روش صحیح و منطقی آن است که این ۱۴ قصیده در جوار هم و جدا از غزلها درج گردد. فهرست قصیده‌ها در آغاز درج متن آن قصاید قید شده است.

قرائتهای ویژه

چاپ اول غزلهای حافظ بر اساس ۴۳ نسخهٔ خطی سدهٔ نهم که در سال ۱۳۷۱ منتشر شد قرائتهائی را مطرح ساخت که برخی از آنها با چاپهای مشهور متفاوت بود. اگرچه عامل انس و الفت با متن چاپهای مشهور مانعی در راه پذیرش سریع این قرائتهای ویژه ایجاد می‌کرد، با این حال، پاره‌ای از آنها به تدریج در چاپهای متفاوت دیوان حافظ راه یافت، باشد که در آیندهٔ نه چندان دور دیگر قرائتهای ویژه با امعان نظر در مفاد و مفهوم آنها مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود.

آذر ماه ۱۳۸۶

سلیم نیساری

مقدمهٔ جامع دیوان حافظ *

حمد بی‌حد و ثنای بی‌عد و سپاس بی‌قیاس حضرت خداوندی را که جمع دیوان حافظان ارزاق به پروانهٔ سلطان ارادت و مشیّت اوست. بی‌مانندی که رفع بنیان ایوان سبع طباق نشانهٔ[1] عرفان حکمت بی‌علّت اوست. حکیمی که بلبل دستان سرای خوشنوای زبان را در قفس تنگ دهان به قوّت اذهان در ترنّم و تنعّم اِنَّ مِنَ الشِّعرِ لَحِکْمَةً آورد. علیمی که طوطی شکرخای ناطقهٔ انسانی را[2] در محاذات آینهٔ تأمّل عرایس معانی به ادای دلگشای اِنَّ مِنَ البَیانِ لَسِحْراً گویا کرد. قطعه:

آن بنده‌پروری که زبان در دهان نهاد — دُرِّ کلام در صدف هر زبان نهاد
جان را ز خوان لفظ غذائی لطیف داد — دل را مُفَرِّحی ز سخن در بیان نهاد
در بحر سینه درِّ معانی بپرورید — در کان طبع لعل سخن بیکران نهاد

* برای تنظیم این مقدمه از منابع زیر استفاده شده است:
۱. نسخهٔ **کد** - مورخ ۸۲۴ (یک برگ از آغاز آن افتاده است).
۲. نسخهٔ **لو** - مورخ ۸۳۶ (در این نسخه هم برگ اول مقدمه افتاده است).
۳. نسخهٔ **ق** - مورخ ۸۶۴ (یک برگ در وسط افتادگی دارد).
۴. نسخهٔ **صحِ** - (متن نسخه مکتوب به سال ۸۹۳ است ولی مقدمه نونویس است و محتملاً در قرن دهم نوشته شده. یک برگ از آغاز مقدمه در این نسخه نیز افتاده است).
۵. نسخهٔ **ع** - مورخ ۹۶۳ به خط محمد بن عربشاه الحسینی متعلق به کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.
۶. نسخهٔ **ف** - مورخ ۹۸۴ متعلق به کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.
متن این مقدمه تا نشانهٔ * در صفحهٔ ۲۴ مستند است بر ضبط نسخهٔ ق و از آنجا تا پایان مقدمه بر ضبط نسخهٔ کد مستند می‌باشد. هر جا اصلاحی در ضبط این دو نسخه به عمل آمده است ضبط نسخهٔ اساس و همچنین منبع استناد متن در حاشیه قید شده است.

۱) نسخهٔ ق: طباق نساق. (متن - ف)   ۲) ق: انسانی [را] در محاذات. (متن - ع)

و جواهر منظوم صلوات بی‌نهایت، و زواهر[3] منثور تحیّات بی‌منتها و غایت، نثار روح پرفتوح و صدر مشروح زبان‌آوری که ندای جان‌فزای اَنَا اَفصَحُ العَرَبِ و العَجَم به مسامع مجامع عالمیان و آدمیان رسانید، و از شمیم نسیم روحپرور اِنَّ روحَ القُدُسِ نَفَثَ فی روعی مشام جان زنده‌دلان هر دو جهان را معطّر و مروّح گردانید، و سر زلف عروسان سخن را به دستیاری اَلا اِنّی اوتیتُ القرآنَ و مِثلَهُ مَعَهُ حسن بیان او پیراست[4]، و گردن و گوش دلها را به دُرر فراید[5] جان‌فزای و غرر فواید معجزنمای اوتیتُ جَوامِعَ الکَلِمِ لفظ گهربار او آراست[6] اعنی جناب رسالت مآب، خواجهٔ کشور دانائی، دیباچهٔ دفتر[7] سخن‌آرائی، صادق برهان ص و القرآنِ ذِی الذِّکرِ، صاحب دیوان وَ ما عَلَّمناهُ الشِّعرَ، صدر جریدهٔ انبیا، بیت القصیدهٔ اصفیا محمّد مصطفی صلّی الله علیه و علی آله و سلّم.

چشم و چراغ جمع رُسُل هادی سُبُل — سلطان چار بالش اِیوان اصطفا
گنجینهٔ حقایق اسرار کاینات — مجموعهٔ مکارم اخلاق انبیا
*دستش محیط جود[8] و دَمش کیمیای علم — لفظش مکان صدق و دلش معدن صفا

درود بی‌کران و تحیّات فراوان بر ارواح طیّبه و اشباح طاهرهٔ جماهیر آل و اصحاب و مشاهیر رجال احباب او باد که تا سمند خوش‌خرام عبارت و رخش تیزگام مجاز و استعارت را زین تزئین نهاده در میدان بیان جولان نمودند و به چوگان فصاحت و بلاغت گوی هنروری و سخندانی از مصاقع خطبا[9] و ادبای اقاصی و ادانی در ربودند؛ و تا صدای صیت رسالت و ندای صوت جلالت محمّدٌ رسولُ الله وَ الّذینَ مَعَهُ اَشِدّاءُ علیَ الکُفّارِ به گوش هوش فصحاء اطراف عالم و بلغاء اکناف امم دادند و سنان لسان و تیغ بیان وَالشُّعَراءُ یَتَّبِعُهُم الغاوونَ از هیبت جلال نبوّت[10] در غمد کلال و نَبوَت بماند، مشاهیر صفّ قتال

یَرمونَ بِالخُطَبِ الطِّوالِ و تارَةً — وَ حْیَ المَلاحِظِ خیفَةَ الرُّقَباءِ[11]

* نسخهٔ کد از اینجا آغاز می‌شود و متن مطابق است با این نسخه.

۳) ق: و جواهر منثور. (متن - ع)
۴) ق: بیان او آراست. (متن - ع)
۵) ق: به دز فواید. (متن - ع)
۶) ق: گهربار او پیراست. (متن - ع)
۷) ق: دیباجهٔ سردفتر. (متن - ع)
۸) کد: محیط [جود] و. (متن - ق)
۹) کد: از مصاقع [خطبا]. (متن - ق)
۱۰) کد: از هیبت جلالت او (متن - ف)
۱۱) کد: خیفة الرقاة؟ (متن - صح)

هنگام تحدّی و جدال از معارضه و مقابلهٔ ایشان سپر[12] عجز و ابتهال در روی قیل و قال کشیدند که لا یَأْتونَ بِمثلِهِ ولو کانَ بَعضُهُم لِبعضٍ ظَهیرا.

مستغرق درود[13] و ثنا باد روح او   تا روز را فروغ بود شمس را شعاع

اما بعد، بر نقّادان رستهٔ بلاغت و جوهریان روز بازار فضل و براعت*، نامداران خطّهٔ سخن، شهسواران عرصهٔ ذکا و فطن، سالکان مسالک نظم و نثر، مالکان ممالک دقایق[14] شعر پوشیده نیست که گوهر سخن در اصل خویش سخت قیمتی و باصفا، و کلام منظوم در نفس خود عظیم نفیس و گرانبها[15]ست. در دکان امکان هیچ متاع ازو گرانمایه‌تر نتوان خرید؛ و در بازار ادوار هیچ بضاعت ازو بارفعت‌تر نتوان دید. صیرفی خرد را نقدی از آن عزیزتر به دست دل نیاید، و نقشبند فکرت را صورتی زیباتر ازو در پردهٔ خیال روی ننماید. وزن و مقدار این دُرّ شاهوار نداند الّا خردمند کامل و قدر و اعتبار این نقد تمام عیار نشناسد الّا صیرفی عاقل. بیت:

گر بُدی گوهری ورای سخن   آن فرود[16] آمدی بجای سخن

و هُوَ مَیدانٌ لا یُقطَعُ[17] الّا بِسوابِقِ الأَذْهانِ و میزانٌ لا یُرفَعُ[18] الّا بأَیْدی بَصائِرِ البَیانِ. امّا تفنّن اسالیب کلام و تنوّع تراکیب و نظام بسیار و بیشمار است. و تفاوت حالات سخنوران و تباین درجات هنرپروران بحسب مناسبت نفوس و طباع و رعایت موافقت رسوم و اوضاع بود؛ و تقبیح و تحسین و نفرین و آفرین به اعتبار مقتضیات مقام و اعتنا و اهتمام به شأن افتراص و اغتنام هنگام ایراد کلام، فصل و وصل و تعریف و تنکیر و تقدیم و تأخیر و ابهام و توضیح و کنایت و تصریح و ایجاز و اطناب و خواص افادت ترکیب[19] در هر باب جمله بر این یک مسأله مبتنی و متکلّم علی الحقیقه بر رعایت این دقیقه معتنی. و قد[20] قیلَ لَیسَتِ البَلاغَةُ اَن یُطالَ عِنانُ القَلَمِ و سِنانُهُ وَ یُبسَطَ بُرهانُ القولِ و میدانُهُ بَل هِیَ اَن

* نسخهٔ لو از اینجا آغاز می‌شود.

۱۲) کد: ایشان [سپر]. (متن - صج)
۱۳) کد: حمد و ثنا (متن - صج)
۱۴) کد: ممالک شعر. (متن - لو)
۱۵) کد: گرانبها و نفیس است. (متن - لو)
۱۶) کد: ز آسمان آمدی (متن - لو)
۱۷) کد: لا ینقطع. (متن - لو)
۱۸) کد: لا یرتفع. (متن - لو)
۱۹) کد: افادت [ترکیب]. (متن - ق)
۲۰) کد: و قیل. (متن - لو)

يُبلَغَ اَمَدُ المُرادِ بِاَلفاظِ اَعيانٍ و معانٍ اَفرادٍ. و شاعر ماهر چون به کنه این نکته[21] رسد و بر جلیّهٔ این قضیّه واقف شود رخسارهٔ عبارت او نضارت گیرد[22] و جمال مقال او طراوت پذیرد تا یک بیت او نـایب مناب قصیده‌ای باشد و یک غزل او واقع موقع دیوانی گردد. به قطعه‌ای مملکتی اقطاع یابد و به رباعئی از ربع مسکون خراج ستاند.

قافیه سنجان که علم برکشند — گنج دو عالم به سخن درکشند
خاصه کلیدی که در گنج راست — زیر زبان مرد سخن سنج راست

مَخلَص این کلمات و مُلَخَص این مقدّمات ذات ملک صفات مولانای معظّم مرحوم سعید شهید مفخر افاضل العلما، استاد نحاریر الادبا، معدن اللطایف الروحانیة، مخزن المعارف السبحانیة، شمس الملّة و الدّین محمد حافظ بود طیّب الله تُربَتَهُ و رَفَعَ فی عالَمِ القُدسِ رُتبَتَهُ که اشعار آبدارش رشک[23] چشمهٔ حیوان و بنات افکارش غیرت حور و وِلدان است. ابیات دلاویزش ناسخ[24] سخنان سحبان و منشآت لطف‌آمیزش مُنسی[25] حِسان حَسّان.

کَنَظْمِ الجُمانِ وَ روضِ الجِنان — و اَمنِ الفُؤادِ و طیبِ الرُقاد

مذاق وفاق عوام را به لفظ[26] متین شیرین کرده و دهان جان خواص را به معنی مبین نمکین داشته، هم اصحاب ظاهر را بدو ابواب آشنائی گشوده و هم ارباب باطن را ازو مواد روشنائی افزوده. در هر باب سخنی مناسب حال گفته و برای هر کسی معنیئی غریب لطیف انگیخته. معانی بسیار در الفاظ اندک خرج کرده و انواع اِبداع[27] در دُرج انشا و انشاد درج کرده*. رواحل[28] غزلهای جهانگیرش در ادنی مدّتی به حدود اقالیم ترکستان و هندوستان رسیده و قوافل سخنهای دلپذیرش در اقلّ زمان

* از اینجا در حدود ۳۴ سطر مطلب در بعضی از نسخه‌های خطی متأخر و در چاپهای متفاوت، از جمله چاپ علامه قزوینی (صفحهٔ قا از سطر۶، صفحه‌های قب، قج، و صفحهٔ قد تا سطر۷)، در توصیف سحرِ حلالِ طبعِ فیاض و رشحاتِ ینابیعِ ذهنِ وقادِ حافظ، با عباراتی متصنع، قلمی شده است. این مطالب به احتمال قریب به یقین الحاقی ست. از چهار نسخهٔ اساس علامه قزوینی برای تدوین مقدمهٔ گلندام، قدیمترین نسخه (با نشانهٔ حن)، طبق اظهار ایشان، ظاهراً در اواخر قرن یازدهم کتابت شده است.

۲۱) کد: به کنه این [نکته] رسد. (متن = لو) ۲۲) کد: نضارت [گیرد]. (متن - لو)
۲۳) کد: [رشک] چشمهٔ. (متن - لو) ۲۴) کد: پاسخ سخنان. (متن - لو)
۲۵) کد: منشأ حسان. (متن - لو) ۲۶) کد: به لطف متین. (متن - ق)
۲۷) کد: انواع ابداع را. (متن - لو) ۲۸) کد: [ ] غزلهای (متن- نسخهٔ ۲۴۰۸ کتابخانهٔ مجلس)

به اطراف و اکناف عراقین و آذربایجان کشیده. قَد هَبَّ هُبوبَ الرِیحِ و دَبَّ دَبیبَ النَسیمِ بَلْ سارَ سیرَ الأمثالِ و سَری سُری الخیال.

سماع صوفیان بی‌غزل شورانگیز او گرم نشدی و بزم پادشاهان بی‌نقل سخن ذوق‌آمیز او زیب و زینت نداشتی. بلکه های و هوی مستان بی ولولهٔ شوق او نبودی، و سرود رود می پرستان بی‌غلغلهٔ عشق او رونق نیافتی چنانکه[29] شاعر گوید:

غزل سرائی حافظ بدان رسید که چرخ	نوای زهره و رامشگری بهشت از یاد
بداد داد بیان در غزل بدان وجهی	که هیچ شاعر ازینگونه داد نظم نداد
چو شعر عذب روانش زبر کنی گوئی	هزار رحمت حق بر روان حافظ باد

بلی محافظت درس قرآن و ملازمت شغل تعلیم سلطان و تحشیهٔ کشّاف و مفتاح و مطالعهٔ مطالع و مصباح و تحصین قوانین ادب و تحسین دواوین عرب از جمع اشتات غزلهایش مانع آمدی و از تدوین و اثبات ابیاتش وازع گشتی. و مسوّد این ورق عفا اللهُ تعالی عَنهُ ما سَبَقَ[30] در درسگاه دین پناه مولانا و سیّدنا استاد البشر قوام الملّة و الدین عبدالله اعلی الله سبحانه درجاته فی علیین به کرّات و مرّات که مذاکره رفتی در اثنای محاوره گفتی که این فواید فراید[31] را همه در یک عقد می‌باید کشید. و این غرر دُرر را در یک سلک می‌باید پیوست، تا قلادهٔ جید وجود اهل روزگار و زمان گردد، و تمیمهٔ وُشاح عروسان دوران شود، حوالت دفع و منع آن به ناپروائی روزگار زورکار کردی و نقض و غدر اهل عصر عذر آوردی. تا در تاریخ شهور سنهٔ احدی و تسعین و سبعمائه ودیعت حیات را به موکّلان قضا و قدر سپرد و رخت وجود از دهلیز تنگ اجل بیرون برد. روان پاکش با ساکنان عالم علوی قرین شد و پس از مفارقت بدن[32] همخوابهٔ پاکیزه رویان حورالعین گشت. نظم تاریخ وفات:

به سال با و صاد و ذال ابجد	ز روز هجرت میمون احمد
بسوی جنّت اعلی روان شد	فرید عهد شمس الدین محمّد
به خاک پاک او چون بر گذشتم	نگه کردم صفا و نور مرقد

سوابق حقوق صحبت و لوازم عهود محبّت و ترغیب عزیزان با صفا و تحریض و تحضیض

---

۲۹) کد: چنانچه. (متن - لو)

۳۰) کد: عفا الله عما سبق (متن - لو). در نسخهٔ ف - عفی الله عنه تعالی عما سبق اقل انام محمد گل‌اندام.

۳۱) کد: این قول پر فواید را. (متن - لو)   ۳۲) کد: پس از معارف ندر. (متن - لو)

دوستان باوفا، که صفحهٔ حال از فروغ نور ایشان جمال گیرد و بضاعت افضال به حسن تربیت[۳۳] ایشان کمال پذیرد حامل و باعث بر ترتیب این کتاب و تبویب[۳۴] این ابواب گشت.

امید به کرم واهب الوجود و مُفیض الخَیرِ و الجود آنکه قائل و ناقل و جامع و سامع را در خلال این احوال و اثنای این اشتغال[۳۵] حیاتی تازه و مسرّتی بی‌اندازه کرامت گرداند و هفوات و عثرات و زلّات را به فضل شامل و لطف کامل و عفو کافل در گذراند. اِنَّهُ عَلیٰ ذلکَ قَدیر و بِالِاجابَةِ جدیر و الحمدُ لِلّهِ حَقَ حَمدِهِ و الصّلوةُ و السّلامُ عَلیٰ خَیرِ خَلقِهِ مُحمّدٍ و آلِه و صَحبِهِ و عِترَتِهِ اجمعین و سَلَّمَ تسلیما.

۳۳) کد: به حسن ترتیب. (متن = لو)

۳۴) کد: و ثبوت این ابواب. (متن = لو)

۳۵) کد: این انتقال (؟). (متن = لو)

بخش اول

غزلها

۱

۱ اَلا یا اَیُّها السّاقی اَدِرْ کَأساً و ناوِلْها	که عشق آسان نمود اوّل ولی افتاد مشکلها

۲ به بوی نافه‌ای کآخر صبا زان طرّه بگشاید	ز تاب زلف مشکینش چه خون افتاد در دلها

۳ به می سجّاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید	که سالک بیخبر نبود ز راه و رسم منزلها

۴ مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم	جرس فریاد می‌دارد که بر بندید محملها

۵ شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هائل	کجا دانند حال ما سبکباران ساحلها

۶ همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید آری	نهان کی ماند آن رازی کزان سازند محفلها

۷ حضوری گر همی خواهی ازو غایب مشو حافظ	مَتیٰ ما تَلْقَ مَن تَهویٰ دَعِ الدُّنیا و اَهمِلْها

۵ نسخه: **یج طو خ سو سز**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۴ نسخهٔ فوق (سوای خ)

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خ	:	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷

۱/۱ **یج**: الا یا [ا] یها الساقی

۲/۱ **طو**: زان زلف.

۲/۲ **طو خ سز**: جعد مشکینش.

۳/۱ **یج**: رنگین [ ] گرت.

۵/۲ **یج**: سبکباران به ساحلها.

۶/۱ **خ**: کشید آخر.

۶/۲ **خ سز**: کزو سازند.

۷/۱ **طو**: مشو غایب ازو.

۷/۲ **طو**: من اهوی.

شمار دگرسانیها: طو = ۴ ـ یج خ = ۳ ـ سز = ۲ ـ سو = ۰

۱/۱. ای ساقی جامی بگردان و آن را به من ده.

۷/۲. هنگامی که دیدار کردی کسی را که دوست می‌داری دنیا را رها کن و به حال خود واگذار.

۲

۱ صلاح کار کجا و من خراب کجا   ببین تفاوت ره کز کجاست تا به کجا

۲ چه نسبت است به رندی صلاح و تقوا را   سماع وعظ کجا نغمهٔ رباب کجا

۳ دلم ز صومعه بگرفت و خرقهٔ سالوس   کجاست دیر مغان و شراب ناب کجا

۴ بشد، که یاد خوشش باد، روزگار وصال   خود آن کرشمه کجا رفت و آن عتاب کجا

۵ ز روی دوست دل دشمنان چه در یابد   چراغ مرده کجا، شمع آفتاب کجا

۶ مبین به سیب زنخدان که چاه در راه است   کجا همی روی ای دل بدین شتاب کجا

۷ چو کحل بینش ما خاک آستان شماست   کجا رویم، بفرما، ازین جناب کجا

۸ قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست   قرار چیست؟ صبوری کدام و خواب کجا

۶نسخهٔ: **یج طو خ سز فخ فط**

متن = **یج‌فخ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۳	۰	۴	۶	۵	۷
خ سز فط :	۱	۳	۲	۷	۴	۶	۵	۸

۲/۱ **یج** : صلاح تقوی را.

۳/۱ **طو** : جامهٔ سالوس.

۴/۱ **یج** : که یاد خوشش [ ] روزگار وصال.

۵/۲ **یج** : شمع و آفتاب. **طو**: قرص آفتاب.

۶/۱ **طو** : مبین تو چاه زنخدان.

۷/۱ **طو** : دیدهٔ ما.

شمار دگرسانیها: طو = ۴ ـ یج = ۳ ـ خ سز فخ فط = ۰ ـ

۳

۱ دل می‌رود ز دستم صاحبدلان، خدا را ‌‌ ‌ دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

۲ کشتی شکستگانیم، ای باد شرطه برخیز ‌ ‌ باشد که باز بینیم دیدار آشنا را

۳ ده‌روزه مهر گردون افسانه است و افسون ‌ ‌ نیکی بجای یاران فرصت شمار یارا

۴ در حلقهٔ گل و مل خوش خواند دوش بلبل ‌ ‌ هاتِ الصَّبوحَ هُبّوا یا اَیُّها السُّکارا

۵ آئینهٔ سکندر جام می است، بنگر ‌ ‌ تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا

۶ ای صاحب کرامت، شکرانهٔ سلامت ‌ ‌ روزی تفقّدی کن درویش بینوا را

۷ آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است: ‌ ‌ با دوستان مروّت، با دشمنان مدارا

۸ در کوی نیکنامی ما را گذر ندادند ‌ ‌ گر تو نمی‌پسندی تغییر کن قضا را

۹ آن تلخوش که صوفی امّ الخبائثش خواند ‌ ‌ اَشهیٰ لَنا و اَحلیٰ مِن قُبلَةِ العَذارا

۱۰ هنگام تنگدستی در عشق کوش و مستی ‌ ‌ کین کیمیای هستی قارون کند گدا را

۱۱ ترکان پارسی گو بخشندگان عمرند ‌ ‌ ساقی بده بشارت پیران پارسا را

۱۲ حافظ بخود نپوشید این خرقهٔ می‌آلود ‌ ‌ ای شیخ پاکدامن معذور دار ما را

---

(۱۳) سرکش مشو که چون شمع از غیرتت بسوزد ‌ ‌ دلبر که در کف او موم است سنگ خارا

(۱۴) گر مطرب حریفان این پارسی بخواند ‌ ‌ در رقص و حالت آرد پیران پارسا را

۵ نسخه: ک یج طو خ فط

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	(۱۳)	(۱۴)
متن = ک یج:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۰	۰
طو:	۱	۲	۴	۰	۵	۶	۰	۸	۳	۰	۰	۹	۷	۱۰
خ:	۱	۲	۳	۴	۱۱	۵	۶	۷	۸	۹	۱۲	۱۳	۱۰	۰
فط:	۱	۲	۳	۴	۱۱	۵	۶	۷	۸	۱۰	۱۲	۱۳	۹	۰

۱/۲ **یج**: درد بنهان. ۲/۱ **فط**: کشتی نشستگانیم. ۲/۲ **یج خ**: باز بینم. **ک یج**: آن یار آشنا را.
۴/۲ **خ**: هبوا. **یج**: یا [ا] یها السکارا. ۵/۱ **یج**: جامی‌ست نیک بنگر. **طو**: جام جم است بنگر. ۹/۱ **ک یج**: بنت العنب.
ک یج: که زاهد. ۹/۲ **ک**: اسقی لنا. ۱۰/۱ **خ فط**: در عیش کوش و. ۱۱/۱ **ک خ فط**: خوبان پارسی‌گو.
۱۱/۲ **خ**: رندان پارسا را. شمار دگرسانیها: یج = ۷ ـ ک خ = ۵ ـ فط = ۳ ـ طو = ۱ ـ (۴ بیت کم دارد).

۴/۲. [ساقی] شراب صبحگاهی را بیاور، بیدار شوید ای باده‌نوشان. ۹/۲. گواراتر است برای ما و شیرین‌تر است از بوسهٔ دوشیزگان.

۴

۱ به ملازمان سلطان که رساند این دعا را — که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را
۲ ز رقیب دیو سیرت به خدای خود پناهم — مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را
۳ مژهٔ سیاهت ار کرد به خون ما اشارت — ز فریب او بیندیش و غلط مکن نگارا
۴ دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی — تو ازین چه سود داری که نمی‌کنی مدارا
۵ همه شب درین امیدم که نسیم صبحگاهی — به پیام آشنایان بنوازد آشنا را
۶ چه قیامت است جانا که به عاشقان نمودی — رخ همچو ماه تابان قد سرو دلربا را
۷ به خدا که جرعه‌ای ده تو به حافظ سحرخیز — که دعای صبحگاهی اثری کند شما را

۵ نسخه: یج طو خ نح حک

متن = خ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج نح	۱	۲	۴	۳	۵	۰	۰
طو	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰
حک	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۲/۱ یجخ نح: به خدای خود بنالم. ۲/۲ حک: مددی کند خدا را.
۴/۱ یج: دل عاشقان. طو: که عذار. ۴/۲ یج: چو نمی‌کنی مدارا.
۵/۱ نح: همه شب امیدوارم.
۶/۲ خ: دل و جان فدای رویت بنما عذار ما را.
شمار دگرسانیها: یج = ۳ ـ خ نح = ۲ ـ طو حک = ۱ ـ

۵

۱ اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را — به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

۲ بده ساقی میِ باقی که در جنّت نخواهی یافت — کنار آب رکناباد و گلگشت مصلّا را

۳ فغان کین لولیان شوخ شیرین‌کار شهرآشوب — چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را

۴ ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی ست — به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را

۵ من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم — که عشق از پردهٔ عصمت برون آرد زلیخا را

۶ نصیحت گوش کن جانا که از جان دوستر دارند — جوانان سعادتمند پند پیر دانا را

۷ حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کمتر جو — که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معمّا را

۸ بدم گفتیّ و خرسندم، عفاک اللّه نکو گفتی — جواب تلخ می‌زیبد لب لعل شکرخا را

۹ غزل گفتیّ و دُر سفتی بیا و خوش بخوان حافظ — که بر نظم تو افشاند فلک عِقد ثریّا را

---

۶ نسخه: یج طو خ مج فط تیه

منن = مج فط	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج	:	۱	۲	۳	۰	۴	۶	۰	۵	۷
طو تیه	:	۱	۲	۳	۴	۶	۸	۵	۷	۹
خ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۷	۶	۹

۱/۲ **طو**: به خال هندوش. **خ**: سمرقند و بخارا [را].

۲/۱ **طو**: می‌صافی. **طو**: نخواهی دید.

۴/۲ **طو**: به آب و روی و خال و خط.

۷/۱ **طو**: می‌گوی و. **طو**: راز دهر کمتر گوی.

۸/۱ **طو**: جزاک اللّه نکو گفتی. **خ مج**: اگر دشنام فرمائی وگر نفرین دعاگویم.

شمار دگرسانیها: طو = ۷ـ خ = ۲ـ مج = ۱ـ یج فط تیه = ۰ـ (یج دو بیت کم دارد).

۶

۱ صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را   که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را

۲ شکر فروش، که عمرش دراز باد، چرا   تفقّدی نکند طوطی شکرخا را

۳ غرورِ حسن اجازت مگر نداد ای گل   که پرسشی بکنی عندلیب شیدا را

۴ به خُلق و لطف توان کرد صید اهل نظر   به بند و دام نگیرند مرغ دانا را

۵ چو با حبیب نشینی و باده پیمائی   به یاد دار محبّان بادپیما را

۶ ندانم از چه سبب رنگ آشنائی نیست   سهی‌قدان سیه‌چشم ماه‌سیما را

۷ جز اینقدر نتوان گفت در جمال تو عیب   که وضع مهر و وفا نیست روی زیبا را

۸ در آسمان نه عجب گر به گفتهٔ حافظ   سماع زهره به رقص آورد مسیحا را

۷ نسخه: **یج طو خ عز حة حک تغ**

متن = یج عز حة تغ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو	:	۱	۰	۳	۴	۲	۵	۰	۶
خ	:	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸
حک	:	۱	۲	۴	۵	۳	۶	۷	۸

۳/۱ **خ**: غرور حسنت.   ۳/۲ **خ عز حة تغ**: که پرسشی نکنی.

۴/۱ **طو**: کاهل نظر.

۴/۲ **طو**: نهند دام و. **حة حک**: به دام و دانه. **یج**: بگیرند. **طو**: (نگیرند = حرف اول بی‌نقطه)

۵/۲ **طو حک**: محبان باده‌پیما. **حة**: (...؟) بادپیما را.

۷/۱ **تغ**: بر جمال تو.   ۷/۲ **حک**: خال مهر و وفا.

۸/۱ **یج**: گر به گفتن حافظ. **طو**: گر ز گفتهٔ.   ۸/۲ **خ**: سرود زهره.

شمار دگرسانیها: طو = ۵ـ خ حة حک = ۳ـ یج تغ = ۲ـ عز = ۱ـ

۷

۱ صوفی بیا که آینه صافی ست جام را — تا بنگری صفای می لعل‌فام را
۲ راز درون پرده ز رندان مست پرس — کین حال نیست زاهد عالی‌مقام را
۳ عنقا شکار کس نشود دام بازچین — کآنجا همیشه باد به دست است دام را
۴ در عیش نقد کوش که چون آبخور نماند — آدم بهشتْ روضهٔ دار السّلام را
۵ در بزم دوْر یک‌دو قدح درکش و برو — یعنی طمع مدار وصال دوام را
۶ ای دل شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش — پیرانه سر بکن هنری ننگ و نام را
۷ ما را بر آستان تو بس حقّ خدمت است — ای خواجه بازبین به ترحّم غلام را
۸ حافظ مرید جام می است، ای صبا برو — وز بنده بندگی برسان شیخ جام را

۶ نسخه: **یج حیـ طو خ سز فط**

متن = **حیـ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج طو :	۱	۰	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خ سز فط :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۸

۱/۱ **یج**: بادهٔ صافی‌ست.
۲/۲ **حیـ**: صوفی عالی‌مقام.
۳/۱ **یج حیـ**: شکار می‌نشود. **طو**: دام بازکش.
۳/۲ **یج حیـ**: کاینجا همیشه. **طو**: باد به دست است جام را
۴/۱ **طو**: در نقد عشق.
۵/۱ **طو**: خوش قدحی درکش و. ۵/۲ **سز**: وصال مدام را.
۶/۱ **یج طو**: گلی ز عشق. **حیـ سز**: گلی ز عمر. ۶/۲ **طو**: مکن هنر ننگ و نام را.
۷/۱ **حیـ**: حق نعمت است.
۸/۱ **طو**: از بنده. **فط**: پیر جام را.
شمار دگرسانیها: طو = ۷ ـ حیـ = ۵ ـ یج = ۴ ـ سز = ۲ ـ فط = ۱ ـ خ = ۰ ـ

۸

۱ ساقیا برخیز و در ده جام را	خاک بر سر کن غم ایّام را
۲ ساغر می بر کفم نه تا ز بر	برکشم این دلق ازرق‌فام را
۳ گرچه بدنامی ست نزد عاقلان	ما نمی‌خواهیم ننگ و نام را
۴ باده در ده چند ازین باد غرور	خاک بر سر نفس نافرجام را
۵ دود آه سینهٔ نالان من	سوخت این افسردگان خام را
۶ محرم راز دل شیدای خود	کس نمی‌بینم ز خاص و عام را
۷ با دلارامی مرا خاطر خوش است	کز دلم یکباره برد آرام را
۸ ننگرد دیگر به سرو اندر چمن	هرکه دید آن سرو سیم‌اندام را
۹ صبرکن حافظ به‌سختی روز و شب	عاقبت روزی بیابی کام را

۶نسخه: **یج طو خ صفه صد تم**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (سوای تم)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
تم :	۱	۲	۷	۳	۴	۵	۶	۸	۹

۴/۲ **طو**: نقش نافرجام را.

۵/۱ **یج**: درد و آه.

۶/۲ **طو**: نمی‌بینیم خاص و عام را.

شمار دگرسانیها: طو = ۲ـ یج = ۱ـ خ صفه صد تم = ۰ـ

۹

۱ رونق عهد شباب است دگر بستان را — می‌رسد مژدهٔ گل بلبل خوش الحان را
۲ ای صبا گر به جوانان چمن باز رسی — خدمت ما برسان سرو و گل و ریحان را
۳ گر چنین جلوه کند مغبچهٔ باده‌فروش — خاکروب در میخانه کنم مژگان را
۴ ای که بر مه کشی از عنبر سارا چوگان — مضطربْ حال مگردان من سرگردان را
۵ ترسم این قوم که بر دُردکشان می‌خندند — در سرِ کارِ خرابات کنند ایمان را
۶ یار مردان خدا باش، که در کشتی نوح — هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را
۷ هرکه را خوابگهٔ آخر به دو مشتی خاک است — گو چه حاجت که بر افلاک کشی ایوان را
۸ برو از خانهٔ گردون بدر و نان مطلب — کین سیه‌کاسه در آخر بکشد مهمان را
۹ ماه کنعانی من مسند مصر آنِ تو شد — گاه آن است که بدرود کنی زندان را
۱۰ حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی — دام تزویر مکن چون دگران قرآن را



۶نسخه: یج حیـ طو خ مج عز

متن = حیـ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۵	۶	۷	۴	۸	۰	۹
خ مج عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۹	۱۰

۱/۲ **طو**: می‌دهد مژدهٔ گل.
۲/۱ **طو**: چمن برگذری. ۲/۲ **خ**: سرو و گل ریحان را.
۵/۱ **یج**: آن قوم. ۵/۲ **حیـ**: در سر و کار خرابات.
۶/۲ **یج**: هست خاکی که به آبی بخرد. **حیـ**: که به آبی نخرد. **عز**: هست آبی که به بادی نخرد.
۷/۱ **یج**: هرکه را خوابگه این آخر مشتی خاک است. **حیـ**: هرکه را خوابگهش خاک بود آخر کار.
طو: هرکه را جایگه آخر نه که مشتی خاک است. **عز**: هرکه را خوابگه آخر به نشیب خاک است.
۷/۲: **طو**: که برآری به فلک. **خ**: که به افلاک کشی.
۸/۲: **خ**: کان سیه کاسه. **طو**: به آخر بکشد. ۹/۲ **خ**: وقت آن است.
شمار دگرسانیها: طو=۵. خ=۴. یج حیـ=۳. عز=۲. مج=۰.

۱۰

۱ **ساقی به نور باده بر افروز جام ما　　مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما**

۲ **ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم　　ای بیخبر ز لذّت شرب مدام ما**

۳ **هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق　　ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما**

۴ **ترسم که صرفه‌ای نبرد روز بازخواست　　نان حلال شیخ ز آب حرام ما**

۵ **مستی به چشم شاهد دلبند ما خوش است　　زانرو سپرده‌اند به مستی زمام ما**

۶ **چندان بود کرشمه و ناز سهی‌قدان　　کآید به جلوه سروِ صنوبر خرام ما**

۷ **ای باد اگر به گلشن احباب بگذری　　زنهار عرضه ده برِ جانان پیام ما**

۸ **گو نام ما ز یاد به عمدا چه می‌بری؟　　خود آید آن که یاد نیاید ز نام ما**

۹ **حافظ ز دیده دانهٔ اشکی همی فشان　　باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما**

---

(۱۰) دریای اخضر فلک و کشتی هلال　　هستند غرق نعمت حاجی‌قوام ما

۶ نسخه: **یج کهٔ خ مج فط صفٔ**

متن = **کهٔ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	(۱۰) ۰
یج :	۱	۲	۴	۵	۰	۳	۶	۷	۸	۹
خ :	۱	۲	۳	۸	۷	۴	۵	۶	۹	۱۰
مج :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۱۰
فط :	۱	۲	۳	۸	۹	۴	۵	۶	۱۰	۷
صفٔ :	۱	۲	۳	۷	۸	۴	۵	۶	۹	۱۰

۱/۲ **مج**: باشد که دور چرخ بگردد.

۳/۱ **یج**: هرگز نشد فنا که دلش.

۵/۱ **کهٔ**: مستی ز چشم.　　۵/۲ **کهٔ**: زانجا سپرده‌اند به مستان.

۸/۲ **یج کهٔ**: یاد نباشد.　**خ صفٔ**: یاد نیاری.

۹/۲ **یج**: کند قصد بام ما.　**کهٔ فط**: کند میل دام ما.

(۱۰/۱) **یج**: کشتی هلاک.

شمار دگرسانیها: **یج کهٔ** = ۴ـ **خ مج فط صفٔ** = ۱ـ

۱۱

۱ ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما ‌‌ ‌ آب روی خوبی از چاه زنخدان شما

۲ کی دهد دست این غرض یارب که همدستان شوند ‌ ‌ خاطر مجموع ما، زلف پریشان شما

۳ عزم دیدار تو دارد جانِ بر لب آمده ‌ ‌ بازگردد یا برآید؟ چیست فرمان شما

۴ دور دار از خاک و خون دامن چو بر ما بگذری ‌ ‌ کاندرین ره کشته بسیارند قربان شما

۵ دل خرابی می‌کند دلدار را آگه کنید ‌ ‌ زینهار ای دوستان، جان من و جان شما

۶ کس به دوْر نرگست طرفی نبست از عافیت ‌ ‌ بِه که نفروشند مستوری به مستان شما

۷ بخت خواب‌آلود ما بیدار خواهد شد مگر ‌ ‌ زانکه زد بر دیده آب روی رخشان شما

۸ با صبا همراه بفرست از رُخت گلدسته‌ای ‌ ‌ بو که بوئی بشنویم از خاک بستان شما

۹ عمرتان باد و مُراد ای ساقیان بزم جم ‌ ‌ گرچه جام ما نشد پر می به دوران شما

۱۰ می‌کند حافظ دعائی بشنو آمینی بگو ‌ ‌ روزی ما باد لعل شکّرافشان شما

---

(۱۱) ای صبا با ساکنان شهر یزد از ما بگو ‌ ‌ کای سر حق‌ناشناسان گوی میدان شما

(۱۲) گرچه دوریم از بساط قرب همّت دور نیست ‌ ‌ بندهٔ شاه شمائیم و ثناخوان شما

(۱۳) ای شهنشاه بلنداختر خدا را همّتی ‌ ‌ تا ببوسم همچو گردون خاک ایوان شما

۵نسخه: **یج طو خ سو فط**

												(۱۱)	(۱۲)	(۱۳)
متن = **یج**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰	۰	۰
طو	:	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۹	۶	۱۰	۰	۰	۰
خ	:	۱	۸	۲	۹	۷	۳	۴	۵	۶	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
سو	:	۱	۲	۳	۹	۴	۵	۶	۷	۸	۱۰	۰	۰	۰
فط	:	۱	۸	۲	۹	۶	۳	۴	۵	۷	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳

۱/۱ **فط**: ای فروغ حسن ماه. ۲/۱ **طو**: همدستان شود. ۲/۲ **طو**: خاطر مجموع با زلف.
۴/۲ **طو**: کشته بسیار است. ۷/۲ **خ**: زد بر دید[ه] آبی. **فط**: آبی روی رخشان شما.
۸/۱ **یج**: از رهت. ۸/۲ **یج طو**: بوئی بشنوم.
۹/۱ **طو**: ساقیان جام می. **سو**: ساقیان بزم عیش. ۱۰/۱ **طو**: دعائی آخر.
(۱۱/۲) **خ**: گوی جوگان شما (۱۳/۲) **خ**: تا ببوسم همچو اختر.
شمار دگرسانیها: طو = ۶- خ = ۳- یج فط = ۲- سو = ۱-

۱۲

۱ صبح دولت می‌دمد کو جام همچون آفتاب — فرصتی زین به کجا باشد بده جام شراب

۲ خانه بی‌تشویش و ساقی یار و مطرب نکته‌گو — موسم عیش است و دوْر ساغر و عهد شباب

۳ از پی تفریح طبع و زیور حسن و طرب — خوش بود ترکیب زرّین‌جام با لعل مذاب

۴ از خیال لطف می مشّاطهٔ چالاک طبع — در ضمیر برگ گل خوش می‌کند پنهان گلاب

۵ شاهد و مطرب به دست‌افشان و مستان پای‌کوب — غمزهٔ ساقی ز چشم می‌پرستان برده خواب

۶ تا شد آن مه مشتری دُرهای حافظ را کنون — می‌رسد هر دم به عود زهره گلبانگ رباب

۶نسخه: یج طو کد مج نه عز

متن = یج طو مج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶
کد نه عز	:	۱	۲	۳	۴	۵	۰

۱/۲ **مج**: فرصتی به زین.

۲/۱ **یج**: ساقی یا[ر] و. **عز**: مطرب یار و ساقی نکته گو. **یج**: مطرب نکته گوی.
طو: خلوت خاص است و جای امن و نزهتگاه انس. ۲/۲ **نه**: دور ساقی و.

۳/۱ **یج مج نه**: زیور حسن طرب. **طو**: زیور و حسن طرب.

۵/۱ **نه**: شاهد مجلس به دست افشان و مطرب پای‌کوب.

۵/۲ **عز**: غمزهٔ ساقی و چشم می‌پرستان. **یج طو کد عز**: مست خواب.

۶/۱ **یج طو**: باشد آن مه مشتری. **یج**: درهای حافظ رااگر. **مج**: آمد بر حافظ دمی.

۶/۲ **طو**: می‌رسد هر شب به گوش زهره.

شمار دگرسانیها: یج =۶- طو =۵- مج نه عز =۳- کد =۱-

۱۳

۱ گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب — گفت در دنبال دل ره گم کند مسکین غریب

۲ گفتمش مگذر زمانی، گفت معذورم بدار — خانه پروردی چه تاب آرد غم چندین غریب

۳ خفته بر سنجاب شاهی نازنینی را چه غم — گر ز خار و خاره سازد بستر و بالین غریب

۴ ای که در زنجیر زلفت جان چندین آشناست — خوش فتاد آن خال مشکین بررخ رنگین غریب

۵ می‌نماید عکس می در رنگ روی مهوشت — همچو برگ ارغوان بر صفحهٔ نسرین غریب

۶ بس غریب افتاده است آن مور خط گِرد رُخت — گرچه نبوَد در نگارستان خط مشکین غریب

۷ گفتم: ای شام غریبان طرّهٔ شبرنگ تو — در سحرگاهان حذر کن چون بنالد این غریب

۸ گفت: حافظ آشنایان در مقام حیرتند — دور نبوَد گر نشیند خسته و غمگین غریب

۶نسخه: یج طو خ نه سز فط

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
متن = یج خ نه فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو:	۱	۲	۳	۴	۷	۵	۶	۸
سز:	۱	۲	۳	۴/۱ | ۷/۲	۵	۶	۷/۱ | ۴/۲	۸

۲/۱ **طو**: بگذر زمانی.

۴/۱ **طو خ سز**: جای چندین.

۴/۲ **یج**: آن خال شیرین. **طو**: آن خال مسکین.

۵/۲ **طو**: برگ زعفران.

۶/۱ **یج طو نه**: آن مور خطّت گرد رخ.

۶/۲ **طو خ**: خط مسکین غریب.

۷/۱ **یج**: طرهٔ رنگین تو.

۷/۲ **یج**: هر سحرگاهان.

۸/۲ **یج طو خ**: خسته و مسکین.

شمار دگرسانیها: طو=۷- یج=۵- خ=۳- نه سز=۱- فط=۰-

۱۴

۱ ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت؟ — وی مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت؟
۲ خوابم بشد از دیده درین فکر جگرسوز — کآغوش که شد منزل آسایش و خوابت
۳ درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد — اندیشهٔ آمرزش و پروای ثوابت
۴ راه دل عشّاق زد آن چشم خماری — پیداست ازین شیوه که مست است شرابت
۵ تیری که زدی بر دلم از غمزه خطا رفت — تا باز چه اندیشه کند رای صوابت
۶ هر ناله و فریاد که کردم نشنیدی — پیداست نگارا که بلند است جنابت
۷ دور است سر آب درین بادیه هش دار — تا غول بیابان نفریبد به سرابت
۸ تا در ره پیری به چه آئین روی ای دل — باری به غلط صرف شد ایّام شبابت
۹ ای قصر دل‌افروز که منزلگه انسی — یا رب مکناد آفت ایّام خرابت
۱۰ حافظ نه غلامی ست که از خواجه گریزد — لطفی کن و باز آ که خرابم ز عتابت

---

۵ نسخه: یج خ عز فخ فط

متن = خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۰	۰	۵	۶	۰	۴	۷
عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸	۹
فخ :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۹	۸	۵	۱۰
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۹	۸	۷	۱۰

۲/۱ فط: ازین فکر جگرسوز.

۲/۲ یج: منزل و مأواگه خوابت. خ عز: منزل آسایش خوابت.

۳/۲ یج: آمرزش و تدبیر صوابت.

۷/۱ خ: ازین بادیه.

۹/۱ فخ: عشرتگه انسی.

۱۰/۲ خ: صلحی کن و.

شمار دگرسانیها: خ = ۳ - یج = ۲ - عز فخ فط = ۱ -

۱۵

۱ خَمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت — به قصد جان من زار ناتوان انداخت
۲ شراب خورده و خوی کرده کی شدی به‌چمن — که آب روی تو آتش در ارغوان انداخت
۳ به یک کرشمه که نرگس به خودفروشی کرد — فریب چشم تو صد فتنه در جهان انداخت
۴ ز شرم آنکه به‌روی تو نسبتش کردند — سمن به دست صبا خاک در دهان انداخت
۵ به بزمگاه چمن دوش مست بگذشتم — چو از دهان توام غنچه در گمان انداخت
۶ بنفشه طرّهٔ مفتول خود گره می‌زد — صبا حکایت زلف تو در میان انداخت
۷ من از ورع می و مطرب ندیدمی زین پیش — هوای مغبچگانم در این و آن انداخت
۸ کنون به آب می لعل خرقه می‌شویم — نصیبهٔ ازل از خود نمی‌توان انداخت
۹ نبود رنگ دو عالم که نقش اُلفت بود — زمانه طرح محبّت نه این زمان انداخت
۱۰ مگر گشایش حافظ درین خرابی بود — که بخشش ازلش در می مغان انداخت

---

(۱۱) جهان به کام من اکنون شود که دور زمان — مرا به بندگی خواجهٔ جهان انداخت

۶ نسخه: **یج طو خ مج عد فط**

											(۱۱)
متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰
یج مج عد فط :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸	۹	۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۰	۵	۶	۷	۸	۰
خ :	۱	۴	۳	۷	۵	۶	۸	۹	۲	۱۰	۱۱

۱/۲ **یج مج**: به قصد خون من.

۲/۱ **یج**: کی روی. **خ**: می‌روی. **مج**: چون شدی. — ۲/۲ **یج**: به ارغوان.

۴/۱ **یج خ**: نسبتش کردم. — ۴/۲ **یج طو**: سحر به دست صبا.

۶/۱ **یج عد**: طرهٔ مفتون خود. **مج فط**: طرهٔ مفتول را.

۷/۱ **فط**: ندیدمی هرگز.

۹/۱ **طو خ**: نبود نقش دو عالم. **خ**: که رنگ الفت بود.

۱۰/۲ **عد**: که قسمت ازلش.

شمار دگرسانیها: یج=۶- خ=۴- مج=۳- طو عد فط=۲-

۱۶

۱ سینه‌ام ز آتش دل در غم جانانه بسوخت — آتشی بود درین خانه که کاشانه بسوخت

۲ تنم از واسطهٔ دوری دلبر بگداخت — جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت

۳ هر که زنجیر سر زلف پری‌روی تو دید — دل سودا زده‌اش بر من دیوانه بسوخت

۴ سوز دل بین که ز بس آتش اشکم دل شمع — دوش بر من ز سر مهر چو پروانه بسوخت

۵ آشنائی نه غریب است که دلسوز من است — چون من از خویش برفتم دل بیگانه بسوخت

۶ خرقهٔ زهد مرا آب خرابات ببرد — خانهٔ عقل مرا آتش خمخانه بسوخت

۷ چون پیاله دلم از توبه که کردم بشکست — همچو لاله جگرم بی می و پیمانه بسوخت

۸ ماجرا کم کن و باز آ که مرا مردم چشم — خرقه از سر بدر آورد و به شکرانه بسوخت

۹ ترک افسانه بگو حافظ و مِی نوش دمی — که نخفتیم شب و شمع به افسانه بسوخت

---

۶ نسخه: یج طو خ مج سز عز

متن = طو مج	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷	۸
خ	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷	۸
سز	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸	۹
عز	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۷	۶	۸

۱/۱ **خ عز**: سینه از آتش دل.

۲/۲ **یج**: دلم از آتش حسن رخ جانانه.

۳/۱ **طو مج**: زلف پری‌روئی دید. **سز عز**: زلف پریشان تو دید.

۴/۱ **سز**: آتش هجرم. **طو خ**: چون شمع.

۵/۱ **مج**: آشنایان نه غریب است که دلسوز منند.

۵/۲ **یج**: خوش (... سفید مانده) برفتم دل بیگانه بسوخت.

۶/۲ **خ مج**: آتش میخانه.

۷/۲ **یج**: همجو باده جگرم. **طو**: بی‌می پیمانه. **خ**: بی‌می و خمخانه.

۹/۱ **طو**: تا کی افسانه بگو. **یج**: می‌نوش و مرو. **خ**: ترک افسانه کن و حافظ و می‌نوش دمی.

۹/۲ **سز**: که نخفتم به شب و.

شمار دگرسانیها: خ = ۵ - یج طو = ۴ - مج سز = ۳ - عز = ۲ -

۱۷

۱ ساقیا آمدن عید مبارک بادت — وان مواعید که کردی مرواد از یادت

۲ در شگفتم که درین مدّت ایّام فراق — بر گرفتی ز حریفان دل و دل می‌دادت

۳ برسان بندگی دختر رز گو بدر آی — که دم همّت ما کرد ز بند آزادت

۴ شادی مجلسیان در قدم و مقدم توست — جای غم باد هر آن دل که نخواهد شادت

۵ شکر ایزد که ازین باد خزان رخنه نیافت — بوستان سمن و سرو و گل و شمشادت

۶ چشم بد دور کزان تفرقه خوش بازآورد — طالع نامور و دولت مادر زادت

۷ حافظ از دست مده صحبت این کشتی نوح — ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

---

۷ نسخه: **یج طو خ مج عز فط تم**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

۳/۲ **یج طو خ مج فط**: دم و همت ما.

۴/۱ **طو**: شادی مجلس ما. **عز**: در قدم خرم توست.

۵/۱ **خ**: که ز تاراج خزان.

۶/۱ **مج عز تم**: کزین تفرقه خوش. **خ**: کزان تفرقهات. **فط**: کزان تفرقه‌ها.
طو: خوش باز آمد.

۷/۱ **خ**: دولت این کشتی نوح. **مج عز**: صحبت آن کشتی نوح.

شمار دگرسانیها: خ = ۴ - طو مج عز = ۳ - فط = ۲ - یج تم = ۱

۱ ای نسیم سحر، آرامگه یار کجاست — منزل آن مه عاشق‌کش عیّار کجاست
۲ شب تار است و ره وادی ایمن در پیش — آتش طور کجا موعد دیدار کجاست
۳ هر که آمد به جهان نقش خرابی دارد — در خرابات نپرسند که هشیار کجاست
۴ آنکس است اهل بشارت که اشارت داند — نکته‌ها هست بسی، محرم اسرار کجاست
۵ هر سر موی مرا با تو هزاران کار است — ما کجائیم و ملامتگر بیکار کجاست
۶ عقل دیوانه شد آن سلسلهٔ مشکین کو — دل زما گوشه گرفت ابروی دلدار کجاست
۷ باده و مطرب و گل جمله مهیّاست ولی — عیش بی‌یار مهیّا نشود، یار کجاست
۸ حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج — فکر معقول بفرما گل بیخار کجاست

---

(۹) باز پرسید ز گیسوی شکن در شکنش — کین دل غمزده سرگشته گرفتار کجاست

۶نسخه: یج خ مج سز فخ فط

									(۹)
متن = یج مج سز فخ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۹	۶
فط :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۸	۰

۲/۲ فخ فط : وعدهٔ دیدار.
۳/۲ یج فط : در خرابات میرسید. خ : در خرابات بگوئید.
۵/۲ یج: ملامتگر بدکار.
۷۱ خ : ساقی و مطرب و می — ۷/۲ یج: مهیا نبود.
شمار دگرسانیها: یج=۳ - خ فط =۲ - فخ=۱ - مج سز = ۰

۱۹

۱ دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست　　گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست

۲ که شنیدی که درین بزم دمی خوش بنشست　　که نه در آخر صحبت به ندامت برخاست

۳ شمع اگر زان رخ خندان به زبان لافی زد　　پیش عشّاق تو شبها به غرامت برخاست

۴ در چمن باد بهاری ز کنار گل و سرو　　به هواداری آن عارض و قامت برخاست

۵ مست بگذشتی و از خلوتیان ملکوت　　به تماشای تو آشوبِ قیامت برخاست

۶ پیش رفتار تو پا بر نگرفت از خجلت　　سرو سرکش که به ناز قد و قامت برخاست

۷ حافظ این خرقه بینداز مگر جان ببری　　کآتش از خرمن سالوس و کرامت برخاست

---

۶ نسخه: یج حی خ　مط سو فط

ترتیب ابیات برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (سوای فط)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
فط :	۱	۲	۳	۴	٠	۵	۶

۳/۱ خ: زان لب خندان.　　۳/۲ مط: شبها به ملامت برخاست.

۵/۲ سو: آشوب و قیامت.

۶/۲ خ: به ناز از قد و قامت.

۷/۲ خ: کاتش از خرقهٔ.

شمار دگرسانیها: خ = ۳ - مط سو = ۱ - یج حی فط = ٠ (نسخهٔ فط یک بیت کم دارد) -

۱ چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست — سخن شناس نئی جان من، خطا اینجاست
۲ سرم به دنیی و عقبی فرو نمی‌آید — تبارک الله ازین فتنه‌ها که در سر ماست
۳ در اندرون من خسته دل ندانم کیست — که من خموشم و او در فغان و در غوغاست
۴ دلم ز پرده برون شد کجائی ای مطرب — بنال هان، که ازین پرده کار ما به نواست
۵ مرا به کار جهان هرگز التفات نبود — رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست
۶ نخفته‌ام ز خیالی که می‌پزم، شبهاست — خمار صد شبه دارم شرابخانه کجاست
۷ چنین که صومعه آلوده شد ز خون دلم — گرم به باده بشوئید حق به دست شماست
۸ ازان به دیر مغانم عزیز می‌دارند — که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست
۹ چه ساز بود که بنواخت دوش آن مطرب — که رفت عمر و دماغم هنوز پر سوداست
۱۰ ندای عشق تو دوشم در اندرون دادند — فضای سینهٔ حافظ هنوز پر ز صداست

۶نسخه: یچ خ قب سو سز ته

متن = یچ خ سز :	۱		۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
قب سو ته :	۱/۲	۱/۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

۱/۲ یچ قب سو ته: دلبرا خطا اینجاست. سز: دلبرا خطا آنجاست.
۲/۲ قب: که بر سر ماست. ۳/۲ سو: او در خروش و.
۴/۲ سز: کار دل به نواست. ته: کارها به نواست.
۶/۱ خ: که می‌پزد دل من. سز: که پختم‌ام هیهات.
۶/۲ یچ: خمار چندشبه دارم. سو ته: خمار دیشبه دارم.
۷/۱ سز: به خون دلم.
۷/۲ یچ: گرم به باده بشویند. ته: که راست وقت عبادت چه جای ورد و دعاست.
۸/۱ یچ: ازان به پیر مغانم.
۹/۱ خ: که در پرده می‌زد آن مطرب. قب: که در پرده می‌زند مطرب. ته: که بنواخت مطرب عشاق.
۹/۲ خ: هنوزم دماغ. یچ خ: پر ز هواست. سو: پرغوغاست ته: پر ز صداست.
۱۰/۱ یچ خ قب سو: ندای عشق تو دیشب. سز: ندای عشق تو دی در درون من دادند.
۱۰/۲ یچ: فضای سینه ز شوقم.
شمار دگرسانیها: یچ=۷- ته=۶- خ سو سز=۵- قب=۴-

۲۱

۱ خیال روی تو در هر طریق همره ماست — نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست
۲ برَغم مدّعیانی که منع عشق کنند — جمال چهرهٔ تو حجّت موجّه ماست
۳ ببین که سیب زنخدان تو چه می‌گوید: — هزار یوسف مصری فتاده در چه ماست
۴ اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد — گناه بخت پریشان و دست کوته ماست
۵ به حاجب در خلوت‌سرای خاص بگو — فلان ز گوشه‌نشینان خاک درگه ماست
۶ اگر به سالی حافظ دری زند بگشای — که سالهاست که مشتاق روی چون‌مه ماست
۷ به صورت از نظر ما اگرچه محجوب است — همیشه در نظر خاطر مُرفّه ماست

۷ نسخه : حیـ طو خ فط صفـ حک تم
ترتیب ابیات متن برابر است با حیـ طو فط تم

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خ صفـ حک	:	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶

۱/۲ حیـ : نسیم بوی تو. صفـ: نسیم روی تو.
۳/۱ حیـ : زنخدان [ ] چه می‌گوید.
۵/۱ صفـ : دولت‌سرای خاص. حیـ: خاص بگوی.
۵/۲ حیـ : فلان ز گوشه‌نشینان خاص.
۶/۱ حیـ : اگر به سالی و حافظ — ۶/۲ حیـ : که روزهاست.
شمار دگرسانیها: حیـ=۶- صفـ=۲- طو خ فط حک تم=۰-

۲۲

۱ ما را ز خیال تو چه پروای شراب است — خم گو سرِ خود گیر که خمخانه خراب است

۲ گر خمرِ بهشت است بریزید که بی‌دوست — هر شربت عَذبم که دهی عین عذاب است

۳ افسوس که شد دلبر و در دیدهٔ گریان — تحریر خیال خط او نقش بر آب است

۴ بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود — زین سیل دمادم که درین منزل خواب است

۵ معشوقه عیان می‌گذرد بر تو و لیکن — اغیار همی بینند از آن بسته نقاب است

۶ گل بر رخ رنگین تو تا لطف عرق دید — در آتش رشک از غم دل غرق گلاب است

۷ سبز است در و دشت بیا تا نگذاریم — دست از سرِ آبی که جهان جمله سراب است

۸ در کنج دماغم مطلب جای نصیحت — کین حجره پر از زمزمهٔ چنگ و رباب است

۹ حافظ چه شد ار عاشق و رند است و نظر باز — بس طور عجب لازم ایّام شباب است

---

(۱۰) راه تو چه راهی ست که از غایت تعظیم — دریای محیط فلکش عین سراب است

۵ نسخه: یج طو خ مج عز

										(۱۰)
متن = خ مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
یج عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۸	۹	۷
طو :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۰	۸	۹	۷

۲/۱ **یج**: بهشت است بریزد.

۳/۲ **طو**: تحریر خیال و خط او.

۴/۲ **یج**: از سیل دمادم. **طو**: که درین وادی خواب است.

۵/۱ **خ**: معشوق.

۵/۲ **طو**: اغیارا نمی‌بیند. **مج**: اغیار نمی‌بیند.

۶/۲ **خ**: در آتش شوق. **عز**: در آتش اشک. **مج**: از غم آن.

۸/۲ **خ عز**: کین گوشه.

شمار دگرسانیها: طو خ = ۳ - یج مج عز = ۲ -

۲۳

۱ آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است — یارب این تأثیر دولت در کدامین کوکب است

۲ تا به گیسوی تو دست ناسزایان کم رسد — هر دلی در حلقه‌ای در ذکر یارب یارب است

۳ کشتهٔ چاه زنخدان توام کز هر طرف — صد هزارش گردن جان زیر طوق غبغب است

۴ شهسوار من که مه آئینه‌دار روی اوست — تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است

۵ تاب خوی بر عارضش بین کآفتاب گرم‌رو — در هوای آن عرق تا هست هر روزش تب است

۶ من نخواهم کرد ترک لعل یار و جام می — زاهدان معذور داریدم که اینم مذهب است

۷ آنکه ناوک بر دل من زیر چشمی می‌زند — قوت جان حافظش در خندهٔ زیر لب است

۸ آب حیوانش ز منقار بلاغت می‌چکد — زاغ کلک من به نامِ ایزد چه عالی‌مشرب است

---

(۹) اندران موکب که بر پشت صبا بندند زین — با سلیمان چون برانم من که مورم مرکب است

۶ نسخه : یج طو خ مج سز فط

									(۹)
متن = یج مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
طو :	۱	۲	۳	۰	۵	۶	۰	۰	۴
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۷
سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰
فط :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸	۰

۱/۱ **مج** : که جویند اهل خلوت. ۱/۲ **طو فط** : از کدامین.

۲/۱ **طو** : چشم ناسزایان

۲/۲ **طو** : از حلقهٔ زلف تو **خ** : از حلقه‌ای در ذکر.

۴/۲ **فط** : نعل سمّ مرکب است.

۵/۱ **طو خ مج فط** : عکس خوی. **طو** : کافتاب گرم دل.

۵/۲ **خ** : تا هست هر روزش نیست. **طو** : تا هست دایم در تب است.

۶/۱ **طو** : من نخواهم ترک کردن.

۸/۱ **یج** : آب خورشیدش.

(۹/۱) **خ** : اندران ساعت. (۹/۲) **طو** : با سلیمان چون برآیم.

شمار دگرسانیها : **طو** = ۸ - **خ** = ۴ - **فط** = ۳ - **مج** = ۲ - **یج** = ۱ -
سز = ۰ (یک بیت کم دارد).

۲۴

۱ خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است — چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت است

۲ جانا به حاجتی که تو را هست با خدای — کآخر دمی بپرس که ما را چه حاجت است

۳ ای پادشاه حسن خدا را بسوختیم — آخر سوآل کن که گدا را چه حاجت است

۴ ارباب حاجتیم و زبان سوآل نیست — در حضرت کریم تمنّا چه حاجت است

۵ محتاج قصّه نیست گرت قصد جان ماست — چون رخت از آنِ توست به یغما چه حاجت است

۶ جام جهان نماست ضمیر منیر دوست — اظهار احتیاج خود آنجا چه حاجت است

۷ آن شد که بار منّت ملّاح بُردمی — گوهر چو دست داد به دریا چه حاجت است

۸ ای عاشق گدا چو لب روح‌بخش یار — می‌داندت وظیفه تقاضا چه حاجت است

۹ ای مدّعی برو که مرا با تو کار نیست — احباب حاضرند به اعدا چه حاجت است

۱۰ حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود — با مدّعی نزاع و محاکا چه حاجت است

---

۸ نسخه (۹ ضبط) : یج$_{1}$ یج$_{2}$ طو کد خ نه عد فط صف

متن = یج$_{1}$ یج$_{2}$ کد نه :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
طو :	۱	۰	۲	۳	۰	۵	۶	۴	۰	۷
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸	۱۰
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸	۹
فط :	۱	۴	۳	۵	۹	۶	۸	۷	۲	۱۰
صف :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

۲/۱ خ : هست با خدا.

۵/۱ خ نه فط : گرت قصد خون ماست. — ۵/۲ یج$_{1}$: چون رخت زان توست.

۶/۱ یج$_{1}$: جان جهان‌نماست. — ۶/۲ یج$_{1}$: خود اینجا.

شمار دگرسانیها : یج$_{1}$ = ۳ - خ = ۲ - نه فط = ۱ - یج$_{2}$ طو کد عد صف = ۰ -

(نسخهٔ طو ۳ بیت، و نسخهٔ عد ۱ بیت کم دارند.)

۱ بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است　　بیار باده، که بنیاد عمر بر باد است

۲ غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود　　ز هر چه رنگِ تعلّق پذیرد آزاد است

۳ چه گویمت که به میخانه دوش مست و خراب　　سروش عالم غیبم چه مژده‌ها داد است

۴ که ای بلندنظر شاهباز سدره نشین　　نشیمن تو نه این کنج محنت‌آباد است

۵ تو را ز کنگرهٔ عرش می‌زنند صفیر　　ندانمت که درین دامگه چه افتاد است

۶ نصیحتی کنمت یاد گیر و در عمل آر　　که این حدیث ز پیر طریقتم یاد است

۷ مجو درستی عهد از جهان سست‌نهاد　　که این عجوزه عروس هزارداماد است

۸ رضا به داده بده وز جبین گره بگشای　　که بر من و تو در اختیار نگشاد است

۹ نشان عهد و وفا نیست در تبسّم گل　　بنال بلبل عاشق که جای فریاد است

۱۰ حسد چه می‌بری ای سست‌نظم بر حافظ　　قبول خاطر و لطف سخن خدا داد است

---

(۱۱) غم جهان مخور و پند من مبر از یاد　　که این لطیفهٔ عشقم ز رهروی یاد است

۶نسخه: **یج طو خ نز سز صف**

ترتیب ابیات =											(۱۱)
نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰
یج صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۱۰	۱۱	۸
طو :	۱۰	۲	۳	۴	۵	۰	۰	۷	۰	۸	۶
خ سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۹	۸	۱۰	۱۱	۷

۳/۱ **نز سز** : مست خراب.

۵/۱ **طو** : فراز کنگرهٔ عرش.

۸/۱ **یج** : وز جبین گره بگشا. **طو** : برو ملامت دردی‌کشان مکن زاهد.

۹/۱ **صف** : نشان عهد وفا.　　۹/۲ **خ** : بلبل بیدل.

۱۰/۱ **طو** : مکن معارضه ای سست‌نظم با حافظ　۱۰/۲ **طو** : که حسن شیوه و.

(۱۱/۱) **طو** : پند من مده از یاد.　　(۱۱/۲) **طو** : که این لطیفهٔ غیبم.

شمار دگرسانیها: طو=۶- یج خ نز سز صف=۱-

۲۶

۱ باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است — شمشاد خانه‌پرور من از که کمتر است

۲ ای نازنین‌صنم تو چه مذهب گرفته‌ای — کت خون ما حلالتر از شیر مادر است

۳ چون نقش غم ز دور ببینی شراب خواه — تشخیص کرده‌ایم و مداوا مقرّر است

۴ از آستان پیر مغان سر چرا کشیم — دولت درین سرا و گشایش درین در است

۵ در راه ما شکسته‌دلی می‌خرند و بس — بازار خودفروشی ازان راه دیگر است

۶ دی وعده داد وصلم و در سر شراب داشت — امروز تا چه گوید و بازش چه در سر است

۷ یک قصّه بیش نیست غم عشق و این عجب — کز هر کسی که می‌شنوم نامکرّر است

۸ شیراز و آب رکنی و این باد خوش‌نسیم — عیبش مکن که خال رخ هفت‌کشور است

۹ فرق است از آب خضر که ظلمات جای اوست — تا آب ما که منبعش الله اکبر است

۱۰ ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم — با پادشه بگوی که روزی مقدّر است

۱۱ حافظ چه طرفه شاخ نباتی ست کلک تو — کش میوه دلپذیرتر از شهد و شکّر است

---

۵ نسخه : **یج طو خ سو فخ**

متن =											
فخ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
طو :	۱	۶	۳	۰	۴	۵	۰	۷	۸	۲	۹
خ :	۱	۲	۳	۴	۰	۶	۵	۷	۸	۹	۱۰
سو :	۱	۲	۳	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۴	۱۱

۱/۱ **فخ** : سرو صنوبر است. ۱/۲ **طو خ** : خانه‌برور ما. **سو فخ** : سایه‌پرور ما.

۲/۱ **طو خ سو** : ای نازنین پسر.

۴/۲ **خ** : دولت دران سرا و گشایش دران در است.

۶/۱ **طو** : دی داد وعده وصلم و. ۶/۲ **طو** : امروز تا چه بازد و.

۷/۱ **خ** : غم عشق وین عجب. ۷/۲ **خ** : کز هر زبان.

۹/۲ **یج** : تا آب او. **یج** : که منبعش الله و اکبر است.

۱۱/۱ **یج سو** : حافظ روان چه. **طو** : حافظ چو طرز. **یج طو** : شاخ نبات است.

۱۱/۲ **طو** : کش میوه‌ای لذیذتر از.

شمار دگرسانیها: طو=۷- خ=۵- یج=۴- سو=۳- فخ=۲-

۱ اگر چه باده فرح‌بخش و باد گلبیز است — به‌بانگ چنگ مخور می که محتسب تیز است
۲ صراحیی و حریفی گرت به چنگ افتد — به عقل نوش که ایّام فتنه‌انگیز است
۳ در آستین مرقّع پیاله پنهان کن — که همچو چشم صراحی زمانه خونریز است
۴ ز رنگ باده بشوئیم خرقه‌ها در اشک — که موسم ورع و روزگار پرهیز است
۵ مجوی عیش خوش از دوْر واژگون سپهر — که صاف این سرِ خُم جمله دُردی آمیز است
۶ سپهر بر شده پرویزنی ست خون افشان — که ریزه‌اش سر کسری و تاج پرویز است
۷ عراق و فارس گرفتی به شعر خوش حافظ — بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

۶ نسخه: **یج طو خ عز فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۴ نسخهٔ فوق (سوای یج صف)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج صف :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۴/۱ **خ** : به آب دیده بشوئیم. **خ** : خرقه‌ها از می.

۵/۱ **طو** : دور واژگون فلک. **خ** : دور بازگون سپهر.

۶/۱ **طو** : سپهر پیر چو بروپزنی‌ست. **صف** : سپهر بر شده پرویزنی‌ست.

عز : سپهر بر سر پرویزنی‌ست. ۶/۲ **طو** : که قطره‌اش.

۷/۱ **یج طو** : عراق و پارس. ۷/۲ **فط** : فتح تبریز است.

شمار دگرسانیها: طو=۴- خ=۳- یج عز فط صف=۱-

۲۸

۱ صحن بستان ذوق‌بخش و صحبت یاران خوش است — وقت گل خوش باد کز وی وقت میخواران خوش است

۲ از صبا هر دم مشام جان ما خوش می‌شود — آری آری طیب انفاس هواداران خوش است

۳ ناگشوده گل نقاب آهنگ رحلت ساز کرد — ناله کن بلبل که گلبانگ دل‌افگاران خوش است

۴ مرغ شبخوان را بشارت باد کاندر راه عشق — دوست را با نالهٔ شبهای بیداران خوش است

۵ نیست در بازار عالم خوشدلی ور زانکه هست — شیوهٔ رندیّ و خوشباشیّ عیّاران خوش است

۶ از زبان سوسن آزاده‌ام آمد به گوش — کاندرین دیر کهن کار سبکباران خوش است

۷ حافظا ترک جهان گفتن طریق خوشدلی‌ست — تا نپنداری که احوال جهانداران خوش است

---

۶ نسخه: یج خ مط عز فط تم

متن = یج خ مط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
عز :	۱	۲	۴	۳	۶	۵	۷
فط تم :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۳/۱ یج : ناگشوده گل قبا. عز : آهنگ رحلت می‌کند. تم : آهنگ رفتن می‌کند.

۳/۲ یج : که فریاد. فط : دلفکاران.

۴/۱ خ : مرغ خوشخوان را.

۵/۱ عز : گرچه در بازار دهر از خوشدلی جز نام نیست.

۵/۲ یج : خوشباشی و عیاری خوش است.

۶/۲ فط : حال سبکباران.

۷/۱ تم : نشان خوشدلی‌ست.

شمار دگرسانیها: یج=۳- عز فط تم=۲- خ=۱- مط=۰

۲۹

۱ کنون که بر کف گل جام بادهٔ صاف است | به صد هزار زبان بلبلش در اوصاف است

۲ بخواه دفتر اشعار و راه صحرا گیر | چه وقت مدرسه و بحث کشف کشّاف است

۳ ببُر ز خلق و ز عنقا قیاس کار بگیر | که صیت گوشه نشینان ز قاف تا قاف است

۴ فقیه مدرسه دی مست بود و فتوا داد | که می حرام، ولی بِه ز مال اوقاف است

۵ به دُرد و صاف تو را حکم نیست، خوش درکش | که هر چه ساقی ما کرد عین الطاف است

۶ حدیث مدّعیان و خیال همکاران | همان حکایت زردوز و بوریاباف است

۷ خموش حافظ و این نکته‌های چون زر سرخ | نگاه دار که قلّاب شهر صرّاف است

۶ نسخه: یج طو خ نح عد فط

متن = یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو نح فط :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷
خ عد :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷

۲/۱ طو: راه بستان گیر.

۲/۲ طو عد: چه جای مدرسه و. خ: بحث کشف و کشاف.

۳/۱ خ: ببر ز خلق و چو عنقا.

۵/۱ فط: حکم نیست دم درکش.

۶/۱ یج: خیال همکاری.

شمار دگرسانیها: طو خ = ۲ - یج عد فط = ۱ - نح = ۰

۳۰

۱ درین زمانه رفیقی که خالی از خلل است / صراحی می صاف و سفینهٔ غزل است

۲ جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است / پیاله گیر که عمر عزیز بی بدل است

۳ نه من ز بی‌عملی در جهان ملولم و بس / ملالت علما هم ز علم بی‌عمل است

۴ به چشم عقل درین رهگذار پر آشوب / جهان و کار جهان بی‌ثبات و بی‌محل است

۵ دلم امید فراوان به وصل روی تو داشت / ولی اجل به ره عمر رهزن امل است

۶ بگیر طرّهٔ مه چهره‌ای و قصّه مخوان / که سعد و نحس ز تأثیر زهره و زحل است

۷ به هیچ دوْر نخواهند یافت هشیارش / چنین که حافظ ما مست بادهٔ ازل است

۶نسخه : یج طو خ   مج ند عد

ترتیب ابیات متن برابر است با : یج مج ند.

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو	:	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷
خ عد	:	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۱/۲ خ : صراحی می ناب و.

۳/۲ خ : ملامت علما هم.

۴/۱ طو : رهگذار شهرآشوب.

۷/۱ طو : به هیچ روی.   یج طو : نخواهید یافت.

۷/۲ خ : مست بادهٔ ا[ز] لست.

شمار دگرسانیها: طو خ = ۳ - یج = ۱ - مج ند عد = ۰

۳۱

۱ گل در بر و می بر کف و معشوق به کام است ‌‌ سلطان جهانم به چنین روز غلام است

۲ گو شمع میارید درین جمع که امشب ‌‌ در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است

۳ در مذهب ما باده حلال است ولیکن ‌‌ بی روی تو ای سروِ گل‌اندام حرام است

۴ در مجلس ما عطر میامیز که ما را ‌‌ هر لحظه ز گیسوی تو خوشبوی مشام است

۵ گوشم همه بر قول نی و نغمهٔ چنگ است ‌‌ چشمم همه بر لعل لب و گردش جام است

۶ از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکّر ‌‌ زانرو که مرا در لب شیرین تو کام است

۷ تا گنج غمت در دل ویرانه مقیم است ‌‌ همواره مرا کُنج خرابات مقام است

۸ از ننگ چه گوئی که مرا نام ز ننگ است ‌‌ وز نام چه پرسی که مرا ننگ ز نام است

۹ میخواره و سرگشته و رندیم و نظرباز ‌‌ وانکس که چو ما نیست درین شهر کدام است

۱۰ با محتسبم عیب مگوئید که او نیز ‌‌ پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

۱۱ حافظ منشین بی می و معشوق زمانی ‌‌ کایّام گل و یاسمن و عید صیام است

---

۵ نسخه: یج طو خ نز فط

متن = یج‌نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
طو :	۱	۰	۰	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸
خ فط :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱

۱/۱ **یج طو خ** : می در کف و. **یج فط** : معشوقه.

۴/۱ **نز فط** : که جان را.

۴/۲ **طو** : هر دم ز سر زلف تو. **نز** : از حلقهٔ گیسوی تو.

۵/۱ **طو** : گوش همه. **یج** : زخمهٔ چنگ است.

۵/۲ **طو** : چشم همه. **طو** : بر لعل تو و.

۶/۱ **طو** : از چاشنی قند نگو.

۶/۲ **خ فط** : از لب شیرین تو.

۷/۱ **یج** : در دل بیگانه.

۷/۲ **فط** : پیوسته مرا. **خ** : کوی خرابات.

۹/۲ **طو** : آنکس که درین روز چو ما نیست.

۱۰/۲ **فط** : پیوسته چو من در طلب شرب مدام است.

۱۱/۲ **طو** : امروز که روز طرب و عید صیام است.

شمار دگرسانیها: طو = ۸ - فط = ۵ - یج = ۴ - خ = ۳ - نز = ۲ -

۳۲

۱ روضهٔ خُلد برین خلوت درویشان است — مایهٔ محتشمی خدمت درویشان است

۲ گنج عزّت که طلسمات عجایب دارد — فتح آن در نظر رحمت درویشان است

۳ قصر فردوس که رضوانش به دربانی رفت — منظری از چمن نزهت درویشان است

۴ آنچه زر می‌شود از پرتو آن قلب سیاه — کیمیائی‌ست که در صحبت درویشان است

۵ از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی — از ازل تا به ابد فرصت درویشان است

۶ دولتی را که نباشد غم از آسیب زوال — بی تکلّف بشنو دولت درویشان است

۷ گنج قارون که فرو می‌رود از قهر هنوز — خوانده باشی که هم از غیرت درویشان است

۸ ای توانگر مفروش اینهمه نخوت که تو را — سر و زر در کنف همّت درویشان است

۹ روی مقصود که شاهان به دعا می‌طلبند — مظهرش آینهٔ طلعت درویشان است

۱۰ حافظ اینجا به ادب باش که سلطانی وملک — همه از بندگی حضرت درویشان است

---

(۱۱) آن‌که پیشش بنهد تاج تکبّر خورشید — کبریائی ست که در حشمت درویشان است

(۱۲) خسروان قبلهٔ حاجات دعایند ولی — سببش بندگی حضرت درویشان است

(۱۳) حافظ ار آب حیات ابدی می‌طلبی — منبعش خاک در خلوت درویشان است

(۱۴) بندهٔ آصف عهدم که درین سلطنتش — صورت خواجگی و سیرت درویشان است

۵ نسخه: یج حیـ طو خ فط

		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	(۱۱)	(۱۲)	(۱۳)	(۱۴)
متن = حیـ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰	۰	۰	۰
یج	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۰	۰	۰
طو	:	۱	۴	۰	۲	۰	۰	۶	۵	۰	۰	۳	۰	۸	۷
خ	:	۱	۲	۳	۴	۹	۶	۱۱	۱۰	۸	۰	۵	۷	۱۲	۱۳
فط	:	۱	۴	۶	۲	۷	۳	۹	۸	۵	۱۰	۰	۰	۰	۱۱

۱/۱ **طو** : خلد برین صحبت درویشان. ۲/۱ **طو خ فط** : کنج عزلت. ۷/۱ **خ** : که فرو می‌شود از قهر هنوز
۷/۲ **یج حیـ**: صدمه‌ای از اثر. ۸/۱ **طو** : این توانگر مفروش اینهمه دعوت که تو را. ۱۰/۱ **یج فط** : که سلطان و ملک.
۱۰/۲ **یج**: بندهٔ بندگی. **حیـ**: همه از بندگی خدمت درویشان است. (۱۱/۱) **طو** : وانکه پیشش. (۱۱/۲) **طو** : کهربائی‌ست.
(۱۲/۱) **خ** : حاجات جهانند. (۱۳/۱) **طو** : حیات ابدی می‌خواهی. **خ** : حیات ازلی می‌خواهی.
(۱۴/۱) **طو** : من مرید نظر آصف عهدم کو را. **خ** : من غلام نظر آصف عهدم کو را.
شمار دگرسانیها: طو = ۷ - خ = ۵ - یج = ۳ - حیـ فط = ۲

۳۳

۱ به دام زلف تو دل مبتلای خویشتن است — بکش به غمزه که اینش سزای خویشتن است

۲ گرت ز دست بر آید مراد خاطر ما — به دست باش که خیری به‌جای خویشتن است

۳ به جانت ای بت شیرین من که همچون شمع — شبان تیره مرادم فنای خویشتن است

۴ چو رای عشق زدی با تو گفتم ای بلبل — مکن که آن گل خودرو به رای خویشتن است

۵ به مشک چین و چگل نیست چین گل محتاج — که نافه‌هاش ز بند قبای خویشتن است

۶ مرو به خانهٔ ارباب بیمروّت دهر — که گنج عافیتت در سرای خویشتن است

۷ بسوخت حافظ و در شرط عشق و جانبازی — هنوز بر سر عهد و وفای خویشتن است

---

۵ نسخه: یج خ مج نز فط

ترتیب ابیات = خ نز فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج :	۱	۲	۴	۵	۳	۶	۷
مج :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷

۲/۲ **یج** : که چیزی.

۳/۱ **فط** : ای بت شیرین دهن که من چون شمع.

۴/۱ **یج** : چو راز عشق ز دل. **خ** : چو رای عشوهٔ گل. **مج** : چو راز عشق بتان.

۴/۲ **مج** : مگو که آن **خ** : گل خندان

۵/۱ **خ** : بوی گل. **مج** : حسن او. **نز** : حسن گل. **فط** : بوی او.

۷/۱ **یج** : عشق جانبازی. **خ** : عشقبازی او.

شمار دگرسانیها: خ=۵- یج=۳- مج فط=۲- نز=۱-

۱ لعل سیراب به خون تشنه لب یار من است — وز پی دیدن او دادن جان کار من است
۲ شرم ازان چشم سیه بادش و مژگان دراز — هر که دل بردن او دید و در انکار من است
۳ ساربان، رخت به دروازه مبر کان سر کوی — شاهراهی ست که سرمنزل دلدار من است
۴ بندهٔ طالع خویشم که درین قحط وفا — عشق آن لولی سرمست وفا دار من است
۵ طبلهٔ عطر گل و دُرج عبیر افشانش — فیض یک شمّه ز بوی خوش عطّار من است
۶ باغبان همچو نسیمم ز درِ باغ مران — کآب گلزار تو از اشک چو گلنار من است
۷ شربت قند و گلاب از لب یارم فرمود — نرگس او که طبیب دل بیمار من است
۸ آنکه در طرز غزل نکته به حافظ آموخت — یار شیرین سخن نادره گفتار من است

۶نسخه : **یج طو خ عد سو صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با پنج نسخهٔ فوق (سوای سو).

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
سو :	۱	۲	۵	۶	۷	۳	۴	۸

۳/۱ **خ** : ساروان. **خ صف** : کان سر کو. ۳/۲ **طو خ** : منزلگه دلدار.

۴/۲ **طو** : عشق آن طوطی سرمست.

خ : عشق آن لولوی سرمست **خ سو** : خریدار من است.

۵/۱ **خ** : زلف عبیرافشانش.

۶/۱ **طو خ** : ز در خویش مران.

۷/۱ **طو** : از لب لعلم فرمود.

شمار دگرسانیها: خ = ۷ - طو = ۴ - سو صف = ۱ - یج عد = ۰ -

۳۵

۱ روزگاری ست که سودای بتان دین من است   غم این کار نشاط دل غمگین من است
۲ دیدن لعل تو را دیدهٔ جان‌بین باید   وین کجا مرتبهٔ چشم جهان‌بین من است
۳ یار من باش که زیب فلک و زینت دهر   از مه روی تو و اشک چو پروین من است
۴ تا مرا عشق تو تعلیم سخن‌گفتن داد   خلق را وِرد زبان مدحت و تحسین من است
۵ دولت فقر خدایا به من ارزانی دار   کین کرامت سبب حشمت و تمکین من است
۶ یارب این کعبهٔ مقصود تماشاگه کیست   که مغیلان طریقش گل و نسرین من است
۷ واعظ شحنه‌شناس این عظمت گو مفروش   زانکه منزلگه سلطان دل مسکین من است
۸ حافظ از حشمت پرویز دگر قصّه مخوان   که لبش جرعه‌کش خسرو شیرین من است

---

۹ نسخه: یج طو خ   مج نز سد عز فط حة

متن = مج نز فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج طو عز :	۱	۲	۳	۴	۵	٠	۶	۷
خ سد حة :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸

۲/۱ خ : دیدن روی تو را.
۴/۱ خ : تعلیم سخن گفتن کرد.
۵/۲ یج : کین سعادت.
۶/۱ فط : آن کعبهٔ مقصود.
۷/۲ یج : دل غمگین من است.
۸/۱ خ : حافظ از قصهٔ پرویز دگر قصه مخوان.
شمار دگرسانیها : خ = ۳ - یج = ۲ - فط = ۱ - طو مج نز سد عز حة = ٠ -
(سه نسخهٔ یج طو عز یک بیت کم دارند.)

۳۶

۱ منم که گوشهٔ میخانه خانقاه من است — دعای پیر مغان وِرد صبحگاه من است

۲ گرم ترانهٔ چنگ صبوح نیست چه باک — نوای من به سحر آه عذرخواه من است

۳ ز پادشاه و گدا فارغم بحمد اللّه — کمین‌گدای درِ دوست پادشاه من است

۴ غرض ز مسجد و میخانه‌ام وصال شماست — جز این خیال ندارم خدا گواه من است

۵ از ان زمان که برین آستان نهادم روی — فراز مسند خورشید تکیه‌گاه من است

۶ مگر به تیغ اجل خیمه برکنم، ور نی — رمیدن از درِ دولت نه رسم و راه من است

۷ گناه اگرچه نبود اختیار ما حافظ — تو در طریق ادب کوش، گو گناه من است

---

۷ نسخه: **یج طو خ مج نح عد عز**

متن = **یج نح عد**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو	:	۱	۳	۲	۴	۶	۵	۷
خ مج عز	:	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۲/۲ **عد** : به سحرگاه عذرخواه.

۳/۲ **طو خ مج نح عد عز** : گدای خاک در دوست.

۷/۲ **یج** : تو بر طریق ادب باش و گو.   **طو مج** : تو در طریق ادب کوش و گو.

خ : تو در طریق ادب باش گو.

شمار دگرسانیها: طو خ مج عد = ۲ - یج نح عز = ۱ -

۳۷

۱ ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است   ببین که در طلبت حال مردمان چون است
۲ به یاد لعل تو بی‌چشم مست میگونت   ز جام غم می لعلی که می‌خورم خون است
۳ ز مشرق سر کویْ آفتاب طلعت تو   اگر طلوع کند طالعم همایون است
۴ حکایت لب شیرین کلام فرهاد است   شکنج طرّهٔ لیلی مقام مجنون است
۵ دلم بجو که قدت همچو سرو دلجوی است   سخن بگو که کلامت لطیف و موزون است
۶ ز دوْر باده به جان راحتی رسان، ساقی   که رنج خاطرم از جور دوْر گردون است
۷ ازان زمان که ز چنگم برفت رود عزیز   کنار دامن من همچو رود جیحون است
۸ چگونه شاد شود اندرون غمگینم   به اختیار، که از اختیار بیرون است
۹ ز بیخودی طلب یار می‌کند حافظ   چو مفلسی که طلبکار گنج قارون است

---

۶ نسخه: **یج حی طو خ مج عد**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

۲/۱ **خ عد** : به یاد لعل تو و چشم مست میگونت.

۳/۱ **خ** : ز مشرق سر کو.

۵/۱ **طو** : دلم بجوی که قدّت چو سرو.

۶/۱ **یج** : مرا راحتی رسان ساقی.   ۶/۲ **طو** : از جور و درد گردون است.

۷/۱ **خ** : ازان دمی. **مج** : ازان نفس. **خ عد** : که ز چشمم برفت.

شمار دگرسانیها: خ = ۴ - طو عد = ۲ - یج مج = ۱ - حی = ۰

۱ تا سر زلف تو در دست نسیم افتاده است — دل سودازده از غصّه دو نیم افتاده است
۲ چشم جادوی تو خود عین سواد سِحر است — لیکن این هست که این نسخه سقیم افتاده است
۳ در خم زلف تو آن خال سیه دانی چیست؟ — نقطهٔ دوده که در حلقهٔ جیم افتاده است
۴ زلف مشکین تو در گلشن فردوس عذار — چیست؟ طاووس که در باغ نعیم افتاده است
۵ دل من از هوس بوی تو ای مونس جان — خاک راهی ست که در پای نسیم افتاده است
۶ همچو گرد این تن خاکی نتواند برخاست — از سر کوی تو زانرو که عظیم افتاده است
۷ سایهٔ سرو تو بر قالبم ای عیسی‌دم — عکس روحی‌ست که بر عَظم رَمیم افتاده است
۸ آنکه جز کعبه مقامش نبُد از یاد لبت — بر در میکده دیدم که مقیم افتاده است
۹ حافظ گم‌شده را با غمت ای جان عزیز — اتّحادی ست که در عهد قدیم افتاده است

۶ نسخه: **یج حیـ طو خ قبـ سز**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

۲/۲ **یج قبـ** : لیکن آن هست. **طو سز** : که آن نسخه.

۵/۱ **طو** : دل ما. **خ قبـ سز** : در هوس. **خ سز** : روی تو. ۵/۲ **خ** : در دست نسیم.

۶/۲ **طو** : از سر کوی تو زان ناله.

۷/۱ **خ** : سایهٔ قد تو. ۷/۲ **یج حیـ** : عکس روح است.

۸/۱ **طو** : نبد از روز الست.

۹/۱ **حیـ** : با لبت. **خ** : ای یار عزیز.

شمار دگرسانیها: خ = ۵ - طو = ۴ - سز = ۳ - یج حیـ قبـ = ۲ -

۱ بی مهر رُخت روز مرا نور نمانده است — وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است
۲ هنگام وداع تو ز بس گریه که کردم — دور از رخ تو چشم مرا نور نمانده است
۳ می‌رفت خیال تو ز چشمِ من و می‌گفت — هیهات ازین گوشه که معمور نمانده است
۴ وصل تو اجل را ز سرم دور همی داشت — از دولت هجر تو کنون دور نمانده است
۵ نزدیک شد آن دم که رقیب تو بگوید — دور از درت آن خستهٔ مهجور نمانده است
۶ منبعد چه سود ار قدمی رنجه کند دوست — کز جان رمقی در تن رنجور نمانده است
۷ در هجر تو گر چشم مرا آب نمانَد — گو خون جگر ریز که معذور نمانده است
۸ صبر است مرا چارهٔ هجران تو لیکن — چون صبر توان کرد؟ که مقدور نمانده است
۹ حافظ ز غم از گریه نپرداخت به خنده — ماتم‌زده را داعیهٔ سور نمانده است

۶ نسخه: یج که خ مج مط سز

متن = که مج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج مط	:	۱	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۲	۹
خ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۷	۶	۸
سز	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۹

۵/۲ خ : دور از رخت این خستهٔ رنجور. مط : این خستهٔ مهجور.
۷/۱ خ : آب روان است.
۷/۲ یج : ریز که مقدور نمانده است.
شمار دگرسانیها: خ = ۲ - یج مط = ۱ - که مج سز = ۰

۱ زلفش هزار دل به یکی تارِ مو ببست　　راه هزار چاره‌گر از چار سو ببست

۲ تا عاشقان به بوی نسیمی دهند جان　　بگشود نافه‌ای و درِ آرزو ببست

۳ شیدا ازان شدم که نگارم چو ماه نو　　ابرو نمود و جلوه‌گری کرد و رو ببست

۴ ساقی به چند رنگ می اندر پیاله ریخت　　این نقشها نگر که چه خوش در کدو ببست

۵ یا رب چه غمز کرد صراحی که خون خم　　با نغمه‌های غلغلش اندر گلو ببست

۶ مطرب چه پرده ساخت که در حلقهٔ سماع　　بر اهل وجد و حال دَرِ های و هو ببست

۷ حافظ هرآنکه عشق نورزید و وصل خواست　　اِحرام طوف کعبهٔ دل بی وضو ببست

---

(۸) دانا که زد تفرّج این چرخ حقّه‌باز　　هنگامه باز چید و درِ های و هو ببست

۶ نسخه: یح که خ　مج سز صف

									(۸)
متن = یح که خ صف	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰
مج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۷	۶
سز	:	۱	۲	۵	۷	۶	۳	۸	۴

۱/۱ **یح که خ صف** : زلفت.　**یح که خ** : به یکی تاره مو.

۲/۱ **یح که صف** : تا هر کسی.　**خ** : به بوی نسیمش.　　۲/۲ **مج سز** : بگشاد نافه‌ای و.

۴/۱ **که** : ساقی به خنده رنگ.

۵/۱ **یح که صف** : چه نغمه کرد.　**خ** : چه غمزه کرد.　　۵/۲ **خ مج** : با نعره‌های.

۶/۱ **یح خ صف** : که در پردهٔ سماع.

۷/۱ **مج سز** : حافظ کسی که.　　۷/۲ **مج** : احرام کعبهٔ دل و جان.

(۸/۲) **سز** : درِ گفت و گو ببست.

شمار دگرسانیها: خ = ۶ - یح که = ۵ - مج صف = ۴ - سز = ۳ -

۴۱

۱ خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست — گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست

۲ مرا و مرغ چمن را ز دل ربود آرام — زمانه تا قصب نرگس و قبای تو بست

۳ ز کار ما و دل غنچه بس گره بگشود — نسیم گل چو دل اندر پی هوای تو بست

۴ مرا به بند تو دوران چرخ راضی کرد — ولی چه سود که سررشته در رضای تو بست

۵ چو نافه بر دل مسکین من گره مفکن — که عهد با سر زلف گره‌گشای تو بست

۶ تو خود حیات دگر بودی ای زمان وصال — خطا نگر که دل امّید در وفای تو بست

۷ ز دست جور تو گفتم ز شهر خواهم رفت — به خنده گفت که حافظ برو، که پای تو بست؟

---

(۸) هم از نسیم تو روزی گشایشی یابد — چو غنچه هرکه دل اندر پی هوای تو بست

۶ نسخه : یج طو خ مج نز عز

ترتیب ابیات متن برابر است با ۴ نسخهٔ فوق (سوای **یج طو**)

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰ (۸)
یج	:	۱	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۳
طو	:	۱	۲	۳/۱	۴/۲ ۴/۱	۵/۲ ۵/۱	۳/۲ ۶	۷	۰

۲/۱ **یج خ عز** : مرا و سرو چمن را به خاک راه نشاند.

۲/۲ **طو عز** : قصب زرکش قبای تو. **خ** : قصب نرگس قبای تو.

۳/۱ **طو خ نز عز** : صدگره بگشود. **مج** : بگشاد.

۳/۲ **طو** : نسیم گل چو دل خویش در هوای تو بست.

۴/۱ **طو** : مرا به قید تو.

۵/۱ **یج** : چو غنچه. **طو** : بر دل مسکین ما. ۵/۲ : **یج** : چو عهد با سر زلف.

۶/۱ **خ** : تو خود وصال دگر بودی. **طو** : ای نسیم صبا. **خ** : ای نسیم وصال.

۶/۲ **طو** : خطا نکرد که دل در پی قبای تو بست.

شمار دگرسانیها: طو = ۷ - خ = ۵ - یج عز = ۳ - مج نز = ۱ -

۴۲

۱ در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست　　مست از می و میخواران از نرگس مستش مست
۲ در نعل سمند او شکل مه نو پیدا　　وز قدّ بلند او بالای صنوبر پست
۳ آخر به چه گویم هست از خود خبرم چون نیست　　وز بهر چه گویم نیست با او نظرم چون هست
۴ شمع دل دمسازان بنشست چو او برخاست　　و افغان ز نظربازان برخاست چو او بنشست
۵ گر غالیه خوشبو شد در گیسوی او پیچید　　ور وسمه کمانکش گشت در ابروی او پیوست
۶ باز آی که باز آید عمر شدهٔ حافظ　　هرچند نیاید باز تیری که بشد از شست

---

۶ نسخه: **حیـ طو خ سز عز فط**

ترتیب ابیات = **طو خ سز عز فط** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶
حیـ :	۱	۲	۳	۴	۰	۵

۱/۲ **حیـ** : از نرگس شوخش مست. **طو** : آن نرگس مستش مست.
۳/۱ **طو** : از بهر چه گویم هست.　　۳/۲ **خ** : با وی نظرم.
۴/۱ **حیـ خ سز** : شمع دل دمسازم.
۴/۲ **حیـ** : افغان ز نظربازان **عز** : برخواست چو او بنشست.
۵/۱ **طو** : در گیسوی او پیچد.
۶/۱ **طو** : باز آمدی که باز آید.
۶/۲ **حیـ** : هرچند که نیاید باز **خ سز** : هرچند که ناید باز. **طو** : تیری که برفت.
شمار دگرسانیها: طو = ۵ - حیـ = ۴ - خ = ۳ - سز = ۲ - عز = ۱ - فط = ۰ -

۱ به جان خواجه و حقّ قدیم و عهد درست | که مونس دم صبحم دعای دولت توست
۲ سرشک من که ز طوفان نوح دست ببرد | ز لوح سینه نیارست نقش مهر تو شست
۳ بکن معامله‌ای وین دل شکسته بخر | که با شکستگی ارزد به صد هزار درست
۴ ملامتم به خرابی مکن که مرشد عشق | حوالتم به خرابات کرد روز نخست
۵ زبان مور بر آصف دراز گشت و رواست | که خواجه خاتم جم یاوه کرد و باز نجست
۶ دلا طمع مبُر از لطف بینهایت دوست | چو لاف عشق زدی سر بباز چابک و چست
۷ مرنج حافظ و از دلبران حفاظ مجوی | گناه باغ چه باشد چو این درخت نرست

---

(۸) شدم ز دست تو شیدای کوه و دشت و هنوز | نمی‌کنی به ترحّم نطاق سلسله سست
(۹) به صدق کوش که خورشید زاید از نفست | که از دروغ سیه‌روی گشت صبح نخست

۶ نسخه: **یج طو خ مج نز فط**

ترتیب ابیات متن برابر است با: **یج طو مج نز فط**

								(۸)	(۹)
متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰
خ :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۸	۷	۶

۱/۱ **طو** : به جان یار قدیم و به حق. **نز** : به جان یار و به حق قدیم و.

۱/۲ **طو** : که مونس دم صبح و.

۲/۱ **خ** : دست برد.

۵/۱ **یج خ فط** : زبان مور به آصف. **یج** : دراز گشت ازان.

۵/۲ **طو** : هیچ نجست.

۷/۱ **طو** : کناره مجوی. ۷/۲ **خ فط** : چو این گیاه.

شمار دگرسانیها: طو = ۴ - خ = ۳ - یج فط = ۲ - نز = ۱ - مج = ۰ -

۴۴

۱ شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست — صلای سرخوشی، ای صوفیانِ وقت پرست
۲ اساس توبه که در محکمی چو سنگ نمود — ببین که جام زجاجی چه طرفه‌اش بشکست
۳ بیار باده که در بارگاه استغنا — چه پاسبان و چه سلطان، چه هوشیار و چه مست
۴ درین رباط دو در چون ضرورت است رحیل — رواق و طاق معیشت چه سربلند و چه پست
۵ مقام عیش میسّر نمی‌شود بی رنج — بلی به حکم بلا بسته‌اند عهد الست
۶ به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می‌باش — که نیستی ست سرانجام هر کمال که هست
۷ شکوه آصفی و اسب باد و منطق طیر — به باد رفت و ازو خواجه هیچ طرف نبست
۸ به بال و پر مرو از ره که تیر پرتابی — هوا گرفت زمانی ولی به خاک نشست
۹ زبان کلک تو حافظ چه شکر آن گوید — که گفتهٔ سخنت می‌برند دست به دست

۶نسخه : **یج طو خ مج سو حنه**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

۱/۱ **طو** : گل حمری — ۱/۲ **یج خ مج** : صوفیان باده‌پرست.

۴/۱ **خ حنه** : ازین رباط دودر. **طو** : چون مقرر است.

۴/۲ **یج** : رواق و طاق مقرنس. **سو** : رواق طاق معیشت.

۵/۱ **یج طو** : مقام عشق. — ۵/۲ **یج** : یکی به حکم بلا. **طو** : بلی به حکم بلی.

۹/۲ **یج مج** : که گفتهٔ سخنش. **سو** : که گفتهٔ شکرینت برند.

شمار دگرسانیها: یج = ۵ - طو = ۴ - خ مج سو = ۲ - حنه = ۱ -

۱ مطّلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست — که به پیمانه کشی شهره شدم روز الست

۲ من همان دم که وضو ساختم از چشمهٔ عشق — چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه که هست

۳ می بده تا دهمت آگهی از سرّ قضا — که به روی که شدم عاشق و از بوی که مست

۴ کمر کوه کم است از کمر مور اینجا — نا امید از در رحمت مشو ای باده پرست

۵ بجز آن نرگس مستانه که چشمش مرساد — زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننشست

۶ جان فدای دهنت باد که در باغ نظر — چمن آرای جهان خوشتر ازین غنچه نبست

۷ حافظ از دولت عشق تو سلیمانی شد — یعنی از وصل تواش هست کنون باد به دست

۶ نسخه: **یج طو خ مج عد عز**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۵ نسخه (بجز مج)

متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
مج :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷

۱/۲ **یج** : که به پیمان‌شکنی.

۲/۱ **طو** : از چشمهٔ نوش. ۲/۲ **طو** : زدم یکرهه.

۳/۲ **مج عز** : بر بوی که مست.

۴/۱ **یج طو** : از کمر مور آنجا.

۵/۲ **طو** : طارم پیروزه.

۶/۱ **طو** : جان فدای نظرت باد. **خ** : جان فدای دهنش باد.

۶/۲ **طو** : نقش نبست.

۷/۲ **یج خ** : یعنی از وصل تواش نیست بجز باد به دست.

شمار دگرسانیها: طو=۶- یج=۳- خ=۲- مج عز=۱- عد=۰-

۱ زلف‌آشفته و خوی‌کرده و خندان‌لب و مست — پیرهن‌چاک و غزلخوان و صراحی‌دردست
۲ نرگسش عربده‌جوی و لبش افسوس‌کنان — نیمشب دوش به بالین من آمد بنشست
۳ سر فرا گوش من آورد و به آواز حزین — گفت کای عاشق دیرینهٔ من خوابت هست؟
۴ عارفی را که چنین بادهٔ شبگیر دهند — کافر عشق بود گر نشود باده پرست
۵ برو ای زاهد و بر دُردکشان خرده مگیر — که ندادند جز این تحفه به ما روز الست
۶ آنچه او ریخت به پیمانهٔ ما نوشیدیم — اگر از خمر بهشت است و گر از بادهٔ مست
۷ خندهٔ جام می و زلف گرهگیر نگار — ای بسا توبه که چون توبهٔ حافظ بشکست

۷ نسخه: **یج طو خ مج نز عز فط**
ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.
متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷
۱/۲ **یج** : پیرهن خاک و. **نز** : پیرهن چاک غزلخوان و.
۲/۱ **عز** : نرگسش عربده‌جو و. ۲/۲ **طو** : به بالین من آمد سرمست.
۳/۱ **یج خ عز** : سر فراگوش من آورد.
۳/۲ **یج خ نز** : گفت ای. **یج** : عاشق دیوانهٔ من. **مج** : عاشق بیچارهٔ من.
۴/۱ **طو خ** : عاشقی را. **یج فط** : ساغر شبگیر.
۴/۲ **یج** :گر نبود.
۶/۲ **خ** : بهشت است وَگر بادهٔ. **عز فط** : بهشت است اگر از.
۷/۱ **فط** : زلف چو زنجیر نگار.
شمار دگرسانیها: یج=۶- خ=۴- عز فط=۳- طو نز=۲- مج=۱-

۴۷

۱ به کوی میکده هر سالکی که ره دانست　　　دری دگر زدن اندیشهٔ تبه دانست

۲ بر آستانهٔ میخانه هر که یافت رهی　　　ز فیض جام می اسرار خانقه دانست

۳ زمانه افسر رندی نداد جز به کسی　　　که سرفرازی عالم درین کله دانست

۴ هر آنکه راز دو عالم ز خطّ ساغر خواند　　　رموز جام جم از نقش خاک ره دانست

۵ ورای طاعت دیوانگان ز ما مطلب　　　که شیخ مذهب ما عاقلی گنه دانست

۶ دلم ز نرگس ساقی امان نخواست به جان　　　چرا که شیوهٔ آن ترک دل‌سیه دانست

۷ ز جور کوکب طالع سحرگهان چشمم　　　چنان گریست که ناهید دید و مه دانست

۸ خوش آن نظر که لب جام و روی ساقی را　　　هلال یکشبه و ماه چارده دانست

۹ حدیث حافظ و ساغر که می‌زند پنهان　　　چه جای محتسب و شحنه، پادشه دانست

---

(۱۰) بلندمرتبه شاهی که نُه رواق سپهر　　　نمونه‌ای ز خَم طاق بارگه دانست

۶ نسخه: یج طو خ سز فط ته

ترتیب ابیات =										
ته :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰ (۱۰)
یج :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸	۹	۱۰
طو :	۱/۱ | ۰ ۰ |	۱/۲	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸
خ :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۰	۸	۹
سز :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
فط :	۱	۰	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۹

۱/۱ **طو** : به کوی باده‌فروشان کسی که.

۴/۱ **یج ته** : ز خط ساقی خواند. **فط** : ز نقش ساغر خواند.　　۴/۲ **یج** : رموز حال جم.

۶/۱ **طو** : دلم ز نرگس مستش. **طو** : به جان نخواست امان. **سز** : امان بخواست به جان.

۷/۱ **یج** : ز دست کوکب طالع.　　۷/۲ **ته** : که خورشید دید و.

۸/۱ **ته** : که لب یار و.

۹/۱ **طو** : حدیث ساغر پنهان که می‌زند حافظ. **سز** : ساغر کشیدن پنهان.

(۱۰/۱) **طو** : شهی که طارم هفتم رواق گردون را.　　(۱۰/۲) **یج** : نمونه‌ای زخم طاق.

شمار دگرسانیها: طو=۵- یج=۴- ته=۳- سز=۲- فط=۱- خ=۰

۴۸

۱ صوفی از پرتو می راز نهانی دانست ... گوهر هر کس ازین لعل توانی دانست

۲ قدر مجموعهٔ گل مرغ سحر داند و بس ... که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست

۳ ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی ... ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست

۴ آن شد اکنون که ز ابنای عوام اندیشم ... محتسب نیز درین عیش نهانی دانست

۵ عرضه کردم دو جهان بر دل کار افتاده ... بجز از عشق تو باقی همه فانی دانست

۶ سنگ و گِل را کند از یُمن نظر لعل و عقیق ... هر که قدر نَفَس باد یمانی دانست

۷ می بیاور که ننازد به گل باغ جهان ... هر که غارتگری باد خزانی دانست

۸ لطفش آسایش ما مصلحت وقت ندید ... ورنه از جانب ما دلنگرانی دانست

۹ حافظ این گوهر منظوم که از طبع انگیخت ... اثـر تـربیت آصف ثانی دانست

---

۶ نسخه: یج طو خ مج نز فط

متن = مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج طو :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۰	۷	۸
خ :	۱	۲	۷	۴	۳	۶	۸	۵	۹
نز :	۱	۲	۶	۵	۳	۴	۰	۷	۸
فط :	۱	۲	۳	۶	۸	۵	۴	۷	۹

۱/۱ **مج** : عارف از.

۲/۱ **مج** : شرح مجموعهٔ گل.

۴/۱ **طو** : ابنای زمان. **نز فط** : افسوس عوام.

۵/۱ **یج** : غرقه کردم دو جهان. **فط** : عرض کردم.

۸/۱ **خ مج فط** : دلبر آسایش ما.

۹/۱ **طو** : آن گوهر منظوم.

۱/۲ **یج طو** : ازان لعل.

۲/۲ **طو** : نه هر آنکس.

۴/۲ **نز** : درین راز نهانی.

۵/۲ **مج** : بجز از حسن تو.

۸/۲ **فط** : ور چه از جانب او.

۹/۲ **خ** : ز اثر تربیت.

شمار دگرسانیها: طو مج فط = ۴ - یج خ نز = ۲ -

۱ آن سیه‌چرده که شیرینی عالم با اوست — چشم میگون، لب خندان، رخ خرّم با اوست
۲ گرچه شیرین‌دهنان پادشهانند ولی — او سلیمان زمان است که خاتم با اوست
۳ خال شیرین که بران عارض گندمگون است — سرّ آن دانه که شد رهزن آدم با اوست
۴ روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک — لاجرم همّت پاکان دو عالم با اوست
۵ دلبرم عزم سفر کرد خدا را یاران — چه کنم با دل مجروح، که مرهم با اوست
۶ با که این نکته توان گفت که آن سنگین دل — کشت ما را و دم عیسی مریم با اوست
۷ حافظ از معتقدان است، گرامی دارش — زانکه بخشایش بس روح مکرّم با اوست

---

۶ نسخه: یج طو خ مج عد فط

ترتیب ابیات =							
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج طو :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷
خ فط :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷
عد :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷

۱/۲ خ فط : دل خرم با اوست.

۳/۱ خ عد : خال مشکین. فط : خال میگون. یج خ : که بدان عارض.

۳/۲ یج : سرّ آن نکته. یج : که شد رهزن عالم با اوست.

۴/۱ خ : دانش پاک.

۶/۱ مج : باکه این شکوه.

شمار دگرسانیها: خ = ۴ - یج = ۳ - فط = ۲ - مج عد = ۱ - طو = ۰ -

۵۰

۱ دل سـراپـردهٔ محبّت اوست   دیـده آئینه دار طلعت اوست

۲ من که سر در نیاورم به دو کوْن   گـردنـم زیـر بـار منّت اوست

۳ تو و طوبی و ما و قامت یار   فکر هر کس بقدر همّت اوست

۴ گر من آلوده دامنم چه زیـان   همه عالم گواه عصمت اوست

۵ من که باشم دران حرم که صبا   پرده دار حریم حرمت اوست

۶ دوْر مجنون گذشت و نوبت ماست   هر کسی پنج روز نوبت اوست

۷ ملکت عاشقیّ و گنج طرب   هر چه دارم ز یُمن دولت اوست

۸ من و دل گر فدا شدیم چه باک   غرض اندر میان سلامت اوست

۹ فقر ظاهر مبین، که حافظ را   سینه گنجینهٔ محبّت اوست

---

(۱۰) بی خیـالش مـبـاد منظر چشم   زانکه این گوشه خاص خلوت اوست

(۱۱) هـر گل نو کـه شـد چمن آرای   اثـر رنگ و بوی صحبت اوست

۶نسخه: یج حی طو خ نز فط

										(۱۰)	(۱۱)
ترتیب ابیات = حی :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	∘	∘
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	∘	۸	∘	∘
طو :	۱	۲	۳	۴	۷	۶	۵	∘	۸	∘	∘
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۹	۱۰	۱۱	۶	۷
نز :	۱	۲	۳	∘	۴	۶	۵	∘	۷	∘	∘
فط :	۱	۲	۴	۸	۶	۱۰	۳	۷	۱۱	۵	۹

۱/۱ **یج** : دل سراپردهٔ محبت دوست.   ۳/۱ **یج** : مأه و قامت یار.

۴/۱ **یج حی خ فط** : چه عجب.   ۵/۲ **یج طو** : خاکبوس حریم.

۶/۲ **طو** : مهلت اوست.

۷/۱ **خ** : ملک عاشقی و. **طو نز** : کنج طلب.   ۷/۲ **طو** : به یمن دولت. **خ** : ز یمن همت اوست.

۸/۱ **حی** : چه شد.   ۹/۱ **یج** : که حافظ راست.

(۱۰/۲) **خ** : این گوشه جای خلوت اوست.   (۱۱/۲) **خ** : ز اثر رنگ و بوی.

شمار دگرسانیها: یج خ = ۵ - طو = ۴ - حی = ۲ - نز فط = ۱ -

۵۱

۱ رواق منظر چشم من آشیانهٔ توست — کرم نمای و فرود آ، که خانه خانهٔ توست
۲ به لطف خال و خط از عارفان ربودی دل — لطیفه‌های عجب زیر دام و دانهٔ توست
۳ دلت به وصل گل ای بلبل سحر خوش باد — که در چمن همه گلبانگ عاشقانهٔ توست
۴ علاج ضعف دل ما به لب حوالت کن — که آن مُفرّح یاقوت در خزانهٔ توست
۵ به تن مقصّرم از دولت ملازمتت — ولی خلاصهٔ جان خاک آستانهٔ توست
۶ من آن نیم که دهم نقد دل به هر شوخی — در خزانه به مُهر تو و نشانهٔ توست
۷ تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین‌کار — که توسنی چو فلک رام تازیانهٔ توست
۸ چه جای من، که بلغزد سپهر شعبده باز — ازین حیل که در انبانهٔ بهانهٔ توست
۹ سرود مجلست اکنون فلک به رقص آرد — که شعر حافظ شیرین‌سخن ترانهٔ توست

۶ نسخه: **یج طو خ مج عز صف**

ترتیب ابیات برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (سوای طو)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	٠	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸

۱/۲ **خ مج عز** : کرم نما و. **طو** : فرود آی خانه.

۳/۱ **عز** : ز وصل گل. **خ** : ای بلبل صبا.

۴/۲ **خ** : که این مفرح.

۵/۲ **طو** : ولی ملازم جان.

۶/۱ **طو** : که دهم دل به مهر هر شوخی. **مج** : به هر صنمی. ۶/۲ **طو** : ولی خزینه.

۷/۲ **طو** : زیر تازیانه.

۸/۲ **طو** : از آن حیل.

۹/۱ **طو** : مرا به رقص آورد.

شمار دگرسانیها: طو = ۷ - خ = ۳ - مج عز = ۲ - یج صف = ٠ -

۵۲

۱ سر ارادت ما و آستان حضرت دوست　　　که هر چه بر سر ما می‌رود ارادت اوست
۲ نظیر دوست ندیدم اگر چه از مه و مهر　　　نهادم آینه‌ها در مقابل رخ دوست
۳ صبا ز حال دل تنگ ما چه شرح دهد　　　که چون شکنج ورقهای غنچه تو بر توست
۴ نه من سبوکش این دیر رند سوزم و بس　　　بسا سرا که درین کارخانه خاک سبوست
۵ مگر تو شانه زدی زلف عنبر افشان را　　　که باد غالیه‌سای است و خاک عنبربوست
۶ نثار روی تو هر برگ گل که در چمن است　　　فدای قدّ تو هر سرو بُن که بر لب جوست
۷ زبان ناطقه در وصف شوق نالان است　　　چه جای کلک بریده‌زبان بیهده‌گوست
۸ رخ تو در دلم آمد، مراد خواهم یافت　　　چرا که حال نکو در قفای فال نکوست
۹ نه این زمان دل حافظ در آتش طلب است　　　که داغدار ازل همچو لالهٔ خود روست

۶ نسخه: **یج طو خ مج نز فط**

ترتیب ابیات =		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
خ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۰	۷
طو	:	۱	۷	۲	۶	۵	۳	۸	۴	۹
مج	:	۱	۷	۲	۶	۳	۵	۸	۴	۹
نز	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸
فط	:	۱	۲	۶	۴	۸	۵	۳	۷	۹

۱/۱ **یج** : و آستان حضرت اوست.
۲/۱ **یج** : ندیدیم اگر چه. **خ** : اگرچه از مه مهر.　　　۲/۲ **یج** : نهادم آینه‌ها را مقابل.
۳/۱ **طو** : دل ریش ما. **فط** : دل تنگ من.　　　۳/۲ **یج** : ورقهای دیده.
۴/۱ **یج** : این دیر رندسوز شدم.　　　۴/۲ **خ مج** : سنگ و سبوست.
۵/۲ **خ نز** : غالیه‌ساگشت و.
۷/۱ **طو مج** : شوق ما لال است.
۸/۱ **نز** : در نظر آمد.
۹/۱ **یج** : پر آتش. **یج خ** : هوس است.
شمار دگرسانیها: یج = ۷ - خ = ۴ - طو مج نز = ۲ - فط = ۱ -

۵۳

۱ این پیک نامور که رسید از دیار دوست — و آورد حِرز جان به خط مشکبار دوست
۲ خوش می‌دهد نشان جمال و جلال یار — خوش می‌کند حکایت عزّ و وقار دوست
۳ دل دادمش به مژده و خجلت همی برم — زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست
۴ شکر خدا که از مدد بخت کارساز — برحَسَب آرزوست همه کار و بار دوست
۵ سیر سپهر و دوْر قمر را چه اختیار — در گردشند بر حَسَب اختیار دوست
۶ گر باد فتنه هر دو جهان را بهم زند — ما و چراغ چشم و ره انتظار دوست
۷ کحل الجواهری به من آر ای نسیم صبح — زان خاک نیکبخت که شد رهگذار دوست
۸ دشمن به قصد حافظ اگر دم زند چه باک — منّت خدای را که نیم شرمسار دوست

---

(۹) مائیم و آستانهٔ عشق و سر نیاز — تا خواب خوش که را برد اندر کنار دوست

۶ نسخه: یج طو خ   مج عز فط

										(۹)
ترتیب ابیات = یجفط	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
طو	:	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷	۰
خ عز	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸
مج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۷

۱/۱ **خ** : آن پیک.   **یج** : خوشخبر.
۱/۲ **خ عز فط** : آورد.   **خ** : ز خط.
۲/۱ **طو** : می‌دهد خبر ز جمال و جلال.   **خ** : می‌دهد نشان جلال و جمال یار.
۲/۲ **یج فط** : تا در طلب شود دل امیدوار دوست.   **طو** : خوش می‌کند [ ] عزّ و.
۶/۱ **یج** : ار باد فتنه.   ۶/۲ **یج** : مأء و چراغ چشم و.
(۹/۲) **خ** : تا خواب خوش که را بزد.   **مج عز** : تا خواب خوش که را بود.
شمار دگرسانیها: خ = ۵ - یج = ۴ - طو عز فط = ۲ - مج = ۱ -

۵۴

۱ صبا اگر گذری افتدت به کشور دوست — بیار نفحه‌ای از گیسوی مُعنبَر دوست

۲ به جان او که به شکرانه جان برافشانم — اگر به‌سوی من آری پیامی از بر دوست

۳ وگر چنانکه دران حضرتت نباشد بار — بدین دو دیده بیاور غباری از در دوست

۴ من گدا و تمنّای وصل او هیهات — مگر به خواب ببینم خیال منظر دوست

۵ دل صنوبریم همچو بید لرزان است — ز حسرت قد و بالای چون صنوبر دوست

۶ اگرچه دوست به چیزی نمی‌خرد ما را — به عالمی نفروشیم موئی از سر دوست

۷ چه باشد ار شود از بند غم دلش آزاد — چو هست حافظ خوشخوان غلام و چاکر دوست

۶نسخه: **یج طو خ مج قب سز**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۲ **یج**: بیار نفخه‌ای.

۲/۱ **یج مج**: من از شکر.

۳/۱ **یج**: اگر چنانکه. **مج**: اگر چنانچه.

۳/۲ **طو خ قب سز**: برای دیده بیاور. **یج**: پیامی از در دوست.

۴/۱ **سز**: من از کجا و.

۴/۲ **یج مج**: کجا به چشم ببینم.

۵/۱ **یج**: می‌لرزد (زیر این کلمه به قلم ریز نوشته شده است «لرزانست»).

۷/۲ **خ سز**: چو هست حافظ مسکین.

شمار دگرسانیها: یج=۶ - مج سز=۳ - خ=۲ - طو قب=۱ -

۵۵

۱ مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست
۲ واله و شیداست دایم همچو بلبل در قفس طوطی طبعم ز عشق شکّر و بادام دوست
۳ زلف او دام است و خالش دانهٔ آن دام و من بر امید دانه‌ای افتاده‌ام در دام دوست
۴ سر ز مستی برنگیرد تا به صبح روز حشر هرکه چون من در ازل یک جرعه خورد ازجام دوست
۵ من بگفتم شمّه‌ای از شرح شوق خود ولی دردسر باشد نمودن بیش ازین ابرام دوست
۶ گر دهد دستم کشم در دیده همچون توتیا خاک راهی کان مشرّف گردد از اقدام دوست
۷ میل من سوی وصال و قصد او سوی فراق ترک کام خود گرفتم تا بر آید کام دوست
۸ حافظ اندر درد او می‌سوز و بی‌درمان بساز زانکه درمانی ندارد درد بی آرام دوست

---

۶ نسخه: **یج طو خ مج عز فط**

متن = **یج طو خ**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
مج عز فط	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷

۱/۲ **طو** : تاکنم سر از سر رغبت. **عز** : تاکنم جان از سر حیرت.
۲/۱ **یج** : واله شیداست. ۲/۲ **طو** : بلبل طبعم ز عشق شکر و.
۳/۱ **یج** : دانه و زان دام من. **طو** : دانه و مسکین دلم
۳/۲ **طو** : بر امید دانه است افتاده اندر. **یج** : افتاده‌ام بر دام دوست.
۴/۱ **یج** : سر ز مستی بر نگیرم. **عز** : تا دم صبح ابد.
۴/۲ **طو** : هر که چون من در ازل خورد یک از جام دوست.
۵/۱ **طو** : می‌نگویم. **خ** : بس نگویم. **طو خ** : خود از آنک.
۵/۲ **یج** : می‌نمی خواهم نمودن. **طو** : بعد ازین ابرام دوست.
۷/۱ **عز** : قصد دل سوی فراق.
۸/۱ **مج** : می‌ساز و. **یج مج** : با درمان بساز.
۸/۲ **یج** : زانکه او را می‌نسازد. **طو مج** : زانکه آرامی ندارد. **خ** : درد بی‌درمان دوست.
شمار دگرسانیها : طو = ۹ - یج = ۷ - خ مج عز = ۳ - فط = ۰ (یک بیت کم دارد).

۵۶

۱ روی تو کس ندید و هزارت رقیب هست / در غنچه‌ای هنوز و صدت عندلیب هست
۲ هرچند دورم از تو، که دور از تو کس مباد / لیکن امید وصل توام عنقریب هست
۳ گر آمدم به کوی تو چندان غریب نیست / چون من درین دیار فراوان غریب هست
۴ عاشق که شد؟ که یار به حالش نظر نکرد / ای خواجه درد نیست و گرنه طبیب هست
۵ در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست / هرجا که هست پرتو روی حبیب هست
۶ آنجا که کار صومعه را جلوه می‌دهند / ناموس دیر راهب و نام صلیب هست
۷ فریاد حافظ اینهمه آخر به هرزه نیست / هم قصّه‌ای غریب و حدیثی عجیب هست

---

۷ نسخه: **یج طو که خ مج مط صف**

ترتیب ابیات = **یج مط صف** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۵	۶	۳	۴	۷
که مج :	۱	۳	۲	۶	۴	۵	۷
خ :	۱	۰	۲	۵	۳	۴	۶

۳/۱ **صف** : چندین غریب نیست.
۳/۲ **طو خ مط** : دران دیار. **یج طو خ** : هزاران غریب.
۶/۱ **مج** : آنجاکه حسن صومعه.
۶/۲ **خ** : ناقوس دیر راهب و. **یج** : بانگ صلیب.
شمار دگرسانیها: خ = ۳ - یج طو = ۲ - مج مط صف = ۱ - که = ۰ -

۵۷

۱ اگرچه عرض هنر پیش یار بی ادبی ست　　زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی ست

۲ پری نهفته رُخ و دیو در کرشمهٔ حسن　　بسوخت عقل ز حیرت که این چه بُلعجبی ست

۳ سبب مپرس که چرخ از چه سفله پرور شد　　که کام‌بخشی او را بهانه بی سببی ست

۴ درین چمن گل بیخار کس نچید آری　　چراغ مصطفوی با شرار بولهبی ست

۵ به نیم جو نخرم طاق خانقاه و رباط　　مرا که مصطبه ایوان و پای خم طَنَبی ست

۶ جمال دختر رز نور چشم ماست مگر　　که در نقاب زجاجیّ و پردهٔ عنبی ست

۷ دوای درد خود اکنون ازان مُفرّح جوی　　که در صراحی چینیّ و شیشهٔ حلبی ست

۸ بیار می که چو حافظ مدامم استظهار　　به گریهٔ سحریّ و نیاز نیمشبی ست

---

(۹) هزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه　　کنون که مست خرابم صلاح بی‌ادبی ست

۶نسخه : **یج طو خ نز فط صف**

ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	(۹)
= **یج فط صف** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۶	۸	۵	۷	۰
خ :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	=	۸	۷
نز :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۵	۸	۰

۲/۲ **یج خ نز صف** : بسوخت دیده ز حیرت.

۳/۱ **خ** : سلفه‌پرور شد.

۴/۱ **یج** : کس نمی‌چیند.

۵/۱ **طو نز** : طاق خانقاه و رواق. **فط** : طاق و خانقاه و رواق.

۷/۱ **صف** : ازان مفرح جو.　　۷/۲ **یج طو** : ساغر حلبی.

۸/۱ **طو خ** : هزارم استظهار.

شمار دگرسانیها: یج طو خ=۳- نز صف=۲- فط=۱-

۱ خوشتر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست ساقی کجاست گو سبب انتظار چیست

۲ هر وقتِ خوش که دست دهد مغتنم شمار کس را وقوف نیست که انجام کار چیست

۳ پیوند عمر بسته به مویی ست هوش دار غمخوار خویش باش، غم روزگار چیست

۴ معنیّ آب زندگی و روضهٔ ارم جز طرف جویبار و می خوشگوار چیست

۵ سهو و خطای بنده گرش نیست اعتبار معنیّ عفو و رحمت آمرزگار چیست

۶ مستور و مست هر دو چو از یک قبیله‌اند ما دل به عشوهٔ که دهیم اختیار چیست

۷ راز درون پرده چه داند فلک خموش ای مدّعی نزاع تو با پرده‌دار چیست

۸ زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست تا در میانه خواستهٔ کردگار چیست

---

۷ نسخه : یج طو خ نز عد حذ حک

ترتیب ابیات =

نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
خ حذ حک :	۱	۲	۳	۴	۷	۵	۶	۸
عد :	۱	۶	۲	۳	۴	۵	۷	۸

۱/۱ **خ** : عیش صحبت باغ.

۳/۱ **طو** : پیوسته عمر.

۴/۲ **طو** : جز طرف گلعذار و. **خ** : جز طوف جویبار و.

۵/۲ **نز** : عفو و رحمت پروردگار.

۶/۲ **طو** : دل را به عشوهٔ که دهند.

۸/۲ **طو** : خواستهٔ کرد دگار جیست.

شمار دگرسانیها: طو = ۴ - خ = ۲ - نز = ۱ - یج عد حذ حک = ۰ (نسخهٔ یج یک بیت کم دارد).

۵۹

۱ بنال بلبل اگر با منت سر یاری ست — که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری ست

۲ دران زمین که نسیمی وزد ز طرّهٔ دوست — چه جای دم زدن نافه‌های تاتاری ست

۳ بیار باده که رنگین کنیم جامهٔ زرق — که مست جام غروریم و نام هشیاری ست

۴ خیال زلف تو پختن نه کار خامان است — که زیر سلسله رفتن طریق عیّاری ست

۵ لطیفه‌ای ست نهانی که عشق ازان خیزد — که نام آن نه لب لعل و خطّ زنگاری ست

۶ جمال شخص نه چشم است و زلف و عارض و خال — هزار نکته درین کار و بار دلداری ست

۷ قلندران حقیقت به نیم جو نخرند — قبای اطلس آنکس که از هنر عاری ست

۸ بر آستان تو مشکل توان رسید آری — عروج بر فلک سروری به دشواری ست

۹ سحر کرشمهٔ وصلش به خواب می‌دیدم — زهی مراتب خوابی که بِه ز بیداری ست

۱۰ دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ — که رستگاری جاوید در کم‌آزاری ست

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز عز حک**

ترتیب ابیات متن برابر است با شش نسخهٔ فوق (سوای یج)

متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸	۹

۴/۱ **طو** : خیال عشق تو. **خ** : نه کار هر خامی‌ست.

۵/۱ **طو خ** : عشق ازو خیزد.

۶/۱ **یج طو** : نه چشم است و روی و عارض و خط.

نز : نه چشم است و زلف و عارض و خط.

۷/۱ **طو** : برهنگان طریقت.

۸/۱ **مج عز** : به آستان تو.

۹/۱ **یج** : کرشمهٔ حسنت. **طو نز عز** : کرشمهٔ چشمش. **خ** : کرشمهٔ چشمت.

شمار دگرسانیها: طو=۵- خ=۳- یج نز عز=۲- مج=۱- حک=۰-

۶۰

۱ یارب این شمع دل‌افروز ز کاشانهٔ کیست — جان ما سوخت بپرسید که جانانهٔ کیست
۲ حالیا خانه‌برانداز دل و دین من است — تا هماغوش که می‌باشد و همخانهٔ کیست
۳ بادهٔ لعل لبش کز لب من دور مباد — راح روح که و پیمان ده پیمانهٔ کیست
۴ دولت صحبت آن شمع سعادت‌پرتو — باز پرسید خدا را که به پروانهٔ کیست
۵ می‌دمد هر کسش افسونی و معلوم نشد — که دل نازک او مایل افسانهٔ کیست
۶ یا رب آن شاهوَش ماهرخ زهره‌جبین — دُرّ یکتای که و گوهر یکدانهٔ کیست
۷ گفتم آه از دل دیوانهٔ حافظ بی تو — زیر لب خنده‌زنان گفت که دیوانهٔ کیست

---

۵ نسخه: **یج طو خ مج نز**

ترتیب ابیات =							
یج طو خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
مج نز :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷

۱/۲ **طو** : بگوئید که جانانهٔ کیست.
۲/۲ **خ** : تا در آغوش که می‌خسبد و.
۳/۱ **نز** : کز لب ما. ۳/۲ **خ** : پیمان ده و پیمانهٔ کیست.
۴/۱ **نز** : این شمع.
۵/۱ **یج طو خ** : می‌دهد.
۶/۱ **یج مج نز** : یارب این. **طو** : ماهرخ شاهوش.
یج طو : مهر فروغ. **نز** : ماهرخ مهرفروز.
شمار دگرسانیها: طو نز = ۴ - یج خ = ۳ - مج = ۱ -

۶۱

۱ ماهم این هفته شد از شهر و به چشمم سالی ست / حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی ست

۲ مردم دیده ز لطف رخ او بر رخ او / عکس خود دید و گمان برد که مشکین‌خالی‌ست

۳ میچکد شیر هنوز از لب همچون شکرش / گرچه در شیوه‌گری هر مژه‌اش قتّالی ست

۴ ای که انگشت‌نمائی به کرم در همه شهر / وه که در کار غریبان عجبت اهمالی ست

۵ بعد ازینم نبود شایبه در جوهر فرد / که دهان تو بران نکته خوش استدلالی ست

۶ مژده دادند که بر ما گذری خواهی کرد / نیّت خیر مگردان که مبارک فالی ست

۷ کوه اندوه فراقت به چه حیلت بکشد / حافظ خسته که از ناله تنش چون نالی ست

---

۵ نسخه: **یج طو خ مج عز**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۴ نسخهٔ فوق (بجز **طو**)

متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶

۱/۱ **خ** : برون رفت و.

۲/۱ **خ عز** : ز لطف رخ او در رخ او.

۲/۲ **یج طو خ عز** : دیدگمان برد. **خ** : که مسکین حالی‌ست.

۳/۲ **عز** : گرچه در عشوه‌گری.

۵/۲ **خ** : درین نکته. **مج** : برین نکته. **عز** : بدان نکته.

۶/۱ **طو** : که بر ماگذری خواهد کرد.

۷/۱ **خ** : به چه حالت بکشد.

شمار دگرسانیها: خ=۶- عز=۴- طو=۲- یج مج=۱-

۱ کس نیست که افتادهٔ آن زلف دوتا نیست — در رهگذر کیست که این دام بلا نیست ؟
۲ چون چشم تو دل می‌برد از گوشه‌نشینان — دنبال تو بودن گنه از جانب ما نیست
۳ روی تو مگر آینهٔ لطف الاهی ست — حقّا که چنین است و درین روی و ریا نیست
۴ نرگس طلبد شیوهٔ چشم تو زهی چشم — مسکین خبرش از سر و در دیده حیا نیست
۵ از بهر خدا زلف مپیرای که ما را — شب نیست که صد عربده با باد صبا نیست
۶ باز آی که بی روی تو ای شمع دل افروز — در بزم حریفان اثر نور و صفا نیست
۷ تیمار غریبان سبب ذکر جمیل است — جانا مگر این قاعده در شهر شما نیست
۸ دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر — گفتا غلطی خواجه درین عهد وفا نیست
۹ عاشق چه کند گر نخورد تیر ملامت — با هیچ دلاور سپر تیر قضا نیست
۱۰ گر پیر مغان مرشد من شد چه تفاوت — در هیچ سری نیست که سرّی ز خدا نیست
۱۱ در صومعهٔ زاهد و در خلوت حافظ — جز گوشهٔ ابروی تو محراب دعا نیست

---

(۱۲) گفتن بر خورشید که من چشمهٔ نورم — دانند بزرگان که سزاوار سُها نیست
(۱۳) زاهد دهدم پند ز روی تو زهی روی — هیچش ز خدا شرم و ز روی تو حیا نیست
(۱۴) ای چنگ فرو برده به خون دل حافظ — فکرت مگر از غیرت قرآن و خدا نیست

۵ نسخه: یج طو خ مج قب

متن = قب :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	(۱۲)	(۱۳)	(۱۴)
												۰	۰	۰
یج :	۱	۸	۲	۰	۴	۵	۶	۷	۰	۹	۱۰	۰	۳	۰
طو :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۰	۷	۰	۸	۹	۰	۰	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱۰	۹	۱۱	۰	۰	۱۲
مج :	۱	۶	۲	۳	۴	۷	۱۰	۵	۱۱	۸	۱۲	۹	۰	۱۳

۱/۲ **طو** : بر رهگذر کیست که آن دام بلا نیست. **خ قب** : که دامی ز بلا نیست. ۲/۲ **خ** : همراه تو بودن.
۳/۱ **یج طو** : آینهٔ لطف خدائی‌ست (طو = خدای است) [illegible] : آینهٔ نور اله است. ۳/۲ **طو** : درین روی ریا نیست.
قب : رو و ریا نیست. ۴/۲ **طو قب** : خبرش در سر و. ۵/۱ **مج** : زلف میارای.
۶/۲ **طو** : اثر نور و ضیا نیست. ۷/۱ **خ** : تیمار غریبان اثر ذکر جمیل است. ۹/۱ **خ** : نکشد بار ملامت.
۱۱/۱ **خ مج** : در خلوت صوفی.
شمار دگرسانیها: طو خ = ۵ - مج قب = ۳ - یج = ۱ (دو بیت کم دارد).

۶۳

۱ مردم دیدهٔ ما جز به رُخت ناظر نیست — دل سرگشتهٔ ما غیر تو را ذاکر نیست
۲ اشکم احرام طواف حرمت می‌بندد — گرچه از خون دل ریش دمی طاهر نیست
۳ بستهٔ دام قفس باد چو مرغ وحشی — طایر سدره اگر در طلبت طایر نیست
۴ عاشق مفلس اگر قلب دلت کرد نثار — مکنش عیب که بر نقد روان قادر نیست
۵ عاقبت دست بدان سرو بلندش برسد — هرکه را در طلبت همّت او قاصر نیست
۶ از روان بخشی عیسی نزنم پیش تو دم — زانکه در روح فزائی چو لبت ماهر نیست
۷ من که در آتش سودای تو آهی نزنم — کی توان گفت که بر داغ دلم صابر نیست
۸ روز اوّل که سر زلف تو دیدم گفتم — که پریشانی این سلسله را آخر نیست
۹ سر پیوند تو تنها نه دل حافظ راست — کیست آن‌کش سر پیوند تو در خاطر نیست؟

---

۵ نسخه: یج حی خ مج فط

متن = یج حی خ مج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
فط	:	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹

۲/۲ یج: دمی ظاهر نیست.
۳/۱ خ: بستهٔ دام و قفس.
۵/۱ یج: سرو بلندت. — ۵/۲ حی: هرکه را در طلبش.
۶/۱ خ: نزنم دم هرگز.
شمار دگرسانیها: یج خ = ۲ - حی سز = ۱ - مج فط = ۰ -

۶۴

۱ زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست — در حق ما هرچه گوید جای هیچ اکراه نیست

۲ در طریقت هرچه پیش سالک آید خیر اوست — بر صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست

۳ تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند — عرصهٔ شطرنج رندان را مجال شاه نیست

۴ چیست این سقف بلند سادهٔ بسیارنقش — زین معمّا هیچ دانا در جهان آگاه نیست

۵ این چه استغناست یارب وین چه قادرحاکم است — کاینهمه زخم نهان هست و مجال آه نیست

۶ صاحب دیوان ما گوئی نمی‌داند حساب — کاندرین طغرا نشان حسبةً لله نیست

۷ هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بگو — کبر و ناز و حاجب و دربان درین درگاه نیست

۸ هرچه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست — ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

۹ بر در میخانه رفتن کار یکرنگان بوَد — خودفروشان را به کوی می فروشان راه نیست

۱۰ بندهٔ پیر خراباتم که لطفش دایم است — ورنه لطف شیخ و زاهد گاه هست و گاه نیست

۱۱ حافظ ار بر صدر ننشیند ز عالی همّتی ست — عاشق دُردی کش اندر بند مال و جاه نیست

---

۷ نسخه: یج خ نز عز صفٔ حتٔ حک

ترتیب ابیات متن برابر است با ۴ نسخهٔ فوق (سوای خ صفٔ حک)

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
خ حک	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸	۱۰	۱۱
صفٔ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۱۰	۷	۸	۹	۱۱

۱/۲ نز : هرچه کرد اندر حق ما.   ۲/۲ خ : در صراط مستقیم.

۵/۱ خ : قادر حکمت است.

۷/۲ یج : برین درگاه. خ : بدین درگاه.

۱۰/۲ یج : ورنه لطف شیخ و واعظ.

۱۱/۱ خ : ز عالی‌مشربی‌ست.

شمار دگرسانیها: خ = ۴ - یج = ۲ - نز = ۱ - عز صفٔ حتٔ حک = ۰ -

۱ راهی ست راه عشق که هیچش کناره نیست — آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست
۲ هر گه که دل به عشق دهی خوش دمی بود — در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست
۳ ما را به منع عقل مترسان و می بیار — کان شحنه در ولایت ما هیچ کاره نیست
۴ از چشم خود بپرس که ما را که می‌کشد — جانا گناه طالع و جرم ستاره نیست
۵ او را به چشم پاک توان دید چون هلال — هر دیده جای جلوهٔ آن ماهپاره نیست
۶ فرصت شمر طریقهٔ رندی که این نشان — چون راه گنج بر همه کس آشکاره نیست
۷ نگرفت در تو گریهٔ حافظ بهیچروی — حیران آن دلم که کم از سنگ خاره نیست

۸ نسخه: یج حی طو کد خ نز فط صف

ترتیب ابیات =								
طو خ نز	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج حی کد صف	:	۱	۲	۴	۶	۵	۳	۷
فط	:	۱	۲	۴	۵	۳	۶	۷

۱/۱ **فط** : بحری‌ست بحر عشق

۲/۱ **طو نز** : هر دم که دل. **یج کد** : به عشوه دهی.

۳/۱ **خ** : ز منع عقل.

۵/۲ **طو** : جای خلوت.

۶/۱ **حی**: که این طریق. **طو** : که این جهان.

۷/۱ **خ** : بهیچرو.

شمار دگرسانیها : طو = ۳ - خ = ۲ - یج حی کد نز فط = ۱ - صف = ۰ -

۶۶

١ روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست — منّت خاک درت بر بصری نیست که نیست

٢ ناظر روی تو صاحب‌نظرانند آری — سرّ گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

٣ اشک غمّاز من ار سرخ بر آمد چه عجب — خجل از کردهٔ خود پرده دری نیست که نیست

۴ تا به دامن ننشیند ز نسیمت گردی — سیل خیز از نظرم رهگذری نیست که نیست

۵ تا دم از شام سر زلف تو هر جا نزنند — با صبا گفت و شنیدم سحری نیست که نیست

۶ من ازین طالع شوریده به رنجم ور نه — بهره‌مند از سر کویت دگری نیست که نیست

٧ از حیای لب شیرین تو ای چشمهٔ نوش — غرق آب و عرق اکنون شکری نیست که نیست

٨ مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز — ورنه در مجلس رندان خبری نیست که نیست

٩ بجز این نکته که حافظ ز تو ناخشنود است — در سراپای وجودت هنری نیست که نیست

---

(١٠) عاشق روی تو صاحب‌نظری نیست که نیست — شور گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

۶نسخه: **یج طو کد** **عد صد حة**

	١	٢	٣	۴	۵	۶	٧	٨	٩	(١٠)
متن :	١	٢	٣	۴	۵	۶	٧	٨	٩	٠
یج :	١	٢	٣	٠	۴	۵	۶	٠	٧	٠
طو :	٠	٠	٢	٣	۵	۶	٧	۴	٨	١
کد عد:	١	٢	٣	۴	۵	۶	٧	٠	٨	٠
صد :	١	٢	٣	۴	۵	۶	٧	٩	٨	٠
حة :	١	۴	٢	٣	۶	۵	٧	٨	٩	٠

٢/١ **حة** : صاحب‌نظرانند ولی.

٣/١ **یج طو کد عد صد** : اشک من گر ز غمت. **یج حة** : سرخ برآید.

۴/١ **طو** : ننشیند ز جفایت. **حة** : ز نسیمش.

۵/١ **حة** : سر زلف تو هر جا نزنند.

۶/١ **کد عد حة** : به رنجم ور نی. ۶/٢ **طو** : بهره‌مند سر کویت.

٧/١ **یج طو کد صد** : از خیال. **عد** : بی‌خیال. **یج کد حة** : ای شربت نوش.
صد : ای شربت قند.

٩/١ **یج کد صد حة** : غیر ازین نکته. **کد** : ز تو خشنود نشد.

شمار دگرسانیها: حة = ٧ - کد = ۶ - یج = ۵ - طو صد = ۴ - عد = ٣ -

۱ حاصل کارگه کوْن و مکان اینهمه نیست — باده پیش آر که اسباب جهان اینهمه نیست

۲ از دل و جان شرف صحبت جانان غرض است — همه آن است وگرنه دل و جان اینهمه نیست

۳ منّت سدره و طوبی ز پی سایه مکش — که چو خوش بنگری ای سرو روان اینهمه نیست

۴ دولت آن است که بی خون دل افتد به کنار — ورنه با سعی عمل باغ جنان اینهمه نیست

۵ پنج روزی که درین مرحله مهلت داری — خوش بیاسای زمانی که زمان اینهمه نیست

۶ بر لب بحر فنا منتظریم ای ساقی — فرصتی دان که ز لب تا به دهان اینهمه نیست

۷ دردمندیِّ منِ سوختهٔ زارِ نزار — ظاهرا حاجت تقریر و بیان اینهمه نیست

۸ زاهد ایمن مشو از بازی غیرت زنهار — که ره از صومعه تا دیر مغان اینهمه نیست

۹ نام حافظ رقم نیک پذیرفت، ولی — پیش رندان رقم سود و زیان اینهمه نیست

(۱۰) از تهتّک مکن اندیشه و چون گل خوش باش — زانکه تمکین جهان گذران اینهمه نیست

۵ نسخه: **یج طو خ مج فط**

ترتیب ابیات =										(۱۰)
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۶	۹	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۹	۰
مج :	۱	۲	۳	۴	۸	۷	۹	۶	۱۰	۵
فط :	۱	۲	۳	۶	۸	۷	۵	۴	۹	۰

۲/۲ **طو** : همه این است. **خ** : غرض این است. **یج** : وگرنی.

۳/۱ **مج** : ز پی سایه مبر. — ۳/۲ **طو مج** : که اگر بنگری.

۴/۱ **خ فط** : آید به کنار. — ۴/۲ **خ** : با سعی و عمل.

۵/۱ **طو** : منزل داری. — ۵/۲ **طو** : خوش برآسای.

۷/۱ **خ** : زار و نزار.

۹/۱ **طو** : رقم ننگ. — ۹/۲ **طو مج** : خطر سود و زیان.

شمار دگرسانیها: طو=۶- خ=۴- مج=۳- یج فط=۱-

۶۸

۱ جز آستان توام در جهان پناهی نیست — سر مرا بجز این در حواله‌گاهی نیست
۲ عدو چو تیغ کشد من سپر بیندازم — که تیغ ما بجز از ناله‌ایّ و آهی نیست
۳ چرا ز کوی خرابات روی برتابم — کزین بهم به جهان هیچ روی و راهی نیست
۴ زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر — بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست
۵ غلام نرگس جمّاش آن سهی سروم — که از شراب غرورش به کس نگاهی نیست
۶ مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن — که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست
۷ عنان کشیده رو ای پادشاه کشور حُسن — که نیست بر سر راهی که دادخواهی نیست
۸ چنین که از همه سو دام راه می‌بینم — بِه از حمایت زلفت مرا پناهی نیست
۹ خزینهٔ دل حافظ به زلف و خال مده — که کارهای چنین حدّ هر سیاهی نیست

---

۵ نسخه: **یج طو خ سز صف**

ترتیب ابیات =

یج خ صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۵	۶	۴	۰	۰	۷
سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹

۲/۲ **یج صف** : که تیر ما.
۳/۱ **یج** : چرا ز روی خرابات. **طو** : ز راه کوی خرابات برنتابم روی.
۳/۲ **یج** : کزین بهم ز جهان. **طو** : جز این درم به جهان. **یج خ** : هیچ رسم و راهی.
۴/۱ **طو سز** : گر فکند.
۵/۱ **یج صف** : آن سهی قدم. **طو** : آن پری‌رویم.
۸/۲ **خ** : زلفش مرا.
شمار دگرسانیها: یج=۵- طو=۴- خ صف=۲- سز=۱-

۱ بلبلی برگ گلی خوشرنگ در منقار داشت — واندران برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت
۲ گفتمش در عین وصل این ناله و فریاد چیست — گفت ما را جلوهٔ معشوق در این کار داشت
۳ یار اگر ننشست با ما نیست جای اعتراض — پادشاهی کامران بود از گدایان عار داشت
۴ در نمی‌گیرد نیاز و ناز ما با حسن دوست — خرّم آن کز نازنینان بخت برخوردار داشت
۵ خیز تا بر کلک آن نقّاش جان افشان کنیم — کاینهمه نقش عجب در گردش پرگار داشت
۶ گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن — شیخ صنعان خرقه رهن خانهٔ خمّار داشت
۷ وقت آن شیرین قلندر خوش که در اطوار سیر — ذکر تسبیح ملک در حلقهٔ زنّار داشت
۸ چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت — شیوهٔ جَنّاتُ تَجْری تَحتِهَا الاَنهار داشت

۶ نسخه: یج طو خ عد فخ فط
ترتیب ابیات برابر است با ۵ نسخه (سوای طو).

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷

۲/۱ **طو** : وصل این ناله‌های زار — ۲/۲ **فط** : جلوهٔ معشوقه. **طو** : بر این کار.
۳/۱ **یج** : یار اگر ننشست بر ما. — ۳/۲ **طو خ** : از گدائی.
۴/۱ **عد** : با خوی دوست.
۷/۱ **طو** : در اطوار طیر. — ۷/۲ **طو** : ذکر و تسبیح ملک.
شمار دگرسانیها: طو = ۵- یج خ عد فط = ۱- فخ = ۰-

۸/۲. باغهائی که از زیر آنها نهرها جاری ست.

۷۰

۱ دیدی که یار جز سر جور و ستم نداشت — بشکست عهد و از غم ما هیچ غم نداشت
۲ یارب مگیرش ار چه دل چون کبوترم — افکند و کشت و عزّت صید حرم نداشت
۳ بر من جفا ز بخت من آمد وگرنه یار — حاشا که رسم لطف و طریق کرم نداشت
۴ با اینهمه هر آنکه نه خواری کشید ازو — هرجا که رفت هیچکسش محترم نداشت
۵ ساقی بیار باده و با مدّعی بگوی — انکار ما مکن که چنین جام جم نداشت
۶ هر رهروی که ره به حریم درش نبرد — مسکین بُرید وادی و ره در حرم نداشت
۷ حافظ ببَر تو گوی سعادت که مدّعی — هیچش هنر نبود و خبر نیز هم نداشت

۶نسخه: **یج طو خ مج فخ فط**

ترتیب ابیات برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

۱/۱ **طو**: جز سر جنگ و ستم. ۱/۲ **خ مج**: عهد وز غم ما.

۲/۱ **یج**: یارب مگیر اگرچه.

۵/۱ **خ**: با محتسب. **طو خ مج**: بگو.

۶/۱ **یج خ فط**: هر راهرو. ۶/۲ **طو**: بدید وادی و.

۷/۱ **طو خ فخ**: گوی فصاحت.

۷/۲ **طو**: هیچش خبر نبود و خبر نیز هم نداشت.

شمار دگرسانیها: طو خ = ۵ - یج مج = ۲ - فخ فط = ۱ -

۱ عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت — که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
۲ من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش — هر کسی آن دِرَوَد عاقبت کار که کشت
۳ ناامیدم مکن از سابقهٔ لطف ازل — تو پس پرده چه دانی که که خوب است و که زشت
۴ همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست — همه جا خانهٔ عشق است چه مسجد چه کنشت
۵ سر تسلیم من و خشت در میکده‌ها — مدّعی گر نکند فهم سخن گو سر و خشت
۶ نه من از خلوت تقوا بدر افتادم و بس — پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت
۷ حافظا روز اجل گر به کف آری جامی — یکسر از کوی خرابات برندت به بهشت

(۸) بر عمل تکیه مکن زانکه دران روز ازل — تو چه دانی قلم صنع به نامت چه نوشت
(۹) گر نهادم همه این است زهی نیک نهاد — ور سرشتم همه این است زهی نیک سرشت

۷ نسخه: یج طو خ مج عد صف تص

ترتیب ابیات								(۸)	(۹)
= مج عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰
یج :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۰	۸
طو :	۱	۲	۴	۵	۷	۳	۸	۶	۰
خ صف :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۰	۰
تص :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۸	۰	۷

۱/۲ **مج عد** : گناه دگری.
۲/۱ **طو** : من اگر نیکم وار بد. **یج مج** : خود را گوش.
۳/۲ **تص** : تو چه دانی که پس پرده. **یج** : چه دانی که [ ] خوب است و.
۴/۱ **یج** : چه هشیار چه مست. ۵/۱ **عد تص** : خاک در میکده‌ها.
۶/۱ **خ** : پردهٔ تقوی. **مج** : خانهٔ تقوی.
۷/۱ **تص** : روز ازل. **یج طو مج** : برو تا به بهشت.
(۹/۱) **یج** : گر نهادت. **تص** : هم از این است. **تص** : زهی پاک‌نهاد.
(۹/۲) **یج** : ور سرشتت. **تص** : هم از این است. **تص** : زهی پاک سرشت.
شمار دگرسانیها: تص=۷ - یج=۶ - مج=۴ - طو عد=۲ - خ=۱ - صف=۰

۷۲

۱ کنون که می‌دمد از بوستان نسیم بهشت — من و شراب فرح‌بخش و یار حور سرشت

۲ گدا چرا نزند لاف سلطنت امروز — که خیمه سایهٔ ابر است و بزمگه لب کشت

۳ چمن به رمز در اردیبهشت می‌گوید: — نه عارف است که نسیه خرید و نقد بهشت

۴ به می عمارت جان کن که این جهان خراب — بران سر است که از خاک ما بسازد خشت

۵ وفا مجوی ز دشمن که پرتوی ندهد — چو شمع صومعه افروزی از چراغ کنشت

۶ مکن به نامه سیاهی ملامت من مست — که آگه است که تقدیر بر سرش چه نوشت ؟

۷ قدم دریغ مدار از جنازهٔ حافظ — که گرچه غرق گناه است می‌رود به بهشت

۶نسخه: یج طو خ مج ند نه

ترتیب ابیات متن برابر است با: طو خ مج ند

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج نه :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷

۱/۲ یج: من و شراب [ ] بخش و.

۲/۲ طو: که چتر سایهٔ ابر است و. یج طو مج ند: تختگه.

۳/۱ یج خ: چمن حکایت اردیبهشت می‌گوید. ۳/۲ طو خ: نه عاقل است.

۴/۱ خ نه: به می‌عمارت دل کن. ۴/۲ خ ند: بدان سر است.

۵/۲ یج طو نه: که شمع.

۶/۲ طو: که واقف است.

شمار دگرسانیها: طو=۵- یج خ=۴- ند نه=۲- مج=۱-

۱ آن ترک پریچهره که دوش از بر ما رفت — آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت
۲ تا رفت مرا از نظر آن نور جهان‌بین — کس واقف ما نیست که از دیده چه‌ها رفت
۳ بر شمع نرفت از گذرِ آتشِ دل دوش — آن دود که از سوز جگر بر سر ما رفت
۴ دور از رخ او دمبدم از چشمهٔ چشمم — سیلاب سرشک آمد و طوفان بلا رفت
۵ از پای فتادیم چو آمد غم هجران — در درد بماندیم چو از دست دوا رفت
۶ دل گفت وصالش به دعا باز توان یافت — عمری ست که عمرم همه در کار دعا رفت
۷ اِحرام چه بندیم چو آن قبله نه اینجاست — در سعی چه کوشیم چو از کعبه صفا رفت
۸ دی گفت طبیب از سر حسرت، چو مرا دید، — هیهات که رنج تو ز قانون شفا رفت
۹ ای دوست به پرسیدن حافظ قدمی نه — زان پیش که گویند که از دار فنا رفت

۵ نسخه: یج که خ مج عد
ترتیب ابیات متن برابر است با ۵ نسخهٔ فوق.
متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹
۱/۱ یج: که در زیر قبا رفت.
۲/۱ خ عد: آن چشم جهان‌بین. ۲/۲ یج: که از چهره.
۴/۱ خ: دور از رخ تو. خ: ازگوشهٔ چشمم.
۵/۲ خ: در درد بمردیم.
۷/۱ که: چو آن کعبه. ۷/۲ خ: چو از مروه.
شمار دگرسانیها: خ=۵- یج=۲- که عد=۱- مج=۰-

۷۴

۱ گر ز دست زلف مشکینت خطائی رفت رفت — ور ز هندوی شما بر ما جفائی رفت رفت
۲ برق عشق ار خرمن پشمینه پوشی سوخت سوخت — جور شاهی کامران گر بر گدائی رفت رفت
۳ گر دلی از غمزهٔ دلدار باری برد برد — ور میان جان و جانان ماجرائی رفت رفت
۴ از سخن‌چینان ملالتها پدید آید ولی — چون میان همنشینان ناسزائی رفت رفت
۵ در طریقت رنجش خاطر نباشد می بیار — هر کدورت را که بینی چون صفائی رفت رفت
۶ عشقبازی را تحمّل باید ای دل پای دار — گر ملالی بود بود و گر خطائی رفت رفت
۷ عیب حافظ گو مکن واعظ که رفت از خانقاه — پای آزادی چه بندی گر به جائی رفت رفت

۶نسخه: یج طو خ فط صف تم

متن = یج طو صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خ :	۱	۲	۵	۶	۳	۴	۷
فط :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷
تم :	۱	۲	۶	۴/۱ | ۵/۲	۳	۵/۱ | ۴/۲	۷

۱/۲ **خ** : و[ر] ز هندوی.
۲/۱ **یج** : از خرمن. **طو** : از خرقهٔ پشمینه پوشی. **خ فط** : ار خرقهٔ
۲/۲ **طو خ صف** : شاه کامران.
۳/۱ **خ** : باری برد[ ]. **تم** : نازی برد برد. ۳/۲ **یج طو** : در میان.
۴/۱ **یج** : ملامتها. **یج طو** : پدید آمد ولی.
۴/۲ **خ** : گر میان. **طو فط** : ماجرائی رفت رفت.
۶/۱ **طو** : ای دل یاد دار. ۶/۲ **صف** : گر ملالی بود و بود و گر خطائی.
۷/۱ **تم** : گو مکن زاهد که رفت از خانقه.
۷/۲ **یج طو** : پای آزادان. **یج** : نبندند. **طو** : که بندد. **یج** : چون به جائی.
شمار دگرسانیها: طو = ۸ - یج = ۷ - خ = ۵ - فط صف تم = ۲ -

۷۵

۱ ساقی بیار باده که ماه صیام رفت — در ده قدح که موسم ناموس و نام رفت
۲ وقت عزیز رفت بیا تا قضا کنیم — عمری که بی‌حضور صراحیّ و جام رفت
۳ در تاب توبه چند توان سوخت همچو عود — می ده که عمر در سر سودای خام رفت
۴ مستم کن آنچنان که ندانم ز بیخودی — در عرصهٔ خیال که آمد کدام رفت
۵ بر بوی آنکه جرعهٔ جامت به ما رسد — در مصطبه دعای تو هر صبح و شام رفت
۶ دل را که مرده بود حیاتی به جان رسید — تا بوئی از نسیم مِیَش در مشام رفت
۷ زاهد غرور داشت سلامت نبُرد راه — رند از ره نیاز به دار السّلام رفت
۸ نقد دلی که بود مرا صرف باده شد — قلب سیاه بود ازان در حرام رفت
۹ دیگر مگو نصیحت حافظ، که ره نیافت — گم‌گشته‌ای که باده چو شیرش به کام رفت

---

۶ نسخه: **حیـ طو خ سد عد عز**

ترتیب ابیات متن برابر است با حیـ طو سد عز.

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
خ	:	۱	۲	۸	۳	۴	۵	۶	۷	۹
عد	:	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷	۸

۲/۲ **حیـ** : عمری که بی[ ] صراحی و.

۳/۱ **حیـ طو** : در باب توبه. **عز** : چند توان بود.

۹/۱ **خ** : دیگر مکن نصیحت حافظ. **طو** : که او نیافت.

۹/۲ **حیـ طو** : بادهٔ شیرین. **خ عد** : بادهٔ نابش.

عز : بادهٔ مهرش.

شمار دگرسانیها: **حیـ طو** = ۳ - **خ عز** = ۲ - **عد** = ۱ - **سد** = ۰ -

۱ شربتی از لب لعلش نچشیدیم و برفت — روی مه‌پیکر او سیر ندیدیم و برفت
۲ گوئی از صحبت ما نیک به تنگ آمده بود — بار بربست و به گَردَش نرسیدیم و برفت
۳ بسکه ما فاتحه و حِرز یمانی خواندیم — وز پیَش سورهٔ اخلاص دمیدیم و برفت
۴ عشوه می‌داد که از کوی ارادت نرویم — دیدی آخر که چنان عشوه خریدیم و برفت
۵ شد چمان در چمن حسن و لطافت لیکن — در گلستان وصالش نچمیدیم و برفت
۶ همچو حافظ همه شب ناله و زاری کردیم — کای دریغا به وداعش نرسیدیم و برفت

۶ نسخه: **یج طو خ** مج عد فط
ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶

۳/۲ **طو عد** : در پیش. **یج خ** : سورهٔ اخلاص.
۴/۱ **خ** : عشوه دادند که بر ماگذری خواهی کرد. **یج** : که از کوی ملامت **یج** : نرویم.
۴/۲ **خ عد** : که چنین عشوه.
۵/۱ **طو مج عد فط** : لطافت وانگه. ۵/۲ **طو** : نجمیدیم و. **خ** : نحریدیم و برفت.
شمار دگرسانیها: خ = ۴ - یج طو عد = ۳ - مج فط = ۱ -

۷۷

۱ ساقی بیا که یار ز رُخ پرده برگرفت   کار چراغ خلوتیان باز در گرفت
۲ آن شمع سرگرفته دگر چهره برفروخت   وین پیر سالخورده جوانی ز سر گرفت
۳ بار غمی که خاطر ما خسته کرده بود   عیسی دمی خدا بفرستاد و بر گرفت
۴ آن عشوه داد عشق که مفتی ز ره برفت   وان لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت
۵ زنهار ازین عبارت شیرین دلفریب   گوئی که پستهٔ تو سخن در شکر گرفت
۶ هر حوروَش که بر مه و خور حسن می‌فروخت   چون تو در آمدی پی کاری دگر گرفت
۷ حافظ تو این دعا ز که آموختی که یار   تعویذ کرد شعر تو را و به زر گرفت
۸ زین قصّه هفت گنبد افلاک پر صداست   کوته‌نظر ببین که سخن مختصر گرفت

---

۶ نسخه : یج طو خ مج مط عد

ترتیب ابیات =									
طو مج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج خ مط	:	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۸	۷
عد	:	۱	۲	۴	۳	۶	۵	۸	۷

۱/۱ **یج** : ساقی بیا که یار ز [ر]خ.
۲/۲ **یج** : آن پیر. **طو** : وان پیر.
۳/۱ **طو** : بار غمش.   ۳/۲ **یج** : عیسی‌دمی مگر بفرستاد و.
۴/۱ **طو مج** : که تقوا.
۵/۱ **یج خ مط** : زنهار ازان.   ۵/۲ **طو** : کز پسته باز کار سخن در شکر گرفت.
۶/۱ **طو خ مج عد** : هر سروقد. **یج** : که در مه و خور. **طو** : که بر خور و مه.
۶/۲ **طو** : پی کار دگر.
۷/۱ **خ** : تو این سخن. **یج طو خ مط عد** : که بخت.
۷/۲ **طو مج** : تعویذ ساخت.
شمار دگرسانیها : طو = ۹ - یج = ۶ - خ = ۴ - مج = ۳ - مط عد = ۲ -

۷۸

۱ حسنت به اتّفاق ملاحت جهان گرفت — آری به اتّفاق جهان می‌توان گرفت
۲ افشای راز خلوتیان خواست کرد شمع — شکر خدا که سرّ دلش در زبان گرفت
۳ می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست — از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت
۴ زین آتش نهفته که در سینهٔ من است — خورشید شعله‌ای‌ست که در آسمان گرفت
۵ آسوده بر کنار چو پرگار می‌شدم — دوران چو نقطه عاقبتم در میان گرفت
۶ آن روز شوق ساغر می خرمنم بسوخت — کآتش ز عکس عارض ساقی دران گرفت
۷ خواهم شدن به کوی مغان آستین فشان — زین فتنه‌ها که دامن آخرزمان گرفت
۸ می خور که هر که آخر کار جهان بدید — از غم سبک برآمد و رطل گران گرفت
۹ بر برگ گل به خون شقایق نوشته‌اند — کآنکس که پخته شد می چون ارغوان گرفت
۱۰ حافظ چو آب لطف ز نظم تو می‌چکد — حاسد چگونه نکته تواند بران گرفت

۶ نسخه: **یج خ مج عز قط قم**

ترتیب ابیات =										
قم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج خ	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
مج عز	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۱۰
قط	۱	۲	۸	۴	۳	۷	۶	۹	۵	۱۰

۲/۲ **عز** : راز دلش. **قط** : سوز دلش.
۳/۱ **قط** : بوی یار. ۳/۲ **عز** : از غیرتش صبا نفس اندر دهان گرفت.
۶/۱ **یج قم** : عشق ساغر می. ۶/۲ **یج** : طلعت ساقی.
۷/۲ **قم** : زین نقشها.
شمار دگرسانیها: یج عز قط قم = ۲ - خ مج = ۰ -

۷۹

۱ **شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت — فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت**
۲ **حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر — کنایتی ست که از روزگار هجران گفت**
۳ **نشان یار سفرکرده از که پرسم باز؟ — که هرچه گفت برید صبا پریشان گفت**
۴ **غم کهن به می سالخورده دفع کنید — که تخم خوشدلی این است و پیر دهقان گفت**
۵ **فغان که آن مهِ نامهربانِ دشمن دوست — به ترک صحبت یاران خود چه آسان گفت**
۶ **من و مقام رضا بعد ازین و شکر رقیب — که دل به درد تو خو کرد و ترک درمان گفت**
۷ **گره به باد مزن گرچه بر مراد وزد — که این سخن به مَثَل باد با سلیمان گفت**
۸ **مزن ز چون و چرا دم که بندهٔ مقبل — قبول کرد به جان هر سخن که جانان گفت**
۹ **به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو — تو را که گفت که این زال ترک دستان گفت**
۱۰ **که گفت حافظ از اندیشهٔ تو آمد باز؟ — من این نگفته‌ام، آنکس که گفت بهتان گفت**

---

۶ نسخه : **یج طو خ مج نح عد**

ترتیب ابیات =										
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۹
طو :	۱	۰	۰	۰	۲	۳	۴	۵	۰	۶
خ :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۹	۸	۱۰
مج :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۸	۷	۹	۱۰
نح :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۷	۱۰

۳/۱ **یج مج** : از که پرسم راست. **عد** : از که جویم باز.
۴/۱ **عد** : دفع کنیم. ۴/۲ **یج** : این است و پیر کنعان.
۵/۱ **طو** : فغان ازان مه. **عد** : ببین که آن مه. **خ** : نامهربان مهرگسل.
۵/۲ **طو** : که ترک.
۷/۱ **مج** : ور چه. **خ** : بر مراد رود.
۹/۱ **خ** : سپهرت دهد ز یاد مرو.
۱۰/۲ **یج** : من این نگفتم و هرکس.
شمار دگرسانیها: یج خ عد = ۳ - طو مج = ۲ - نح = ۰ -

۸۰

۱ صبحدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت: ناز کم کن که درین باغ بسی چون تو شکفت

۲ گل بخندید که از راست نرنجیم، ولی هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت

۳ گر طمع داری ازان جام مرصّع می لعل درّ و یاقوت به نوک مژه‌ات باید سُفت

۴ تا ابد بوی محبّت به مشامش نرسد هر که خاک در میخانه به رخساره نرُفت

۵ در گلستان ارم دوش چو از لطف هوا زلف سنبل به نسیم سحری می‌آشفت

۶ گفتم ای مسند جم جام جهان بینت کو گفت افسوس که آن دولت بیدار بخفت

۷ سخن عشق نه آن است که آید به زبان ساقیا می ده و کوتاه کن این گفت و شنفت

۸ اشک حافظ خرَد و صبر به دریا انداخت چه کند سوز غم عشق نیارَست نهفت

۶نسخه : **یج طو خ مج عز صف**

ترتیب ابیات = یج خ صف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
مج عز	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸

۱/۱ **عز** : گل نوخواسته. ۱/۲ **طو** : بسی چون تو برست.

۲/۱ **یج** : گل بخندید و ازین راست نرنجید و بگفت.

۲/۲ **یج** : هیچ عاقل سخت راست به معشوق نگفت.

۳/۱ **طو** : گر طمع باشدت از. ۳/۲ **خ** : ای بسا در که به نوک.

۴/۱ **طو** : به مشامش نرسید.

۴/۲ **طو** : هرکه خاک در جانانه. **طو** : به رخساره (برفت = حرف اول بی‌نقطه).

۶/۲ **صف** : گفت خاموش. **یج** : که آن دولت بیدار نخفت.

شمار دگرسانیها: طو=۵- یج=۳- خ عز صف=۱- مج=۰-

۸۱

۱ **یا رب سببی ساز که یارم به سلامت — باز آید و برهانَدَم از چنگ ملامت**

۲ **خاک ره آن یار سفر کرده بیارید — تا چشم جهان بین کنمش جای اقامت**

۳ **فریاد که از شش جهتم راه ببستند — آن خال و خط و زلف و رخ و عارض و قامت**

۴ **امروز که در دست توام مرحمتی کن — فردا که شدم خاک چه سود اشک ندامت**

۵ **ای آنکه به تقریر و بیان دم زنی از عشق — ما با تو نداریم سخن، خیر و سلامت**

۶ **درویش مکن ناله ز شمشیر احبّا — کین طایفه از کشته ستانند غرامت**

۷ **در خرقه زن آتش که خم ابروی ساقی — بر می‌شکند گوشهٔ محراب امامت**

۸ **حاشا که من از جور و جفای تو بنالم — بیداد لطیفان همه لطف است و کرامت**

۹ **کوته نکند بحث سر زلف تو حافظ — پیوسته شد این سلسله تا روز قیامت**

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج نز فط صف صد**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۶ نسخهٔ فوق (سوای طو فط)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸	۹
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۹

۱/۲ **طو خ** : از بند ملامت.

۳/۱ **طو** : زنهار که.

۳/۲ **طو** : از خال و خط و. **نز** : رخ و عارض [و] قامت.

۴/۲ **طو خ مج فط** : که شوم خاک.

۷/۲ **طو** : محراب شراب است نه محراب امامت.

۹/۲ **طو** : تا دور قیامت.

شمار دگرسانیها: طو = ۶ - خ = ۲ - مج نز فط = ۱ - یج صف صد = ۰ -

۸۲

۱ ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت
۲ حیف است طایری چو تو در خاکدان غم زینجا به آشیان وفا می‌فرستمت
۳ در راه عشق مرحلهٔ قرب و بُعد نیست می‌بینمت عیان و دعا می‌فرستمت
۴ هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر در صحبت شمال و صبا می‌فرستمت
۵ تا لشکر غمت نکند ملک دل خراب جان عزیز خود به نوا می‌فرستمت
۶ ای غایب از نظر که شدی همنشین دل می‌گویمت دعا و ثنا می‌فرستمت
۷ در روی خود تفرّج صنع خدای کن کآئینهٔ خدای نما می‌فرستمت
۸ تا مطربان ز شوق منت آگهی دهند قول و غزل به ساز و نوا می‌فرستمت
۹ ساقی بیا که هاتف غیبم به مژده گفت با درد صبر کن که دوا می‌فرستمت
۱۰ حافظ سرود مجلس ما ذکر خیر توست تعجیل کن که اسب و قبا می‌فرستمت

۵ نسخه: یج خ نح سز قط

ترتیب ابیات = خ سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰	۰	۶	۷
نح :	۱	۲	۳	۴	۸	۹	۶	۵	۷	۱۰
قط :	۱	۲	۳	۴	۷	۰	۶	۵	۸	۹

۲/۲ یج قط : به آسمان وفا.

۷/۱ سز قط : صنع خدا بکن. خ : صنع خدا[ی] کن.

۱۰/۲ خ : بشتاب هان.

شمار دگرسانیها : خ قط = ۲ - یج سز = ۱ - نح = ۰ -

۸۳

۱ ای غایب از نظر به خدا می‌سپارمت — جانم بسوختی و به دل دوستارمت

۲ تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک — باور مکن که دست ز دامن بدارمت

۳ محراب ابرویت بنما تا سحرگهی — دست دعا بر آرم و در گردن آرمت

۴ گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی — صد گونه جادوئی بکنم تا بیارمت

۵ خواهم که پیش میرمت ای بیوفا طبیب — بیمار باز پرس که در انتظارمت

۶ صد جوی آب بسته‌ام از دیده بر کنار — بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت

۷ حافظ شراب و شاهد و رندی نه وضع توست — فی الجمله می‌کنیّ و فرو می‌گذارمت

---

(۸) خونم بریخت وز غم عشقم خلاص داد — منّت پذیر غمزهٔ خنجر گذارمت

(۹) می‌گریم و مرادم ازین اشک سیل‌بار — تخم محبّت است که در دل بکارمت

(۱۰) بارم ده از کرم سوی خود تا به سوز دل — در پای دمبدم گهر از دیده بارمت

۶ نسخه : **یج طو خ مج عد عز**

ترتیب ابیات متن برابر است با : **یج طو عد عز**

									(۸)	(۹)	(۱۰)
متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷		∘	∘	∘
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۱۰		۷	۸	۹
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	∘	۷		∘	۶	∘

۱/۲ **یج خ عد** : دوستدارمت. **مج عز** : دوست دارمت.

۳/۱ **یج** : محراب ابرویم. **طو** : محراب ابروان.

۳/۲ **طو عز** : صدگونه ساحری.

۶/۱ **یج عد** : از دیده در کنار.

۷/۱ **یج طو** : شاهد و ساقی.

(۹/۱) **خ** : ازین سیل اشکبار.

شمار دگرسانیها: **یج**=۴ - **طو**=۳ - **خ عد عز**=۲ - **مج**=۱ -

۸۴

۱ چه لطف بود که ناگاه رشحهٔ قلمت — حقوق خدمت ما عرضه کرد بر کرمت
۲ به نوک خامه رقم کرده‌ای سلام مرا — که کارخانهٔ دوران مباد بی‌رقمت
۳ نگویم از من بیدل به سهو کردی یاد — که در حساب خرد نیست سهو بر قلمت
۴ مرا ذلیل مگردان به شکر این توفیق — که داشت دولت سرمد عزیز و محترمت
۵ بیا که با سر زلفت قرار خواهم کرد — که گر سرم برود برندارم از قدمت
۶ ز حال ما دلت آگه شود ولی وقتی — که لاله بر دمد از خاک کشتگان غمت
۷ صبا ز زلف تو با هر گلی حدیثی راند — رقیب کی ره غمّاز داد در حرمت
۸ روان تشنهٔ ما را به جرعه‌ای دریاب — چو می‌دهند زلال خضر ز جام جمت
۹ همیشه وقت تو ای عیسی صبا خوش باد — که جان حافظ دلخسته زنده شد به دمت

---

(۱۰) دلم مقیم در توست حرمتش می‌دار — به شکر آنکه خدا داشته است محترمت
(۱۱) تو را ز حال دل خستگان چه غم که مدام — همی دهند شراب خضر ز جام جمت

۶ نسخه: یج طو خ نح فط صف

ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	(۱۰)	(۱۱)
= صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۱۰	۹	۸
طو :	۱	۲	۰	۵	۳	۴	۰	۶	۷	۰	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸	۰	۰
نح :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۰	۹	۰	۷
فط :	۱	۲	۰	۷	۶	۵	۳	۰	۹	۴	۸

۱/۲ **یج طو** : عرض کرد. ۳/۲ **صف** : سهو نیست. **یج** : در قلمت.
۴/۱ **خ** : به شکر این نعمت. ۵/۱ **طو** : قرار خواهم داد.
۶/۱ **صف** : ز حال من. **طو** : مگر آگه شود دلت وقتی. **خ نح فط** : دلت آگه شود مگر وقتی
۷/۱ **صف** : حدیثی گفت. **یج** : صبا حکایت زلف تو کرد با گل و سرو.
۸/۱ **طو** : به جرعه‌ای ز غریبان خسته یاد آور. ۸/۲ **صف** : که می‌دهند. ۹/۱ **طو** : همیشه عیش تو.
(۱۰/۱) **یج** : دلم مقیم غم توست. (۱۰/۲) **یج** : به حکم آنکه. (۱۱/۲) **فط** : زلال خضر.
شمار دگرسانیها: یج طو = ۵ - صف = ۴ - خ فط = ۲ - نح = ۱ -

۸۵

۱ زان یار دلنوازم شکری ست با شکایت — گر نکته دان عشقی خوش بشنو این حکایت

۲ بی مزد بود و منّت هر خدمتی که کردم — یارب مباد کس را مخدوم بی عنایت

۳ رندان تشنه لب را جامی نمی‌دهد کس — گوئی ولی شناسان رفتند ازین ولایت

۴ در زلف چون کمندش ای دل مپیچ کآنجا — سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت

۵ چشمت به غمزه ما را خون خورد و می‌پسندی — جانا روا نباشد خونریز را حمایت

۶ در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود — از گوشه‌ای برون آی ای کوکب هدایت

۷ از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود — زنهار ازین بیابان وین راه بی‌نهایت

۸ این راه را نهایت صورت کجا توان بست — کش صد هزار منزل بیش است در بدایت

۹ عشقت رسد به فریاد ور خود بسان حافظ — قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت

---

(۱۰) هرچند بردی آبم روی از درت نتابم — جور از حبیب خوشتر کز مدّعی رعایت

(۱۱) ای آفتاب خوبان می‌جوشد اندرونم — یک ساعتم بگنجان در سایهٔ حمایت

۶نسخه : **یج طو خ سو عد فخ**

										(۱۰	(۱۱)
متن = **سو عد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۰
یج فخ :	۱	۲	۳	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۴	۰
طو :	۱	۲	۳	۷	۶	۴	۵	۰	۸	۰	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۱۱	۱۰	۸

۱/۲ **خ** : بشنو تو این حکایت.

۳/۱ **خ عد** : آبی نمی‌دهد کس.

۷/۱ **یج** : جز حیرتم نیفزود.

۸/۱ **خ** : ای راه را نهایت

۹/۱ **طو خ عد فخ** : ار خود بسان. **سو** : گر خود بسان.

۹/۲ **طو** : هر هفت سبع خوانی. **سو** : قرآن به سبعه‌خوانی.

(۱۰/۲) **یج** : کز مدعی حمایت.

(۱۱/۲) **خ** : در سایهٔ عنایت.

شمار دگرسانیها: خ=۵- یج طو سو عد=۲- فخ=۱-

۱ مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت — خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت

۲ پس از چندین شکیبائی شبی یارب توان دیدن — که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت ؟

۳ سواد لوح بینش را عزیز از بهر آن دارم — که جان را نسخه‌ای باشد ز نقش خال هندویت

۴ تو گر خواهی که جاویدان جهان یکسر بیارائی — صبا را گو که بر دارد زمانی برقع از رویت

۵ وگر رسم فنا خواهی که از عالم براندازی — بیفشان تا فرو ریزد هزاران جان ز هر مویت

۶ من و باد صبا مسکین دو سرگردان بیحاصل — من از افسون چشم مست و او از بوی گیسویت

۷ زهی همّت که حافظ راست کز دنیا و از عقبا[۱] — نیامد هیچ در چشمش بجز خاک سر کویت

---

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز پذ**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (سوای طو)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷

۱/۱ **خ** : مست می‌دارد [ ] جعد گیسویت.

۳/۲ **خ** : ز لوح خال هندویت.

۵/۱ **مج** : خواهی که در عالم.

۵/۲ **یج خ** : برافشان. **طو** : جهانی جان.

۶/۱ **طو** : باد صبا هر دو.

۶/۲ **طو خ مج** : چشمت مست و. **طو** : از تاب گیسویت.

۷/۱ **یج طو خ** : از دنیی و. **نز پذ** : کز دنیی و.

۷/۲ **خ نز** : نیاید هیچ.

شمار دگرسانیها: خ -۶- طو -۵- یج مج نز -۲- پذ -۱-

(۱) در همهٔ ۶ نسخهٔ خطی منبع «از عقبی» کتابت شده است به جای «از عقبا» ولی چون تلفظ هر دو املا یکسان است دگرسانی منظور نشد.

۸۷

۱ دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد — من نیز دل به باد دهم هر چه باد باد
۲ کارم بدان رسید که همراز خود کنم — هر شام برق لامع و هر بامداد باد
۳ در چین طرّهٔ تو دل بی حفاظ من — هرگز نگفت مسکن مألوف یاد باد
۴ امروز قدر پند عزیزان شناختم — یارب روان ناصح ما از تو شاد باد
۵ خون شد دلم به یاد تو هرگه که در چمن — بند قبای غنچهٔ گل می‌گشاد باد
۶ از دست رفته بود وجود ضعیف من — صبحم به بوی وصل تو جان باز داد باد
۷ حافظ نهاد نیک تو کامت بر آورد — جانها فدای مردم نیکو نهاد باد

۷ نسخه: **یج طو خ سز عد فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۶ نسخهٔ فوق (سوای **فط**)

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
فط	:	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷

۵/۱ **یج**: دل خون شود. **عد**: دلخون شدم.
عد: به بوی تو هرگه. **یج طو**: هردم که در چمن

شمار دگرسانیها: یج عد = ۲ - طو = ۱ - خ سز فط صف = ۰

۸۸

۱ روز وصل دوستداران یاد باد	یاد باد آن روزگاران یاد باد
۲ کامم از تلخیِّ غم چون زهر گشت	بانگ نوش شادخواران یاد باد
۳ گرچه یاران فارغند از یاد من	از من ایشان را هزاران یاد باد
۴ مبتلا گشتم درین بند و بلا	کوشش آن حقگزاران یاد باد
۵ گرچه صد رود است در چشمم مدام	زنده رود و باغ کاران یاد باد
۶ راز حافظ بعد ازین ناگفته ماند	ای دریغ آن رازداران یاد باد

۹ نسخه: **یج طو کد که خ مج عد عز فط**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۸ نسخهٔ فوق (سوای طو)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶
طو :	۱	۳/۱ | ۲/۲	۲/۱ | ۳/۲	۴	۰	۵

۱/۱ **خ** : روز وصل دوستدا [را]ن.

۲/۱ **عد** : جانم از تلخی غم.

۲/۲ **طو** : نوشانوش خوبان. **فط** : نوشانوش یاران. **یج**: بانگ نوش شادخواران نوش باد.

۳/۱ **عد** : از حال من.

۴/۱ **کد مج** : بند بلا. ۴/۲ **خ عز** : کوشش آن حقگذاران.

۵/۲ **یج** : زنده‌رود و. **که خ عز فط** : زنده‌رود باغ‌کاران.

۶/۱ **یج** : بعد ازین ناگفته‌اند. **طو** : ناگفته به.

۶/۲ **یج خ** : ای دریغا رازداران.

شمار دگرسانیها: **یج خ** = ۴ - **طو عد عز فط** = ۲ - **مج کد که** = ۱ -

۸۹

۱ دی پیر می فروش که ذکرش به خیر باد   گفتا شراب نوش و غم دل ببر ز یاد
۲ گفتم به باد می‌دهدم باده ننگ و نام   گفتا قبول کن سخن و هر چه باد باد
۳ بی خار گل نباشد و بی نیش نوش هم   تدبیر چیست وضع جهان اینچنین فتاد
۴ سود و زیان و مایه چو خواهد شدن ز دست   از بهر این معامله غمگین مباش و شاد
۵ بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ   در معرضی که تخت سلیمان رود به باد
۶ پُر کن ز باده جام و دمادم به گوش هوش   بشنو ازو حکایت جمشید و کیقباد
۷ حافظ گرت ز پند حکیمان ملالت است   کوته کنیم قصّه که عمرت دراز باد

۷ نسخه : یج خ   مج نز سز عز صف

ترتیب ابیات = مج نز	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۵ نسخهٔ دیگر	:	۱	۲	۰	۳	۴	۰	۵

۲/۱ خ عز صف : باده نام و ننگ.
۴/۲ یج : گو بهر این.
۷/۲ سز : کوته کنم حدیث.
شمار دگرسانیها: یج خ سز عز صف=۱ - مج نز=۰

۱ صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد ورنه اندیشهٔ این کار فراموشش باد
۲ وانکه یک جرعه می از دست تواند دادن دست با شاهد مقصود در آغوشش باد
۳ پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد
۴ شاه ترکان سخن مدّعیان می‌شنود شرمی از مظلمهٔ خون سیاووشش باد
۵ چشمم از آینه داران خط و خالش گشت لبم از بوسه ربایان بر و دوشش باد
۶ گرچه از کبر سخن با من درویش نگفت جان فدای شکرین پستهٔ خاموشش باد
۷ نرگس مست نوازِ کَشِ مردم دارش خون عاشق به قدح گر بخورد نوشش باد
۸ به غلامیّ تو مشهور جهان شد حافظ حلقهٔ بندگی زلف تو در گوشش باد

۸ نسخه : **یج طو خ** **مج نز صفـ صد تم**
ترتیب ابیات برابر است با ۶ نسخهٔ فوق (بجز طو خ).

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
خ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸

۲/۱ **خ مج صفـ** : آنکه یک جرعه.
۴/۲ **یج** : شرم از مظلمهٔ.
۵/۱ **خ** : خط و خالش دارد. ۵/۲ **خ** : بر و بر دوشش باد.
۶/۲ **یج** : شکری پستهٔ.
۷/۱ **یج** : مست نوازش کن و. **طو** : مست تو آن سرکش مردم‌دار است. **خ** : مست نوازش کن.
۸/۲ **یج** : زلف تو بر دوشش باد.
شمار دگرسانیها: یج خ = ۴ - طو مج صفـ = ۱ - نز صد تم = ۰ -

۱ تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد — وجود نازکت آزردهٔ گزند مباد
۲ سلامت همه آفاق در سلامت توست — به هیچ عارضه شخص تو دردمند مباد
۳ جمال صورت و معنی ز یمن صحّت توست — که ظاهرت دژم و باطنت نژند مباد
۴ درین چمن چو در آید خزان به یغمائی — رهش به سرو سهی‌قامت بلند مباد
۵ دران بساط که حسن تو جلوه آغازد — مجال طعنهٔ بدبین و بدپسند مباد
۶ هرآنکه روی چو ماهت به چشم بد بیند — بر آتش تو بجز چشم او سپند مباد
۷ شفا ز گفتهٔ شکّرفشان حافظ جوی — که حاجتت به علاج گلاب و قند مباد

۶ نسخه: **یج طو خ مج سز فط**

ترتیب ابیات							
= **طو خ فط** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷
مج سز :	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۷

۲/۲ **طو** : شخص تو مستمند مباد.
۳/۱ **طو** : جمال صورت معنی امن و صحت توست. **خ** : ز امن صحت.
۴/۱ **یج طو مج** : بدین چمن. **یج طو** : خزان یغمائی.
۴/۲ **خ** : ز پیش سرو سهی قامت.
۵/۲ **یج مج** : بدبین بدپسند. **فط** : کج‌بین بدپسند.
۶/۲ **طو فط** : بجز بر آتش غم. **خ** : جان او سپند مباد.
شمار دگرسانیها: طو = ۵ - یج خ = ۳ - مج فط = ۲ - سز = ۰ -

۹۲

۱ دیر است که دلدار پیامی نفرستاد — ننوشت کلامیّ و سلامی نفرستاد

۲ صد نامه فرستادم و آن شاه سواران — پیکی ندوانید و پیامی نفرستاد

۳ سوی من وحشی صفت عقل رمیده — آهو روشی کبک خرامی نفرستاد

۴ دانست که خواهد شدنم مرغ دل از دست — وز آن خطِ چون سلسله دامی نفرستاد

۵ فریاد که آن ساقی شکّر لب سرمست — دانست که مخمورم و جامی نفرستاد

۶ چندانکه زدم لاف کرامات و مقامات — هیچم خبر از هیچ مقامی نفرستاد

۷ حافظ به ادب باش که واخواست نباشد — گر شاه پیامی به غلامی نفرستاد

---

۹ نسخه : **یج کهـ خ** **مج نز عد عز فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۸ نسخهٔ فوق (سوای نز)

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
نز	:	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷

۱/۲ **کهـ مج عد عز** : ننوشت سلامی و کلامی نفرستاد. **خ** : ننوشت کلامی و پیامی نفرستاد.

۲/۱ **خ** : آن شاه جوانان. ۲/۲ **خ** : پیکی ندوانید و سلامی نفرستاد.

شمار دگرسانیها: خ = ۳ - کهـ مج عد عز = ۱ - یج نز فط صف = ۰

۹۳

۱ پیرانه سرم عشق جوانی به سر افتاد — وان راز که در دل بنهفتم بدر افتاد
۲ از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر — ای دیده نگه کن که به دام که در افتاد
۳ دردا که ازان آهوی مشکین سیه چشم — چون نافه بسی خون دلم در جگر افتاد
۴ از رهگذر خاک سر کوی شما بود — هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد
۵ مژگان تو تا تیغ جهانگیر برآورد — بس کشتهٔ دل زنده که بر یکدگر افتاد
۶ بس تجربه کردیم درین دِیر مکافات — با دُردکشان هر که در افتاد بر افتاد
۷ گر جان بدهد سنگ سیه لعل نگردد — با طینت اصلی چه کند، بد گهر افتاد
۸ حافظ که سر زلف بتان دست‌کشش بود — بس طرفه‌حریفی‌ست کش‌اکنون به‌سر افتاد

---

۱۱ نسخه: **یج طو کد خ مج نز سز عد عز صف حک**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۱۰ نسخهٔ فوق (بجز طو)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸

۲/۱ **صف**: از راه دلم مرغ نظر گشت هواگیر.

۲/۲ **طو**: این دیده نگه کن. **عد عز**: نظر کن.

۶/۲ **یج**: با دره کشان.

۷/۱ **طو**: تا جان ندهد سنگ سیه لعل نگردد.

۸/۱ **طو**: حافظ چو سر زلف بتان. **طو مج نز**: دست خوشش بود.

شمار دگرسانیها: طو=۴ - یج مج نز عد عز صف=۱ - کد خ سز حک=۰ -

۹۴

۱ عکس روی تو چو در آینهٔ جام افتاد ‌ ‌ عارف از خندهٔ می در طمع خام افتاد
۲ حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد ‌ ‌ اینهمه نقش در آئینهٔ اوهام افتاد
۳ غیرت عشق زبان همه خاصان ببرید ‌ ‌ از کجا سرّ غمش در دهن عام افتاد
۴ من ز مسجد به خرابات نه خود افتادم ‌ ‌ اینم از عهد ازل حاصل فرجام افتاد
۵ چه کند کز پی دوران نرود چون پرگار ‌ ‌ هر که در دایرهٔ گردش ایّام افتاد
۶ زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت ‌ ‌ کآنکه شد کشتهٔ او نیک‌سرانجام افتاد
۷ در خم زلف تو آویخت دل از چاه زنخ ‌ ‌ آه کز چاه برون آمد و در دام افتاد
۸ آن شد ای خواجه که در صومعه بازم بینی ‌ ‌ کار ما با رخ ساقیّ و لب جام افتاد
۹ هر دمش با من دلسوخته لطفی دگر است ‌ ‌ این گدا بین که چه شایستهٔ انعام افتاد
۱۰ صوفیان جمله حریفند و نظر باز ولی ‌ ‌ زین میان حافظ دلسوخته بدنام افتاد

---

(۱۱) در ازل رزق من از فیض لب جام افتاد ‌ ‌ اینم از عهد ازل حاصل فرجام افتاد
(۱۲) اینهمه عکس می و نقش مخالف که نمود ‌ ‌ یک فروغ رخ ساقی‌ست که در جام افتاد

۶ نسخه: یج طو خ مج عد فط

ترتیب ابیات =											(۱۱)	(۱۲)
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰	۰
یج :	۱	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۰	۳
طو :	۰	۳	۶	۰	۲	۰	۷	۴	۵	۸	۱	۰
خ :	۱	۲	۴	۵	۶	۹	۷	۸	۱۰	۱۱	۰	۳
عد :	۱	۲	۴	۵	۶	۸	۷	۹	۱۰	۱۱	۰	۳
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷	۸	۹	۰	۰

۱/۱ **یج** : چو بر آینهٔ. ۲/۱ **یج** : جلوه‌ای کرد رخت روز ازل زیر نقاب. **طو** : دل من آینه از بهر تماشا برداشت.
۲/۲ **طو** : بر آئینهٔ اوهام افتاد. ۳/۲ **یج خ فط** : کز کجا. ۵/۲ **یج** : هرکه در دایرهٔ گردش ناکام افتاد.
۷/۱ **مج** : در خم زلف وی. **فط** : از چاه ذقن. ۸/۲ **مج** : کار من. **عد** : کار ما با لب ساقی و رخ جام افتاد.
۹/۱ **خ** : هر دمش با من دلسوخته لطفی دیگر است. ۱۰/۲ **عد** : زان میان.
(۱۲/۱) **یج** : نقش محالت. **خ** : نقش نگارین.
شمار دگرسانیها: یج = ۵ - خ = ۳ - طو مج عد فط = ۲ -

۹۵

۱ آنکه رخسار تو را رنگ گل و نسرین داد — صبر و آرام تواند به من مسکین داد

۲ وانکه گیسوی تو را رسم تطاول آموخت — هم تواند کرمش داد من غمگین داد

۳ من همان روز ز فرهاد طمع ببریدم — که عنان دل شیدا به لب شیرین داد

۴ گنج زر گر نبود کُنج قناعت باقی ست — آنکه آن داد به شاهان، به گدایان این داد

۵ خوش عروسی ست جهان از ره صورت لیکن — هر که پیوست بدو عمر خودش کابین داد

۶ بعد ازین دست من و دامن سرو و لب جوی — خاصه اکنون که صبا مژدهٔ فروردین داد

۷ در کف غصّهٔ دوران دل حافظ خون شد — در فراق رخت ای خواجه قوام الدّین داد

۶نسخه: **یج طو خ نه فخ فط**

ترتیب ابیات = **یج خ نه فخ**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو	:	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۷
فط	:	۱	۲	۳	۵	۶	۴	۷

۱/۱ **طو**: لطف گل و.

۲/۱ **یج**: آنکه گیسوی تو را. **طو**: زلفین تو را.

۴/۱ **یج**: گنج و زر گر نبود.

۵/۱ **یج**: از ره صوره.

۵/۲ **طو**: هرکه پیوست به او. **خ**: کاوین داد.

۶/۱ **طو**: دامن جوی و لب کشت.

۷/۲ **طو خ نه**: از فراق. **یج**: رخ آن. **طو**: رخش ای خواجه علاالدین داد.

شمار دگرسانیها: طو=۶- یج=۴- خ=۲- نه=۱- فخ فط=۰

۱ بنفشه دوش به گل گفت و خوش نشانی داد — که تاب من به جهان طرّهٔ فلانی داد
۲ دلم خزینهٔ اسرار بود و دست قضا — درش ببست و کلیدش به دلستانی داد
۳ شکسته‌وار به درگاهت آمدم که طبیب — به مومیائی لطف توام نشانی داد
۴ گذشت بر من مسکین و با رقیبان گفت — دریغ عاشق مسکین من چه جانی داد
۵ تنش درست و دلش شاد باد از دولت — که دست دادش و یاریّ ناتوانی داد
۶ برو معالجت خود کن ای نصیحت‌گوی — شراب و شاهد شیرین که را زیانی داد؟

۷ نسخه : **یج که خ عد عز فط صف**

ترتیب ابیات = **یج که فط**	:	۱	۲	۲	۳	۴	۵	۶
خ عد عز	:	۱	۲	۳	۶	۴	۵
صف	:	۱	۲	۴	۶	۳	۵

۱/۱ **که** : خوش پیامی داد.
۲/۱ **خ** : دلم خزانهٔ
۴/۲ **خ عد عز صف** : حافظ مسکین من.
۵/۱ **خ صف** : شاد باد و خاطر خوش. **عز** : شاد باد در دولت.
۶/۱ **خ عز صف** : معالجهٔ خود کن. **یج که خ** : ای نصیحت‌گو.
شمار دگرسانیها: خ = ۵ - عز صف = ۳ - که = ۲ - یج عد = ۱ - فط = ۰

۱ شراب و عیش نهان چیست؟ کار بی‌بنیاد   زدیم بر صف رندان و هر چه بادا باد
۲ گره ز دل بگشا وز سپهر یاد مکن   که فکر هیچ مهندس چنین گره نگشاد
۳ ز انقلاب زمانه عجب مدار که چرخ   ازین فسانه هزاران هزار دارد یاد
۴ قدح به شرط ادب گیر زانکه ترکیبش   ز کاسهٔ سر جمشید و بهمن است و قباد
۵ که آگه است که کاووس و کی کجا رفتند؟   که واقف است که چون رفت تخت جم بر باد؟
۶ ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم   که لاله می‌دمد از خون دیدهٔ فرهاد
۷ مگر که لاله بدانست بیوفائی دهر   که تا بزاد و بشد جام می ز کف ننهاد
۸ بیا بیا که زمانی ز می خراب شویم   مگر رسیم به گنجی درین خراب آباد
۹ نمی‌دهند اجازت مرا به سیر و سفر   نسیم باد مصلّا و آب رکناباد
۱۰ قدح مگیر چو حافظ مگر به نالهٔ چنگ   که بسته‌اند بر ابریشم طرب دلِ شاد

---

۷ نسخه: یج طو کد خ   نه عد صف

متن = یج کد خ نه صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
طو :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹
عد :	۱	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۲	۹	۱۰

۱/۱ **کد** : عیش جهان.
۲/۱ **عد** : وز سپهر ناله مکن.
۴/۲ **طو** : شاپور و بهمن. **کد** : جمشید و قیصر.
۵/۱ **طو** : کاوس کی به دخمه چه برد.   ۵/۲ **یج** : که واقعست.
۶/۱ **صف** : ز حسرت لب لعلش   ۶/۲ **خ** : که لاله می‌دهد.
۷/۱ **طو کد** : مگر که لاله ندانست.
۸/۱ **یج** : بیا بیا که ز می یک زمان. **کد نه** : ز می یک دمی.
۸/۲ **یج** : ازین خراب‌آباد.
۹/۱ **طو خ** : مرا به سیر سفر.
۱۰/۱ **طو** : قدح مگیر و چو حافظ.   ۱۰/۲ **یج طو کد خ** : بر ابریشم طرب دلشاد.
شمار دگرسانیها: طو=۶- کد=۵- یج=۴- خ=۳- نه عد صف=۱-

۹۸

۱ همای اوج سعادت به دام ما افتد — اگر تو را گذری بر مقام ما افتد

۲ حباب وار بر اندازم از نشاط کلاه — اگر ز روی تو عکسی به جام ما افتد

۳ شبی که ماه مُراد از افق طلوع کند — بوَد که پرتو نوری به بام ما افتد

۴ ملوک را چو ره خاکبوس این در نیست — کی اتّفاق مجال سلام ما افتد

۵ چو جان فدای لبت شد خیال می بستم — که قطره‌ای ز زلالش به کام ما افتد

۶ خیال زلف تو گفتا که جان وسیله مساز — کزین شکار فراوان به دام ما افتد

۷ به ناامیدی از ین در مرو بزن فالی — بوَد که قرعهٔ دولت به نام ما افتد

۸ ز خاک کوی تو هرگه که دم زند حافظ — نسیم گلشن جان در مشام ما افتد

۶ نسخه: یج طو خ عد فخ فط

متن = خ عد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸
طو	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷
فخ	۱	۲	۴	۳	۵	۷	۶	۸
فط	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۰	۷

۱/۱ **یج** : همای برج سعادت.

۳/۱ **خ فط** : از افق شود طالع.

۴/۱ **طو خ عد فخ** : به بارگاه تو چون باد را نباشد بار.

۴/۲ **یج** : کی التفات مجال.

۵/۱ **خ** : فدای لبش شد.

۶/۱ **طو** : که جان وسیله بساز.

۸/۱ **یج** : ز خاک کوی تو هر دم که دم زند.

شمار دگرسانیها: یج خ = ۳ - طو = ۲ - عد فخ فط = ۱ -

۹۹

۱ درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد ‌ ‌ ‌ نهال دشمنی برکن که رنج بیشمار آرد

۲ چو مهمان خراباتی به عزّت باش با رندان ‌ ‌ ‌ که درد سر کشی جانا گرت مستی خمار آرد

۳ شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما ‌ ‌ ‌ بسی گردش کند گردون بسی لیل و نهار آرد

۴ عماری دار لیلی را که مهد ماه در حکم است ‌ ‌ ‌ خدایا در دل اندازش که بر مجنون گذار آرد

۵ بهار عمر خواه ای دل و گرنه این چمن هر سال ‌ ‌ ‌ چو نسرین صدگل آرد بار و چون بلبل هزار آرد

۶ خدا را چون دل ریشم قراری بست با زلفت ‌ ‌ ‌ بفرما لعل نوشین را که حالش با قرار آرد

۷ درین باغ ار خدا خواهد دگر پیرانه سر حافظ ‌ ‌ ‌ نشیند بر لب جوئیّ و سروی در کنار آرد

---

(۸) ز کار افتاده‌ای ای دل که صد من بار غم داری ‌ ‌ ‌ برو یک یکمنی درکش که در حالت به‌کار آرد

۶ نسخه: **یج طو خ عد عز صف**

(۸)

متن = خ عد عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰
یج طو صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

۱/۱ **یج** : درختی دوستی بنشان.

۲/۱ **طو** : به حرمت باش.

۲/۲ **طو** : که این مستی. **صف** : گر این مستی. **عز** : چو این مستی.

۳/۱ **یج** : که بعد از [ر]وزگار ما. ‌ ‌ ۳/۲ **عد** : بسی گردش کند [ ] بسی.

۴/۱ **یج عد** : عمار دار لیلی را. **خ** : عماری داد لیلی را.

۴/۲ **طو خ** : خدا را. **یج** : در دلش آور.

۵/۱ **یج** : وگر نی.

۶/۲ **یج** : که لعلش. **طو عز** : که جانش. **خ صف** : که زودش.

۷/۱ **یج طو خ عد** : از خدا خواهد. ‌ ‌ ۷/۲ **طو** : نشیند در کنار جوی و.

(۸/۱) **طو** : اگر صد بار غم داری.

(۸/۲) **طو** : برو تو یکمنی درکش. **صف** : برو خوش یکمنی درکش.

شمار دگرسانیها: طو=۸- یج=۷- خ=۴- عد صف=۳- عز=۲-

۱۰۰

۱ کسی که حسن خط دوست در نظر دارد محقّق است که او حاصل بصر دارد
۲ چو خامه بر خط فرمان او سر طاعت نهاده‌ایم مگر او به تیغ بر دارد
۳ کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد
۴ به پایبوس تو دست کسی رسید که او چو آستانه بدین در همیشه سر دارد
۵ ز زهد خشک ملولم، بیار بادهٔ ناب که بوی باده مدامم دماغ تر دارد
۶ ز باده هیچت اگر نیست این نه بس که تو را دمی ز وسوسهٔ عقل بیخبر دارد؟
۷ کسی که از در تقوا قدم برون ننهاد به عزم میکده اکنون سر سفر دارد
۸ دل شکستهٔ حافظ به خاک خواهد برد چو لاله داغ هوائی که بر جگر دارد

---

(۹) بزد رقیب تو روزی به سینه‌ام پی تیر ز بسکه تیر غمت سینه پی سپر دارد

۷ نسخه : **یج کد خ نز فط صف صد**

ترتیب ابیات متن برابر است با پنج نسخهٔ فوق (سوای یج کد). (۹)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج کد :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۵

۱/۱ **خ** : حسن و خط دوست.
۲/۱ **خ** : در ره فرمان او.
۲/۲ **یج** : نهاده‌ایم ندانم که او چه سر دارد.
۴/۲ **نز فط** : برین در.
۵/۱ **خ** : کجاست بادهٔ ناب.
۷/۱ **خ صف** : کسی که از ره تقوی.
۸/۲ **یج** : که در جگر دارد.
(۹/۱) **یج** : به سینه‌ام نی تیر. (۹/۲) **کد** : که بسکه.
شمار دگرسانیها : خ = ۴ - یج = ۳ - کد نز فط صف = ۱ - صد = ۰

۱۰۱

۱ دل ما به دوْر رویش ز چمن فراغ دارد — که چو سرو پایبند است و چو لاله داغ دارد

۲ من و شمع صبحگاهی سزد ار بخود بگرییم — که بسوختیم و از ما بت ما فراغ دارد

۳ ز بنفشه تاب دارم که ز زلف او زند دم — تو سیاه کم بها بین که چه در دماغ دارد

۴ سزد ار چو ابر بهمن که برین چمن بگریم — طرب آشیان بلبل بنگر که زاغ دارد

۵ شب ظلمت و بیابان به کجا توان رسیدن — مگر آنکه شمع رویش به رهم چراغ دارد

۶ به چمن خرام و بنگر برِ تخت گل که لاله — به ندیم شاه ماند که به کف ایاغ دارد

۷ سر درس عشق دارد دل دردمند حافظ — که نه خاطر تماشا نه هوای باغ دارد

---

(۸) سر ما فرو نیاید به کمان ابروی کس — که درون گوشه گیران ز جهان فراغ دارد

۷ نسخه: **یج طو خ مج عد عز حک**

ترتیب ابیات =									(۸)
	مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰
	یج :	۱	۵	۴	۰	۳	۷	۶	۲
	طو :	۱	۵	۳	۰	۴	۶	۷	۲
	خ حک :	۱	۶	۳	۷	۵	۴	۸	۲
	عد :	۱	۶	۳	۰	۵	۴	۷	۲
	عز :	۱	۴	۵	۷	۳	۶	۸	۲

۱/۱ **یج خ حک** : به دور رویت.

۲/۱ **خ عد** : ار بهم بگرییم.

۳/۱ **طو** : که ز زلف تو.

۴/۱ **خ** : سزدم. **مج** : که درین چمن بگریم.

۵/۱ **یج** : شب تیره چون سر آرم ره پیچ پیچ زلفش. **مج** : شب تیره چون سر آرم ره پیچ پیچ زلفت.

۵/۲ **یج طو** : عکس رویش. **مج** : عکس رویت. **خ عد** : شمع رویت.

۷/۱ **مج** : دل مستمند حافظ.

(۸/۱) **یج** : به کمان ابروانش. **طو** : بجز آن کمان ابرو نکشید دل به هیچم.

(۸/۲) **طو** : ز چمن فراغ دارد.

شمار دگرسانیها : یج طو خ مج=۴ - عد=۲ - حک=۱ - عز=۰ -

۱۰۲

۱ دلی که غیب نمای است و جام جم دارد — ز خاتمی که دمی گم شود چه غم دارد
۲ به خطّ و خال گدایان مده خزینهٔ دل — به دست شاهوشی ده که محترم دارد
۳ نه هر درخت تحمّل کند جفای خزان — غلام همّت سروم که این قدم دارد
۴ رسید موسم آن کز طرب چو نرگس مست — نهد به پای قدح هر که شش درم دارد
۵ زر از بهای می اکنون چو گل دریغ مدار — که عقل کل به صدت عیب متّهم دارد
۶ دلم که لاف تجرّد زدی کنون صد شغل — به بوی زلف تو با باد صبحدم دارد
۷ مراد دل ز که جویم چو نیست دلداری — که جلوهٔ نظر و شیوهٔ کرم دارد
۸ ز سرّ غیب کس آگاه نیست قصّه مخوان — کدام محرم دل ره درین حرم دارد
۹ ز جیب خرقهٔ حافظ چه طرف بتوان بست — که ما صمد طلبیدیم و او صنم دارد

---

۷ نسخه : یج طو خ   مج عد عز فط

ترتیب ابیات =

مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج طو عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰	۶	۷
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۶	۹
عز :	۱	۲	۳	۵	۶	۴	۰	۷	۸
فط :	۱	۲	۳	۵	۷	۴	۶	۸	۹

۱/۲ **یج** : که دمی گم دمی شود.

۳/۱ **یج** : انهر درخت تحمل کند. **طو** : جفای کسان.

۵/۱ **طو** : زر از برای گل و مل چوگل.

۷/۱ **خ** : زکه پرسم. **خ** : که نیست دلداری.

۸/۱ **طو** : عیب مخوان.

۹/۱ **طو** : ز جیب و خرقهٔ حافظ.

شمار دگرسانیها : طو = ۴ - یج خ = ۲ - مج عد عز فط = ۰ -

۱۰۳

۱ بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایبان دارد ‌‌ ‌ بهار عارضش خطّی به خون ارغوان دارد

۲ غبار خط بپوشانید خورشید رخش یا رب ‌ ‌ ‌ بقای جاودانش ده که حسن جاودان دارد

۳ چو عاشق می‌شدم گفتم که بردم گوهر مقصود ‌ ‌ ‌ ندانستم که این دریا چه موج خونفشان دارد

۴ ز چشمت جان نشاید برد کز هر سو که می بینم ‌ ‌ ‌ کمین از گوشه‌ای کرده است و تیر اندر کمان دارد

۵ ز سرو قدّ دلجویت مکن محروم چشمم را ‌ ‌ ‌ بدین سرچشمه‌اش بنشان که خوش آبی روان دارد

۶ به فتراک ار همی بندی خدا را زود صیدم کن ‌ ‌ ‌ که آفتهاست در تأخیر و طالب را زیان دارد

۷ چو دام طرّه افشانَد ز گَرد خاطر عشّاق ‌ ‌ ‌ به غمّاز صبا گوید که راز ما نهان دارد

۸ چو در رویت بخندد گل مشو در دامش ای بلبل ‌ ‌ ‌ که بر گل اعتمادی نیست ور حسن جهان دارد

۹ ز خوف هجرم ایمن کن اگر امّید آن داری ‌ ‌ ‌ که از چشم بد اندیشان خدایت در امان دارد

۱۰ بیفشان جرعه‌ای بر خاک و حال اهل شوکت بین ‌ ‌ ‌ که از جمشید و کیخسرو فراوان داستان دارد

۱۱ خدا را دادِ من بستان ازو ای شحنهٔ مجلس ‌ ‌ ‌ که می با دیگری خورده است و سر بر من گران دارد

۱۲ چه عذر بخت خود گویم که آن عیّار شهر آشوب ‌ ‌ ‌ به تلخی کُشت حافظ را و شکّر در دهان دارد

---

۵ نسخه: **یج طو خ سز صف**

ترتیب ابیات =												
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
طو :	۱	۰	۲	۸	۶	۵	۰	۰ | ۳/۱	۷	۰	۴ و ۰ | ۳/۲	۹
خ صف :	۱	۲	۳	۴	۱۰	۹	۵	۷	۱۱	۶	۸	۱۲
سز :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۰	۷	۸	۹	۱۰	۱۱

۱/۲ **طو** : قدش آئین سرو ناز و لعلش لطف جان دارد. ۲/۲ **سز** : حیات جاودانش ده.
۳/۲ **خ** : چه دانستم. ۴/۲ **سز** : کمین در گوشه‌ای.
۵/۱ **یج** : ز سرو قدّ دلجویش. ۵/۲ **طو سز** : برین سرچشمه‌اش. **طو صف** : آب روان دارد.
۶/۱ **یج** : خدا ر[ا] زود قیدم کن. ۷/۲ **خ** : به غماز [ ] گوید.
۸/۱ **طو** : بخندد [ ] مشو در دامش. ۸/۲ **خ سز** : گر حسن جهان.
۹/۱ **یج** : ز خوف هجر. **صف** : اگر امید می‌داری. ۱۰/۱ **خ** : اهل دل بشنو.
۱۱/۲ **طو** : که می با دیگران. **خ صف** : با من سرگران.
۱۲/۱ **طو** : بخت می‌گویم. ۱۲/۲ **خ** : حافظ را و تیر اندر کمان دارد.
شمار دگرسانیها : **طو خ** =۶- **سز** =۴- **یج صف** =۳-

۱۰۴

۱ هر آنکو خاطری مجموع و یاری نازنین دارد　　سعادت همدم او گشت و دولت همقرین دارد
۲ حریم عشق را درگه بسی بالاتر از عقل است　　کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد
۳ دهان تنگ شیرینت مگر مُهر سلیمان است　　که نقش خاتم لعلش جهان زیر نگین دارد
۴ لب لعل و خط مشکین چو آنش نیست جانش نیست　　بنازم دلبر خود را که حسنش آن و این دارد
۵ چو بر روی زمین باشی توانائی غنیمت دان　　که دوران ناتوانیها بسی زیر زمین دارد
۶ به خواری منگر ای منعم ضعیفان و نحیفان را　　که صدر مجلس عزّت فقیر رهنشین دارد
۷ بلا گردان جان و تن دعای مستمندان است　　که بیند خیر ازان خرمن که ننگ از خوشه‌چین دارد ؟
۸ صبا از عشق من رمزی بگو با آن شه خوبان　　که صد جمشید و کیخسرو غلام کمترین دارد
۹ وگر گوید نمی خواهم چو حافظ عاشقی مفلس　　بگوئیدش که سلطانی گدائی همنشین دارد

۶نسخه : **یج که خ مج نز عز**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (سوای خ).

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
خ	:	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸	۹

۱/۱ **خ عز** : خاطر مجموع و یار نازنین.　　۱/۲ **یج خ نز** : دولت همنشین دارد.
۲/۱ **عز** : حریم حسن را. **مج** : بالاتر از حسن است. **عز** : بالاتر از عشق است.
۲/۲ **که** : کسی آن آستان بیند. **یج** : که سر بر آستان دارد. **که** : که سر بر آستین دارد.
۳/۱ **خ** : دهان تنگ شیرینش. **یج** : دگر ملک. **خ** : مگر ملک.　　۳/۲ **یج نز** : خاتم لعلت.
۴/۱ **یج** : چو اینش هست آنش نیست. **خ** : چو آنش هست و اینش نیست.
نز : چو اینش هست و آنش نیست.
۶/۲ **خ** : که صدر مجلس عشرت گدای رهنشین دارد.
۷/۱ **یج** : جان و دل.
۹/۱ **یج** : اگر گوید. **خ** : عاشق مفلس. **عز** : عاشق مسکین.
شمار دگرسانیها : یج خ = ۷ - عز = ۴ - نز = ۳ - که = ۲ - مج = ۱ -

۱۰۵

۱ هر آنکه جانب اهل وفا نگه دارد | خداش در همه حال از بلا نگه دارد

۲ دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای | فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد

۳ گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان | نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

۴ صبا در ان سر زلف ار دل مرا بینی | ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد

۵ حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست | که آشنا سخن آشنا نگه دارد

۶ نگه نداشت دل ما و جای رنجش نیست | ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد

۷ سر و زر و دل و جانم فدای آن محبوب | که حقّ صحبت مهر و وفا نگه دارد

۸ غبار راهگذارت کجاست تا حافظ | به یادگار نسیم صبا نگه دارد

۶ نسخه : **یج طو خ سد عز صف**

ترتیب ابیات = **سدعز** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج :	۱	۰	۲	۴	۳	۰	۰	۵
طو :	۱	۴	۲	۵	۳	۶	۷	۸
خ صف :	۱	۳	۴	۵	۲	۶	۷	۸

۱/۱ **طو خ** : اهل خدا.

۳/۱ **طو** : که معشوقه.

۴/۱ **خ** : صبا بر آن سر زلف. **طو** : در آن خم زلف. ۴/۲ **طو** : ز روی مهر.

۵/۱ **یج** : ز درد دوست نگویم حدیث جز با دوست. **عز** : نگوئیم جز به حضرت دوست.

۶/۱ **طو خ صف** : چو گفتمش دل ما را نگاه دار چه گفت (**خ** =که دلم را) (**صف** =که دل من).

۷/۱ **خ** : فدای آن یاری. **صف** : فدای آن معشوق.

۷/۲ **سد عز** : که حق صحبت و عهد وفا.

شمار دگرسانیها : **طو** =۵- **خ** =۴- **عز صف** =۲- **یج سد** =۱-

۱۰۶

۱ مطرب عشق عجب ساز و نوائی دارد — نقش هر پرده که زد راه به جائی دارد
۲ عالم از نالهٔ عشّاق مبادا خالی — که خوش آهنگ و فرح‌بخش صدائی دارد
۳ پیر دُردی کش ما گرچه ندارد زر و زور — خوش عطابخش و خطاپوش خدائی دارد
۴ محترم دار دلم، کین مگس قندپرست — تا هواگیر تو شد فرّ همائی دارد
۵ از عدالت نبود دور گرش پرسد حال — پادشاهی که به همسایه گدائی دارد
۶ اشک خونین بنمودم به طبیبان، گفتند — درد عشق است و جگر سوز دوائی دارد
۷ ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق — هر عمل اجری و هر کرده جزائی دارد
۸ نغز گفت آن بت ترسابچهٔ باده‌فروش — شادی روی کسی خور که صفائی دارد
۹ خسروا حافظ درگاه‌نشین فاتحه خواند — وز زبان تو تمنّای دعائی دارد

۶نسخه : **یج طو خ مج عد حة**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

۱/۲ **یج** : هر زخم که زد. **خ حة** : هر نغمه که زد.

۲/۲ **خ** : هوائی دارد.

۳/۱ **خ** : پیر دردی‌کش [ ] گرچه. ۳/۲ **طو** : خوش خطابخش و خطاپوش.

۴/۱ **یج** : محتشم داردم آئین مگس. **طو** : محترم دار مرا. **مج حة** : محتشم دار دلم.

۴/۲ **خ** : تا هواخواه تو شد.

۵/۱ **طو** : اگر پرسد. **مج حة** : اگرش پرسد.

۶/۱ **طو** : اشک خود را.

۷/۱ **طو** : شوخی از غمزه (بیاموز = حرف اول بی‌نقطه)

۸/۱ **یج خ مج** : ترسا بچهٔ باده‌پرست.

۸/۲ **طو** : شادی روی کسی [ ] که صفائی دارد.

شمار دگرسانیها: طو = ۶ - خ = ۵ - یج مج حة = ۳ - عد = ۰ -

۱ شاهد آن نیست که موئیّ و میانی دارد   بندهٔ طلعت آن باش که آنی دارد
۲ شیوهٔ حور و پری خوب و لطیف است ولی   خوبی آن است و لطافت که فلانی دارد
۳ چشمهٔ چشم مرا ای گل خندان دریاب   که به امّید تو خوش آب روانی دارد
۴ خم ابروی تو در صنعت تیراندازی   بستد از دست هر آنکس که کمانی دارد
۵ گوی خوبی که برد از تو که خورشید اینجا   نه سواری ست که در دست عنانی دارد
۶ دلنشان شد سخنم تا تو قبولش کردی   آری آری سخن عشق نشانی دارد
۷ در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز   هر کسی بر حسب فهم گمانی دارد
۸ با خرابات نشینان ز کرامات ملاف   هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد
۹ مرغ زیرک نشود در چمنش پرده سرای   هر بهاری که ز دنبال خزانی دارد
۱۰ مدّعی گو لغز و نکته به حافظ مفروش   کلک ما نیز زبانیّ و بیانی دارد

---

۶ نسخه : یج طو خ سو فط صف

ترتیب ابیات =

سو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۹
طو :	۱	۲	۳	۴	۶	۰	۰	۷	۵	۸
خ صف :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۸	۹	۱۰
فط :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۰	۷	۰	۸

۱/۱ **سو** : شاهد آن است.   ۱/۲ **یج فط** : طلعت او باش.
۲/۱ **خ** : گرچه لطیف است. **سو** : آری.
۴/۱ **سو** : چشم و ابروی تو.   ۴/۲ **خ صف** : برده از دست.
۵/۱ **یج طو خ** : خورشید آنجا.
۶/۲ **خ** : سخن عشق عنانی دارد.
۷/۲ **خ** : بر حسب فکر.
۸/۱ **طو** : با کرامات نشینان ز خرابات ملاف.
۹/۱ **خ** : مرغ زیرک نزند. **سو** : در چمنش پرده‌سرا.
۹/۲ **خ** : به دنباله. **صف** : به دنبال.
۱۰/۲ **یج** : بیانی و زبانی.
شمار دگرسانیها : خ = ۷ - سو = ۴ - یج = ۳ - طو صف = ۲ - فط = ۱ -

۱۰۸

۱ جان بی جمال جانان میل جهان ندارد — وانکس که این ندارد حقّا که جان ندارد

۲ با هیچکس نشانی زان دلستان ندیدم — یا من خبر ندارم یا او نشان ندارد

۳ هر شبنمی درین ره صد بحر آتشین است — دردا که این معمّا شرح و بیان ندارد

۴ سر منزل فراغت نتوان ز دست دادن — ای ساربان فروکش کین ره کران ندارد

۵ ذوقی چنان ندارد بی‌دوست زندگانی — بی‌دوست زندگانی ذوقی چنان ندارد

۶ چنگ خمیده قامت می‌خواندت به عشرت — بشنو که پند پیران هیچت زیان ندارد

۷ ای دل طریق رندی از محتسب بیاموز — مست است و در حق او کس این گمان ندارد

۸ احوال گنج قارون کایّام داد بر باد — با غنچه باز گوئید تا زر نهان ندارد

۹ کس در جهان ندارد یک بنده همچو حافظ — زیرا که چون تو شاهی کس در جهان ندارد

(۱۰) گر خود رقیب شمع است اسرار ازو بپوشان — کان شوخ سر بریده بند زبان ندارد

۷ نسخه : ک یج طو خ نز فط صف

										(۱۰)
ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
ک یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸	۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۰	۶	۷	۰
خ صف :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۹	۸
نز :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۹	۸	۱۰	۷
فط :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۰	۸	۹	۵

۱/۱ **یج** : جان بی‌جمال رویت.

۱/۲ **طو خ صف** : هرکس که. **فط** : آنکس که. **خ** : حقاکه آن ندارد.

۴/۱ **طو نز** : سرمنزل قناعت. ۴/۲ **خ** : ای ساروان.

۸/۲ **یج** : درگوش گل فرو خان. **خ** : درگوش دل فرو خوان.

(۱۰/۱) **نز** : احوال ازو بپوشان.

شمار دگرسانیها : خ = ۴ - یج طو نز = ۲ - فط صف = ۱ - ک = ۰ - (بیت ۷ را ندارد)

۱۰۹

۱ روشنی طلعت تو ماه ندارد　　پیش تو گل رونق گیاه ندارد
۲ گوشهٔ ابروی توست منزل جانم　　خوشتر ازین گوشه پادشاه ندارد
۳ تا چه کند با رخ تو دود دل من　　آینه دانی که تاب آه ندارد
۴ نی من تنها کشم تطاول زلفت　　کیست که او داغ این سیاه ندارد
۵ دیدم و آن چشم دل سیه که تو داری　　جانب هیچ آشنا نگاه ندارد
۶ خون خور و خامش نشین که آن دل نازک　　طاقت فریاد دادخواه ندارد
۷ رطل گرانم ده ای مرید خرابات　　شادی شیخی که خانقاه ندارد
۸ گو برو و آستین به خون جگر شوی　　هر که درین آستانه راه ندارد
۹ حافظ اگر سجدهٔ تو کرد مکن عیب　　کافر عشق ای صنم، گناه ندارد

---

(۱۰) شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت　　چشم دریده ادب نگاه ندارد

۶ نسخه : یج طو خ　مج فط صف

ترتیب ابیات =										(۱۰)
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
یج :	۱	۲	۰	۶	۳	۵	۴	۷	۸	۰
خ صف :	۱	۲	۳	۹	۵	۷	۶	۸	۱۰	۴
مج :	۱	۲	۴	۵	۳	۶	۷	۸	۹	۰
فط :	۱	۲	۳	۴	۸	۷	۶	۹	۱۰	۵

۲/۲ خ : خوشتر از [ ] گوشه.
۴/۲ خ : آن سیاه ندارد.
۵/۱ **طو** : دیده‌ام آن.　**صف** : دیدم آن.　**طو** : چشم دل سیاه که با توست.
۶/۱ **طو** : خامش نشین که یار دگر بار.　**فط** : که آن گل نازک.
۸/۱ خ : گو برو آستین.
۹/۱ **طو** : چه باک است.
(۱۰/۱) **فط** : شوخی نرگس [ ] که.
شمار دگرسانیها : طو = ۴ - خ = ۳ - فط = ۲ - صف = ۱ - یج مج = ۰ (نسخهٔ یج یک بیت کم دارد.)

۱۱۰

۱ **اگر نه باده غم دل ز یاد ما ببرَد — نهیب حادثه بنیاد ما ز جا ببرد**

۲ **وگرنه عقل به مستی فرو کشد لنگر — چگونه کشتی ازین ورطهٔ بلا ببرد**

۳ **طبیب عشق منم باده خور که این معجون — فراغت آرد و اندیشهٔ خطا ببرد**

۴ **فغان که با همه کس غایبانه باخت فلک — کسی نبود که دستی ازین دغا ببرد**

۵ **گذار بر ظلمات است، خضر راهی کو ؟ — مباد کآتش محرومی آب ما ببرد**

۶ **دل ضعیفم از آن میکشد به طرف چمن — که جان ز مرگ به بیماری صبا ببرد**

۷ **بسوخت حافظ و کس حال او به یار نگفت — مگر نسیم پیامی خدای را ببرد**

---

۸ نسخه : **یج طو که خ مج نز عد صف**

متن = **که مج نز**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج طو	:	۱	۲	۷	۳	۴	۵	۶
خ عد صف	:	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۷

۱/۲ **یج طو که** : نهیب حادثه بنیاد جان ما ببرد.

۲/۱ **یج خ** : اگر نه عقل. ۲/۲ **یج** : چگونه ورطهٔ این کشتی بلا ببرد.

۳/۱ **خ** : طبیب عشق منم باده ده.

۴/۲ **یج خ صف** : که کس نبود که.

۵/۱ **طو عد** : خضر راهی جوی. ۵/۲ **که** : کآتش محروری.

۶/۱ **طو** : ازان می‌کشد به سوی چمن.

۶/۲ **طو** : که جان به مرگ ز بیماری صبا.

شمار دگرسانیها : یج طو = ۴ - خ = ۳ - که = ۲ - عد صف = ۱ - مج نز = ۰

۱۱۱

۱ نیست در شهر نگاری که دل ما ببرَد   بختم ار یار شود رختم از اینجا ببرد

۲ کو حریفی کشِ سرمست که پیش کرمش   عاشق سوخته دل نام تمنّا ببرد

۳ باغبانا ز خزان بیخبرت می‌بینم   آه ازان روز که بادت گل رعنا ببرد

۴ رهزن دهر نخفته است مشو ایمن ازو   اگر امروز نبرده است که فردا ببرد

۵ در خیال اینهمه لعبت به هوس میبازم   بو که صاحب‌نظری نام تماشا ببرد

۶ علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد   ترسم آن نرگس ترکانه به یغما ببرد

۷ سِحر با معجزه پهلو نزند فارغ باش   سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد

۸ جام مینائی می سدّ ره تنگدلی ست   منه از دست که سیل غمت از جا ببرد

۹ حافظ ار جان طلبد غمزهٔ مستانهٔ یار   خانه از غیر بپرداز و بهل تا ببرد

---

(۱۰) راه عشق ارچه کمینگاه کمانداران است   هر که دانسته رود صرفه ز اعدا ببرد

۶ نسخه : یج طو خ مج نز صف

ترتیب ابیات =										(۱۰)
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
طو :	۱	۲	۴	۵	۳	۰	۰	۰	۷	۶
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱۰	۹
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۹	۸
صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۱۰	۷

۲/۲ **یج** : عاشقی سوخته‌دل.

۴/۱ **طو** : رهزن دور. **نز** : نحیفست.   ۴/۲ **مج** : به فردا ببرد.

۵/۱ **یج** : در خیال اینهمه لعبت به هوس می‌بازند. **طو** : در جهان اینهمه شطرنج هوس می‌بازم.

۵/۲ **طو** : بو که صاحب نظری نام تمنا ببرد.

۶/۱ **مج نز** : علم و عقلی. **مج نز** : به دست آوردم.

۶/۲ **خ** : نرگس مستانه.

۷/۱ **یج خ صف** : بانگ گاوی چه صدا باز دهد عشوه مخر.

۹/۱ **یج** : حافظ ار جا طلبد غمزهٔ مستانهٔ یار. **طو** : غمزهٔ مستانهٔ او.

صف : حافظ ار جان طلب غمزهٔ مستانهٔ یار.   ۹/۲ **خ** : بپرداز بهل.

شمار دگرسانیها : یج طو = ۴ - خ مج نز = ۳ - صف = ۲ -

۱ سحر بلبل حکایت با صبا کرد   که عشق روی گل با ما چه‌ها کرد
۲ ازان رنگ رخم خون در دل انداخت   وزین گلشن به خارم مبتلا کرد
۳ غلام همّت آن نازنینم   که کار خیر بی روی و ریا کرد
۴ خوشش باد آن نسیم صبحگاهی   که درد شب نشینان را دوا کرد
۵ نقاب گل کشید و زلف سنبل   گرهبند قبای غنچه وا کرد
۶ به هر سو بلبل عاشق در افغان   تنعّم از میان باد صبا کرد
۷ من از بیگانگان دیگر ننالم   که با من هر چه کرد آن آشنا کرد
۸ گر از سلطان طمع کردم خطا بود   ور از دلبر وفا جستم جفا کرد
۹ بشارت بر به کوی می فروشان   که حافظ توبه از زهد ریا کرد

(۱۰) وفا از خواجگان ملک با من   کمال دولت و دین بوالوفا کرد

۶ نسخه : **یج طو خ مج عد صد**

<table>
<tr><td>ترتیب ابیات :</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷</td><td>۸</td><td>۹</td><td>(۱۰) ۰</td></tr>
<tr><td>یج عد :</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۷</td><td>۸</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۱۰</td><td>۹</td></tr>
<tr><td>طو :</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۵</td><td>۷/۱ | ۶/۲</td><td>۸/۱ | ۷/۲</td><td>۴</td><td>۶/۱ | ۰</td><td>۹</td><td>۰ | ۸/۲</td></tr>
<tr><td>خ :</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۷</td><td>۸</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۹</td><td>۱۰</td></tr>
<tr><td>مج :</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۸</td><td>۷</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۹</td><td>۱۰</td></tr>
<tr><td>صد :</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۷</td><td>۸</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۱۰</td><td>۹</td></tr>
</table>

۱/۱ **خ** : صبا بلبل حکایت با صبا کرد.   ۱/۲ **طو** : با من چه‌ها کرد.
۲/۱ **خ** : خون در دل افتاد.   ۲/۲ **خ** : وزان گلشن. **طو** : وزین گلبن.
۴/۱ **یج** : باد ای نسیم. **طو** : بادا نسیم.
۵/۱ **یج** : کشیده زلف. **عد** : کشید از زلف   ۵/۲ **یج طو** : قبا چون غنچه.
۶/۱ **مج** : بلبلی عاشق. **یج طو مج** : به افغان.
۸/۱ **یج** : اگر سلطان طمع کردم. **طو** : گر از سلطان طمع کردن.
۹/۲ **مج عد** : توبه از زهد و ریا کرد.
(۱۰/۱) **خ صد** : خواجگان شهر.   ۱۰/۲ **یج** : کمال دین و دولت. **طو** : کمال‌الدوله و الدین.
شمار دگرسانیها : طو = ۷ - یج = ۶ - خ = ۴ - مج = ۳ - عد = ۲ - صد = ۱ -

۱۱۳

۱ بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد | هلال عید به دوْر قدح اشارت کرد
۲ ثواب روزه و حجّ قبول آنکس برد | که خاک میکدهٔ عشق را زیارت کرد
۳ مقام اصلی ما گوشهٔ خرابات است | خداش خیر دهاد آنکه این عمارت کرد
۴ نماز در خَم آن ابروان محرابی | کسی کند که به خوناب دل طهارت کرد
۵ بهای بادهٔ چون لعل چیست؟ جوهر عقل | بیا که سود کسی برد کین تجارت کرد
۶ فغان که نرگس جمّاش شیخ شهر امروز | نظر به دُرد کشان از سر حقارت کرد
۷ حدیث عشق ز حافظ شنو نه از واعظ | اگر چه صنعت بسیار در عبارت کرد

۷ نسخه : یج خ مج نز قد فط پد

ترتیب ابیات غزل ۱۱۳ =

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	ابیات غزل ۱۱۴ (۳)	(۴)	(۵)
یج	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰	۰
خ	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۸	۰	۷	۰
مج نز	۱	۲	۶	۰	۴	۷	۸	۵	۰	۳
قد	۱	۲	۵	۷	۴	۶	۹	۰	۸	۳
پد	۱	۳	۵	۲	۶	۷	۸	۰	۰	۴
فط	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۰	۰	۰

۱/۱ **یج خ فط** : خان روزه.
۴/۲ **یج خ** : که به خون جگر.
۵/۱ **یج** : چون لعل هست.
۵/۲ **یج** : بیا که سود کسی کرد کین زیارت کرد.
۶/۱ **مج نز** : نرگس مخمور.
شمار دگرسانیها : یج = ۴ - خ = ۲ - مج نز فط = ۱ - قد پد = ۰ -

۱ به آب روشن می عارفی طهارت کرد — علی الصّباح که میخانه را زیارت کرد
۲ همین که ساغر زرّین خور نهان کردند — هلال عید به دوْر قدح اشارت کرد
۳ خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد — به آب دیده و خون جگر طهارت کرد
۴ به روی یار نظر کن ز دیده منّت دار — که دیده کار همه از سر بصارت کرد
۵ امام خواجه که بودش سر نماز دراز — به خون دختر رز خرقه را قصارت کرد
۶ دلم ز حلقهٔ زلفش به جان خرید آشوب — چه سود دید ندانم که این تجارت کرد
۷ اگر امام جماعت طلب کند امروز — خبر دهید که حافظ به می طهارت کرد

۷ نسخه: **یج طو خ عد عز صف حة**

ترتیب ابیات = حة	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج طو عد	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۰
خ صف	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶
عز	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰
همراه غزل ۱۱۳							
خ	۰	۰	۰	۷	۰	۰	۰
مج نز	۰	۰	۵	۰	۳	۰	۰
صف	۰	۰	۰	۸	۰	۰	۰

۱/۲ **طو** : علی الصباح که میخانه را عمارت کرد.
۲/۱ **یج** : همان که ساعد زرین خود نهان کردند. **طو حة** : زرین می.
عز : زرین [ ] نهان کردند. **خ صف** : نهان گردید.
۴/۲ **یج عد** : که کار دهر همه. **طو** : که کار دیده هم از دیدهٔ بصارت کرد.
ضمن غزل ۱۱۳ = **خ صف** : که کار دیده نظر.
۵/۱ (ضمن غزل ۱۱۳) = **مج نز** : امام شهر که سجاده می‌کشید به دوش.
۶/۱ **یج طو** : به حلقهٔ زلفش. **عز حة** : به جان خردآشوب.
۶/۲ **طو** : چه سود دیده.
شمار دگرسانیها: طو = ۵ - یج = ۳ - خ عز صف حة = ۲ - عد = ۱ -

۱۱۵

۱ صوفی نهاد دام و سر حقّه باز کرد   بنیاد مکر با فلک حقّه‌باز کرد

۲ بازیّ دهر بشکندش بیضه در کلاه   زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد

۳ ساقی بیا که شاهد رعنای صوفیان   دیگر به جلوه آمد و آغاز ناز کرد

۴ این مطرب از کجاست که ساز عراق ساخت   وآهنگ بازگشت ز راه حجاز کرد

۵ ای دل بیا که ما به پناه خدا رویم   زانچ آستین کوته و دست دراز کرد

۶ صنعت مکن که هر که محبّت نه راست باخت   عشقش به روی دل در معنی فراز کرد

۷ فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید   شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

۸ ای کبک خوش‌خرام کجا می‌روی بایست!   غرّه مشو که گربهٔ عابد نماز کرد

۹ حافظ مکن ملامت رندان که در ازل   ما را خدا ز زهدِ ریا بی‌نیاز کرد

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز عد عز**

ترتیب ابیات متن برابر است با : **یج خ عد عز**

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸
طو :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۰	۷

۲/۱ **خ** : بازی چرخ. **طو** : بشکندش بیضهٔ کلاه.

۴/۲ **خ نز عد عز** : به راه حجاز کرد.

۵/۱ **نز** : ای دل بیا که تا به پناه.   ۵/۲ **خ عد عز** : زانچه آستین.

۶/۱ **طو مج** : هر آنک محبّت. **یج** : نه پاک باخت.

۷/۱ **طو** : فردا که پیشگاه محبت.

۸/۲ **خ** : گربهٔ زاهد.

۹/۲ **خ مج** : زهد و ریا.

شمار دگرسانیها : خ = ۵ - طو = ۳ - مج نز عد عز = ۲ - یج = ۱ -

۱ بلبلی خون جگر خورد و گلی حاصل کرد — باد غیرت به صدش خار پریشان‌دل کرد

۲ طوطیی را به خیال شکری دل خوش بود — ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد

۳ قرّة العین من آن میوهٔ دل یادش باد — که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد

۴ ساربان، بار من افتاد خدا را مددی — که امید کرمم همره این محمل کرد

۵ روی خاکیّ و نم چشم مرا خوار مدار — چرخ پیروزه طربخانه ازین کهگل کرد

۶ آه و فریاد که از چشم حسود مه چرخ — در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد

۷ نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ — چه کنم، بازی ایّام مرا غافل کرد

---

۶ نسخه : **طو کهـ خ مج نز صف**

ترتیب ابیات برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (سوای کهـ)

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
کهـ	:	۱	۲	۳	۴	۵/۱ ۰	۰ ۵/۲	۶

۱/۱ **خ** : خون دلی خورد و.

۲/۱ **کهـ** : به هوای شکری. **نز** : به خیال شکر[ی].

۳/۲ **طو** : گرچه آسان بشد و. **خ** : که چه آسان بشد و.

۴/۱ **خ** : ساروان.

۵/۱ **طو** : نم اشک مرا. ۵/۲ **خ** : چرخ فیروزه.

۶/۱ **طو** : از چشم حسودان ناگه. **خ** : از جور حسود و غم چرخ.

۷/۲ **طو** : چه کنم بازی امید.

شمار دگرسانیها : خ = ۵ - طو = ۴ - کهـ نز = ۱ - مج صف = ۰

۱۱۷

۱ چو باد عزم سر کوی یار خواهم کرد   نفس به بوی خوشش مشکبار خواهم کرد

۲ هر آبروی که اندوختم ز دانش و دین   نثار خاک ره آن نگار خواهم کرد

۳ به هرزه بی می و معشوق عمر می‌گذرد   بطالتم بس از امروز کار خواهم کرد

۴ صبا کجاست که این جان خون گرفته چو گل   فدای نکهت گیسوی یار خواهم کرد

۵ چو شمع صبحدمم شد ز مهر او روشن   که عمر در سر این کار و بار خواهم کرد

۶ به یاد چشم تو خود را خراب خواهم ساخت   بنای عهد قدیم استوار خواهم کرد

۷ نفاق و زرق نبخشد صفای دل حافظ   طریق رندی و عشق اختیار خواهم کرد

---

۱۱ نسخه : **یج حی کہ خ مج مط نز عد فخ صف تم**

ترتیب ابیات برابر است با : ۶ نسخهٔ فوق (سوای **خ نز عد صف تم**).

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خ صف :	۱	۳	۲	۶	۴	۵	۷
نز :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷
عد :	۱	۳	۲	۵	۴	۶	۷
تم :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷

۳/۲ **یج** : چو طالبم بس از امروز.

۵/۱ **یج** : چو شمع صبح شد از مهر روی او روشن.

۷/۱ **یج** : نقاب زرق.

شمار دگرسانیها : **یج** = ۳ - ۱۰ نسخهٔ دیگر بدون اختلاف.

۱۱۸

۱ دست در حلقهٔ آن زلف دو تا نتوان کرد / تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد

۲ آنچه سعی است من اندر طلبت بنمایم / اینقدر هست که تغییر قضا نتوان کرد

۳ دامن دوست به صد خون دل افتاد به دست / به فسوسی که کند خصم رها نتوان کرد

۴ عارضش را به مَثَل ماه فلک نتوان گفت / نسبت یار به هر بی سر و پا نتوان کرد

۵ سرو بالای من آندم که در آید به سماع / چه محل جامهٔ جان را که قبا نتوان کرد

۶ نظر پاک تواند رخ جانان دیدن / که در آئینه نظر جز به صفا نتوان کرد

۷ مشکل عشق نه در حوصلهٔ دانش ماست / حلّ این نکته بدین فکر خطا نتوان کرد

۸ غیر تم کشت که محبوب جهانی لیکن / روز و شب عربده با خلق خدا نتوان کرد

۹ من چه گویم که تو را نازکی طبع لطیف / تا به حدّی ست که آهسته دعا نتوان کرد

۱۰ بجز ابروی تو محراب دل حافظ نیست / طاعت غیر تو در مذهب ما نتوان کرد

---

۹ نسخه : **یج طو خ مج نز عد عز فط حک**

ترتیب ابیات =										
خ حک :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۶	۹	۷	۱۰
طو :	۱	۳	۲	۴	۵	۷	۶	۰	۰	۸
مج نز عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۹	۶	۷	۸	۱۰
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸	۱۰
فط :	۱	۲	۳	۴	۹	۶	۷	۸	۵	۱۰

۲/۱ **مج** : اندر طلبش.

۳/۱ **یج** : افتاده به دست.

۳/۲ **طو** : که دهد خصم.

۴/۱ **یج** : ماه فلک بتوان خواند.

۴/۲ **خ نز عد عز فط** : نسبت دوست.

۵/۱ **یج خ** : آنگه که درآید.

۶/۱ **فط** : توان در رخ جانان دیدن.

۷/۲ **عد** : حل آن نکته. **طو** : به این فکر خطا.

۸/۱ **مج** : غیرتم کشت که محبوب کسانی لیکن.

۹/۱ **یج** : چه بگویم. **یج** : که تو را نازکی طبع ملول.

شمار دگرسانیها : یج = ۵ - طو خ مج عد فط = ۲ - نز عز = ۱ - حک = ۰ -

۱۱۹

۱ دل از من برد و روی از من نهان کرد   خدا را با که این بازی توان کرد
۲ شب تنهائیم در قصد جان بود   خیالش لطفهای بیکران کرد
۳ چرا چون لاله خونین دل نباشم   که با من نرگس او سر گران کرد
۴ کجا گویم که با این درد جانسوز   طبیبم قصد جانِ ناتوان کرد
۵ بدانسان سوخت چون شمعم که بر من   صراحی گریه و بربط فغان کرد
۶ صبا گر چاره داری وقت وقت است   که درد اشتیاقم قصد جان کرد
۷ میان مهربانان کی توان گفت؟   که یار ما چنین گفت و چنان کرد
۸ عدو با جان حافظ آن نکردی   که تیر چشم آن ابرو کمان کرد

---

۹ نسخه : **یج طو خ مج نه سد سو عز فط**

ترتیب ابیات =								
یج خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۳	۵	۰	۴	۶	۷
مج سد عز :	۱	۲	۴	۵	۶	۳	۷	۸
نه سو :	۱	۲	۳	۶	۵	۴	۷	۸
فط :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۵	۸

۱/۱ **یج سد عز** : دل از ما برد و روی از ما نهان کرد. **طو** : رو از من.

۲/۱ **یج سو** : سحر تنهائیم. **نه عز** : سحر بنهانیم. **طو** : سحر بنهانیم. **مج** : شبی تنهائیم.

۳/۲ **یج خ نه** : که با ما. **طو فط** : چو با ما.

۴/۱ **طو خ** : که را گویم.

۵/۱ **یج مج** : بر آنسان سوخت.

۷/۱ **فط** : به پیش مهربانان. **طو** : چون توان گفت.

۷/۲ **طو** : که یار ما چنین کرد و چنان کرد.

شمار دگرسانیها : **طو** = ۶ - **یج** = ۴ - **خ مج نه عز فط** = ۲ - **سد سو** = ۱ -

۱ دیدی ای دل که غم عشق دگر بار چه کرد؟ چون بشد دلبر و با یار وفادار چه کرد؟
۲ آه از ان نرگس جادو که چه بازی انگیخت آه از ان مست که با مردم هشیار چه کرد
۳ اشک من رنگ شفق یافت ز بیمهری یار طالع بی شفقت بین که درین کار چه کرد
۴ برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر وه که با خرمن مجنون دل‌افگار چه کرد
۵ ساقیا جام میَم ده که نگارندهٔ غیب نیست معلوم که در پردهٔ اسرار چه کرد
۶ آنکه پرنقش زد این دایرهٔ مینائی کس ندانست که در گردش پرگار چه کرد
۷ فکر عشق آتش غم در دل حافظ زد و سوخت یار دیرینه ببینید که با یار چه کرد

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج نز عد فخ صف**

ترتیب ابیات برابر است با ۷ نسخهٔ فوق (سوای طو)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷

۲/۱ **یج** : وه‌که آن نرگس. **طو عد صف** : وه ازان نرگس جادو.

۲/۲ **مج نز** : واه ازان مست.

۵/۱ **مج نز** : ساقیا باده بیاور. **طو** : برو ای صوفی مسکین.

۵/۲ **طو** : کس ندانست که در پردهٔ اسرار چه کرد.

۶/۱ **خ** : تاکه بر نقش زد. **یج** : بر نقش زدی. **فخ** : آنکه بر آب زد.

۶/۲ **طو** : نیست معلوم که در گردش پرگار چه کرد.

۷/۱ **طو** : برق عشق. **یج** : می‌سوخت.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - یج = ۳ - مج نز = ۲ - خ عد فخ صف = ۱ -

۱۲۱

۱ دوستان دختر رز توبه ز مستوری کرد — شد سوی محتسب و کار به دستوری کرد

۲ آمد از پرده به مجلس عرقش پاک کنید — تا بگوید به حریفان که چرا دوری کرد

۳ جای آن است که در عقد وصالش گیرند — دختری مست چنان کاینهمه مستوری کرد

۴ مژدگانی بده ای دل که دگر مطرب عشق — راه مستانه زد و چارهٔ مخموری کرد

۵ نه شگفت ار گل طبعم ز نسیمش بشکفت — مرغ شبخوان طرب از برگ گل سوری کرد

۶ نه به هفت آب که رنگش به صد آتش نرود — آنچه با خرقهٔ زاهد می انگوری کرد

۷ حافظ افتادگی از دست مده زانکه حسود — عِرض و مال و دل و دین در سر مغروری کرد

---

۵ نسخه : **یج طو خ مج نز**

ترتیب ابیات = **طو مج نز**	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶
خ	۱	۲	۰	۳	۵	۴	۶

۱/۲ **نز** : شد بر محتسب و.

۲/۲ **طو** : تا نگویند حریفان. **مج نز** : تا نگویند حریفان.

۳/۱ **طو** : عقد نکاهش.

۳/۲ **یج** : دختر مست. **یج** : که این شیوهٔ. **طو** : که او اینهمه.

۴/۲ **طو** : راه مستانه زد و توبه ز مستوری کرد.

۵/۱ **یج** : نشکفت از گل طبعم به نشیمن بشکفت. **خ** : غنچهٔ گلبن وصلم ز نسیمش بشکفت.

۵/۲ **طو خ** : مرغ خوشخوان.

۶/۱ **یج** : نه نهفت آب. ۶/۲ **یج** : آنکه با خرقهٔ زاهد.

شمار دگرسانیها : **یج طو** =۵- **خ نز** =۲- **مج** =۱-

۱۲۲

۱ به سرّ جام جم آنگه نظر توانی کرد — که خاک میکده کُحل بصر توانی کرد
۲ مباش بی می و مطرب که زیر طاق سپهر — بدین ترانه غم از دل بدر توانی کرد
۳ گل مراد تو آنگه نقاب بگشاید — که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد
۴ گدائی در میخانه طرفه اکسیری ست — گر این عمل بکنی خاک زر توانی کرد
۵ به عزم مرحلهٔ عشق پیش نه قدمی — که سودها کنی ار این سفر توانی کرد
۶ جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی — غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد
۷ دلا ز نور ریاضت گر آگهی یابی — چو شمع خنده زنان ترک سر توانی کرد
۸ ولی تو تا لب معشوق و جام میْ خواهی — طمع مدار که کاری دگر توانی کرد
۹ گر این نصیحت شاهانه بشنوی حافظ — به شاهراه طریقت گذر توانی کرد

(۱۰) دوای غصّهٔ دوران اگر توانی کرد — به دور بادهٔ گلگون مگر توانی کرد
(۱۱) بیا که چارهٔ ذوق حضور و نظم امور — به فیض بخشش اهل نظر توانی کرد
(۱۲) تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون — کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز سو**

											(۱۰)	(۱۱)	(۱۲)
متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۰	۰
یج سو :	۱	۲	۳	۸	۴	۶	۹	۱۰	۱۱	۰	۵	۷
طو :	۰	۲	۶	۳	۴	۰	۷	۸	۹	۱	۵	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۱۰و	۹	۱۱/۱ | ۰	۰	۸	۶
							۱۱/۲ | ۰					
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۹	۰	۰	۰	۶

۲/۲ **یج** : برین ترانه. **مج** : به این بهانه. **سو** : به این ترانه. ۳/۱ **طو** : گل جمال تو.
۷/۱ **مج نز** : گرت ز نور ریاضت خبر شود حافظ. **خ** : دلا ز نور هدایت. **طو** : گر آگهی داری.
۸/۲ **طو خ نز** : طمع مدار که کار دگر.
۹/۲ **یج**: به شاهراه طریقت سفر توانی کرد. **خ** : چو شمع خنده‌زنان ترک سر توانی کرد (تکرار مصرع ۷/۲)
(۱۱/۲) **خ** : به فیض بخشی اهل نظر.
شمار دگرسانیها : خ = ۴ - طو = ۳ - یج مج نز = ۲ - سو = ۱ -

۱ یاد باد آنکه ز ما وقت سفر یاد نکرد   به وداعی دل غمدیدهٔ ما شاد نکرد
۲ آن جوانبخت که می‌زد رقم خیرِ قبول   بندهٔ پیر ندانم ز چه آزاد نکرد
۳ کاغذین جامه به خونابه بشویم که فلک   رهنمونیم به پای عَلَم داد نکرد
۴ دل به امیّد صدائی که مگر در تو رسد   ناله‌ها کرد درین کوه که فرهاد نکرد
۵ سایه تا باز گرفتی ز چمن مرغ سحر   آشیان در شکن طرّهٔ شمشاد نکرد
۶ شاید ار پیک صبا از تو بیاموزد کار   زانکه چالاکتر از این حرکت باد نکرد
۷ کلک مشّاطهٔ صنعش نکشد نقش مراد   هر که اقرار بدین حسن خداداد نکرد
۸ مطربا پرده بگردان و بزن راه عراق   که به این راه بشد یار و ز ما یاد نکرد
۹ غزلیّات عراقی ست سرود حافظ   که شنید این رهٔ دلسوز که فریاد نکرد

---

۶ نسخه : **یج کہ خ مج ند نز**

ترتیب ابیات برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (بجز یج)

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج	:	۱	۲	۰	۰	۳	۴	۵	۶	۷

۱/۱ **نز** : وقت شدن.

۲/۱ **ند** : که [ ] زد رقم.   **خ** : رقم خیر و قبول.

۳/۱ **خ** : به خوناب بشویم.

۴/۲ **کہ** : درین کوچه.

۷/۱ **مج ند نز** : نکشد خط مراد.   ۷/۲ **یج** : بدان حسن.

۸/۱ **یج** : بزن راه حجاز.   ۸/۲ **خ** : که بدین راه.

شمار دگرسانیها : خ = ۳ - یج ند نز = ۲ - کہ مج = ۱ -

۱ رو بر رهش نهادم و بر من گذر نکرد — صد لطف چشم داشتم و یک نظر نکرد
۲ سیل سرشک ما ز دلش کین بدر نبرد — در سنگ خاره قطرهٔ باران اثر نکرد
۳ یارب تو آن جوان دلاور نگاه دار — کز تیر آه گوشه‌نشینان حذر نکرد
۴ ماهیّ و مرغ دوش نخفت از فغان من — وان شوخ دیده بین که سر از خواب بر نکرد
۵ می‌خواستم که میرمش اندر قدم چو شمع — او خود گذر به ما چو نسیم سحر نکرد
۶ جانا کدام سنگدل بی‌کفایت است — کو پیش زخم تیغ تو جان را سپر نکرد
۷ کلک زبان کشیدهٔ حافظ در انجمن — با کس نگفت راز تو تا ترک سر نکرد

---

۷ نسخه : **یج طو خ قپ سز عد صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۷ نسخهٔ فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۱ **عد** : نهادم و در من نظر نکرد. ۱/۲ **طو** : داشتم او یک نظر نکرد.

۲/۱ **قپ** : سیل سرشک من. **خ** : ز دلش ره بدر نبرد

۳/۱ **یج** : این جوان دلاور. ۳/۲ **یج** : کز آه و دود.

۴/۱ **خ سز صف** : ز افغان من نخفت.

۵/۱ **یج** : اندر قدم چو صبح. ۵/۲ **یج** : او خود به ما گذر.

۶/۱ **طو** : بیوفا کسی‌ست.

۶/۲ **طو** : کو پیش زخم تیر تو. **عد** : خود را سپر نکرد.

۷/۱ **خ صف** : کلک زبان بریدهٔ.

شمار دگرسانیها : یج = ۴ - طو خ = ۳ - عد صف = ۲ - قپ سز = ۱ -

۱۲۵

۱ دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد — یاد حریف شهر و رفیق سفر نکرد

۲ یا بخت من طریق مروّت فرو گذاشت — یا او به شاهراه طریقت گذر نکرد

۳ من ایستاده تا کنمش جان فدا چو شمع — او خود گذر به ما چو نسیم سحر نکرد

۴ گفتم مگر به گریه دلش مهربان کنم — در نقش سنگ قطرهٔ باران اثر نکرد

۵ شوخی نگر که مرغ دلم بال و پر بسوخت — سودای خام عاشقی از سر بدر نکرد

۶ هر کس که دید روی تو بوسید چشم من — کاری که کرد دیدهٔ ما بی نظر نکرد

۷ کلک زبان کشیدهٔ حافظ در انجمن — با کس نگفت راز تو تا ترک سر نکرد

۵ نسخه : **یج طو خ عد تغ**

متن = **طو عد**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰
خ	:	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۰
تغ	:	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷

۴/۲ **خ** : چون سخت بود در دل سنگش اثر نکرد.

۵/۱ **یج** : دل را اگرچه بال و پر از غم شکسته شد. **طو تغ** : شوخی نگر که مرغ دل بال و پر خراب.

خ : شوخی مکن که مرغ دل بیقرار من. ۵/۲ **یج خ** : سودای دام عاشقی.

۶/۱ **طو** : هر کس که آب دید ببرسید چشم من. ۶/۲ **خ** : کاری که کرد دیدهٔ من.

۷/۲ **طو** : نگفت راز که تا.

شمار دگرسانیها : خ = ۴ - طو = ۳ - یج = ۲ - تغ = ۱ - عد = ۰ -

۱ سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد — آنچه خود داشت ز بیگانه تمنّا می‌کرد

۲ گوهری کز صدف کوْن و مکان بیرون است — طلب از گم شدگان لب دریا می‌کرد

۳ بیدلی در همه احوال خدا با او بود — او نمی‌دیدش و از دور خدایا می‌کرد

۴ مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش — کو به تأیید نظر حلّ معمّا می‌کرد

۵ دیدمش خرّم و خوشدل قدح باده به دست — واندران آینه صد گونه تماشا می‌کرد

۶ گفت آن یار کز و گشت سرِ دار بلند — جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد

۷ گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم — گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد

۸ آنهمه شعبده‌: عقل که می‌کرد آنجا — ساحری پیش عصا و ید بیضا می‌کرد

۹ فیض روح القدس ار باز مدد فرماید — دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

۱۰ گفتمش سلسلهٔ زلف بتان از پی چیست ؟ — گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا می‌کرد

---

۷ نسخه : **یج حی خ عز فخ پذ تق**

متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج حی فخ پذ :	۱	۲	۰	۳	۴	۶	۵	۰	۷	۸
خ :	۱	۲	۶	۳	۴	۸	۵	۷	۹	۱۰
عز تق :	۱	۲	۷	۳	۴	۶	۵	۹	۸	۱۰

۱/۲ **حی خ** : وانچه خود داشت.

۲/۱ **تق** : بیرون بود. ۲/۲ **یج** : گم شدگان ره دریا.

۳/۲ **خ** : خدا را می‌کرد.

۵/۱ **خ فخ پذ** : خرم و خندان. **یج** : قدحی باده.

۶/۲ **یج تق** : جرمش آن بود.

۸/۱ **خ** : اینهمه شعبدهٔ خویش. **خ** : که می‌کرد اینجا. ۸/۲ **خ تق** : سامری پیش عصا و.

۱۰/۱ **یج حی فخ تق** : زلف چو زنجیر بتان. **عز** : از پی کیست.

شمار دگرسانیها : خ = ۶ - یج تق = ۴ - حی فخ = ۲ - عز پذ = ۱ -

۱۲۷

۱ چه مستی است ندانم که رو به ما آورد — که بود ساقی و این باده از کجا آورد؟
۲ چه راه می‌زند این مطرب مقام‌شناس — که در میان غزل قول آشنا آورد
۳ صبا به خوش خبری هدهد سلیمان است — که مژدهٔ طرب از گلشن سبا آورد
۴ رسیدن گل و نسرین به خیر و خوبی باد — بنفشه شاد و کش آمد، سمن صفا آورد
۵ تو نیز باده به چنگ آر و راه صحرا گیر — که مرغ نغمه سرا ساز خوشنوا آورد
۶ دلا چو غنچه شکایت ز کار بسته مکن — که باد صبح نسیم گره‌گشا آورد
۷ علاج ضعف دل ما کرشمهٔ ساقی ست — بر آر سر که طبیب آمد و دوا آورد
۸ به تنگ چشمی آن ترک لشکری نازم — که حمله بر من درویش یک قبا آورد
۹ مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ — چرا که وعده تو کردیّ و او به جا آورد
۱۰ فلک غلامی حافظ کنون به طوع کند — که التجا به در دولت شما آورد

---

۶ نسخه : **یج طو خ نز فط صف**

ترتیب ابیات =										
نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۰	۴	۳	۵	۶	۸	۷	۹
طو :	۱	۸	۴	۳	۰	۲	۵	۶	۷	۰
خ :	۱	۰	۵	۴	۲	۳	۶	۸	۷	۹
فط :	۱	۲	۵	۴	۳	۶	۷	۹	۸	۱۰
صف :	۱	۲	۶	۴	۳	۵	۷	۹	۸	۱۰

۱/۱ **خ فط صف** : که رو به ما آورد.
۲/۱ **طو** : به ساز نغمهٔ حافظ سماع کن مطرب.
۴/۲ **طو** : سمن صبا آورد.
۶/۲ **طو** : نسیمی گره‌گشا.
۷/۱ **یج** : ضعف دل من. — ۷/۲ **یج** : ازینجهت که طبیب.
۸/۱ **طو** : آن ترک نازنین. — ۸/۲ **یج** : بر من در[و]یش.
۹/۲ **یج** : او به جای آورد.
شمار دگرسانیها: یج طو =۴- خ فط صف =۱- نز =۰-

۱۲۸

۱ بَرید باد صبا دوشم آگهی آورد — که روز محنت و غم رو به کوتهی آورد

۲ به مطربان صبوحی دهیم جامهٔ چاک — بدین نوید، که باد سحرگهی آورد

۳ نسیم زلف تو شد خضر راهم اندر عشق — زهی رفیق که بختم به همرهی آورد

۴ بیا بیا که تو حور بهشت را رضوان — بدین جهان ز برای دل رهی آورد

۵ به جبر خاطر ما کوش کین کلاه نمد — بسا شکست که بر افسر شهی آورد

۶ چه ناله‌ها که رسید از دلم به خرگه ماه — چو یاد عارض آن ماه خرگهی آورد

۷ رساند رایت منصور بر فلک حافظ — چو التجا به جناب شهنشهی آورد

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز حة**

ترتیب ابیات متن برابر است با : **طو مج نز حة**

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶
خ	:	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷

۱/۱ **خ** : نسیم باد صبا. **یج** : دوش آگهی آورد. **خ** : دوشم آگهی دارد.

۲/۲ **یج مج حة** : به این نوید.

۳/۱ **یج طو خ** : همی رویم به شیراز با عنایت دوست (**خ** = با عنایت بخت)

۳/۲ **یج** : زهی رقیب.

۴/۱ **طو** : بیاکه پرتو. **یج** : حور بهشت از رضوان. ۴/۲ **طو خ** : درین جهان.

۵/۱ **طو** : به خیر خاطر ما. ۵/۲ **طو** : که در افسر. **خ** : که با افسر.

۶/۱ **یج** : چه ناله‌ای. **طو خ حة** : به خرمن ماه.

۷/۲ **یج خ** : که التجا.

شمار دگرسانیها : **یج خ** = ۷ - **طو** = ۶ - **حة** = ۲ - **مج** = ۱ - **نز** = ۰ -

۱ صبا وقت سحر بوئی ز زلف یار می‌آورد — دل دیوانهٔ ما را به نو در کار می‌آورد

۲ من آن شاخ صنوبر را ز باغ سینه برکندم — که هر گل کز غمش بشکفت محنت بار می‌آورد

۳ ز بیم غارت عشقش دل اندر خون رها کردم — ولی می‌ریخت خون و ره بدان هنجار می‌آورد

۴ فروغ ماه می‌دیدم ز بام قصر او روشن — که روی از شرم آن خورشید در دیوار می‌آورد

۵ به قول مطرب و ساقی برون رفتم گه و بیگه — که شیخم زین رهِ بیره خبر دشوار می‌آورد

۶ سراسر بخشش جانان طریق لطف و احسان بود — اگر تسبیح می‌فرمود، اگر زُنّار می‌آورد

۷ عفا اللّه چین ابرویش اگرچه ناتوانم کرد — به عشوه هم پیامی بر سر بیمار می‌آورد

۸ عجب می‌داشتم دیشب ز حافظ جام و پیمانه — ولی بحثی نمی‌کردم که صوفی وار می‌آورد

---

(۹) خوشا آن بخت و آن دولت که از زلف گرهبندش — بدر می‌برد دل کاری که خصم اقرار می‌آورد

۶ نسخه : **یج خ مج مط نز فط**

ترتیب ابیات =	**مط** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	(۹) ۰
	یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۷	۶	۰
	خ :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸	۰
	مج :	۱	۲	۳	۸	۴	۵	۶	۹	۷
	نز :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۹	۸
	فط :	۱	۲	۰	۳	۰	۴	۵	۶	۰

۱/۲ **خ نز** : دل شوریدهٔ ما را. **خ مج فط** : به بو.

۲/۱ **خ** : من آن شکل صنوبر را ز باغ دیده برکندم.

۳/۱ **مج نز** : ز بیم غارت چشمش. **خ** : دل برخون.

۴/۱ **فط** : قصر ایوانش. ۴/۲ **خ مج** : که رو از شرم.

۵/۲ **خ** : کزین ره کردن منزل. **مج** : که شیخم زین ره مشکل خبر دشوار می‌آورد.
مط : کزین ره بردن منزل چنین دشوار می‌آورد.

۶/۲ **یج مج مط نز** : اگر تسبیح می‌فرمود وگر.

۸/۲ **خ** : ولی منعش نمی‌کردم. **نز** : ولی (...؟) نمی‌کردم.

(۹/۱) **نز** : که از بندگره زلفش.

شمار دگرسانیها : خ = ۷ - مج نز = ۵ - مط فط = ۲ - یج = ۱ -

۱ دلم جز مهر مهرویان طریقی بر نمی‌گیرد ز هر در می‌دهم پندش و لیکن در نمی‌گیرد
۲ خدا را ای نصیحت‌گو حدیث از مطرب و می گو که نقشی در خیال ما ازین خوشتر نمی‌گیرد
۳ صراحی می‌کشم پنهان و مردم دفتر انگارند عجب گر آتش این زرق در دفتر نمی‌گیرد
۴ من این دلق ملمّع را بخواهم سوختن روزی که پیر می فروشانش به جامی بر نمی‌گیرد
۵ از انرو پاکبازان را صفاها با می لعل است که غیر از راستی نقشی درین جوهر نمی‌گیرد
۶ نصیحت‌گوی رندان را که با حکم قضا جنگ است دلش بس تنگ می بینم مگر ساغر نمی‌گیرد
۷ میان گریه می‌خندم که چون شمع اندرین مجلس زبان آتشینم هست لیکن در نمی‌گیرد
۸ من آن آئینه را روزی به دست آرم سکندروار اگر می‌گیرد این آتش زبانی ور نمی‌گیرد
۹ چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را که کس مرغان وحشی را ازین بهتر نمی‌گیرد
۱۰ سخن در احتیاج ما و استغنای معشوق است چه سود افسونگری ای دل چو در دلبر نمی‌گیرد
۱۱ خدا را رحمی ای منعم که درویش سر کویت دری دیگر نمی‌داند رهی دیگر نمی‌گیرد
۱۲ بدین شعر تر شیرین ز شاهنشه عجب دارم که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد

---

(۱۳) من از پیر مغان دیدم کرامتهای مردانه که این دلق ریائی را به جامی بر نمی‌گیرد
(۱۴) سر و چشمی بدین خوبی تو گوئی چشم ازو برگیر برو کین وعظ بیمعنی مرا در سر نمی‌گیرد

۶ نسخه : **یج طو خ مج عد صف**

ترتیب ابیات = **یج**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۰ (۱۳)	۰ (۱۴)
طو	:	۱	۳	۳	۴	۵	۶	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۰	۰
خ	:	۱	۲و۳	۴	۵	۶	۸	۹	۱۲	۱۰	۱۱	۱۳	۱۴	۰	۷
مج	:	۱	۵	۳	۷	۹	۸	۰	۰	۱۰	۲	۴	۱۱	۰	۶
عد	:	۱	۲	۳	۹	۰	۴	۵	۰	۶	۷	۸	۱۰	۰	۰
صف	:	۱	۲	۳	۱۲	۵	۶	۷	۹	۱۰	۱۱	۱۳	۱۴	۴	۸

۱/۱ **یج** : رهی دیگر نمی‌گیرد. ۱/۲ **طو** : ز هر سو.
۲/۱ **مج** : خدا را ای ملامت‌گو. **یج** : حدیث از خط ساقی گو. **خ** (سطر ۲) : حدیث ساغر و می‌گو.
طو خ (سطر ۳) : بیا ای ساقی گلرخ بیاور بادهٔ رنگین.

۲/۲ **طو** : که نقشی در درون ما. **خ** (سطر ۳) : که فکری در درون ما. **خ** : ازین بهتر.
۳/۱ **طو** : می‌کنم پنهان و. ۳/۲ **یج** : عجب از آتش.
۴/۱ **طو خ مج** : دلق مرقع را. **عد** : دلق (...؟) را. **طو** : بخواهم سوختن باری.
۴/۲ **طو** : که پیر درد نوشانش.
۵/۱ **یج** : ازانروی است یاران را صفاها با می لعلت. **خ** : ازانرو هست یاران را صفاها با می لعلش.
صف : از اینروی است یاران را صفاها با می‌لعلت.
۵/۲ **یج** : که غیر از دوستی. **خ** : دران جوهر نمی‌گیرد.
۶/۱ **طو** : نصیحت‌گوی ما امروز در تاب است بر منبر.
۷/۲ **یج** : زبان آتشینم هست و لیکن.
۸/۲ **خ صف** : آتش زمانی.
۹/۲ **یج خ** : ازین خوشتر. **مج** : ازو بهتر.
۱۰/۲ **عد صف** : چه افسون می‌کنی. **خ** : که در دلبر نمی‌گیرد.
۱۲/۱ **مج** : به این شعر. **طو** : تر رنگین.
(۱۴/۱) **خ** : سرو چشمی چنین دلکش. **خ** : چشم ازو بردوز.
شمار دگرسانیها : خ = ۱۲ - طو = ۹ - یج = ۷ - مج = ۴ - صف = ۳ - عد = ۲ -

۱ ساقی ار باده از ین دست به جام اندازد عارفان را همه در شرب مدام اندازد
۲ ور چنین زیر خَم زلف نهد دانهٔ خال ای بسا مرغ خرد را که به دام اندازد
۳ ای خوشا حالت آن مست که در پای حریف سر و دستار نداند که کدام اندازد
۴ روز در کسب هنر کوش که می خوردن روز دلِ چون آینه در زنگ ظلام اندازد
۵ آن زمان وقت می صبح فروغ است که شب گِرد خرگاه افق پردهٔ شام اندازد
۶ زاهد خام که انکار می و جام کند پخته گردد چو نظر بر می خام اندازد
۷ باده با محتسب شهر ننوشی زنهار بخورد باده ات و سنگ به جام اندازد
۸ حافظا سر ز کله گوشهٔ خورشید بر آر بختت ار قرعه بدان ماه تمام اندازد

۶ نسخه : یج طو خ مج عد فط

ترتیب ابیات =									
مج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج	:	۱	۲	۳	۴	۰	۰	۵	۰
طو عد	:	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۰
خ	:	۱	۲	۳	۵	۶	۴	۷	۸
فط	:	۱	۲	۵	۳	۴	۰	۶	۰

۱/۲ فط : صوفیان را.
۳/۱ یج : طالع آن مست. خ : دولت آن مست.
۶/۱ مج : زاهد خام‌طمع بر سر انکار بماند.
۷/۱ یج عد فط : ننوشی حافظ. ۷/۲ طو : که خورد باده‌ات و.
۸/۲ مج : بران ماه تمام اندازد.
شمار دگرسانیها: یج مج فط = ۲ - طو خ عد = ۱ -

۱۳۲

۱ دمی با غم به سر بردن جهان یکسر نمی‌ارزد — به می بفروش دلق ما کزین بهتر نمی‌ارزد
۲ به کوی می فروشانش به جامی بر نمی‌گیرند — زهی سجّادهٔ تقوا که یک ساغر نمی‌ارزد
۳ رقیبم سرزنشها کرد کز این باب رخ بر تاب — چه افتاد این سرِ ما را که خاک در نمی‌ارزد
۴ تو را آن به که روی خود ز مشتاقان بپوشانی — که شادیّ جهانگیری غم لشکر نمی‌ارزد
۵ بشوی این نقش دلتنگی، که در بازار یکرنگی — مرقّعهای گوناگون می احمر نمی‌ارزد
۶ شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است — کلاهی دلکش است امّا به ترک سر نمی‌ارزد
۷ بس آسان می‌نمود اوّل غم دریا به بوی سود — غلط گفتم که این طوفان به صد گوهر نمی‌ارزد
۸ چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر — که یک جو منّت دونان به صد من زر نمی‌ارزد

---

۶ نسخه: **یج طو خ مج سز صف**

ترتیب ابیات = **مج** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج :	۱	۲	۳	۷	۰	۴	۵	۶
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
خ :	۱	۲	۳	۶	۰	۴	۵	۷
سز :	۱	۲	۴	۶	۳	۵	۷	۸
صف :	۱	۲	۳	۷	۵	۴	۶	۸

۱/۱ **یج** : دمی با غم با سر بردن. **طو مج** : دلا یک دم گرانباری. ۱/۲ **طو** : کزان بهتر.
۲/۱ **طو** : به کوی می‌فروشانم.
۳/۱ **طو** : کزین ره روی خود برتاب. ۳/۲ **طو** : چه گشت آخر. **یج** : که یک افسر نمی‌ارزد.
۵/۱ **صف** : بشوی این دلق دلتنگی که در بازار یکرنگی. ۵/۲ **مج** : ملمعهای گوناگون.
۶/۱ **یج مج سز** : دران درج است. ۶/۲ **طو** : کلاه دلکش است.
۷/۱ **طو** : بسی رو می‌نمود. **خ** : چه آسان می‌نمود. ۷/۲ **طو خ مج صف** : غلط کردم.
۸/۱ **یج** : در قناعت کوش و از دنیی دون. **خ** : کوش وز دنیی دون. **مج** : کوش وز دنیای دون.
۸/۲ **خ صف** : که یک جو منت دونان دوصد من زر نمی‌ارزد.
شمار دگرسانیها: طو = ۸ - مج = ۵ - یج خ = ۴ - صف = ۳ - سز = ۱ -

۱ در ازل پرتو حسنت ز تجلّی دم زد　　عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
۲ جلوه‌ای کرد رُخت دید مَلَک عشق نداشت　　عین آتش شد از ین غیرت و بر آدم زد
۳ عقل می‌خواست کزان شعله چراغ افروزد　　برق غیرت بدرخشید و جهان بر هم زد
۴ مدّعی خواست که آید به تماشاگه راز　　دست غیب آمد و بر سینهٔ نامحرم زد
۵ دیگران قرعهٔ قسمت همه بر عیش زدند　　دل غمدیدهٔ ما بود که هم بر غم زد
۶ جان علوی هوس چاه زنخدان تو داشت　　دست در حلقهٔ آن زلف خم اندر خم زد
۷ حافظ آن روز طربنامهٔ عشق تو نوشت　　که قلم بر سر اسباب دل خرّم زد

۱۴ نسخه : **یج حیِ طو کد خ مط نه سو سز عد عز فخ فط تغ**

ترتیب ابیات متن برابر است با ده نسخهٔ فوق (بجز یج سز عز فط).

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶
سز عز فط :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۱/۱ **کد** : پرتو رویت.

۲/۱ **یج** : جلوه‌ای کرد رخت دید و ملک عشق نداشت.

۳/۱ **عز** : کزین شعله.

۳/۲ **حیِ** : برق غیرت بدرخشید و جهانی بر هم زد.

۴/۱ **یج** : عقل می‌خواست که آید به تماشاگه راز.

۵/۱ **طو** : دیگران قرعهٔ همت. **سز** : قرعهٔ شادی.

شمار دگرسانیها : یج = ۲ - حیِ طو کد سز عز = ۱ -

ضبط هشت نسخهٔ دیگر (خ مط نه سو عد فخ فط تغ) با متن برابر است.

۱ راهی بزن که آهی بر ساز آن توان زد — شعری بخوان که با آن رطل گران توان زد
۲ بر آستان جانان گر سر توان نهادن — گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد
۳ قدّ خمیدهٔ ما سهلت نماید امّا — بر چشم دشمنان تیر از این کمان توان زد
۴ در خانقه نگنجد اسرار عشقبازی — جام می مغانه هم با مغان توان زد
۵ درویش را نباشد نُزل سرای سلطان — مائیم و کهنه دلقی کآتش دران توان زد
۶ اهل نظر دو عالم در یک نَدَب ببازند — عشق است و داو اوّل بر نقد جان توان زد
۷ گر دولت وصالش خواهد دری گشودن — سرها بدین تخیّل بر آستان توان زد
۸ عشق و شباب و رندی مجموعهٔ مراد است — چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد
۹ شد رهزن سلامت زلف تو وین عجب نیست — گر راهزن تو باشی صد کاروان توان زد
۱۰ حافظ به حقّ قرآن کز شید و زرق باز آی — باشد که گوی عیشی در این میان توان زد

---

۶ نسخه : **یج طو کہ خ نہ نز**

ترتیب ابیات =		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج خ نہ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
طو	:	۱	۲	۰	۳	۴	۰	۶	۰	۵	۷
کہ	:	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸
نز	:	۱	۲	۸	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۹

۱/۲ **یج کہ خ** : بخوان که با او.
۵/۱ **طو کہ خ** : برگ سرای.
۶/۱ **یج خ نہ** : در یک نظر ببازند. **کہ** : در یک نظر نیارند.
۶/۲ **یج** : داذ اول. **نز** : عشق است و د[ ] اول.
۷/۱ **طو خ** : گر دولت وصالت. ۷/۲ **طو** : سرها درین تخیل.
۸/۱ **نہ** : معشوقهٔ مراد است.
۹/۱ **یج** : شد رهزن ملامت زلف تو. ۹/۲ **طو** : چون راهزن تو باشی بر کاروان توان زد.
۱۰/۱ **نہ نز** : زرق باز آ.
۱۰/۲ **کہ** : باشد که گوی عشقی. **نہ** : کوس عشقی. **یج خ** : در این جهان. **کہ** : در آن میان.
نہ : در آن جهان.
شمار دگرسانیها: یج کہ خ نہ =۵- طو =۴- نز =۲-

۱۳۵

۱ اگر روم ز پیَش فتنه‌ها بر انگیزد ... ور از طلب بنشینم به کینه برخیزد

۲ وگر به رهگذری یک دم از هواداری ... چو گرد در پیَش افتم چو باد بگریزد

۳ وگر کنم طلب نیم بوسه صد افسوس ... ز حقّهٔ دهنش چون شکر فرو ریزد

۴ من آن فریب که در نرگس تو می بینم ... بس آب روی که با خاک ره بر آمیزد

۵ فراز و شیب بیابان عشق دام بلاست ... کجاست شیر دلی کز بلا نپرهیزد

۶ تو عمر خواه و صبوری که چرخ شعبده باز ... هزار بازی ازین طرفه تر بر انگیزد

۷ بر آستانهٔ تسلیم سر بنه حافظ ... که گر ستیزه کنی روزگار بستیزد

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج نه سز عد صد**

ترتیب ابیات برابر است با ۷ نسخهٔ فوق (سوای طو).

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو	:	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷

۱/۲ **نه** : به جنگ برخیزد.

۲/۱ **خ** : یک دم از وفاداری.

۳/۱ **یج عد** : وگر کنم طمع. **طو** : اگر کنم طلب.

۴/۱ **یج** : من از فریب. **مج** : که در غمزهٔ تو می‌بینم.

۵/۱ **طو** : فراز شیب بیابان عشق راه بلاست. ۵/۲ **یج** : کز بلا بپرهیزد.

۶/۱ **یج** : تو عمر خواه و صبوحی.

۷/۱ **طو** : بر آستانهٔ تسلیم سر نبد حافظ.

شمار دگرسانیها : یج = ۴ - طو = ۳ - خ مج نه عد = ۱ - سز صد = ۰ -

۱ به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد   تو را درین سخن انکار کار ما نرسد

۲ اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده‌اند   کسی به حسن و ملاحت به یار ما نرسد

۳ به حقّ صحبت دیرین که هیچ محرم راز   به یار یکجهت حقگزار ما نرسد

۴ هزار نقش بر آید ز کلک صنع و یکی   به دلپذیری نقش نگار ما نرسد

۵ هزار نقد به بازار کاینات آرند   یکی به سکّهٔ صاحبْ‌عیار ما نرسد

۶ دریغ قافلهٔ امن کآنچنان رفتند   که گَردشان به هوای دیار ما نرسد

۷ دلا ز طعن حسودان مرنج و واثق باش   که بد به خاطر امّیدوار ما نرسد

۸ چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را   غبار خاطری از رهگذار ما نرسد

۹ بسوخت حافظ و ترسم که شرح غصّهٔ او   به سمع پادشه کامگار ما نرسد

---

۸ نسخه : یج حی طو کد خ نز صف تغ

متن = خ صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸	۹
حی :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸
کد :	۱	۲	۳	۶	۴	۷	۵	۸	۹
نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹
تغ :	۱	۲	۳	۴	۷	۵	۶	۸	۹

۱/۱ **طو** : به حسن و خلق وفا. **خ** : به حسن و وخلق و وفا.

۲/۲ **طو نز** : کسی به لطف و ملاحت.

۳/۲ **خ** : حقگذار ما.

۴/۱ **یج حی** : ز کلک صنع ولی.

۴/۲ **کد** : به دلربائی نقش. **طو** : به دلپذیری نقش بکار ما.

۶/۱ **خ صف تغ** : دریغ قافلهٔ عمر. **طو** : آنچنان رفتند.

۷/۱ **یج** : دلا به طعن حسودان. **طو نز** : ز خبث حسودان. **خ** : دلا ز رنج حسودان مرنج و.

۹/۱ **خ** : شرح قصهٔ او.

شمار دگرسانیها : طو خ = ۵ - یج نز = ۲ - حی کد صف تغ = ۱ -

۱۳۷

۱ هر که را با خط سبزت سر سودا باشد   پای ازین دایره بیرون ننهد تا باشد

۲ من چو از خاک لحد لاله صفت برخیزم   داغ سودای توام سرّ سُویدا باشد

۳ تاکی ای گوهر یکدانه روا خواهی داشت   کز خیال تو مرا دیده چو دریا باشد

۴ ظلّ ممدود خم زلف توام بر سر باد   کاندرین سایه قرار دل شیدا باشد

۵ از بن هر مژه‌ام آب روان است بیا   اگرت میل لب جوی و تماشا باشد

۶ چون دل من دمی از پرده برون آی و درآی   که دگر باره ملاقات نه پیدا باشد

۷ چشمت از ناز به حافظ نکند میل آری   سرگرانی صفت نرگس رعنا باشد

---

۶ نسخه : **یج طو خ عد فط صف**

ترتیب ابیات برابر است با ۴ نسخهٔ فوق (سوای یج خ)

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج خ	:	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷

۱/۱ **یج** : هرکه را بر خط سبزت. **طو** : سرو سودا باشد.

۱/۲ **یج** : پای از دایره. **طو عد** : پا ازین دایره.

۳/۱ **یج خ فط** : تو خود ای گوهر یکدانه کجائی آخر.

۳/۲ **یج خ عد فط صف** : کز غمت دیدهٔ مردم همه دریا باشد.

۴/۲ **عد فط** : کاندران سایه.

۵/۱ **طو** : در بن هر مژه‌ام. **یج طو** : آب روانی‌ست. **طو** : مرا. **فط** : درآ.

۵/۲ **یج خ** : لب جو و.

۶/۱ **خ** : چون گل و می. **خ** : برون آی و درآ.

۶/۲ **طو** : که دگربار ملاقات تو پیدا باشد.

۷/۱ **یج** : چشمت از ناز. **طو** : چشمت ار باز. **طو** : به حافظ نکند میل چه شد.

شمار دگرسانیها : طو = ۸ - یج = ۷ - خ = ۵ - فط = ۴ - عد = ۳ - صف = ۱ -

۱ من و انکار شراب این چه حکایت باشد	غالبا اینقدرم عقل و کفایت باشد
۲ من که شبها ره تقوا زده‌ام با دف و چنگ	این زمان سر به ره آرم چه حکایت باشد
۳ زاهد ار راه به رندی نبرد معذور است	عشق کاری ست که موقوف هدایت باشد
۴ بندهٔ پیر مغانم که ز جهلم برهاند	پیر ما هر چه کند عین ولایت باشد
۵ تا به غایت ره میخانه نمی‌دانستم	ورنه مستوری ما تا به چه غایت باشد
۶ زاهد و عُجب و نماز و من و مستیّ و نیاز	تا تو را خود ز میان با که عنایت باشد
۷ دوش ازین غصّه نخفتم که حکیمی می‌گفت	حافظ ار مست بوَد جای شکایت باشد

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز فط**

ترتیب ابیات برابر است با **یج طو فط**

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خ	:	۱	۵	۴	۶	۲	۳	۷
مج نز	:	۱	۳	۴	۵	۲	۶	۷

۲/۲ **فط** : ناگهان سر به ره.

۳/۱ **خ** : زاهد از راه به رندی نبرد.

۴/۲ **خ** : پیر ما هرچه کند عین عنایت باشد.

۶/۱ **طو** : عجب نماز و.	۶/۲ **یج** : تا خدا را.

۷/۱ **خ** : که رفیقی می‌گفت.	۷/۲ **نز** : حافظ ار مست شود.

شمار دگرسانیها : خ = ۳ - یج طو نز فط = ۱ - مج = ۰ -

۱۳۹

۱ نقد صوفی نه همه صافی بی‌غش باشد — ای بسا خرقه که شایستهٔ آتش باشد

۲ صوفی ما که ز ورد سحری مست شدی — شامگاهش نگران باش که سرخوش باشد

۳ خوش بود گر محک تجربه آید به میان — تا سیه‌روی شود هر که دراو غش باشد

۴ ناز پرورد تنعّم نبرد راه به دوست — عاشقی شیوهٔ رندان بلاکش باشد

۵ غم دنیای دنی چند خوری باده بخواه — حیف باشد دل دانا که مشوّش باشد

۶ خط ساقی گر ازینگونه زند نقش بر آب — ای بسا رخ که به خونابه منقّش باشد

۷ دلق و سجّادهٔ حافظ ببرد باده‌فروش — گر شراب از کف آن ساقی مهوش باشد

---

۹ نسخه : **یج طو خ** مج نه نز قب فخ پد

ترتیب ابیات متن برابر است با : **طو مج نز فخ**

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج پد :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷
خ نه :	۱	۲	۳	۵	۶	۴	۷
قب :	۱	۲	۵	۴	۳	۶	۷

۱/۱ **یج نه** : صافی و بی‌غش.   ۱/۲ **خ پد** : مستوجب آتش.

۵/۱ **یج خ** : غم دنیی دنی. **طو** : غم دنیا دنی. **طو خ فخ** : باده بخور. **نز** : باده بنوش.

۶/۱ **طو مج** : گر ازینَدست.

۷/۱ **طو** : دلق و سجادهٔ حافظ نبرد باده‌فروش.

۷/۲ **یج** : کز شراب از کف آن. **طو** : که شراب از کف آن. **خ** : گر شرابش ز کف.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - خ = ۴ - یج = ۳ - مج نه نز فخ پد = ۱ - قب = ۰ -

۱ خوش است خلوت اگر یار یار من باشد | نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد
۲ من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم | که گاه گاه بر او دست اهرمن باشد
۳ روا مدار خدایا که در حریم وصال | رقیب محرم و حرمان نصیب من باشد
۴ هُمای گو مفکن سایهٔ شرف هرگز | دران دیار که طوطی کم از زغن باشد
۵ بیان شوق چه حاجت که حال آتش دل | توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد
۶ هوای کوی تو از سر نمی‌رود ما را | غریب را دل سرگشته با وطن باشد
۷ بسان سوسن اگر ده زبان شود حافظ | چو غنچه پیش تواش مُهر بر دهن باشد

۱۰ نسخه : **یج طو خ مج نز سز عد عز فط صد**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

۲/۲ **طو** : که‌گاه بر او دست. **مج** : در او دست.

۳/۱ **طو** : رو[ا] مدار خدایا.

۴/۲ **یج طو** : بران دیار. **فط صد** : بدان دیار.

۵/۱ **طو عز** : که شرح آتش دل. **خ** : که سوز آتش دل.

۵/۲ **نز** : توان شناخت به سوزی.

۶/۱ **یج خ عد** : نمی‌رود آری.

شمار دگرسانیها: طو = ۴ - یج خ = ۲ - مج نز عد عز فط صد = ۱ - سز = ۰ -

۱۴۱

۱ کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد　　یک نکته از ین دفتر گفتیم و همین باشد

۲ از لعل تو گر یابم انگشتریِ زنهار　　صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد

۳ غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل　　شاید که چو وا بینی خیر تو در ین باشد

۴ هر کو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز　　نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد

۵ جام می و خون دل هر یک به کسی دادند　　در دایرهٔ قسمت اوضاع چنین باشد

۶ در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود　　کین شاهد بازاری وان پرده‌نشین باشد

۷ آن نیست که حافظ را رندی بشد از خاطر　　کان سابقهٔ پیشین تا روز پسین باشد

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نه نز صد**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ ۷ نسخهٔ فوق

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۱ **یج طو** : کی شعر خوش انگیزد.

۱/۲ **طو خ صد** : ازین معنی. **طو** : که گفتیم و همین باشد.

۲/۱ **طو** : از لعل تو گریابم.

۴/۲ **طو** : نقشش نخرم گر خود.

۵/۱ **طو** : هریک به یکی دادند.

۶/۲ **مج نز** : کان شاهد بازاری وین پرده نشین باشد.

۷/۲ **خ** : کین سابقهٔ. **طو** : این سابقهٔ.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - خ = ۲ - یج مج نز صد = ۱ - نه = ۰ -

۱ در هر هوا که جز برق اندر طلب نباشد گر خرمنی بسوزد چندان عجب نباشد
۲ مرغی که با غم دل شد الفتیش حاصل بر شاخسار عمرش برگ طرب نباشد
۳ در کارخانهٔ عشق از کفر ناگزیر است آتش که را بسوزد گر بولهب نباشد
۴ درکیش جان‌فروشان فضل و شرف به رندی‌ست اینجا نسب نگنجد، آنجا حسب نباشد
۵ در محفلی که خورشید اندر شمار ذرّه است خود را بزرگ دیدن شرط ادب نباشد
۶ می خور که عمر سرمدگر در جهان توان یافت جز بادهٔ بهشتی هیچش سبب نباشد
۷ حافظ وصال جانان با چون تو تنگدستی روزی شود که با آن پیوند شب نباشد

---

۶ نسخه : **طو** **مج** **نز** **قب** **سد** **عد**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ این نسخه‌ها

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۱ **طو** : اندر هوا نباشد.

۴/۱ **طو** : فضل و ادب. **قب** : [ ] و شرف. **طو** : نه رندی‌ست. **قب** : نزیبد. **سد** : که دیده است.

۴/۲ **نز** : اینجا نسب نیابی. **عد** : آنجا نسب نگنجد. **عد** : و اینجا حسب نباشد.

شمار دگرسانیها : طو = ۳ - قب عد = ۲ - نز سد = ۱ - مج = ۰ -

۱ خوش آمد گل و زان خوشتر نباشد　　　که در دستت بجز ساغر نباشد
۲ زمان خوشدلی دَریاب و دُر یاب　　　که دایم در صدف گوهر نباشد
۳ غنیمت دان و می خور در گلستان　　　که گل تا هفتهٔ دیگر نباشد
۴ ایا پر لعل کرده جام زرّین　　　ببخشا بر کسی کش زر نباشد
۵ بیا ای شیخ و از خمخانهٔ ما　　　شرابی خور که در کوثر نباشد
۶ بشوی اوراق اگر همدرس مائی　　　که علم عشق در دفتر نباشد
۷ ز من بنیوش و دل در شاهدی بند　　　که حسنش بستهٔ زیور نباشد
۸ شرابی بی‌خمارم بخش یا رب　　　که با وی هیچ درد سر نباشد
۹ کسی گیرد خطا بر نظمِ حافظ　　　که هیچش لطف در گوهر نباشد

---

(۱۰) من از جان بندهٔ سلطان اویسم　　　اگرچه یادش از چاکر نباشد
(۱۱) به تاج عالم‌آرایش که خورشید　　　چنین زیبندهٔ افسر نباشد

۶ نسخه : یج حیِ کد خ نه صد

متن = حیِ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۰
										(۱۰)	(۱۱)
یج کد نه صد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱۱	۹	۱۰

۱/۱ کد : گل آمد خوش.

۵/۱ یج کد نه صد : بیا ای شیخ در. حیِ : بیا ای شیخ و در.

۸/۲ حیِ : که با وی هیچ در[د] سر نباشد.

شمار دگرسانیها : حیِ کد = ۲ - یج نه صد = ۱ - خ = ۰ -

۱ نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد — عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

۲ ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد — چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

۳ این تطاول که کشید از غم هجران بلبل — تا سراپردهٔ گل نعره‌زنان خواهد شد

۴ گر ز مسجد به خرابات شدم خرده مگیر — مجلس وعظ دراز است و زمان خواهد شد

۵ ای دل ار عشرت امروز به فردا فکنی — مایهٔ نقدِ بقا را که ضمان خواهد شد؟

۶ ماه شعبان منه از دست قدح کین خورشید — از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد

۷ گل عزیز است غنیمت شمریدش صحبت — که به باغ آمد ازین راه و ازان خواهد شد

۸ مطربا مجلس انس است غزل خوان و سرود — چندگوئی که چنین رفت و چنان خواهد شد

۹ حافظ از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود — قدمی نه به وداعش که روان خواهد شد

---

۶ نسخه : **یج طو خ عد فط صف**

ترتیب ابیات =

خ عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۰

۳/۱ **طو** : آن تظلم.

۵/۱ **طو** : ای دل از عشرت امروز.

۶/۱ **یج** : مده از دست قدح. **طو عد صف** : قدح از دست منه.

۷/۱ **یج** : گل عزیز است و. ۷/۲ **فط** : ازین راه وزان.

۸/۱ **طو فط** : حافظا.

شمار دگرسانیها : طو = ۴ - یج فط = ۲ - عد صف = ۱ - خ = ۰ -

۱۴۵

۱ مرا مهر سیه چشمان ز سر بیرون نخواهد شد — قضای آسمان است این و دیگرگون نخواهد شد

۲ رقیب آزارها فرمود و جای آشتی نگذاشت — مگر آه سحر خیزان سوی گردون نخواهد شد

۳ مرا روز ازل کاری بجز رندی نفرمودند — هرآن قسمت که آنجا رفت ازان افزون نخواهد شد

۴ خدا را محتسب ما را به فریاد دف و نی بخش — که ساز شرع ازین افسانه بی قانون نخواهد شد

۵ شراب لعل و جای امن و یار مهربان ساقی — دلا کی به شود کارت اگر اکنون نخواهد شد

۶ مجال من همین باشد که پنهان مهر او ورزم — کنار و بوس و آغوشش چه گویم چون نخواهد شد

۷ مشوی ای دیده نقش غم ز لوح سینهٔ حافظ — که زخم تیغ دلدار است و رنگ خون نخواهد شد

---

۶ نسخه : **یج طو خ عد فط صف**

ترتیب ابیات =							
یج عد صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو فط :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷
خ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۳/۲ **یج** : که اینجا رفت.   **طو** : که رفت آنجا دگر افزون نخواهد شد.

۴/۱ **طو** : نصیحت کم کن و ما را.   ۴/۲ **طو** : که کار ما ازین توحید با قانون نخواهد شد.

۶/۱ **خ** : عشق او ورزم.   ۶/۲ **طو صف** : حدیث بوس و آغوشش.

۷/۱ **یج** : بشوی ای دیده.   **عد** : مشوای دیده.   **طو** : ز لوح چهرهٔ.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - یج = ۲ - خ عد صف = ۱ - فط = ۰ -

۱۴۶

۱ روز هجران و شب فرقت یار آخر شد — زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد

۲ آنهمه ناز و تنعّم که خزان می‌فرمود — عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

۳ شکر ایزد که به اقبال کله گوشهٔ گل — نخوت باد دی و شوکت خار آخر شد

۴ صبح امّید که شد معتکف پردهٔ غیب — گو برون آی که کار شب تار آخر شد

۵ آن پریشانی شبهای دراز و غم دل — همه در سایهٔ گیسوی نگار آخر شد

۶ باورم نیست ز بد عهدی ایّام هنوز — قصّهٔ غصّه که در دولت یار آخر شد

۷ ساقیا لطف نمودی قدحت پُر می باد — که به تدبیر تو تشویش خمار آخر شد

۸ در شمار ارچه نیاورد کسی حافظ را — شکر کان محنت بیرون ز شمار آخر شد

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج نه نز فخ صد**

ترتیب ابیات = **یج خ صد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۴	۳	۰	۵	۶	۷
مج :	۱	۳	۴	۲	۷	۶	۵	۸
نه :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷
نز :	۱	۲	۵	۴	۳	۷	۶	۸
فخ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸

۱/۲ **فخ** : زده‌ام فال گذشت اختر و.

۲/۲ **طو** : همه در مقدم سلطان بهار.

۴/۱ **خ فخ صد** : که بد معتکف.

۵/۱ **یج** : تا پریشانی. **یج نه** : شبهای دراز از غم دل.

۶/۱ **یج** : ایام و هنوز. **مج نز** : بعد ازین بر در میخانه زنم با دف و چنگ.

۶/۲ **طو** : که از دولت یار.

۷/۱ **طو** : ساقیا عمر دراز و.

۷/۲ **طو** : که به سعی توام. **نز** : که به تیمار تو. **طو نز** : اندوه خمار آخر شد.

۸/۲ **یج نه** : شکرکان غصه بیحد و شمار. **خ** : شکرکان محنت بیحد و شمار.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - یج = ۴ - نز = ۳ - خ نه فخ = ۲ - مج صد = ۱ -

۱ ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد   دل رمیدهٔ ما را رفیق و مونس شد
۲ نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت   به غمزه مسأله آموز صد مدرّس شد
۳ به بوی او دل بیمار عاشقان چو صبا   فدای عارض نسرین و چشم نرگس شد
۴ به صدر مصطبه‌ام می‌نشاند اکنون دوست   گدای شهر نگه کن که میر مجلس شد
۵ خیال آب خضر بست و جام کیخسرو   به جرعه نوشی سلطان ابو الفوارس شد
۶ طرب سرای محبّت کنون شود معمور   که طاق ابروی یار منش مهندس شد
۷ لب از ترشّح می پاک کن ز بهر خدا   که خاطرم به هزاران گنه مؤسوِس شد
۸ کرشمهٔ تو شرابی به عارفان پیمود   که علم بیخبر افتاد و عقل بیحس شد
۹ ز راه میکده یاران عنان بگردانید   چرا که حافظ ازین راه رفت و مفلس شد
۱۰ چو زر عزیز وجود است شعر من آری   قبول دولتیان کیمیای این مس شد

۷ نسخه : یج طو کد خ مج نه عد

ترتیب ابیات =

کد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶و۷	۸	۹	۱۰
طو :	۱	۲	۷	۶	۸	۳	۵	۴	۹	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱۰	۹
مج :	۱	۲	۷	۶	۹	۳	۵	۴	۸	۱۰
نه :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
عد :	۱	۲	۳	۴	۹	۵	۸	۶	۱۰	۷

۳/۱ **کد** : دل شیدای.   ۴/۱ **طو مج** : می‌نشاند اکنون یار.
۵/۱ **خ** : جام اسکندر.
۶/۲ **یج** : یار منش مؤسس شد.   ۷/۱ **خ** : پاک کن برای خدا.
۷/۲ **یج** (در هر دو سطر) : به هزاران گنه مُؤسس شد. **خ** : مسوسوس شد.
۸/۱ **خ عد** : به عاشقان. **یج نه** : بنمود.
۱۰/۱ **یج کد خ** : نظم من آری.
شمار دگرسانیها : خ = ۵ - یج = ۴ - کد = ۲ - طو مج نه عد = ۱ -

۱ یاری اندر کس نمی‌بینیم یاران را چه شد دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد
۲ آب حیوان تیره گون شد خضر فرّخ پی کجاست گل بگشت از رنگ خود باد بهاران را چه شد
۳ کس نمی‌گوید که یاری داشت حقّ دوستی حق شناسان را چه حال افتاد یاران را چه شد
۴ شهرِ یاران بود و خاک مهربانان این دیار مهربانی کی سر آمد شهریاران را چه شد
۵ لعلی از کان مروّت بر نیامد سالهاست تابش خورشید و سعی باد و باران را چه شد
۶ گوی توفیق و کرامت در میان افکنده‌اند کس به میدان در نمی‌آید سواران را چه شد
۷ صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست عندلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد
۸ زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت کس ندارد ذوق مستی مِیگساران را چه شد
۹ حافظ اسرار الاهی کس نمی‌داند خموش از که می‌پرسی که دوْر روزگاران را چه شد

---

۷ نسخه : یج خ مج نه قب فط صف

ترتیب ابیات =									
یج مج قب صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
خ نه :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸	۹
فط :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷	۸

۲/۲ یج خ نه : خون چکید از شاخ گل.

۳/۲ یج فط : چه حال افتاد و.

۶/۱ مج : توفیق و مروّت.

شمار دگرسانیها : یج = ۲ - خ مج نه فط = ۱ - قب صف = ۰

۱ حافظ خلوت‌نشین دوش به میخانه شد — از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد
۲ شاهد عهد شباب آمده بودش به خواب — باز به پیرانه سر عاشق و دیوانه شد
۳ صوفی مجنون که دی جام و قدح می‌شکست — دوش به یک جرعه می عاقل و فرزانه شد
۴ مغبچه‌ای می‌گذشت راهزن دین و دل — در پی آن آشنا از همه بیگانه شد
۵ آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت — چهرهٔ خندان شمع آفت پروانه شد
۶ گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت — قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد
۷ نرگس ساقی بخواند آیت افسونگری — حلقهٔ اوراد ما مجلس افسانه شد
۸ منزل حافظ کنون بزمگه پادشاست — دل برِ دلدار رفت جان برِ جانانه شد

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز عد فط**

متن = **فط** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج طو :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷
خ :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸
مج نز :	۱	۲	۷	۳	۵	۴	۶	۸
عد :	۱	۲	۰	۴	۳	۵	۶	۷

۱/۱ **مج نز** : حافظ مسجدنشین. **خ** : زاهد خلوت‌نشین. **عد** : باز به میخانه شد.
۲/۱ **طو** : شاهد و شمع و شراب.
۳/۱ **خ** : صوفی مجلس. ۳/۲ **خ فط** : باز به یک جرعه.
۶/۱ **طو** : ضایع نشد.
۸/۱ **یج خ** : بارگه پادشاست. **فط** : بارگه کبریاست.
۸/۲ **یج طو** : دل سوی دلدار رفت. **طو** : جان سوی جانانه شد.
شمار دگرسانیها : طو خ = ۴ - یج فط = ۲ - مج نز عد = ۱ -

۱۵۰

۱ گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد — بسوختیم درین آرزوی خام و نشد
۲ فغان که در طلب گنجنامهٔ مقصود — شدم خراب جهانی ز غم تمام و نشد
۳ دریغ و درد که در جستجوی گنج حضور — بسی شدم به گدائی بر کرام و نشد
۴ به لابه گفت شبی میر مجلس تو شوم — شدم به رغبت خویشش کمین غلام و نشد
۵ پیام داد که خواهم نشست با رندان — بشد به رندی و دُردی کشیم نام و نشد
۶ بدان هوس که به مستی ببوسم آن لب لعل — چه خون که در دلم افتاد همچو جام و نشد
۷ به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم — که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد
۸ هزار حیله بر انگیخت حافظ از سر فکر — دران هوس که شود آن نگار رام و نشد

---

(۹) رواست در بر اگر می‌تپد کبوتر دل — که دید در ره خود پیچ و تاب دام و نشد

۶ نسخه : **یج طو خ نه سو تغ**

									(۹)
متن = **یج سو تغ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
طو :	۱	۰	۲	۳/۱ │ ۰	۰ │ ۳/۲	۴	۵	۶	۰
خ :	۱	۷	۸	۲	۳	۵	۶	۹	۴
نه :	۱	۶	۷	۲	۳	۴	۵	۸	۰

۲/۲ **یج** : شدم خراب (...) و نشد.
۳/۱ **طو** : در جستجوی نقد حضور.
۵/۱ **یج** : به آن خیال که خواهم.
۶/۱ **یج طو** : دران هوس. **سو** : بدان طمع.
۸/۲ **طو** : بدان طرف که شود. **سو** : بدان هوس.
(۹/۲) **خ** : تاب و پیچ دام و نشد.
شمار دگرسانیها : یج طو = ۳ - سو = ۲ - خ = ۱ - نه تغ = ۰ -

۱۵۱

۱ دوش از جناب آصف پیک بشارت آمد — کز حضرت سلیمان عشرت اشارت آمد
۲ خاک وجود ما را از آب باده گِل کن — ویران سرای دل را گاهِ عمارت آمد
۳ عیبم بپوش زنهار ای خرقهٔ می آلود — کان پاکدامن اینجا بهر زیارت آمد
۴ این شرح بی‌نهایت کز حسن یار گفتند — حرفی‌ست از هزاران کاندر عبارت آمد
۵ امروز جای هر کس پیدا شود ز خوبان — کان ماه مجلس افروز اندر صدارت آمد
۶ بر تخت جم که تاجش معراج آفتاب است — همّت نگر که موری با این حقارت آمد
۷ از چشم شوخش ای دل ایمان خود نگه‌دار — کان جادوی کمانکش بر عزم غارت آمد
۸ آلوده‌ای تو حافظ فیضی ز شاه در خواه — کان عنصر سماحت بحر طهارت آمد
۹ دریاست مجلس او دَریاب وقت و دُر یاب — هان ای زیان کشیده وقت تجارت آمد

۶ نسخه : **یج طو خ مج عد فط**

متن = **طو** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۰	۳	۶	۴	۵	۷	۰
خ :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸/۱ | ۹/۲	۹/۱ | ۸/۲
مج :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸	۹
عد :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۹	۸
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰

۱/۲ **یج** : عشرت حوالت آمد.
۲/۱ **طو** : کلی وجود ما را. **طو خ** : از آب دیده.
۳/۲ **طو** : کان پاکدامن آنجا. **خ** : کان پاک پاکدامن. **عد** : کان یار پاکدامن.
۴/۱ **طو** : کز عشق یار. **خ** : کز زلف یار. ۴/۲ **فط** : کاندر عبا[ر]ت آمد.
۶/۱ **یج** : که جامش. **طو** : که نامش. **خ** : معراج آسمان است.
۶/۲ **طو خ** : با آن حقارت آمد.
۷/۲ **طو** : کان جادو کمانکش. **مج عد** : از بهر غارت آمد.
۸/۱ **یج** : آلوده‌ای چو حافظ. ۸/۲ **طو خ فط** : بهر طهارت آمد.
۹/۱ **طو عد** : دریاب وقت دریاب. ۹/۲ **خ** : ای زبان رسیده. **مج** : گاه تجارت آمد.
شمار دگرسانیها : طو = ۹ - خ = ۷ - یج عد = ۳ - مج فط = ۲ -

۱ در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد حالتی رفت که محراب به فریاد آمد
۲ از من اکنون طمع صبر و دل و هوش مدار کان تحمّل که تو دیدی همه بر باد آمد
۳ باده صافی شد و مرغان چمن مست شدند موسم عاشقی و کار به بنیاد آمد
۴ بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد
۵ ای عروس هنر از بخت شکایت منما حجلهٔ حسن بیارای که داماد آمد
۶ دلفریبان نباتی همه زیور بستند دلبر ماست که با حسن خداداد آمد
۷ زیر بارند درختان که تعلّق دارند ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد
۸ مطرب از گفتهٔ حافظ غزلی مست بخوان تا بگریم که ز عهد طربم یاد آمد

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج نز عد عز حن**
ترتیب ابیات برابر است با ۷ نسخهٔ فوق (سوای طو)

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو	:	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷

۲/۱ **خ** : طمع صبر و دل [و] هوش مدار.
۳/۱ **طو** : مرغان چمن گرد شدند.
۴/۲ **یج** : فرح آورد گل و.
۵/۱ **طو** : ای عروس چمن. **یج مج** : شکایت منمای. ۵/۲ **طو** : خلوت حسن.
۷/۱ **طو** : زیر بارند درختان که به زیر بارند.
۸/۱ **طو** : غزلی هست بخوان. **خ** : نغز بخوان.
۸/۲ **طو** : تا بگویم. **عد** : جام می خواه که عهد طربم یاد آمد.
شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج خ = ۲ - مج عد = ۱ - نز عز حن = ۰ -

۱۵۳

۱ مژده ای دل که دگر باد صبا باز آمد هدهد خوش خبر از طرف سبا باز آمد

۲ برکش ای مرغ سحر نغمهٔ داوودی باز که سلیمان گل از باد هوا باز آمد

۳ لاله بوی می نوشین بشنید از دم صبح داغدل بود به امّید دوا باز آمد

۴ عارفی کو که کند فهم زبان سوسن تا بپرسد که چرا رفت و چرا باز آمد

۵ مردمی کرد و کرم بخت خدا دادهٔ من کان بُت سنگدل از راه وفا باز آمد

۶ چشم من در پی این قافله بس آب کشید تا به گوش دلم آواز درا باز آمد

۷ گرچه حافظ در رنجش زد و پیمان بشکست لطف او بین که به‌صلح از در ما باز آمد

۶ نسخه : **طو خ مج نز عز صف**

ترتیب ابیات							
مج نز صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶
خ :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷
عز :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶

۲/۲ **طو مج** : از طرف هوا.

۳/۱ **طو** : لاله بوی دم برسش. **خ صف** : بشنید از بلبل.

۳/۲ **طو** : به امید وفا باز آمد.

۴/۲ **طو** : یا ببرسد. **عز** : که بپرسد.

۵/۱ **خ** : لطف خداداد به من. **عز صف** : بخت خداداده به من.

۵/۲ **خ** : کان بت ماهرخ. **مج نز عز** : از بهر خدا باز آمد.

۶/۱ **طو** : در پی آن قافله. **خ** : در ره این قافلهٔ راه بماند.
صف : در پی این قافله در راه بماند. ۶/۲ **طو** : که به‌گوش دلم.

۷/۱ **طو مج** : گرچه ما عهد شکستیم وگنه حافظ کرد (**طو** = شکستیم گنه).

۷/۲ **خ** : لطف او بین که به لطف از در ما باز آمد.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - خ = ۵ - مج عز صف = ۳ - نز = ۱ -

۱۵۴

۱ صبا به تهنیت پیر می فروش آمد — که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد

۲ هوا مسیح نفس گشت و خاک نافه گشای — درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد

۳ تنور لاله چنان برفروخت باد بهار — که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد

۴ به گوش هوش نیوش از من و به عشرت کوش — که این سخن سحر از هاتفم به گوش آمد

۵ ز مرغ صبح ندانم که سوسن آزاد — چه گوش کرد که با دَه زبان خموش آمد

۶ ز فکر تفرقه باز آی تا شوی مجموع — به حکم آنکه چو شد اهرمن، سروش آمد

۷ چه جای صحبت نامحرم است مجلس انس — سر پیاله بپوشان که خرقه پوش آمد

۸ ز خانقاه به میخانه می‌رود حافظ — مگر ز مستی زهد ریا به هوش آمد

---

۶ نسخه : **یج طو خ فط صف صد**

ترتیب ابیات = **یج صد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۴	۳	۰	۶	۵	۷
خ صف :	۱	۲	۳	۴	۶	۴	۷	۸
فط :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷

۱/۱ **یج** : صبا نه تهنیت. ۱/۲ **طو** : که موسم می و معشوق و. **طو** : نای و نوش آمد.

۲/۱ **طو** : هوا عبیرفشان است و خاک عنبربوست. **خ فط صف صد** : باد نافه گشای.

۳/۱ **طو** : بنور باده.

۴/۱ **طو** : به گوش و هوش. **یج** : به گوش هوش بنوش از من و. **طو** : شنو از من و.

۶/۱ **طو** : بگویمت سخنی خوش بیا و باده بیار. ۶/۲ **طو** : که اهرمن شد و بر جای او سروش آمد.

۷/۱ **طو** : مه جای صحبت.

۸/۲ **طو** : مگر ز مستی کبر و منی. **خ** : زهد و ریا.

شمار دگرسانیها : طو = ۱۰ - یج خ = ۲ - فط صف صد = ۱ -

۱۵۵

۱ سحرم دولت بیدار به بالین آمد — گفت برخیز که آن خسرو شیرین آمد

۲ قدحی درکش و سرخوش به تماشا بخرام — تا ببینی که نگارت به چه آئین آمد

۳ مژدگانی بده ای خلوتی نافه گشای — که ز صحرای ختن آهوی مشکین آمد

۴ گریه آبی به رخ سوختگان باز آورد — ناله فریادرس عاشق مسکین آمد

۵ مرغ دل باز هوادار کمان ابروئی ست — ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

۶ ساقیا می بده و غم مخور از دشمن و دوست — که به کام دل ما آن بشد و این آمد

۷ رسم بد عهدی ایّام چو دید ابر بهار — گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرین آمد

۸ چون صبا گفتهٔ حافظ بشنید از بلبل — عنبرافشان به تماشای ریاحین آمد

۱۴ نسخه : یج طو خ نه نز قب سو سز فخ فط صة صد حص حک

ترتیب ابیات متن برابر است با ۱۲ نسخهٔ فوق (سوای طو فط).

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو	:	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷
فط	:	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸

۱/۱ **طو** : به بالین من آمد.

۲/۱ **خ** : قدحی سرکش و سرخوش.

۵/۱ **یج** : مرغ دل باز هوای خواه.

۷/۱ **خ** : عارفی کو که کند فهم زبان سوسن (مربوط است به بیت ۴ غزل ۱۵۳).

۸/۱ **طو** : چو صبا.

شمار دگرسانیها : طو خ = ۲ - یج = ۱ - یازده نسخهٔ دیگر برابر است با متن.

۱۵۶

۱ نه هر که چهره برافروخت دلبری داند   نه هر که آینه سازد سکندری داند

۲ نه هر کسی که کله کج نهاد و تند نشست   کلاهداری و آئین سروری داند

۳ تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن   که دوست خود روش بنده پروری داند

۴ وفا و عهد نکو باشد ار بیاموزی   وگرنه هر که تو بینی ستمگری داند

۵ مدارِ نقطهٔ بینش ز خال توست مرا   که قدر گوهر یکدانه جوهری داند

۶ بباختم دل دیوانه و ندانستم   که آدمی بچه‌ای شیوهٔ پری داند

۷ به قدّ و چهره هر آنکس که شاه خوبان شد   جهان بگیرد اگر دادگستری داند

۸ غلام همّت آن رند عافیت سوزم   که در گدا صفتی کیمیاگری داند

۹ هزار نکتهٔ باریکتر ز موی اینجاست   نه هر که سر بتراشد قلندری داند

۱۰ ز شعر دلکش حافظ کسی شود آگاه   که لطف نکته و سرّ سخنوری داند

---

(۱۱) به قدر مردم چشم من است غوطهٔ خون   درین محیط نه هر کس شناوری داند

۶ نسخه : یج طو خ   مج ند نز

											(۱۱)
ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۰	۶	۷	۸	۰
طو :	۱	۳	۷	۲	۶	۰	۰	۴	۵	۸	۰
خ :	۱	۲	۳	۵	۸	۶	۹	۴	۷	۱۰	۰
مج :	۱	۲	۹	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱۱	۱۰
ند نز :	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۸	۹	۱۰	۱۱	۷

۱/۲ **طو** : نه هرکه آینه سازد سکندری دارد.   ۲/۱ **خ** : نه هرکه طرف کله.

۴/۱ **یج** : وفاء و عهد.   ۸/۲ **یج** : که با گدا صفتی.

۹/۱ **خ نز** : ز مو اینجاست.

۱۰/۱ **طو مج ند نز** : ز نظم دلکش حافظ. **طو** : کسی شود آگه. **خ** : کسی بود آگاه.

۱۰/۲ **یج** : که لطف نظم و سخن گفتن دری داند. **خ** : که لطف طبع و سخن گفتن دری داند.

(۱۱/۱) **مج** : غرقهٔ خون.

شمار دگرسانیها : خ = ۴ - یج طو = ۳ - مج نز = ۲ - ند = ۱ -

۱۵۷

۱ رسید مژده که ایّام غم نخواهد ماند — چنان نماند، چنین نیز هم نخواهد ماند

۲ من ارچه در نظر یار خاکسار شدم — رقیب نیز چنین محترم نخواهد ماند

۳ چو پرده‌دار به شمشیر می‌زند همه را — کسی مقیم حریمِ حرم نخواهد ماند

۴ چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است — چو بر صحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند

۵ سرود مجلس جمشید گفته‌اند این بود: — بیار جام که دوران جم نخواهد ماند

۶ غنیمتی شمر ای شمع وصل پروانه — که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند

۷ توانگرا دل درویش خود به دست آور — که مخزن زر و گنج درم نخواهد ماند

۸ برین رواق زبرجد نوشته‌اند به زر — که جز نکوئی اهل کرم نخواهد ماند

۹ سحر کرشمهٔ وصلش بشارتی خوش داد — که کس همیشه گرفتار غم نخواهد ماند

۱۰ ز مهربانی جانان طمع مبُر حافظ — که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند

---

۶ نسخه : **یج طو خ مج قب صف**

ترتیب ابیات =

قب :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۶	۵	۷	۰	۸
طو :	۱	۲	۴	۶	۵	۳	۸	۷	۰	۹
خ صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۹
مج :	۱	۳	۴	۷	۹	۲	۵	۸	۶	۱۰

۱/۲ **یج قب** : چنان نماند و.

۴/۲ **یج طو** : که بر صحیفهٔ هستی.

۵/۲ **طو** : که جام نوش که دوران جم. **خ قب صف** : که جام باده بیاور که جم.

۷/۲ **یج طو خ** : گنج و درم.

۸/۱ **یج خ قب** : بدین رواق.

۹/۱ **مج** : سحر کرشمهٔ وصلم. ۹/۲ **قب** : که کس همیشه به گیتی دژم نخواهد ماند.

شمار دگرسانیها : یج قب = ۴ - طو خ = ۳ - مج صف = ۱ -

۱۵۸

۱ هر که شد محرم دل در حرم یار بماند — وانکه این کار ندانست در انکار بماند

۲ اگر از پرده برون شد دل من عیب مکن — شکر ایزد که نه در پردهٔ پندار بماند

۳ صوفیان واستدند از گرو می همه رَخت — دلق ما بود که در خانهٔ خمّار بماند

۴ داشتم دلقی و صد عیب نهان می‌پوشید — خرقه رهن می و مطرب شد و زنّار بماند

۵ خرقه پوشان دگر مست گذشتند و گذشت — قصّهٔ ماست که در هر سر بازار بماند

۶ جز دل من کز ازل تا به ابد عاشق رفت — جاودان کس نشنیدیم که در کار بماند

۷ از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر — یادگاری که درین گنبد دوّار بماند

۸ هر می لعل کزان دست بلورین ستدیم — آب حسرت شد و در چشم گهربار بماند

۹ در جمال تو چنان صورت چین حیران شد — که حدیثش همه جا بر در و دیوار بماند

۱۰ گشت بیمار که چون چشم تو گردد نرگس — شیوهٔ او نشدش حاصل و بیمار بماند

۱۱ به تماشاگه زلفش دل حافظ روزی — شد که باز آید و جاوید گرفتار بماند

۶ نسخه : **یج طو خ مج عد فط**

ترتیب ابیات =

مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
یج :	۱	۲	۳	۰	۴	۶	۷	۵	۰	۸	۹
طو فط :	۱	۲	۳	۰	۴	۰	۰	۵	۰	۶	۷
خ :	۱	۲	۳	۹	۴	۶	۸	۵	۱۰	۷	۱۱
عد :	۱	۲	۴	۰	۳	۰	۰	۵	۷	۶	۸

۲/۱ **یج** : برون شد دل ما. **طو** : خرده مگیر. ۲/۲ **یج** : که نه در پردهٔ انکار بماند. **طو** : که نه در پردهٔ عشاق بماند

۳/۲ **طو** : رخت ما بود. ۴/۱ **خ** : صد عیب مرا.

۵/۱ **خ** : محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد ببرد. **مج** : با حریفان دگر هیچ نگفتند و شدند.

۵/۲ **طو فط** : بر هر سر بازار بماند.

۶/۱ **مج** : جز دلم کو ز ازل تا به ابد حیران رفت. ۶/۲ **مج** : جاودان کس نشنیدیم که افکار بماند.

۸/۱ **یج** : دست بلوری ستدیم. **طو فط** : دست بلورین ستدم.

۹/۱ **خ** : بر جمال تو. ۹/۲ **مج** : کش حکایت. **خ** : در در و دیوار بماند.

۱۰/۱ **طو** : چون چشم تو باشد. ۱۰/۲ **خ** : شیوهٔ تو نشدش.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - خ = ۵ - مج = ۴ - یج = ۳ - فط = ۲ - عد = ۰ (نسخهٔ عد ۳ بیت کم دارد).

۱ حسب حالی ننوشتیّ و شد ایّامی چند — محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند
۲ ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید — هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند
۳ چون می از خم به سبو رفت و گل افکند نقاب — فرصت عیش نگه دار و بزن جامی چند
۴ قند آمیخته با گل نه علاج دل ماست — بوسه‌ای چند بر آمیز به دشنامی چند
۵ زاهد از کوچهٔ رندان به سلامت بگذر — تا خرابت نکند صحبت بدنامی چند
۶ عیب می جمله چو گفتی هنرش نیز بگوی — نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند
۷ ای گدایان خرابات خدا یار شماست — چشم اِنعام مدارید ز اَنعامی چند
۸ پیر میخانه چه خوش گفت به دُردی‌کش خویش — که مگو حال دل سوخته با خامی چند
۹ حافظ از شوق رخ مهر فروز تو بسوخت — کامگارا نظری کن سوی ناکامی چند

---

۶ نسخه : **یج طو خ عد فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با : **یج خ عد صف**

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو	:	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷	۸
فط	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸

۲/۱ **یج فط** : ما به آن. **یج طو** : مقصد اعلی.

۳/۱ **فط** : می جو از خم.

۴/۱ **طو** : نه دوای دل ماست. ۴/۲ **طو** : بوسه‌ای چند بیامیز.

۶/۱ **یج خ** : هنرش نیز بگو.

۷/۲ **خ** : از انعامی چند.

۸/۱ **یج** : به دردکش خویش. **طو** : به آن دردی نوش.

۹/۱ **خ عد فط** : رخ مهر فروغ تو بسوخت.

شمار دگرسانیها : یج طو = ۴ - خ فط = ۳ - عد = ۱ - صف = ۰

۱ دوش وقت سحر از غصّه نجاتم دادند   واندران ظلمت شب آب حیاتم دادند

۲ بیخود از شعشعهٔ پر تو ذاتم کردند   باده از جام تجلّیِ صفاتم دادند

۳ چه مبارک سحری بود و چه فرخنده دمی   آن شب قدر که این تازه براتم دادند

۴ بعد ازین روی من و آینهٔ وصف جمال   که در آنجا خبر از جلوهٔ ذاتم دادند

۵ من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب   مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند

۶ هاتف آن روز به من مژدهٔ این دولت داد   که بران جور و جفا صبر و ثباتم دادند

۷ اینهمه شهد و شکر کز سخنم می‌ریزد   اجر صبری‌ست کزان شاخ نباتم دادند

۸ همّت حافظ و انفاس سحر خیزان بود   که ز بند غم ایّام نجاتم دادند

---

(۹) من همان روز بدیدم که ظفر خواهم یافت   که بر افسوس عدو صبر و ثباتم دادند

۷ نسخه : یج طو خ   فخ صف حک تم

ترتیب ابیات									(۹)
= خ صف حک :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۰
طو :	۱	۲	۳	۵	۶	۰	۰	۷	۴
فخ :	۱	۲	۳	۰	۵	۴	۶	۷	۰
تم :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۸	۰

۲/۲ **خ** : باده از جام ار تجلی صفاتم دادند.

۳/۱ **خ حک** : چه فرخنده شبی.

۴/۱ **یج** : بعد ازین روی من آید صفت وصف جمال.   **تم** : آینهٔ حسن رخش.

۵/۱ **طو** : منعم چه عجب.

۶/۲ **خ** : که بدان جور و جفا.   **فخ** : که برین جور و جفا.   **تم** : که به آن جور و جفا.

شمار دگرسانیها : خ = ۳ - تم = ۲ - یج طو فخ حک = ۱ - صف = ۰

۱۶۱

۱ دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند　　گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند

۲ ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت　　با من راه‌نشین بادهٔ مستانه زدند

۳ آسمان بار امانت نتوانست کشید　　قرعهٔ کار به نام من دیوانه زدند

۴ جنگ هفتاد و دو ملّت همه را عذر بنه　　چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

۵ شکر آن را که میان من و او صلح افتاد　　حوریان رقص‌کنان ساغر شکرانه زدند

۶ آتش آن نیست که بر شعلهٔ او خندد شمع　　آتش آن است که در خرمن پروانه زدند

۷ کس چو **حافظ** نکشید از رخ اندیشه نقاب　　تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

---

(۸) ما به صد خرمن پندار زره چون نرویم　　چون ره آدم بیدار به یک دانه زدند

(۹) نقطهٔ عشق دل گوشه‌نشینان خون کرد　　همچو آن خال که بر عارض جانانه زدند

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز عد فط**

								(۸)	(۹)
متن = **یج خ عد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	٥	٥
طو :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	٥	٥
مج :	۱	۲	۳	۷	۴	۸	۹	۵	۶
نز :	۱	۲	۳	۵	۴	۸	۹	۶	۷
فط :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	٥	٥

۲/۱ **مج عد** : حرم ستر عفاف.

۳/۲ **طو نز** : چون بدیدند. **طو مج** : در افسانه زدند.

۵/۱ **طو خ نز عد فط** : شکر ایزد. **فط** : صلح فتاد.

۵/۲ **خ** : صوفیان. **یج** : ساغر میخانه. **طو** : ساغر و بیمانه.

۶/۱ **خ** : (از = به خط الحاقی) شعلهٔ او.　　۶/۲ **یج** : که بر خرمن.

۷/۱ **خ** : کس چو حافظ نگشاد.

۷/۲ **طو مج نز عد** : تا سر زلف عروسان سخن شانه زدند

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - خ = ۴ - مج نز عد = ۳ - یج فط = ۲ -

۱۶۲

۱ نقدها را بود آیا که عیاری گیرند؟ — تا همه صومعه‌داران پی کاری گیرند

۲ مصلحت دید من آن است که یاران همه کار — بگذارند و خَمِ طرّهٔ یاری گیرند

۳ خوش گرفتند حریفان سر زلف ساقی — گر فلکشان بگذارد که قراری گیرند

۴ قوّت بازوی پرهیز به خوبان مفروش — که درین خیل حصاری به سواری گیرند

۵ یارب این بچّهٔ ترکان چه دلیرند به خون — که به تیر مژه هر لحظه شکاری گیرند

۶ رقص بر شعر تر و نالهٔ نی خوش باشد — خاصه رقصی که دران دست نگاری گیرند

۷ حافظ ابنای زمان را غم مسکینان نیست — زین میان گر بتوان بِه که کناری گیرند

---

۹ نسخه (۱۰ ضبط) : **یج طو خ۱ خ۲ قب سز عد فخ فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۲/۲ **یج** : بگذارند و خم و طرّهٔ یاری.

۶/۱ **یج طو** : شعر خوش و. ۶/۲ **یج** : خاصه وقتی.

شمار دگرسانیها : یج = ۳ - طو = ۱ - خ۱ خ۲ قب سز عد فخ فط صف = ۰ -

۱ گر می‌فروش حاجت رندان روا کند   ایزد گنه ببخشد و دفع بلا کند
۲ ساقی به جام عدل بده باده تا گدا   غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند
۳ ما را که درد عشق و بلای خمار هست   یا وصل دوست، یا می صافی دوا کند
۴ حقّا کزین غمان برسد مژدهٔ امان   گر سالکی به عهد امانت وفا کند
۵ گر رنج پیشت آید و گر راحت ای حکیم   نسبت مکن به غیر، که اینها خدا کند
۶ در کارخانه‌ای که ره عقل و فضل نیست   وهم ضعیف رای فضولی چرا کند
۷ مطرب بساز عود که کس بی‌اجل نمرد   وانکو نه این ترانه سراید خطا کند
۸ جان رفت در سر می و حافظ به عشق سوخت   عیسی دمی کجاست که احیای ما کند

---

۷ نسخه : **یج طو که خ مج عز فط**

متن = که مج عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج فط :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۰	۰	۲	۳	۴	۵	۶
خ :	۱	۲	۷	۳	۴	۵	۶	۸

۱/۲ **یج طو مج** : دفع وبا کند.
۲/۱ **که** : بده باده تا حریف.
۳/۱ **خ صف** : بلای خمار کشت.
۴/۱ **یج مج عز فط** : حقا که در زمان. **عز** : مژدهٔ مراد.
۵/۱ **طو** : بپشت آید اگر. **خ** : پیش آید وگر.
۶/۱ **فط** : ره علم و عقل. **مج** : فضل و عقل.   ۶/۲ **طو خ** : فهم ضعیف رای.
۷/۱ **طو** : بسوز عود. **خ** : بساز پرده.   ۷/۲ **یج طو** : هر کو.
۸/۱ **طو** : در پی می و. **عز** : حافظ ز عشق.
شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج خ = ۴ - مج عز = ۳ - فط = ۲ - که = ۱ -

۱ مرا به رندی و عشق آن فضول عیب کند   که اعتراض بر اسرار علم غیب کند
۲ کمال صدق محبّت ببین نه نقص گناه   که هر که بیهنر افتد نظر به عیب کند
۳ ز عطر حور بهشت آن زمان بر آید بوی   که خاک میکدهٔ ما عبیر جیب کند
۴ چنان بزد رهِ اسلام غمزهٔ ساقی   که اجتناب ز صهبا مگر صهیب کند
۵ کلید گنج سعادت قبول اهل دل است   مبادکس که درین نکته شکّ و ریب کند
۶ شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد   که چند سال به جان خدمت شعیب کند
۷ ز دیده خون بچکاند فسانهٔ حافظ   چو یاد وقت زمان شباب و شیب کند

---

۹ نسخه : **یج طو خ   مج نه نز عد عز فط**

متن = **یج خ عد** =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۵/۱ ۴/۲	۳	۴/۱ ۵/۲	۶	۷
مج نز فط :	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۷
نه :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷
عز :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷

۲/۱ **طو خ مج نز عد عز** : کمال سرّ محبت.
۳/۱ **طو** : ز عطر بوی بهشت.   **یج خ نه عد فط** : آن نفس.
۴/۱ **خ** : چنان زند.
۵/۲ **خ فط** : مباد آنکه.
۶/۱ **طو** : کسی برسد.   ۶/۲ **یج** : که چند سال ز جان.
۷/۲ **عز** : که یاد عهد زمان.   **مج** : چو یاد عهد و زمان.   **نز** : چو یاد عهد شباب و زمان شیب کند.
شمار دگرسانیها : **خ** = ۴ -   **طو** = ۳ -   **یج مج نز عد عز فط** = ۲ -   **نه** = ۱ -

۱۶۵

۱ کلک مشکین تو روزی که ز ما یاد کند ببرد اجر دو صد بنده که آزاد کند

۲ قاصد حضرت سلمیٰ که سلامت بادش چه شود گر به سلامی دل ما شاد کند

۳ امتحان کن که بسی گنج مرادت بدهند گر خرابی چو مرا لطف تو آباد کند

۴ یارب اندر دل آن خسرو شیرین انداز که به رحمت گذری بر سر فرهاد کند

۵ شاه را به بود از طاعت صد ساله و زهد قدر یکساعته عمری که در او داد کند

۶ حالیا عشوهٔ عشق تو ز بنیادم بُرد تا دگر باره حکیمانه چه بنیاد کند

۷ گوهر پاک تو از مدحت ما مستغنی ست فکر مشّاطه چه با حسن خدا داد کند

۸ ره نبردیم به مقصود خود اندر شیراز خرّم آن روز که حافظ ره بغداد کند

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز عد عز**

متن = **خ مج نز** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج عد :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
طو :	۱	۰	۴	۲	۰	۳	۰	۵
عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷

۱/۲ **طو** : به بود اجره صد بنده.

۲/۱ **خ** : قاصد منزل سلمی.

۳/۱ **یج عد عز** : جام مرادت بدهند. **طو** : بدهد.

۳/۲ **یج طو** : که خرابی چو مرا. **نز** : عشق تو.

۴/۱ **طو** : آن خسرو خوبان انداز.

۵/۲ **عز** : قدر یک ساعت عمری.

۶/۱ **خ** : حالیا عشوهٔ ناز. **طو** : توام از یاد ببرد.

۶/۲ **طو** : تا دگر فکر. **مج** : تا دگر بار. **مج نز** : حریفانه. **عد** : جفای تو. **طو** : چه بیداد کند.

۷/۲ **مج نز** : دست مشاطه.

۸/۱ **طو** : به مطلوب خود.

شمار دگرسانیها : طو = ۸ - مج نز = ۳ - یج خ عد عز = ۲ -

۱۶۶

۱ آن کیست کز روی کرم با من وفاداری کند   بر جای بدکاری چو من یک دم نکوکاری کند
۲ اوّل به بانگ نای و نی آرد به دل پیغام وی   وانگه به یک پیمانه می با من وفاداری کند
۳ دلبر که جان فرسود ازو، کارِ دلم نگشود ازو،   نومید نتوان بود ازو، باشد که دلداری کند
۴ گفتم گره نگشوده‌ام زان طرّه تا من بوده‌ام   گفتا منش فرموده‌ام تا با تو طرّاری کند
۵ پشمینه پوش تنگ‌خو از عشق نشنیده است بو   از مستیش رمزی بگو تا ترک هشیاری کند
۶ چون من گدائی بی‌نشان، مشکل بود یاری چنان   سلطان کجا عیش نهان با رند بازاری کند
۷ زان طرّهٔ پر پیچ و خم سهل است اگر بینم ستم   از بند و زنجیرش چه غم هر کس که عیّاری کند
۸ با چشم پر نیرنگ او حافظ مکن آهنگ او   کان چشم مست شنگ او بسیار مکّاری کند

(۹) شد لشکر غم بیعدد از بخت می‌خواهم مدد   تا فخر دین عبد الصمد باشد که غمخواری کند

۶ نسخه : یج طو خ   مج نه نز

ترتیب ابیات =									(۹)
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸
طو :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۸	۷
مج نه نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

۱/۱ **خ** : با ما وفاداری کند.
۲/۲ **طو** : آنگه به یک پیمانه می.
۳/۱ **خ** : کام دلم.
۴/۲ **طو** : گفتا که من فرموده‌ام.
۵/۱ **طو** : پشمینه‌پوش نیک‌خو.   **خ نه نز** : پشمینه‌پوش تندخو.
۵/۲ **خ** : از مستیش روزی بگو.
۶/۱ **نه** : با من.   **یج طو خ نه** : گدای بی‌نشان.   **نز** : مشکل برو.   **طو** : یار چنان.
۸/۲ **یج** : کان چشم مست تنگ او.   **خ مج نز** : کان طرّهٔ شبرنگ او.
طو : باشد که عیاری کند.   **خ** : بسیار طرّاری کند.
(۹/۱) **یج نه** : وز بخت.   (۹/۲) **یج طو** : تا فخرالدین عبدالصمد.
شمار دگرسانیها : طو خ = ۷ - یج نه = ۴ - نز = ۳ - مج = ۱ -

۱۶۷

۱ دلا بسوز که سوز تو کارها بکند   نیاز نیمشبی دفع صد بلا بکند
۲ عتاب یار پریچهره عاشقانه بکش   که یک کرشمه تلافیّ صد جفا بکند
۳ ز ملک تا ملکوتش حجاب بردارند   هر آنکه خدمت جام جهان‌نما بکند
۴ طبیب عشق مسیحادم است و مشفق لیک   چو درد در تو نبیند که را دوا بکند ؟
۵ تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار   که رحم اگر نکند مدّعی خدا بکند
۶ ز بخت خفته ملولم، بوَد که بیداری   به وقت فاتحهٔ صبح یک دعا بکند
۷ بسوخت حافظ و بوئی به زلف یار نبرد   مگر دلالت این دولتش صبا بکند

---

۹ نسخه : **یج طو خ مج نز عد عز فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۹ نسخهٔ فوق

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۱ **طو خ مج نز عد عز صف** : دلا بساز.   ۱/۲ **عد** : دفع [ ] بلا بکند.

۲/۲ **عز** : تلافی صد بلا بکند.

۳/۱ **فط صف** : حجاب برگیرند.   ۳/۲ **نز عد** : کسی که خدمت.

۴/۲ **طو نز** : چو در تو درد نبیند.

۶/۱ **طو** : نه بخت خفتهٔ ما و دلم بود بیمار.   ۶/۲ **طو** : به وقت قافلهٔ صبح.

شمار دگرسانیها : طو = ۴ - نز عد = ۳ - عز صف = ۲ - خ مج فط = ۱ - یج = ۰ -

۱۶۸

۱ طایر دولت اگر باز گذاری بکند　　　یار بازآید و با وصل قراری بکند

۲ دیده را دستگه درّ و گهر گرچه نماند　　　بخورد خونی و تدبیر نثاری بکند

۳ دوش گفتم بکند لعل لبش چارهٔ من؟　　　هاتف غیب ندا داد که آری بکند

۴ کس نیارد برِ او دم زدن از قصّهٔ ما　　　مگرش باد صبا گوش گذاری بکند

۵ داده‌ام بازِ نظر را به تذروی پرواز　　　باز خواند مگرش نقش و شکاری بکند

۶ کو کریمی که ز بزم طربش غمزه‌ای　　　جرعه‌ای درکشد و دفع خماری بکند

۷ شهر خالی‌ست ز عشّاق، بوَد کز طرفی　　　مردی از خویش برون آید و کاری بکند؟

۸ یا وفا یا خبر وصل تو یا مرگ رقیب　　　بازی چرخ یکی زین همه باری بکند

۹ حافظا گر نروی از در او هم روزی　　　گذری بر سرت از گوشه‌کناری بکند

---

۷ نسخه : یج طو کد خ　مط عد صف

متن = یج مط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۰	۳	۴	۰	۵	۶	۷
کد خ عد صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹

۱/۲ عد : با بخت قراری بکند.

۳/۲ خ : ندا د[اد] که.

۴/۲ مط : گوش وگذاری بکند.

۵/۲ مط : مگرش بخت.

۸/۲ صف : مگر زین دو سه.　خ : بود آیا که فلک زین همه.　خ عد صف : کاری بکند.

شمار دگرسانیها : خ = ۳ - مط عد صف = ۲ - یج طو کد = ۰ (نسخهٔ طو دو بیت کم دارد.)

۱۶۹

۱ سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند   همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
۲ تا دل هرزه‌گرد من رفت به چین زلف او   زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند
۳ پیش کمان ابرویت لابه همی کنم ولی   گوش‌کشیده است‌ازان گوش به من نمی‌کند
۴ با همه عطف دامنت آیدم از صبا عجب   کز گذر تو خاک‌را مشک ختن نمی‌کند
۵ چون ز نسیم می‌شود زلف بنفشه پرشکن   وه که دلم چه یاد آن عهدشکن نمی‌کند
۶ دل به امید وصل تو همدم جان نمی‌شود   جان به هوای کوی تو خدمت تن نمی‌کند
۷ دستخوش جفا مکن آب رخم که فیض ابر   بی‌مدد سرشک من دُرّ عدن نمی‌کند
۸ ساقی سیم ساق ما گر همه دُرد می‌دهد   کیست که تن چو جام می جمله دهن نمی‌کند
۹ کشتهٔ غمزهٔ تو شد حافظ ناشنیده پند   تیغ سزاست هر که را درد سخن نمی‌کند

---

(۱۰) لخلخه‌سای شد صبا دامن پاکت از چه‌روی   خاک بنفشه‌زار را مشک ختن نمی‌کند
(۱۱) دی گله‌ای ز طرّه‌اش کردم و از سر فسوس   گفت که این سیاه‌کج گوش به من نمی‌کند

۵ نسخه : **یج طو خ سو عد**

										(۱۰)	(۱۱)
ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۰
یج سو :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰	۶	۷	۰	۰
طو :	۱	۲	۳	۰	۶	۵	۰	۰	۷	۴	۰
خ :	۱	۳	۴	۵	۶	۷	۱۰	۸	۹	۰	۲
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۰	۰	۸	۶	۰

۲/۱ **طو** : به چین زلف تو.   ۲/۲ **طو** : از هوس سفر کنون. **طو عد** : یاد وطن نمی‌کند.
۳/۱ **طو** : پیش کمان ابروت. **خ** : کمان ابرویش. **عد** : لابه همی زنم ولی.
۳/۲ **طو** : گوشه کشیده است.   ۵/۱ **طو** : زلف بنفشه در شکن.
۵/۲ **طو** : وه که چه یاد زلف آن. **خ عد** : وه که دلم چه یاد ازان.
۶/۱ **خ** : دل به امید روی او.   ۶/۲ **خ** : جان به هوای کوی او.
۷/۱ **خ** : که فیض او.   ۸/۱ **خ** : ساقی سیم‌ساق من.
۹/۲ **طو** : خیره‌سری ست.
(۱۰/۱) **طو** : لخلخه شد صبا و من دامن پاک از چه روی. **عد** : از چه رو.
شمار دگرسانیها : طو = ۹ - خ = ۶ - عد = ۴ - یج سو = ۰ (دو بیت ۶ و ۷ را ندارند.)

۱۷۰

۱ غلام نرگس مست تو تاجدارانند　　خراب بادهٔ لعل تو هوشیارانند
۲ تو را صبا و مرا آب دیده شد غمّاز　　وگرنه عاشق و معشوق رازدارانند
۳ ز زیر زلف دو تا، چون گذر کنی، بنگر　　که از یمین و یسارت چه بیقرارانند
۴ گذار کن چو صبا بر بنفشه زار و ببین　　که از تطاول زلفت چه سوکوارانند
۵ نه من بران گل عارض غزل سرایم و بس　　که عندلیب تو از هر طرف هزارانند
۶ نصیب ماست بهشت ای خداشناس برو　　که مستحقّ کرامت گناهکارانند
۷ برو به میکده و چهره ارغوانی کن　　مرو به صومعه کآنجا سیاهکارانند
۸ تو دستگیر شو ای خضر پی‌خجسته که من　　پیاده می‌روم و همرهان سوارانند
۹ خلاص حافظ ازان زلف تابدار مباد　　که بستگان کمند تو رستگارانند

---

۷ نسخه : یج حی خ مج نز عد تغ

ترتیب ابیات =

تغ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸
حی :	۱	۲	۳	۴	۷	۵	۶	۸	۹
خ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۸	۷	۹
مج نز :	۱	۴	۵	۲	۳	۰	۶	۷	۸
عد :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۰	۶	۷

۳/۱ حی : به زیر زلف دوتا.　　۳/۲ خ : چه سوکوارانند.
۴/۱ خ : گزارکن چو صبا.　　۴/۲ خ : که از تطاول زلفت چه بیقرارانند.
۵/۱ تغ : نه من بدان.
۷/۱ خ : بیا به میکده و.　　۷/۲ یج : کانجاگناهکارانند.
۸/۱ نز عد تغ : ای پیک پی‌خجسته.
۹/۱ یج : ازین زلف.

شمار دگرسانیها : خ = ۴ - یج تغ = ۲ - حی نز عد = ۱ - مج = ۰ (یک بیت کم دارد.)

نسخهٔ طو به علت کمبود پنج بیت و داشتن نه اختلاف ضبط در چهار بیت دیگر جزو منابع این غزل منظور نشد.

۱۷۱

۱ در نظربازی ما بیخبران حیرانند — من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند

۲ عاقلان نقطهٔ پرگار وجودند ولی — عشق داند که درین دایره سرگردانند

۳ جلوه‌گاه رخ او دیدهٔ من تنها نیست — ماه و خورشید همین آینه می‌گردانند

۴ لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ — عشقبازان چنین مستحق هجرانند

۵ وصف رخسارهٔ خورشید ز خفّاش مپرس — که درین آینه صاحب‌نظران حیرانند

۶ عهد من با لب شیرین دهنان بست خدای — ما همه بنده و این قوم خداوندانند

۷ مفلسانیم و هوای می و مطرب داریم — آه اگر خرقهٔ پشمین به گرو نستانند

۸ مگرم چشم سیاه تو بیاموزد کار — ورنه مستوری و مستی همه کس نتوانند

۹ گر به نزهتگه ارواح بَرَد بوی تو باد — عقل و جان گوهر هستی به نثار افشانند

۱۰ زاهد از رندی حافظ نکند فهمِ مُراد — دیو بگریزد ازان قوم که قرآن خوانند

---

(۱۱) گر شوند آگه از اندیشهٔ ما مغبچگان — بعد ازین خرقهٔ صوفی به گرو نستانند

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز فط**

ترتیب ابیات =

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	(۱۱)
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰
یج :	۱	۲	۴	۵	۰	۳	۰	۷	۸	۹	۶
طو :	۱	۲	۶	۷	۵	۳	۴	۹	۱۰	۱۱	۸
خ :	۱	۲	۳	۷	۶	۴	۵	۸	۹	۱۰	۱۱
مج نز :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۷	۶	۰	۸	۰

۱/۱ **طو مج** : در نظربازی من. **طو مج نز** : بی‌بصران حیرانند.

۲/۱ **یج** : عاقلان نکتهٔ برگار وجودند. **نز** : نقطهٔ برگار [و] حودند.

۳/۲ **طو** : ماه و خورشید همه آینه.

۵/۱ **طو** : وصف خورشید به شب دیدهٔ اعمی نرسد. **خ** : وصل خورشید به شب‌پرهٔ اعمی نرسد.

۵/۲ **خ** : که دران آینه. ۶/۱ **خ فط** : عهد ما با لب. **خ** : بست خدا.

۷/۱ **نز** : هوای می مطرب داریم.

۱۰/۱ **طو** : زاهدی ار رندی حافظ. **خ فط** : زاهد ار رندی حافظ. **یج خ** : نکند فهم چه شد. **طو فط** : برو.

(۱۱/۲) **طو** : خرقهٔ پشمین.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - خ = ۶ - نز فط = ۳ - یج مج = ۲ -

۱ سمن‌بویان غبار غم چو بنشینند بنشانند — پری‌رویان قرار دل چو بستیزند بستانند
۲ به فتراک جفا دلها چو بر بندند بربندند — ز زلف عنبرین جانها چو بگشایند بفشانند
۳ ز چشمم لعل رمّانی چو می‌خندند می‌بارند — ز رویم راز پنهانی چو می‌بینند می‌خوانند
۴ به عمری یک نفس با ما چو بنشینند برخیزند — نهال شوق در خاطر چو بر خیزند بنشانند
۵ سرشک گوشه‌گیران را چو دَریابند دُریابند — رخ مهر از سحرخیزان نگردانند اگر دانند
۶ چو منصور از مراد آنان که بر دارند بر دارند — که با این درد اگر در بند درمانند در مانند
۷ درین حضرت چو مشتاقان نیاز آرند ناز آرند — بدین درگاه حافظ را چو می‌خوانند می‌رانند

(۸) دوای درد عاشق را کسی کو سهل پندارد — ز فکر آنان که در تدبیر درمانند در مانند

۶ نسخه : **یج طو خ نز عز صف**

متن - **نز عز** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	(۸) ۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۷/۱ | ۰	۰ | ۷/۲	۶
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۰
خ صف :	۱	۲	۵	۳	۴	۷/۱ | ۸/۲	۸/۱ | ۷/۲	۶

۱/۱ **عز** : سمن‌رویان.
۱/۲ **طو خ صف** : قرار از دل. **یج** : چو بستانند بستانند. **خ** : چو بستیز[ ] بستانند.
۲/۲ **یج طو** : چو بگشایند بگشایند.
۳/۱ **یج** : چو می‌بینند می‌خندند. **طو** : چو می‌خندند می‌ریزند.
۳/۲ **یج** : چو می‌دانند می‌خوانند.
۴/۲ **یج طو** : نهال سوز.
۵/۲ **یج عز** : بگردانند اگر دانند. **طو** : چو گردانند گردانند.
۶/۱ **یج** : چو منصور آن کسانی را که. **عز** : چو منصور آن مراد آنان که.
۷/۱ **نز عز** : دران حضرت. ۷/۲ **طو** : درین درگاه. **یج** : چو می‌خوانند می‌خوانند.
(۸/۲) **خ** : ز مکر آنان.
شمار دگرسانیها : یج = ۸ - طو = ۶ - عز = ۴ - خ = ۳ - نز صف = ۱ -

۱۷۳

۱ آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند — آیا بود که گوشهٔ چشمی به ما کنند؟

۲ دردم نهفته بِه ز طبیبان مدّعی — باشد که از خزانهٔ غیبش دوا کنند

۳ معشوقه چون نقاب ز رخ بر نمی‌کشد — هر کس حکایتی به تصوّر چرا کنند

۴ چون حسن عاقبت نه به رندیّ و زاهدی ست — آن بِه که کار خود به عنایت رها کنند

۵ بی معرفت مباش که در من یزید عشق — اهل نظر معامله با آشنا کنند

۶ حالی درون پرده بسی فتنه می‌رود — تا آن زمان که پرده بر افتد چه‌ها کنند

۷ گر سنگ ازین حدیث بنالد عجب مدار — صاحبدلان حکایت دل خوش ادا کنند

۸ می خور که صد گناه ز اغیار در حجاب — بهتر ز طاعتی که به روی و ریا کنند

۹ پیراهنی که آید ازو بوی یوسفم — ترسم برادران غیورش قبا کنند

۱۰ بگذر به کوی صومعه تا زمرهٔ حضور — اوقات خود ز بهر تو صرف دعا کنند

۱۱ پنهان ز حاسدان به خودم خوان که منعمان — خیر نهان برای رضایِ خدا کنند

۱۲ حافظ دوام وصل میسّر نمی‌شود — شاهان کم التفات به حال گدا کنند

---

۶ نسخه : یج طو خ مج عد فط

ترتیب ابیات = خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۹	۶	۷	۰	۰	۱۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۰	۸	۰	۰	۹
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۹	۱۱	۸	۱۰	۶	۷	۱۲
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۰	۱۰
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۹	۱۰	۷	۶	۰	۱۱

۲/۲ **خ** : از خزانهٔ غیبم.

۳/۱ **طو خ فط** : معشوق. **خ مج فط** : درنمی‌کشد.

۴/۱ **طو عد** : حسن عافیت.

۶/۱ **طو** : حال درون پرده. **یج** : برون پرده.

۱۰/۱ **خ** : بگذر به کوی میکده.

۱۱/۱ **خ** : پنهان ز حاسدان بخورم خون.

شمار دگرسانیها : خ = ۵ - طو = ۳ - فط = ۲ - یج مج عد = ۱ -

۱ گفتم کِیم دهان و لبت کامران کنند؟ — گفتا به چشم، هر چه تو گوئی چنان کنند
۲ گفتم خراج مصر طلب می‌کند لبت — گفتا درین معامله کمتر زیان کنند
۳ گفتم به نقطهٔ دهنت خود که بُرد راه؟ — گفت این حکایتی‌ست که با نکته‌دان کنند
۴ گفتم صنم پرست مشو با صمد نشین — گفتا به کوی عشق هم این و هم آن کنند
۵ گفتم هوای میکده غم می‌برد ز دل — گفتا خوش آن کسان که دلی شادمان کنند
۶ گفتم شراب و خرقه نه آئین مذهب است — گفت این عمل به مذهب پیر مغان کنند
۷ گفتم ز لعل نوش لبان پیر را چه سود؟ — گفتا به بوسهٔ شکرینش جوان کنند
۸ گفتم که خواجه کی به سر حجله می‌رود؟ — گفت آن زمان که مشتری و مه قران کنند
۹ گفتم دعای دولت او ورد حافظ است — گفت این دعا ملایک هفت آسمان کنند

---

۷ نسخه : **یج طو خ عد فط صف تغ**

ترتیب ابیات متن برابر است با : **یج خ عد فط صف**

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰	۰	۰
تغ :	۱	۲	۳	۵	۷	۶	۴	۸	۹

۱/۱ **تغ** : گفتم کیت دهان و لبت.

۳/۱ **یج** : خودکه راه برد. **طو** : خودکه برد ره.

۵/۱ **طو** : غم می‌برد ز یاد.

۸/۲ **یج عد صف** : گفتا سحر.

۹/۱ **خ عد فط صف** : گفتم دعای دولت تو ورد حافظ است.

شمار دگرسانیها : یج طو عد صف = ۲ - خ فط تغ = ۱ -

۱۷۵

۱ شاهدان گر دلبری زینسان کنند　　زاهدان را رخنه در ایمان کنند

۲ هر کجا آن شاخ نرگس بشکفد　　گلرخانش دیده نرگسدان کنند

۳ یار ما چون سازد آغاز سماع　　قدسیان بر عرش دست افشان کنند

۴ ای جوان سرو قد گویی بزن　　پیش ازان کز قامتت چوگان کنند

۵ عاشقان را بر سر خود حکم نیست　　هر چه فرمان تو باشد آن کنند

۶ مردم چشمم به خون آغشته شد　　در کجا این ظلم بر انسان کنند

۷ پیش چشمم کمتر است از قطره‌ای　　آن حکایتها که از طوفان کنند

۸ عید رخسار تو کو تا عاشقان　　در وفایت جان خود قربان کنند

۹ خوش برآی از غصّه ای دل کاهل راز　　عیش خوش در بوتهٔ هجران کنند

۱۰ سرمکش حافظ ز آه نیمشب　　تا چو صبحت آینه رخشان کنند

---

(۱۱) رو نماید آفتاب دولتت　　گر چو صبحت آینه رخشان کنند

۶ نسخه : **یج طو خ عد عز فخ**

ترتیب ابیات =

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	(۱۱)
عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۵
طو :	۱	۲	۳	۴/۱ ۰	۵	۶	۷	۸	۰	۹	۰ ۴/۲
خ :	۱	۲	۶	۳	۴	۷	۵	۰	۸	۹	۰
عد :	۱	۲	۷	۳	۵	۸	۶	۹	۰	۱۰	۴
فخ :	۱	۳	۸	۲	۴	۶	۵	۷	۰	۹	۰

۲/۱ **یج طو** : هر کجا این شاخ.

۳/۱ **عز فخ** : سرو ما. **خ** : چون گیرد.　　۳/۲ **طو عز فخ** : قدسیان از عرش.

۴/۱ **فخ** : ای جوان دولتی. **یج طو خ عد عز** : گویی ببر　　۷/۲ **یج خ** : این حکایتها.

۸/۱ **طو** : عید رخسارت نما.　　۸/۲ **عد عز** : جان و دل قربان کنند.

۹/۱ **خ** : خوش برار از غصه. **عز** : اصل کل وصل است لیکن اهل راز.

۹/۲ **عز** : عیشها در بوتهٔ هجران کنند.　　۱۰/۲ **طو عد** : تا چو صبح آئینه‌ات رخشان کنند.

(۱۱/۲) **یج** : گر چه صبحت. **طو** : تا چو صبح آئینه‌ات رخشان کنند.

شمار دگرسانیها : طو عز = ۶- یج خ = ۴- عد فخ = ۳-

۱۷۶

۱ **واعظان کین جلوه در محراب و منبر می‌کنند** — **چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند**

۲ **مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پُرس** — **توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند؟**

۳ **گوئیا باور نمی‌دارند روز داوری** — **کاینهمه قلب و دغل در کار داور می‌کنند**

۴ **بندهٔ پیر خراباتم که درویشان او** — **گنج را از بی‌نیازی خاک بر سر می‌کنند**

۵ **یارب این نو دولتان را با خر خودشان نشان** — **کاینهمه ناز از غلام ترک و استر می‌کنند**

۶ **ای گدای خانقه برجه که در دیر مغان** — **می‌دهند آبیّ و دلها را توانگر می‌کنند**

۷ **بر در میخانهٔ عشق ای مَلَک تسبیح گوی** — **کاندر آنجا طینت آدم مخمّر می‌کنند**

۸ **حسن بی‌پایان او چندان که عاشق می‌کشد** — **زمره‌ای دیگر به عشق از غیب سر بر می‌کنند**

۹ **صبحدم از عرش می آمد خروشی عقل گفت** — **قدسیان گوئی که شعر حافظ از بر می‌کنند**

(۱۰) **خانه خالی کن دلا تا منزل جانان شود** — **کین هوسناکان دل و جان جای دیگر می‌کنند**

۶ نسخه : **یج خ** عد عز فخ صف

										(۱۰)
ترتیب ابیات = عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۷	۵	۶	۹	۸
خ :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۷	۶	۸	۰
عد :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۹	۱۰	۸
فخ :	۱	۲	۳	۴	۸	۷	۵	۶	۱۰	۹
صف :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۹	۷	۱۰	۸

۱/۱ **یج** : زاهدان. ۱/۲ **یج** : شاهدانشان نیمشب خلوت منور می‌کنند.

۵/۲ **خ** : کاینهمه ناز (از = به خط الحاقی).

۶/۱ **عد** : برجه که در کوی مغان. **فخ** : باز آکه در دیر.

۶/۲ **یج خ** : می‌دهند آبی که دلها را. **خ** : دلها را توانگر می‌دهند.

۷/۱ **خ** : تسبیح‌گو. ۷/۲ **عز** : کاندر اینجا.

۹/۱ **یج** : وقت صبح. **عز** : می‌آمد صفیری. **یج** : عشق گفت.

(۱۰/۱) **یج** : خانه خالی کن بیا. **فخ** : دلا تا منزل سلطان شود.

(۱۰/۲) **عد** : جای لشگر می‌کنند.

شمار دگرسانیها : یج = ۶ - خ = ۴ - عد عز فخ = ۲ - صف = ۰ -

(یازده اختلاف نسخهٔ طو در این غزل حذف شد.)

۱ دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند؟ — پنهان خورید باده که تعزیر می کنند
۲ ناموس عشق و رونق عشّاق می‌برند — منع جوان و سرزنش پیر می کنند
۳ گویند رمز عشق مگوئید و مشنوید — مشکل حکایتی‌ست که تقریر می کنند
۴ تشویش وقت پیر مغان می‌دهند باز — این سالکان نگر که چه با پیر می کنند
۵ ما از برون در شده مغرور صد فریب — تا خود درون پرده چه تدبیر می کنند
۶ صد ملک دل به نیم نظر می‌توان خرید — خوبان درین معامله تقصیر می کنند
۷ قومی به جدّ و جهد نهادند وصل دوست — قومی دگر حواله به تقدیر می کنند
۸ فی الجمله اعتماد مکن بر ثبات هیچ — کین کارخانه‌ای ست که تغییر می کنند
۹ می خور که شیخ و حافظ و مفتیّ و محتسب — چون نیک بنگری همه تزویر می کنند

---

(۱۰) جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز — باطن درین خیال که اکسیر می کنند

۸ نسخه : **یج طو خ مج ند نز عز صف**

ترتیب ابیات =

ند :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
یج :	۱	۳	۲	۵	۴	۶	۷	۰	۸	۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸	۹	۰
خ صف :	۱	۲	۴	۶	۵	۷	۸	۹	۱۰	۳
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۱۰	۷
عز :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۷	۸	۹	۶

(ستون آخر: (۱۰))

۱/۲ **یج طو نز** : تکفیر می‌کنند. ۲/۲ **طو خ مج ند عز صف** : عیب جوان.
۳/۱ **مج** : سرّ عشق. ۴/۱ **طو** : می‌دهند و باز. ۴/۲ **یج** : این سالکان نگر [که] چه.
۵/۲ **یج** : تا از درون پرده. **نز** : تا خود درون پرده [چه] تدبیر می‌کنند.
۶/۱ **یج طو** : صد آب رو. ۷/۲ **ند** : قومی دیگر.
۸/۱ **خ** : فی الجمله اعتبار مکن. **طو** : بر مدار چرخ **خ** : بر دیار دهر. **عز** : بر ثبات عمر. **صف** : بر ثبات دهر.
۹/۱ **یج** : می ده. **یج** : که شیخ و واعظ و.
(۱۰/۲) **صف** : باطل درین خیال. **عز** : باطن دران خیال.
شمار دگرسانیها : یج ۶- طو=۵- خ عز صف =۳- مج ند نز =۲-

۱ شراب بی‌غش و ساقیِّ خوش دو دام رهند — که زیرکان جهان از کمندشان نرهند

۲ من ارچه عاشقم و رند و مست و نامه سیاه — هزار شکر که یاران شهر بی‌گنهند!

۳ جفا نه شیوهٔ درویشی است و راهروی — بیار باده که این سالکان نه مرد رهند

۴ به هوش باش که هنگام باد استغنا — هزار خرمن طاعت به نیم جو ننهند

۵ قدم منه به خرابات جز به شرط ادب — که ساکنان درش محرمان پادشهند

۶ مبین حقیر گدایان عشق را کین قوم — شهان بی‌کمر و خسروان بی‌کلهند

۷ مکن که کوکبهٔ دلبری شکسته شود — چو بندگان بگریزند و چاکران بجهند

۸ غلام همّت دُردی کشان یکرنگم — نه این گروه که ازرق رِدا و دل سیهند

۹ جناب عشق بلند است همّتی حافظ — که عاشقان ره بی‌همّتان به خود ندهند

---

۶ نسخه : یج طو خ مج نز فخ

ترتیب ابیات = مجنز	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج	۱	۲	۴	۶	۳	۵	۰	۰	۷
طو	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۰	۰	۷
خ	۱	۲	۳	۵	۸	۴	۶	۷	۹
فخ	۱	۲	۴	۷	۳	۶	۵	۸	۹

۱/۲ **طو** : از کمندشان نجهند.

۲/۱ **نز** : مست و رند و.

۳/۱ **خ** : جفا نه پیشهٔ. **یج** : نه شیوهٔ درویشی است و راه ادب.

۴/۲ **مج** : به نیم جو نخرند. **فخ** : به نیم پز کهند.

۵/۲ **خ** : سالکان درش.

۷/۱ **نز** : کوکبهٔ خسروی.

۸/۲ **خ** : نه آن گروه. **خ** : که ازرق لباس و.

شمار دگرسانیها : خ = ۴ - نز = ۲ - یج طو مج فخ = ۱ -

۱۷۹

۱ باشد ای دل که در میکده‌ها بگشایند — گره از کار فرو بستهٔ ما بگشایند

۲ اگر از بهر دل زاهد خودبین بستند — دل قوی‌دار که از بهر خدا بگشایند

۳ به صفای دل رندانِ صبوحی زدگان — بس در بسته به مفتاح دعا بگشایند

۴ نامهٔ تعزیت دختر رز بنویسید — تا حریفان همه خون از مژه‌ها بگشایند

۵ گیسوی چنگ ببُرّید به مرگ می ناب — تا همه مغبچگان زلف دوتا بگشایند

۶ در میخانه ببستند خدایا مپسند — که درِ خانهٔ تزویر و ریا بگشایند

۷ حافظ این خرقه که داری تو ببینی فردا — که چه زنّار ز زیرش به جفا بگشایند

---

۹ نسخه (۱۰ ضبط): یج طو خ۱ خ۲ مج نز سز عد عز فط

متن =	یج خ۲ عد	: ۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
	طو مج سز عز	: ۱	۲	۳	۵	۶	۴	۷
	خ۱	: ۱	۲	۳	۴/۱ | ۵/۲	۵/۱ | ۴/۲	۶	۷
	نز	: ۱	۳	۲	۵	۶	۴	۷
	فط	: ۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷

۱/۱ **خ۱** : بود آیا.

۲/۱ **یج** : زاهد خود را.

۳/۱ **یج مج** : رندان و صبوحی‌زدگان. **عد عز فط** : رندان که صبوحی‌زدگان.

۶/۱ **یج** : در میخانه چو بستند.

۷/۲ **طو** : به خفا. **خ۱** : به دغا.

شمار دگرسانیها : یج = ۳ - خ۱ = ۲ - طو مج عد عز فط = ۱ - خ۲ نز سز = ۰ -

۱۸۰

۱ سالها دفتر ما در گرو صهبا بود — رونق میکده از درس و دعای ما بود

۲ نیکی پیر مغان بین که چو ما بد مستان — هر چه کردیم به چشم کرمش زیبا بود

۳ دفتر دانش ما جمله بشوئید به می — که فلک دیدم و در کین دل دانا بود

۴ دل چو پرگار به هر سو دَوَرانی می‌کرد — واندران دایره سرگشتهٔ پابرجا بود

۵ مطرب از درد محبّت عملی می‌پرداخت — که حکیمان جهان را مژه خون پالا بود

۶ می‌شکفتم ز طرب زانکه چو گل بر لب جوی — بر سرم سایهٔ آن سرو سهی بالا بود

۷ پیر گلرنگ من اندر حق ازرق پوشان — رخصت خبث نداد ار نه حکایتها بود

۸ قلب اندودهٔ حافظ برِ او خرج نشد — که معامل به همه عیب نهان بینا بود

---

(۹) از بتان آن طلب ار حسن شناسی ای دل — کین کسی گفت که در علم نظر دانا بود

۶ نسخه : **یج طو خ عد فط صف**

ترتیب ابیات =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	(۹)
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
طو :	۱	۲	۰	۳	۰	۴	۶	۷	۵
خ :	۱	۲	۳	۵	۶	۷	۸	۹	۴
عد :	۱	۲	۰	۳	۵	۴	۶	۸	۷
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۷
صف :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۹	۸

۱/۱ **عد** : درس دعای ما بود.　　۲/۲ **طو** : به عین کرمش.

۳/۱ **یج** : جمله بشورید.　　۳/۲ **خ فط** : در قصد. **یج صف** : من دانا بود.

۴/۱ **یج عد صف** : ز هر سو. **عد** : دورانی می‌زد.

۴/۲ **فط** : سرگشته و پا بر جا بود.

۶/۱ **یج** : من شکفتم. **خ** : بر لب جو.

۸/۲ **خ** : کین معامل.

(۹/۲) **فط** : وین کسی گفت. **خ فط** : که در علم نظر بینا بود.

شمار دگرسانیها : یج خ فط = ۴ - عد = ۳ - صف = ۲ - طو = ۱ -

۱۸۱

۱ یاد باد آنکه نهانت نظری با ما بود — رقم مهر تو بر چهرهٔ ما پیدا بود

۲ یاد باد آنکه چو چشمت به عتابم می‌کشت — معجز عیسویت در لب شکّرخا بود

۳ یاد باد آنکه صبوحی زده در مجلس انس — جز من و یار نبودیم و خدا با ما بود

۴ یاد باد آنکه چو یاقوت قدح خنده زدی — در میان من و لعل تو حکایتها بود

۵ یاد باد آنکه خرابات نشین بودم و مست — وانچه در مسجدم امروز کم است آنجا بود

۶ یاد باد آنکه مه من چو کله بر بستی — در رکابش مه نو پیک جهان‌پیما بود

۷ یاد باد آنکه دران بزمگه خُلق و ادب — آنکه او خندهٔ مستانه زدی صهبا بود

۸ یاد باد آنکه رُخت شمع طرب می‌افروخت — وین دل سوخته پروانهٔ ناپروا بود

۹ یاد باد آنکه به اصلاح شما می‌شد راست — نظم هر گوهر ناسفته که حافظ را بود

---

۹ نسخه : یج طو خ مج نز سز عز فط تغ

ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
= مج نز سز	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج	۱	۲	۳	۶	۰	۷	۵	۴	۸
طو	۱	۴	۰	۰	۰	۵	۳	۲	۰
خ	۱	۲	۳	۶	۸	۷	۵	۴	۹
عز فط	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸
تغ	۱	۲	۳	۶	۹	۷	۵	۴	۸

۱/۲ **یج طو** : اثر مهر تو. **طو** : در چهرهٔ ما.

۵/۲ **فط** : در خلوتم. **عز** : وانچه در مسجد و محراب نبود.

۶/۱ **خ** : یاد باد آنکه نگارم. **خ مج نز** : چو کمر بربستی.

۷/۱ **طو** : درین مجلس. **طو** : تمکین و ادب.

۸/۲ **طو** : پروانهٔ پا بر جا.

شمار دگرسانیها . طو = ۵ - خ = ۲ - یج مج نز عز فط = ۱ - سز تغ = ۰ -

۱۸۲

۱ تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود		سر ما خاک ره پیر مغان خواهد بود
۲ حلقهٔ پیر مغانم ز ازل در گوش است		بر همانیم که بودیم و همان خواهد بود
۳ بر سر تربت ما چون گذری همّت خواه		که زیارتگه رندان جهان خواهد بود
۴ برو ای زاهد خودبین که ز چشم من و تو		راز این پرده نهان است و نهان خواهد بود
۵ ترک عاشق کش من مست برون رفت امروز		تا دگر خون که از دیده روان خواهد بود
۶ چشمم آن شب که ز شوق تو نهم سر به لحد		تا دم صبح قیامت نگران خواهد بود
۷ بخت حافظ گر ازینگونه مدد خواهد داد		زلف معشوق به دست دگران خواهد بود

---

۶ نسخه : **یج طو خ   مج نز عد**

ترتیب ابیات برابر است با ۶ نسخهٔ فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۲ **طو** : سر ما خاک در.

۲/۱ **یج خ** : پیر مغان از ازلم.   ۲/۲ **یج طو** : بر همانیم که گفتیم و.

۴/۲ **طو** : نهان است.

۵/۱ **طو** : عاشق‌کش من دوش. **طو** : برون آمد مست.

۶/۱ **طو** : دیده آن شب. **خ نز** : چشمم آن دم. **یج طو خ نز** : نهد سر به لحد.

۷/۱ **یج** : گر ازین دست. **خ عد** : مدد خواهد کرد.

۷/۲ **یج خ** : زلف معشوقه.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - یج خ = ۵ - نز = ۲ - عد = ۱ - مج = ۰ -

۱ پیش ازینت بیش ازین اندیشهٔ عشّاق بود — مهرورزیّ تو با ما شهرهٔ آفاق بود
۲ یاد باد آن صحبت شبها که با نوشین لبان — بحث سرّ عشق و ذکر حلقهٔ عشّاق بود
۳ حسن مهرویان مجلس گرچه دل می‌برد و دین — بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود
۴ پیش ازان کین سقف سبز و طاق مینا برکشند — منظر چشم مرا ابروی جانان طاق بود
۵ از دم صبح ازل تا آخر شام ابد — دوستیّ و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود
۶ سایهٔ معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد — ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود
۷ رشتهٔ تسبیح اگر بگسست معذورم بدار — دستم اندر ساعد ساقیّ سیمین ساق بود
۸ در شب قدر ار صبوحی کرده‌ام عیبم مکن — سرخوش آمد یار و جامی بر کنار طاق بود
۹ بر درِ شاهم گدائی نکته‌ای در کار کرد — گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزّاق بود
۱۰ شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد — دفتر نسرین و گل را زینت اوراق بود

۶ نسخه : **یج طو خ مج عد صف**

ترتیب ابیات =

مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲/۱ ۰۰	۲/۲	۴	۳	۵	۶	۷	۰	۸
طو :	۱	۰	۲	۴	۶	۵	۳	۰	۷	۸
خ :	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۸	۹	۷	۱۰
عد :	۱	۰	۲	۴	۳	۸	۵	۶	۷	۹
صف :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸	۹	۱۰

۱/۲ **طو** : کوکب سعد مرا صد جلوه در آفاق بود.

۲/۱ **مج صف** : که با زلف توام.

۲/۲ **مج** : بحث درس عشق و فکر حلقهٔ عشاق بود.

۳/۱ **طو** : حسن مهرویان به مجلس.

۳/۲ **طو** : عشق ما هم. **مج** : عشق ما بر. **عد صف** : عشق ما با.

۴/۱ **یج خ** : پیش ازین. **طو** : کین سقف سبز. **یج** : طاق مینا برکشید.

۴/۲ **عد** : منظر جان مرا.

۹/۱ **طو** : بر در شاهی.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - مج = ۳ - یج عد صف = ۲ - خ = ۱ -

۱۸۴

۱ یاد باد آنکه سر کوی توام منزل بود   دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود

۲ راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک   بر زبان بود مرا هرچه تو را در دل بود

۳ دل چو از پیر خرد نقل معانی می‌کرد   عشق می‌گفت به شرح آنچه بر او مشکل بود

۴ در دلم بود که بی دوست نباشم هرگز   چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود

۵ دوش بر یاد حریفان به خرابات شدم   خُم مِی دیدم خون در دل و سر در گل بود

۶ بس بگشتم که بپرسم سبب درد فراق   مفتی عقل درین مسأله لایعقل بود

۷ آه ازین جور و تظلّم که درین دامگه است   آه ازان ناز و تنعّم که دران محفل بود

۸ راستی خاتم فیروزهٔ بواسحاقی   خوش درخشید ولی دولت مستعجِل بود

۹ دیدی آن قهقههٔ کبک خرامان حافظ   که ز سرپنجهٔ شاهین قضا غافل بود

---

۶ نسخه : **یج طو خ سز فط صف**

ترتیب ابیات =									
سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰	۶	۰
خ :	۱	۲	۳	۵	۶	۷	۴	۸	۹
فط :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۸	۷
صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۹

۱/۱ **طو** : سر زلف توام.

۲/۱ **طو** : از اثر صحبت یار.   ۲/۲ **یج طو** : در زبان بود. **خ** : مرا آنچه تو را.

۵/۲ **یج طو** : دیدم و خون در دل و. **خ سز صف** : یا در گل.

۷/۱ **خ** : آه ازان. **سز** : وای ازین. **خ صف** : جور و تطاول.

۷/۲ **فط** : وه ازان. **فط** : ناز و تجمل. **خ** : سوز و نیازی.

۸/۲ **طو** : ولی دولت ما غافل بود.

۹/۱ **سز** : د[ید]ی آن قهقههٔ. **فط** : دیدی آن قهقه.

۹/۲ **خ** : که ز [سر] پنجهٔ شاهین قضا.

شمار دگرسانیها : خ = ۶ - طو = ۵ - سز فط = ۳ - یج صف = ۲ -

۱۸۵

۱ دوش در حلقهٔ ما قصّهٔ گیسوی تو بود　　تا دل شب سخن از سلسلهٔ موی تو بود

۲ دل که از ناوک مژگان تو در خون می‌گشت　　باز مشتاق کمانخانهٔ ابروی تو بود

۳ هم عفا اللّٰه ز صبا کز تو پیامی می‌داد　　ورنه در کس نرسیدیم که از کوی تو بود

۴ عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت　　فتنه انگیز جهان غمزهٔ جادوی تو بود

۵ من سرگشته هم از اهل سلامت بودم　　دام راهم شکن طرّهٔ هندوی تو بود

۶ بگشا بند قبا تا بگشاید دل من　　که گشادی که مرا بود ز پهلوی تو بود

۷ به وفای تو که بر تربت حافظ بگذر　　کز جهان می‌شد و در آرزوی روی تو بود

---

۷ نسخه : یج طو خ　سز عد فط صد

متن = طو خ عد صد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج سز :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷
فط :	۱	۲	۴	۵	۳	۶	۷

۱/۲ یج : سخن سلسلهٔ.

۲/۲ یج : کمان مهرهٔ ابروی تو.

۳/۱ یج خ : هم عفا الله صبا.

۵/۲ فط : شکن طرهٔ گیسوی تو بود.

شمار دگرسانیها : یج = ۳ - خ فط = ۱ - طو عد سز صد = ۰ -

۱۸۶

۱ دوش می‌آمد و رخساره برافروخته بود — تا کجا باز دل غمزده‌ای سوخته بود

۲ رسم عاشق کشی و شیوهٔ شهر آشوبی — جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود

۳ جان عشّاق سپند رخ خود می‌دانست — وآتش چهره بدین کار بر افروخته بود

۴ کفر زلفش ره دین می‌زد و آن سنگین دل — در رهش مشعله از چهره بر افروخته بود

۵ گر چه می‌گفت که زارت بکشم می‌دیدم — که نهانش نظری با من دلسوخته بود

۶ دل بسی خون به کف آورد ولی دیده بریخت — اللّه اللّه که تلف کرد و که اندوخته بود

۷ یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد — آنکه یوسف به زر ناسره بفروخته بود

۸ گفت و خوش گفت برو خرقه بسوزان حافظ — یارب این قلب شناسی ز که آموخته بود؟

---

۱۰ نسخه : **یج طو خ مج نه نز عد عز صف حک**

ترتیب ابیات								
= **یج صف حک** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۰	۳	۴	۶	۵	۷
که :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸
خ :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸
مج عد :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷
نز عز :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷

۳/۲ **یج صف** : به این کار.

۴/۲ **خ** : در پیش مشعلی از. **طو** : شعله‌ای از.

۶/۱ **یج** : خون بهم آورد. ۶/۲ **نز** : که تلف کرد که اندوخته بود.

۷/۱ **یج نه** : یار مفروش به دنیی. **طو** : هر که یک ذره وصالش به دو عالم نخرید.

۷/۲ **طو** : یوسف خود.

شمار دگرسانیها : یج طو = ۳ - خ نه نز صف = ۱ - مج عد عز = ۰ (یک بیت کم دارند.) - حک = ۰ -

۱ یک دو جامم دی سحرگه اتّفاق افتاده بود / وز لب ساقی شرابم در مذاق افتاده بود

۲ از سر مستی دگر با شاهد عهد شباب / رجعتی می‌خواستم لیکن طلاق افتاده بود

۳ در مقامات طریقت هر کجا کردیم سیر / عافیت را با نظربازی فراق افتاده بود

۴ ساقیا جام دمادم ده که در سیر طریق / هرکه عاشق وش نیامد در نفاق افتاده بود

۵ نقش می‌بستم که گیرم گوشه‌ای زان چشم مست / طاقت صبر از خم ابروش طاق افتاده بود

۶ ای معبّر مژده‌ای فرما که دوشم آفتاب / در شکر خواب صبوحی هم وثاق افتاده بود

۷ حافظ آن ساعت که این نظم پریشان می‌نوشت / طایر فکرش به دام اشتیاق افتاده بود

---

(۸) گر نکردی نصرت دین شاه یحیی از کرم / کار ملک و دین ز نظم و اتّساق افتاده بود

۷ نسخه : **یج طو خ** **نه عد فخ فط**

ترتیب ابیات متن برابر است با : **یج طو نه عد فط**

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷
مج :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷

۲/۲ **طو** : رفعتی می‌خواستم لیکن خلاق افتاده بود.

۳/۱ **طو** : هرکجا کردیم سر.

۴/۱ **فط** : جام پیاپی ده.

۴/۲ **یج** : هرکه عاشق‌وش نیامد در نقاب افتاده بود. **طو** : نباشد در فراق.

۵/۲ **طو** : عاقبت صبر از خم ابروش. **خ** : طاقت و صبر.

۷/۱ **طو** : که این خط پریشان. ۷/۲ **یج** : طاقت فکرش.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - یج = ۲ - خ فط = ۱ - نه عد فخ = ۰ -

۱۸۸

۱ گوهر مخزن اسرار همان است که بود   حقّهٔ مِهر بدان مُهر و نشان است که بود
۲ عاشقان زمرهٔ ارباب امانت باشند   لاجرم چشم گهربار همان است که بود
۳ از صبا پرس که ما را همه شب تا دمِ صبح   بوی زلف تو همان مونس جان است که بود
۴ طالب لعل و گهر نیست وگرنه خورشید   همچنان در عمل معدن و کان است که بود
۵ کشتهٔ غمزهٔ خود را به زیارت می‌آی   زانکه بیچاره همان دل‌نگران است که بود
۶ رنگ خون دل ما را که نهان می‌کردی   همچنان در لب لعل تو عیان است که بود
۷ زلف هندوی تو گفتم که دگر ره نزند   سالها رفت و بدان سیرت و سان است که بود
۸ حافظا باز نما قصّهٔ خونابهٔ چشم   که درین چشمه همان آب روان است که بود

---

۷ نسخه : **یج طو خ عد فط صف تغ**

ترتیب ابیات متن برابر است با : **یج طو خ صف تغ**

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
عد :	۱	۲	۳	۵	۶	۴	۷	۸
فط :	۱	۳	۴	۲	۵	۶	۷	۸

۲/۱ **طو** : عاشقان زندهٔ ارباب امانت باشند.

۳/۱ **طو** : تا در صبح.

۳/۲ **طو** : بوی زلف تو همان مونس که جان است که بود.

۴/۱ **عد** : وگر نی خورشید.

۵/۱ **طو خ فط** : به زیارت دریاب.   ۵/۲ **طو** : زانکه در خاک همان.

۶/۱ **طو** : که نهان می‌کردند. **خ** : که نهان می‌داری.

۶/۲ **طو** : همچنان در لب لعل تو نهان است که بود.

۷/۱ **طو** : که دگر ره نبرد.

۷/۲ **طو** : بران سیر و شتاب است. **عد** : بدان گونه و سان است.

۸/۲ **فط** : که درین جوی. **خ** : که برین چشمه.

شمار دگرسانیها : طو = ۹ - خ = ۳ - عد فط = ۲ - یج صف تغ = ۰ -

۱ دیدم به خواب خوش که به دستم پیاله بود — تعبیر رفت و کار به دولت حواله بود

۲ چل سال رنج و غصّه کشیدیم و عاقبت — تدبیر ما به دست شراب دو ساله بود

۳ آن نافهٔ مراد که می‌خواستم ز بخت — در چین زلف آن بت مشکین کلاله بود

۴ از دست برده بود خمار غمم سحر — دولت مساعد آمد و می در پیاله بود

۵ بر آستان میکده خون می‌خورم مدام — روزیّ ما ز خوان کرم این نواله بود

۶ هر کو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید — در رهگذار باد نگهبان لاله بود

۷ بر طرف گلشنم گذر افتاد وقت صبح — آندم که کار مرغ چمن آه و ناله بود

۸ گل بر جریده گفتهٔ حافظ همی نوشت — شعری که نکته‌ایش به از صد رساله بود

---

(۹) دیدیم شعر دلکش حافظ به مدح شاه — یک بیت ازان سفینه به از صد رساله بود

(۱۰) آن شاه تند حمله که خورشید شیرگیر — پیشش به روز معرکه کمتر غزاله بود

۷ نسخه : **یج طو که خ نه نح فخ**

ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	(۹) ∘	(۱۰) ∘
یج کد نه :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	∘	۸	∘
طو :	۱	۴	۲	۳	۵	∘	۶	۷	∘	∘
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	∘	۸	۹
نح :	۱	۲	۴	۳	۵	۷	۶	۹	∘	۸
فخ :	۱	۲	۳	۴	۵	∘	۶	∘	۷	∘

۱/۲ **طو** : تعبیر رفت کار.

۲/۱ **یج** : سی سال. **طو نح** : درد و غصّه. ۲/۲ **نح** : به جام شراب.

۴/۱ **یج** : وجودم خمار غم. **طو** : خمار غمم ولی.

۵/۱ **طو** : خون می‌خوریم ما و نه جای شکایت است. ۵/۲ **خ** : ز خوان قدر.

۶/۱ **کد** : هر کو نکاشت مهر ز خوبی. **نح** : هرگز نکاشت مهر و ز خوبی.

۷/۲ **طو خ** : کار مرغ سحر. ۸/۲ نه : هر بیت ازان سفینه.

(۱۱/۲) **خ** : ازین قصیده.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - نح = ۴ - خ = ۳ - یج = ۲ - کد = ۱ -

نه فخ = ∘ (نه یک بیت و فخ دو بیت متن را ندارد.)

۱ به کوی میکده یارب سحر چه مشغله بود — که جوش شاهد و ساقی و شمع و مشعله بود
۲ حدیث عشق که از حرف و صوت مستغنی‌ست — به نالهٔ دف و نی در خروش و غلغله بود
۳ مباحثی که در ان حلقهٔ جنون می‌رفت — ورای مدرسه و قال و قیل مسأله بود
۴ دل از کرشمهٔ ساقی به شکر بود ولی — ز نامساعدی بختش اندکی گِله بود
۵ قیاس کردم و آن چشم جادوانهٔ مست — هزار ساحر چون سامریش در گَله بود
۶ بگفتمش به لبم بوسه‌ای حوالت کن — به خنده گفت کِیَت با من این معامله بود؟
۷ ز اخترم نظری سعد در ره است که دوش — میان ماه و رخ یار من مقابله بود
۸ دهان یار که درمان درد حافظ داشت — فغان که وقت مروّت چه تنگ حوصله بود

۶ نسخه : یج طو خ مج فط حط

ترتیب ابیات متن برابر است با ۶ نسخهٔ فوق.

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

۲/۲ **یج** : در خروش مشغله بود. **خ** : در خروش و ولوله.
۳/۱ **یج خ فط** : مجلس جنون. ۳/۲ **طو** : قیل و قال. **مج** : قال و قیل و.
۵/۱ **طو** : قیاس کردم. **طو** : ازان چشم. **مج** : آهوانهٔ مست. **حط** : آن چشم شوخ شعبده‌باز.
۶/۱ **طو** : چو گفتمش به لبت. **فط** : ز لبم.
۷/۱ **طو حط** : نظر سعد. ۷/۲ **یج** : میان ما و.
شمار دگرسانیها : طو=۵- یج=۳- خ مج فط حط=۲-

۱۹۱

۱ آن یار کزو خانهٔ ما جای پری بود — سر تا قدمش چون پری از عیب بری بود

۲ دل گفت فروکش کنم این شهر به بویش — بیچاره ندانست که یارش سفری بود

۳ منظور خردمند من آن ماه که او را — با حسن ادب شیوهٔ صاحب‌نظری بود

۴ از چنگ منش اختر بد مهر بدر بُرد — آری چه کنم دولت دوْر قمری بود

۵ عذری بنه ای دل که تو درویشی و او را — در مملکت حسن سرِ تاجوری بود

۶ تنها نه ز راز دل ما پرده بر افتاد — تا بود فلک شیوهٔ او پرده‌دری بود

۷ اوقات خوش آن بود که بادوست به سر رفت — باقی همه بیحاصلی و بیخبری بود

۸ خوش بود لب آب و گل و سبزه و لیکن — افسوس که آن گنج روان رهگذری بود

۹ خود را بکشد بلبل ازین رشک که گل را — با باد صبا وقت سحر جلوه‌گری بود

۱۰ هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ — از یُمن دعای شب و درس سحری بود

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج نز قط صد حة**

ترتیب ابیات =

یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۰	۶	۰	۷
خ صد :	۱	۲	۴	۵	۶	۳	۷	۸	۹	۱۰
مج نز حة :	۱	۵	۲	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۱۰
قط :	۱	۲	۴	۵	۳	۶	۹	۷	۸	۱۰

۲/۱ **طو** : دل گفت به بویش کنم این مهر فراموش.

۳/۱ **طو** : منظور هنرمند من. **خ** : منظور خرد[مند] من. **قط** : محبوب خردمند من.

۳/۲ **طو** : در حسن و ادب. **خ** : شیوهٔ او پرده‌دری بود.

۴/۱ **مج حة** : اختر بدمهر جدا کرد.

۵/۱ **قط** : عذرش بنه.

۶/۱ **خ مج** : نه ز راز دل من. ۶/۲ **طو نز** : پیشهٔ او.

۸/۱ **خ** : لب آب وگل و سبزه و نسرین. ۸/۲ **یج صد** : آن گنج گهر.

۹/۱ **خ** : خود را بکش ای بلبل.

۱۰/۲ **طو خ** : ورد سحری بود.

شمار دگرسانیها : خ = ۶ - طو = ۵ - مج قط = ۲ - یج نز صد حة = ۱ -

۱ مسلمانان مرا وقتی دلی بود — که با وی گفتمی گر مشکلی بود

۲ دلی همدرد و یاری مصلحت بین — که استظهار هر اهل دلی بود

۳ به گردابی چو می‌افتادم از چشم — به تدبیرش امید ساحلی بود

۴ ز من ضایع شد اندر کوی جانان — چه دامنگیر یارب منزلی بود

۵ هنر بی عیب حرمان نیست لیکن — ز من محرومتر کی سائلی بود؟

۶ برین جان پریشان رحمت آرید — که وقتی کاردانی کاملی بود

۷ مرا تا عشق تعلیم سخن کرد — حدیثم نکتهٔ هر محفلی بود

۸ مگو دیگر که حافظ نکته‌دان است — که ما دیدیم و محکم غافلی بود

۶ نسخه : **یج طو خ** عد صد تغ

ترتیب ابیات = عد	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج خ صد	:	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸
طو	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
تغ	:	۱	۳	۲	۴	۵	۷	۶	۸

۲/۱ **طو** : دلی همدرد بود و مصلحت بین. **تغ** : دلی بردرد و یاری.

۳/۱ **طو** : به گردابی که من افتادم. **عد** : که می‌افتادم. **خ** : از غم.

۳/۲ **طو** : پس از غرقم.

۶/۱ **یج صد تغ** : بدین. **طو** : مست پریشان. **خ تغ** : رحمت آور.

۶/۲ **طو** : که روزی.

۸/۲ **عد** : که ما دیدیم. **خ عد** : محکم جاهلی بود.

شمار دگرسانیها : طو=۵- خ عد تغ=۳- یج صد=۱-

۱ در ازل هرکو به فیض دولت ارزانی بود — تا ابد جام مرادش همدم جانی بود

۲ من همان ساعت که از می خواستم شد توبه کار — گفتم این شاخ ار دهد باری پشیمانی بود

۳ خود گرفتم کافکنم سجّاده چون سوسن به دوش — همچو گل بر خرقه رنگ می مسلمانی بود ؟

۴ بی چراغ جام در خلوت نمی یارم نشست — زانکه کُنج اهل دل باید که نورانی بود

۵ همّت عالی طلب جام مرصّع گو مباش — رند را آب عنب یاقوت رمّانی بود

۶ گر چه بیسامان نماید کار ما سهلش مبین — کاندرین کشور گدائی رشک سلطانی بود

۷ نیکنامی خواهی ای دل با بدان صحبت مدار — بد پسندی جان من برهان نادانی بود

۸ مجلس انس و بهار و بحث عشق اندر میان — نستدن جام می از جانان گرانجانی بود

۹ دی عزیزی گفت حافظ می‌خورد پنهان شراب — ای عزیز من، نه عیب آن بِه که پنهانی بود ؟

---

۷ نسخه : **یج طو خ سو عد فط صد**

ترتیب ابیات =

خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج عد صد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۰	۷
طو :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۰	۰	۷
سو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۹
فط :	۱	۲	۳	۵	۶	۸	۷	۴	۹

۳/۱ **طو** : سجادهٔ تقوی. **طو** : بر آب.

۴/۱ **یج** : بی‌چراغ و جام. ۴/۲ **یج** : زانکه کنج اهل دل باید که ویرانی بود.

۵/۱ **یج** : همتی عالی طلب.

۶/۲ **یج** : کاندر [ ] کشور گدائی.

۷/۲ **خ** : خودپسندی.

۸/۱ **سو** : مجلس امن و. **خ** : بحث شعر.

۹/۱ **طو** : پنهان می‌خورد حافظ.

شمار دگرسانیها : یج = ۴ - طو = ۳ - خ = ۲ - سو = ۱ - عد فط صد = ۰ -

(دو نسخهٔ عد صد ابیات ۷ و ۸ را ندارند.)

۱ خستگان را چو طلب باشد و قوّت نبوَد — گر تو بیداد کنی شرط مروّت نبود

۲ ما جفا از تو نبینیم و تو خود نپسندی — آنچه در مذهب اصحاب طریقت نبود

۳ خیره آن دیده که آبش نبرد گریهٔ عشق — تیره آن دل که در او شمع محبّت نبود

۴ دولت از مرغ همایون طلب و سایهٔ او — زانکه با زاغ و زغن شهپر دولت نبود

۵ گر من از میکده همّت طلبم عیب مکن — شیخ فرمود که در صومعه همّت نبود

۶ چون طهارت نبود کعبه و بتخانه یکی‌ست — نبود خیر در ان خانه که عصمت نبود

۷ حافظا علم و ادب ورز که در مجلس خاص — هرکه را نیست ادب لایق صحبت نبود

---

(۸) چون چنین نیک ز سررشتهٔ خود باخبرم — آن مبادا که مددکاری فرصت نبود

۶ نسخه : **یج طو خ مج نه سو**

ترتیب ابیات متن برابر است با پنج نسخهٔ فوق (بجز مج).

								(۸)
متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰
مج :	۱	۲	۳	۵	۶	۴	۸	۷

۱/۲ **طو مج** : گر تو افسوس کنی.

۲/۱ **طو** : ما جفا در تو. **خ** : ندیدیم و. **طو** : تو هرگز نکنی.

۲/۲ **طو مج** : مذهب پیران طریقت. **خ** : ارباب طریقت.

۳/۱ **طو** : خرم آن دیده. **مج** : خیره آن چشم. **طو** : که آبش ببرد.

۳/۲ **طو** : که در او شرط محبت نبود.

۴/۲ **یج نه** : شهپر همت نبود.

۵/۱ **خ مج** : گر مدد خواستم از پیر مغان عیب مکن.

۵/۲ **یج طو خ نه سو** : شیخ ما گفت.

۶/۱ **یج** : چو طهارت نبود.

۷/۱ **طو خ** : که در مجلس شاه.

شمار دگرسانیها : طو=۹- خ=۵- مج ۴- یج =۳- نه -۲- سو=۱-

۱۹۵

۱ قتل این خسته به شمشیر تو تقدیر نبود — ورنه هیچ از دل بیرحم تو تقصیر نبود

۲ یارب آئینهٔ حسن تو چه جوهر دارد — که دراو آه مرا قوّت تأثیر نبود

۳ سر ز حیرت به می و میکده‌ها بر کردم — چون شناسای تو در صومعه یک پیر نبود

۴ من دیوانه چو زلف تو رها می‌کردم — هیچ لایقترم از حلقهٔ زنجیر نبود

۵ نازنین‌تر ز قدت در چمن ناز نرُست — خوشتر از نقش تو در عالم تصویر نبود

۶ تا مگر همچو صبا باز به کوی تو رسم — حاصلم دوش بجز نالهٔ شبگیر نبود

۷ آن کشیدم ز تو ای آتش هجران که چو شمع — جز فنای خودم از دست تو تدبیر نبود

۸ آیتی بود عذاب اندُه حافظ بی تو — که برِ هیچکسش حاجت تفسیر نبود

---

۶ نسخه : **یج طو خ سو فخ صف**

ترتیب ابیات = **یج فخ صف**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو	:	۱	۳	۴	۲	۵	۰	۶	۷
خ سو	:	۱	۳	۴	۲	۵	۶	۷	۸

۲/۱ **یج خ** : یارب این آینهٔ حسن.

۳/۱ **خ صف** : سر ز حسرت. **خ سو فخ** : به در میکده‌ها.

۳/۲ **یج** : که شناسای تو.

۵/۲ **فخ** : خوشتر از حسن تو.

۸/۱ **سو** : آیتی بود عذاب آمده. **یج طو صف** : بی‌دوست.

شمار دگرسانیها : یج خ = ۳ - سو فخ صف = ۲ - طو = ۱ -

۱۹۶

۱ از دیده خون دل همه بر روی ما رَوَد — بر روی ما ز دیده چه گویم چه‌ها رود
۲ ما در درون سینه هوائی نهفته‌ایم — بر باد اگر رود دل ما زان هوا رود
۳ بر خاک راه یار نهادیم روی خویش — بر روی ما رواست اگر آشنا رود
۴ سِیلی‌ست آب دیده و بر هر که بگذرد — گرچه دلش ز سنگ بودهم ز جا رود
۵ ما را به آب دیده شب و روز ماجراست — زان رهگذر که بر سر کویش چرا رود
۶ خورشید خاوری کند از رشک جامه چاک — گر ماه مهرپرور من در قبا رود
۷ حافظ به کوی میکده دایم به صدق دل — چون صوفیان صفّهٔ دار الصّفا رود

---

۷ نسخه : **یج طو خ** **فخ فط صد پن**

متن = **فخ فط صد پن** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰
طو :	۱	۲	۳	۵	۶	۴	۷
خ :	۱	۲	۴	۵	۶	۳	۷

۱/۲ **پن** : بر ما ز آب دیده. **یج پن** : نبینی چه‌ها رود.

۲/۲ **فخ فط صد** : اگر رود سر ما.

۳/۱ **طو** : بر خاک راه دوست.

۴/۱ **خ فخ فط صد پن** : سیل است. **طو** : آب دیده که. **خ** : هر کس که بگذرد.

۴/۲ **طو خ** : گر خود دلش.

۵/۱ **طو** : ما را ز آب دیده.

۶/۲ **طو** : گر ماه مهرپرور ما.

۷/۲ **طو خ فخ فط صد** : چون صوفیان صومعه‌دار از صفا رود.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - خ = ۴ - فخ فط صد پن = ۳ - یج = ۱ (دو بیت ۶ و ۷ را ندارد.)

۱۹۷

۱ چو دست در سر زلفش زنم به تاب رود ‌ ‌ ‌ ور آشتی طلبم با سر عتاب رود
۲ چو ماه نو رهِ نظّارگان بیچاره ‌ ‌ ‌ زند به گوشهٔ ابرو و در نقاب رود
۳ شب شراب خرابم کند به بیداری ‌ ‌ ‌ وگر به روز شکایت کنم به خواب رود
۴ طریق عشق پرآشوب و فتنه است ای دل ‌ ‌ ‌ بیفتد آنکه درین راه با شتاب رود
۵ حباب را چو فتد باد نخوت اندر سر ‌ ‌ ‌ کلاهداریش اندر سر شراب رود
۶ گدائی در جانان به سلطنت مفروش ‌ ‌ ‌ کسی ز سایهٔ این در به آفتاب رود؟
۷ دلا چو پیر شدی حسن و نازکی مفروش ‌ ‌ ‌ که این معامله در عالم شباب رود
۸ سوادِ نامهٔ موی سیاه چون طی شد ‌ ‌ ‌ بیاض کم نشود ور صد انتخاب رود
۹ مرا به عهدشکن خوانده‌ای و می ترسم ‌ ‌ ‌ که با تو روز قیامت همین خطاب رود
۱۰ حجاب راه توئی حافظ از میان بر خیز ‌ ‌ ‌ خوشا کسی که درین راه بی‌حجاب رود

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز سز صف**

ترتیب ابیات										
= **سز صف** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶و	۸و	۹	۰	۱۰
						۰ ۷/۲	۷/۱ ۰			
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۰	۰	۷
خ :	۱	۲	۳	۴	۷	۵	۰	۶	۰	۸
مج :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۹	۱۰	۷	۸
نز :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۸	۹	۷	۱۰

۱/۲ **طو** : چو آشتی طلبم بر سر عتاب رود.
۲/۱ **یج** : که به نظارگان بیچاره. **طو** : ره بیچارگان به نظّاره. **خ سز صف** : ره بیچارگان نظّاره.
۲/۲ **یج** : زند به گوشهٔ ابروی و.
۳/۱ **طو** : شبی شراب. ‌ ‌ ‌ ۳/۲ **یج** : وگر ز روز. **صف** : حکایت کنم.
۴/۱ **طو** : پر از شور و. **یج** : آفت است ای دل. ‌ ‌ ‌ ۴/۲ **طو** : درین ره با شتاب رود.
۸/۲ **خ** : کم نشود گر صد. ‌ ‌ ‌ ۹/۱ **مج نز** : خواندی و همی ترسم.
۱۰/۱ **یج** : حافظ از میان [ ] خیز. **طو** : حافظا ز ره برخیز.
۱۰/۲ **مج نز** : خجسته آنکه. **یج طو** : درین پرده.
شمار دگرسانیها : طو = ۷ - یج = ۶ - خ مج نز صف = ۲ - سز = ۱ -

۱۹۸

۱ از سر کوی تو هر کو به ملالت برود — نرود کارش و آخر به خجالت برود

۲ سالک از نور هدایت طلبد راه به دوست — که به جائی نرسد گر به ضلالت برود

۳ گروی آخر عمر از می و معشوق بگیر — حیف اوقات که یکسر به بطالت برود

۴ ای دلیل دل گم‌گشته خدا را مددی — که غریب ار نبرد ره به دلالت برود

۵ حکم مستوری و مستی همه بر خاتمت است — کس ندانست که آخر به چه حالت برود

۶ کاروانی که بود بدرقه‌اش لطف خدای — به تجمّل بنشیند، به جلالت برود

۷ حافظ از چشمهٔ حکمت به کف آور آبی — بو که از لوح دلت نقش جهالت برود

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج قب فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۵ نسخه (سوای **طو خ**)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	∘	۶
خ :	۱	۳	۴	۵	۶	۲	۷

۱/۱ **یج طو** : هر کو به ملامت برود. ۱/۲ **خ** : آخر به ضلالت برود.

۲/۱ **خ فط** : هدایت ببرد. ۲/۲ **طو** : کی به جائی برسد.

۳/۱ **طو** : گرو آخر عمر. **خ** : کام خود آخر عمر از می و معشوقه بگیر.

۳/۲ **طو** : حیف از اوقات. **طو** : که هر دم.

۴/۱ **طو** : ای دلیل در گم‌گشته. ۴/۲ **طو** : که غریب ار برود ره.

۵/۲ **یج** : کس ندانست که آخر بجهالت برود.

۶/۱ **یج صف** : بدرقه‌اش حفظ خدای. **خ قب** : حفظ خدا.

۷/۱ **طو خ** : آور جامی.

شمار دگرسانیها : طو = ۸ - خ = ۵ - یج = ۳ - قب فط صف = ۱ - مج = ∘ -

۱۹۹

۱ خوشا دلی که مدام از پی نظر نرود — به هر رهش که بخوانند بیخبر نرود

۲ طمع دران لب شیرین نکردنم اولیٰ ست — ولی چگونه مگس از پی شکر نرود

۳ سواد دیدهٔ غمدیده‌ام به اشک مشوی — که نقش خال توام هرگز از نظر نرود

۴ دلا مباش چنین هرزه گرد و هرجائی — که هیچ کار ز پیشت بدین هنر نرود

۵ سیاه‌نامه تر از خود کسی نمی‌بینم — چگونه چون قلمم دود دل به سر نرود

۶ بپوش دامن عفوی به زَلّت من مست — که آبروی شریعت بدین قدر نرود

۷ من گدا هوس سرو قامتی دارم — که دست در کمرش جز به سیم و زر نرود

۸ تو کز مکارم اخلاق عالمی دگری — وفا و عهد من از خاطرت مگر نرود

۹ به تاج هدهدم از ره مبر که باز سفید — ز کبر در پی هر صید مختصر نرود

۱۰ بیار باده و اوّل به دست حافظ ده — به شرط آنکه ز مجلس سخن بدر نرود

---

(۱۱) ز من چو باد صبا بوی خود دریغ مدار — چرا که بی سر زلف توام به سر نرود

۶ نسخه : **یج طو خ سو عد فط**

ترتیب ابیات =											(۱۱)
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۰	۰	۷	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۹	۵	۶	۷	۱۰	۱۱	۸
سو :	۱	۲	۳	۴	۶	۸	۷	۵	۹	۱۰	۰
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۰	۸	۹	۰
فط :	۱	۲	۴	۷	۹	۱۰	۵	۶	۸	۱۱	۳

۱/۲ **خ سو فط** : به هر درش که بخوانند (**فط** = نخوانند). **طو** : نخوانند. ۲/۱ **یج خ** : اولی.

۳/۱ **خ** : چهرهٔ غمدیده‌ام. **طو** : به اشک بشوی. ۳/۲ **یج** : که نقش روی توام.

۵/۲ **طو** : دود دلم چون قلم.

۶/۱ **خ** : مکن به چشم حقارت نگاه در من مست. **طو سو عد** : به ذلت من مست.

۷/۲ **خ** : که دست در کمرش جز به سیم در نرود.

۸/۲ **خ فط** : وفای عهد من. **یج خ فط** : از خاطرت بدر نرود. ۹/۲ **خ** : چو باشه.

شمار دگرسانیها : خ = ۸ - طو = ۴ - یج فط = ۳ - سو = ۲ - عد = ۱ -

۲۰۰

۱ ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود   وین بحث با ثلاثهٔ غسّاله می‌رود

۲ می ده که نوعروس سخن حدّ حسن یافت   کار این زمان ز صنعت دلّاله می‌رود

۳ شکّر شکن شوند همه طوطیان هند   زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

۴ طی مکان ببین و زمان در سلوک شعر   کین طفل یکشبه ره یکساله می‌رود

۵ آن چشم جادوانهٔ عابد فریب بین   کش کاروان سحر ز دنباله می‌رود

۶ خوی کرده می‌خرامد و بر عارض سمن   از شرم روی او عرق از ژاله می‌رود

۷ از ره مرو به عشوهٔ دنیا که این عجوز   مکّاره می‌نشیند و محتاله می‌رود

۸ باد بهار می‌وزد از گلستان شاه   وز ژاله باده در قدح لاله می‌رود

۹ حافظ ز شوق مجلس سلطان غیاث دین   خامش مشو که کار تو از ناله می‌رود

---

۶ نسخه : یج خ نه سو صد تغ

ترتیب ابیات =									
سو صد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹
خ نه :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷	۸
تغ :	۱	۲	۳	۰	۵	۴	۶	۷	۸

۱/۲ **یج** : وین قصه.   ۲/۱ **خ** : نوعروس چمن.

۳/۱ **نه صد** : کنون طوطیان هند.   ۳/۲ **خ تغ** : قند فارسی.

۵/۱ **خ سو** : چشم آهوانه.

۶/۱ **سو** : بر عارضش ز لطف.   ۶/۲ **صد** : روی وی عرق ژاله می‌رود.

۷/۱ **نه** : از ره مشو. **یج خ سو** : به عشوهٔ دنیی.

۷/۲ **یج** : مکاره می‌نشیند و مکاره می‌رود. **نه** : مکاره می‌نماید و.

۹/۱ **یج** : سلطان جلال دین. **سو صد** : مجلس سلطان غیاث‌الدین.

۹/۲ **خ** : غافل مشو.

شمار دگرسانیها : خ = ۵ - یج سو = ۴ - نه صد = ۳ - تغ = ۱ -

۲۰۱

۱ ترسم که اشک بر غم ما پرده‌در شود — وین راز سر به مُهر به عالم سمر شود

۲ گویند سنگ لعل شود در مقام صبر — آری شود ولیک به خون جگر شود

۳ خواهم شدن به میکده گریان و دادخواه — کز دست غم خلاص من آنجا مگر شود

۴ از هر کرانه تیر دعا کرده‌ام روان — باشد کزان میانه یکی کارگر شود

۵ ای جان حدیث ما بر دلدار بازگوی — لیکن چنان مکن که صبا را خبر شود

۶ در تنگنای حیرتم از نخوت رقیب — یارب مباد آنکه گدا معتبر شود

۷ از کیمیای مهر تو زر گشت روی من — آری به یُمن لطف شما خاک زر شود

۸ بس نکته غیر حسن بباید که تا کسی — مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود

۹ این سرکشی که در سر سرو بلند توست — کی با تو دست کوته ما در کمر شود

۱۰ حافظ چو نافهٔ سر زلفش به دست توست — دم درکش ارنه باد صبا پرده در شود

(۱۱) این سرکشی که کنگرهٔ کاخ وصل راست — سرها بر آستانهٔ او خاکِ در شود

(۱۲) روزی اگر غمی رسدت تنگدل مباش — رو شکر کن مباد کزین هم بتر شود

۶ نسخه : **یج طو که خ عد فط**

ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	(۱۱)	(۱۲)
یج :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸	۰	۱۰	۹	۰
طو :	۱	۲	۰	۴	۰	۵	۶	۷	۳	۸	۰	۰
که :	۱	۲	۹	۳	۵	۶	۷	۸	۴	۱۱	۱۰	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹	۱۰	۰	۰
عد :	۱	۲	۵	۴	۶	۷	۹	۱۰	۳	۱۱	۰	۸
فط :	۱	۲	۰	۴	۵	۶	۷	۸	۳	۹	۰	۰

۱/۱ **خ** : در غم ما. ۲/۲ **یج** : آری شود ولی که. ۴/۲ **یج طو** : کزین میانه.

۵/۱ **عد** : ای دل. **خ** : بر دلدار بازگو. ۵/۲ **که خ** : لیکن چنان مگو.

۷/۱ **طو** : از کیمیای عشق تو. ۷/۲ **طو** : به یمن تربیتت.

۹/۱ **طو** : زین سرکشی. ۹/۲ **طو که** : دست کوته من. **خ** : سرها بر آستانهٔ او خاک در شود.

۱۰/۲ **طو خ عد فط** : باد صبا را خبر شود.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - خ = ۵ - یج که عد = ' - فط = ۱ -

۲۰۲

۱ گر من از باغ تو یک میوه بچینم چه شود — پیش پائی به چراغ تو ببینم چه شود

۲ یارب اندر کنف سایهٔ آن سرو بلند — گر من سوخته یک دم بنشینم چه شود

۳ آخر ای خاتم جمشید همایون آثار — گر فتد عکس تو بر لعل نگینم چه شود

۴ واعظ شهر چو مهر مَلِک و شحنه گزید — من اگر مهر نگاری بگزینم چه شود

۵ عقلم از خانه بدر رفت و اگر می این است — دیدم از پیش که در خانهٔ دینم چه شود

۶ صرف شد عمر گرانمایه به معشوقه و می — تا ازانم چه به پیش آید، ازینم چه شود

۷ خواجه دانست که من عاشقم و هیچ نگفت — حافظ ار نیز بداند که چنینم چه شود

---

۶ نسخه : **یج طو خ سز فخ صد**

ترتیب ابیات متن برابر است با : **یج خ صد**

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶
سز :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷
فخ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۲/۱ **طو** : سایهٔ این. **طو** : قصر بلند.

۳/۲ **خ** : بر نقش نگینم.

۴/۱ **طو سز فخ** : زاهد شهر. **طو** : چو میر و ملک و.

۵/۱ **خ فخ** : بدر رفت. **صد** : برون رفت. **خ صد** : وگرمی این است.

۶/۱ **یج** : عمر گرامی به می و معشوقه.

۷/۱ **یج** : هیچ نشد.

۷/۲ **طو** : حافظ ار نیز بدانم که چنینم چه شود.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - خ = ۳ - یج فخ صد = ۲ - سز = ۱ -

۲۰۳

۱ گرچه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود   تا ریا ورزد و سالوس مسلمان نشود
۲ رندی آموز و کرم کن که نه چندان هنر است   حیوانی که ننوشد می و انسان نشود
۳ گوهر پاک بباید که شود قابل فیض   ورنه هر سنگ و گِلی لؤلؤ و مرجان نشود
۴ اسم اعظم بکند کار خود ای دل خوش باش   که به تلبیس و حیل دیو سلیمان نشود
۵ عشق می‌ورزم و امّید که این فنّ شریف   چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود
۶ دوش می‌گفت که فردا بدهم کام دلت   سببی ساز خدایا که پشیمان نشود
۷ حسن خلقی ز خدا می‌طلبم خوی تو را   تا دگر خاطر ما از تو پریشان نشود
۸ ذرّه را تا نبوَد همّت عالی حافظ   طالب چشمهٔ خورشید درخشان نشود

---

۷ نسخه : **یج طو خ** مج نز عز صف

ترتیب ابیات برابر است با : **یج طو خ صف**

متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
مج :	۱	۲	۴	۳	۶	۵	۷	۸
نز عز :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸

۲/۱ **یج نز** : نه‌چندان هنری‌ست. **طو** : نه‌چندان چیزی‌ست.

۲/۲ **طو** : حیوانی که بنوشد می و.

۳/۱ **یج** : گوهری پاک.   ۳/۲ **طو** : ورنه سنگ و گل و لؤلؤ همه مرجان نشود.

۴/۲ **طو** : که به تزویر و حیل. **یج طو صف** : دیو مسلمان نشود.

۵/۱ **طو** : که این علم شریف.

۷/۱ **یج** : می‌طلبم حسن تو را. **عز** : می‌طلبم روی تو را.   ۷/۲ **طو** : تا دگر خاطر من.

۸/۲ **یج** : طالب چنبر خورشید. **نز** : درفشان نشود.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - یج = ۵ - نز = ۲ - عز صف = ۱ خ مج = ۰.

۱ بخت از دهان دوست نشانم نمی‌دهد — دولت خبر ز راز نهانم نمی‌دهد

۲ از بهر بوسه‌ای ز لبش جان همی دهم — اینم نمی‌ستاند و آنم نمی‌دهد

۳ مُردم ز اشتیاق و درین پرده راه نیست — یا هست و پرده‌دار نشانم نمی‌دهد

۴ زلفش کشید باد صبا چرخ سفله بین — کآنجا مجالِ بادِ وزانم نمی‌دهد

۵ چندانکه بر کنار چو پرگار می‌روم — دوران چو نقطه ره به میانم نمی‌دهد

۶ شکّر به صبر دست دهد عاقبت ولی — بد عهدی زمانه زمانم نمی‌دهد

۷ گفتم روم به خواب و ببینم خیال دوست — حافظ ز آه و ناله امانم نمی‌دهد

---

۸ نسخه : **یج طو خ نه قب سد فط صد**

ترتیب ابیات برابر است با : **یج طو خ نه قب صد**

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
سدفط :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۲/۲ **خ** : اینم همی ستاند و.

۳/۱ **طو** : مردم در اشتیاق و. **خ** : مردم درین فراق و. **خ** : دران پرده.

۵/۱ **طو** : جز آنکه. **یج طو نه** : برکناره. **سد** : درکنار. **خ** : چو پرگار می‌شدم.

۶/۱ **طو** : شکرت به صبر دست دهد. ۶/۲ **خ صد** : زمانه امانم نمی‌دهد.

۷/۱ **طو** : ببینم مر وصال دوست. **خ** : جمال دوست.

شمار دگرسانیها : خ = ۶ - طو = ۵ - یج نه سد صد = ۱ - قب فط = ۰.

۲۰۵

۱ بر سر آنم که گر ز دست بر آید　　دست به کاری زنم که غصّه سر آید
۲ منظر دل نیست جای صحبت اضداد　　دیو چو بیرون رود فرشته در آید
۳ صحبت حکّام ظلمت شب یلداست　　نور ز خورشید خواه بو که بر آید
۴ بر در ارباب بیمروّت دنیا　　چند نشینی که خواجه کی بدر آید
۵ ترک گدائی مکن که گنج بیابی　　از نظر رهروی که درگذر آید
۶ صالح و طالح متاع خویش نمودند　　تا که قبول افتد و چه در نظر آید
۷ بلبل عاشق تو عمر خواه که آخر　　باغ شود سبز و شاخ گُل به بر آید
۸ غفلت حافظ درین سراچه عجب نیست　　هر که به میخانه رفت بیخبر آید

---

۶ نسخه : **یج خ مج قب فط تغ**

ترتیب ابیات برابر است با ۶ نسخهٔ فوق

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

۲/۱ **خ** : خلوت دل نیست. **قب فط** : جای صحبت اغیار.

۳/۲ **خ** : نور ز خورشید جوی.

۴/۱ **فط** : بیمروت دنیی.

۶/۲ **مج** : تاکه قبول اوفتد. **خ** : که در نظر آید.

۷/۲ **مج** : شود سبز و سرخ گل. **یج** : شاخ گل بدر آید.

شمار دگرسانیها : خ = ۳ - مج فط = ۲ - یج قب = ۱ - تغ = ۰ -

۱ دست از طلب ندارم تا کام من بر آید　　یا تن رسد به جانان یا جان ز تن بر آید

۲ بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر　　کز آتش درونم دود از کفن بر آید

۳ بنمای رو که خلقی واله شوند و حیران　　بگشای لب که فریاد از مرد و زن بر آید

۴ جان بر لب است و حسرت در دل که از لبانش　　نگرفته هیچ کامی جان از بدن بر آید

۵ از حسرت دهانش آمد به تنگ جانم　　خود کام تنگدستان کی زان دهن بر آید

۶ بر بوی آنکه در باغ یابد گلی چو رویت　　آید نسیم و هر دم گرد چمن بر آید

۷ گویند ذکر خیرش در خیل عشقبازان　　هرجا که نام حافظ در انجمن بر آید

---

۶ نسخه : یج که خ مج سو حک

ترتیب ابیات =

مج سو حک :	.	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج که :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶

۲/۲ **یج** : دود از دهن برآید.

۳/۱ **خ** : بنمای رخ.

۴/۱ **مج** : حیرت در دل. **سو** : که از دهانش.

۵/۱ **یج** : از حیرت دهانش. **حک** : از حسرت دهانت.

۵/۲ **سو** : خودکام تنگدستان کی زان دهان برآید.

۶/۱ **حک** : بر بوی آنکه روزی. **یج که** : یابد جلا ز رویت.

۶/۲ **یج** : آید نسیم و همدم گر در چمن برآید.

۷/۲ **یج مج** : از انجمن برآید.

شمار دگرسانیها : یج = ۵ - مج سو حک = ۲ - خ که = ۱ -

(نسخهٔ طو این غزل را ندارد و نسخهٔ حیـ ۷ اختلاف با متن دارد.)

۲۰۷

۱ چو آفتاب می از مشرق پیاله بر آید / ز باغ عارض ساقی هزار لاله بر آید
۲ نسیم در سر گل بشکند کُلالهٔ سنبل / چو از میان چمن بوی آن کلاله بر آید
۳ حکایت شب هجران نه آن شکایت حال است / که شمّه‌ای ز بیانش به صد رساله بر آید
۴ ز گرد خوان نگون فلک طمع نتوان داشت / که بی ملالت صد غصّه یک نواله بر آید
۵ گرت چو نوح نبی صبر هست در غم طوفان / بلا بگردد و کام هزار ساله بر آید
۶ به سعی خود نتوان برد ره به گوهر مقصود / خیال بود که این کار بی حواله بر آید
۷ نسیم وصل تو گر بگذرد به تربت حافظ / ز خاک کالبدش صد هزار ناله بر آید

---

۷ نسخه : **یج طو کد خ نز فط صد**

متن = **یج‌طوکد**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خ صد	:	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷
نز	:	۱	۲	۳	۶	۵	۴	۷
فط	:	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷

۱/۲ **یج** : ز باغ عارض ساقی هزار ناله برآید.

۲/۲ **نز** : چو در میان چمن.

۳/۱ **طو** : نه آن حدیث دراز است. **خ** : نه آن حکایت حالی‌ست.

۴/۱ **طو** : ز گرد خوان نگون فلک مدار طمع

۵/۱ **یج طو** : صبر هست بر طوفان.

۶/۱ **یج خ** : به سعی خود نتوان برد گوهر مقصود.

طو نز : به سعی خود نتوانست برد گوهر مقصود.

کد : به سعی خود نتوان برد ره [به] گوهر مقصود.

صد : به سعی خود نتوان یافت گوهر مقصود.

۶/۲ **خ فط** : خیال باشد کین کار. **صد** : بود خیال که این کار.

۷/۱ **طو** : نسیم لطف تو. **خ فط** : نسیم زلف تو **خ** : چون بگذرد.

۷/۲ **خ** : صد هزار لاله برآید.

شمار دگرسانیها : خ = ۶ - طو = ۵ - یج = ۳ - نز فط صد = ۲ - کد = ۱ -

۱ گفتم غم تو دارم، گفتا غمت سر آید — گفتم که ماه من شو، گفتا اگر بر آید

۲ گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز — گفتا ز ماهرویان این کار کمتر آید

۳ گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم — گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید

۴ گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد — گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

۵ گفتم خوشا هوائی کز باغ عشق خیزد — گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید

۶ گفتم دل رحیمت کی عزم صلح دارد؟ — گفتا مگوی با کس تا وقت آن در آید

۷ گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کُشت — گفتا تو بندگی کن کو بنده پرور آید

۸ گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آمد؟ — گفتا خموش حافظ کین غصّه هم سر آید

---

۶ نسخه : **یج طو خ نز سز عد**

متن = نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج طو عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷
خ سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸

۲/۱ **طو** : گفتم ز عشقبازان. **سز** : گفتم ز مهربانان

۲/۲ **طو خ** : گفتا ز خوبرویان.

۴/۱ **طو** : گفتم هوای زلفت.

۵/۱ **یج** : کز باغ حسن. **خ** : کز باد صبح. **عد** : کز باغ عیش.

۶/۲ **نز** : گفتا به کس مگو این.

شمار دگرسانیها : طو = ۳ - خ = ۲ - یج نز سز عد = ۱ -

۱ زهی خجسته زمانی که یار باز آید — به کام غمزدگان غمگسار باز آید
۲ به پیش شاه خیالش کشیدم ابلق چشم — بدان امید که آن شهسوار باز آید
۳ در انتظار خدنگش همی پرد دل صید — خیال آنکه به رسم شکار باز آید
۴ مقیم بر سر راهش نشسته‌ام چون گرد — بدان هوس که بدین رهگذار باز آید
۵ اگر نه در خم چوگان او رود سر من — ز سر چه گویم و سر خود چه کار باز آید
۶ دلی که با سر زلفین او قراری کرد — گمان مبر که دران دل قرار باز آید
۷ سرشک من نزند موج بر کنار چو بحر — اگر میان ویَم در کنار باز آید
۸ چه جورها که کشیدند بلبلان از دی — به بوی آنکه دگر نوبهار باز آید
۹ ز نقشبند قضا هست امید آن، حافظ — که همچو نقش به دست آن نگار باز آید

۵ نسخه : **یج خ مج نز فط**
ترتیب ابیات متن برابر است با : **یج مج فط**

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
خ :	۱	۲	۰	۴	۳	۵	۰	۶	۷
نز :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۰	۶	۷

۲/۱ **خ** : به پیش خیل خیالش.
۳/۱ **نز** : در انتظار کمندش.
۳/۲ **مج** : به عزم شکار. **نز** : به وهم آن شکار.
۴/۲ **یج** : که بدان رهگذار. **مج** : که درین رهگذار.
۵/۲ **خ** : ز سر نگویم و.
۶/۱ **خ مج نز** : قراری داد. ۶/۲ **خ** : بدان دل قرار.
۷/۱ **مج** : نزند موج در کنار. **فط** : نزند در کنار موج.
۸/۱ **یج مج** : بلبلان از گل. **فط** : بلبلان ز خزان.
۹/۲ **یج خ نز فط** : که همچو سرو. **یج فط** : به دستت نگار. **خ** : به دستم نگار.
شمار دگرسانیها : خ = ۶ - مج = ۵ - یج نز فط = ۴ -

۲۱۰

۱ اگر آن طایر قدسی ز درم باز آید — عمر بگذشته به پیرانه سرم باز آید
۲ دارم امّید برین اشک چو باران که دگر — برق دولت که برفت از نظرم باز آید
۳ آنکه تاج سر من خاک کف پایش بود — از خدا می‌طلبم تا به سرم باز آید
۴ خواهم اندر عقبش رفت و به یاران عزیز — شخصم ار باز نیاید خبرم باز آید
۵ گر نثار قدم یار گرامی نکنم — گوهر جان به چه کار دگرم باز آید
۶ مانعش غلغل چنگ است و شکر خواب صبوح — ورنه گر بشنود آه سحرم باز آید
۷ کوس نو دولتی از بام سعادت بزنم — گر ببینم که مه نو سفرم باز آید
۸ آرزومند رخ یار چو ماهم حافظ — همّتی تا به سلامت ز درم باز آید

۷ نسخه : **یج خ عد فط صف پذ تغ**

ترتیب ابیات =

تغ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج فط :	۱	۲	۴	۶	۳	۷	۵	۸
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸
عد :	۱	۲	۳	۵	۰	۶	۴	۷
صف :	۱	۲	۳	۶	۵	۷	۴	۸
پذ :	۱	۲	۴	۷	۳	۶	۵	۸

۲/۱ **پذ** : بدین اشک. **عد** : به این اشک. **یج** : که اگر.
۳/۲ **تغ** : پادشاهی بکنم گر به سرم باز آید.
۴/۱ **پذ** : خواهم اندر قدمش. **خ پذ** : رفت به یاران عزیز.
۵/۲ **صف** : جوهر جان.
۶/۱ **یج** : غلغل گل گشت و. ۶/۲ **پذ** : ور نه چون بشنود.
۷/۲ **پذ** : که ببینم که مه.
۸/۱ **یج خ عد فط صف تغ** : شاه چو ماهم.
۸/۲ **عد** : همتی تا به سلامت به سرم بازآید.
شمار دگرسانیها : پذ = ۵ - یج عد = ۳ - خ صف تغ = ۲ - فط = ۱ -

۱ مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید — که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید
۲ از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش — زده‌ام فالی و فریادرسی می‌آید
۳ ز آتش وادی ایمن نه منم خرّم و بس — موسی آنجا به امیدِ قبسی می‌آید
۴ هیچکس نیست که در کوی تواش کاری نیست — هرکس آنجا به طریق هوسی می‌آید
۵ کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست — اینقدر هست که بانگ جرسی می‌آید
۶ دوست را گر سر پرسیدن بیمار غم است — گو بران خوش، که هنوزش نفسی می‌آید
۷ خبر بلبل این باغ بپرسید که من — ناله‌ای می‌شنوم کز قفسی می‌آید
۸ جرعه‌ای ده که به میخانهٔ ارباب کرم — هر حریفی ز پیِ مُلتمسی می‌آید
۹ یار دارد سر آزردن حافظ یاران — شاهبازی به شکار مگسی می‌آید

---

۶ نسخه : **یج طو مج عد فط صف**

ترتیب ابیات =

مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۶	۹
عد :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷	۸
فط :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۸	۵	۹
صف :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸	۹

۲/۱ **مج** : ناله و فریاد که من.

۳/۱ **طو** : نه منم خسته و بس. ۳/۲ **مج عد صف** : موسی اینجا.

۴/۲ **صف** : هر کس اینجا.

۷/۱ **فط صف** : میپرسید که من.

۸/۱ **طو** : ز میخانهٔ ارباب کرم.

۹/۱ **مج** : سر پرسیدن حافظ. **عد** : سر صید دل حافظ.

طو : اینهمه بار ستم بر دل حافظ چه زنند.

شمار دگرسانیها : طو مج صف = ۳ - عد = ۲ - فط = ۱ - یج = ۰ (بیت ۸ را ندارد.)

۱ نفس بر آمد و کام از تو بر نمی‌آید — فغان که بخت من از خواب در نمی‌آید
۲ صبا به چشم من انداخت خاکی از کویت — که آب زندگیم در نظر نمی‌آید
۳ قد بلند تو را تا به بر نمی‌گیرم — درخت کام و مُرادم به بر نمی‌آید
۴ مگر به روی دلارای یار ما ورنی — به هیچ وجه دگر کار بر نمی‌آید
۵ مقیم زلف تو شد دل که خوش سوادی دید — وزان غریب بلاکش خبر نمی‌آید
۶ ز شست صدق گشادم هزار تیر دُعا — ولی چه سود یکی کارگر نمی‌آید
۷ کمینه شرط وفا ترک سر بود حافظ — برو اگر ز تو کار اینقَدَر نمی‌آید

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز حک تغ**

مربوط به ابیات غزل ۲۱۳

									۲	۴	۶
متن = **یج حک**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰	۰
طو	:	۱	۰	۲	۴	۳	۵	۶	۰	۰	۰
خ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۸	۷	۹
مج نز	:	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۹	۶	۷	۰
تغ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۹	۶	۸	۰

۲/۱ **یج خ** : خاکی از کویش.
۴/۱ **طو** : مگر ز روی دلآرای یار ما ور نه.
۴/۲ **طو** : مرا کار بر نمی‌آید.
۵/۱ **یج** : خوش هوائی دید.
۶/۱ **یج طو نز تغ** : ز شصت صدق. **طو** : گشودم هزار.
۶/۲ **طو** : وزان میانه یکی.
۷/۲ **یج** : برو برو ز تو این کار اگر نمی‌آید.
شمار دگرسانیها : **طو** = ۵- **یج** = ۴- **خ نز تغ** = ۱- **مج حک** = ۰

۱ ز دل بر آمدم و کار بر نمی‌آید	ز خود برون شدم و یار در نمی‌آید
۲ درین خیال به سر شد زمان عمر و هنوز	بلای زلف درازت به سر نمی‌آید
۳ چنان به حسرت خاک در تو می‌میرم	که آب زندگیم در نظر نمی‌آید
۴ بسم حکایت دل هست با نسیم سحر	ولی به بخت من امشب سحر نمی‌آید
۵ فدای دوست نکردیم عمر و مال، دریغ	که کار عشق ز ما اینقَدَر نمی‌آید
۶ ز بسکه شد دل حافظ رمیده از همه کس	کنون ز حلقهٔ زلفت بدر نمی‌آید

۶ نسخه : یج مج نز عز صف تغ

ترتیب ابیات = نز صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶
یج مج عز تغ :	۱	۲	۳	۴	۶	۷

(در این چهار نسخه بیت ۴ غزل ۲۱۲ در سطر ۵ تکرار شده است.)

۱/۲ یج : ز خود برون شدم و یا[ر] درنمی‌آید.
نز : فغان که بخت من از خواب درنمی‌آید.
۲/۱ صف : دریغ عمر و هنوز
۲/۲ نز عز : بلای زلف سیاهت. تغ : بنای زلف سیاهت.
۵/۲ یج : که کار عشق به من.
۶/۱ یج تغ : رمیده از هرکس. ۶/۲ نز عز : کنون ز حلقهٔ زلفش.
شمار دگرسانیها : یج نز = ۳ - عز تغ = ۲ - صف = ۱ - مج = ۰ -

۱ اگر به بادهٔ مشکین کشد دلم شاید — که بوی خیر ز زهدِ ریا نمی‌آید
۲ جهانیان همه گر منع من کنند از عشق — من آن کنم که خداوندگار فرماید
۳ طمع ز فیض کرامت مبُر که خلق کریم — گنه ببخشد و بر عاشقان ببخشاید
۴ مقیم حلقهٔ ذکر است دل بدان امّید — که حلقه‌ای ز سر زلف یار بگشاید
۵ تو را که حسن خدا داده هست و حجلهٔ بخت — چه حاجت است که مشّاطه‌ات بیاراید
۶ چمن خوش است و هوا دلکش است و می بی‌غش — کنون بجز دل خوش هیچ در نمی‌باید
۷ جمیله‌ای‌ست عروس جهان ولی هش‌دار — که این مخدّره در عقد کس نمی‌پاید
۸ به لابه گفتمش ای ماهرخ چه باشد اگر — به یک شکر ز تو دلخسته‌ای بیاساید؟
۹ به خنده گفت که حافظ خدای را مپسند — که بوسهٔ تو رخِ ماه را بیالاید

---

۶ نسخه : **یج طو خ مج فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۴ نسخهٔ فوق (بجز طو فط).

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو	:	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۰	۶	۷
فط	:	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷	۸

۱/۱ **طو خ فط صف** : دلم کشد. ۱/۲ **مج** : زهد و ریا.

۲/۱ **یج طو** : جهانیان همه گو. **یج** : منع می‌کنید. **طو** : منع من کنید.

۷/۲ **یج مج** : در عهد کس. **یج خ صف** : نمی‌آید.

۸/۲ **صف** : به بوسه‌ای ز تو.

۹/۱ **فط** : جواب گفت.

شمار دگرسانیها : یج = ۴ - طو صف = ۳ - خ مج فط = ۲ -

۲۱۵

۱ معاشران ز حریف شبانه یاد آرید　　حقوق بندگی مخلصانه یاد آرید
۲ به وقت سرخوشی از آه و نالهٔ عشّاق　　به صوت نغمهٔ چنگ و چغانه یاد آرید
۳ چو لطف باده کند جلوه در رخ ساقی　　ز عاشقان به سرود و ترانه یاد آرید
۴ چو در میان مراد آورید دست امید　　ز عهد صحبتِ ما در میانه یاد آرید
۵ نمی‌خورید زمانی غم وفاداران　　ز بیوفائی دوْر زمانه یاد آرید
۶ سمند دولت اگر چند سرکش است ولی　　ز همرهان به سرِ تازیانه یاد آرید
۷ به وجه مرحمت ای ساکنان صدر جلال　　ز روی حافظ و این آستانه یاد آرید

---

۷ نسخه : یج طو خ　نح عد عز صف

		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
متن = عد عز صف	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶
طو	:	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷
خ	:	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷
نح	:	۱	۲	۴	۳	۷	۵	۶

۲/۱ **یج** : از راه نالهٔ عشاق.　**طو** : از بینوائی عاشق.
۲/۲ **خ صف** : به صوت و نغمهٔ.
۳/۲ **طو عز** : ز زهد من.
۵/۱ **طو عد** : نمی‌خورند زمانی.　**یج** : غم وفاداری.
۶/۱ **خ** : اگر چند سرکشیده رود.
۷/۱ **طو** : به وقت مرحمت.　**یج** : ای سالکان صدر جلال.
۷/۲ **یج** : ز روی حافظ این آستانه.　**طو** : حافظ و آن آستانه.
شمار دگرسانیها : طو=۵- یج=۴- خ=۲- عد عز صف=۱- نح=۰-

۲۱۶

۱ ابر آذاری بر آمد باد نوروزی وزید — وجه می می‌خواهم و مطرب، که می‌گوید رسید؟

۲ شاهدان در جلوه و من شرمسار کیسه‌ام — ای فلک این شرمساری تا به کی باید کشید

۳ قحط جود است آبروی خود نمی باید فروخت — باده و گل از بهای خرقه می‌باید خرید

۴ گوئیا خواهد گشود از دولتم کاری که دوش — من همی کردم دعا و صبح صادق می‌دمید

۵ با لبیّ و صد هزاران خنده آمد گل، بپرس — کز کریمی گوئیا در گوشه‌ای بوئی شنید

۶ دامنی گر چاک شد در عالم رندی چه باک — جامه‌ای در نیکنامی نیز می‌باید درید

۷ آن لطایف کز لب لعل تو من گفتم که گفت؟ — وان تطاول کز سر زلف تو من دیدم که دید؟

۸ تیر عاشق کش ندانم بر دل حافظ که زد — اینقَدَر دانم که از شعر تَرش خون می‌چکید

۹ عدل سلطان گر نپرسد حال مظلومان عشق — گوشه گیران را ز آسایش طمع باید برید

---

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز صف**

ترتیب ابیات =										
یج صف :	۱	۲	۳	۴	۵		۶		۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۴	۵/۱	۶/۲	۶/۱	۵/۲	۷	۸	۰
خ مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵		۶		۷	۹	۸

۱/۱ **طو** : ابر نیسانی برآمد.

۲/۲ **طو** : تاکیم باید کشید. **یج مج نز** : بار عشق و مفلسی صعب است و می‌باید کشید.

خ : بار عشق و مفلسی صعب است می‌باید کشید.

۴/۲ **نز** : من همی خواندم دعا و.

۵/۱ **خ صف** : آمد گل به باغ. **طو** : خنده گل آمد برش.

۵/۲ **خ صف** : از کریمی گوئیا.

۶/۱ **طو** : جامه‌ای گر چاک شد.

۷/۱ **یج صف** : این لطافت. **خ** : این لطایف.

۷/۲ **طو** : آن تطاول. **خ** : وین تطاول.

۹/۱ **نز** : مظلومان درد.

شمار دگرسانیها : طو خ =۵- نز صف =۳- یج =۲- مج =۱-

۱ بیا که رایت منصور پادشاه رسید   نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید
۲ جمال بخت ز روی ظفر نقاب انداخت   کمال عدل به فریاد دادخواه رسید
۳ سپهر، دوْرِ خوش اکنون زند که ماه آمد   جهان به کام دل اکنون رسد که شاه رسید
۴ ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن   قوافل دل و دانش که مرد راه رسید
۵ عزیز مصر به رَغم برادران غیور   ز قعر چاه بر آمد به اوج جاه رسید
۶ کجاست صوفی دجّال فعل ملحد شکل   بگو بسوز که مهدیّ دین پناه رسید
۷ صبا بگو که چه‌ها بر سرم درین غم عشق   ز آتش دل سوزان و دود آه رسید
۸ ز شوق روی تو شاها بدین اسیر فراق   همان رسید کز آتش به روی کاه رسید
۹ مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول   ز ورد نیمشب و درس صبحگاه رسید

---

۶ نسخه : یج خ مج قب صف حص
ترتیب ابیات متن برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (سوای حص).

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
حص :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۸	۹

۱/۲ یج : نوید فتح و ظفر تا به مهر و ماه رسید.
۳/۱ خ : اکنون کند.   ۳/۲ یج : به کام دل اکنون بشد.
۵/۲ یج خ قب صف : به اوج ماه رسید.
۶/۱ یج : دجال کیش. حص : ملحد کیش.
۷/۱ حص : ازین غم عشق.
۸/۱ قب صف : تو شبها.   خ قب صف : به برگ کاه.
۹/۲ مج : ز یمن ورد شب و. حص : آه صبحگاه.
شمار دگرسانیها : یج = ۴ - خ قب صف حص = ۳ - مج = ۱ -

۲۱۸

۱ رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید — وظیفه گر برسد مصرفش گل است و نبید

۲ صفیر مرغ برآمد، بط شراب کجاست؟ — فغان فتاد به بلبل نقاب گل که کشید؟

۳ ز روی ساقی مهوش گلی بچین امروز — که گرد عارض بستان خط بنفشه دمید

۴ چنان کرشمهٔ ساقی دلم ز دست ببرد — که باکسی دگرم نیست برگ گفت و شنید

۵ من این مرقّع رنگین چو گل بخواهم سوخت — که پیر باده فروشش به جرعه‌ای نخرید

۶ عجایب ره عشق ای رفیق بسیار است — ز پیش آهوی این دشت شیر بیشه رمید

۷ به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم — که گم شد آنکه درین ره به رهبری نرسید

۸ مکن ز غصه شکایت که در طریق طلب — به راحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید

۹ ز میوه‌های بهشتی چه ذوق دریابد — هر آنکه سیب زنخدان شاهدی نگزید

۱۰ خدای را مددی ای دلیل راه حرم — که نیست بادیهٔ عشق را کرانه پدید

۱۱ گلی نچید ز بستان آرزو حافظ — مگر نسیم مروّت درین هوا نوزید

---

(۱۲) بهار می‌گذرد دادگسترا دریاب — که رفت موسم و حافظ هنوز می نچشید

(۱۳) شراب نوش کن و جام زر به حافظ بخش — که پادشه به کرم جرم صوفیان بخشید

۸ نسخه : یج طو خ مج نز قب عز فخ

ترتیب ابیات =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	(۱۲)	(۱۳)
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۰	۰
طو :	۱	۰	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۰	۷	۰	۸	۰
خ :	۱	۲	۵	۶	۷	۰	۰	۴	۳	۰	۰	۸	۰
مج :	۱	۲	۳	۷	۴	۵	۶	۹	۸	۱۰	۰	۰	۱۱
نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۶	۷	۰	۹	۰	۰	۱۰
قب :	۱	۲	۳	۴	۵	۱۰	۷	۸	۶	۹	۱۱	۱۲	۱۳
عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۱۰	۶	۸	۷	۹	۰	۱۱	۰
فخ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸	۱۰	۰	۰	۱۱

۴/۲ **طو** : که باکس دگرم. ۶/۲ **یج** : شیر نر بدوید. **مج نز عز** : شیر نر برمید. **فخ** : شیر شرزه رمید.
۷/۲ **طو** : به منزلی نرسید. ۸/۱ **خ عز** : در طریق ادب. ۹/۲ **فخ** : کسی که.
یج : سیب زنخدان شاهدان نگزید. ۱۰/۲ **مج** : بادیهٔ شوق را. **طو قب** : کناره پدید.
(۱۳/۱) **قب** : به رندان بخش. (۱۳/۲) **قب** : جرم بندگان.
شمار دگرسانیها : طو قب =۳- یج مج عز فخ =۲- خ نز =۱-

۲۱۹

۱ بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید — از یار آشنا نفس آشنا شنید

۲ ای شاه حسن چشم به حال گدا فکن — کین گوش بس حکایت شاه و گدا شنید

۳ خوش می‌کنم به بادهٔ مشکین مشام جان — کز دلق پوش صومعه بوی ریا شنید

۴ سرّ خدا که عارف سالک به کس نگفت — در حیرتم که باده فروش از کجا شنید

۵ یارب کجاست محرم رازی که یک زمان — دل شرح آن دهد که چه گفت و چه‌ها شنید

۶ اینش سزا نبود دل حقگزار من — کز غمگسار خود سخن ناسزا شنید

۷ محروم اگر شدم ز سر کوی او چه شد — از گلشن زمانه که بوی وفا شنید؟

۸ ساقی بیا که عشق ندا می‌کند بلند — کآنکس که گفت قصّهٔ ما، هم ز ما شنید

۹ ما باده زیر خرقه نه امروز می‌کشیم — صد بار پیر میکده این ماجرا شنید

۱۰ ما مِی به بانگ چنگ نه امروز می‌خوریم — بس دوْر شد که گنبد چرخ این صدا شنید

۱۱ پند حکیم عین صواب است و محض خیر — فرخنده بخت آنکه به سمع رضا شنید

۱۲ حافظ وظیفهٔ تو دعا گفتن است و بس — در بندِ آن مباش که نشنید یا شنید

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نه عز فخ**

ترتیب ابیات = **خ نه**	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
یج	۱	۴	۵	۸	۳	۲	۱۰	۹	۶	۷	۱۱	۱۲
طو	۱	۲	۶	۴	۰	۰	۵	۰	۰	۳	۰	۷
مج	۱	۲	۶	۴	۱۰	۹	۱۱	۵	۸	۷	۳	۱۲
عز	۱	۲	۰	۴	۵	۶	۱۰	۷	۸	۹	۳	۱۱
فخ	۱	۲	۶	۴	۱۱	۱۰	۹	۵	۸	۷	۳	۱۲

۱/۲ **یج خ نه** : سخن آشنا. **فخ** : خبر آشنا.

۳/۱ **فخ** : به بادهٔ صافی.

۴/۱ **یج** : که عارف عاشق. **عز** : که عارف صادق.

۵/۲ **یج** : که چه دید و.

۶/۱ **یج** : دل حقشناس من. **خ** : دل حقگذار من.

۷/۱ **طو** : ز سر کوی تو.

۹/۱ **خ** : ما باده زیر خرقه نه امرور می‌خوریم.

۹/۲ **عز** : صد باره پیر میکده.

۱۰/۱ **خ** : ما می به بانگ چنگ نه امروز می‌کشیم.

۱۱/۱ **خ** : محض صواب است و عین خیر.

۱۱/۲ **خ نه** : فرخنده آنکسی که.

شمار دگرسانیها : خ = ۶ - یج = ۴ - نه عز فخ = ۲ - طو = ۱ - مج = ۰ -

۲۲۰

۱ معاشران گره از زلف یار باز کنید — شبی خوش است بدین قصّه‌اش دراز کنید
۲ حضور خلوت انس است و دوستان جمعند — و ان یکاد بخوانید و در فراز کنید
۳ رباب و چنگ به بانگ بلند می‌گویند — که گوش هوش به پیغام اهل راز کنید
۴ به جان دوست که غم پرده بر شما ندرد — گر اعتماد بر الطاف کار ساز کنید
۵ میان عاشق و معشوق فرق بسیار است — چو یار ناز نماید شما نیاز کنید
۶ نخست موعظهٔ پیر صحبت این حرف است — که از مصاحب ناجنس احتراز کنید
۷ هر آنکسی که درین حلقه نیست زنده به عشق — بر او نمرده به فتوای من نماز کنید
۸ و گر طلب کند انعامی از شما حافظ — حوالتش به لب یار دلنواز کنید

---

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز صد**

ترتیب ابیات = **یج خ صد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸

۱/۱ **یج طو نز** : گره زلف یار.
۱/۲ **یج** : شبی خوش است و. **صد** : شب خوش است.
یج : وصلتش. **طو مج نز صد** : وصله‌اش.
۲/۱ **طو** : مجلس انس است و. **یج** : دوستان حاضر.
۲/۲ **یج** : و ان یکاد بخوانید و در از فراز کنید.
۳/۱ **یج** : به بانگ بلند می‌گوید.
۵/۱ **مج** : راز بسیار است.
۶/۱ **یج** : پیر مجلس این نکته است.
۷/۱ **مج نز** : درین خانه. **یج** : نیست زندهٔ عشق. **طو** : هست زندهٔ عشق.
۷/۲ **طو مج نز** : بر او بمرده.
۸/۱ **یج طو** : اگر طلب کند.
شمار دگرسانیها : یج = ۹ - طو = ۶ - مج نز = ۴ - صد = ۲ - خ = ۰ -

۱ ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر | زار و بیمار غمم راحت جانی به من آر
۲ قلب بی‌حاصل ما را بزن اکسیر مراد | یعنی از خاک در دوست نشانی به من آر
۳ در کمینگاه نظر با دل خویشم جنگ است | زابرو و غمزهٔ او تیر و کمانی به من آر
۴ در غریبیّ و فراق و غم دل پیر شدم | ساغری می ز کف تازه جوانی به من آر
۵ منکران را هم ازین می دو سه ساغر بچشان | وگر ایشان نستانند روانی به من آر
۶ ساقیا عشرت امروز به فردا مفکن | یا ز دیوان قضا خطّ امانی به من آر
۷ دلم از پرده بشد دوش که حافظ می‌گفت | ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر

۸ نسخه : **یج طو کد خ مج ند نز عز**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۶ نسخهٔ فوق (سوای طو کد).

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶
کد :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶

۳/۱ **مج** : با دل ریشم.

۳/۲ **یج** : ز ابروی [ ] غمزهٔ او. **نز** : ز ابروی و غمزهٔ او.

۴/۱ **طو** : فراق و غم او. **عز** : فراق از غم دل.

۴/۲ **طو خ ند عز** : ساغر می.

۷/۱ **یج خ** : از دست بشد دوش. **طو خ** : چو حافظ.

یج : می‌خواند. **طو** : برخواند.

۷/۲ **خ** : کای صبا.

شمار دگرسانیها : طو خ = ۴ - یج = ۳ - عز = ۲ - مج ند نز = ۱ - کد = ۰ (بیت ۴ را ندارد).

۲۲۲

۱ صبا ز منزل جانان گذر دریغ مدار — وز او به عاشق مسکین خبر دریغ مدار

۲ به شکر آنکه شکفتی به کام بخت ای گل — نسیم وصل ز مرغ سحر دریغ مدار

۳ حریف عشق تو بودم چو ماه نو بودی — کنون که ماه تمامی نظر دریغ مدار

۴ کنون که چشمهٔ نوش است لعل شیرینت — سخن بگوی و ز طوطی شکر دریغ مدار

۵ جهان و هرچه در او هست سهل و مختصر است — ز اهل معرفت این مختصر دریغ مدار

۶ مکارم تو به آفاق می‌برد شاعر — ازو وظیفهٔ زاد سفر دریغ مدار

۷ چو ذکر خیر طلب می‌کنی سخن این است — که در بهای سخن سیم و زر دریغ مدار

۸ غبار غم برود حال خوش شود حافظ — تو آب دیده ازین رهگذر دریغ مدار

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج نز سز فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۶ نسخهٔ فوق (سوای یج خ)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج :	۱	۲	۰	۳	۴	۰	۵	۶
خ :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸

۱/۱ **طو** : جانان نظر دریغ مدار. ۱/۲ **یج طو خ** : به عاشق بیدل.

۲/۱ **صف** : به کام دل.

۴/۱ **طو** : کنون کرشمهٔ لعل است قند نوشینت.

یج خ سز فط : چشمهٔ قند است لعل نوشینت.

۶/۲ **خ فط صف** : وظیفه و زاد سفر.

۸/۱ **مج** : حال به شود حافظ.

شمار دگرسانیها : طو خ = ۳ - یج فط صف = ۲ - مج سز = ۱ - نز = ۰ -

۲۲۳

۱ الا ای طوطی گویای اسرار / مبادا خالیَت شکّر ز منقار
۲ سرت سبز و دلت خوش باد جاوید / که خوش نقشی نمودی از خط یار
۳ سخن سربسته گفتی با حریفان / خدا را زین معمّا پرده بردار
۴ به روی ما زن از ساغر گلابی / که خواب‌آلوده‌ایم ای بخت بیدار
۵ چه ره بود این که زد در پرده مطرب / که می‌رقصند با هم مست و هشیار
۶ خرد هر چند نقد کاینات است / چه سنجد پیش عشق کیمیا کار
۷ سکندر را نمی‌بخشند آبی / به زور و زر میسّر نیست این کار
۸ بیا و حال اهل درد بشنو / به لفظ اندک و معنیّ بسیار
۹ به مستوران مگو اسرار مستی / حدیث جان مپرس از نقش دیوار
۱۰ به یمن رایت منصور شاهی / عَلَم شد حافظ اندر نظم اشعار

(۱۱) ازین افیون که ساقی در می افکند / حریفان را نه سر ماند و نه دستار
(۱۲) بت چینی عدوی دین و دلهاست / خداوندا دل و دینم نگه‌دار
(۱۳) خداوندی بجای بندگان کرد / خداوندا ز آفاتش نگه‌دار

۷ نسخه : یج طو خ مج عد عز فط

ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	(۱۱) ۰	(۱۲) ۰	(۱۳) ۰
یج طو خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۷	۸	۱۰	۱۱	۶	۹	۱۲
عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۹	۱۰	۸	۱۲	۶	۱۱	۱۳
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۹	۱۰	۱۲	۶	۱۱	۱۳
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۷	۸	۹	۱۰	۶	۰	۱۱
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۹	۱۰	۸	۱۱	۵	۹	۰

۲/۲ **طو** : که خوش رمزی نمودی. ۵/۲ **فط** : می‌رقصند در هم. ۹/۲ **خ** : مگو با نقش دیوار.
۱۰/۱ **یج طو خ** : دولت منصور شاهی. **عد** : دولت سلطان غضنفر.
(۱۱/۱) **طو** : ازین افسون. **خ** : ازان افیون. (۱۱/۲) **طو خ عد عز** : نه سر ماند نه دستار.
(۱۲/۱) **یج** : عدو و شیخ ما مست. **طو** : عدو دین و ما مست. **مج** : عدوی دین ماست.
(۱۲/۲) **یج طو** : دل اندر دام و میر صید غدار.
(۱۳/۲) **یج عز** : خداوندا از آفاتش نگه دار. **مج** : خداوندا نگه دارش ز اشرار.
شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج خ = ۴ - مج عد عز = ۲ - فط = ۱ -

۱ عید است و آخر گل و یاران در انتظار ساقی به روی شاه ببین ماه و می بیار

۲ دل برگرفته بودم از ایّام گل ولی کاری بکرد همّت پاکان روزه‌دار

۳ فرصت شمار عشرت و بشنو به گوش هوش از فیضِ جام قصّهٔ جمشید کامگار

۴ جز نقد جان به دست ندارم شراب کو؟ کان نیز بر کرشمهٔ ساقی کنم نثار

۵ خوش دولتی‌ست خرّم و خوش خسروی کریم یا رب ز چشم زخم زمانش نگاه‌دار

۶ می خور به شعر بنده که زیبی دگر دهد جام مرصّع تو بدین دُرِّ شاهوار

۷ زانجا که پرده پوشی عفو کریم توست بر قلب ما ببخش که نقدی‌ست کم عیار

۸ ترسم که روز حشر عنان بر عنان رود تسبیح ما و خرقهٔ رند شرابخوار

۹ حافظ چو رفت روزه و گل نیز می‌رود ناچار باده نوش که از دست رفت کار

---

(۱۰) گر فوت شد سحور چه نقصان صبوح هست از می کنند روزه‌گشا طالبان یار

۶ نسخه : **یج طو خ نه قب فخ**

ترتیب ابیات =										
یج نه :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	(۱۰) ۰
طو :	۱	۰	۳	۰	۲	۴	۵	۶	۷	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۱۰	۷
قب :	۱	۲	۵	۴	۶	۷	۸	۹	۱۰	۳
فخ :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۸	۵	۹	۰

۳/۱ **قب** : فرصت شمار صحبت و. **یج طو نه** : دل در جهان مبند و ز مستی سوال کن.
خ فخ : دل در جهان مبند و به مستی سوآل کن.

۳/۲ **یج طو خ** : از فیض جام و. **طو** : قصهٔ جمشید و روزگار.

۴/۲ **یج** : کین نیز بر کرشمهٔ ساقی.

۵/۲ **یج** : ز چشم زخم جهانش. **نه فخ** : ز چشمزخم بدانش.

۶/۲ **طو** : ازین درّ شاهوار. ۷/۱ **قب فخ** : خلق کریم توست.

۸/۱ **یج** : عنان بر عنان بود. **قب** : عنان در عنان رود. ۸/۲ **خ** : تسبیح شیخ و.

۹/۱ **طو** : چو رفت روزه و شیطان ز بند جست.

شمار دگرسانیها : یج طو = ۵ - خ قب فخ = ۳ - نه = ۲ -

۲۲۵

۱ ای صبا نکهتی از خاک ره یار بیار — ببر اندوه دل و مژدهٔ دلدار بیار

۲ نکته‌ای روح فزا از دهن یار بگو — نامه‌ای خوش خبر از عالم اسرار بیار

۳ تا معطّر کنم از لطف نسیم تو مشام — شمّه‌ای از نفحات نفس یار بیار

۴ به وفای تو که خاک ره آن یار عزیز — بی‌غباری که پدید آید از اغیار بیار

۵ روزگاری ست که دل چهرهٔ مقصود ندید — ساقیا آن قدح آینه کردار بیار

۶ گردی از رهگذر دوست به کوریّ رقیب — بهر آسایش این دیدهٔ خونبار بیار

۷ خامی و ساده دلی شیوهٔ جانبازان نیست — خبری از برِ آن دلبر عیّار بیار

۸ شکر ایزد که تو در عشرتی ای مرغ چمن — به اسیران قفس مژدهٔ گلزار بیار

۹ کام جان تلخ شد از صبر که کردم بی دوست — عشوه‌ای زان لب شیرین شکر بار بیار

۱۰ دلق حافظ به چه ارزد، به میَش رنگین کن — وانگهش مست و خراب از سر بازار بیار

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز عد عز**

ترتیب ابیات = **مج نز عز**	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰	۰	۶	۷
طو	۱	۲	۳	۴	۶	۰	۰	۰	۵	۷
خ	۱	۲	۳	۴	۹	۵	۶	۷	۸	۱۰
عد	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۸	۰	۵	۹

۱/۱ **طو** : خاک در یار بیار. **خ** : ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر. ۱/۲ **طو** : ببر اندوه من و.

۲/۱ **یج مج** : روحفزای. **یج** : از لب دلدار. **خ** : از دهن دوست. **مج** : بگوی.

۲/۲ **یج طو** : نافهٔ خوش خبر.

۳/۲ **عد** : از رشحات نفس یار.

۴/۱ **طو** : به وفای تو که آن خاک در عزیز.

۸/۱ **خ عز** : شکر آن را. ۸/۲ **نز** : به اسیران قفس مژدهٔ دلدار.

۹/۱ **یج طو** : که کردم بی‌تو.

۱۰/۲ **نز** : از ره بازار بیار.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - یج = ۴ - خ = ۳ - مج نز = ۲ - عد عز = ۱ -

۱ روی بنمای و وجود خودم از یاد ببر   خرمن سوختگان را همه گو باد ببر

۲ ما چو دادیم دل و دیده به طوفان بلا   گو بیا سیل غم و خانه ز بنیاد ببر

۳ زلف چون عنبر خامش که ببوید؟ هیهات   ای دل خام طمع این سخن از یاد ببر

۴ سینه گو شعلهٔ آتشکدهٔ پارس بکُش   دیده گو آب رخ دجلهٔ بغداد ببر

۵ سعی نابرده درین راه به جائی نرسی   مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر

۶ روز مرگم نفسی وعدهٔ دیدار بده   وانگهم تا به لحد فارغ و آزاد ببر

۷ دوش می‌گفت به مژگان درازت بکشم   یارب از خاطرش اندیشهٔ بیداد ببر

۸ حافظ اندیشه کن از نازکی خاطر یار   برو از درگهش این ناله و فریاد ببر

---

(۹) دولت پیر مغان باد که باقی سهل است   دیگری گو برو و نام من از یاد ببر

۷ نسخه : یج طو خ مج نه نز صف

ترتیب ابیات									(۹)
نه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج	۱	۰	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۰
طو	۱	۲	۰	۵	۶	۷	۴	۸	۳
خ	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۵
مج	۱	۲	۵	۳	۴	۷	۶	۸	۰
نز	۱	۲	۴	۳	۵	۷	۶	۹	۸
صف	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹

۳/۱ مج نه : زلف چون عنبر خامت.

۴/۱ خ صف : آتشکدهٔ فارس.

۷/۱ طو : به مژگان سیاهت.

(۹/۲) نز : دیگری گو برو [و].

شمار دگرسانیها : طو خ مج نه نز صف = ۱ - یج = ۰ (نسخهٔ یج یک بیت کم دارد).

۲۲۷

۱ دلا چندم بریزی خون ز دیده شرم دار آخر   تو نیز ای دیده خوابی کن مراد دل بر آر آخر

۲ منم یارب که جانان را ز ساعد بوسه می‌چینم   دُعای صبحدم دیدی که چون آمد به کار آخر

۳ مراد دنیی و عقبی به من بخشید روزی بخش   به گوشم قول چنگ اوّل به دستم زلف یار آخر

۴ چو باد از خرمن دونان ربودن خوشه‌ای تا چند   ز همّت توشه‌ای بردار و خود تخمی بکار آخر

۵ نگارستان چین دانم نخواهد شد سرایت، لیک   به نوک کلک رنگ آمیز نقشی می‌نگار آخر

۶ دلا در ملک شبخیزی گر از اندوه نگریزی   دم صبحت بشارتها بیارد زان دیار آخر

۷ بُتی چون ماه زانو زد میی چون لعل پیش آورد   تو گوئی تائبم حافظ، ز ساقی شرم دار آخر

---

۶ نسخه : **لو قب سو فخ صف تم**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۲ **قب** : ای دیده خونی کن. **صف** : ای دیده خونین شو.

۲/۱ **فخ** : که جانان را ز لعلش بوسه می‌جستم.

۲/۲ **سو** : دعای صبحیم.

۳/۱ **لو** : مراد دنیای و عقبی.

۳/۲ **قب صف** : به گوشم غلغل چنگ و. **سو فخ** : بانگ چنگ اول. **فخ تم** : دست یار آخر.

۴/۱ **سو** : ربودن خوشه‌ای تاکی.   ۴/۲ **قب** : خوشه‌ای بردار و.

۵/۲ **قب فخ صف** : کلک مشک‌آمیز.

۷/۱ **سو** : بتی چون ماه نو انور.

شمار دگرسانیها : قب سو فخ = ۴ - صف = ۳ - لو تم = ۱ -

۱ گر بود عمر به میخانه رسم بار دگر — بجز از خدمت رندان نکنم کار دگر

۲ خرّم آن روز که با دیدهٔ گریان بروم — تا زنم آب در میکده یک بار دگر

۳ معرفت نیست درین قوم خدایا سببی — تا برم گوهر خود را به خریدار دگر

۴ یار اگر رفت و حق صحبت دیرین نشناخت — حاش للّٰه که روم من ز پی یار دگر

۵ گر مساعد شودم دایرهٔ چرخ کبود — هم به دست آورمش باز به پرگار دگر

۶ راز سربستهٔ ما بین که به دستان گفتند — هر زمان با دف و نی بر سر بازار دگر

۷ عافیت می‌طلبد خاطرم ار بگذارند — غمزهٔ شوخش و آن طرّهٔ طرّار دگر

۸ هر دم از درد بنالم که فلک هر ساعت — کُندم قصد دل ریش به آزار دگر

۹ بازگویم نه درین واقعه حافظ تنهاست — غرقه گشتند درین بادیه بسیار دگر

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز فط صف**

ترتیب ابیات = **صف** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰	۶	۷
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹
مج نز :	۱	۲	۳	۷	۵	۴	۶	۸	۹
فط :	۱	۲	۳	۵	۶	۴	۰	۷	۸

۱/۱ **طو مج فط صف** : گر بود عمر و.

۲/۱ **خ** : با دیدهٔ گریان نروم. ۲/۲ **طو** : بزنم آب در میکده.

۳/۱ **یج صف** : خدایا مددی. ۳/۲ **طو** : که برم گوهر خود را.

۸/۱ **یج** : هر دم از دیده بنالم. **طو نز** : هر شب از درد.

۹/۱ **طو** : بازگویم که درین مرحله حافظ هیهات.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - یج صف = ۲ - خ مج نز فط = ۱ -

۲۲۹

۱ ای خرّم از فروغ رُخت لاله زار عمر ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ باز آکه ریخت بی گل رویت بهار عمر

۲ از دیده گر سرشک چو باران چکد رواست ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر

۳ این یکدو دم که مهلت دیدار ممکن است ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ دریاب کار ما که نه پیداست کار عمر

۴ تا کی می صبوح و شکر خواب بامداد ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ بیدار گرد هان که گذشت اختیار عمر

۵ دی در گذار بود و نظر سوی ما نکرد ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ بیچاره دل که هیچ ندید از گذار عمر

۶ اندیشه از محیط فنا نیست هر که را ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ بر نقطهٔ دهان تو باشد مدار عمر

۷ در هر طرف ز خیل حوادث کمینگهی ست ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ زانرو عنان گسسته دواند سوار عمر

۸ بی عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ روز فراق را که نهد در شمار عمر؟

۹ حافظ سخن بگوی که بر صفحهٔ جهان ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ این نقش مانَد از قلمت یادگار عمر

---

۷ نسخه : یج طو خ مج عد فط صف

ترتیب ابیات =

خ عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج صف :	۱	۲	۶	۷	۸	۳	۵	۴	۹
طو :	۱	۲	۳	۵	۷	۴	۸	۶	۹
مج :	۱	۲	۴	۵	۷	۸	۳	۶	۹
فط :	۱	۲	۴	۰	۶	۷	۳	۵	۸

۳/۱ **یج** : وعدهٔ دیدار. **طو صف** : دولت دیدار. **طو** : [که] نه پیداست.

۴/۲ **یج خ** : هشیار گرد هان. **عد** : هشیار باش هان. **طو** : بیدار گرد هان که نه پیداست کار عمر.

۷/۲ **فط** : رود شهسوار عمر.

۸/۱ **یج** : زنده‌ام من و زین بس. **طو** : من و این هم.

۹/۱ **طو** : بر عرصهٔ جهان. ۹/۲ **طو** : این نقش ماند بر قلمت.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج = ۳ - خ عد فط صف = ۱ - مج = ۰ -

۲۳۰

۱ یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم مخور   کلبهٔ احزان شود روزی گلستان، غم مخور

۲ این دل غمدیده حالش بِه شود، دل بد مکن   وین سر شوریده باز آید به سامان، غم مخور

۳ دوْر گردون گر دو روزی بر مراد ما نبود   دایما یکسان نباشد کار دوْران، غم مخور

۴ گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن   چتر گل در سرکشی ای مرغ خوشخوان، غم مخور

۵ ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برکند   چون تو را نوح است کشتیبان ز طوفان غم مخور

۶ هان مشو نومید چون واقف نئی از سرّ غیب   باشد اندر پرده بازیهای پنهان، غم مخور

۷ در بیابان گر ز شوق کعبه خواهی زد قدم   سرزنشها گر کند خار مغیلان، غم مخور

۸ گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید   هیچ راهی نیست کان را نیست پایان، غم مخور

۹ حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب   جمله می‌داند خدای حال گردان، غم مخور

۱۰ حافظا در کُنج فقر و خلوت شبهای تار   تا بود وردت دعا و درس قرآن، غم مخور

---

۶ نسخه : یج خ مج نز عد فط

ترتیب ابیات =

یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
خ عد :	۱	۲	۴	۳	۰	۵	۶	۷	۸	۹
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸	۱۰
نز :	۱	۲	۳	۴	۸	۵	۶	۹	۷	۱۰
فط :	۱	۲	۳	۴	۷	۵	۶	۸	۰	۹

۲/۱ خ : ای دل غمدیده حالت به شود.

۳/۱ خ : بر مراد ما نرفت.   ۳/۲ خ نز : حال دوران.

۴/۱ فط : در تخت چمن.

۵/۱ مج : ار سیل بلا.

۶/۱ نز : بر سرّ غیب.

۷/۱ خ فط : به شوق کعبه.

۸/۱ عد فط : مقصد ناپدید.

۹/۱ مج : حال ما و فرقت.

۱۰/۲ مج : تا بود وردِ. نز : تا بود ورد و.

شمار دگرسانیها : خ = ۴ - مج نز فط = ۳ - عد = ۱ - یج = ۰ -

(نسخهٔ طو با ۱۰ دگرسانی حذف شد.)

۲۳۱

۱ روی بنمای و مرا گو که ز جان دل بر گیر — پیش شمع آتش پروانه به جان گو در گیر

۲ در لب تشنهٔ ما بین و مدار آب دریغ — بر سر کشتهٔ خویش آی و ز خاکش بر گیر

۳ ترک درویش مگیر ار نبوَد سیم و زرش — در غمت سیم شمار اشک و رخم را زر گیر

۴ چنگ بنواز و بساز ار نبوَد عود چه باک — آتشم عشق و دلم عود و تنم مجمر گیر

۵ در سماع آی و ز سر خرقه برانداز و برقص — ورنه با گوشه رو و خرقهٔ ما در سر گیر

۶ صوف برکش ز سر و بادهٔ صافی درکش — سیم درباز و به زر سیمبری در بر گیر

۷ دوست گو یار شو و هرکه جهان دشمن باش — بخت گو روی کن و روی زمین لشکر گیر

۸ میل رفتن مکن ای دوست دمی با ما باش — بر لب جوی طرب جوی و به کف ساغر گیر

۹ رفته گیر از برم و ز آتش و آب دل و چشم — گونه‌ام زرد و لبم خشک و کنارم تر گیر

۱۰ حافظ آراسته کن بزم و بگو واعظ را — که ببین مجلسم و ترک سر منبر گیر

---

۵ نسخه : یج خ مج فط صد

متن = یج خ مج صد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸	۱۰

۱/۱ **خ مج فط** : روی بنما و. **مج** : که دل از جان برگیر.

۲/۲ **یج** : به سر کشتهٔ.

۳/۲ **خ** : رخش را زر گیر.

۴/۲ **یج** : عود منال.

۵/۱ **مج** : خرقه درانداز و. ۵/۲ **صد** : کهنه ردا. **یج صد** : بر سر گیر.

۷/۱ **خ صد** : هر دو جهان.

۷/۲ **یج** : بخت گو پشت کن و. **خ** : پشت مکن. **یج** : روی جهان. **فط صد** : پشت زمین.

۸/۱ **یج** : میل رفتن مکن ای دوست و دمی. **فط** : ای سرو.

۹/۲ **فط** : دهانم تر گیر.

شمار دگرسانیها : یج =۶- خ فط صد =۴- مج =۳-

(نسخهٔ طو با یازده اختلاف حذف شد.)

۲۳۲

۱ نصیحتی کنمت بشنو و بهانه مگیر — هر آنچه ناصح مشفق بگویدت بپذیر

۲ ز وصل روی جوانان تمتّعی بردار — که در کمینگه عمر است مکر عالم پیر

۳ نعیم هر دو جهان پیش عاشقان به دو جو — که آن متاع قلیل است و این بهای کثیر

۴ معاشری خوش و رودی بساز می‌خواهم — که درد خویش بگویم به نالهٔ بم و زیر

۵ بران سرم که ننوشم می و گنه نکنم — اگر موافق تدبیر من بود تقدیر

۶ چو قسمت ازلی بی حضور ما کردند — گر اندکی نه به وفق رضاست خرده مگیر

۷ به عزم توبه نهادم قدح ز کف صد بار — ولی کرشمهٔ ساقی نمی‌کند تقصیر

۸ چو لاله در قدحم ریز ساقیا می و مشک — که نقش خال نگارم نمی‌رود ز ضمیر

۹ می دو ساله و محبوب چارده ساله — همین بس است مرا صحبت صغیر و کبیر

۱۰ دل رمیدهٔ ما را که پیش می‌گیرد؟ — خبر دهید به مجنون خسته از زنجیر

۱۱ حدیث توبه درین بزمگه مگو حافظ — که ساقیان کمان ابرویت زنند به تیر

---

(۱۲) بیار ساغر درّ خوشاب ای ساقی — حسود گو کرم آصفی ببین و بمیر

۶ نسخه : **طو خ مج نز عز فط**

ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	(۱۲)
= **مج عز** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۰	۸	۷	۹	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۹	۷	۱۰	۱۱	۱۲	۸
نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸	۹	۱۰	۰
فط :	۱	۲	۳	۸	۵	۷	۴	۰	۶	۰	۹	۰

۱/۱ **طو** : نصیحتی کنمت می خور و پیاله بگیر.

۲/۱ **طو** : ز روی وصل جوانان. ۲/۲ **طو** : فکر عالم پیر. ۳/۱ **خ** : به جُوی.

۳/۲ **طو فط** : که این متاع قلیل است و آن عطای حقیر. **خ** : که این متاع قلیل است و آن عطای کثیر.

۴/۱ **طو** : معاشر خوش و. **طو** : رود بساز. ۴/۲ **طو** : که درد عشق. ۵/۱ **عز** : بدان سرم.

۵/۲ **مج**: اگر موافق تدبیر می‌رود تقدیر. **عز** : تدبیر می‌شود تقدیر. **خ** : تدبیر من شود تقدیر. **نز** : تقدیر می‌رود تدبیر.

۸/۱ **مج**: در قدحم ریز ساقیا می دوش. **عز** : ساقیا می ناب. ۸/۲ **عز** : که نقش خاک مرادم.

۱۰/۲ **طو نز** : حسته از زنجیر. **مج** : جسته از زنجیر. ۱۱/۲ **طو** : کمان ابروت.

شمار دگرسانیها : طو=۹- عز=۴- خ مج=۳- نز=۲- فط=۱-

۱ حال خونین دلان که گوید باز؟ وز فلک خون خُم که جوید باز؟
۲ جز فلاطون خم نشین شراب سرّ حکمت به ما که گوید باز؟
۳ شرمش از چشم می پرستان باد نرگس مست اگر بروید باز
۴ هر که چون لاله کاسه گردان بود زین جفا رخ به خون بشوید باز
۵ بسکه در پرده چنگ گفت سخن ببُرش موی تا نموید باز
۶ نگشاید دلم چو غنچه اگر ساغرِ لاله‌گون نبوید باز
۷ گِردِ بیت الحرام خُم حافظ گر نمیرد به سر بپوید باز

۶ نسخه : **یج خ مج نه نز فخ**

متن = **مج نز**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج فخ	:	۱	۵	۲	۳	۴	۶	۷
نه خ	:	۱	۳	۲	۴	۶	۵	۷

۳/۱ **مج نز** : می‌پرست تو باد.
۴/۱ **خ** : کاسه‌گردان شد.
۵/۲ **یج** : ببرش زلف. **فخ** : ببرش موکه. **نه** : تا نگوید باز.
۶/۱ **یج** : بگشاید دلم.
۶/۲ **خ نه فخ** : ساغری از لبش. **نز** : ساغر می‌دمی.
۷/۲ **یج** : گر تواند به سر بپوید باز.
شمار دگرسانیها : **یج** = ۳ - **خ نه نز فخ** = ۲ - **مج** = ۱ -

۱ منم که دیده به دیدار دوست کردم باز ؟ چه شکر گویمت ای کارساز بنده نواز
۲ نیازمند بلاگو رخ از غبار مشوی که کیمیای مُراد است خاک کوی نیاز
۳ به یک دو قطره که ایثار کردی ای دیده بساکه بر رخ دولت کنی کرشمهٔ ناز
۴ طهارت ار نه به خون جگر کند عاشق به قول مفتی عشقش درست نیست نماز
۵ غرض کرشمهٔ حسن است ورنه حاجت نیست جمال دولت محمود را به زلف ایاز
۶ ز مشکلات طریقت عنان متاب ای دل که مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز
۷ درین مقام مجازی بجز پیاله مگیر درین سراچهٔ بازیچه غیر عشق مباز
۸ من از نسیم سخن چین چه طرف بر بندم چو سرو راست درین باغ نیست محرم راز
۹ اگرچه حسن تو از عشق غیر مستغنی ست من آن نیَم که ازین عشقبازی آیم باز
۱۰ چه گویمت که ز سوز درون چه می بینم ز اشک پرس حکایت که من نیَم غمّاز
۱۱ غزل سرائی ناهید صرفه‌ای نبرد دران مقام که حافظ برآورد آواز

۷ نسخه : یج خ مج نز عد فط صف

ترتیب ابیات = یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	شمارهٔ سطور ابیات خارج از متن
خ :	۱	۲	۰	۴	۰	۳	۵	۰	۰	۰	۰	۶-۷
مج نز :	۰	۰	۰	۲	۶	۳	۴	۵	۷	۰	۸	۱-
عد :	۱	۲	۷	۴	۵	۳	۹	۸	۶	۱۰	۱۱	
فط :	۱	۲	۰	۴	۷	۳	۵	۶	۸	۰	۹	
صف :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸	۰	۱۰	۹-

۲/۲ **یج** : مراد است حال کوی نیاز.
۳/۲ **عد صف** : کرشمه و ناز.
۶/۱ **نز** : عنان مپیچ ای دل. **مج نز** : که در سلوک منازل بود نشیب و فراز.
۷/۱ **یج** : بجز پیاله مجوی.
۸/۱ **یج** : نسیم سحرگه.
۸/۲ **مج** : چو سرو ناز. **فط صف** : که سرو راست. **عد** : درین باغ هست.
شمار دگرسانیها : یج = ۳- مج نز عد صف = ۲- فط = ۱- خ = ۰ (شش بیت متن را ندارد).

۱ هزار شکر که دیدم به کام خویشت باز — ز روی صدق و صفا گشته با دلم دمساز

۲ روندگان طریقت ره بلا سپرند — رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز

۳ غم حبیب نهان بِه ز جست و جوی رقیب — که نیست سینهٔ ارباب کینه محرم راز

۴ چه فتنه بود که مشّاطهٔ قضا انگیخت — که کِردِ نرگس شوخت کشید سرمهٔ ناز

۵ به این سپاس که مجلس منوّر است به تو — گرت چو شمع جفائی رسد بسوز و بساز

۶ به نیم بوسه دعائی بخر ز اهل دلی — که کید دشمنت از جان و جسم دارد باز

۷ فکند زمزمهٔ عشق در حجاز و عراق — نوای بانگ غزلهای حافظ از شیراز

---

۶ نسخه : یج خ عد عز فط تج

ابیات مربوط به غزل ۲۳۴

ترتیب ابیات =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۵	۹	۱۰	۱۱
یج عز تج	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰	۰	۰
عد	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۰	۰	۰	۰
خ	۱	۲	۳	۶	۷	۰	۰	۸	۴	۵	۹
فط	۱	۰	۲	۴	۳	۵	۶	۰	۰	۰	۰

۲/۱ **یج تج** : ره بلا ورزند.

۳/۱ **خ** : ز گفت و گوی رقیب.

۴/۲ **یج** : که کرد نرگس شوخت سیه به سرمهٔ ناز. **خ عز فط** : نرگس مستش سیه به سرمهٔ ناز.
عد : دیدهٔ شوخش سیه به سرمهٔ ناز.

۵/۱ **خ عد عز تج** : بدین سپاس. **خ عد عز فط تج** : منور است به دوست.

۵/۲ **یج** : گرت جو شمع قفائی رسد. **عد** : جفائی رسد [ ] و بساز.

۷/۱ **تج** : فکند ز مزمزهٔ عشق. **عز فط تج** : در عراق و حجاز.

۷/۲ **عد عز فط** : حافظ شیراز.

شمار دگرسانیها : عد عز تج = ۵ - خ فط = ۴ - یج = ۳ -

۲۳۶

۱ بیا و کشتی ما در شط شراب انداز	غریو و ولوله در جان شیخ و شاب انداز

۲ مرا به کشتی باده در افکن ای ساقی	که گفته‌اند نکوئی کن و در آب انداز

۳ ز کوی میکده برگشته‌ام ز راه خطا	مرا دگر ز کرم با رهِ صواب انداز

۴ بیار زان می گلرنگ مشکبو جامی	شرار رشک و حسد در دل گلاب انداز

۵ اگرچه مست و خرابم تو نیز لطفی کن	نظر برین دل سرگشتهٔ خراب انداز

۶ به نیمشب اگرت آفتاب می‌باید	ز روی دختر گلچهر رز نقاب انداز

۷ مهِل که روز وفاتم به خاک بسپارند	مرا به میکده بر در خُم شراب انداز

۸ ز جور چرخ چو حافظ به جان رسید دلت	بسوی دیو محن ناوک شهاب انداز

---

۵ نسخه : خ مج نز عد عز

ترتیب ابیات =									
خ عد عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
مج نز :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸

۱/۲ خ : خروش و ولوله. نز عد : غریو ولوله.

۳/۲ عد : مرا ز راه کرم. نز : بر ره صواب.

۴/۱ مج نز عد عز : بیار ازان می.

۵/۱ نز : مست و خرابی. مج : مست خرابی.

۶/۲ عد : دختر رز گوشهٔ نقاب انداز.

۸/۲ عز : بسوی دیو چو ما ناوک شهاب انداز.

شمار دگرسانیها : نز عد = ۴ - مج عز = ۲ - خ = ۱ -

۲۳۷

۱ خیز و در کاسهٔ زر آب طربناک انداز — پیشتر زانکه شود کاسهٔ سر خاک انداز

۲ عاقبت منزل ما وادی خاموشان است — حالیا غلغله در گنبد افلاک انداز

۳ ملک این مزرعه دانی که ثباتی نکند — آتشی از جگر جام در املاک انداز

۴ غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند — پاک شو اوّل و پس دیده بران پاک انداز

۵ به سر سبز تو ای سرو که چون خاک شوم — ناز از سر بنه و سایه برین خاک انداز

۶ دل ما را که ز مار سر زلف تو بخَست — از لب خود به شفاخانهٔ تریاک انداز

۷ یارب آن زاهد خودبین که بجز عیب ندید — دود آهیش در آئینهٔ ادراک انداز

۸ چون گل از نکهت او جامه قبا کن حافظ — وین قبا در ره آن قامت چالاک انداز

---

(۹) چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است — بر رخ او نظر از آینهٔ پاک انداز

۸ نسخه : یج خ مج نز سز عد فخ فط

ترتیب ابیات =									(۹)
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج :	۱	۲	۶	۰	۳	۵	۷	۸	۴
خ :	۱	۲	۶	۷	۴	۵	۸	۹	۳
سز :	۱	۲	۸	۷	۳	۵	۴	۹	۶
عد :	۱	۴	۳	۸	۵	۶	۷	۹	۲
فخ :	۱	۲	۶	۵	۳	۴	۷	۸	۰
فط :	۱	۲	۳	۵	۴	۰	۶	۸	۷

۳/۱ خ : ثباتی ندهد. ۳/۲ یج : آتشی از جگر خام در افلاک انداز.

۵/۱ خ : که گر خاک شوم. ۵/۲ یج : بازی از سر بنه و. مج : سایه بران خاک انداز.

۷/۱ یج نز : یا رب این زاهد.

۸/۲ مج نز : وان قبا.

(۹/۱) یج : بر رخ جانان نه رواست. (۹/۲) یج : به رخ او. فط : در رخ او.

شمار دگرسانیها : یج = ۵ - خ مج نز = ۲ - فط = ۱ - سز عد فخ = ۰ -

۲۳۸

۱ ای سرو ناز حسن که خوش می‌روی به ناز ‌ ‌ ‌ عشّاق را به ناز تو هر لحظه صد نیاز

۲ فرخنده باد طلعت نازت که در ازل ‌ ‌ ‌ ببریده‌اند بر قد سروت قبای ناز

۳ آن را که بوی عنبر زلف تو آرزوست ‌ ‌ ‌ چون عود گو بر آتش سوزان بسوز و ساز

۴ از طعنهٔ رقیب نگردد عیار من ‌ ‌ ‌ چون زر اگر برند مرا در دهان گاز

۵ پروانه را ز شمع بود سوز دل ولی ‌ ‌ ‌ بی شمع عارض تو دلم را بود گداز

۶ دل کز طواف کعبهٔ کویت وقوف یافت ‌ ‌ ‌ از شوق آن حریم ندارد سر حجاز

۷ هر دم به خون دیده چه حاصل وضو چو نیست ‌ ‌ ‌ بی طاق ابروی تو نماز مرا جواز

۸ صوفی، که بی تو توبه ز مِی کرده بود، دوش ‌ ‌ ‌ بشکست عهد چون درِ میخانه دید باز

۹ چون باده مست بر سر خُم رفت کف زنان ‌ ‌ ‌ حافظ که دوش از لب ساغر شنید راز

۶ نسخه : یج طو خ مج قب صد

متن = مج قب :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج صد :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	-	۲	۴	۳	۵	۶	-	-
خ :	۱	۲	۳	۶	۴	۷	۸	۵	۹

۲/۱ مج : طالع نازت. خ : طلعت خوبت.

۳/۲ طو خ قب : بر آتش سودا.

۴/۲ یج اگر برید مرا.

۶/۲ یج : این حریم. مج : آن طواف.

۷/۱ طو : به خون دیده وضوئی کنم. خ : چه حاجت وضو.

۷/۲ طو : ابروی تو حضوریم از نماز.

۸/۱ یج : صوفی که بی[ ] توبهٔ می کرده بود دوش.

۹/۱ یج خ : چون باده باز. یج : بر سر خم رفت[ ].

۹/۲ خ قب : از لب ساقی شنید راز.

شمار دگرسانیها : یج خ =۵- طو=۳- مج قب=۲- صد=۰-

۲۳۹

۱ دلم ربودهٔ لولی وشی ست شور انگیز — دروغ وعده و قتّال وضع و رنگ آمیز

۲ فدای پیرهن چاک ماهرویان باد — هزار جامهٔ تقوا و خرقهٔ پرهیز

۳ فرشته عشق نداندکه چیست قصّه مخوان — بخواه جام و گلابی به خاک آدم ریز

۴ غلام آن کلماتم که آتش انگیزد — نه آب سرد زند در سخن بر آتش تیز

۵ مباش غرّه به بازیِّ خودکه در ضرب است — هزار تعبیه در حکم پادِ شاه‌انگیز

۶ فقیر و خسته به درگاهت آمدم، رحمی — که جز ولای توام نیست هیچ دستاویز

۷ بیا که هاتف میخانه دوش با من گفت — که در مقام رضا باش و از قضا مگریز

۸ پیاله بر کفنم بند تا سحرگه حشر — به می ز دل ببرم هول روز رستاخیز

۹ میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست — تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

---

(۱۰) خیال خال تو با خود به خاک خواهم برد — که تا ز خال تو خاکم شود عبیر آمیز

۶نسخه : **یج خ مج نز عز فط**

متن = **مج نز عز**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	(۱۰) ٠
یج	:	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸	۹	٠
خ	:	۱	۲	۴	٠	٠	۶	۷	۵	۸	۳
فط	:	۱	۲	۳	۴	٠	۵	۶	۷	۸	٠

۱/۱ **خ** : دلم رمیدهٔ. ۲/۲ **مج** : دروغ وعدهٔ قتال وضعِ. **فط** : قتال و وضع و.

۳/۱ **یج خ فط** : فرشته عشق نداند که چیست ای ساقی. **مج** : بحث مکن.

نز : به شکر آنکه به حسن از ملک ببردی گوی.

۳/۲ **عز** : بخواه جام گلابی به خاک آدم ریز.

۴/۱ **عز** : که آتش افروزد. ۴/۲ **یج** در سخن به آتش تیز.

۵/۱ **نز عز** : به بازوی خود. **یج عز** : که در خبر است. ۵/۲ **یج نز** : هزار تعبیهٔ حکم.

۷/۲ **خ** : باش وز قضا.

۸/۱ **یج** : بیا و بر کفنم بند.

۹/۱ **مج نز** : نقاب و پرده ندارد نگار دلکش ما.

شمار دگرسانیها : یج = ۵ - نز عز = ۴ - خ مج = ۳ - فط = ۲ -

۱ گلعذاری ز گلستان جهان ما را بس　　زین چمن سایهٔ آن سرو چمان ما را بس
۲ من و هم‌صحبتی اهل ریا، دورم باد　　از گرانان جهان رطل گران ما را بس
۳ قصر فردوس به پاداش عمل می بخشند　　ما که رندیم و گدا دیر مغان ما را بس
۴ بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین　　وین اشارت ز جهان گذران ما را بس
۵ نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان　　گر شما را نه بس این سود و زیان ما را بس
۶ یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم　　دولت صحبت آن مونس جان ما را بس
۷ از در خویش خدا را به بهشتم مفرست　　که سر کوی تو از کوْن و مکان ما را بس
۸ حافظ از مشرب قسمت گله بی‌انصافی‌ست　　طبع چون آب و غزلهای روان ما را بس

---

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز عد**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

۱/۲ **طو خ عد** : سایهٔ آن سرو روان.

۴/۲ **طو** : این اشارت. **خ** : کین اشارت.

۶/۲ **مج نز** : این مونس جان.

۷/۱ **خ نز** : خدایا.

۸/۱ **یج خ مج** : گله ناانصافی‌ست.

شمار دگرسانیها : خ = ۴ - طو مج نز = ۲ - یج عد = ۱ -

۲۴۱

۱ دلا رفیق سفر بخت نیکخواهت بس　　نسیم روضهٔ شیراز پیک راهت بس
۲ دگر ز منزل جانان سفر مکن درویش　　که سیر معنوی و کُنج خانقاهت بس
۳ هوای مسکن مألوف و عهد یار قدیم　　ز رهروان سفر کرده عذرخواهت بس
۴ وگر کمین بگشاید غمی ز گوشهٔ دل　　حریم درگه پیر مغان پناهت بس
۵ به صدر مصطبه بنشین و ساغری می نوش　　که اینقَدَر ز جهان کسب مال و جاهت بس
۶ زیادتی مطَلب کار بر خود آسان کن　　که شیشه‌ای می لعل و بُتی چو ماهت بس
۷ فلک به مردم نادان دهد زمام مُراد　　تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس
۸ به هیچ ورد دگر نیست حاجتت، حافظ　　دعای نیمشب و درس صبحگاهت بس

(۹) به منّت دگران خو مکن که در دو جهان　　رضای ایزد و انعام پادشاهت بس

۷ نسخه : **یج طو کہ خ مج نز فط**

ترتیب ابیات =									
طو کہ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰ (۹)
یج فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
خ :	۱	۲	۷	۳	۴	۵	۶	۹	۸
مج نز :	۱	۲	۵	۴	۳	۶	۷	۸	۹

۱/۱ **طو** : سفر عذر نیکخواهت.　　۱/۲ **طو** : نسیم خطهٔ شیراز.
۲/۱ **طو** : الا ز منزل جانان سفر مکن زین بیش.　　۲/۲ **طو** : که سرّ معنوی و.
۴/۱ **طو** : اگر کمین بگشاید ز گوشه‌ای غم دل. **مج نز** : غمی به کشور دل.
۵/۱ **یج طو خ مج نز فط** : ساغر می نوش.　　۵/۲ **یج** : کسب مال و جاهت بس.
۶/۲ **خ فط** : صراحی می لعل و. **طو** : بت چو ماهت.
۸/۱ **یج** : حاجت ای حافظ. **طو خ** : حاجت حافظ.
(۹/۱) **یج فط** : به منت دو جهان خو مکن که در دو جهان.
شمار دگرسانیها : طو = ۸ - یج = ۴ - خ فط = ۳ - مج نز = ۲ - کہ = ۰ -

۱ جانا تو را که گفت که احوال ما مپرس / بیگانه گرد و قصّهٔ هیچ آشنا مپرس
۲ نقش حقوق صحبت و اخلاص بندگی / از لوح سینه محو کن و نام ما مپرس
۳ هیچ آگهی ز عالم درویشیش نبود / آنکس که با تو گفت که درویش را مپرس
۴ خواهی که روشنت شود احوال سوز من / از شمع پرس قصّه ز باد هوا مپرس
۵ از دلق پوش صومعه نقد طلب مجوی / یعنی ز مفلسان سخن کیمیا مپرس
۶ زانجا که لطف شامل و خُلق کریم توست / جُرم نکرده عفو کن و ماجرا مپرس
۷ در دفتر طبیب خرد باب عشق نیست / ای دل به درد خو کن و نام دوا مپرس
۸ ما قصّهٔ سکندر و دارا نخوانده‌ایم / از ما بجز حکایت مهر و وفا مپرس
۹ حافظ رسید موسم گل معرفت مگوی / در یاب نقد وقت و ز چون و چرا مپرس

۷ نسخه : **یج طو مج نز قب سو فط**

ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۰	۴	۳	۵	۲	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۶	۴	۵	۳	۷	۸	۹
مج :	۱	۰	۳	۴	۵	۲	۶	۷	۸
نز :	۱	۰	۳	۵	۴	۲	۶	۷	۸
قب :	۱	۷	۴	۳	۵	۲	۶	۸	۹
سو :	۱	۴	۲	۵	۶	۳	۷	۸	۹
فط :	۱	۰	۰	۲	۴	۶	۵	۳	۷

۴/۱ **یج** : روشنت شود اسرار درد عشق. **طو** : احوال درد عشق. **فط** : احوال سوز عشق. **مج نز** : من ذوق سوز عشق تو دانم نه مدعی. ۴/۲ **یج** : از تیغ پرس قصه.
۶/۲ **قب** : جرم گذشته عفو کن و.
۷/۱ **یج طو** : در دفتر طبیب جهان. **سو** : درمان ما به حکم رضا دادن است و بس.
۷/۲ **یج** : نام از دوا مپرس.
۸/۲ **نز** : حکایت مهر [و] وفا.
۹/۱ **طو** : معرفت مگو. ۹/۲ **طو سو** : درباب نقد وقت.
شمار دگرسانیها : یج طو = ۴ - نز سو = ۲ - مج قب فط = ۱ -

۲۴۳

۱ درد عشقی کشیده‌ام که مپرس — زهر هجری چشیده‌ام که مپرس

۲ گشته‌ام در جهان و آخر کار — دلبری برگُزیده‌ام که مپرس

۳ آنچنان در هوای خاک درش — می‌رود آب دیده‌ام که مپرس

۴ من به گوش خود از دهانش دوش — سخنانی شنیده‌ام که مپرس

۵ سوی من لب چه می‌گزی که مگوی — لب لعلی گَزیده‌ام که مپرس

۶ بی تو در کُلبهٔ گدائی خویش — رنجهائی کشیده‌ام که مپرس

۷ همچو حافظ غریب در ره عشق — به مقامی رسیده‌ام که مپرس

---

۱۲ نسخه : **یج حی طو کد کہ خ سز عد فط صۂ بذ حک**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۱۱ نسخهٔ فوق (بجز طو)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۷	۳	۴	۵	۶

۱/۱ **حی** : بار عشقی کشیده‌ام.

۱/۲ **یج کہ** : دُرد هجری چشیده‌ام. حی : دُرد هجری.

۵/۱ **طو** : چه می‌گزی که نگوی. کد : که مگو.

۶/۱ **طو** : با تو در کلبهٔ.

۷/۱ **حی** : **همچو حافظ** به رغم مدعیان.

شمار دگرسانیها : حی = ۳ - طو = ۲ - یج کد کہ = ۱ -
خ سز عد فط صۂ بذ حک = ۰.

۲۴۴

۱ دارم از زلف سیاهش گله چندان که مپرس   که چنان زو شده‌ام بی سر و سامان که مپرس

۲ کس به امّید وفا ترک دل و دین مکناد   که چنانم من ازین کرده پشیمان که مپرس

۳ به یکی جُرعه که آزار کسش در پی نیست   زحمتی می‌کشم از مردم نادان که مپرس

۴ زاهد از ما به سلامت بگذر کین می لعل   دل و دین می‌برد از دست بدانسان که مپرس

۵ گوشه‌گیری و سلامت هوسم بود ولی   شیوه‌ای می‌کند آن نرگس فتّان که مپرس

۶ گفت و گوهاست درین راه که جان بگدازد   هر کسی عربده‌ای، این که مبین، آن که مپرس

۷ گفتم از گوی فلک صورت حالی پرسم   گفت آن می‌کشم اندر خَم چوگان که مپرس

۸ گفتمش زلف به خون که شکستی ؟ گفتا   حافظ این قصّه دراز است به قرآن که مپرس

---

۶ نسخه یج طو خ عد فط صف

متن = یج عد صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۳	۶	۴	۰	۵	۷
خ :	۱	۲	۳	۰	۵	۴	۶	۷
فط :	۱	۲	۳	۴	۷	۵	۶	۸

۱/۱ عد صف : زلف سیاهت.

۱/۲ **یج** : که از انسان شده‌ام. **طو** : کانچنان زو.

۲/۲ **یج** : من ازان کرده پشیمان.

۵/۱ **طو خ** : پارسائی و سلامت.

۸/۱ **یج** : گفتمش زلف به خون که شکستگی گفتا. **طو** : زلف به جور که شکستی.

۸/۲ **یج** : حافظا این قصه دراز است.

شمار دگرسانیها : یج = ۴ - طو = ۳ - خ عد صف = ۱ - فط = ۰ -

۲۴۵

۱ باز آی و دل تنگ مرا مونس جان باش — وین سوخته را محرم اسرار نهان باش
۲ زان باده که در مصطبهٔ عشق فروشند — ما را دو سه ساغر بده و گو رمضان باش
۳ در خرقه چو آتش زدی ای عارف سالک — جهدی کن و سر حلقهٔ رندان جهان باش
۴ دلدار که گفتا به توام دل نگران است — گو می‌رسم اینک به سلامت نگران باش
۵ خون شد دلم از حسرت آن لعل روان بخش — ای دُرج محبّت، به همان مُهر و نشان باش
۶ تا بر دلش از غصّه غباری ننشیند — ای سیل سرشک از عقب نامه روان باش
۷ حافظ که هوس می‌کندش جام جهان‌بین — گو در نظر آصف جمشید مکان باش

۸ نسخه : **یج طو خ نز سز عد فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۲/۱ **طو خ** : در میکدهٔ عشق.

۳/۱ **یج عد** : ای عارف عاشق.

۴/۱ **نز سز** : آن یار که گفتا.

۶/۱ **یج** : تا بر دل ازان. **طو** : غصه غباری ننشاند.

۷/۲ **طو** : جمشید جهان.

شمار دگرسانیها : طو = ۳ - یج = ۲ - خ نز سز عد = ۱ - فط صف = ۰ -

۱ اگر رفیق شفیقی درست پیمان باش — حریف حجره و گرمابه و گلستان باش
۲ شکنج زلف پریشان به دست باد مده — مگو که خاطر عشّاق گو پریشان باش
۳ گرت هواست که با خضر همنشین باشی — نهان ز چشم سکندر چو آب حیوان باش
۴ زبور عشق نوازی نه کار هر مرغی‌ست — بیا و نوگل این بلبل غزلخوان باش
۵ طریق خدمت و آئین بندگی کردن — خدای را که رها کن به ما و سلطان باش
۶ دگر به صید حرم تیغ بر مکش زنهار — وز آنچه با دل ما کرده‌ای پشیمان باش
۷ تو شمع انجمنی، یکزبان و یکدل شو — خیال و کوشش پروانه بین و خندان باش
۸ کمال دلبری و حسن در نظربازی ست — به شیوهٔ نظر از نادران دوران باش
۹ خموش حافظ و از جور یار ناله مکن — تو را که گفت که در روی خوب حیران باش

---

۶ نسخه : **یج طو خ سو فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

۱/۲ **یج** : رفیق چهره و گرمابه و. **طو خ** : حریف خانه و. **صف** : رفیق حجره و.
خ : گرمابه [و] گلستان باش.

۳/۱ **یج** : گر هواست که با خضر.

۴/۲ **طو** : بیا و برگل ما بلبل.

۵/۲ **یج** : خدای راکه رهاکن بیا و.

۶/۲ **خ** : وزان که با دل ما.

شمار دگرسانیها : یج خ = ۳- طو = ۲- صف = ۱- سو فط = ۰-

۱ به دوْر لاله قدح گیر و بی‌ریا می‌باش — به بوی گل نفسی همدم صبا می‌باش
۲ نگویمت که همه ساله می پرستی کن — سه ماه می خور و نه ماه پارسا می‌باش
۳ چو پیر سالک عشقت به می حواله کند — بنوش و منتظر رحمت خدا می‌باش
۴ گرت هواست که چون جم به سرّ غیب رسی — بیا و همدم جام جهان نما می‌باش
۵ چو غنچه گر چه فروبستگی ست کار جهان — تو همچو باد بهاری گره‌گشا می‌باش
۶ وفا مجوی ز کس ور سخن نمی‌شنوی — به هرزه طالب سیمرغ و کیمیا می‌باش
۷ مرید طاعت بیگانگان مشو حافظ — ولی معاشر رندان آشنا می‌باش

۸ نسخه : یج خ مج نز سز عد فط صف

ترتیب ابیات متن برابر است با : یج خ فط صف

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
مج نز :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷
سز عد :	۱	۴	۳	۲	۵	۶	۷

۲/۲ یج : دو ماه می خور و ده ماه.

۳/۱ مج : به می حوالت کرد.

۴/۱ یج : گرت هواست [که] چون جم. ۴/۲ فط : مدام همدم.

۶/۱ مج نز : ز گیتی وگر نمی‌شنوی.

۷/۲ خ : معاشر رندان پارسا می‌باش.

شمار دگرسانیها : یج مج = ۲ - خ نز فط = ۱ - سز عد صف = ۰ -

۱ صوفی گلی بچین و مُرقّع به خار بخش ‌‌ وین زُهد تلخ را به می خوشگوار بخش
۲ طامات و شطح در ره آهنگ چنگ نِه ‌‌ تسبیح و طیلسان به می و میگسار بخش
۳ زهد گران که شاهد و ساقی نمی‌خرند ‌‌ در حلقهٔ چمن به نسیم بهار بخش
۴ راهم شراب لعل زد، ای میر عاشقان ‌‌ خون مرا به چاه زنخدان یار بخش
۵ یارب به وقت گل گنه بنده عفو کن ‌‌ وین ماجرا به سرو لب جویبار بخش
۶ ای آنکه ره به مشرب مقصود بُرده‌ای ‌‌ زین بحر قطره‌ای به من خاکسار بخش
۷ شکرانه را که چشم تو روی بتان ندید ‌‌ ما را به عفو و لطف خداوندگار بخش
۸ ساقی چو شاه نوش کند بادهٔ صبوح ‌‌ گو جام زر به حافظ شب‌زنده‌دار بخش

---

۸ نسخه : یج طو خ مج نز عد فط تغ

ترتیب ابیات =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج خ تغ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷
مج عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷.
نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶/۱ | ۰	۰ | ۶/۲	۷
فط :	۱	۲	۴	۵	۳	۶	۷	۸

۱/۱ **مج** : صوفی توگل بچین و. ‌‌ ۱/۲ **خ مج نز** : وین زهد خشک را.
۳/۱ **عد** : که شاهد و ساغر.
۴/۲ **طو** : خون مرا مجو به زنخدان یار بخش. **فط** : جرم مرا به چاه.
۵/۲ **یج** : وین ماجرا به سرو و لب جویبار بخش.
۷/۱ **طو** : چشم تو روی بدان ندید.
۸/۱ **خ** : جو یار نوش کند.
شمار دگرسانیها : طو خ مج = ۲ - یج نز عد فط = ۱ - تغ = ۰ -

۱ باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش — بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدش
۲ ای دل اندر بند زلفش از پریشانی منال — مرغ زیرک چون به دام افتد تحمّل بایدش
۳ با چنین زلف و رُخش بادا نظر بازی حرام — هر که روی یاسمین و جعد سنبل بایدش
۴ رند عالم سوز را با مصلحت بینی چه کار ؟ — کار ملک است آنکه تدبیر و تأمّل بایدش
۵ تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری‌ست — راهرو گر صد هنر دارد توکّل بایدش
۶ نازها زان نرگس مستانه‌اش باید کشید — این دل شوریده تا آن جعد کاکل بایدش
۷ ساقیا در گردش ساغر تعلّل تا به چند؟ — دوْر چون با عاشقان افتد تسلسل بایدش
۸ کیست حافظ تا ننوشد باده بی آواز رود — عاشق مسکین چرا چندین تجمّل بایدش ؟

---

۷ نسخه : یج طو خ مج نه نح تغ

متن =	یج مج تغ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
	طو :	۱	۲	۵	۳/۱ | ۴/۲	۴/۱ | ۳/۲	۶	۷	۸
	خ :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۸
	نه :	۱	۲	۳	۲/۱ | ۰	۰ | ۲/۲	۵	۶	۷
	نح :	۱	۲	۵	۳	۴	۷	۶	۸

۱/۲ **طو** : با جفای.

۶/۱ **یج** : بارها زان. **یج** : نرگس ترکانه.

۶/۲ **یج طو** : شوریده تا آن جعد سنبل. **خ مج** : آن جعد و کاکل.

۷/۱ **نه** : تعلل تا به کی. **تغ** : در گردش باده.

۸/۱ **مج تغ** : بی‌آواز چنگ. ۸/۲ **یج طو نح** : چندین تحمل.

شمار دگرسانیها : یج ۴ - طو = ۳ - مج تغ = ۲ - خ نه نح = ۱ -

۲۵۰

۱ فکر بلبل همه آن است که گل شد یارش / گل در اندیشه که چون عشوه کند در کارش

۲ دلربائی همه آن نیست که عاشق بکشند / خواجه آن است که باشد غمِ خدمتکارش

۳ جای آن است که خون موج زند در دل لعل / زین تغابُن که خزف می‌شکند بازارش

۴ بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود / اینهمه قول و غزل تعبیه در منقارش

۵ ای که در کوچهٔ معشوقهٔ ما می‌گذری / برحذر باش که سر می‌شکند دیوارش

۶ آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست / هرکجا هست خدایا، به سلامت دارش

۷ صحبت عافیتت گرچه خوش افتاد ای دل / جانب عشق عزیز است فرو مگذارش

۸ صوفی سرخوش ازین دست که کج کرد کلاه / به دو جام دگر آشفته شود دستارش

۹ دل حافظ که به دیدار تو خوگر شده بود / ناز پرورد وصال است مجو آزارش

---

۸ نسخه : **یج طو خ نز عد فط صد تم**

متن = **یج خ عد صد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۰	۶	۷
نز فط تم :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸	۹

۱/۲ **طو نز** : گل در آن فکر.

۳/۲ **طو** : زان تغابن.

۶/۱ **طو** : صد قافله جان.

۸/۱ **یج طو** : صوفی سرکش.

۹/۱ **یج عد صد** : چشم حافظ.

شمار دگرسانیها : طو=۴- یج=۲- نز عد صد=۱- خ فط تم=۰.

۲۵۱

۱ شراب تلخ می‌خواهم که مرد افکن بود زورش — مگر یک دم بر آسایم ز دنیا و شر و شورش

۲ بیاور می که نتوان شد ز مکر آسمان ایمن — به لعب زهرهٔ چنگیّ و مرّیخ سلحشورش

۳ سماط دهر دون پرور ندارد شهد آسایش — مذاق حرص و آز ای دل بشوی از تلخ و از شورش

۴ کمند صید بهرامی بیفکن جام جم بردار — که من پیمودم این صحرا نه بهرام است و نه گورش

۵ نگه کردن به درویشان منافیِّ بزرگی نیست — سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورش

۶ بیا تا در میِ صافیت راز دهر بنمایم — به شرط آنکه ننمائی به کج طبعان دل کورش

۷ کمانِ ابروی جانان نمی پیچد سر از حافظ — و لیکن خنده می آید برین بازوی بی زورش

---

۶ نسخه : یج طو کهٔ خ مج سد

متن = یج کهٔ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو خ :	۱	۳	۲	۴	۶	۵	۷
مج :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷
سد :	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۷

۱/۱ **یج سد** : شرابی مست. **طو مج** : شراب مست.

۱/۲ **خ** : که تا یک دم. **خ** : بیاسایم. **کهٔ** : ز دنیی و.

۳/۱ **طو** : بساط دهر.

۳/۲ **طو** : مذاق حرص را ای دل. **طو خ** : بشو از.

یج : بشوی از تلخ و از شو[ر] ش. **سد** : بشوی از تلخ وز شورش.

۴/۱ **یج** : جام می بردار. ۴/۲ **طو** : که بپیمودیم.

۵/۱ **طو خ** : نظر کردن. **کهٔ** : منافی بزرگان است.

۵/۲ **یج** : سلیمان با چنان چشمت. **طو** : با همه حشمت.

۶/۲ **طو کهٔ** : به کژطبعان.

۷/۲ **یج خ** : بدین بازوی.

شمار دگرسانیها : طو = ۸ - یج خ = ۵ - کهٔ = ۳ - سد = ۲ - مج = ۱ -

۱ خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش خداوندا نگه دار از زوالش
۲ ز رکناباد ما صد لوحش الله که عمر خضر می‌بخشد زلالش
۳ میان جعفرآباد و مُصلّا عبیرآمیز می‌آید شمالش
۴ به شیراز آی و فیض روح قدسی بخواه از مردم صاحب‌کمالش
۵ که نام قند مصری بُرد اینجا که شیرینان ندادند انفعالش؟
۶ صبا زان لولی شنگول سرمست چه‌داری آگهی، چون است حالش؟
۷ مکن بیدار از ین خوابم خدا را که دارم عشرتی خوش با خیالش
۸ چرا حافظ، چو می‌ترسیدی از هجر نکردی شکر ایّام وصالش؟

(۹) گر آن شیرین پسر خونم بریزد دلا چون شیر مادر کن حلالش

۷ نسخه : یج طو خ نه نز عز صد

متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	(۹) ۰
یج صد :	۱	۲	۳	۴	۸	۵	۶	۹	۷
طو خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۷
نه :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۹	۸
نز :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۸	۹	۷
عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸

۲/۱ **طو** : ز رکناباد او.
۳/۲ **نز** : صباآمیز. **طو** : نسیم‌آمیز
۴/۱ **طو** : روح فیض را بین. ۴/۲ **خ عز** : بجوی از مردم.
۵/۱ **یج** : کی آمد شکر مصری به شیراز. **طو خ نه** : برد آنجا.
۷/۱ **طو خ** : مکن از خواب بیدارم **یج** : خدایا.
۷/۲ **طو خ** : که دارم خلوتی خوش
شمار دگرسانیها : طو=۶- خ=۴- یج=۲- نه نز عز=۱- صد=۰-

۲۵۳

۱ چو بر شکست صبا زلف عنبر افشانش | به هر شکسته که پیوست تازه شد جانش

۲ کجاست همنفسی تا به شرح عرضه دهم | که دل چه می‌کشد از روزگار هجرانش

۳ بَرید صبح وفانامه‌ای که بُرد به دوست | ز خون دیدهٔ ما بود مُهر عنوانش

۴ زمانه از ورق گل مثال روی تو ساخت | ولی ز شرم تو در غنچه کرد پنهانش

۵ تو خسته‌ای و نشد عشق را کرانه پدید | تبارک اللّٰه ازین ره که نیست پایانش

۶ جمال کعبه مگر عذر رهروان خواهد | که جان زنده دلان سوخت در بیابانش

۷ بدین شکستهٔ بیت الحزن که می آرد؟ | نشان یوسف دل از چهِ زنخدانش

۸ بگیرم آن سر زلف و به دست خواجه دهم | که دادِ من بستاند ز مکر و دستانش

---

۷ نسخه : **طو کهٔ خ مج نز عد صد**

ترتیب ابیات = **طو صد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
کهٔ :	۱	۲	۳	۴	٠	۵	۶	۷
خ :	۱	۲	٠	۳	۴	۵	۶	۷
مج نز :	۱	۸	۲	۳	۴	۵	۶	۷
عد :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸

۲/۱ **طو** : تا که شرح غصه دهم. **مج نز** : تا بیان کند حافظ.

۳/۱ **طو** : نسیم صبح. **طو** : وفا ناله‌ای که برد به دوست.

۴/۱ **خ** : مثال روی تو بست.

۵/۱ **طو** : تو جسته‌ای و. **خ** : تو خفته‌ای و. **طو** : کناره پدید.

۸/۲ **خ** : که سوخت حافظ بیدل.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - خ = ۳ - مج نز = ۱ - کهٔ عد صد = ٠

(نسخهٔ کهٔ یک بیت کم دارد).

۲۵۴

۱ یارب آن نوگل خندان که سپردی به منش   می‌سپارم به تو از چشم حسود چمنش

۲ گرچه از کوی وفا گشت به صد مرحله دور   دور باد آفت دوْر فلک از جان و تنش

۳ گر به سر منزل سلمیٰ رسی ای باد صبا   چشم دارم که سلامی برسانی ز منش

۴ به ادب نافه گشائی کن ازان زلف سیاه   جای دلهای عزیز است بهم بر مزنش

۵ گو دلم حقّ وفا بر خط و خالت دارد   محترم دار دران طرّهٔ عنبر شکنش

۶ در مقامی که به یاد لب او مِی نوشند   سفله آن مست که باشد خبر از خویشتنش

۷ عِرض و مال از در میخانه نشاید اندوخت   هر که این آب خورَد رَخت به دریا فکنش

۸ هرکه ترسد ز ملال انده عشقش نه حلال   سرِ ما و قدمش یا لب ما و دهنش

۹ شعر حافظ همه بیت الغزل معرفت است   آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش

---

۷ نسخه : **یج طو خ نز صف تغ تم**

ترتیب ابیات متن برابر است با : یج خ نز تغ تم

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸
صف	:	۱	۶	۲	۴	۳	۵	۸	۷	۹

۱/۱ **طو خ نز** : یارب این.

۱/۲ **طو** : گشته به صد مرحله.

۱/۳ **طو** : جانان رسی.

۱/۵ **طو تم** : گر دلم. **طو خ صف** : با خط و خالت.

تغ : حق وفای خط و خالت دارد. ۵/۲ **یج** : دران طرفهٔ.

۱/۶ **یج** : به یاد لب او می‌نوشد. **طو** : سفله آن است.

۱/۷ **یج** : از در میخانه نشاید انداخت.

۸/۲ خ : (نا = بدون نقطه) لب ما و.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج خ = ۳ - نز صف تغ تم = ۱ -

۱ در عهد پادشاه خطا بخش جُرم پوش　　حافظ قرابه کش شد و مفتی پیاله نوش
۲ صوفی ز کنج صومعه با پای خم نشست　　تا دید محتسب که سبو می‌کشد به دوش
۳ احوال شیخ و قاضی و شرب الیهودشان　　کردم سوآل صبحدم از پیر می فروش
۴ گفتا نه گفتنی ست سخن، گرچه محرمی　　درکش زبان و پرده نگه‌دار و می بنوش
۵ ساقی بهار می‌رسد و وجه می نماند　　فکری بکن که خون دل آمد ز غم به جوش
۶ عشق است و مفلسیّ و جوانیّ و نوبهار　　عذرم پذیر و جرم به ذیل کرم بپوش
۷ تا چند همچو شمع زبان آوری کنی　　پروانهٔ مراد رسید ای محب، خموش
۸ ای پادشاه صورت و معنی که مثل تو　　نادیده هیچ دیده و نشنیده هیچ گوش
۹ چندان بمان که خرقهٔ ازرق کند قبول　　بخت جوانت از فلک پیر ژنده پوش

---

۷ نسخه : **خ مج نه عد فط صف تم**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

۲/۱ **عد** : در پای خم نشست.

۵/۲ **تم** : که خون دل آید.

۶/۲ **مج نه فط** : عذرم ببین و.

۸/۱ **صف** : ای پادشاه مجمع خوبان.

۹/۱ **خ** : جامهٔ ازرق.

شمار دگرسانیها : **خ مج نه عد فط صف تم** = ۱ -

۱ ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش — دلم از عشوهٔ یاقوت شکرخای تو خوش

۲ همچو گلبرگ طری پود وجودِ تو لطیف — همچو سرو چمن خُلد سراپای تو خوش

۳ شیوه و ناز تو شیرین، خط و خال تو ملیح — چشم و ابروی تو زیبا، قد و بالای تو خوش

۴ هم گلستان خیالم ز تو پر نقش و نگار — هم مشام دلم از زلف سمن سای تو خوش

۵ در ره عشق که از سیل فنا نیست گذار — کرده‌ام خاطر خود را به تمنّای تو خوش

۶ پیش چشم تو بمیرم که بدان بیماری — می‌کند درد مرا از رخ زیبای تو خوش

۷ در بیابان طلب گرچه ز هر سو خطری‌ست — می‌رود حافظ بیدل به تولّای تو خوش

---

۸ نسخه : **یج حب طو کھ خ مج عز فط**

ترتیب ابیات متن برابر است با : **یج حب طو کھ خ فط**

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
مج عز :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۱/۲ **طو کھ خ عز فط** : دلم از عشوهٔ شیرین

۲/۱ **خ مج عز فط** : هست وجود تو (**یج حب طو کھ** : بود[1] وجود تو)

۲/۲ **طو کھ مج** : همچو سرو چمنی جمله

۳/۱ **مج** : شیوه و شکل تو. **کھ** خط و خال تو ظریف.

۳/۲ **یج** : چشم و ابروی تو شیرین.

۵/۱ **یج حب کھ خ** : در ره عشق ز سیلاب فنا. **طو** : که از سیل بلا

عز : در ره عشق تو کز سیل فنا.

۵/۲ **یج خ فط** : به تولای. **حب مج عز** : به تماشای تو خوش

۶/۱ **طو** : پیش چشمان تو میرم. **خ** : شکر چشم تو چه گویم

۷/۱ **طو** : در بیابان بلا. **خ** : در بیابان فنا. **حب کھ** : گرچه ز هر سو خطر است.

شمار دگرسانیها : ح = ۶ - طو کھ = ۵ - مج عز = ۴ - یج حب فط = ۳ -

(۱) در نسخه‌های خطی سدهٔ نهم حرف پ در غالب موارد به شکل ب نوشته شده است. لذا املای «بود» را «پود» نیز می‌توان خواند و قرائت «بود» یک دگرسانی منظور نمی‌شود.

۲۵۷

۱ کنار آب و پای بید و طبع شعر و یاری خوش — معاشر دلبری شیرین و ساقی گلعذاری خوش
۲ الا ای دولتی طالع که قدر وقت می‌دانی — گوارا بادت این عشرت که داری روزگاری خوش
۳ هرآنکس راکه بر خاطر ز عشق دلبری باری ست — سپندی گو بر آتش نه، که دارد کار و باری خوش
۴ عروس طبع را زیور ز فکر بکر می‌بندم — بود کز نقش ایّامم به دست افتد نگاری خوش
۵ شب صحبت غنیمت دان و داد خوشدلی بستان — که مهتابی دل‌افروز است و طرف لاله‌زاری خوش
۶ میی در کاسهٔ چشم است ساقی را به نام ایزد — که مستی می‌کند با عقل و می‌بخشد خماری خوش
۷ به غفلت عُمر شد حافظ، بیا با ما به میخانه — که شنگولان خوشباشت بیاموزند کاری خوش

۶ نسخه : **یج طو خ مج فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۲/۱ **یج** : که قدر وصل می‌دانی. ۲/۲ **یج** : گوارا باد این عیشت.

۳/۱ **خ** : در خاطر. ۳/۲ **فط** : که داری.

۴/۲ **خ** : بود کز دست ایامم به دست افتد. **صف** : بود کز نقش ایوانم.

۵/۱ **یج** : شب صحبت [ ] دان وکام خوشدلی بستان. **صف** : داد از خوشدلی.

۵/۲ **یج** : که مهمانی دل‌افروز است و.

۶/۱ **فط** : چشم است ساقی را بیامیزد.

۶/۲ **مج** : می‌آرد خماری خوش.

۷/۱ **خ** : به غفلت عمر شد ساقی.

شمار دگرسانیها : **یج** = ۴ - **خ** = ۳ - **فط صف** = ۲ - **مج** = ۱.

(یازده اختلاف نسخهٔ **طو** در این غزل حذف شد.)

۲۵۸

۱ هاتفی از گوشهٔ میخانه دوش گفت: ببخشند گُنه، می بنوش
۲ عفو الاهی بکند کار خویش مژدهٔ رحمت برساند سروش
۳ لطف خدا بیشتر از جُرم ماست نکتهٔ سربسته چه گوئی؟ خموش
۴ این خرد خام به میخانه بر تا می لعل آوردش خون به جوش
۵ گرچه وصالش نه به کوشش دهند هرقدر ای دل که توانی بکوش
۶ گوش من و حلقهٔ گیسوی یار روی من و خاک درِ می فروش
۷ رندی حافظ نه گناهی‌ست صعب با کرم پادشه عیب پوش

---

(۸) داور دین شاه شجاع آنکه کرد روح قدس حلقهٔ امرش به گوش
(۹) ای ملک العرش مرادش بده وز خطر چشم بدش دار گوش

۱۱ نسخه : یج حیِ طو خ مج نه عد عز صف صد تغ

								(۸)	(۹)
ترتیب ابیات متن = حیِ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰
یج مج نه عز فط صد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷	۸
خ :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۸	۹
عد :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۹	۷	۸
صف :	۱	۲	۴	۳	۶	۵	۷	۸	۹

۱/۲ **طو** : گفت نبخشند گنه.

۳/۱ **طو خ** : لطف الاهی. ۳/۲ **خ** : چه دانی خموش.

۴/۱ **یج** : به میخانه ده. ۴/۲ **خ** : آوردش بخون بجوش.

۷/۲ **حیِ عز** : باکرم پادشه جرم‌پوش.

(۸/۱) **صف** : دایر دین. **یج نه تغ** : آنکه هست.

شمار دگرسانیها : خ = ۳ - **یج طو** = ۲ - **حیِ نه عز صف تغ** = ۱ - **مج عد صد** = ۰ -

۲۵۹

۱ سحر ز هاتف غیبم رسید مژده به گوش — که دوْر شاه شجاع است، می دلیر بنوش

۲ شد آنکه اهل نظر بر کناره می‌رفتند — هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش

۳ به بانگ چنگ بگوئیم آن حکایتها — که از نهفتن آن دیگ سینه می‌زد جوش

۴ شرابِ خانگیِ ترس محتسب خورده — به روی یار بنوشیم و بانگ نوشا نوش

۵ ز کوی میکده دوشش به دوش می‌بردند — امام خواجه که سجّاده می‌کشید به دوش

۶ دلا، دلالت خیرت کنم به راه نجات — مکن به فسق مباهات و زهد هم مفروش

۷ رموز مصلحت ملک خسروان دانند — گدای گوشه نشینی تو حافظا مخروش

---

(۸) محلّ نور تجلّی ست رای انور شاه — چو قرب او طلبی در صفای نیّت کوش

(۹) بجز ثنای جلالش مساز ورد ضمیر — که هست گوش دلش محرم پیام سروش

۷ نسخه : **یج طو خ مج عد فط صف**

								(۸)	(۹)
ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰
یج طو خ مج عد فط صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۹	۷	۸

۱/۲ **یج** : شجاع است و.

۲/۲ **فط** : سخن در زبان و. **صف** : سخن در دهان لب خاموش.

۳/۱ **طو خ مج** : به صوت چنگ. **عد** : بگوئیم بس حکایتها.

۴/۱ **طو** : شراب خانگی و. **مج فط صف** : شراب خانگی از ترس.

۵/۲ **خ** : امام شهر.

۶/۲ **طو** : مکن به عشق مباهات و.

(۹/۲) **طو** : محرم سرای سروش.

شمار دگرسانیها : طو = ۴ - خ مج فط صف = ۲ - یج عد = ۱ -

۱ دوش با من گفت پنهان کاردانی تیزهوش (وز شما پنهان نشاید راز پیر می فروش)
۲ گفت: آسان گیر بر خود کارها، کز روی طبع سخت می‌گیرد جهان بر مردمان سخت کوش
۳ وانگهم در داد جامی کز فروغش بر فلک زهره در رقص آمد و بربط زنان می‌گفت: نوش
۴ گوش کن پند ای پسر وز بهر دنیا غم مخور گفتمت چون دُر حدیثی گر توانی داشت گوش
۵ با دل خونین لب خندان بیاور همچو جام نی گرت زخمی رسد آئی چو چنگ اندر خروش
۶ تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی گوش نامحرم نباشد جای پیغام سُروش
۷ در حریم عشق نتوان زد دم از گفت و شنید زانکه آنجا جمله اعضا چشم باید بود و گوش
۸ بر بساط نکته دانان خودفروشی شرط نیست یا سخن دانسته گو، ای مرد بخرد یا خموش
۹ ساقیا مِی ده که رندیهای حافظ فهم کرد آصف صاحبقران جرم بخش عیب پوش

۶ نسخه : **یج طو خ مج صف صد**

متن = **یج مج صد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۶	۵	۷	۸
خ :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۸	۹
صف :	۱	۲	۳	۷	۴	۵	۶	۸	۹

۱/۱ **یج طو مج صد** : پنهان گفت با من.
۱/۲ **یج طو مج** : کز شما. **یج مج** : پوشیده نبود. **طو** : داشت سز. **خ** : کرد سز.
صف صد : داشت راز.
۲/۲ **خ** : سخت می‌گردد.
۳/۱ **یج** : جامی کز فروغش نه فلک.
۴/۱ **یج** : وز بهر دنیی. ۴/۲ **خ** : گر توانی داشت هوش.
۵/۱ **مج** : با دل پرخون. **صد** : برآور همچو جام.
۵/۲ **یج صف** : آئی چونی اندر خروش. **صد** : چون چنگ آئی در خروش.
۷/۱ **یج طو** : نتوان دم زد از. ۷/۲ **یج طو** : گرچه آنجا. **مج** : گرچه اینجا.
۸/۱ **مج** : دانسته گوی. **طو خ** : ای مرد عاقل.
۹/۱ **صف** : ساقیا جامی.
شمار دگرسانیها : یج = ۸ - طو مج = ۶ - خ صد = ۴ - صف = ۳ -

۱ مجمع خوبی و لطف است عذار چو مهش　　لیکنش مهر و وفا نیست، خدایا بدهش

۲ دلبرم شاهد و طفل است و به بازی روزی　　بکشد زارم و در شرع نباشد گنهش

۳ من همان بِه که ازو نیک نگه دارم دل　　که بد و نیک ندیده است و ندارد نگهش

۴ بوی شیر از لب همچون شکرش می‌آید　　گر چه خون می‌چکد از شیوهٔ چشم سیهش

۵ چارده ساله بتی چابک شیرین دارم　　که به جان حلقه به گوش است مه چاردهش

۶ در پی آن گل نو رُسته دل ما یارب　　خود کجا شد که ندیدیم درین چندگهش

۷ یار دلدار من ار قلب بدینسان شکند　　ببرد زود به جانداری خود پادشهش

۸ جان به شکرانه کنم صرف گر آن دانهٔ دُر　　صدف دیدهٔ حافظ شود آرامگهش

---

۷ نسخه : **یج طو خ　مج نز فط صف**

ترتیب ابیات = خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۰	۶
طو :	۱	۲	۳/۱ | ۴/۲	۴/۱ | ۳/۲	۵	۶	۷	۸
مج نز :	۱	۲	۳	۵	۴	۷	۶	۸
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸
صف :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸

۱/۱ **طو مج نز** : رخ همچو مهش.　　۱/۲ **طو** : انصاف و وفا.

۲/۱ **طو** : یار من شاهد و.　**یج** : دلبرم شاهد لطف است و.　**مج** : است به بازی روزی.

۴/۲ **طو** : از عشوهٔ چشم.

۵/۱ **طو** : چابک و دلبر دارم.　　۵/۲ **نز** : که ز جان.

۶/۱ **طو خ** : از پی آن گل.　**یج** : آن گل نورسته دل ما دریاب.

۷/۱ **مج نز** : یار دلدارم اگر.

۸/۱ **یج** : به شکرانه کنم صید.　**یج** : درین دانه که او.　**فط** : گر آن در یتیم.

۸/۲ **خ** : صدف سینهٔ حافظ.　**یج خ** : بود آرامگهش.

شمار دگرسانیها : **طو** = ۶-　**یج** = ۵-　**خ مج نز** = ۳-　**فط** = ۱-　**صف** = ۰.

۱ ما آزموده‌ایم درین شهر بخت خویش — بیرون کشید باید ازین ورطه رخت خویش
۲ از بسکه دست می‌گزم و آه می‌کشم — آتش زدم چو گل به تن لَخت لَخت خویش
۳ دوشم ز بلبلی چه خوش آمد که می‌سرود — (گل گوش پهن کرده ز شاخ درخت خویش)
۴ کای دل تو شاد باش که آن یار تندخوی — بسیار تندروی نشیند ز بخت خویش
۵ خواهی که سخت و سست جهان بر تو بگذرد — بگذر ز عهد سست و سخنهای سخت خویش
۶ گر موج خیز حادثه سر بر فلک زند — عارف به آب تر نکند رَخت و پَخت خویش
۷ ای حافظ ار مراد میسّر شدی مدام — جمشید نیز دور نماندی ز تخت خویش

---

(۸) بیم است کز فراق تو و سوز اندرون — آتش در افکنم به تن لَخت‌لَختِ خویش

۶ نسخه : **یج طو خ مج صد تم**

ترتیب ابیات متن برابر است با : **مج صد تم**

								(۸)
متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰
یج طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۷	۶

۱/۱ **یج** : ما آزموده‌ایم درین شهر رخت خویش.
۱/۲ **مج** : بیرون کشیده باید.
۲/۱ **طو** : آه می‌زنم. ۲/۲ **یج** : چوگل به دل.
۳/۲ **طو** : گل پهن کرده گوش.
۴/۱ **طو** : ای دل صبور باش. **خ** : تندخو.
۴/۲ **طو** : بسیار تندرو بنشیند.
۷/۱ **مج** : حافظ اگر وصال. ۷/۲ **طو** : باز نماندی.
(۸/۱) **خ** : وقت است کز فراق تو وز سوز اندرون.
(۸/۲) **خ** : آتش درافکنم به همه رخت و پخت خویش.
(متن بیت (۸) مطابق است با نسخه‌های کا کج کھ پن)
شمار دگرسانیها : طو = ۵ - خ = ۳ - یج مج = ۲ - صد تم = ۰

۲۶۳

۱ دلم رمیده شد و غافلم من درویش — که آن شکاری سرگشته را چه آمد پیش

۲ چو بید بر سر ایمان خویش می‌لرزم — که دل به دست کمان ابرونی ست کافر کیش

۳ خیال حوصلهٔ بحر می‌پزم هیهات — چه‌هاست در سر این قطرهٔ محال اندیش

۴ به کوی میکده گریان و سر فکنده روم — چرا که شرم همی آیدم ز حاصل خویش

۵ نه عمر خضر بماند نه ملک اسکندر — نزاع بر سر دنیای دون مکن درویش

۶ بنازم آن مژهٔ شوخ عافیت کش را — که موج می‌زندش آب نوش در سر نیش

۷ ز آستین طبیبان هزار خون بچکد — گرم به تجربه دستی نهند بر دل ریش

۸ تو بنده‌ای گله از دوستان مکن حافظ — که شرط عشق نباشد شکایت از کم و بیش

---

(۹) به آن کمر نرسد دست هر گدا حافظ — خزینه‌ای به کف آور ز گنج قارون بیش

۸ نسخه : ت یج طو خ مج نز عد صف

ترتیب ابیات =

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	(۹)
ت :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۰	۷
طو :	۱	۳	۲	۶	۷	۴	۵	۸	۰
خ مجنز :	۱	۲	۳	۶	۷	۴	۵	۰	۸
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸

۲/۱ **یج** : ایمان خود همی لرزم. — ۲/۲ **ت یج طو** : کمان ابرویست.

۳/۱ **خ** : بحر می‌پزد. — ۳/۲ **ت** : بر سر این قطرهٔ خیال‌اندیش.

۴/۱ **ت عد** : سرفکنده شوم.

۵/۱ **طو** : نه عمر خضر بماند و. — ۵/۲ **خ** : دنیی دون.

۶/۲ **طو** : از سرنیش. **خ** : بر سرنیش.

۸/۱ **طو** : خموش حافظ و از جور یار ناله مکن. **عد** : گله از دوستان مکن یارا.

شمار دگرسانیها : طو = ۴ - ت خ = ۳ - یج عد = ۲ - مج نز صف = ۰.

(در سه نسخهٔ اخیر به جای بیت ۸ بیت (۹) نوشته شده است).

۱ طالع اگر مدد دهد دامنش آورم به کف ‌ ‌ ‌ گر بکشم زهی طرب ور بکشد زهی شرف
۲ طرف کرم ز کس نبست این دل پر امید من ‌ ‌ ‌ گرچه سخن همی برد قصّهٔ من به هر طرف
۳ چند به ناز پرورم مهر بتان سنگدل ‌ ‌ ‌ یاد پدر نمی‌کنند این پسران ناخلف
۴ از خم ابروی ویم هیچ گشایشی نشد ‌ ‌ ‌ وه که درین خیال کج عمر عزیز شد تلف
۵ ابروی دوست کی شود دست‌کش خیال من ‌ ‌ ‌ کس نزده است ازین کمان تیر مراد بر هدف
۶ من به خیال زاهدی گوشه‌نشین و طرفه آنک ‌ ‌ ‌ مغبچه‌ای ز هر طرف می‌زندم به چنگ و دف
۷ بیخبرند زاهدان نقش بخوان و لا تَقُل ‌ ‌ ‌ مست ریاست محتسب باده بده و لا تَخَف
۸ صوفی شهر بین که چون لقمهٔ شبهه می‌خورد ‌ ‌ ‌ پاردمش دراز باد آن حیوان خوش‌علف
۹ حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان عشق ‌ ‌ ‌ بدرقهٔ رهت شود همّت شحنهٔ نجف

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج سز فط صد**

ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
= **مج سز** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳	۵	۰	۴	۶	۸	۷
طو :	۱	۳/۱ ¦ ۰	۲	۶	۰ ¦ ۳/۲	۵	۴	۷	۸
خ :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۸	۹
فط :	۱	۲	۵	۴/۱ ¦ ۳/۲	۳/۱ ¦ ۴/۲	۶	۷	۸	۹
صد :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸

۱/۱ **یج مج صد** : اگر مدد کند. ‌ ‌ ‌ ۱/۲ **خ** : ور بکشم زهی طرب.

۳/۱ **یج** : مهر بتان تنگدل.

۴/۱ **خ سز فط** : ابروی توام. **طو** : ابروی بتم. **طو** : نقش گشایشی نشد.

۵/۱ **فط** : ابروی یار. **مج سز** : دست‌کش من ضعیف. **فط** : دستخوش خیال من.

۶/۲ **صد** : مغبچه‌ای به هر طرف.

۷/۲ **طو سز** : باده بنوش و لا تخف.

۸/۲ **یج** : آن حیوان ناخلف.

۹/۱ **مج** : قدم نهی در ره. **طو خ** : خاندان به صدق.

۹/۲ **یج طو** : همت شحنة النجف.

شمار دگرسانیها : طو=۵- یج=۴- خ مج سز فط=۳- صد=۲-

۲۶۵

۱ مقام امن و می بی‌غش و رفیق شفیق — گرت مدام میسّر شود زهی توفیق

۲ جهان و کار جهان جمله هیچ در هیچ است — هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق

۳ دریغ و درد که تا این زمان ندانستم — که کیمیای سعادت رفیق بود، رفیق

۴ کجاست اهل دلی تا کند دلالت خیر — که ما به دوست نبردیم ره به هیچ طریق

۵ بیا که توبه ز لعل نگار و خندهٔ جام — تصوّری ست که عقلش نمی کند تصدیق

۶ حلاوتی که تو را در چَه زنخدان است — به کُنه آن نرسد صد هزار فکر عمیق

۷ اگر چه موی میانت به چون منی نرسد — خوش است خاطرم از فکر این خیال دقیق

۸ اگر به رنگ عقیق است اشک من چه عجب — که مهر خاتم چشمم لبی ست همچو عقیق

۹ به خنده گفت که حافظ غلام طبع توام — ببین که تا به چه حدّم همی کند تحمیق

---

(۱۰) به مأمنی رو و فرصت شمر غنیمت وقت — که در کمینگه عمرند قاطعان طریق

۷ نسخه : **یج طو خ مج فط صد تغ**

										(۱۰)
متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
یج خ :	۱	۲	۳	۰	۵	۷	۶	۸	۹	۴
طو :	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۷	۸	۹	۰
مج :	۱	۲	۴	۰	۵	۶	۷	۸	۹	۳
فط :	۱	۲	۸	۳	۴	۶	۵	۷	۹	۰
صد :	۱	۲	۳	۵	۶	۱۰	۷	۸	۹	۴
تغ :	۱	۲	۳	۹	۷	۵	۶	۸	۱۰	۴

۲/۱ **خ** : هیچ بر هیچ است.

۳/۱ **یج** : که تا اینقدر. — ۵/۲ **طو خ فط** : حکایتی‌ست.

۶/۱ **طو مج** : ملاحتی که تو را. — ۶/۲ **یج** : به کنه او نرسد.

۷/۲ **مج فط** : آن خیال دقیق.

۸/۱ **طو** : اگر به رنگ عقیق است زنگ من. **خ** : اگر به رنگ عقیقی شد اشک من.

۸/۲ **یج** : که مهر خاتم چشم من است. **خ** : لعل تو هست. **صد** : لعلم لبی‌ست.

فط : که دارم آرزوی آن لبان.

(۱۰/۱) **یج مج تغ** : معیشت وقت.

شمار دگرسانیها : یج خ = ۴ - طو مج فط = ۳ - صد تغ = ۱ -

۲۶۶

۱ اگر شراب خوری جرعه‌ای فشان بر خاک دران گناه که نفعی رسد به غیر چه باک

۲ برو به هرچه تو داری بخور، دریغ مخور که بی دریغ زند روزگار تیغ هلاک

۳ به خاکپای تو ای سرو ناز پرور من که روز واقعه پا وامگیرم از سر خاک

۴ چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه مَلَک به مذهب همه کفر طریقت است امساک

۵ مهندس فلکی راه دیر شش جهتی چنان ببست که ره نیست زیر دام مغاک

۶ فریب دختر رز طرفه می‌زند رهِ عقل مباد تا به قیامت خراب طارم تاک

۷ به راه میکده حافظ خوش از جهان رفتی دعای اهل دلت باد مونس دل پاک

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج ند نه سز صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۶ نسخهٔ فوق (بجز طو صف)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶
صف :	۱	۴	۲	۳	۵	۶	۷

۱/۱ **یج** : جرعه‌ای فشان در خاک. ۱/۲ **طو خ سز** : ازان گناه.

۲/۱ **طو** : بیا به هرچه. **یج** : دریغ مدار.

۳/۲ **یج خ** : پا وا مگیر.

۴/۱ **خ** : چه آدمی چه پری. ۴/۲ **مج** : کفر طبیعت است.

۵/۲ **خ** : زیر دیر مغاک.

۶/۱ **یج** : فریب دختر زن.

شمار دگرسانیها : یج خ = ۴ - طو = ۲ - مج سز = ۱ - ند نه صف = ۰ -

۲۶۷

۱ هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک — گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

۲ مرا امید وصال تو زنده می‌دارد — وگرنه هر دمم از هجر توست بیم هلاک

۳ نفس نفس اگر از باد نشنوم بویت — زمان زمان کنم از غم چو گل گریبان چاک

۴ رود به خواب دو چشم از خیال تو هیهات — بود صبور دل اندر فراق تو حاشاک

۵ اگر تو زخم زنی به که دیگران مرهم — وگر تو زهر دهی به که دیگران تریاک

۶ بِضَربِ سَیفِکَ قَتلی حَیاتُنا اَبَدا — لِاَنَّ روحی قَدْ طابَ اَن یَکونَ فِداک

۷ عنان مپیچ که گر می‌زنی به شمشیرم — سپر کنم سر و دستت ندارم از فتراک

۸ تو را چنانکه توئی هر نظر کجا بیند؟ — به قدر بینش خود هر کسی کند ادراک

۹ به چشم خلق عزیز آن زمان شود حافظ — که بر در تو نهد روی مسکنت بر خاک

۶ نسخه : **طو کد خ مج عد تق**

ترتیب ابیات									
= خ مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	∘	∘	۶	۷
کد عد :	۱	۲	۳	۴	۵	∘	۷	۶	۸
تق :	۱	۲	۳	۴	۸	۵	۶	۷	۹

۱/۱ **طو** : هزار دشمن اگر.

۲/۱ **خ** : مرا امید [ ] تو زنده می‌دارد.

۲/۲ **طو کد عد تق** : وگرنه صد رهم. **کد** : از هجر کشت.

۳/۱ **طو** : از باد نشنوم. **خ** : بویش. ۳/۲ **کد خ** : چو گل از غم کنم.

۴/۲ **طو** : دلم از فراق تو.

۵/۱ **مج** : گرم تو زخم زنی. **خ** : به که دیگری مرهم. **مج تق** : به که دیگران مرهم.

۵/۲ **عد** : ورم تو زهر دهی. **خ** : به که دیگری.

۶/۲ **خ مج** : بانّ روحی. **تق** : قد مات.

۷/۲ **مج** : سپر شوم من و.

۸/۲ **خ** : به قدر دانش خود. **طو عد** : هر کـ ـ کنند.

۹/۱ **خ مج عد** : عزیز جهان شود. ۹/۲ **تق** : که در ره تو نهد.

شمار دگرسانیها : خ = ۸ - طو مج = ۵ - عد تق = ۴ - کد = ۳ -

---

۶. کشته شدنم به ضرب شمشیر تو مایهٔ زندگی جاودانی ست. جان من از اینکه فدای تو بشود شادمان است.

۲۶۸

۱ ای دل ریش مرا بر لب تو حقّ نمک — حق نگه‌دار که من می‌روم الله معک
۲ تونی آن جوهر پاکیزه که در عالم قدس — ذکر خیر تو بود حاصل تسبیح ملک
۳ در خلوص منت ار هست شکی تجربه کن — کس عیار زر خالص نشناسد چو محک
۴ گفته بودی که شوم مست و دو بوست بدهم — وعده از حد بشد و ما نه دو دیدیم و نه یک
۵ بگشا پستهٔ خندان و شکرریزی کن — خلق را از دهن خویش مینداز به شک
۶ چرخ برهم زنم ار غیر مرادم گردد — من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک
۷ چون بر حافظ خویشش نگذاری باری — ای رقیب از بر او یک دو قدم دور ترک

۹ نسخه : **یج طو خ مج ند نز عد عز صد**
ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

۱/۱ **خ** : با لب تو. **صد** : بر تو بسی.
۱/۲ **طو** : حق نگهت دار.
۲/۱ **خ نز عز** : گوهر پاکیزه.
۴/۱ **یج** : شوم مست و دو بوسه. ۴/۲ **یج** : ما نه بدو دیدیم بتک.
۵/۲ **یج** : در دهن خویش.
۶/۲ **طو** : از چرخ و فلک.
۷/۱ **طو** : چونکه با حافظ خویشش.
شمار دگرسانیها : یج طو = ۳ - خ = ۲ - نز عز صد = ۱ - مج ند عد = ۰ -

۲۶۹

۱ شَمَمْتُ روحَ وِدادٍ وَ شِمْتُ بَرْقَ وِصال بیا که بوی تو را میرم ای نسیم شمال

۲ اَحادِیا بِجمالِ الحَبیبِ قِفْ وَ انْزِل که نیست صبر جمیلم ز اشتیاق جمال

۳ شکایت شب هجران فروگذار ای دل به شکر آنکه برافکند پرده روز وصال

۴ چو یار بر سر صلح است و عذر می‌خواهد توان گذشت ز جور رقیب در همه حال

۵ بیا که پردهٔ گلریز هفت کاری چشم کشیده‌ایم به تحریر کارگاه خیال

۶ بجز خیال دهان تو نیست در دل تنگ که کس مباد چو من در پی خیال محال

۷ ملال مصلحتی می‌نمایم از جانان که کس به جد ننماید ز جان خویش ملال

۸ قتیل عشق تو شد حافظ غریب ولی به خاک ماگذری کن که خون مات حلال

۶ نسخه : یج طو خ نه صفٔ حص

ترتیب ابیات = نه صفٔ حص :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷
طو :	۱	۰	۲	۳	۴	۰	۵	۶
خ :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۰	۷

۱/۱ **خ** : شممت روح وصال.

۲/۲ **نه** : در اشتیاق جمال.

۳/۱ **طو خ صفٔ** : حکایت شب هجران. **یج خ** : فروگذاشته به.

۳/۲ **طو** : برانداخت پرده. **طو** : صبح وصال.

۴/۱ **خ** : عذر می‌طلبد.

۵/۱ **خ** : هلت خانهٔ چشم. **صفٔ** : هفتگانهٔ چشم.

۷/۲ **طو** : که کس به جان ننماید. **حص** : که هیچکس ننماید.

۸/۱ **خ** : قتیل عشق تو [ ] حافظ غریب ولی.

۸/۲ **طو** : که خوت مات حلال.

شمار دگرسانیها : خ = ۶ - طو = ۵ - صفٔ = ۲ - یج نه حص = ۱ -

۱/۱. بوی خوش دوستی را شنیدم و تابش نور وصال را دیدم.

۲/۱. ای کسی که برای شتران دوست آواز می‌خوانی، بایست و فرود آی.

۱ به عهد گل شدم از توبهٔ شراب خجل — که کس مباد ز کردار ناصواب خجل

۲ صلاح ما همه دام ره است و من زین بحث — نیَم ز شاهد و ساقی به هیچ باب خجل

۳ بوَد که باز نپرسد گنه به خُلق کریم — که از سوآل ملولیم و در جواب خجل

۴ ز خون که رفت شب دوش از سراچهٔ چشم — شدیم در نظر شبروان خواب خجل

۵ تو خوبروی تری ز آفتاب و شکر خدا — که نیستم ز تو در روی آفتاب خجل

۶ رواست نرگس مست ار فکند سر در پیش — که شد ز شیوهٔ آن چشم پر عتاب خجل

۷ رخ از جناب تو عمری ست تا نتافته‌ام — نیَم به یاری توفیق ازین جناب خجل

۸ حجاب ظلمت ازان بست آب خضر که گشت — ز طبع حافظ و این شعر همچو آب خجل

۹ ازان نهفت رخ خویش در نقاب صدف — که شد ز نظم خوشش لؤلؤ خوشاب خجل

---

۶ نسخه : یج طو خ ند عد حة

ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج عد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۰
طو	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۸	۷	۹
خ	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۰	۷	۰
ند	۱	۲	۵	۶	۳	۴	۰	۷	۰
حة	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۰	۷	۰

۱/۱ خ : به وقت گل.

۲/۱ یج : صواب ما همه. یج : من زین بخت. ند : در این بحث.

۳/۱ یج خ حة : یار نرنجد ز ما. عد : ز خلق کریم.

۳/۲ یج : که در سوآل ملولیم و. خ عد : از جواب خجل.

۴/۱ ند : شب دوش در سراچهٔ. ۴/۲ خ ند حة : رهروان خواب.

۵/۱ خ : تونی که خوبتری. یج : فضل خدای. ند : شکر خدای.

۶/۲ یج : که [ ] ز شیوهٔ آن.

۸/۱ یج عد حة : نقاب ظلمت.

۸/۲ خ عد : ز شعر حافظ و. خ : آن طبع. عد : این نظم.

شمار دگرسانیها : یج خ = ۷ - عد = ۵ - ند = ۴ - حة = ۳ -

(نسخهٔ طو دارای ۱۳ اختلاف است و از نقل آنها صرف نظر شد).

۲۷۱

۱ هر نکته‌ای که گفتم در وصف آن شمایل — هر کو شنید گفتا لِلّٰهِ دَرُّ قایل
۲ تحصیل عشق و رندی آسان نمود اوّل — جانم بسوخت آخر در کسب این فضایل
۳ گفتم که کی ببخشی بر جان ناتوانم؟ — گفت آن زمان که نبود جان در میانه حایل
۴ حلّاج بر سر دار این نکته خوش سراید — از شافعی نپرسند امثال این مسایل
۵ دل داده‌ام به یاری، شوخی، کشی نگاری — مَرضِیَّةُ السَّجایا مَحْمودَةُ الخَصایل
۶ در عین گوشه گیری بودم چو چشم مستت — و اکنون شدم چو مستان بر ابروی تو مایل
۷ از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم — وز لوح سینه نقشت هرگز نگشت زایل
۸ ای دوست دست حافظ تعویذ چشم‌زخم است — یا رب ببینم آن را در گردنت حمایل

۷ نسخه : **یج طو خ عز صد حة تغ**

ترتیب ابیات متن برابر است با : یج طو صد تغ

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
خ :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸
عز حة :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸

۲/۱ **یج** : تحصیل علم و رندی.

۲/۲ **طو** : لیکن بسوخت جانم. **خ** : آخر بسوخت جانم.

۴/۲ **خ حة** : کز شافعی نپرسند. **طو** : امسال این مسایل.

۶/۱ **یج طو صد تغ** : عشقم ز ره بینداخت.

۶/۲ **طو عز حة** : اکنون شدم. **یج** : به مستان. **یج** : چو ابروی تو.

۷/۱ **طو** : از آب دیده صد ره هم طوفان نوح دیدم.

۷/۲ **طو** : از نقش دیده نقشت.

۸/۲ **طو** : آیا بود که بینم. **صد** : یا رب که بینم آن را.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - یج = ۴ - خ صد حة = ۲ - عز تغ = ۱ -

۱/۲. هر کس شنید گفت خداوند گوینده را خیر دهاد.

۵/۲. پسندیده خوی و ستوده خصال.

۱ عشقبازیّ و جوانیّ و شراب لعل فام — مجلس انس و حریف همدم و شُرب مدام

۲ ساقی شکّردهان و مطرب شیرین سخن — همنشین نیک کردار و ندیم نیکنام

۳ شاهدی از لطف و پاکی رشک آب زندگی — دلبری در حسن و خوبی غیرت ماه تمام

۴ بزمگاهی دلنشان چون قصر فردوس برین — گلشنی پیرامنش چون روضهٔ دارالسّلام

۵ صف نشینان نیکخواه و پیشکاران با ادب — دوستداران صاحب اسرار و حریفان دوستکام

۶ بادهٔ گلرنگ تلخ تیز خوشخوار سبک — نُقلش از لعل نگار و نَقلش از یاقوت خام

۷ غمزهٔ ساقی به یغمای خرد آهخته تیغ — زلف جانان از برای صید دل گسترده دام

۸ نکته دانی بذله گو چون حافظ شیرین سخن — بخشش آموزی جهان‌افروز چون حاجی قوام

۹ هرکه این عشرت نخواهد خوشدلی بروی تباه — وانکه این مجلس نجوید زندگی بر وی حرام

---

۶ نسخه : یج طو خ عز صف حذ

ترتیب ابیات متن برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (سوای صف).

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
صف :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۸	۹

۲/۲ خ : همنشینی نیک کردار و ندیمی. صف : حریف نیکنام.

۴/۱ عز : بزمگاه دلنشان.

۶/۲ خ : یاقوت حام. صف : یاقوت جام.

۷/۲ یج : به یغمای خرد آهسته تیغ. ۷/۲ صف : زلف دلبر.

۸/۱ یج : نکته‌دانی خوش سخن. عز : نکته‌دانی بزله‌گو.

یج : چون حافظ افسانه‌ساز.

۸/۲ عز : بخشش آموز.

۹/۱ یج : هرکه این عشرت ندارد. یج : عیش خوش بر وی تباه.

۹/۲ یج : وانکه این مجلس نخواهد.

شمار دگرسانیها : یج =۶- عز صف =۳- خ =۲- حذ =۰-

(نسخهٔ طو دارای ۱۵ اختلاف است و از نقل آنها خودداری شد).

۲۷۳

۱ مرحبا طایر فرّخ پیِ فرخنده پیام　　　خیر مقدم، چه خبر؟ یار کجا؟ راه کدام؟

۲ یارب این قافله را لطف ازل بدرقه باد　　　که ازو خصم به دام آمد و معشوقه به کام

۳ ماجرای من و معشوق مرا پایان نیست　　　هرچه آغاز ندارد نپذیرد انجام

۴ زلف دلدار چو زنّار همی فرماید　　　برو ای شیخ که شد بر تن ما خرقه حرام

۵ مرغ عرشم که همی زد ز سر سد ره صفیر　　　عاقبت دانهٔ خال تو فکندش در دام

۶ چشم خونبار مرا خواب نه در خور باشد　　　مَن لَهُ یُقْبِلُ داءٌ دَنَفٌ کَیْفَ یَنام

۷ تو ترحّم نکنی بر من بیدل گفتم　　　ذاکَ دَعْوایَ و ها أنْتَ و تِلْکَ الأیّام

۸ گل ز حد برد تنعّم به کرم رخ بنمای　　　سرو می‌نازد و خوش نیست خدا را بخرام

۹ حافظ ار میل به ابروی تو دارد شاید　　　جای در گوشهٔ محراب کنند اهل کلام

۶ نسخه : **یج طو خ عد صف تغ**

ترتیب ابیات =										
یج تغ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو خ	:	۱	۲	۳	۵	۶	۷	۸	۴	۹
عد	:	۱	۲	۳	۶	۷	۴	۵	۸	۹
صف	:	۱	۲	۳	۸	۷	۴	۵	۶	۹

۱/۱ **طو** : طایر فرخ رخ.　　۱/۲ **طو** : دوست کجا یار کدام. **خ** : دوست کجا راه کدام.

۲/۱ **عد** : آن قافله را. **طو** : لطف ازل همره باد.　　۲/۲ **تغ** : خصم به دام آمد.

۵/۱ **یج** : مرغ عزمم. **طو** : مرغ عیشم. **خ صف** : مرغ روحم.

۶/۱ **یج خ عد تغ** : چشم بیمار مرا. **صف** : چشم بیدار مرا. **طو** : خواب چه درخور باشد

۶/۲ **یج** : من له یقتل. **عد صف** : من له یقبل. **طو** : من له یقل کلف.

یج : داء دنفا. **خ** : داء ونیا. **صف** : داء دنیا.

۷/۱ **طو خ** : بر من مخلص.　　۷/۲ **یج عد تغ** : ذاک دعواک.

۸/۱ **طو خ** : نفسی رخ بنما.

شمار دگرسانیها : طو=۸- خ=۶- یج=۵- عد صف=۴- تغ=۳-

۶/۲. کسی که برایش بیماری دائمی پیش می‌آید چگونه می‌تواند به خواب برود.

۷/۲. این دعوی من، اینک تو و اینک روزگار.

۱ عاشق روی جوانی خوش نوخاسته‌ام — وز خدا شادی این غم به دعا خواسته‌ام
۲ عاشق و رند و نظربازم و می‌گویم فاش — تا بدانی که به چندین هنر آراسته‌ام
۳ شرمم از خرقهٔ آلودهٔ خود می‌آید — که بر او پاره به صد شعبده پیراسته‌ام
۴ خوش بسوز از غمش ای شمع که اینک من نیز — به همین کار میان بسته و برخاسته‌ام
۵ با چنین حیرتم از دست نشد صرفهٔ کار — در غم افزوده‌ام آنچ از دل و جان کاسته‌ام
۶ همچو حافظ به خرابات روم جامه قبا — بو که در بر کشد آن دلبر نو خاسته‌ام

۸ نسخه : **یج طو کد خ مج سو فط صد**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۷ نسخهٔ فوق (سوای طو)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۰

۱/۱ **طو** : جوان خوش. ۱/۲ **خ** : دولت این غم.

۲/۱ **فط** : عاشق و رندم و میخواره و می‌گویم فاش.

۳/۲ **طو** : که بر او زهد. **کد** : که بدو پاره. **خ** : که بر او وصله.

۴/۱ **کد** : از غمش ای یار. **یج** : که اشک من نیز. **طو مج** : که امشب من نیز.

۴/۲ **طو خ مج** : هم بدین کار. **طو خ مج** : کمر بسته و.

۵/۱ **طو** : با چنین حسرتم. **کد** : با چنین خبرتم. **یج خ** : از دست بشد.
طو کد : از دست (بشد = حرف اول بی‌نقطه).

۵/۲ **خ سو فط صد** : افزوده‌ام آنچه.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - خ = ۶ - کد = ۴ - مج = ۳ - یج فط = ۲ - سو صد = ۱ -

۲۷۵

۱ دوش بیماریِ چشم تو ببرد از دستم — لیکن از لطف لبت صورت جان می‌بستم

۲ عشق من با خط مشکین تو امروزی نیست — دیرگاه است کزین جام هلالی مستم

۳ از ثبات خودم این نکته خوش آمد که به جور — در سر کوی تو از پای طلب ننشستم

۴ عافیت چشم مدار از منِ میخانه‌نشین — که دم از خدمت رندان زده‌ام تا هستم

۵ در ره عشق ازان سوی فنا صد خطر است — تا نگوئی که چو عمرم به سر آمد رَستم

۶ بعد ازینم چه غم از تیر کج انداز حسود — چون به محبوب کمان ابروی خود پیوستم

۷ بوسه بر دُرج عقیق تو حلال است مرا — که به افسوس و جفا مُهر وفا نشکستم

۸ رتبت دانش حافظ به فلک بر شده بود — کرد غمخواری شمشاد بلندت پستم

---

(۹) صنمی لشکریم غارت دل کرد و برفت — آه اگر عاطفت شاه نگیرد دستم

۶ نسخه : یج طو خ سو عز حة

ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	(۹) ۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸/۱ | ۹/۲	۹/۱ | ۸/۲
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸
سو :	۱	۲	۵	۳	۶	۴	۷	۸	۰
عز حة :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸/۱ | ۰	۰ | ۸/۲

۲/۲ **یج** : که با جام.

۳/۱ **طو** : خوش (آمد = بدون نقطه). **طو** : که به خود.

۳/۲ **طو** : از پای طلب ننشینم.

۴/۱ **طو خ** : سجاده‌نشین.

۵/۱ **یج** : در ره عاشق. **سو** : در ره عاشقی از بعد فنا. **طو** : ازان سوی اجل.

۶/۱ **یج** : چه غم از تیر که انداخت حسود. **عز** : هرزه و ایذای حسود.

۶/۲ **یج طو سو** : چو به محبوب. **عز حة** : که به محبوب.

۷/۲ **خ عز حة** : مهر و وفا نشکستم. **طو** : مهر و وفا بشکستم.

(۹/۱) **طو** : صنم لشکریم. **طو** : غارت دین کرد و برفت.

(۹/۲) **عز حة** : اگر مرحمت شاه.

شمار دگرسانیها : طو = ۹ - یج عز = ۴ - حة = ۳ - خ سو = ۲ -

۱ بغیر از آنکه بشد دین و دانش از دستم بیا بگو که ز عشقت چه طرف بر بستم
۲ اگرچه خرمن عمرم غم تو داد به باد به خاکپای عزیزت که عهد نشکستم
۳ چو ذرّه گرچه حقیرم ببین به دولت عشق که در هوای رُخت چون به مِهر پیوستم
۴ بیار باده که عمری‌ست تا من از سر امن به کُنج عافیت از بهر عیش ننشستم
۵ اگر ز مردم هشیاری ای نصیحت‌گوی سخن به خاک میَفکن چرا که من مستم
۶ چگونه سر ز خجالت برآورم برِ دوست که خدمتی بسزا برنیامد از دستم
۷ بسوخت حافظ و آن یار دلنواز نگفت که مرهمش بفرستم چو خاطرش خستم

۱۱ نسخه : **یج طو خ مج سز عد فخ صف حئ تغ تم**
ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

۱/۱ **طو** : بغیر آنکه.
۴/۲ **یج طو** : از بهر عیش بنشستم.
۵/۱ **خ سز حئ تم** : ای نصیحتگو. **مج** : ای ملامتگوی.
۷/۲ **خ صف تغ** : که مرهمی بفرستم. **طو خ** : که خاطرش.
شمار دگرسانیها : طو خ = ۳ - یج مج سز صف حئ تغ تم = ۱ - عد فخ = ۰ -

۲۷۷

۱ باز آی ساقیا که هواخواه خدمتم   مشتاق بندگیّ و دعاگوی دولتم
۲ زانجا که فیض جام سعادت فروغ توست   بیرون شدی نمای ز ظلمات حیرتم
۳ هرچند غرق بحر گناهم ز صد جهت   تا آشنای عشق شدم ز اهل رحمتم
۴ عیبم مکن به رندی و بدنامی ای حکیم   کین بود سرنوشت ز دیوان قسمتم
۵ می خور که عاشقی نه به کسب است و اختیار   این موهبت رسید ز میراث فطرتم
۶ من کز وطن سفر نگزیدم به عمر خویش   در عشق دیدن تو هواخواه غربتم
۷ دریا و کوه در ره و من خسته و ضعیف   ای خضر پی خجسته مدد ده به همّتم
۸ دورم به صورت از درِ دولتسرای دوست   لیکن به جان و دل ز مقیمان حضرتم
۹ حافظ به پیش چشم تو خواهد سپرد جان   در این خیالم ار بدهد عمر مهلتم

---

(۱۰) گر دم زنی ز طرّهٔ مشکین آن نگار   فکری کن ای صبا ز مکافات غیرتم
(۱۱) در ابروی تو تیر نظر تا به گوش هوش   آورده و کشیده و موقوف فرصتم

۷ نسخه : **یج کہ خ عد فخ فط صد**

											(۱۰)	(۱۱)
ترتیب ابیات = **یج خ فخ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۰
کہ فط :	۱	۲	۳	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۴	۵
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۹	۱۰	۱۱	۶	۷
صد :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸	۰	۰

۲/۲ **کہ** : بیرون شدن نمای.
۳/۱ **فخ** : ز شش جهت.
۳/۲ **یج صد** : گر آشنای عشق. **یج صد** : شوم ز اهل رحمتم
۴/۲ **عد** : ز یزدان به قسمتم.
۶/۲ **عد** : در عشق دیدن تو هواخواه خدمتم.
۷/۲ **خ** : مدد کن به همتم.
۸/۱ **عد** : دولت پناه تو. **کہ فط** : دولت پناه دوست. **خ صد** : دولتسرای تو.
۹/۱ **کہ** : خواهد سپرد روح.
(۱۱/۱) **کہ** : چون ابروی تو تیر نظر تا به گوش دوش.
شمار دگرسانیها : کہ = ۴ - عد صد = ۳ - یج خ = ۲ - فخ فط = ۱ -

۱ زلف بر باد مده تا ندهی بر بادم		ناز بنیاد منه تا نبری بنیادم
۲ رخ برافروز که فارغ کنی از برگ گلم		قد برافراز که از سرو کنی آزادم
۳ شهرهٔ شهر مشو تا ننهم سر در کوه		شور شیرین منما تا نکنی فرهادم
۴ می مخور با دگران تا نخورم خون جگر		سرمکش تا نکشد سر به فلک فریادم
۵ زلف را حلقه مکن تا نکنی در بندم		چهره را آب مده تا ندهی بر بادم
۶ شمع هر جمع مشو ورنه بسوزی ما را		یاد هر قوم مکن تا نروی از یادم
۷ چون فلک سیر مکن تا نکشی حافظ را		رام شو، تا بدهد طالع فرّخ دادم

(۸) یار بیگانه مشو تا نبری از خویشم		غم اغیار مخور تا نکنی ناشادم
(۹) حافظ از جور تو حاشاکه بگرداند روی		من ازان روز که دربند توام آزادم
(۱۰) رحم کن بر من مسکین و به فریادم رس		تا به خاک در آصف نرسد فریادم

۷ نسخه : یج خ مج سو فخ پذ حة

ترتیب ابیات		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	(۸)	(۹)	(۱۰)
= سو فخ پذ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	٥	٥	٥
یج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	٥	٥	٥
خ	:	۱	۵	۷	۲	۳	۶	٥	۴	۹	۸
مج	:	۱	۲	۳	۴/۱ | ۶/۲	۵	۶/۱ | ۴/۲	۷	٥	٥	٥
حة	:	۱	۲	۳	۴/۱ | ۷/۲	۵	۶	۷/۱ | ۴/۲	٥	٥	٥

۱/۲ خ : ناز بنیاد مکن. خ سو : تا نکنی بنیادم.

۴/۱ خ : می مخور با همه کس.

۵/۲ خ مج : طرّه را تاب مده.

۶/۱ سو : ورنه بسوزی چو دلم.

۷/۱ مج : جور مکن.

شمار دگرسانیها : خ = ۴ - مج سو = ۲ - یج فخ پذ حة = ٥ -

(نسخهٔ طو با نُه اختلاف در این غزل حذف شد.)

۱ فاش می‌گویم و از گفتهٔ خود دلشادم بندهٔ عشقم و از هر دو جهان آزادم
۲ طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق که درین دامگه حادثه چون افتادم
۳ من ملک بودم و فردوس برین جایم بود آدم آورد درین دیر خراب آبادم
۴ سایهٔ طوبی و دلجوئی حور و لب حوض به هوای سر کوی تو برفت از یادم
۵ نیست بر لوح دلم جز الف قامت دوست چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم
۶ کوکب بخت مرا هیچ منجّم نشناخت یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم
۷ تا شدم حلقه به گوش در میخانهٔ عشق هر دم آید غمی از نو به مبارکبادم
۸ می‌خورد خون دلم مردمک چشم و سزاست که چرا دل به جگر گوشهٔ مردم دادم
۹ پاک کن چهرهٔ حافظ به سر زلف ز اشک ورنه این سیل دمادم ببرد بنیادم

---

۹ نسخه : **یج طو خ نه سز فخ فط صف حة**

ترتیب ابیات متن برابر است با : یج طو خ سز صف حة

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
نه فخ فط :	۱	۲	۳	۴	۸	۵	۶	۷	۹

۵/۱ **یج** : نیست در لوح دلم. **طو** : سر خط لوح دلم جز الف قد تو نیست.

۶/۱ **طو** : هیچ مهندس نشناخت.

۶/۲ **یج نه** : مادر فطرت.

۷/۲ **طو** : هر دم آید غمی از در. **سز** : هر دم آید غم دیگر.

۸/۱ **طو خ** : مردمک دیده سزاست ۸/۲ **فخ** : تا چرا دل.

۹/۱ **یج** : به سر زلف از اشک. ۹/۲ **طو** : بکند بنیادم.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - یج = ۳ - خ نه سز فخ = ۱ - فط صف حة = ۰ -

۱ سالها پیروی مذهب رندان کردم — تا به فتوای خرد حرص به زندان کردم
۲ من به سر منزل عنقا نه بخود بردم راه — قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم
۳ از خلاف آمد عادت بطلب کام که من — کسب جمعیّت از ان زلف پریشان کردم
۴ سایه‌ای بر دل ریشم فکن ای گنج مراد — که من این خانه به سودای تو ویران کردم
۵ توبه کردم که نبوسم لب ساقیّ و کنون — می‌گزم لب که چرا گوش به نادان کردم
۶ نقش مستوری و مستی نه به دست من و توست — آنچه سلطان ازل گفت بکن، آن کردم
۷ دارم از لطف ازل منظر فردوس طمع — گرچه دربانی میخانه فراوان کردم
۸ اینکه پیرانه سرم صحبت یوسف بنواخت — اجر صبری ست که در کلبهٔ احزان کردم
۹ صبح خیزیّ و سلامت طلبی چون حافظ — هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم

(۱۰) هیچ حافظ نکند در خم محراب فلک — این تنعّم که من از دولت قرآن کردم
(۱۱) گر به دیوان غزل صدر نشینم چه عجب — سالها بندگی صاحب دیوان کردم

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز صف**

ترتیب ابیات =										(۱۰)	(۱۱)
صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۹	۱۰
طو :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۹
خ :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۰	۱۰
مج نز :	۱	۲	۶	۷	۸	۳	۴	۵	۹	۰	۱۰

۳/۱ **خ** : در خلاف آمد عادت.
۴/۱ **طو خ** : ای گنج روان.
۴/۲ **یج** : من که این خانه.
۷/۱ **یج** : دارم از لطف خدا. **طو خ صف** : جنت فردوس طمع.
۷/۲ **طو** : گرچه دروانی میخانه.
۸/۱ **صف** : آنکه پیرانه سرم.
۹/۲ **طو** : همه از همت مردان کردم.
شمار دگرسانیها : طو = ۴ - خ = ۳ - یج صف = ۲ - مج نز = ۰ -

۱ دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم   نقشی به یاد خطّ تو بر آب می‌زدم
۲ ابروی یار در نظر و خرقه سوخته   جامی به یاد گوشهٔ محراب می‌زدم
۳ روی نگار در نظرم جلوه می‌نمود   وز دور بوسه بر رخ مهتاب می‌زدم
۴ چشمم به روی ساقی و گوشم به قول چنگ   فالی به چشم و گوش درین باب می‌زدم
۵ نقش خیال روی تو تا وقت صبحدم   بر کارگاه دیدهٔ بیخواب می‌زدم
۶ هر مرغ فکر کز سر شاخ سخن بجست   بازش ز طرّهٔ تو به مضراب می‌زدم
۷ ساقی به صوت این غزلم کاسه می‌گرفت   می‌گفتم این سرود و می ناب می‌زدم
۸ خوش بود حال حافظ و فال مراد و کام   بر نام عمر و دولت احباب می‌زدم

---

۸ نسخه : **یج طو خ   مج نز عد فخ تغ**

ترتیب ابیات								
= **یج تغ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷/۱ | ۸/۲	۸/۱ | ۷/۲
خ :	۱	۲	۴	۵	۶	۳	۷	۸
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸
عد فخ :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸

۲/۱ **طو** : خرقه دوخته.

۳/۱ **نز** : ابروی ماه در نظرم.   **یج** : در نظرم جلوه می‌نمودم.

۶/۱ **یج** : سر شاخ سخن نشست.   **تغ** : سرشاخ طرب.

۶/۲ **تغ** : بازش به طرّهٔ تو.

۸/۱ **طو خ مج نز عد** : خوش بود وقت حافظ و.   **یج عد** : فالش به بخت نیک.
طو : فال و مراد و کام.   **فخ** : فالی به بخت نیک.

شمار دگرسانیها : یج طو = ۳ - نز عد تغ = ۲ - خ مج فخ = ۱ -

۲۸۲

۱ هر چند پیر و خسته دل و ناتوان شدم — هر گه که یاد روی تو کردم جوان شدم
۲ شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا — بر منتهای همّت خود کامران شدم
۳ ای گلبن جوان، بر دولت بخور که من — در سایهٔ تو بلبل باغ جهان شدم
۴ اوّل ز صوت و حرف وجودم خبر نبود — در مکتب غم تو چنین نکته دان شدم
۵ قسمت حوالتم به خرابات می‌کند — چندانکه اینچنین شدم و آنچنان شدم
۶ من پیر سال و ماه نیَم، یار بیوفاست — بر من چو عمر می‌گذرد پیر ازان شدم
۷ زان روز بر دلم در معنی گشوده شد — کز ساکنان درگه پیر مغان شدم
۸ در شاهراه دولت سرمد به تخت بخت — با جام می به کام دل دوستان شدم
۹ از آن زمان که فتنهٔ چشمت به من رسید — ایمن ز شرّ فتنهٔ آخر زمان شدم
۱۰ دوشم نوید داد عنایت که حافظا — باز آ که من به عفو گناهت ضمان شدم

---

۶ نسخه : یج حیـ طو خ نه صف

ترتیب ابیات =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
حیـ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰	۸
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۰	۰	۷
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۹	۶	۷	۸	۱۰
نه :	۱	۲	۴	۶	۰	۸	۷	۳	۵	۹
صف :	۱	۲	۵	۶	۷	۸	۹	۳	۴	۱۰

۳/۲ **یج** : در سایهٔ توگلبن باغ جهان شدم. **حیـ طو** : بلبل باغ جنان.
۴/۱ **یج حیـ خ** : ز تحت و فوق. **طو نه** : ز حرف و صوت. **یج** : جهانم خبر نبود.
۴/۲ **یج** : خرده دان شدم.
۵/۲ **طو خ** : هرچند کاینچنین. **طو صف** : زدم و آنچنان شدم.
۶/۲ **یج حیـ** : از من چو عمر.
۷/۱ **خ نه صف** : آن روز. **حیـ** : در دولت. **یج** : گشوده‌اند. **طو** : گشاده شد.
۷/۲ **یج** : کز سالکان.
۹/۱ **حیـ** : فتنهٔ حسنت. **نه صف** : به ما رسید.
شمار دگرسانیها : **یج** = ۷ - **حیـ طو** = ۵ - **خ نه صف** = ۳ -

۲۸۳

۱ خیال روی تو در کارگاه دیده کشیدم — به صورت تو نگاری نه دیدم و نه شنیدم

۲ امید خواجگیَم بود بندگیِّ تو جُستم — هوای سلطنتم بود خدمت تو گزیدم

۳ اگرچه در طلبت همعنان باد شمالم — به گَرد سرو خرامان قامتت نرسیدم

۴ امید در شب زلفت به روز عمر نبستم — طمع به دوْر دهانت ز کام دل ببریدم

۵ گناه چشم سیاه تو بود و گردن دلخواه — که من چو آهوی وحشی ز آدمی برمیدم

۶ ز شوق چشمهٔ نوشت چه قطره‌ها که فشاندم — ز لعل باده فروشت چه عشوه‌ها که خریدم

۷ ز غمزه بر دل ریشم چه تیرها که گشادی — ز غصّه بر سر کویت چه بارها که کشیدم

۸ ز کوی یار بیار ای نسیم صبح غباری — که بوی خون دل ریش ازان تراب شنیدم

۹ چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی — که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم

۱۰ به خاکپای تو سوگند و نور دیدهٔ حافظ — که بی رخ تو فروغ از چراغ دیده ندیدم

---

۵ نسخه : **طو خ مج ند صف**

ترتیب ابیات = **مج صف**	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
طو	۱	۰	۲	۳	۶	۰	۴	۵	۰	۷
خ	۱	۰	۲	۳	۶	۷	۴	۵	۸	۹
ند	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷	۸	۹

۱/۱ **طو خ مج صف** : خیال نقش تو. **مج ند** : بر کارگاه دیده.

۱/۲ **طو خ صف** : ندیدم و نشنیدم. **مج** : نه دیدم و نشنیدم.

۲/۱ **ند** : امید خواجگیم بود بندگی ز تو جستم. ۳/۱ **طو** : همعنان باد شدم.

۴/۱ **صف** : در سر زلفت. **مج** : به روز عهد نبستم.

۵/۱ **طو** : گناه چشم سیاه تو بود کین دل رنجور. ۵/۲ **خ** : ز آدمی ببریدم.

۶/۱ **خ** : به شوق. ۶/۲ **صف** : ز لعل روح‌فزایت.

۸/۱ **طو خ** : ای نسیم وصل. ۸/۲ **مج ند** : که بوی سوز دل خود.

۹/۲ **مج ند** : ز بوی او بدریدم.

۱۰/۲ **طو** : که بی‌فروغ جمالت. **ند** : که بی‌فروغ رخ تو چراغ دیده ندیدم.

شمار دگرسانیها : **طو مج** = ۶ - **خ ند** = ۵ - **صف** = ۴ -

(نسخهٔ **یج** در این غزل که بیت دوم نیز محذوف است ۱۲ اختلاف با متن دارد و از نقل آنها صرف نظر شد.)

۱ ز دست کوته خود زیر بارم — که از بالا بلندان شرمسارم
۲ مگر زنجیز مونی گیردم دست — وگرنه سر به شیدائی برآرم
۳ ز چشم من بپرس اوضاع گردون — که شب تا روز اختر می‌شمارم
۴ به این شکرانه می‌بوسم لب جام — که کرد آگه ز راز روزگارم
۵ من از بازوی خود دارم بسی شکر — که زور مردم آزاری ندارم
۶ اگر گفتم دعای می فروشان — چه باشد، حقّ نعمت می‌گزارم
۷ سری دارم چو حافظ مست، لیکن — به لطف آن سری امّیدوارم
۸ تو از خاکم نخواهی برگرفتن — بجای اشک اگر گوهر ببارم

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج نه نز فط تغ**

ترتیب ابیات = **یج فط تغ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو خ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۰
مج نه نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷

۲/۱ **یج** : مگر موی میانی.
۴/۱ **خ** : بدین شکرانه.
۵/۱ **طو** : دارم شکایت.
۶/۱ **یج** : اگر کردم دعای. **طو** : اگر گویم دعای. ۶/۲ **خ نه** : می‌گذارم.
شمار دگرسانیها : **یج طو خ** =۲- **نه** =۱- **مج نز فط تغ** =۰-

۱ در نهانخانهٔ عشرت صنمی خوش دارم   کز سر زلف و رخش نعل در آتش دارم

۲ عاشق و رندم و میخواره به آواز بلند   وینهمه منصب ازان حور پریوش دارم

۳ گر به کاشانهٔ رندان قدمی خواهی زد   نقل شعر شکرین و می بی‌غش دارم

۴ گر تو زین دست مرا بی سر و سامان داری   من به آه سحرت زلف مشوّش دارم

۵ ور چنین چهره گشاید خط زنگاری دوست   من رخ زرد به خونابه منقّش دارم

۶ ناوک غمزه بیار و زره زلف که من   جنگها با دل مجروح بلاکش دارم

۷ حافظا چون غم و شادیّ جهان بر گذر است   بهتر آن است که من خاطر خود خوش دارم

---

۸ نسخه : **یج طو کهِ خ مج نز سز عد**

ترتیب ابیات متن برابر است با : یج کهِ سز عد

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۵	۳ و ۴/۲ ○	۴/۱ ○	۶	۷
خ :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۴/۱ **عد** : ور تو زین دست

۵/۱ **طو خ مج نز** : گر چنین. **طو** : رخ زنگاری دوست.

۶/۱ **یج** : ناوک غمزه بیار و رسن زلف. **طو** : ناوک غمزه بیا و رسن زلف.
خ : بیاور رسن زلف.

۷/۱ **یج خ** : در گذر است.   ۷/۲ **طو** : اولی آن است.

شمار دگرسانیها : طو = ۴ - خ = ۳ - یج = ۲ - مج نز عد = ۱ - کهِ سز = ۰ .

۱ مرا عهدی ست با جانان که تا جان در بدن دارم — هواداران کویش را چو جان خویشتن دارم
۲ صفای خلوت خاطر ازان شمع چگل بینم — فروغ چشم و نور دل ازان ماه ختن دارم
۳ به کام و آرزوی دل چو دارم خلوتی حاصل — چه فکر از خبث بدگویان میان انجمن دارم
۴ شرابی خوشگوارم هست و یاری چون نگارم هست — ندارد هیچکس باری چنین یاری که من دارم
۵ مرا در خانه سروی هست کاندر سایهٔ قدّش — فراغ از سرو بستانی و شمشاد چمن دارم
۶ گرم صد لشکر از خوبان به قصد دل کمین سازند — بحمد الله و المنّه بتی لشکر شکن دارم
۷ سزد کز خاتم لعلش زنم لاف سلیمانی — چو اسم اعظمم باشد چه باک از اهرمن دارم
۸ خدا را، ای رقیب امشب زمانی دیده بر هم نه — که من با لعل خاموشش نهانی صد سخن دارم
۹ چو در گلزار اقبالش خرامانم بحمد اللّه — نه میل لاله و نسرین نه برگ نسترن دارم
۱۰ به رندی شهره شد حافظ میان همدمان لیکن — چه غم دارم که در عالم امین الدّین حسن دارم

---

(۱۱) الا ای پیر فرزانه مکن منعم ز میخانه — که من در ترک پیمانه دلی پیمان شکن دارم

۸ نسخه : **یج طو خ مج نز سو حة حک**

ترتیب ابیات =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	(۱۱)
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰
یج حة :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
طو :	۱	۰	۲	۳/۱ ۰	۰ ۳/۲	۰	۰	۵	۰	۶	۴
خ :	۱	۰	۲	۰	۳	۰	۰	۵	۶	۷	۴
نز :	۱	۲	۳	۴	۰	۰	۶	۷	۸	۹	۵
سو :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰
حک :	۱	۲	۳	۰	۴	۷	۵	۶	۸	۹	۰

۱/۱ **طو خ** : مرا شرطی‌ست. ۲/۱ **یج** : چگل دارم. ۲/۲ **نز** : نور دل ازان شمع ختن بینم.
۳/۱ **مج نز** : به کام آرزوی دل. ۳/۲ **طو** : چه غم از. **مج نز** : چه باک از. **یج** : خبث بدگویان و قصد انجمن.
۴/۲ **مج سو** : باری چنین کاری. ۵/۱ **یج** : کاندر سایهٔ سروش. ۵/۲ **طو** : گلهای چمن.
۶/۱ **حک** : به قصد جان. **حة** : کمین سازد. ۷/۱ **یج** : زند لاف سلیمانی.
۸/۱ **یج** : خدا را ای رقیب امشب خدا را چشم بر هم نه.
۸/۲ **خ** : که [ ] با لعل خاموشش. **یج**: با اهل خاموشی. **سو** : نهانی یک سخن دارم.
۱۰/۱ **یج سو حة** : پس از صد رنج و غم لیکن. **مج نز حک** : پس از چندین ورع لیکن.
۱۰/۲ **یج مج نز** : چو در عالم. **خ** : قوام‌الدین حسن. (۱۱/۱) **خ** : مکن عیبم. (۱۱/۲) **طو** : دل پیمان‌شکن.
شمار دگرسانیها : یج = ۸ - مج نز = ۵ - طو خ = ۴ - سو = ۳ - حة حک = ۲ -

۱ گرچه افتاد ز زلفش گرهی در کارم همچنان چشم گشاد از کرمش می‌دارم
۲ به طرب حمل مکن سرخی رویم که چو جام خون دل عکس برون می‌دهد از رخسارم
۳ پردهٔ مطربم از دست برون خواهد برد آه اگر زانکه درین پرده نباشد بارم
۴ منم آن شاعر ساحر که به افسون سخن از نی کلک همه قند و شکر می‌بارم
۵ به صد امّید نهادیم درین بادیه پای ای دلیل دل گم‌گشته فرو مگذارم
۶ چون منش در گذر باد نمی‌یارم دید با که گویم که بگوید سخنی با یارم؟
۷ دیدهٔ بخت به افسانهٔ او شد در خواب کو نسیمی ز عنایت که کند بیدارم؟
۸ پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب تا درین پرده جز اندیشهٔ او نگذارم
۹ دوش می‌گفت که حافظ همه روی است و ریا بجز از خاک درش با که به رو در کارم؟

---

۶ نسخه : **یج طو خ نه صف حص**

ترتیب ابیات = **یج صف**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو	:	۱	۲	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خ	:	۱	۲	۳	۵	۰	۷	۶	۴	۸
نه	:	۱	۲	۳	۶	۷	۸	۵	۴	۹
حص	:	۱	۲	۳	۸	۴	۵	۷	۶	۹

۱/۲ **طو** : چشم گشاد از کمرش.
۲/۱ **طو** : سرخی رویم چون جام.
۳/۱ **طو حص** : از دست بخواهد بردن. ۳/۲ **یج** : نباشد یارم.
۶/۱ **یج خ صف** : چون تو را. **خ** : درگذر ای یار.
۸/۲ **نه** : تا درین خانه.
۹/۲ **نه** : با که بگو در کارم. **خ حص** : با که بود بازارم.
شمار دگرسانیها : طوخ = ۳ - یج نه حص = ۲ - صف = ۱ -

۲۸۸

۱ گر دست دهد خاک کف پای نگارم　　بر لوح بصر خطّ غباری بنگارم

۲ پروانهٔ او گر رسدم در طلب جان　　چون شمع همان دم به دمی جان بسپارم

۳ گر قلب دلم را ننهد دوست عیاری　　من نقد روان در رهش از دیده شمارم

۴ دامن مفشان از من خاکی که پس از مرگ　　زین در نتواند که برد باد غبارم

۵ بر بوی کنار تو شدم غرق و امید است　　از موج سرشکم که رساند به کنارم

۶ امروز مکش سر ز وفای من و اندیش　　زان شب که من از غم به دعا دست بر آرم

۷ زلفین سیاه تو به دلداری عشّاق　　دادند قراریّ و ببردند قرارم

۸ ای باد ازان باده نسیمی به من آور　　کان بوی شفا می‌دهد از رنج خمارم

۹ حافظ لب لعلش چو مرا جان عزیز است　　عمری بود آن لحظه که جان را به لب آرم

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج ند نه عز حة**

ترتیب ابیات متن برابر است با : یج مج ند نه عز حة

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۰	۰	۰	۳	۴	۵	۶
خ :	۱	۳	۷	۸	۲	۴	۵	۶	۹

۱/۲ **طو** : بر کوح بصر. **یج مج** : خط نگاری بنگارم.

۳/۲ **خ مج ند نه** : در دمش.

۴/۱ **خ** : که پس از من.

۴/۲ **یج** : زین در نتوانم که برد باد غبارم.

۵/۱ **عز** : شدم مست و امید است.

۶/۲ **طو** : زان غم که به شبها من ازو دست برآرم.

۸/۱ **طو** : ازان یار.

۸/۲ **طو** : شفابخش دهد. **خ** : شفابخش بود. **طو خ** : دفع خمارم.

۹/۱ **طو** : حافظ چو لب لعلش چو مرا.　　۹/۲ **نه** : که جانی به لب آرم.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - خ = ۴ - یج مج نه = ۲ - ند عز = ۱ - حة = ۰ -

۲۸۹

۱ تو همچو صبحی و من شمع خلوت سحرم — تبسّمی کن و جان بین که چون همی سپرم

۲ چنین که بر دل من داغ زلف سرکش توست — بنفشه زار شود تربتم چو درگذرم

۳ بر آستان امیدت گشاده‌ام در چشم — که یک نظر فکنی، خود فکندی از نظرم

۴ چه شکر گویمت ای خیل غم عفاک اللّه — که روز بیکسی آخر نمی‌روی ز سرم

۵ غلام مردم چشمم که با سیاه‌دلی — هزار قطره ببارد چو درد دل شمرم

۶ به هر نظر بت ما جلوه می‌کند لیکن — کس این کرشمه نبیند که من همی نگرم

۷ به خاک حافظ اگر یار بگذرد چون باد — ز شوق در دل آن تنگنا کفن بدرم

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز صف تغ**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۶ نسخهٔ فوق (بجز **صف**).

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
صف :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷

۲/۱ **خ مج** : در دل من. **طو** : در سر من.

۳/۱ **خ** : بر آستان مرادت. ۳/۲ **طو** : که یک نظر بکنی.

۶/۱ **طو خ** : به هر طرف. ۶/۲ **تغ** : آن کرشمه نبیند.

۷/۱ **یج** : به خاک حافظ اگر بگذری چو باد نسیم.

طو : اگر باد بگذرد چون (باز = حرف اول بی‌نقطه)

۷/۲ **یج** : چو غنچه. **طو** : قفس بدرم.

شمار دگرسانیها : **طو** = ۵ - **خ** = ۳ - **یج** = ۲ - **مج تغ** = ۱ - **نز صف** = ۰ -

۱ من که باشم که بران خاطر عاطر گذرم — لطفها می‌کنی ای خاک درت تاج سرم
۲ دلبرا بنده نوازیت که آموخت؟ بگو — که من این ظن به رقیبان تو هرگز نبرم
۳ همّتم بدرقهٔ راه کن ای طایر قدس — که دراز است ره مقصد و من نو سفرم
۴ ای نسیم سحری بندگی من برسان — که فراموش مکن وقت دعای سحرم
۵ خرّم آن روز کزین مرحله بربندم رَخت — وز سر کوی تو پرسند رفیقان خبرم
۶ حافظا شاید اگر در طلب گوهر وصل — دیده دریاکنم از اشک و در او غوطه خورم
۷ پایهٔ نظم بلند است و جهانگیر، بگو — تا کند پادشه بحر دهان پُر گهرم

---

۶ نسخه : **یج طو خ نز عد عز**

متن = **یج نز عز** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۰	۰	۳	۴	۵	۶	۷
خ عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶

۱/۱ **یج** : دران خاطر عاطر — ۱/۲ **یج** : ای خاک رهت.
۲/۱ **یج** : که آموخت بگوی. — ۲/۲ **یج** : به رفیقان تو.
۳/۲ **طو** : که دراز است بد و مقصد و. **یج طو** : من بر سفرم.
۴/۲ **طو** : گو فراموش مکن.
۵/۱ **یج** : خواهم آن روز. **خ** : بربندم بار.
۵/۲ **طو** : از سر کوی تو.
۶/۱ **یج** : در طلب دولت وصل.
۶/۲ **طو** : دیده دریاکنم و غوطهٔ چندی بخورم.
۷/۱ **نز** : بگوی.
۷/۲ **یج** : تاکند پادشه دهر دعا بر گهرم.
شمار دگرسانیها : **یج** =۸- **طو** =۵- **خ نز** =۱- **عد عز** =۰-

۲۹۱

۱ مزن بر دل ز نوک غمزه تیرم — که پیش چشم بیمارت بمیرم

۲ نصاب حسن در حدّ کمال است — زکاتم ده که مسکین و فقیرم

۳ قدح پرکن که من در دولت عشق — جوانبخت جهانم گرچه پیرم

۴ چنان پر شد فضای سینه از دوست — که فکر خویش گم شد از ضمیرم

۵ مبادا جز حساب مطرب و می — اگر حرفی کشد کلک دبیرم

۶ درین غوغا که کس کس را نپرسد — من از پیر مغان منّت پذیرم

۷ چو طفلان تا کی ای زاهد، فریبی — به سیب بوستان و شهد و شیرم

۸ قراری کرده‌ام با می فروشان — که روز غم بجز ساغر نگیرم

۹ خوشا آندم که استغنای مستی — فراغت بخشد از شاه و وزیرم

۱۰ من آن مرغم که هر شام و سحرگاه — ز بام عرش می‌آید صفیرم

۱۱ چو حافظ گنج او در سینه دارم — اگرچه مدّعی بیند حقیرم

---

(۱۲) من آنگه برگرفتم دل ز حافظ — که ساقی گشت یار ناگزیرم

۶ نسخه : یج طو خ مج عد عز

												(۱۲)
ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۰
یج	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۱۰	۹	۰
طو	۱	۲	۴	۳	۶	۷	۰	۵	۸	۰	۰	۹
خ	۱	۲	۵	۴	۷	۸	۳	۶	۹	۱۰	۱۱	۰
مج	۱	۲	۴	۳	۶	۹	۷	۵	۱۱	۸	۱۰	۱۲
عد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰	۱۱
عز	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۷	۹	۶	۱۰	۱۱	۰

۳/۲ یج عز جوانمرد جهانم.

۴/۲ یج : فکر عشق. عز : فکر غیر. طو : گم شد در ضمیرم — ۵/۲ یج خ : اگر نقشی کشد.

۶/۱ مج عز : دران غوغا. عد : که [ ] کس را نپرسد. یج : نپرسید. — ۷/۱ خ : تا به کی زاهد فریبی.

۸/۱ طو خ : قراری بسته‌ام. — ۸/۲ طو : که درد غم بجز ساغر نگیرم.

۹/۱ خ : کز استغنای مستی — ۹/۲ خ : فراغت باشد.

۱۱/۱ مج : فراوان گنج او.

(۱۲/۱) عد : من آندم. — (۱۲/۲) طو : گشت یار دلپذیرم.

شمار دگرسانیها : خ = ۵ - یج طو = ۴ - عز = ۳ - مج عد = ۲ -

۲۹۲

۱ به تیغم گر کُشد دستش نگیرم   وگر تیرم زند منّت پذیرم

۲ کمانْ ابروی ما را گو بزن تیر   که پیش دست و بازویش بمیرم

۳ غم گیتی که از پایم درآرد   بجز ساغر که باشد دستگیرم؟

۴ برآی ای آفتاب صبح امّید   که در دست شب هجران اسیرم

۵ به فریادم رس ای پیر خرابات   به یک جرعه جوانم کن که پیرم

۶ به گیسوی تو خوردم دوش سوگند   که من از پای تو سر بر نگیرم

۷ بسوز این خرقهٔ تقوا تو حافظ   که گر آتش شوم در وی نگیرم

---

۶ نسخه : **یج حیِ خ نح عد پذ**

ترتیب ابیات برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (بجز یج که بیت ۱۰ غزل ۲۹۱ را در سطر ۷ تکرار کرده است.

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸

۲/۱ **خ** : کمان ابرویت را گو بزن تیر.

۲/۲ **یج خ** : دست و بازویت.

۳/۱ **خ** : گر از پایم. **پذ** : که از تابم. **نح پذ** : درآورد.

۴/۱ **یج عد** : بر آ ای آفتاب.

۵/۲ **حی** : به یک جرعه خرابم کن.

۷/۱ **خ** : بسوزان خرقهٔ. **حی عد** : خرقهٔ تقوی چو حافظ.

۷/۲ **حی** : که گر آتش شوی. **نح** : که گر آتش شود.

شمار دگرسانیها : خ = ۴ - حی = ۳ - یج نح عد پذ = ۲ -

۲۹۳

۱ در خرابات مغان گر گذر افتد بازم — حاصل خرقه و سجّاده روان در بازم

۲ حلقهٔ توبه گر امروز چو زهّاد زنم — خازن میکده فردا نکند در بازم

۳ ور چو پروانه دهد دست فراغ بالی — جز بران عارض شمعی نبود پروازم

۴ صحبت حور نخواهم، که بود عین قصور — با خیال تو اگر با دگری پردازم

۵ همچو چنگ ار به کناری ندهی کام دلم — چون نی آخر ز لبانت به دمی بنوازم

۶ ماجرای دل خون گشته نگویم با کس — زانکه جز تیغ غمت نیست کسی دمسازم

۷ سرّ سودای تو در سینه بماندی پنهان — چشم تر دامن اگر فاش نکردی رازم

۸ مرغ سان از قفس خاک هوائی گشتم — به هوائی که مگر صید کند شهبازم

۹ گر به هر موی سری بر تن حافظ باشد — همچو زلفت همه را در قدمت اندازم

---

۷ نسخه : **یج طو کهـ خ عد فخ فط**

ترتیب ابیات =

کهـ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج فط	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸
طو	:	۱	۲	۳	۵	۰	۰	۴	۶	۷
خ	:	۱	۲	۳	۴	۷	۸	۵	۶	۹
عد فخ	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۰	۶	۷

۳/۲ **یج طو خ فط** : جز بدان.

۵/۱ **کهـ** : به گشادی. ۵/۲ **خ** : از لب خویش چونی یک نفسی بنوازم.

۶/۱ **فخ** : نگویم به کسی.

۷/۱ **طو خ** : در دیده. **یج** : نماند پنهان. **طو** : نماندی. **کهـ** : بماندی تنها.

۸/۱ **طو عد** : از قفس باد.

۹/۱ **کهـ** : در تن حافظ باشد. ۹/۲ **کهـ** : همه را در قدمی اندازم.

شمار دگرسانیها : طو کهـ = ۴ - خ = ۳ - یج = ۲ - عد فخ فط = ۱ -

۲۹۴

۱ گر دست رسد در خم زلفین تو بازم　　چون گوی چه سرها که به چوگان تو بازم

۲ زلف تو مرا عُمر دراز است ولی نیست　　در دست سر موئی ازین عمر درازم

۳ پروانهٔ راحت بده ای شمع که امشب　　از آتش دل پیش تو چون شمع گدازم

۴ آندم که به یک خنده دهم جان چو صراحی　　مستان تو خواهم که گزارند نمازم

۵ چون نیست نماز من آلوده نمازی　　در میکده زان کم نشود سوز و نیازم

۶ در مسجد و میخانه خیالت اگر آید　　محراب و کمانچه ز دو ابروی تو سازم

۷ گر خلوت ما را شبی از رخ بفروزی　　چون صبح در آفاق جهان سر بفرازم

۸ محمود بود عاقبت کار درین راه　　گر سر برود در سر سودای ایازم

۹ حافظ غم دل با که بگویم که درین دوْر　　جز جام نشاید که بود محرم رازم

---

۷ نسخه : **یج طو خ قب عز حة تغ**

ترتیب ابیات برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

۱/۱ **یج** : گر دست دهد. **خ** : در سر زلفین. **قب** : در خم گیسوی.

یج : در خم زلفین تو تازم.

۲/۲ **خ حة** : ازان عمر.

۴/۲ **خ** : که گذارند نمازم.

۵/۲ **طو خ عز حة** : سوز و گدازم.

۶/۱ **یج** : خیالت گرم آید. **قب** : خیال توگر آید.

۶/۲ **طو** : محراب کمانچه دهد ابروی تو سازم.

۷/۲ **طو خ** : بر آفاق جهان.

۹/۱ **یج قب** : با تو نگویم. **طو تغ** : با تو بگویم. **خ** : که درین راه.

۹/۲ **طو** : که بود همدم رازم.

شمار دگرسانیها : خ = ۶ - طو = ۵ - یج = ۴ - قب = ۳ - حة = ۲ - عز تغ = ۱ -

۲۹۵

۱ نماز شام غریبان چو گریه آغازم — به مویه‌های غریبانه قصّه پردازم

۲ به یاد یار و دیار آنچنان بگریم زار — که از جهان ره‌و رسم سفر براندازم

۳ من از دیار حبیبم نه از بلاد غریب — مهیمنا به رفیقان خود رسان بازم

۴ خدای را مددی، ای رفیق ره تا من — به کوی میکده دیگر عَلَم برافرازم

۵ خرد ز پیری من کی حساب برگیرد — که باز با صنمی طفل عشق می‌بازم

۶ بجز صبا و شمالم نمی‌شناسد کس — عزیز من، که بجز باد نیست همرازم

۷ هوای منزل یار آب زندگانی ماست — صبا بیار نسیمی ز خاک شیرازم

۸ سرشکم آمد و عیبم بگفت رویاروی — شکایت از که کنم؟ خانگی‌ست غمّازم

۹ ز چنگ زهره شنیدم که صبحدم می‌گفت — نوید حافظ خوش لهجهٔ خوش آوازم

---

۷ نسخه : **یج طو خ نز فخ فط صف**

ترتیب ابیات برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

۱/۲ **یج** : بمویها غریبانه.

۲/۱ **یج** : به یاد یار و دیارم آنچنان بگریم زار.

۴/۱ **طو** : مدد رهروان بده تا من.

۵/۲ **نز** : که باز با صنم طفل.

۶/۲ **طو** : بجز از باد. **خ فخ صف** : نیست دمسازم.

۸/۱ **یج** : سرشک آمد عیبم نگفت. **طو** : عیبم بگفت روی به رو.
خ : روی به روی. **فخ** : روبارو. **فط** : روباروی.

۹/۲ **طو فط** : مرید حافظ. **خ نز** : غلام حافظ.

شمار دگرسانیها : طو = ۴ - یج خ = ۳ - نز فخ فط = ۲ - صف = ۱ -

۲۹۶

۱ مژدهٔ وصل تو کو، کز سر جان برخیزم — طایر قدسم و از دام جهان برخیزم
۲ به ولای تو که گر بندهٔ خویشم خوانی — از سر خواجگی کوْن و مکان برخیزم
۳ یارب از ابر هدایت برسان بارانی — پیشتر زانکه چو گردی ز میان برخیزم
۴ بر سر تربت من با می و مطرب بنشین — تا به بویت ز لحد رقص کنان برخیزم
۵ خیز و بالا بنما، ای بت شیرین حرکات — کز سر جان و جهان دست فشان برخیزم
۶ گرچه پیرم، تو شبی تنگ در آغوشم کش — تا سحرگه ز کنار تو جوان برخیزم
۷ روز مرگم نفسی مهلت دیدار بده — که چو حافظ ز سر جان و جهان برخیزم

---

۶ نسخه : **یج طو خ عد صف تغ**

ترتیب ابیات = **خ** : ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷
یج عد تغ : ۱ ۲ ۳ ۴ ۵/۱ | ۰ ۶ ۰ | ۵/۲
طو صف : ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۰

۱/۱ **یج** : مژدهٔ وصل تو ده   ۱/۲ **طو** : از دام جهان بگریزم.
۳/۲ **طو** : پیشتر زانکه چو گردی ز جهان برخیزم.
۴/۱ **یج عد صف** : بر سر تربت ما. **یج صف** : بی می و مطرب منشین.
۶/۱ **یج** : نیک در آغوشم کش. **طو عد تغ** : دست در آغوشم کن.
۶/۲ **یج** : که سحرگه.
۷/۲ **خ** : تا چو حافظ.
شمار دگرسانیها : یج = ۵ - طو = ۳ - عد صف = ۲ - خ تغ = ۱ -

۱ چرا نه در پی عزم دیار خود باشم چرا نه خاک سر کوی یار خود باشم
۲ غم غریبی و محنت چو بر نمی‌تابم به شهر خود روم و شهریار خود باشم
۳ ز محرمان سراپردهٔ وصال شوم ز بندگان خداوندگار خود باشم
۴ چو کار عمر نه پیداست باری آن اولی که روز واقعه پیش نگار خود باشم
۵ ز دست بخت گران خواب و کار بیسامان گرم بود گله‌ای راز دار خود باشم
۶ همیشه پیشهٔ من عاشقیّ و رندی بود دگر بکوشم و مشغول کار خود باشم
۷ بوَد که لطف ازل رهنمون شود حافظ وگرنه تا به ابد شرمسار خود باشم

---

۷ نسخه : یج خ سو عز فط صد تغ

متن =	خ سو فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
	یج عز صد تغ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۱/۲ سو : چرانه خاک کف پای.

۲/۱ یج : غم و غریبی و. خ تغ : غریبی و غربت.

۴/۱ یج : چو کار [ ] نه پیداست

۵/۲ یج : گرم بود گله‌ای رازدا[ر] خود باشم. فط : اگر کنم گله‌ای.

شمار دگرسانیها : یج = ۳- خ سو فط تغ = ۱- عز صد = ۰-

۱ خیال روی تو چون بگذرد به گلشن چشم — دل از پی نظر آید بسوی روزن چشم

۲ بیا که لعل و گهر در نثار مقدم تو — ز گنج خانهٔ دل می‌کشم به مخزن چشم

۳ سزای تکیه گهت منظری نمی‌بینم — منم ز عالم و این گوشهٔ معیّن چشم

۴ سحر سرشک روانم سر خرابی داشت — گرم نه خون جگر می‌گرفت دامن چشم

۵ نخست روز که دیدم رخ تو دل می‌گفت — اگر رسد خللی، خون من به گردن چشم

۶ به بوی مژدهٔ وصل تو تا سحر شب دوش — به راه باد نهادم چراغ روشن چشم

۷ به مردمی که دل دردمند حافظ را — مزن به ناوک دلدوز مردم افکن چشم

---

۸ نسخه : یج طو خ مج ند سز عد صد

ترتیب ابیات متن برابر است با یج سز عد صد

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو خ :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷
مج ند :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷

۲/۲ خ : می‌کشم به روزن چشم.

۵/۱ مج ند : که گر رسد خللی.

شمار دگرسانیها : خ مج ند = ۱ - یج طو سز عد صد = ۰

۲۹۹

۱ من دوستدار روی خوش و موی دلکشم | مدهوش چشم مست و می صاف بی‌غشم
۲ در عاشقی گزیر نباشد ز ساز و سوز | استاده‌ام چو شمع مترسان ز آتشم
۳ من آدم بهشتیم امّا درین سفر | حالی اسیر عشق جوانان مهوشم
۴ بخت ار مدد دهد که کشم رخت سوی دوست | گیسوی حور گرد فشاند ز مفرشم
۵ شیراز معدن لب لعل است و کان حُسن | من «جوهریّ و مفلس» ازانرو مشوّشم
۶ از بسکه چشم مست درین شهر دیده‌ام | حقّا که می نمی خورم اکنون و سرخوشم
۷ شهری ست پر کرشمهٔ خوبان ز شش جهت | چیزیم نیست ورنه خریدار هر ششم
۸ گفتی ز سرّ عهد ازل یک سخن بگوی | آنگه بگویمت که دو پیمانه درکشم
۹ حافظ عروس طبع مرا جلوه آرزوست | آئینه‌ای ندارم ازان آه می‌کشم

۶ نسخه : **یج طو خ نز سو عد**

ترتیب ابیات =

سو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸
طو :	۱	۴	۳	۷	۰	۵	۶	۲	۸
خ :	۱	۸	۳	۴	۵	۶	۷	۲	۹
نز :	۱	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۲	۸

۱/۱ **طو** : من دوستار.

۲/۱ **سو** : ز سوز و ساز.

۲/۲ **سو عد** : چو شمع و.

۳/۱ **یج** : من آدم بهشتم.

۴/۱ **طو** : بخت ار دهد مدد. **یج سو** : رخت ازین دیار.

۵/۲ **یج خ** : من جوهری مفلسم. **نز** : من مشتری مفلس. **یج خ** : ابرا. **نز** : ازیرا.

۶/۱ **طو نز** : درین شهر شد پدید.

۷/۱ **خ** : پر کرشمهٔ حوران. **سو** : پرکرشمه و خوبان. ۷/۲ **خ** : گرنه خریدار.

۸/۱ **طو** : گفتم ز سر عهد ازل. **یج سو عد** : نکته‌ای. **یج طو خ** : بگو.

۸/۲ **یج** : آنگه بگویمش.

شمار دگرسانیها : یج = ۷ - طو خ سو = ۵ - نز = ۳ - عد = ۲ -

۱ گرچه از آتش دل چون خُم مِی می‌جوشم مُهر برلب‌زده خون می‌خورم و خاموشم

۲ قصد جان است طمع در لب جانان کردن تو مرا بین که درین کار به جان می‌کوشم

۳ من کی آزاد شوم از غم دل، چون هر دم هندوی زلف بتی حلقه کند در گوشم

۴ حاش لِلّه که نیَم معتقد طاعت خویش اینقدر هست که گه گه قدحی می‌نوشم

۵ هست امیدم که علیرغم عدو روز جزا فیض عفوش ننهد بار گنه بر دوشم

۶ پدرم روضهٔ جنّت به دو گندم بفروخت من چرا باغ جهان را به جوی نفروشم

۷ خرقه‌پوشیِّ من از غایت دینداری نیست پرده‌ای بر سر صد عیب نهان می‌پوشم

۸ من که خواهم که ننوشم بجز از راوق خُم چه کنم گر سخن پیر مغان ننیوشم

۹ گر ازین دست زند مطرب مجلس ره عشق شعر حافظ ببرد وقت سماع از هوشم

---

۷ نسخه (۸ ضبط) : **یج طو خ$_1$ خ$_2$ عز صد حة تغ**

ترتیب ابیات متن برابر است با : **یج طو عز صد حة تغ**

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
خ$_1$:	۱	۲	۳	۴	۰	۰	۰	۰	۰
خ$_2$:	۱	۰	۰	۰	۲	۳	۴	۵	۶

۱/۱ **خ$_2$** : من که از آتش دل. **خ$_2$** : در جوشم. **خ$_1$** : چون خم می می‌جوشیم.

۱/۲ **خ$_1$** : خون می‌خورم و خاموشیم.

۲/۲ **خ$_1$** : به جان می‌کوشیم.

۳/۲ **طو** : هندو زلف بتی. **خ$_1$** : حلقه کند در گوشیم.

۴/۱ **صد** : طاعت دوست. ۴/۲ **خ$_1$** : قدحی می‌نوشیم.

۶/۱ **خ$_2$** : روضهٔ رضوان.

۶/۲ **خ$_2$** : من چرا ملک جهان را. **عز** : ناخلف باشم اگر من.

۸/۱ **یج** : بجز از را[و]ق خم. **تغ** : راوق می.

۹/۲ **طو** : شعر مر حافظ ببرد.

شمار دگرسانیها : خ$_1$ = ۵ - خ$_2$ = ۴ - طو = ۲ - یج عز صد تغ = ۱ - حة = ۰.

۳۰۱

۱ گر من از سرزنش مدّعیان اندیشم — شیوهٔ مستی و رندی نرود از پیشم

۲ زهد رندان نو آموخته راهی به دهی‌ست — من که بدنام جهانم چه صلاح اندیشم

۳ شاه شوریده سران خوان من بیسامان را — زانکه در کم خردی از همه عالم بیشم

۴ بر جبین نقش کن از خون دل من خالی — تا بدانند که قربان تو کافر کیشم

۵ اعتقادی بنما و بگذر بهر خدا — تا ندانی که درین خرقه چه نادرویشم

۶ شعر خونبار من ای دوست برِ یار بخوان — که ز مژگان سیه بر رگ جان زد نیشم

۷ من اگر باده خورم ور نه چه کارم با کس — حافظ رازِ خود و عارف وقت خویشم

---

(۸) دامن از رشحهٔ خون دل ما درهم چین — که اثر در تو رسد گر بخراشی ریشم

۷ نسخه : **یج طو خ نز عز فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با : یج خ عز فط

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	(۸) ۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۰
نز :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۸	۵
صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷

۱/۲ **طو** : برود از پیشم.

۲/۱ **یج** : راهی بد نیست. **طو** : راه بد نیست.

۲/۲ **طو** : من که خود رند جهانم

۳/۱ **طو** : شاه شوریده سران خان من بی سر و پاست. **فط** : من سرگردان را.

۴/۱ **طو** : تو چنین نقش کن.

۵/۱ **یج** : اعتقادی بنمای و

۵/۲ **یج صف** : تا بدانی. **خ** : تا درین خرقه ندانی که چه نادرویشم.

۶/۱ **یج** : شعر خونبار من [ای] باد. **طو خ نز** : ای باد.

طو : بر یار ببر. **خ** : بدان یار رسان.

۷/۱ **یج صف** : من اگر رندم و گر شیخ. **عز** : من اگر شوخم و گر شیخ.

فط : من اگر رندم اگر شیخ.

۷/۲ **یج عز** : عارف حال خویشم.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - یج = ۶ - خ = ۳ - عز فط صف = ۲ - نز = ۱ -

۳۰۲

۱ حجاب چهرهٔ جان می‌شود غبار تنم — خوشا دمی که ازان چهره پرده برفکنم

۲ چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی‌ست — روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم

۳ عیان نشد که چرا آمدم کجا بودم — دریغ و درد که غافل ز کار خویشتنم

۴ چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس — چو در سراچهٔ ترکیب تخته‌بند تنم

۵ اگر ز خون دلم بوی شوق می‌آید — عجب مدار که همدرد نافهٔ ختنم

۶ طراز پیرهن زرکشم مبین چون شمع — که سوزهاست نهانی درون پیرهنم

۷ بیا و هستی حافظ ز پیش او بردار — که با وجود تو کس نشنود ز من که منم

---

۷ نسخه : **یج طو کد خ سز فط صد**

ترتیب ابیات متن برابر است با : ۶ نسخهٔ فوق (سوای طو)

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو	:	۱	=	۲	۳	۴	۵	۶

۱/۲ **سز** : که ازین چهره.

۲/۲ **یج** : که مرغ انجمنم.

۳/۱ **طو** : یقین نشد. **خ** : کجا رفتم.

۳/۲ **کد** : که فارغ. **طو** : ز حال خویشتنم.

۴/۲ **خ** : که در سراچهٔ.

۵/۲ **طو** : همدرد نافهٔ چینم. **صد** : همدرد آهوی ختنم.

۶/۲ **صد** : چه سوزهاست نهانی.

۷/۱ **طو** : ز راه او بردار.

شمار دگرسانیها : طو = ۴ - خ صد = ۲ - یج کد سز = ۱ - فط = ۰ -

۱ چل سال رفت و بیش که من لاف می‌زنم — کز چاکران پیر مغان کمترین منم
۲ هرگز به یُمن عاطفت پیر می فروش — ساغر تهی نشد ز می صاف روشنم
۳ در جاه عشق و دولت رندان پاکباز — پیوسته صدر مصطبه‌ها بود مسکنم
۴ در شأن من به دُردکشی ظنّ بد مبر — کآلوده گشت خرقه ولی پاکدامنم
۵ شهباز دست پادشهم یارب از چه خاست — کز یاد بُرده‌اند هوای نشیمنم
۶ حیف است بلبلی چو من اکنون درین قفس — با این لسان عَذْب، که خامش چو سوسنم
۷ آب و هوای فارس عجب سفله پرور است — کو همرهی که خیمه ازین خاک برکنم
۸ حافظ به زیر خرقه قدح تا به کی کشی؟ — در بزم خواجه پرده ز کارت برافکنم

(۹) تورانشه خجسته که در من یزید فضل — شد منّت مواهب او طوق گردنم

۸ نسخه : یج طو کد خ مج نه نز صف

									(۹)
متن = یج طو کد خ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
مج صف	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
نه	:	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷	۰
نز	:	۱	۰	۷	۸	۲	۳	۴	۵	۶

۱/۱ **خ** : بیش رفت. **مج** : هست و بیش. **مج نز** : که این لاف می‌زنم.
۱/۲ **یج** : کز چاکران دیر مغان. **کد** : ساکنان دیر مغان. **نه** : ساکنان کوی مغان.
۳/۱ **یج** : در چاه عشق و. **نز** : در جاه عشق. **خ مج** : از جاه عشق و.
صف : از یمن عشق و. **نز** : دولت رندان پارسا.
۴/۱ **مج** : ظن کج مبر. ۴/۲ **یج خ نز** : کآلوده گشت جامه.
۵/۱ **یج** : یارب از چه حال. **خ** : این چه حالت است. ۵/۲ **یج** : از یاد برده‌اند.
۶/۱ **یج** : چو من اندر چنین چمن. **نه** : اکنون درین چمن.
۶/۲ **یج** : با این نشان عذر.
۷/۱ **یج مج نز** : آب و هوای پارس. ۷/۲ **یج کد** : کو همدمی که.
شمار دگرسانیها : یج = ۹ - مج نز = ۵ - خ = ۴ - کد نه = ۲ - صف = ۱ -
(نسخهٔ طو ۱۲ اختلاف با متن دارد و از درج آنها صرف نظر شد).

۱ عمری‌ست تا من در طلب هر روز گامی می‌زنم — دست شفاعت هر زمان در نیکنامی می‌زنم
۲ بی ماه مهر افروز خود تا بگذرانم روز خود — دامی به راهی می‌نهم، مرغی به دامی می‌زنم
۳ اورنگ کو ؟ گلچهر کو ؟ نقش وفا و مهر کو ؟ — حالی من اندر عاشقی داو تمامی می‌زنم
۴ تا بو که یابم آگهی، از سایهٔ سرو سهی — گلبانگ عشق از هر طرف بر خوش‌خرامی می‌زنم
۵ دانم سر آرد غصّه را، رنگین بر آرد قصّه را — این آه خون‌افشان که من هر صبح و شامی می‌زنم
۶ هرچند کان آرام دل دانم نبخشد کام دل — نقش خیالی می‌کشم فال دوامی می‌زنم
۷ با آنکه از خود غایبم وز می چو حافظ تائبم — در مجلس روحانیان گهگاه جامی می‌زنم

---

۶ نسخه : یج طو خ مج نه صف

ترتیب ابیات =	صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
	یج :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷
	طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶
	خ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷
	مج نه :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷

۱/۱ یج : تا اندر طلب.
۱/۲ یج : هر دمی. طو : هر نفس. یج : بر نیکنامی.
۲/۱ یج خ : تا بگذرانم روز را.
۳/۲ یج : داوی تمامی.
۴/۱ مج : زان سایهٔ. ۴/۲ صف : از هر طرف بر نیکنامی.
۵/۱ نه : رنگی برآرد. ۵/۲ مج : هر صبحی و شامی.
۶/۱ یج صف : هرچند آن. طو : هرچند که آن.
۶/۲ مج نه صف : نقش وصالی. یج : می‌کنم.
۷/۱ خ : با آنکه از وی غایبم. طو : یا خود چو حافظ تائبم.
شمار دگرسانیها : یج = ۷ - طو مج صف = ۳ - خ نه = ۲ -

۱ من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم — محتسب داند که من این کارها کمتر کنم

۲ من که عیب توبه کاران کرده باشم بارها — توبه از می وقت گل، دیوانه باشم گر کنم

۳ چون صبا مجموعهٔ گل را به آب لطف شست — کج دلم خوان گر نظر بر صفحهٔ دفتر کنم

۴ لاله ساغرگیر و نرگس مست و بر ما نام فسق — داوری دارم بسی، یارب که را داور کنم؟

۵ عشق دُردانه است و من غوّاص و دریا میکده — سر فرو بردم در اینجا تا کجا سر بر کنم

۶ گرچه گرد آلود فقرم شرم باد از همّتم — گر به آب چشمهٔ خورشید دامن تر کنم

۷ من که دارم در گدائی گنج سلطانی به دست — کی طمع در گردش گردون دونپرور کنم

۸ عاشقان را گر در آتش می‌پسندد لطف دوست — تنگ چشمم گر نظر در چشمهٔ کوثر کنم

۹ عهد و پیمان فلک را نیست چندان اعتبار — عهد با پیمانه بندم شرط با ساغر کنم

۱۰ بازکش یک دم عنان ای ترک شهر آشوب من — تا ز اشک و چهره راهت پر زر و گوهر کنم

۱۱ دوش لعلت عشوه‌ای می‌داد حافظ را ولی — من نه آنم کز وی این افسانه‌ها باور کنم

---

(۱۲) وقت گل گوئی که زاهد شو به چشم و سر ولی — می‌روم تا مشورت با شاهد و ساغر کنم

(۱۳) من که از یاقوت و لعل اشک دارم گنجها — کی طمع در فیض خورشید بلند اختر کنم

(۱۴) شیوهٔ رندی نه لایق بود وضعم را ولی — چون در افتادم چرا اندیشهٔ دیگر کنم

(۱۵) گوشهٔ محراب ابروی تو می‌خواهم ز بخت — تا در آنجا همچو حافظ درس عشق از بر کنم

۶ نسخه : یج طو خ مج سز عد

ترتیب‌ابیات = عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	(۱۲)	(۱۳)	(۱۴)	(۱۵)
												۰	۰	۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰	۸	۹	۰	۰	۰	۰
طو :	۱	۲	۰	۴	۳	۷	۶	۸	۰	۵	۹	۰	۰	۰	۰
خ :	۱	۲	۷	۴	۳	۱۰	۹	۱۱	۸	۵	۱۲	۰	۶	۰	۰
مج :	۱	۲	۱۰	۸	۳	۱۱	۰	۹	۵	۱۲	۱۳	۴	۷	۶	۱۴
سز :	۱	۲	۹	۷	۳	۱۱	۱۰	۸	۵	۱۲	۱۳	۴	۶	۰	۰

۱/۲ **یج** : من کاری چنین. **عد** : کار چنین.

۲/۱ **سز** : کرده باشم سالها.

۳/۲ **سز** : در صفحهٔ دفتر.

۴/۱ **طو** : بر ما نام عشق. **عد** : ما بدنام فسق.
۴/۲ **یج** : یا رب که را داورم کنم.
۵/۲ **طو خ** : در آنجا.
۶/۱ خ : شرم داد از همتم.
۸/۱ **سز** : لطف او. ۸/۲ **عد** : بر چشمهٔ کوثر.
۹/۲ **سز** : شرط با دلبر کنم.
۱۰/۲ **یج طو عد** : تا ز اشک چهره. **عد** : پر در و گوهر.
۱۱/۱ **طو خ عد** : دوش لعلش.
۱۱/۲ **طو** : کاینچنین افسانه‌ای.
(۱۲/۲) **مج** : با شاهد دلبر کنم.
(۱۳/۲) خ : کی نظر در فیض.
شمار دگرسانیها :
عد =۶- طو =۵- خ سز =۴- یج =۳- مج =۱-

۳۰۶

۱ صنما با غم عشق تو چه تدبیر کنم — تا به کی در غم تو نالهٔ شبگیر کنم

۲ دل دیوانه از آن شد که پذیرد درمان — مگرش هم ز سر زلف تو زنجیر کنم

۳ با سر زلف تو مجموع پریشانی خود — کو مجالی که یکایک همه تقریر کنم

۴ آنچه در مدت هجر تو کشیدم، هیهات — در یکی نامه محال است که تحریر کنم

۵ آن زمان کآرزوی دیدن جانم باشد — در نظر نقش رخ خوب تو تصویر کنم

۶ گر بدانم که وصال تو بدین دست دهد — دل و دین را همه در بازم و توفیر کنم

۷ دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی — من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم

۸ نیست امیّد صلاحی ز فساد حافظ — چونکه تقدیر چنین است چه تدبیر کنم

---

۷ نسخه : **حی طو خ مج عد فط صف**

متن = **طو مج صف** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
حی :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷
خ عد :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸
فط :	۱	۲	۳/۱ ۰ ۰	۳/۲	۴	۵	۶	۷

۱/۱ **صف** : چه تدبیر چه کنم.

۲/۱ **عد** : نه زان شد. **طو** : که نصیحت شنود. **خ** : که نصیحت نشنود.

۲/۲ **عد** : مگرش در سر زلف تو به زنجیر کنم. **حی** : ز سر زلف [ ] زنجیر کنم.

۳/۱ **حی طو** : مجموع پریشانی من. **مج** : پریشانی ما.

۳/۲ **خ مج** : که سراسر همه تقریر کنم.

۴/۱ **صف** : آنکه در مدت. **مج** : عشق تو کشیدم.

۴/۲ **فط** : که تقریر کنم.

۷/۱ **فط صف** : ای زاهد و. ۷/۲ **طو** : گوش به تذکیر کنم.

۸/۱ **حی** : نیست امید خلاصی ز فساد ای حافظ. **طو** : هست امید صلاحی و فسادی حافظ.

عد : نیست امید خلاصی ز میانش حافظ.

شمار دگرسانیها : **طو** = ۴ - **حی مج عد صف** = ۳ - **خ فط** = ۲ -

۱ دوش سودای رخش گفتم ز سر بیرون کنم گفت: کو زنجیر تا تدبیر این مجنون کنم
۲ قامتش را سرو گفتم، سرکشید از من به خشم دوستان از راست می‌رنجد نگارم، چون کنم؟
۳ نکته ناسنجیده گفتم دلبرا، معذور دار عشوه‌ای فرمای تا من طبع را موزون کنم
۴ زرد روئی می‌کشم زان طبع نازک بیگناه ساقیا جامی بده تا چهره را گلگون کنم
۵ ای نسیم منزل سلمیٰ خدا را تا به کی رَبع را برهم زنم، اطلال را جیحون کنم
۶ من که ره بردم به گنج حُسن بی پایان دوست صد گدای همچو خود را بعد ازین قارون کنم
۷ ای مه نامهربان از بنده حافظ یاد کن تا دعای دولت آن حسن روز افزون کنم

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج سز عز فط**
ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.
متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۳/۲ **طو** : عشوهٔ فرمان که طمع طبع را موزون کنم. **سز** : نکته‌ای فرمای.
۴/۱ **یج** : زان طبع نازک بیگنا. **سز** : گاهگاه.
۵/۱ **طو خ مج** : منزل لیلی. ۵/۲ **یج** : ربع را در هم زنم.
۷/۱ **یج طو خ مج عز** : ای مه صاحبقران. **طو** : از بند [ ] حافظ یاد کن.
شمار دگرسانیها : طو = ۴ - یج = ۳ - خ مج سز = ۲ - عز = ۱ - فط = ۰

۱ بی تو ای سرو روان با گل و گلشن چه کنم / زلف سنبل چه کشم عارض سوسن چه کنم
۲ آه کز طعنهٔ بدخواه ندیدم رویت / نیست چون آینه‌ام روی ز آهن چه کنم
۳ برو ای ناصح و بر دردکشان خرده مگیر / کارفرمای قدر می‌کند این، من چه کنم
۴ برق غیرت چو چنین می‌جهد از مکمن غیب / تو بفرما که من سوخته خرمن چه کنم
۵ شاه ترکان چو پسندید و به چاهم انداخت / دستگیر ار نشود لطف تهمتن چه کنم
۶ مددی گر به چراغی نکند آتش طور / چارهٔ تیره شب وادی ایمن چه کنم
۷ حافظا خلد برین خانهٔ موروث من است / اندرین منزل ویرانه نشیمن چه کنم

۱۳ نسخه : **یج طو خ مج سو سز عد عز فط صد حص حت تغ**
ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.
متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۱ **سز** : از گل و گلشن.
۲/۲ **طو** : روی چو آهن.
۴/۱ **طو** : از مسکن غیب.
۵/۱ **سز** : چو بتندید و.
۷/۱ **طو** : خانهٔ موزون.
شمار دگرسانیها : طو = ۳ - سز = ۲ -
یج خ مج سو عد عز فط صد حص حت تغ = ۰ -

۳۰۹

۱ به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم — بهار توبه‌شکن می‌رسد چه چاره کنم ؟

۲ سخن درست بگویم، نمی‌توانم دید — که مِی‌خورند حریفان و من نظاره کنم

۳ به دوْر باده دماغ مرا علاج کنید — گر از میانهٔ بزم طرب کناره کنم

۴ ز روی دوست مرا چون گل مراد شکفت — حوالهٔ سر دشمن به سنگ خاره کنم

۵ به تخت گل بنشانم بتی چو سلطانی — ز سنبل و سمنش ساز طوق و یاره کنم

۶ گدای میکده‌ام، لیک وقت مستی بین — که ناز بر فلک و حکم بر ستاره کنم

۷ مرا که نیست ره و رسم لقمه پرهیزی — چرا مذمّت رند شرابخواره کنم

۸ ز باده خوردن پنهان ملول شد حافظ — به بانگ بربط و نی رازش آشکاره کنم

---

(۹) چو غنچه با لب خندان به یاد مجلس شاه — پیاله گیرم و از شوق جامه پاره کنم

۸ نسخه : **یج طو کد کهٖ خ مج نز فط**

ترتیب ابیات									(۹)
= **کد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۰
کهٖ :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۷	۸	۶
خ :	۱	۲	۴	۵	۸	۶	۷	۹	۳
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸
نز :	۱	۲	۳	۴	۹	۷	۵	۸	۶
فط :	۱	۲	۳	۵	۰	۶	۴	۷	۰

۳/۱ **یج طو کد خ نز** : به دور لاله. **طو** : دماغ ما مرا.

۳/۲ **یج طو کهٖ** : که از میانهٔ. **طو** : بزم طرب کرانه کنم.

۴/۲ **یج** : حوالت سر دشمن. **طو** : حوالهٔ سر دشمن را به سنگ خاره کنم.

۷/۱ **کد** : مرا که از زر تمغاست ساز و برگ معاش.

۷/۲ **طو** : چرا نه خدمت رند. **خ** : چرا ملامت رند.

(۱۰/۲) **نز** : پیاله گیرم و از ذوق.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج = ۳ - کد خ نز = ۲ - کهٖ = ۱ - مج فط = ۰

(نسخهٔ فط یک بیت کم دارد).

۳۱۰

۱ حاشا که من به موسم گل ترک می کنم — من لاف عقل می‌زنم این کار کی کنم

۲ مطرب کجاست تا همه محصول زهد و علم — در کار بانگ بربط و آواز نی کنم

۳ از قال و قیل مدرسه حالی دلم گرفت — یکچند نیز خدمت معشوق و می کنم

۴ کو پیک صبح تا گله‌های شب فراق — با آن خجسته طلعت فرخنده پی کنم

۵ کی بود در زمانه وفا جام می بیار — تا من حکایت جم و کاووس و کی کنم

۶ از نامهٔ سیاه نترسم که روز حشر — با فیض لطف او صد ازین نامه طی کنم

۷ این جان عاریت که به حافظ سپرد دوست — روزی رُخش ببینم و تسلیم وی کنم

---

۹ نسخه : **یج طو که خ مج ند نز عد صف**

ترتیب ابیات = **یج عد صف** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو خ مج ند نز :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷
که :	۱	۳	۲	۵	۶	۴	۷

۲/۱ **طو** : تا همه تحصیل زهد و علم. ۲/۲ **خ** : در کار چنگ و بربط و.

۳/۱ **خ عد** : از قیل و قال.

۴/۲ **یج** : با این خجسته طلعت. **خ** : خجسته طالع.

۵/۱ **یج** : جام می (نخواه = حرف اول بی‌نقطه). **طو** : جام می بخواه.

۵/۲ **نز** : کاوس کی کنم.

۷/۱ **یج** : آن جان عاریت. **یج** : سپرد یار.

۷/۲ **مج** : روزی لبش ببوسم و.

شمار دگرسانیها : یج = ۴ - خ = ۳ - طو = ۲ - مج نز عد = ۱ - که ند صف = ۰ -

۳۱۱

۱ روزگاری شد که در میخانه خدمت می‌کنم / در لباس فقر کار اهل دولت می‌کنم
۲ تاکی اندر دام وصل آرم تذروی خوش‌خرام / در کمینم و انتظار وقت فرصت می‌کنم
۳ واعظ ما بوی حق نشنید، بشنو کین سخن / در حضورش نیز می‌گویم نه غیبت می‌کنم
۴ چون صبا افتان و خیزان می‌روم تا کوی دوست / وز رفیقان ره استمداد همّت می‌کنم
۵ خاک کویت زحمت ما بر نتابد بیش ازین / لطفها کردی بُتا تخفیف زحمت می‌کنم
۶ زلف دلبر دام راه و غمزه‌اش تیر بلاست / یاد دار ای دل که چندینت نصیحت می‌کنم
۷ دیدهٔ بدبین بپوشان ای کریم عیب پوش / زین دلیریها که من در کنج خلوت می‌کنم
۸ حافظم در محفلی، دردی کشم در مجلسی / بنگر این شوخی که چون با خلق صنعت می‌کنم

---

۶ نسخه : یج طو خ   سو صد حة

ترتیب ابیات								
= خ سو حة :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج صد :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷

۱/۲ **طو** : مفلسم دریوزه‌ای از اهل دولت.

۲/۱ **طو سو صد حة** : تاکه. **طو خ** : از دستم برآید تیر تدبیر صواب (**خ** = تدبیر مراد).

۲/۲ **طو** : در کمین انتظار.

۳/۱ **طو خ** : ناصح ما.

۴/۱ **طو خ** : با صبا.   ۴/۲ **حة** : وز ریاحین و گل.

۵/۱ **یج** : خاک کوی تو نتابد زحمت ما. **سو صد** : برنتابد زحمت ما.

۶/۱ **طو** : غمزه‌اش تیر بلا.

۸/۱ **طو** : حافظم در محفل و دردی‌کش اندر خلوتم.

خ سو : حافظم در مجلسی دردی‌کشم در محفلی

شمار دگرسانیها : طو = ۸ - خ = ۴ - سو = ۳ - صد حة = ۲ - یج = ۱ -

۱ من ترک عشق و شاهد و ساغر نمی‌کنم — صد بار توبه کردم و دیگر نمی‌کنم
۲ باغ بهشت و سایهٔ طوبی و قصر حور — با خاک کوی دوست برابر نمی‌کنم
۳ تلقین درس اهل نظر یک اشارت است — گفتم کنایتیّ و مکرّر نمی‌کنم
۴ هرگز نمی‌شود ز سر خود خبر مرا — تا در میان میکده سر بر نمی‌کنم
۵ شیخم به طیره گفت برو ترک عشق کن — محتاج جنگ نیست، برادر نمی‌کنم
۶ پیر مغان حکایت معقول می‌کند — معذورم ار محال تو باور نمی‌کنم
۷ این تقویَم تمام که با شاهدان شهر — ناز و کرشمه بر سر منبر نمی‌کنم
۸ حافظ جناب پیر مغان جای دولت است — من ترک خاکبوسی این در نمی‌کنم

(۹) ناصح به طنز گفت حرام است می مخور — گفتم به چشم و گوش به هر خر نمی‌کنم

۹ نسخه : **یج طو که خ مج نز سد فط پذ**

ترتیب ابیات =

									(۹)
که :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۶	۰	۷	۸	۵
طو خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷	۰
مج نز سد :	۱	۲	۳	۶	۴	۰	۵	۸	۷
فط :	۱	۲	۳	۵	۴	۰	۷	۸	۶
پذ :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۷	۸	۶

۱/۱ **یج پذ** : من ترک عشقبازی و. **خ** : من ترک عشق شاهد و.
۱/۲ **که مج نز سد** : تقلید علم و زهد مزور نمی‌کنم (**که** = عقل مزور).
۲/۱ **خ** : قصر و حور.
۳/۱ **یج خ پذ** : تلقین و درس. ۳/۲ **طو که پذ** : کردم نصیحتی و.
۵/۱ **که** : شیخم به طعنه. **خ** : ناصح به طعن. **یج طو که خ** : گفت که رو.
۷/۲ **طو** : از سر منبر.
(۹/۱) **فط** : واعظ به طنز.
(۹/۲) **مج سد فط** : گفتم به چشم گوش به هر. **پذ** : گفتم مگو که گوش.
شمار دگرسانیها : خ = ۵ - که پذ = ۴ - یج طو = ۳ - مج سد فط = ۲ - نز = ۱ -

۳۱۳

۱ دیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم — واندرین کار دل خویش به دریا فکنم

۲ از دل تنگ گنهکار برآرم آهی — کآتش اندر گنه آدم و حوّا فکنم

۳ خورده‌ام تیر فلک، باده بده تا سرمست — عقده در بند کمر ترکش جوزا فکنم

۴ جرعهٔ جام برین تخت روان افشانم — غلغل چنگ درین گنبد مینا فکنم

۵ مایهٔ خوشدلی آنجاست که دلدار آنجاست — می‌کنم جهد که خود را مگر آنجا فکنم

۶ بند برقع بگشا ای مه خورشید کلاه — تا چو زلفت سر سودازده در پا فکنم

۷ حافظا تکیه بر ایّام چو سهو است و خطا — من چرا عشرت امروز به فردا فکنم

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج سز فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با : یج مج فط صف

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو خ :	۱	۲	۵	۶	۳	۴	۷
سز :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷

۱/۱ **طو** : راز به صحرا.

۳/۲ **یج طو** : عقد در بند.

۴/۱ **یج** : جرعهٔ جام بدین تخت. **طو** : روان افشانیم.

۵/۲ **سز** : می‌کنم سعی.

۶/۱ **طو خ مج فط صف** : بگشا بند قبا.

۷/۱ **یج** : چه سهو است و خطا.

شمار دگرسانیها : طو = ۴ - یج = ۳ - خ مج سز فط صف = ۱ -

۳۱۴

۱ در خرابات مغان نور خدا می‌بینم — این عجب بین که چه نوری ز کجا می‌بینم
۲ جلوه بر من مفروش ای ملک الحاج که تو — خانه می بینی و من خانه خدا می‌بینم
۳ خواهم از زلف بتان نافه گشائی کردن — فکر دور است، همانا که خطا می‌بینم
۴ سوز دل، اشک روان، آه سحر، نالهٔ شب — اینهمه از نظر لطف شما می‌بینم
۵ هر دم از روی تو نقشی زندم راه خیال — با که گویم که درین پرده چه‌ها می‌بینم
۶ کس ندیده است ز مشک ختن و نافهٔ چین — آنچه من هر سحر از باد صبا می‌بینم
۷ دوستان، عیب نظر بازی حافظ مکنید — زانکه او را ز محبّان خدا می‌بینم

۶ نسخه : **طو خ مج نز عز فخ**
ترتیب ابیات برابر است با ۶ نسخهٔ فوق
متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۲ **نز** : وین عجب بین که. **فخ** : این عجب من که.
طو فخ : چه نور است و کجا.
۳/۱ **خ** : نافه گشادی کردن.
۴/۱ **نز عز** : نالهٔ شب آه سحر.
۴/۲ **طو** : اینهمه از نظر و.
طو نز فخ : لطف خدا.
۷/۲ **خ** : که من او را. **خ** : ز محبان شما می‌بینم.
شمار دگرسانیها : طو خ نز فخ = ۳ - عز = ۱ - مج = ۰

۱ حالیا مصلحت وقت دران می‌بینم — که کشم رخت به میخانه و خوش بنشینم

۲ جام می گیرم و از اهل ریا دور شوم — یعنی از خلق جهان پاکدلی بگزینم

۳ جز صراحیّ و کتابم نبود یار و ندیم — تا حریفان دغا را ز جهان کم بینم

۴ سر به آزادگی از خلق بر آرم چون سرو — گر دهد دست که دامن ز خسان در چینم

۵ بسکه در خرقهٔ آلوده زدم لاف صلاح — شرمسار رخ ساقیّ و می رنگینم

۶ سینهٔ تنگ من و بار غم او هیهات — مرد این بار گران نیست دل مسکینم

۷ بر دلم گرد ستمهاست خدایا مپسند — که مکدّر شود آئینهٔ مهر آئینم

۸ من اگر رند خراباتم و گر حافظ شهر — این متاعم که تو می‌بینی و کمتر زینم

---

(۹) بندهٔ آصف عهدم دلم از راه مبر — که اگر دم زنم از چرخ بخواهد کینم

۶ نسخه : یج طو خ قبه حک تغ

									(۹)
ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج :	۱	۴	۲	۵	۳	۰	۶	۷	۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۹	۷	۸
قبه :	۱	۴	۲	۵	۳	۶	۷	۸	۰
حک :	۱	۴	۱	۵	۳	۶	۷	۸	۹
تغ :	۱	۲	۳	۵	۴	۷	۶	۹	۸

۲/۲ **طو خ** : یعنی از اهل جهان.

۳/۱ **یج** : جز صراحی و کتابی. **طو** : جز صراحی و کبابم.

۳/۲ **طو خ** : به جهان کم بینم.

۴/۲ **یج طو خ تغ** : که دامن ز جهان.

۵/۲ **خ** : شرمسار از رخ.

۶/۲ **تغ** : آن بار گران. **طو** : تن مسکینم.

۸/۱ **طو قبه** : رند خراباتم اگر. **خ** : زاهد شهر.

۸/۲ **طو خ قبه** : که همی بینی و.

(۹/۲) **حک** : که اگر دم زند.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - خ = ۶ - یج قبه تغ = ۲ - حک = ۱ -

۱ غم زمانه که هیچش کران نمی‌بینم — دواش جز می چون ارغوان نمی‌بینم

۲ به ترک خدمت پیر مغان نخواهم گفت — چرا که مصلحت خود در ان نمی‌بینم

۳ درین خمار کسم جرعه‌ای نمی‌بخشد — ببین که اهل دلی در جهان نمی‌بینم

۴ ز آفتاب قدح ارتفاع عیش بگیر — چراکه طالع وقت آنچنان نمی‌بینم

۵ نشان اهل خدا عاشقی‌ست با خود دار — که در مشایخ شهر این نشان نمی‌بینم

۶ برین دو دیدهٔ حیران من هزار افسوس — که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم

۷ نشان موی میانش که دل در او بستم — ز من مپرس که خود در میان نمی‌بینم

۸ قد تو تا بشد از جویبار دیدهٔ من — بجای سرو جز آب روان نمی‌بینم

۹ من و سفینهٔ حافظ، که جز درین دریا — بضاعت سخن دُر فشان نمی‌بینم

---

۸ نسخه : **یج طو خ** **مج عد عز فط حة**

ترتیب ابیات = **مج عز حة** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۶	۷	۹
طو :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۰	۶	۷
خ :	۱	۲	۷	۳	۴	۵	۸	۶	۹
عد :	۱	۲	۴	۵	۳	۷	۶	۸	۹

۲/۱ **عد** : به ترک صحبت. **طو** : پیر مغان بخواهم گفت. **خ** : نخواهم کرد.

۳/۱ **یج** : درین خمار کیم جرعه‌ای نمی‌بخشد. ۳/۲ **خ** : اهل دلی در میان نمی‌بینم.

۴/۱ **یج** : ارتفاع عیش مگیر. ۴/۲ **طو** : چراکه طالع خود.

۶/۱ **خ عز حة** : بدین دو دیدهٔ. **مج** : گریان من.

۶/۲ **طو** : رویش عنان نمی‌بینم.

۷/۱ **عز** : نشان موی و میانش. **فط** : نشان موی میانت. **یج** : که دل دران بستم.

۸/۱ **یج** : از جویبار دیدهٔ ما.

۹/۱ **یج طو** : جز دران دریا.

۹/۲ **یج عد** : سخن دلستان. **مج فط حة** : سخن دلنشان.

شمار دگرسانیها : یج = ۶ - طو = ۴ - خ = ۳ - مج عد عز فط حة = ۲ -

۳۱۷

۱ به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم / بیا کز چشم بیمارت هزاران درد برچینم
۲ الا ای همنشین دل که یارانت برفت از یاد / مرا روزی مباد آن دم که بی یاد تو بنشینم
۳ جهان پیر است و بی‌بنیاد ازین فرهادکُش فریاد / که کرد افسون و نیرنگش ملول از جان شیرینم
۴ ز تاب آتش دوری شدم غرق عرق چون گل / بیار ای باد شبگیری نسیمی زان عرقچینم
۵ جهانِ فانی و باقی فدای شاهد و ساقی / که سلطانیّ عالم را طفیل عشق می‌بینم
۶ اگر بر جای من غیری گزیند دوست حاکم اوست / حرامم باد اگر من جان بجای دوست بگزینم
۷ صباح الخیر زد بلبل، کجائی ساقیا برخیز / که غوغا می‌کند در سر خروش چنگ دوشینم
۸ شب رحلت هم از بستر روم بر قصر حورالعین / اگر در وقت جان دادن تو باشی شمع بالینم
۹ حدیث آرزومندی که در این نامه ثبت افتاد / همانا بی غلط باشد که حافظ داد تلقینم

۹ نسخه : یج طو خ مج نز سز عد فط صف

ترتیب ابیات =									
یج خ فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸
مج نز[1] :	۱	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۹
سز :	۱	۲	۳	۵	۶	۸	۷	۴	۹
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۹
صف :	۱	۲	۶	۳	۷	۵	۴	۰	۸

۳/۱ **مج** : جهان پیری‌ست. **طو** : ازین فرهادکش فرهاد.
۳/۲ **طو** : که کرد افسون نیرنگش.
۵/۱ **یج** جهانی فانی و باقی. ۵/۲ **خ** : فدای عشق می‌بینم.
۶/۲ **عد** : اگر جان را.
۷/۲ **طو** : بر سر. **طو خ** : خیال خواب.
۸/۱ **خ طو** (ضمن غزل ۳۱۸) : در قصر حورالعین. **فط** : تا قصر.
۹/۲ **یج سز** : همانا نی غلط باشد. **طو** : همانا آن غلط کردم.
طو مج نز : که حافظ کرد تلقینم.
شمار دگرسانیها : طو = ۷ - خ = ۳ - یج مج = ۲ - نز سز عد فط = ۱ -
صف = ۰ (یک بیت کم دارد).

---

(۱) بیت ۵ از غزل ۳۱۸ در دو نسخهٔ مج نز در سطر ۲ ضمن غزل ۳۱۷ کتابت شده است.

۱ اگر برخیزد از دستم که با دلدار بنشینم ‌ ‌ ز جام وصل می نوشم ز باغ عیش گل چینم

۲ شراب تلخ صوفی سوز بنیادم بخواهد بُرد ‌ ‌ لبم بر لب نه ای ساقیّ و بستان جان شیرینم

۳ مگر دیوانه خواهم شد که از عشق تو شب تا روز ‌ ‌ سخن با ماه می‌گویم، پری در خواب می‌بینم

۴ چو هر خاکی که باد آورد فیضی بُرد از انعامت ‌ ‌ ز حال بنده یاد آور که خدمتکار دیرینم

۵ لبت شکّر به مستان داد و چشمت می به میخواران ‌ ‌ منم کز غایت حرمان نه با آنم نه با اینم

۶ نه هر کو نقش نظمی زد کلامش دلپذیر آمد ‌ ‌ تذرو طرفه من گیرم که چالاک است شاهینم

۷ وگر باور نمی‌داری رو از صورتگر چین پُرس ‌ ‌ که مانی نسخه می‌خواهد ز نوک کلک مشکینم

۸ رُموز عشق و سرمستی ز حافظ جو نه از واعظ ‌ ‌ که با جام و قدح هر شب حریف ماه و پروینم

---

(۹) وفا داریّ و حق گوئی نه کار هر کسی باشد ‌ ‌ غلام آصف دوران جلال الحقّ و الدّینم

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز عد فط**

ترتیب ابیات =										(۹)
	عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
	یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۶	۹
	طو :	۱	۲	۳	۶	۵	۷	۸	۰	۹
	خ :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۹	۸
	مج نز :	۱	۲	۳	۵	۰	۶	۷	۸	۹
	فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

بیت ۸ غزل ۳۱۷ در سطر ۴ نسخه‌های طو مج نز ضمن غزل ۳۱۸ کتابت شده است.

۱/۱ **طو خ** : گرم از دست برخیزد. ‌ ۱/۲ **فط** : ز جام بخت می‌نوشم ز باغ وصل گل چینم.

۲/۱ **فط** : شراب تلخ شورانگیز. ‌ ۳/۱ **یج** : که در عشق تو. **طو** : ازین سوداکه. **خ عد** : درین سوداکه.

۴/۱ **یج** : چو هرکس راکه یاد آری. **یج** : برد فیضی ز انعامت. **طو عد** : فیضی بود از انعامت.

۵/۱ **نز** (ضمن غزل ۳۱۷) : می به مخموران.

۵/۲ **طو** : منم از غایت حرمان. ‌ ۶/۱ **مج** : نقد نظمی زد کلامش. **خ مج** : دلپذیر افتد.

۶/۲ **طو** : تذروی طرفه می‌گیرم. **عد** : تذرو طرفه می‌گیرم. ‌ ۷/۱ **طو خ نز** : اگر باور نمی‌داری.

۸/۱ **خ** : رموز مستی و رندی. **فط** : حدیث عشق و سرمستی (متن = مج نز عد).

خ مج نز عد : ز من بشنو نه از حافظ (متن = فط). **یج**: ز حافظ پرس رمز عشق و شرح مستی از من خواه.

۸/۲ **خ** : که با جام و قدح هر دم. **خ فط** : ندیم ماه و پروینم.

(۹/۱) **نز** : سخندانی و حق‌گوئی. **مج نز** : نه کار هر جهانداری‌ست. ‌ (۹/۲) **طو خ** : غلام آصف ثانی.

شمار دگرسانیها : خ = ۹ - طو = ۷ - نز = ۵ - یج مج عد فط = ۴ -

۳۱۹

۱ گر ازین منزل غربت بسوی خانه روم — دگر آنجا که روم عاقل و فرزانه روم

۲ زین سفر گر به سلامت به وطن باز رسم — نذر کردم که هم از راه به میخانه روم

۳ تابگویم‌که‌چه‌کشفم شد ازین سیر و سلوک — به در صومعه با بربط و پیمانه روم

۴ آشنایان ره عشق گرم خون بخورند — ناکسم گر به شکایت سوی بیگانه روم

۵ بعد ازین دست من و زلف چو زنجیر نگار — چند و چند از پی کام دل دیوانه روم

۶ گر ببینم خم ابروی چو محرابش باز — سجدهٔ شکر کنم وز پی شکرانه روم

۷ خرّم آن دم که چو حافظ به تولّای وزیر — سرخوش از میکده با دوست به کاشانه روم

۷ نسخه : **یج کد که خ سو عز حة**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۱ **خ** : گر ازین منزل ویران.

۱/۲ **که** : دیگر آنجاکه روم. **یج** : غافل و فرزانه.

۲/۱ **یج کد** : به وطن گردم باز.

۳/۱ **عز حة** ازین سیر سلوک.

۳/۲ **کد** : تا در صومعه. **که** : بر در میکده.

۴/۱ **که** : غم عشقم اگر.

۴/۲ **که** : بر بیگانه.

۵/۲ **که** : چند چند.

۷/۱ **خ** : به تمنای وزیر.

۷/۲ **کد** : یکسر از میکده.

شمار دگرسانیها : که =۵- کد =۳- یج خ =۲ عز حة =۱- سو =۰-

۳۲۰

۱ خرّم آن روز کزین منزل ویران بروم راحت جان طلبم وز پی جانان بروم

۲ گرچه دانم که به جائی نبرد راه غریب من به بوی خوش آن زلف پریشان بروم

۳ چون صبا با دل بیمار و تن بی طاقت به هواداری آن سرو خرامان بروم

۴ دلم از وحشت زندان سکندر بگرفت رخت بربندم و تا ملک سلیمان بروم

۵ تازیان را چو غم حال گرانباران نیست پارسایان مددی تاخوش و آسان بروم

۶ در ره او چو قلم گر به سرم باید رفت با دل زخم کش و دیدهٔ گریان بروم

۷ نذر کردم گر ازین غم بدر آیم روزی تا در میکده شادان و غزلخوان بروم

۸ به هواداری او ذرّه صفت رقص کنان تا لب چشمهٔ خورشید درخشان بروم

۹ ور چو حافظ نبرم ره ز بیابان بیرون همره کوکبهٔ آصف دوران بروم

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج ند نز صف تغ**

ترتیب ابیات = **مج ند نز تغ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۳	۰	۰	۴	۵	۰	۶
خ :	۱	۲	۴	۳	۷	۵	۰	۶	۸
صف :	۱	۲	۳	۴	۸	۵	۶	۷	۹

۱/۲ **نز** : وز پی درمان بروم.

۲/۲ **یج طو خ صف** : من به بوی سر آن زلف.

۳/۱ **یج** : چو صبا. **طو** : با تن بدحال و. **خ** : با تن بیمار و. **طو خ** : دل بی‌طاقت.

۵/۱ **خ** : غم احوال گرفتاران نیست. **تغ** : چو غم از حال.

۷/۱ **طو** : که اگر غم. **مج** : که گر این غم. **طو مج** : به سر آید روزی.

۸/۲ **نز** : خورشید درفشان.

۹/۱ **طو** : به بیابان نبرم ره بیرون. **خ** : ز بیابان نبرم ره بیرون.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - خ = ۵ - یج مج نز = ۲ - صف تغ = ۱ - ند = ۰ -

۳۲۱

۱ آنکه پامال جفا کرد چو خاک راهم — خاک میبوسم و عذر قدمش میخواهم
۲ من نه آنم که به جور از تو بنالم، حاشا — چاکر معتقد و بندهٔ دولتخواهم
۳ بسته‌ام در خم گیسوی تو امّید دراز — آن مبادا که کند دست طلب کوتاهم
۴ ذرّهٔ خاکم و درکوی توام وقت خوش است — ترسم ای دوست که بادی ببرد ناگاهم
۵ پیر میخانه سحر جام جهان بینم داد — واندران آینه از حسن تو کرد آگاهم
۶ صوفی صومعهٔ عالم قدسم، لیکن — حالیا دیر مغان است حوالتگاهم
۷ با من راه نشین خیز و سوی میکده آی — تا دران حلقه ببینی که چه صاحبجاهم
۸ مست بگذشتی و از حافظت اندیشه نبود — آه اگر دامن حسن تو بگیرد آهم

(۹) خوشم آمد که سحر خسرو خاور می‌گفت — با همه پادشهی بندهٔ تورانشاهم

۸ نسخه : یج طو خ سو عد عز فط صف

ترتیب ابیات									(۹)
طو خ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج	۱	۲	۰	۳	۵	۴	۶	۷	۸
سو	۱	۲	۷	۳	۵	۴	۶	۸	۹
عد	۱	۲	۶	۳	۵	۴	۷	۹	۸
عز	۱	۲	۷	۳	۵	۴	۶	۸	۰
فط	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۰
صف	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸	۹

۱/۱ **صف** : گرچه پامال جفا کرد.
۲/۱ **طو خ** : ز جور تو بنالم.
۲/۲ **طو خ** : بندهٔ معتقد و چاکر دولتخواهم.
۳/۲ **طو** : ای مباد آنکه کند.
۴/۱ **خ** : جای خوش است.
۷/۲ **یج** : تا دران حلقه ببینی که [ ] صاحبجاهم. **عز** : تا ببینی که دران حلقه.
(۱۰/۱) **سو** : خسرو خوبان می‌گفت.
شمار دگرسانیها : طو خ = ۳ - یج سو عز صف = ۱ - عد فط = ۰ (نسخهٔ فط یک بیت کم دارد).

۳۲۲

۱ دردم از یار است و درمان نیز هم   دل فدای او شد و جان نیز هم

۲ این‌که می‌گویند آن خوشتر ز حسن   یار ما این دارد و آن نیز هم

۳ هر دو عالم یک فروغ روی اوست   گفتمت پیدا و پنهان نیز هم

۴ داستان در پرده می‌گویم، ولی   گفته خواهد شد به دستان نیز هم

۵ یاد باد آنکو به قصد خون ما   زلف را بشکست و پیمان نیز هم

۶ چون سر آمد دولت شبهای وصل   بگذرد ایّام هجران نیز هم

۷ خون ما آن نرگس مستانه ریخت   وان سر زلف پریشان نیز هم

۸ اعتمادی نیست بر کار جهان   بلکه بر گردون گردان نیز هم

۹ عاشق از قاضی نترسد، می بیار   بلکه از یرغوی دیوان نیز هم

۱۰ محتسب داند که حافظ عاشق است   و آصف ملک سلیمان نیز هم

---

۶ نسخه : **یج طو خ نز عد فط**

ترتیب ابیات = عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۴	۳	۵	۷	۰	۶	۹	۸
طو :	۱	۲	۵	۰	۳	۴	۰	۶	۷	۸
خ :	۱	۲	۶	۴	۳	۵	۰	۷	۸	۹
نز :	۱	۲	۳	۴	۷	۸	۵	۶	۹	۱۰
فط :	۱	۲	۳	۸	۴	۵	۰	۷	۶	۹

۴/۱ **خ** : دوستان در پرده می‌گویم سخن.

۴/۲ **یج** : گفت خواهد شد.

۵/۱ **عد فط** : به قصد جان ما.

۵/۲ **یج خ عد فط** : عهد را بشکست و.

۷/۲ **نز** : با سر زلف پریشان.

۸/۲ **عد** : بلک بر گردون.

۹/۲ **یج** : یرغوی سلطان.

۱۰/۲ **نز** : آصف ملک سلیمان نیز هم.

شمار دگرسانیها : یج عد = ۳ - خ نز فط = ۲ - طو = ۰ (دو بیت کم دارد).

۳۲۳

۱ ما بیغمان مست دل از دست داده‌ایم   همراز عشق و همنفس جام باده‌ایم
۲ بر ما بسی کمان ملامت کشیده‌اند   تا کار خود ز ابروی جانان گشاده‌ایم
۳ ای گل تو دوش داغ صبوحی کشیده‌ای   ما آن شقایقیم که با داغ زاده‌ایم
۴ پیر مغان ز توبهٔ ما گر ملول شد   گو باده صاف کن که به عذر ایستاده‌ایم
۵ کار از تو می‌رود، مددی ای دلیل راه   کانصاف می‌دهیم وز راه اوفتاده‌ایم
۶ چون لاله مِی مبین و قدح در میان کار   این داغ بین که بر دل پر خون نهاده‌ایم
۷ گفتی که حافظ اینهمه رنگ و خیال چیست؟   نقش غلط مخوان که همان لوح ساده‌ایم

---

(۸) ما را به ساده‌طبع مخوان ای دقیقه‌بین   چون حافظ ار چه معتقد روی ساده‌ایم

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۴ نسخهٔ فوق (سوای طو مج نز).

								(۸)
متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰	۶
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۰

۱/۲ **نز** : همراه عشق و. **طو** : همنفس جام و باده‌ایم.
۳/۲ **طو** : ما آن سعادتیم که با زاغ زاده‌ایم.
۴/۲ **طو** : گو عزم صلح کن که به عزم ایستاده‌ایم.
۵/۱ **یج طو** : نظری ای دلیل راه.
۵/۲ **مج نز** : می‌دهیم که از ره فتاده‌ایم.
۶/۲ **یج فط** : بر دل ویران. **خ** : بر دل خونین.
۷/۲ **خ فط** : نقش غلط مبین.
شمار دگرسانیها : طو = ۴ - یج خ نز فط = ۲ - مج = ۱ - صف = ۰ -

۳۲۴

۱ ما پیش خاکپای تو صد رو نهاده‌ایم — روی و ریای خلق به یک سو نهاده‌ایم

۲ ننهاده‌ایم بار جهان بر دل ضعیف — وین کار و بار بسته به یک مو نهاده‌ایم

۳ طاق و رواق مدرسه و قال و قیل فضل — در راه جام و ساقی مهرو نهاده‌ایم

۴ هم جان بدان دو نرگس جادو سپرده‌ایم — هم دل بدان دو سنبل هندو نهاده‌ایم

۵ ما ملک عافیت نه به لشگر گرفته‌ایم — ما تخت سلطنت نه به بازو نهاده‌ایم

۶ تا سحر چشم یار چه بازی کند که کار — بنیاد بر کرشمهٔ جادو نهاده‌ایم

۷ بی ناز نرگسش سر سودائی از ملال — همچون بنفشه بر سر زانو نهاده‌ایم

۸ در گوشهٔ امید چو نظّارگان ماه — چشم طلب بران خم ابرو نهاده‌ایم

۹ گفتی که حافظا دل سرگشته‌ات کجاست؟ — در حلقه‌های آن خم گیسو نهاده‌ایم

---

(۱۰) فرما اشارتی که دو چشم امیدوار — بر گوشه‌های آن خم ابرو نهاده‌ایم

۷ نسخه : **یج حی کد خ مج نز صد**

		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	(۱۰)
ترتیب ابیات	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
یج	:	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷	۹	۸
حی	:	۱	۰	۴	۲	۰	۳	۵	۶	۷	۰
کد	:	۱	۲	۳	۰	۰	۴	۶	۵	۷	۰
خ	:	۱	۰	۲	۰	۳	۵	۴	۶	۷	۰
مج نز	:	۱	۰	۲	۳	۶	۰	۴	۰	۷	۵
صد	:	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷	۸	۰

۱/۱ **خ** : ما پیش خاک راه تو. ۱/۲ **حی** : رو و ریای خلق.
۲/۱ **کد** : بنهاده‌ایم. ۲/۲ **کد** : به بازو نهاده‌ایم.
۳/۱ **کد** : قال و قیل علم. **خ** : قال و قیل بحث. ۴/۲ **مج نز** : هم دل بر آن.
۶/۱ **یج حی صد** : تا موج بحر چشم. **کد**: تا سحر چشم [یار]. **خ**: چه بازی کند که باز.
۷/۱ **یج حی**: بی‌ناز سرکشش. **کد** : بی‌یار سرکشم. **خ** : بی‌زلف سرکشش. **مج** : بی‌وصل زلف تو. **نز** : بی‌وصل زلف او.
۸/۱ **یج کد صد** : بر بوی عید وصل. **حی**: بر بوی وصل عید. ۸/۲ **یج حی کد صد** : چشم امل.
۹/۱ **یج صد** : گویند حافظا. **خ** : دل گم‌گشته‌ات. ۹/۲ **کد** : آن خم ابرو.
شمار دگرسانیها : کد = ۸ - یج حی خ = ۵ - صد = ۴ - مج نز = ۲ -

۳۲۵

۱ ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم — از بد حادثه اینجا به پناه آمده‌ایم

۲ رهرو منزل عشقیم و ز سر حدّ عدم — تا به اقلیم وجود اینهمه راه آمده‌ایم

۳ سبزهٔ خطّ تو دیدیم وز بستان بهشت — به طلبکاری این مهر گیاه آمده‌ایم

۴ با چنین گنج که شد خازن او روح امین — به گدائی به در خانهٔ شاه آمده‌ایم

۵ لنگر حلم تو ای کشتی توفیق کجاست؟ — که درین بحر کرم غرق گناه آمده‌ایم

۶ آبرو می‌رود ای ابر خطاشوی ببار — که به دیوان عمل نامه سیاه آمده‌ایم

۷ حافظ این خرقهٔ پشمینه بینداز که ما — از پی قافله با آتش آه آمده‌ایم

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج ند نز فخ**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۶ نسخهٔ فوق (بجز طو).

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۷	۵	۶

۱/۱ **فخ** : ما برین در. **مج ند نز** : ز پی.

۱/۲ **نز** : وز بد حادثه. **خ** : آنجا به پناه.

۳/۱ **ند** : دیدیم ز بستان.

۳/۲ **مج** : به طلبکاری آن.

۴/۱ **یج** : خازن آن.

۵/۱ **یج** : لشکر حکم تو. **خ** : لنگر حکم تو.

۶/۱ **یج خ فخ** : ای ابر خطاپوش ببار.

۷/۲ **یج** : با آتش و آه امده‌ایم.

شمار دگرسانیها : یج = ۴ - خ = ۳ - مج ند نز فخ = ۲ -

(از نقل ده اختلاف نسخهٔ طو در این غزل صرف نظر شد).

۳۲۶

۱ خیز تا از در میخانه گشادی طلبیم   بر ره دوست نشینیم و مرادی طلبیم

۲ زاد راه حرم وصل نداریم، مگر   به گدائی ز در میکده زادی طلبیم

۳ اشک آلودهٔ ما گرچه روان است ولی   به رسالت سوی او پاک نهادی طلبیم

۴ لذّت داغ غمت بر دل ما باد حرام   اگر از جور غم عشق تو دادی طلبیم

۵ نقطهٔ خال تو بر لوح بصر نتوان زد   مگر از مردمک دیده مدادی طلبیم

۶ عشوه‌ای از لب شیرین تو دل خواست به جان   به شکر خنده لبت گفت مَزادی طلبیم

۷ تا بود نسخهٔ عطری دل سودازده را   از خط غالیه سای تو سوادی طلبیم

۸ چون غمت را نتوان یافت مگر در دل شاد   ما به امّید غمت خاطر شادی طلبیم

۹ بر در مدرسه تا چند نشینی حافظ   خیز تا از در میخانه گشادی طلبیم

---

۸ نسخه : **یج طو خ   مج ند نه نز عد**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

۱/۲ **خ** : به ره دوست.

۲/۲ **یج مج ند** : ز در مصطبه.

۵/۲ **یج** : مرادی طلبیم.

۶/۲ **یج** : لشکر خنده لبت گفت.   **طو خ نه** : مرادی طلبیم.

۸/۱ **مج ند نز** : مگر در دل تنگ.

شمار دگرسانیها : یج = ۳ - خ مج ند = ۲ - طو نه نز = ۱ - عد = ۰ -

۱ ما ز یاران چشم یاری داشتیم　　خود غلط بود آنچه ما پنداشتیم

۲ تا درخت دوستی کی بر دهد　　حالیا رفتیم و تخمی کاشتیم

۳ گفت و گو آئین درویشی نبود　　ورنه با تو ماجراها داشتیم

۴ گلبن حسنت نه خود شد دلفروز　　ما دم همّت بر او بگماشتیم

۵ شیوهٔ چشمت فریب جنگ داشت　　ما ندانستیم و صلح انگاشتیم

۶ نکته‌ها رفت و شکایت کس نکرد　　جانب حرمت فرو نگذاشتیم

۷ گفت: خود دادی به ما دل، حافظا　　ما محصّل بر کسی نگماشتیم

۹ نسخه : **یج طو خ مج مط نز سو عز پن**

ترتیب ابیات								
= **سو عز پن**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج	:	۱	۲	۳	۰	۰	۴	۵
طو	:	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶
خ	:	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷
مج مط	:	۱	۲	۴	۵	۶	۳	۷
نز	:	۱	۲	۴	۰	۵	۳	۶

۱/۲ **یج** : آنچه می‌پنداشتیم.

۲/۱ **خ** : برکی دهد.

۳/۱ **یج طو مط پن** : آئین درویشان نبود.

۴/۱ **مج** : نه خود شد دلفریب.

۴/۲ **سو عز** : بدان بگماشتیم.

۵/۲ **طو خ سو** : ما غلط کردیم و.

۶/۱ **یج** : حکایت کس نکرد.

۶/۲ **یج** : جان ما حرمت. **طو** : جانب رحمت.

شمار دگرسانیها : یج = ۴ - طو = ۳ - خ سو = ۲ - مج مط عز پن = ۱ - نز = ۰ (بیت ۴ را ندارد).

۳۲۸

۱ صلاح از ما چه می‌جوئی؟ که مستان را صلا گفتیم — به دوْر نرگس مستت سلامت را دعا گفتیم

۲ در میخانه‌ام بگشا که هیچ از خانقه نگشود — گرت باور کند ور نه سخن این بود و ما گفتیم

۳ من از چشم تو ای ساقی خراب افتاده‌ام، لیکن — بلائی کز حبیب آید هزارش مرحبا گفتیم

۴ قدت گفتیم شمشاد است و بس خجلت به بار آورد — که این نسبت چرا کردیم و این بهتان چرا گفتیم

۵ اگر بر من نبخشائی پشیمانی خوری آخر — به خاطر دار این معنی که در خدمت کجا گفتیم

۶ جگر چون نافه‌ام خون گشت و کم زینم نمی‌باید — جزای آن که با زلفش سخن از چین خطا گفتیم

۷ تو آتش گشتی ای حافظ ولی با یار در نگرفت — ز بد عهدیّ گل گوئی حکایت با صبا گفتیم

---

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز حة**

متن = یج مج نز حة :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶
خ :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷

۱/۲ **مج نز حة** : نرگس مستش.

۲/۱ **یج حة** : در میخانه را بگشا.

۲/۲ **یج مج نز** : باور کند ور نی. **طو** : گرت باورد بود ور نه.

خ : باور بود ور نه. **طو** : سخن این بد که ما گفتیم.

۳/۱ **طو** : امن از چشم تو. ۳/۲ طو : کز حبیب آمد.

۴/۱ **یج خ** : قدت گفتم که. **خ** : شمشاد است.

۴/۲ **نز** : این بهتان [ ] گفتیم.

۵/۱ **طو مج نز** : پشیمانی کشی. ۵/۲ **یج** : که با خدمت.

۶/۱ **خ** : خون گشت کم زینم. **مج** : نمی‌بایست.

۶/۲ **طو خ** : با زلفت.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - خ = ۵ - یج مج نز = ۴ - حة = ۲ -

۳۲۹

۱ ما درس سحر در سر میخانه نهادیم — محصول دعا در ره جانانه نهادیم

۲ در خرمن صد زاهد عاقل زند آتش — این داغ که ما بر دل دیوانه نهادیم

۳ سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد — تا روی درین منزل ویرانه نهادیم

۴ در خرقه ازین بیش منافق نتوان بود — بنیادش ازین شیوهٔ رندانه نهادیم

۵ در دل ندهم ره پس ازین مِهر بُتان را — مُهر لب او بر در این خانه نهادیم

۶ چون می‌رود این کشتی سرگشته که آخر — جان در سر آن گوهر یکدانه نهادیم

۷ المنّة للّه که چو ما بی دل و دین بود — آن را که خرد پرور و فرزانه نهادیم

۸ قانع به خیالی ز تو بودیم چو حافظ — یارب چه گداهمّت و بیگانه نهادیم

---

(۹) آن بوسه که زاهد ز پیِّش دست به ما داشت — از روی صفا بر لب پیمانه نهادیم

۷ نسخه : **یج طو کد خ مج نز صف**

ترتیب ابیات =

نسخه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	(۹)
کد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۰
طو :	۱	۲	۳	۵/۱ | ۶/۲	۴	۰	۶/۱ | ۵/۲	۷	۰
خ :	۱	۲	۳	۵	۴	۰	۶	۷	۰
مج :	۱	۲	۴	۵	۳	۷	۶	۸	۰
نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۰
صف :	۱	۲	۳	۶	۴	۷	۸	۹	۵

۱/۱ **یج طو کد** : ما حاصل خود. **یج طو کد نز** : در سر خمخانه. **خ** : در ره میخانه.

۱/۲ **صف** : اوقات دعا. ۲/۱ **طو** : عاقل و عالم.

۳/۱ **کد مج** : غم خویش. ۳/۲ **یج مج نز** : بدین منزل ویرانه.

۴/۲ **خ** : بنیاد ازین. **طو** : شیوهٔ مردانه.

۵/۲ **طو کد** : بر در میخانه. **مج نز** : بر در بتخانه.

۶/۱ **نز** : برگشته به آخر. **مج** : سرگشته به آخر. ۶/۲ **یج کد** : این گوهر.

۷/۲ **خ** : آن را که لقب عاقل و.

۸/۱ **کد** : قانع به خیال تو ز دوریم. ۸/۲ **طو** : چه گدا طبع و چه. **کد** : که چه کم همت و.

شمار دگرسانیها : کد = ۷ - طو = ۶ - یج مج نز = ۴ - خ = ۳ - صف = ۱ -

۳۳۰

۱ فتوی پیر مغان دارم و قولی ست قدیم — که حرام است می آنجاکه نه یار است ندیم

۲ چاک خواهم زدن این دلق ریائی، چه کنم — روح را صحبت ناجنس عذابی‌ست الیم

۳ تا مگر جُرعه فشاند لبِ جانان بر من — سالها شد که شدم بر در میخانه مقیم

۴ مگرش خدمت دیرین من از یاد برفت — ای نسیم سحری یاد دهش عهد قدیم

۵ بعد صد سال اگر بر سر خاکم گذری — سر بر آرد ز گلم رقص‌کنان عظم رمیم

۶ دلبر از ما به صد امّید ستد دل اوّل — ظاهرا عهد فرامش نکند خلق کریم

۷ غنچه گو تنگدل از کار فرو بسته مباش — کز دم صبح مدد یابی و انفاس نسیم

۸ فکر بهبود خود ای دل ز دری دیگر کن — درد عاشق نشود بِه به مُداوای حکیم

۹ گوهر معرفت اندوز که با خود ببری — که نصیب دگران است نصاب زر و سیم

۱۰ دام سخت است، مگر یار شود لطف خدا — ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم

۱۱ حافظ ار سیم و زرت نیست چه شد؟ شاکر باش — چه بِه از دولت لطف سخن و طبع سلیم

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج قب عد صف**

ترتیب ابیات = طو خ مج قب	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
یج	۱	۲	۳	۰	۰	۴	۵	۶	۷	۸	۹
عد	۱	۲	۳	۴/۱ | ۶/۲	۵	۶/۱ | ۴/۲	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
صف	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰	۶	۷	۸	۹

۱/۲ **یج** : که نه یار است و ندیم. **طو** : که نه یاری‌ست ندیم.

۳/۲ **یج قب عد** : سالها تا شده‌ام. **طو خ** : سالها شد که منم. **صف** : سالها زان شده‌ام.

۵/۱ **مج** : بعد صد سالم اگر بوی تو بر خاک وزد. **طو** : باد تو بر جان وزدم.

۶/۱ **خ** : ستد اوّل دل.

۶/۲ **یج** : فرامش نکند حق قدیم. **طو** : جان کریم.

۸/۱ **طو** : ز در دیگر کن.

۹/۱ **خ** : گوهر معرفت آموز.

۱۰/۱ **مج** : لطف خدای. **صف** : فضل خدا.

۱۰/۲ **طو** : صرفهٔ شیطان.

۱۱/۱ **طو** : ساکن باش. **عد** : گوهر نظم سخن و.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - یج خ = ۳ - مج عد صف = ۲ - قب = ۱ -

۳۳۱

۱ خیز تا خرقهٔ صوفی به خرابات بریم شطح و طامات به بازار خرافات بریم

۲ تا همه خلوتیان جام صبوحی گیرند چنگ صبحی به در پیر مناجات بریم

۳ ور نهد در ره ما خار ملامت زاهد از گلستانش به زندان مکافات بریم

۴ شرممان باد ز پشمینهٔ آلودهٔ خویش گر به این فضل و کرم نام کرامات بریم

۵ قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند بس خجالت که ازین حاصل اوقات بریم

۶ فتنه می‌بارد ازین سقف مقرنس برخیز تا به میخانه پناه از همه آفات بریم

۷ در بیابان هوا گم شدن آخر تا چند؟ ره بپرسیم مگر پی به مهمّات بریم

۸ با تو آن عهد که در وادی ایمن بستیم همچو موسی اَرِنی‌گوی به میقات بریم

۹ کوس ناموس تو از کنگرهٔ عرش زنیم علم عشق تو بر بام سماوات بریم

۱۰ خاک کوی تو به صحرای قیامت فردا همه بر فرق سر از بهر مباهات بریم

۱۱ حافظ آب رخ خود بر در هر سفله مریز حاجت آن بِه که برِ قاضی حاجات بریم

---

(۱۲) سوی رندان قلندر به ره آورد سفر دلق بسطامی و سجّادهٔ طامات بریم

۵ نسخه : یج خ مج نز فط

ترتیب ابیات =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	(۱۲)
یج :	۱	۲	۹	۷	۵	۶	۸	۰	۳	۴	۱۰	۰
خ :	۱	۳	۷	۸	۰	۹	۱۰	۴	۵	۶	۱۱	۲
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸	۹	۱۰	۰
نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۰	۷	۸	۹	۰
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۰	۸	۹	۱۰	۰

۱/۲ **یج** : دلق و طامات. **مج نز** : دفتر زرق. **فط** : دلق طامات.

۴/۲ **خ** : گر بدین. **فط** : که بدین. **خ فط** : فضل و هنر.

۵/۱ **مج نز** : نقد وقت. **یج** : کاری بکند.

۷/۱ **خ** : در بیابان فنا. **خ** : آخر تا کی.

۹/۱ **یج** : از کنگرهٔ هوش زنیم. **خ مج** : بر کنگرهٔ عرش.

۱۱/۱ **یج** : آب رخ خود در پی هر.

شمار دگرسانیها : خ = ۵- یج = ۴- مج‌فط = ۳- نز = ۲-

۳۳۲

۱ بگذار تا ز شارع میخانه بگذریم　　کز بهر جرعه‌ای همه محتاج این دریم

۲ روز نخست چون دم رندی زدیم و عشق　　شرط آن بود که جز ره این شیوه نسپریم

۳ جائی که تخت و مسند جم می‌رود به باد　　گر غم خوریم خوش نبود، به که می خوریم

۴ تا بو که دست در کمر او توان زدن　　در خون دل نشسته چو یاقوت احمریم

۵ واعظ مکن نصیحت شوریدگان که ما　　با خاک کوی دوست به فردوس ننگریم

۶ چون صوفیان به حالت و رقصند مقتدا　　ما نیز هم به شعبده دستی بر آوریم

۷ از جرعهٔ تو خاک زمین دُرّ و لعل یافت　　بیچاره ما که پیش تو از خاک کمتریم

۸ حافظ چو ره به کنگرهٔ کاخ وصل نیست　　با خاک آستانهٔ این در به سر بریم

۹ زان پیشتر که عمر گرانمایه بگذرد　　بگذار تا مقابل روی تو بگذریم

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج مط سد عد**

ترتیب ابیات									
= **مج مط** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰
طو خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
سد عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸

۱/۱ **طو** : به شارع.　　۱/۲ **طو** : محتاج آن دریم.

۲/۱ **طو** : چون در رندی.

۲/۲ **یج** : که جز [ ] این شیوه نسپریم. **طو خ** : آن شیوه.

۳/۱ **طو** : جائی که تحت و مسند جم می‌رود یاد.

۴/۱ **طو** : تا بوک.

۵/۱ **یج** : شوریدگان ازانک.

۵/۲ **یج** : ما خاک. **عد** : از خاک. **یج** : به فردوس نشمریم.

۶/۱ **طو** : به حالت رقصند مبتلا. **مج** : به حالت و وجدند. **مط سد** : به حالت رقصند مقتدا.

۷/۱ **طو** : از جرعه‌ای که. **یج** : قدر لعل یافت.

۸/۲ **طو** : آن در به سر بریم.

شمار دگرسانیها : طو = ۹ - یج = ۵ - خ مج مط سد عد = ۱ -

۱ بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

۲ اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی بهم سازیم و بنیادش بر اندازیم

۳ شراب ارغوانی را گلاب اندر قدح ریزیم
نسیم عطر گردان را شکر در مجمر اندازیم

۴ چو در دست است رودی خوش بگو مطرب سرودی خوش
که دست‌افشان غزل خوانیم و پاکوبان سر اندازیم

۵ صبا خاک وجود ما به آن عالیجناب انداز
بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم

۶ یکی از عقل می‌لافد یکی طامات می‌بافد
بیا کین داوریها را به پیش داور اندازیم

۷ بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما به میخانه
که از پای خُمت روزی به حوض کوثر اندازیم

۸ سخندانیّ و خوشخوانی نمی‌ورزند در شیراز
بیا حافظ که تا خود را به ملکی دیگر اندازیم

---

۶ نسخه : **یج طو خ فط صف حة**

ترتیب ابیات متن برابر است با: طو خ صف حة

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
فط :	۱	۲	۳	۵	۷	۶	۴	۸

۱/۲ **طو** : طرح نو دراندازیم.

۲/۲ **یج طو** : بدو تازیم و. **خ فط** : بهم تازیم و.

۴/۱ **خ** : بزن مطرب.

۵/۱ **خ صف** : بدان عالیجناب.

۷/۲ **حة** : خمت یکسر.

۸/۱ **طو** : سخنگوئی و.

۸/۲ **طو فط صف** : به ملک دیگر اندازیم.

شمار دگرسانیها : طو=۴- خ=۳- فط صف=۲- یج حة=۱-

۳۳۴

۱ صوفی بیا که جامهٔ سالوس بر کشیم / وین نقش زرق را خط بطلان به سر کشیم

۲ نذر و فتوح صومعه در وجه می نهیم / دلق ریا به آب خرابات بر کشیم

۳ سرّ قضا که در تتق غیب منزوی‌ست / مستانه‌اش نقاب ز رخسار بر کشیم

۴ بیرون جهیم سر خوش و از بزم مدّعی / غارت کنیم باده و شاهد بدر کشیم

۵ کام از جهان بران که ببخشد خدا گناه / روزی که رخت جان به جهانی دگر کشیم

۶ کو عشوه‌ای ز ابروی او تا چو ماه نو / گوی سپهر در خَم چوگان زر کشیم

۷ فردا اگر نه روضهٔ رضوان به ما دهند / غلمان ز غرفه، حور ز جنّت بدر کشیم

۸ حافظ نه حدّ ماست چنین لافها زدن / پای از گلیم خویش چرا بیشتر کشیم؟

---

۶ نسخه: **یج طو خ مج فط صد**

ترتیب ابیات = **یج** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۰	۷
خ :	۱	۲	۶	۴	۵	۷	۳	۸
مج :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۰	۷
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷
صد :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷

۱/۱ **طو خ** : خرقهٔ سالوس برکشیم. ۱/۲ **طو** : این نقش زرق را.

۲/۱ **یج فط** : نذر فتوح صومعه.

۳/۱ **طو خ مج** : سرّ خدا. ۳/۲ **طو مج** : ز رخسار درکشیم.

۴/۱ **یج فط** : از بزم عارفان. **طو** : بزم عاشقان. **خ** : بزم صوفیان.

۴/۲ **طو** : غارت کنیم و باده و شاهد. **خ** : شاهد به بر کشیم.

۵/۱ **خ** : عشرت کنیم ور نه به حسرت کشندمان.

مج : کاری کنیم ورنه ندامت برآورد.

۵/۲ **طو** : به جهان دگر. **فط** : به سرای دگر.

۶/۱ **خ** : کو جلوه‌ای. **طو** : ز چهرهٔ او.

۷/۲ **خ** : غلمان ز روضه.

۸/۲ **صد** : پا ازگلیم خویش.

شمار دگرسانیها : طو = ۸ - خ = ۷ - مج فط = ۳ - یج = ۲ - صد = ۱ -

۱ دوستان وقت گل آن به که به عشرت کوشیم　　سخن اهل دل است این و به جان بنیوشیم

۲ نیست در کس کرم و وقت طرب می‌گذرد　　چاره آن است که سجّاده به می بفروشیم

۳ خوش هوائی‌ست فرحبخش خدایا بفرست　　نازنینی که به رویش می گلگون نوشیم

۴ ارغنون ساز فلک رهزن اهل هنر است　　چون ازین غصّه ننالیم و چرا نخروشیم ؟

۵ گل به جوش آمد و از می نزدیمش آبی　　لاجرم ز آتش حرمان و هوس می‌جوشیم

۶ می‌کشیم از قدح لاله شراب موهوم　　چشم بد دور که بی‌مطرب و می مدهوشیم

۷ حافظ این حال عجب باکه توان گفت که ما　　بلبلانیم که در موسم گل خاموشیم

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج عد فط صد تغ**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۶ نسخهٔ فوق (سوای طو خ)

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو	:	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷
خ	:	-	۱	۲	۳	۴	۵	۶

۱/۲ **فط** : سخن پیر مغان است و.　**مج عد تغ** : سخن اهل دل این است و.

۳/۲ **یج** : ناز بینی که به رویش.

۴/۱ **مج** : دشمن اهل هنر.

۵/۲ **عد** : زاتش حرمان هوس.

۶/۱ **طو** : می‌کشم از قدح.　**خ فط** : شرابی موهوم.

۶/۲ **طو** : که ای مطرب و می مدهوشیم.

شمار دگرسانیها : طو مج عد فط = ۲ - یج خ تغ = ۱ - صد = ۰ -

۳۳۶

۱ ما بر آریم شبی دست و دعائی بکنیم — غم هجران تو را چاره ز جائی بکنیم
۲ دل بیمار شد از دست، رفیقان مددی — تا طبیبش به سر آریم و دوائی بکنیم
۳ خشک شد بیخ طرب، راه خرابات کجاست؟ — تا در ان آب و هوا نشو و نمائی بکنیم
۴ آنکه بی جرم برنجید و به تیغم زد و رفت — بازش آرید خدا را که صفائی بکنیم
۵ در ره نفس کزو سینهٔ ما بتکده شد — تیر آهی بگشائیم و غزائی بکنیم
۶ مدد از خاطر رندان طلب ای دل، ورنه — کار صعب است مبادا که خطائی بکنیم
۷ سایهٔ طایر کم حوصله کاری نکند — طلب سایهٔ میمون همائی بکنیم
۸ دلم از پرده بشد، حافظ خوش‌لهجه کجاست — تا به قول و غزلش ساز و نوائی بکنیم

۶ نسخه : **یج طو خ سو عد فط**

ترتیب ابیات								
یج عد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو خ فط	۱	۲	۴	۳	۰	۵	۶	۷
سو	۱	۲	۶	۳	۵	۴	۷	۸

۱/۱ **طو خ** : ما شبی دست برآریم و.
۲/۲ **طو** : تا طبیبی به سر آریم و.
۳/۲ **یج** : تا بدان آب و هوا.
۵/۱ **فط** : کزو خانهٔ ما.
۶/۱ **یج** : ای دل ور نی. ۶/۲ **یج طو** : کار سخت است.
۷/۲ **طو خ** : طلب از سایهٔ. **عد** : سیمرغ و همائی بکنیم.
۸/۱ **سو** : دلم از دست بشد. **طو خ** : حافظ خوشگوی.
۸/۲ **یج طو** : تا به قول غزلش. **خ** : ساز نوائی بکنیم.
شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج خ = ۴ - سو عد فط = ۱ -

۳۳۷

۱ ما نگوئیم بد و میل به ناحق نکنیم | جامهٔ کس سیه و دلق خود ازرق نکنیم
۲ عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است | کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم
۳ خوش برانیم جهان در نظر راهروان | فکر اسب سیه و زین مغرّق نکنیم
۴ رقم مغلطه بر دفتر دانش نزنیم | سرّ حق بر ورق شعبده ملحق نکنیم
۵ شاه اگر جرعهٔ رندان نه به حرمت نوشد | التفاتش به می صاف مروّق نکنیم
۶ آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند | تکیه آن بِه که برین بحر معلّق نکنیم
۷ گر بدی گفت حسودیّ و رفیقی رنجید | گو تو خوش باش که ما گوش به احمق نکنیم
۸ حافظ ار خصم خطا گفت نگیریم بر او | ور به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم

---

۶ نسخه : **یج طو خ** **مج نه فط**

ترتیب ابیات =

مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج :	۱	۳	۰	۲	۵	۴	۶	۷
طو فط :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷
خ :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۸
نه :	۱	۲	۷	۳	۴	۵	۶	۸

۱/۲ **یج طو مج** : خانهٔ کس. **خ** : دلق کس ازرق نکنیم.

۴/۱ **یج فط** : دانش نکشیم.

۴/۲ **مج فط** : با ورق شعبده.

۵/۱ **مج** : زاهد ار منع من از باده کند آن بهتر.

۵/۲ **مج** : کالتفاتش.

۷/۱ **یج طو** : هجو اگر گفت.

۸/۱ **خ** : نگیریم بدو.

شمار دگرسانیها : مج = ۴ - یج = ۳ - طو خ فط = ۲ - نه = ۰ -

۳۳۸

۱ سرم خوش است و به بانگ بلند می‌گویم — که من نسیم حیات از پیاله می‌بویم

۲ عبوسِ زهد به وجه خمار ننشیند — مرید خرقهٔ دردی‌کشان خوشخویم

۳ گرم نه پیر مغان در به روی بگشاید — کدام در بزنم؟ چاره از کجا جویم؟

۴ مکن درین چمنم سرزنش به خودروئی — چنانکه پرورشم می‌دهند می‌رویم

۵ تو خانقاه و خرابات در میانه مبین — خدا گواه که هر جا که هست با اویم

۶ غبار راه طلب کیمیای بهروزی‌ست — غلام دولت آن خاک عنبرین بویم

۷ ز شوق نرگس مست بلند بالائی — چو لاله با قدح افتاده بر لب جویم

۸ شدم فسانه به سرگشتگیّ و ابروی دوست — کشید در خَم چوگان خویش چون گویم

۹ بیار می که به فتوای حافظ از دل پاک — غبار زرق به فیض قدح فرو شویم

۷ نسخه : **یج طو خ مج ند نز صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با : یج مج ند نز.

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو	:	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۰	۷
خ	:	۱	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۳	۹
صف	:	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۶	۷	۹

۱/۲ **طو خ نز صف** : از پیاله می‌جویم.

۲/۱ **مج** : عبوس و زهد. **خ** : ننشیند (حرف اول یا حرف دوم بی‌نقطه است).

۴/۲ **طو** : پرورشم می‌کنند. ۵/۲ **طو** : خداگواست.

۶/۱ **طو صف** : غبار خاک طلب. **طو** : کیمیای سروری است.

۶/۲ **یج مج ند نز** : این خاک.

۷/۲ **ند** : در قدح افتاده.

۸/۱ **یج مج** : شدم نشانه. **یج** : به سرگشتگی ابروی دوست.

۹/۱ **طو** : بیار باده به فتوی.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج مج = ۳ - خ ند نز صف = ۲ -

۱ بارها گفته‌ام و بار دگر می‌گویم — که من گم‌شده این ره نه بخود می‌پویم
۲ در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند — آنچه استاد ازل گفت بگو می‌گویم
۳ من اگر خارم و گر گل چمن‌آرائی هست — که ازان دست که می‌پروردم می‌رویم
۴ دوستان عیب من بیدل حیران مکنید — گوهری دارم و صاحب‌نظری می‌جویم
۵ گرچه با دلق ملمّع می گلگون عیب است — مکنم عیب کزو رنگ ریا می‌شویم
۶ خنده و گریهٔ عشّاق ز جائی دگر است — می‌سرایم به شب و وقت سحر می‌مویم
۷ حافظم گفت که خاک در میخانه مبوی — گو مکن سهو که من مشک ختن می‌بویم

۶ نسخه : **طو خ مج نز عد تغ**

ترتیب نسخه‌های متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۲ **خ مج** : که من دلشده.

۳/۱ **طو** : اگر خارم اگر گل.

۳/۲ **طو خ** : که او می‌کشدم. **نز** : که برمی‌کشدم.

۶/۱ **مج نز** : گریه و خندهٔ عشاق. **طو** : ز حالی دگر است.

۶/۲ **طو** : می‌سرایم شب و در وقت سحر می‌مویم.

۷/۲ **خ عد تغ** : گومکن عیب. **طو** : تو مکن عیب.

شمار دگرسانیها : طو=۵- خ=۳- مج نز=۲- عد تغ=۱-

۱ می‌سوزم از فراقت روی از جفا بگردان — هجران بلای ما شد یارب بلا بگردان
۲ مه جلوه می‌نماید بر سبز خنگ گردون — تا او به سر در آید بر رَخش پا بگردان
۳ یغمای عقل و دین را بیرون خرام سرمست — بر سر کلاه بشکن، در بر قبا بگردان
۴ مرغول را برافشان، یعنی به رَغم سُنبل — گَرد بُخور عنبر گِرد صبا بگردان
۵ ای نور چشم مستان در عین انتظارم — چنگی حزین و جامی بنواز یا بگردان
۶ دوران چو می‌نویسد بر عارضت خطی خوش — یارب نوشتهٔ بد از یار ما بگردان
۷ حافظ ز خوبرویان بختت جز اینقدر نیست — گر نیستت رضائی حکم قضا بگردان

---

۶ نسخه : **یج خ مج نز فط حک**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (سوای خ)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خ :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷

۱/۲ **مج** : بلای جان شد.

۳/۱ **یج** : بیرون خرام یک شب. **فط** : بیرون خرام یعنی. **مج** : امشب.

۳/۲ **خ** : در سر کلاه بشکن.

۴/۱ **خ** : مرغول را بگردان. **فط** : به رسم سنبل.

۴/۲ **یج مج حک** : گرد بخور و عنبر. **خ** : گرد چمن بخوری همچون صبا بگردان.

۵/۱ **نز فط** : در عین انتظاریم.

۵/۲ **خ** : چنگ حزین.

۶/۱ **خ** : دوران همی‌نویسد. **خ فط** : بر عارضش خطی خوش.

شمار دگرسانیها : خ = ۶ - فط = ۴ - مج = ۳ - یج = ۲ - نز حک = ۱ -

(نسخهٔ طو با یازده اختلاف حذف شد.)

۱ یارب آن آهوی مشکین به ختن باز رسان — وان سهی سرو روان را به چمن باز رسان

۲ بخت پژمردهٔ ما را به نسیمی بنواز — یعنی آن جان ز تن رفته به تن باز رسان

۳ ماه و خورشید به منزل چو به امر تو رسند — یار مهروی مرا نیز به من باز رسان

۴ دیده‌ها در طلب لعل یمانی خون شد — یارب آن کوکب رخشان به یمن باز رسان

۵ سخن این است که ما بی تو نخواهیم حیات — بشنو ای پیک خبرگیر و سخن باز رسان

۶ دیدی ای طایر میمون که هُمای آزردند — پیش عنقا سخن زاغ و زغن باز رسان

۷ آنکه بودی وطنش دیدهٔ حافظ یارب — به مرادش ز غریبی به وطن باز رسان

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز فط صف**

ترتیب ابیات =

مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج خ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶
صف :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷

۱/۲ **یج** : سرو قدم را. **طو خ فط** : سرو خرامان.

۲/۱ **طو خ صف** : دل آزردهٔ ما را.

۳/۱ **یج** : چو به امر تو رسید. **طو** : چو به بام تو رسند. **نز** : چو به امر و تو رسند.

۴/۱ **یج فط** : سنگ و گل گشت عقیق از گذر گریهٔ من (فط = از گهر گریهٔ من).

۴/۲ **یج** : آن کوکب میمون.

۵/۱ **یج** : نخواهیم نشست.

۶/۱ **خ** : دیدی آن طایر میمون. **یج** : دیدی آن [ ] میمون که همای آئین است.
طو : که همای آزرده است. **خ** : همایون آثار. **صف** : همایون طلعت.

۶/۲ **نز** : پیش عنقا بسخن زارغ و زغن.

۷/۱ **یج** : وطنش سینهٔ حافظ.

شمار دگرسانیها : یج = ۷ - طو خ = ۴ - نز فط صف ۲ = - مج = ۰ -

۳۴۲

۱ شاه شمشاد قدان، خسرو شیرین دهنان — که به مژگان شکند قلب همه صف شکنان

۲ مست بگذشت و نظر بر من درویش انداخت — گفت کای چشم و چراغ همه شیرین سخنان

۳ تاکی از سیم و زرت کیسه تهی خواهد بود؟ — بندهٔ من شو و بر خور ز همه سیم‌تنان

۴ کمتر از ذرّه نئی پست مشو، مهر بورز — تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ زنان

۵ بر جهان تکیه مکن ور قدحی می داری — شادی زهره جبینان خور و نازک بدنان

۶ پیر پیمانه کش من که روانش خوش باد — گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان

۷ دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل — مرد یزدان شو و ایمن گذر از اهرمنان

۸ با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم — که شهیدان که‌اند اینهمه خونین کفنان؟

۹ گفت: حافظ، من و تو محرم این راز نئیم — از می لعل حکایت کن و شیرین دهنان

---

۸ نسخه : **یج طو خ مط نط فخ فط صف**

ترتیب ابیات =									
نط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج طو مط فط صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۹	۷	۸
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۹
فخ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸

۲/۲ **خ صف** : گفت ای. ۳/۲ **طو نط** : برخور ز همه سیمبران.

۴/۱ **طو** : کمتر از ذرهٔ سرمست مشو. **یج نط** : پست شو و مهر بورز.

۴/۲ **طو مط** : تا به عشرتگه خورشید. **فط** : تا به سرچشمهٔ خورشید. **طو**: روی چرخ زنان.

۵/۱ **فخ** : ور قدح می داری. ۵/۲ **خ** : خور و شیرین دهنان.

۷/۱ **نط** : به چنگ آر و.

۷/۲ **یج** : ره یزدان شو و. **نط** : فرد یزدان شو و. **خ مط** : فارغ گذر.

۸/۱ **یج** : درد دل لاله سحر می‌گفتم. ۸/۲ **طو** : که شهیدان کیند.

۹/۱ **طو** : واقف این راز. ۹/۲ **یج** : کفایت کن و. **صف** : سیمین ذقنان.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج نط = ۴ - خ = ۳ - مط صف = ۲ - فخ فط = ۱

۳۴۳

۱ **فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان — لب بگشا که می‌دهد لعل لبت به خسته جان**

۲ **آنکه به پرسش آمد و فاتحه خواند و می‌رود — گو نفسی، که روح را می‌کنم از پیَش روان**

۳ **ای که طبیب خسته‌ای روی زبان من ببین — کین دم و دود سینه را بار دل است بر زبان**

۴ **گرچه تب استخوان من کرد ز مهر گرم و رفت — همچو تبم نمی‌رود آتش مهر از استخوان**

۵ **حال، دلم چو خال تو هست بر آتشش وطن — جسمم ازان چو چشم تو خسته شده است و ناتوان**

۶ **باز نشان حرارتم زآب دو دیده و ببین — نبض مرا، که می‌دهد هیچ ز زندگی نشان؟**

۷ **آنکه مدام شیشه‌ام از پی عیش داده است — شیشه‌ام از چه می‌برد پیش طبیب هر زمان**

۸ **حافظ از آب زندگی شعر تو داد شربتم — ترک طبیب کن بیا، نسخهٔ شربتم بخوان**

---

۶ نسخه : **حیـ طو خ مج نز قبـ**

ترتیب ابیات متن برابر است با : طو خ مج نز

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
حیـ :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
قبـ :	۱	۲	۳	۷	۵	۴	۶	۸

۱/۱ **قبـ**: فاتحه‌ای جو بگذری. **طو** : بر سر کشته‌ای.

۱/۲ **خ** : لبت به مرده جان. **مج نز** : به کشته جان.

۲/۱ **حیـ** : فاتحه خواند و زود رفت. **قبـ** : فاتحه‌ای نخواند و رفت.

۳/۲ **خ** : سینه‌ام.

۴/۱ **طو** : گرچه بر استخوان من. **طو** : کرد ز مهر و گرم رفت.

۵/۱ **طو** : ز حال تو. **خ** : ز خال تو. **خ مج** : در آتشش وطن.

۵/۲ **طو** : چشم ازان. **خ نز** : چشمم ازان. **طو خ** : دو چشم تو.

۷/۱ **حیـ** : از می عیش. **قبـ** : از می عشق.

۸/۲ **حیـ** : ترک طبیب کن بتا.

شمار دگرسانیها : طو خ = ۶ - حیـ قبـ = ۳ - مج نز = ۲ -

۱ خوشتر از فکر می و جام چه خواهد بودن — تا ببینم که سرانجام چه خواهد بودن

۲ غم دل چند توان خورد که ایّام نماند — گو نه دل باش و نه ایّام چه خواهد بودن

۳ مرغ کم حوصله راگو غم خود خور که بر او — رحم آنکس که نهد دام چه خواهد بودن

۴ باده خور، غم مخور و پند مقلّد منیوش — اعتبار سخن عام چه خواهد بودن

۵ دسترنج تو همان به که شود صرف به کام — دانی آخر که به ناکام چه خواهد بودن

۶ پیر میخانه همی خواند معمّائی دوش — از خط جام که فرجام چه خواهد بودن

۷ بردم از ره دل حافظ به می و چنگ و غزل — تا جزای من بدنام چه خواهد بودن

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نه فخ فط**

ترتیب ابیات = **طو خ مج** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج فخ فط :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷
نه :	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۷

۱/۲ **طو** : تا ببینیم.

۲/۲ **یج طو** : گو مه دل باش و مه ایام.

۳/۱ **طو** : غم خود خور و برو. **نه** : گو غم جان خور که بر او. **فخ** : که کنون.

۳/۲ **طو** : زخم آنکس.

۴/۱ **فط** : پند مقلد مشنو.

۶/۲ **طو** : از خط خاکی و فرجام.

۷/۱ **یج مج** : بردم از ره سر حافظ. **یج خ فط** : به دف و چنگ و غزل.

۷/۲ **مج** : تا سزای من بدنام.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - یج = ۳ - مج فط = ۲ - خ نه فخ = ۱ -

۱ دانی که چیست دولت؟ دیدار یار دیدن — در کوی او گدائی بر خسروی گزیدن

۲ از جان طمع بریدن آسان بود ولیکن — از دوستان جانی مشکل توان بُریدن

۳ خواهم شدن به بستان چون غنچه بادل تنگ — وانجا به نیکنامی پیراهنی دریدن

۴ گه چون نسیم با گل راز نهفته گفتن — گه سرّ عشقبازی از بلبلان شنیدن

۵ بوسیدن لب یار اوّل ز دست مگذار — کآخر ملول گردی از دست و لب گَزیدن

۶ فرصت شمار صحبت کز این دو راهه منزل — چون بگذریم دیگر نتوان بهم رسیدن

۷ گوئی برفت حافظ از یاد شاه منصور — یارب به یادش آور درویش پروریدن

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج مط نز سو صد**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۷ نسخهٔ فوق (بجز صد).

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	
صد :	۱	۲	۳و۴	۵	۶	۷	۸	

۱/۱ **طو** : دانی که چیست [ ] دیدار یار دیدن.

۱/۲ **طو** : بر خسروی خریدن.

۲/۱ **طو** : آسان توان ولیکن.

۳/۱ **سو** : چون غنچه با دلی تنگ.

۷/۱ **صد** : گوئی که رفت. **طو خ** : از یاد شاه یحیی.

شمار دگرسانیها : طو = ۴ - خ سو صد = ۱ - یج مج مط نز = ۰ -

۳۴۶

۱ منم که شهرهٔ شهرم به عشق ورزیدن — منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن

۲ به می‌پرستی ازان نقش خود بر آب زدم — که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن

۳ وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم — که در طریقت ما کافری‌ست رنجیدن

۴ به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات ؟ — بخواست جام می و گفت: راز پوشیدن

۵ ز خطّ یار بیاموز مهر با رخ خوب — که گرد عارض خوبان خوش است گردیدن

۶ مراد ما ز تماشای باغ عالم چیست ؟ — به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن

۷ عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس — که وعظ بی‌عملان واجب است نشنیدن

۸ به رحمت سر زلف تو واثقم ورنه — کشش چو نبود از آنسو چه سود کوشیدن

۹ مبوس جز لب معشوق و جام می حافظ — که دست زهدفروشان خطاست بوسیدن

---

۷ نسخه : یج طو خ سز عز فط صف

ترتیب ابیات =

فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	٠	۶	٠	۷
طو :	۱	۵	۲	۳	٠	۴	٠	۶	۷
خ :	۱	۵	۲	۳	۸	۴	۷	۶	۹
سز :	۱	۵	۲	۳	۷	۴	۸	۶	۹
عز صف :	۱	۳	۲	۴	۸	۶	۵	۷	۹

۱/۲ **طو** : منم که دیده فرو بسته‌ام ز بد دیدن.

۲/۱ **طو خ** : زدم بر آب.

۳/۲ **طو فط** : در شریعت ما.

۴/۲ **طو خ فط** : گفت عیب پوشیدن.

۶/۱ **طو خ** : مراد دل. **طو خ عز** : ز تمنای باغ عالم.

۷/۱ **یج** : به طوف میکده. **یج** : خواهیم رفت. **یج** : ازین مجلس.

۸/۱ **طو صف** : واثقم ور نی. **سز عز** : واثقم لیکن.

۹/۱ **خ** : مبوس جز لب ساقی و.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - خ = ۵ - یج = ۳ - عز فط = ۲ - سز صف = ۱ -

۱ صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن — دوْر فلک درنگ ندارد شتاب کن
۲ زان پیشتر که عالم فانی شود خراب — ما را ز جام بادهٔ گلگون خراب کن
۳ خورشید می ز مشرق ساغر طلوع کرد — گر برگ عیش می‌طلبی ترک خواب کن
۴ روزی که چرخ از گل ما کوزه‌ها کند — زنهار کاسهٔ سر ما پر شراب کن
۵ ما مرد زهد و توبه و طامات نیستیم — با ما به جام پُر دل صافی خطاب کن
۶ کار صواب باده‌پرستی ست حافظا — برخیز و روی عزم به کار صواب کن

---

۷ نسخه : یج حی که خ عد عز صف

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶

۲/۲ که : ما را به یاد بادهٔ گلگون.

۵/۲ خ عز صف : به جام بادهٔ صافی. که : به جام پردل ساقی.

۶/۲ که : برخیز و زود عزم. خ : برخیز و عزم جزم.

شمار دگرسانیها : که = ۳ - خ = ۲ - عز صف = ۱ - یج حی عد = ۰ -

۱ گلبرگ را ز سنبل مشکین نقاب کن — یعنی نقاب درکش و عالم خراب کن
۲ بفشان عرق ز چهره و اطراف باغ را — چون شیشه‌های دیدهٔ ما پر گلاب کن
۳ بگشا به شیوه نرگس پر خواب مست را — وز رشک چشم نرگس رعنا به خواب کن
۴ ایّام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد — ساقی به دوْر بادهٔ گلگون شتاب کن
۵ بوی بنفشه بشنو و زلف نگار گیر — بنگر به رنگ لاله و عزم شراب کن
۶ همچون حباب دیده به روی قدح گشای — وین خانه را قیاس اساس از حباب کن
۷ زانجا که رسم و عادت عاشق‌کشیّ توست — با دشمنان قدح‌کش و با ما عتاب کن
۸ حافظ وصال می‌طلبد از ره دعا — یارب دعای خسته‌دلان مستجاب کن

۷ نسخه : **یج طو خ مج مط نز فخ**

ترتیب ابیات =									
مج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج	:	۱	۳	۲	۴	۵	۷	۰	۶
طو	:	۱	۰	۳	۲	۴	۰	۰	۵
خ	:	۱	۲	۴	۳	۵	۷	۶	۸
مط	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
نز	:	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۸
فخ	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷

۱/۲ **مج** : وانگه. **یج خ** : که رخ بپوش و. **نز** : نقاب برکش و.
یج خ : جهانی خراب کن.
۳/۱ **یج طو** : نرگس پرخواب خویش را.
۳/۲ **طو** : وز شیوه.
۶/۱ **فخ** : قدح‌گشا.
۶/۲ **یج** : قیاس خراب. **مج** : اساس حباب کن.
۷/۱ **مط** : زانجا که پرده‌داری لطف عمیم توست.
شمار دگرسانیها : یج = ۴ - طو خ مج = ۲ - مط نز فخ = ۱ -

۳۴۹

۱ ز در درآی و شبستان ما منّور کن　　هوای مجلس روحانیان معطّر کن

۲ به چشم و ابروی جانان سپرده‌ام دل و جان　　بیا بیا و تماشای طاق و منظر کن

۳ ستارهٔ شب هجران نمی‌فشاند نور　　به بام قصر بر آی و چراغ مه بر کن

۴ بگو به خازن جنّت که خاک این مجلس　　به تحفه بر سوی فردوس و عود مجمر کن

۵ فضول نفس حکایت بسی کند، ساقی　　تو کار خود مده از دست و می به ساغر کن

۶ وگر فقیه نصیحت کند که عشق مباز　　پیاله‌ای بدهش گو: دماغ را تر کن

۷ چو شاهدان چمن زیر دست حسن تواند　　کرشمه بر سمن و جلوه بر صنوبر کن

۸ ازین مزوّجه و خرقه نیک در تنگم　　به یک کرشمهٔ صوفی کشم قلندر کن

۹ پس از ملازمت عیش و عشق مهرویان　　ز کارها که کنی شعر حافظ از بر کن

(۱۰) ز خاک مجلس ما ای نسیم باغ بهشت　　ببر شمامه به فردوس و عود مجمر کن

(۱۱) حجاب دیدهٔ ادراک شد شعاع جمال　　بیا و خرگه خورشید را منوّر کن

(۱۲) طمع به قند وصال تو حدّ ما نبود　　حوالتم به لب لعل همچو شکّر کن

(۱۳) لب پیاله ببوس آنگهی به مستان ده　　بدین دقیقه دماغ معاشران تر کن

۶ نسخه : یج طو خ نز سو عد

ترتیب ابیات =

یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۰	۰	۰
طو :	۱	۳	۴	۵	۰	۲	۰	۶	۷	۰	۰	۰	۰
خ :	۱	۳	۴	۵	۸	۲	۷	۶	۱۲	۰	۹	۱۰	۱۱
نز :	۱	۲	۵	۰	۶	۷	۹	۸	۱۰	۳	۴	۰	۰
سو :	۱	۴	۵	۳	۶	۷	۱۰	۱۱	۱۳	۰	۲	۸	۹
عد :	۱	۲	۳	۰	۷	۸	۶	۹	۱۰	۴	۵	۰	۰

(ستون‌های پایانی: (۱۰) (۱۱) (۱۲) (۱۳))

۱/۱ **طو خ سو عد** : ز در در آو.　۱/۲ **سو** : دماغ مجلس. **طو** : هوای گلشن.　۲/۱ **سو** : ابروی ساقی. **یج** : سپرده‌ام دل و جان. **طو** : سپرده‌ام دل را.　۲/۲ **یج** : بیا شها و. **طو** : تماشای باغ و منظر کن.
۳/۱ **طو** : ستارهٔ شب هجران همی فشاند نور.　۳/۲ **طو خ عد** : به بام قصر بر آو. **خ** : چراغ ره برکن.
۴/۱ **طو** : بگو به حازن میخانه خاک آن مجلس.　۶/۱ **طو خ** : اگر فقیه.　۶/۲ **نز** : به یک دو جام بیاپی دماغ را ترکن.　۷/۱ **عد** : زیر دست حکم تواند.　۷/۲ **یج** : کرشمه در سمن و. **یج** : جلوه در صنوبر کن.
۸/۲ **خ عد** : کرشمهٔ صوفی وشم. **یج** : مدبر کن.　(۱۰/۱) **نز** : ای نسیم باد بهشت.
(۱۲/۱) **سو** : طمع به نقد وصال.　(۱۳/۲) **خ** : دماع مباشران ترکن.
شمار دگرسانیها : طو = ۸ - خ = ۶ - یج = ۵ - سو عد = ۴ - نز = ۲ -

۳۵۰

۱ ای نور چشم من سخنی هست گوش کن — چون ساغرت پُر است بنوشان و نوش کن

۲ پیران سخن ز تجربه گویند و گفتمت — هان ای پسر که پیر شوی، پند گوش کن

۳ بر هوشمند سلسله ننهاد دست عشق — خواهی که زلف یار کشی ترک هوش کن

۴ تسبیح و خرقه لذّت مستی نبخشدت — همّت درین عمل طلب از می فروش کن

۵ با دوستان مضایقه در عمر و مال نیست — صد جان فدای یار نصیحت نیوش کن

۶ در راه عشق وسوسهٔ اهرمن بسی‌ست — هش دار و گوش دل به پیام سروش کن

۷ برگ نوا تبه شد و ساز طرب نماند — ای چنگ ناله برکش و ای دف خروش کن

۸ ساقی، که جامت از می صافی تهی مباد — چشم عنایتی به من دُرد نوش کن

۹ سرمست در قبای زرافشان چو بگذری — یک بوسه نذر حافظ پشمینه پوش کن

۹ نسخه : یج طو خ مج مط نه نز سد عد

متن = مط نه سد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۶	۵	۰	۷
طو :	۱	۰	۰	۴	۰	۲	۳	۵	۶
خ :	۱	۵	۶	۴	۷	۲	۳	۸	۹
مج نز عد :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸

۱/۱ **یج** : هست وگوش کن.

۲/۱ **خ مج عد** : گویند گفتمت.

۳/۱ **یج** : سلسله بنهاد. **نز** : بند عشق.

۶/۲ **یج خ** : پیش آی و. **طو** : پیش آ و. **عد** : به پیام و سروش کن.

۷/۱ **طو مج نز** : برگ و نوا.

شمار دگرسانیها : یج = ۳ - طو خ مج نز عد = ۲ - مط نه سد = ۰ -

۳۵۱

۱ **کرشمه‌ای کن و بازار ساحری بشکن — به غمزه رونق ناموس سامری بشکن**

۲ **به باد ده سر و دستار عالمی، یعنی — کلاه گوشه به آئین دلبری بشکن**

۳ **به زلف گو که ره و رسم سرکشی بگذار — به غمزه گو که سپاه ستمگری بشکن**

۴ **برون خرام و ببر گوی خوبی از همه کس — سزای حور بده، رونق پری بشکن**

۵ **به آهوان نظر شیر آفتاب بگیر — به ابروان دو تا قوس مشتری بشکن**

۶ **چو عطرسای شود زلف سنبل از دم باد — تو قیمتش به سر زلف عنبری بشکن**

۷ **چو عندلیب فصاحت فروشد، ای حافظ — تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن**

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز صد حة**

متن = **یج خ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶/۱	۰ ۰ ۶/۲
مج نز صد :	۱	۴	۲	۵	۳	۶	۷
حة :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۱/۲ **یج** : رونق بازار. **خ مج صد حة** : رونق و ناموس.

۲/۱ **یج** : به باده ده. ۲/۲ **خ** : به آئین سروری.

۳/۱ **یج طو خ** : به زلف گوی. **یج** : که آئین سرکشی. **طو خ** : که آئین دلبری.

۳/۲ **مج نز صد** : به طرّه. **یج طو خ** : گوی که قلب ستمگری.

۴/۲ **حة** : سزای خور بده و.

۵/۱ **خ** : به آهویان نظر.

۵/۲ **نز** : به ابرویان دوتا. **یج** : قوس و مشتری بشکن.

۶/۱ **یج** : زلف عنبر از دم باد.

۷/۲ **یج** : تو رونقش. **طو** : تو قیمتش.

شمار دگرسانیها : یج =۸- خ =۶- طو =۴- مج نز صد حة =۲-

۳۵۲

۱ بالا بلند عشوه‌گر نقش‌باز من	کوتاه کرد قصّهٔ زهد دراز من
۲ دیدی دلا که آخر پیریّ و زهد و علم	با من چه کرد دیدهٔ معشوقه‌باز من
۳ گفتم به دلق زرق بپوشم نشان عشق	غمّاز بود اشک و عیان کرد راز من
۴ مست است یار و یاد حریفان نمی‌کند	ذکرش به خیر ساقی مسکین‌نواز من
۵ یارب کی آن صبا بوزد کز نسیم او	گردد شمامهٔ کرمش کارساز من
۶ نقشی بر آب می‌زنم از گریه حالیا	تا کی شود قرین حقیقت مجاز من
۷ می‌ترسم از خرابی ایمان که می‌برد	محراب ابروی تو حضور نماز من
۸ بر خود چو شمع خنده‌زنان گریه می‌کنم	تا با تو سنگدل چه کند سوز و ساز من
۹ زاهد چو از نماز تو کاری نمی‌رود	هم مستی شبانه و سوز و نیاز من
۱۰ حافظ ز غصّه سوخت بگو حالش ای صبا	با شاه دوست‌پرور دشمن‌گداز من

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج نز سو عد فط**

ترتیب ابیات =

سو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۰	۸
طو :	۱	۲	۳	۵	۶	۷	۴	۰	۰	۸
خ :	۱	۲	۴	۵	۶	۷	۳	۸	۹	۱۰
مج نز :	۱	۲	۳	۷	۶	۴	۵	۸	۹	۱۰
عد :	۱	۲	۳	۶	۷	۴	۵	۸	۹	۱۰
فط :	۱	۲	۳	۸	۵	۴	۶	۰	۷	۹

۱/۱ **مج** : عشوه‌گر عشقباز من.

۲/۲ **طو** : آخر چه کرد دیدهٔ معشوق‌باز من. **سو** : با ما چه کرد.

۳/۲ **طو** : اشک عیان کرد.

۴/۱ **طو** : مست است یاد و یاد حریفان نمی‌کند.

۵/۱ **خ نز** : یارب که آن صبا. **خ** : کز نسیم آن.

۹/۲ **خ** : هم مستی شبانه و راز و نیاز من. **عد فط** : سوز و گداز من.

۱۰/۱ **طو خ** : حافظ زگریه سوخت. **مج نز** : به غصه سوخت.

شمار دگرسانیها : طو خ = ۴ - مج نز = ۲ - سو عد فط = ۱ - یج = ۰ (یک بیت کم دارد).

۱ چون شوم خاک رهش دامن بیفشاند ز من — ور بگویم دل بگردان، رو بگرداند ز من
۲ روی رنگین را به هر کس می‌نماید همچو گل — ور بگویم باز پوشان، باز پوشاند ز من
۳ چشم خود را گفتم آخر یک نظر سیرش ببین — گفت می‌خواهی مگر تا جوی خون راند ز من
۴ او به خونم تشنه و من بر لبش، تا چون شود — کام بستانم ازو، یا داد بستاند ز من
۵ گر چو شمعش پیش میرم بر غمم خندد چو صبح — ور برنجم خاطر نازک برنجاند ز من
۶ دوستان جان دادم از بهر دهانش بنگرید — کو به چیزی مختصر چون باز می‌ماند ز من
۷ گر چو فرهادم به تلخی جان بر آید باک نیست — بس حکایتهای شیرین باز می‌ماند ز من
۸ ختم کن حافظ، که گر زین دست باشد درس عشق — عشق در هر گوشه‌ای افسانه‌ای خواند ز من

---

۶ نسخه : **یج یو طو کد خ تغ**

ترتیب ابیات = **کد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج یو تغ :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷
خ :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۵	۸

۱/۲ **تغ** : رخ مگردان. **طو** : رخ بگرداند.
۳/۱ **طو تغ** : یک نظرش سیرش ببین.
۴/۱ **یج** : جان فدائی‌وار خواهم بر سر زلفش فشاند.
۵/۱ **طو** : گر چو شمعم. **خ** : بر غمم خندان شود. ۵/۲ **یج** : و[ر] برنجم.
۶/۱ **طو خ** : جان داده‌ام بهر.
۷/۱ **یج** : جان برآید حیف نیست.
۸/۱ **طو خ** : صبر کن حافظ که گر. **یج** : درس شوق. **یو طو کد خ** : درس غم.
۸/۲ **خ** : افسانه‌ای راند.
شمار دگرسانیها : طو = ۶ - خ = ۵ - یج = ۴ - تغ = ۲ - یو کد = ۱ -

۱ نکته‌ای دلکش بگویم خال آن مهر و ببین   عقل و جان را بستهٔ زنجیر آن گیسو ببین

۲ عیب دل کردم که وحشی‌وضع و صحرائی مباش   گفت چشم شیرگیر و غنج آن آهو ببین

۳ حلقهٔ زلفش تماشاخانهٔ باد صباست   جان صد صاحبدل آنجا بستهٔ هر مو ببین

۴ عابدان آفتاب از دلبر ما غافلند   ای ملامتگو خدا را رو مبین و رو ببین

۵ زلف دل دزدش صبا را بند بر گردن نهاد   با هواخواهان رهرو حیلت هندو ببین

۶ آنکه من در جست و جوی او ز خود یکسو شدم   کس ندیده است و نبیند مثلش از هر سو ببین

۷ حافظ ار در گوشهٔ محراب می‌نالد رواست   ای نصیحتگو خدا را آن خم ابرو ببین

---

(۸) لرزه بر اعضای مهر از رشک آن مهرونگر   نافه را خونین جگر زان زلف عنبر بو ببین

(۹) از مراد شاه منصور ای فلک سر بر متاب   تیزی شمشیر بنگر قوّت بازو ببین

۶ نسخه : یج طو خ مج ند حة

								(۸)	(۹)
ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰
یج طو خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸
مج :	۱	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۳	۹
ند حة :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۰	۷

۲/۱ **خ مج ند** : هر جائی مباش. **طو** : شیدائی مباش.

۲/۲ **یج** : گفت چشم مست و روی و. **طو مج ند** : چشم شیر مست و.

یج مج : قنج آن آهو. **حة** : چشم مست و روی خوب آن آهو.

۳/۲ **یج** : جان صاحبدل در آنجا. **خ** : بستهٔ یک مو.

۴/۲ **یج طو** : ای ملامتگر. **خ** : رو مبین آن رو ببین.

۵/۱ **یج** : بند در گردن برد. **مج** : بند در گردن ببرد.

۵/۲ **طو** : با [ ] خواهان رهرو. **خ** : با هواداران رهرو حیلهٔ هندو ببین.

۶/۱ **یج طو** : ای که من. **خ حة** : اینکه من. **یج حة** : بیرون شدم. **خ** : فارغ شدم.

۷/۱ **ند** : اندر گوشهٔ. ۷/۲ **یج طو** : ای ملامتگر. **خ** : ای ملامتگو.

(۹/۱) **طو** : ای فلک رو برمتاب. **مج ند** : رخ برمتاب.

شمار دگرسانیها : یج = ۸ - خ طو = ۷ - مج = ۵ - ند = ۴ - حة = ۳ -

۳۵۵

۱ شراب لعل‌کش و روی مه‌جبینان بین — خلاف مذهب آنان جمال اینان بین

۲ به زیر دلق ملمّع کمندها دارند — درازدستی این کوته آستینان بین

۳ به خرمن دو جهان سر فرو نمی‌آرند — دماغ و کبر گدایان و خوشه‌چینان بین

۴ گره ز ابروی مشکین نمی‌گشاید یار — نیاز اهل دل و ناز نازنینان بین

۵ حدیث عهد محبّت ز کس نمی‌شنوم — وفای صحبت یاران و همنشینان بین

۶ اسیر عشق شدن چارهٔ خلاص من است — ضمیر عاقبت اندیش پیش بینان بین

۷ غبار خاطر حافظ ببُرد صیقل عشق — صفای آینهٔ پاک پاکدینان بین

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز سز فط**

ترتیب ابیات متن برابر است با نسخه‌های فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۱ **یج** : شراب لعل‌وش و.

۱/۲ **یج** : خلاف مذهب اینان جمال آنان بین.

۲/۱ **مج نز** : دلق مرقع. ۳/۲ **طو** : دماغ کبر.

۴/۱ **سز** : گره ز ابروی پرچین. **طو خ** : بهای نیم کرشمه هزار جان طلبند.

۵/۱ **طو خ** : حقوق صحبت ما را به باد داد و برفت.

۶/۲ **طو** : ضمیر غافبت‌اندیش. **خ** : ضمیر عافیت‌اندیش.

۷/۱ **طو خ** : کدورت از دل حافظ. **طو** : ببرد همت دوست.

خ : ببرد صحبت دوست.

۷/۲ **یج** : صفای نیت پاکان و. **طو خ** : صفای همت پاکان و.

یج : پاک بنیان بین.

شمار دگرسانیها :

طو = ۷ - خ = ۶ - یج = ۴ - مج نز سز = ۱ - فط = = -

۱ می‌فکن بر صف رندان نظری بهتر ازین　　بر در میکده می‌کن گذری بهتر ازین

۲ در حق من لبت این لطف که می‌فرماید　　سخت خوب است ولیکن قدری بهتر ازین

۳ ناصحم گفت که جز غم چه هنر دارد عشق ؟　　برو ای خواجهٔ عاقل هنری بهتر ازین ؟

۴ من نگویم که قدح گیر و لب ساقی بوس　　بشنو ار زانکه بگوید دگری بهتر ازین

۵ آنکه فکرش گره از کار جهان بگشاید　　گو درین نکته بفرما نظری بهتر ازین

۶ کلک حافظ شکرین میوه نباتی‌ست بچین　　که درین باغ نبینی ثمری بهتر ازین

---

(۷) دل بدان رود گرامی چه کنم گر ندهم　　مادر دهر ندارد پسری بهتر ازین

۶ نسخه : یج ید طو خ مج نز

							(۷)
متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰
یج ید مج نز :	۱	۲	۵	۶	۳	۷	۴
طو خ :	۱	۲	۴	۶	۳	۷	۵

۱/۱ **ید** : می‌فکن در صف.

۲/۱ **طو** : از لطف همی فرماید.

۴/۱ **طو** : من چه گویم. **خ مج نز** : من چو گویم.
خ : که قدح نوش و. **یج** : لب ساغر بوس.

۴/۲ **یج مج نز** : بشنو ای جان که. **طو خ** : بشنو از من که.
یج طو خ مج نز : نگوید دگری.

۵/۱ **یج** : آنکه سحرش.

۵/۲ **طو** : که درین کار. **خ** : گو درین کار.

۶/۱ **یج** : نباتی‌ست بجو. **ید** : نباتی‌ست بخر. **طو** : نباتی‌ست بچش.

(۷/۱) **ید** : دل بدین رود. (۷/۲) **طو** : مادر دهر نزاید.

شمار دگرسانیها : **طو** = ۷ - **یج خ** = ۵ - **ید مج نز** = ۳ -

۳۵۷

۱ به جان پیر خرابات و حقّ نعمت او — که نیست در سر من جز هوای خدمت او
۲ بهشت اگرچه نه جای گناهکاران است — بیار باده که مستظهرم به همّت او
۳ چراغ صاعقهٔ آن سحاب روشن باد — که زد به خرمن ما آتش محبّت او
۴ بیار باده که دوشم سروش عالم غیب — نوید داد که عام است فیض رحمت او
۵ بر آستانهٔ میخانه گر سری بینی — مزن به پای، که معلوم نیست نیّت او
۶ مکن به چشم حقارت نگاه در من مست — که نیست معصیت و زهد بی مشیّت او
۷ مُدام خرقهٔ حافظ به باده در گرو است — مگر ز خاک خرابات بود فطرت او

---

(۸) صد آفرین خدا بر بلای آن طوفان — که زد به خرمن ما آتش محبّت او
(۹) نمی‌کند دل ما میل زهد و توبه ولی — به نام خواجه بکوشیم و فرّ دولت او

۸ نسخه : **یج طو خ مج نز فط صف حة**

ترتیب ابیات									
یج	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰
طو	۱	۲	۰	۵	۴	۶	۷	۳	۰
خ	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۸	۰	۷
مج نز	۱	۲	۰	۴	۵	۶	۷	۳	۸
فط	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۰	۸
صف	۱	۲	۰	۵	۴	۶	۷	۳	۸
حة	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۰	۷

(ستون‌های آخر: (۸) و (۹))

۱/۱ **طو خ** : حق صحبت او. — ۱/۲ **طو** : نیست در سر ما.
۲/۲ **فط صف** : به رحمت او.
۳/۱ **یج** : این سحاب — ۳/۲ **یج** : که زد به خرمن من.
۴/۱ **خ** : بیا که دوش به مستی.
۶/۱ **یج** : بر من مست.
۷/۲ **طو** : بود طینت او.
(۹/۱) **خ** : همی‌کند. **خ مج نز** : دل من.
شمار دگرسانیها : خ = ۴ - یج طو = ۳ - مج نز فط صف = ۱ - حة = ۰ -

۱ ای آفتاب آینه دار جمال تو — مشک سیاه مجمره گردان خال تو

۲ صحن سرای دیده بشستم، ولی چه سود — کین گوشه نیست در خور خیل خیال تو

۳ در اوج ناز و نعمتی ای آفتاب حسن — یارب مباد تا به قیامت زوال تو

۴ در چین زلفش ای دل مسکین چگونه‌ای — کآشفته گفت باد صبا شرح حال تو

۵ تا پیش بخت باز روم تهنیت کنان — کو مژده‌ای ز مقدم عید وصال تو

۶ تا آسمان ز حلقه به گوشان ما شود — کو عشوه‌ای ز ابروی همچون هلال تو

۷ برخاست بوی گل ز در آشتی در آی — ای نوبهار ما رخ فرخنده فال تو

۸ مطبوعتر ز نقش تو صورت نبست باز — طغرانویس ابروی مشکین مثال تو

۹ در صدر خواجه عرض کدامین جفا کنم — شرح نیازمندی خود یا ملال تو ؟

۱۰ حافظ درین کمند سر سرکشان بسی‌ست — سودای کج مپز که نباشد مجال تو

---

(۱۱) این نقطهٔ سیاه که آمد مدار نور — عکسی‌ست در حدیقهٔ بینش ز خال تو

۶ نسخه : **یج حی طو خ مج عد**

ترتیب ابیات =

											(۱۱)
حی :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۰	۵	۶	۷	۸	۰
طو :	۱	۲	۳	۵	۰	۰	۶	۴	۸	۷	۰
خ :	۱	۲	۳	۵	۸	۷	۶	۴	۱۰	۱۱	۹
مج :	۱	۲	۳	۷	۵	۶	۹	۸	۱۱	۱۰	۴
عد :	۱	۳	۲	۴	۰	۰	۵	۶	۷	۸	۰

۲/۱ **طو** : سرای چشم.

۳/۱ **طو خ** : ای پادشاه حسن.

۴/۱ **یج حی عد** : ای دل غمگین.

۸/۲ **خ** : طغرانویس ابروی همچون هلال تو.

۹/۱ **یج** : در پیش خواجه. **حی خ** : در پیش شاه. **طو مج** : بر عدل خواجه. **طو** : عرض کدامین خطا.

شمار دگرسانیها : طو = ۴ - خ = ۳ - یج حی = ۲ - مج عد = ۱ -

۳۵۹

۱ ای خونبهای نافهٔ چین خاک راه تو — خورشید سایه پرور طرف کلاه تو

۲ نرگس کرشمه می‌برد از حد، برون خرام — ای جان فدای شیوهٔ چشم سیاه تو

۳ خونم بخور، که هیچ ملَک با چنین جمال — از دل نیایدش که نویسد گناه تو

۴ آرام و خواب خلق جهان را سبب توئی — زان شد کنار دیده و دل تکیه‌گاه تو

۵ با هر ستاره‌ای سر و کاری‌ست هر شبم — از حسرت فروغ رخ همچو ماه تو

۶ یاران همنشین همه از هم جدا شدند — مائیم و آستانهٔ دولت پناه تو

۷ حافظ طمع مبُر ز عنایت که عاقبت — آتش زند به خرمن غم دود آه تو

---

۷ نسخه : **یج حی طو خ مج ند صد**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۶ نسخهٔ فوق (بجز یج)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶

۱/۲ **طو** : خورشید در حمایت.

۲/۲ **طو خ** : ای من فدای.

۳/۱ **طو** : که هیچ ملک را. **یج خ** : ملک با چنان جمال.

۴/۱ **طو** : آرام و صبر خلق. **طو** : جهان زان شدت یقین.

۵/۱ خ : سر و کار است. ۵/۲ **طو** : از صورت فروغ.

۶/۲ **طو** : آستانهٔ عالم پناه تو.

۷/۱ **طو** : حافظ مبر طمع.

۷/۲ **طو** : آتش زند به خرمن ما.

شمار دگرسائیها : طو = ۹ - خ = ۳ - یج = ۱ - حی مج ند صد = ۰ -

۳۶۰

۱ تاب بنفشه می‌دهد طرّهٔ مشکسای تو   پردهٔ غنچه می‌درد خندهٔ دلگشای تو
۲ ای گل خوش نسیم من بلبل خویش را مسوز   کز سر صدق می‌کند شب همه شب دعای تو
۳ من که ملول گشتمی از نَفَس فرشتگان   قال و مقال عالمی می‌کشم از برای تو
۴ خرقهٔ زهد و جام می گرچه نه درخور همند   اینهمه نقش می‌زنم از جهت رضای تو
۵ دلق گدای عشق را گنج بود در آستین   زود به سلطنت رسد هر که بود گدای تو
۶ شاه‌نشین چشم من تکیه‌گه خیال توست   جای دعاست شاه من، بی تو مباد جای تو
۷ شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر   کین سر پُر هوس شود خاک در سرای تو
۸ خوش چمنی‌ست عارضت خاصه‌که دربهار حسن   حافظ خوش کلام شد مرغ سخن سرای تو

(۹) مهر رُخت سرشت من، خاک درت بهشت من   عشق تو سرنوشت من، راحت من رضای تو
(۱۰) دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار   گوشهٔ تاج سلطنت می‌شکند گدای تو

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز فخ فط**

متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۰	۵	۶	۷	۸	۴	۰
طو :	۱	۲	۰	۳	۰	۰	۴	۵	۰	۰
خ :	۱	۲	۰	۴	۰	۶	۵	۷	۰	۳
مج فخ :	۱	۲	۳	۵	۶	۷	۸	۹	۴	۰
نز :	۱	۲	۳	۶	۵	۷	۸	۹	۴	۰
فط :	۱	۲	۳	۰	۵	۶	۰	۷	۴	۰

(ستون‌های آخر: (۹) (۱۰))

۱/۱ **طو** : بنفشه می‌برد.   ۳/۲ **فط** : قال مقال عالمی. **یج** : من بکشم.
۴/۱ **طو** : نه در خور من است.   ۴/۲ **طو** : اینهمه نیش می‌خورم. **طو** : در طلب رضای تو.
۵/۲ **نز** : روز به سلطنت رسد.
۷/۱ **یج** : شور شراب و سوز عشق. **طو** : شور و شرار و سوز عشق. **طو** : آن نفسم رود ز یاد.
۸/۱ **طو** : کام بران و نام جو خاصه که اندرین زمن.
(۹/۱) **مج** : عشق تو سرنوشت من خاک درت بهشت من.
(۹/۲) **یج** : عشق تو سرنبشت من. **مج** : مهر رخت سرشت من راحت من بلای تو.
شمار دگرسانیها : طو = ۷ - یج = ۳ - مج = ۲ - نز فط = ۱ - خ فخ = ۰ -
(نسخهٔ خ دو بیت کم دارد.)

۳۶۱

۱ خطّ عذار یار که بگرفت ماه ازو — خوش حلقه‌ای‌ست لیک بدر نیست راه ازو

۲ ابروی دوست گوشهٔ محراب دولت است — آنجا بمال چهره و حاجت بخواه ازو

۳ ای جرعه‌نوش مجلس جم، سینه پاک‌دار — کآئینه‌ای‌ست جام جهان‌بین که آه ازو

۴ شیطان غم هر آنچه تواند بگو بکن — من برده‌ام به باده‌فروشان پناه ازو

۵ کردار اهل صومعه‌ام کرد می پرست — این دود بین که نامهٔ من شد سیاه ازو

۶ ساقی چراغ می به ره آفتاب دار — گو بر فروز مشعلهٔ صبحگاه ازو

۷ آبی به روزنامهٔ اعمال ما فشان — بتوان مگر سُترد حروف گناه ازو

۸ حافظ که ساز مجلس عشّاق راست کرد — خالی مباد عرصهٔ این بزمگاه ازو

---

(۹) آیا درین خیال که دارد گدای شهر — روزی بود که یاد کند پادشاه ازو

۷ نسخه : **یج طو خ مج عز فط صف**

ترتیب ابیات =									(۹)
عز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو مج :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸	۹
خ :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۹	۸
فط :	۱	۲	۰	۳	۰	۴	۵	۶	۷

۱/۲ **طو** : لیک برون نیست. ۲/۲ **یج** : آنجا بما[ل] چهره و.

۴/۱ **یج طو خ عز** : سلطان غم. ۵/۱ **یج** : صوفی مرا به میکده برد از طریق عشق.

۵/۲ **مج** : این دوده بین. **طو** : که نامهٔ ما شد.

۶/۱ **طو** : ساقی چراغ من. **یج** : به بر آفتاب دار.

۷/۲ **خ** : باشد توان سترد.

۸/۱ **طو خ** : ساز مطرب. **طو خ مج عز** : ساز کرد.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج خ = ۴ - مج عز = ۲ - فط صف = ۰ -

(نسخهٔ فط دو بیت کم دارد).

۳۶۲

۱ گلبن عیش می‌دمد، ساقی گلعذار کو ؟   باد بهار می‌وزد، بادهٔ خوشگوار کو ؟

۲ هر گل نو ز گلرخی یاد همی کند، ولی   گوش سخن شنو کجا، دیدهٔ اعتبار کو ؟

۳ مجلس بزم عیش را غالیهٔ مُراد نیست   ای دم صبح خوش نفس نافهٔ زلف یار کو ؟

۴ حسن فروشی گلم نیست تحمّل ای صبا   دست زدم به خون دل، بهر خدا نگار کو ؟

۵ شمع سحر به خیرگی لاف ز عارض تو زد   خصم زبان دراز شد، خنجر آبدار کو ؟

۶ گفت مگر ز لعل من بوسه نداری آرزو ؟   مُردم ازین هوس ولی قدرت و اختیار کو ؟

۷ حافظ اگرچه در سخن خازن گنج حکمت است   از غم روزگار دون طبع سخن گزار کو ؟

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نه سو صد**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۶ نسخهٔ فوق (بجز طو)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶

۱/۱ **طو** : گلبن عیش می‌دهد.

۳/۱ **طو** : بزم عشق را. **یج** : غالیه از هوای توست.

۳/۲ **یج** : ای دم خوش‌نفس صبا.

۴/۲ **یج** : بهر خدا شکار کو.

۵/۱ **یج سو صد** : خیز که شمع صبحدم. **طو خ** : شمع سحرگهی اگر.

۶/۱ **خ** : گفت مگر ز لعل [من] بوسه.

۷/۲ **طو خ نه** : طبع سخن‌گذار.

شمار دگرسانیها : یج طو = ۴ - خ = ۲ - نه سو صد = ۱ - مج = ۰ -

۱ ای پیک راستان خبر سرو ما بگو　　احوال گل به بلبل دستان سرا بگو

۲ بر این فقیر نامهٔ آن محتشم بخوان　　با این گدا حکایت آن پادشا بگو

۳ ما محرمان خلوت اُنسیم غم مخور　　با یار آشنا سخن آشنا بگو

۴ دلها ز دام طرّه چو بر خاک می‌فشاند　　بر آن غریب ما چه‌گذشت از هوا بگو

۵ هرکس که گفت خاکِ درِ دوست توتیاست　　گو این سخن معاینه در چشم ما بگو

۶ گر دیگرت بران درِ دولت گذر بود　　بعد از ادای خدمت و عرض دعا بگو

۷ در راه عشق فرق غنیّ و فقیر نیست　　ای پادشاه حسن سخن با گدا بگو

۸ مرغ چمن به مویهٔ من دوش می‌گریست　　آخر تو واقفی که چه رفت ای صبا، بگو

۹ جان پرور است قصّهٔ ارباب معرفت　　رمزی برو بپرس، حدیثی بیا بگو

۱۰ آن می که در سبو دل صوفی به‌عشوه بُرد　　کی در قدح کرشمه کند ساقیا، بگو

۱۱ آنکس که منع ما ز خرابات می‌کند　　گو در حضور پیر من این ماجرا بگو

۱۲ حافظ، گرت به مجلس او راه می‌دهند　　می نوش و ترک زرق ز بهر خدا بگو

---

(۱۳) بر هم چو می‌زد آن سر زلفین مشکبار　　با ما سر چه داشت ز بهر خدا بگو

(۱۴) هرچند ما بدیم تو ما را بدان مگیر　　شاهانه ماجرای گناه گدا بگو

۶ نسخه : یج طو خ مج فط صف

													(۱۳)	(۱۴)
متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۰	۴	۶	۷	۵	۰	۸	۰	۹	۰	۰
طو :	۱	۹	۲	۰	۴	۶	۰	۰	۵	۰	۷	۱۰	۳	۸
خ :	۱	۸	۲	۹	۴	۶	۰	۰	۱۰	۰	۵	۱۱	۳	۷
مج :	۱	۱۰	۲	۳	۶	۴	۹	۷	۸	۱۱	۵	۱۲	۰	۰
فط :	۱	۶	۲	۸	۳	۴	۰	۰	۰	۰	۷	۹	۰	۵
صف :	۱	۱۲	۲	۳	۵	۴	۷	۶	۱۱	۸	۹	۱۳	۱۰	۰

۱/۱ **طو خ مج** : خبر یار ما.
۲/۱ **یج مج** : قصهٔ آن محتشم. **طو** : این فقر نامه را بر آن محتشم بخوان.
۳/۱ **یج** : ما محرمان صوت الستیم.
۴/۱ **خ** : جانها ز دام زلف. ۴/۲ **فط صف** : با آن غریب ما. **خ** : چه گذشت ای صبا.
۵/۱ **یج** : خاک ره او. **یج** : نه توتیاست.
۶/۲ **مج فط** : خدمت خود عجز ما.
۸/۲ **یج** : آخر نه واقفی.
۹/۱ **طو** : هان بر در است قصهٔ ارباب معرفت.
۹/۲ **طو** : بپرس و حدیثی.
۱۰/۱ **مج** : بر سبو.
۱۱/۱ **مج صف** : صوفی که. **فط** : هرکس که.
۱۲/۲ **طو** : می‌کوش و.
(۱۳/۲) **صف** : بگو ای صبا بگو.
(۱۴/۲) **طو** : شاها تو ماجرای گناه گدا بگو.
شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج مج = ۵ - خ فط صف = ۳ -

۳۶۴

۱ گفتا برون شدی به تماشای ماه نو   از ماه ابروان منت شرم باد، رو
۲ عُمری‌ست تا دلت ز اسیران زلف ماست   غافل ز حفظ جانب یاران خود مشو
۳ مفروش عطر عقل به هندوی زلف ما   کآنجا هزار نافهٔ مشکین به نیم جو
۴ تخم وفا و مهر درین کهنه کشتزار   آنگه عیان شود که رسد موسم درو
۵ ساقی بیار باده که رمزی بگویمت   از سیر اختران کهن سیر و ماه نو
۶ شکل هلال هر سرِ مَه می‌دهد نشان   از افسر سیامک و تَرک کلاه زو
۷ حافظ جناب پیر مغان مأمن وفاست   درس حدیث عشق براو خوان و زو شنو

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج قب عد صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با نسخه‌های فوق (سوای قب)

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
قب :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶

۱/۱ **یج** : گفتم برون شدی.

۲/۱ **مج** : دلم ز اسیران. **صف** : دلم ز مقیمان. **مج صف** : زلف توست.
یج : دلت ز یسیران ملک ماست.

۲/۲ **طو** : غافل ز خط جانب یاران ما مشو.

۳/۱ **طو** : مفروش خط عقل. **عد صف** : به هندوی زلف یار

۳/۲ **مج** : کاینجا.

۴/۱ **یج طو خ مج قب عد** : کهنه کشته زار.   ۴/۲ **طو خ** : که بود.

۵/۲ **یج خ** : از سرّ. **طو** : از سر (بدون نقطه). **قب** : اختران کهنسال.

۶/۱ **طو** : در سر هر مه دهد.

۶/۲ **یج طو** : پز کلاه زو. **عد صف** : فژ کلاه زو.

۷/۲ **یج عد** : بدو خوان و.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - یج = ۶ - مج عد صف = ۴ - خ = ۳ - قب = ۲ -

۳۶۵

۱ مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو　　یادم از کِشتهٔ خویش آمد و هنگام درو
۲ گفتم ای بخت بخُسبیدی و خورشید دمید　　گفت با اینهمه از سابقه نومید مشو
۳ گر روی پاک و مجرّد چو مسیحا به فلک،　　از چراغ تو به خورشید رسد صد پرتو.
۴ تکیه بر اختر شبگرد مکن کین عیّار　　تاج کاووس ببرد و کمر کیخسرو
۵ آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق　　خرمن مه به جوی، خوشهٔ پروین به دو جو
۶ گوشوار زر و لعل ارچه گران دارد گوش　　دؤر خوبی گذران است نصیحت بشنو
۷ چشم بد دور ز خال تو که در عرصهٔ حسن　　بیدقی راند که برد از مه و خورشید گرو
۸ آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت　　حافظ این خرقهٔ پشمینه بینداز و برو

---

۸ نسخه : **یج حیـ طو خ　مج نز سز عد**

ترتیب ابیات = **مج نز سز**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج	:	۱	۳	۴	۲	۵	۶	۷	۸
حیـ	:	۱	۲	۳	۰	۰	۴	۵	۶
طو خ	:	۱	۲	۳	۴	۷	۵	۶	۸
عد	:	۱	۲	۶	۳	۷	۴	۵	۸

۲/۱ **طو خ** : بخفتیدی و.　**حیـ** : خورشید رسید.　**طو** : در خواب شدی.
۳/۱ **یج** : آنچنان رو شب رحلت.　۳/۲ **یج طو** : کز چراغ تو.
۴/۱ **طو خ مج عد** : اختر شب دزد مکن.　۴/۲ **یج** : تخت کاووس.
۶/۱ **یج** : گوشوار از زر و لعل.　۶/۲ **یج** : دور خوبان.
۷/۱ **طو** : دور ز حال تو.
۸/۱ **حیـ نز** : آتش زهد ریا.
شمار دگرسانیها : یج طو = ۵ - حیـ خ = ۲ - مج نز عد = ۱ - سز = ۰ -

۳۶۶

۱ وصال او ز عمر جاودان به   خداوندا، مرا آن ده که آن به
۲ به شمشیرم زد و با کس نگفتم   که راز دوست از دشمن نهان به
۳ دلا دایم گدای کوی او باش   به حکم آنکه دولت جاودان به
۴ به خُلدم دعوت ای زاهد مفرما   که این سیب زنخ زان بوستان به
۵ گلی کان پایمال سرو ما گشت   بود خاکش ز خون ارغوان به
۶ خدا را از طبیب من بپرسید   که آخر کی شود این ناتوان به
۷ جوانا سر متاب از پند پیران   که رای پیر از بخت جوان به
۸ شبی می‌گفت چشم کس ندیده‌است   ز مروارید گوشم در جهان به
۹ سخن اندر دهان دوست گوهر   و لیکن گفتهٔ حافظ از آن به

---

(۱۰) به داغ بندگی مردن برین در   به جان او که از ملک جهان به
(۱۱) اگرچه زنده رود آب حیات است   ولی شیراز ما از اصفهان به

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز سو عد**

ترتیب ابیات =											
سو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	(۱۰)	(۱۱)
										۰	۰
یج :	۱	۲	۴	۵	۷	۸	۹	۳	۱۰	۶	۰
طو :	۱	۲	۶	۵	۴	۳	۷	۰	۰	۰	۰
خ :	۱	۲	۶	۵	۴	۳	۷	۸	۱۱	۹	۱۰
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۱۰	۵	۰
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰

۴/۱ **سو** : به خلد ای زاهدم دعوت مفرمای. **یج مج عد** : دعوت ای زاهد مفرمای.

۵/۱ **یج** : گلی کان پای [مال] سرو باشد. **سو** : گلی کو پایمال. **طو سو** : سرو ما شد.

۶/۱ **یج** : از طبیب ما. ۶/۲ **طو عد** : آن ناتوان به.

۷/۱ **طو** : چو حافظ سر متاب. ۷/۲ **طو** : که پند پیر. **مج سو** : با بخت جوان.

۹/۱ **خ** : دهان دوست شکر.

(۱۰/۱) **یج** : درین در.

شمار دگرسانیها : یج طو سو = ۴ - مج عد = ۲ - خ = ۱ - نز = ۰ -

۳۶۷

۱ ناگهان پرده بر انداختهای، یعنی چه؟ مست از خانه برون تاختهای، یعنی چه؟

۲ زلف در دست صبا گوش به فرمان رقیب اینچنین با همه درساختهای، یعنی چه؟

۳ شاه خوبانی و منظور گدایان شدهای قدر این مرتبه نشناختهای، یعنی چه؟

۴ نه سر زلف خود اوّل تو به دستم دادی؟ بازم از پای در انداختهای، یعنی چه؟

۵ سخنت رمز دهان گفت و کمر سرّ میان وز میان تیغ به ما آختهای، یعنی چه؟

۶ هر کس از مُهرهٔ مِهر تو به نقشی مشغول عاقبت با همه کج باختهای، یعنی چه؟

۷ حافظا در دل تنگت چو فرود آمد یار خانه از غیر نپرداختهای، یعنی چه؟

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج نز عز فط صف**

ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخههای فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۴/۱ **یج** : چو سر زلف. ۴/۲ **مج نز** : باز در پای درانداختهای.

۵/۱ **طو** : سخنت رمز دهان و کمرت سرّ میان. **صف** : سخنت سرّ دهان گفت و.

۵/۲ **یج** : در میان. **عز** : تیغ به من آختهای.

۶/۱ **یج** : هر کس از چهرهٔ. **طو** : به نوعی مشغول.

شمار دگرسانیها : یج ۳ - طو = ۲ - مج نز عز صف = ۱ - خ فط = ۰ -

۳۶۸

۱ در سرای مغان رُفته بود و آب زده   نشسته پیر و صلائی به شیخ و شاب زده
۲ سبو کشان همه در بندگیش بسته کمر   ولی ز تَرک کله چتر بر سحاب زده
۳ فروغ جام و قدح نور ماه پوشیده   عذار مغبچگان راه آفتاب زده
۴ عروس بخت دران حجله با هزاران ناز   شکسته کسمه و بر برگ گل گلاب زده
۵ ز شور و عربدهٔ شاهدان شیرین‌کار   شکر شکسته، سمن ریخته، رباب زده
۶ سلام کردم و با من به روی خندان گفت   که ای خمارکش مفلس شراب زده
۷ که این کند که تو کردی به‌ضعف همّت و رای   ز گنج خانه شده، خیمه بر خراب زده
۸ وصال دولت بیدار ترسمت ندهند   که خفته‌ای تو در آغوش بخت خواب زده
۹ بیا به میکده حافظ که بر تو عرضه کنم   هزار صف ز دعاهای مستجاب زده

(۱۰) گرفته ساغر عشرت فرشتهٔ رحمت   ز جرعه بر رخ حور و پری گلاب زده
(۱۱) فلک جنیبه کش شاه نصرت‌الدین است   بیا ببین ملکش دست در رکاب زده
(۱۲) خرد که ملهم غیب است بهر کسب شرف   زبام عرش صدش بوسه بر جناب زده

۵ نسخه : **یج طو خ مج نه**

ترتیب ابیات =										(۱۰)	(۱۱)	(۱۲)
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱۱	۰	۹	۱۰
خ :	۱	۲	۳	۰	۵	۶	۷	۸	۹	۴	۱۰	۱۱
مج :	۱	۲	۳	۵	۴	۷	۸	۹	۱۲	۶	۱۰	۱۱
نه :	۱	۲	۳	۱۰	۴	۶	۷	۸	۱۱	۵	۹	۰

۲/۲ **نه** : ولی ز طرف کله. **مج** : گوشه بر سحاب زده.
۳/۱ **یج طو خ** : شعاع جام و قدح.
۵/۱ **مج نه** : ز ناز و عربدهٔ. ۵/۲ **مج** : شکر شکسته و گل ریخته رباب زده.
۷/۱ **طو** : که کرد این که تو کردی. ۷/۲ **طو نه** : خیمه در خراب زده.
۸/۱ **یج** : مرا به جرعهٔ خود شاد کرد و آنگه گفت. ۸/۲ **یج** : چه خفته‌ای تو.
۹/۱ **طو** : بر تو عرض کنم.
(۱۱/۲) **خ** : بیا ببین فلکش. (۱۲/۲) **یج** : صدش بوسه بر رکاب زده.
شمار دگرسانیها : یج طو = ۴ - مج نه = ۳ - خ = ۲ -

۳۶۹

۱ دوش رفتم به در میکده خواب آلوده — خرقه تردامن و سجّاده شراب آلوده

۲ آمد افسوس کنان مغبچهٔ باده فروش — گفت: بیدار شو ای رهرو خواب آلوده

۳ شست و شوئی کن و آنگه به‌خرابات خرام — تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده

۴ در هوای لب شیرین دهنان چند کنی — جوهر روح به یاقوت مذاب آلوده

۵ به طهارت گذران منزل پیریّ و مکن — خلعت شیب چو تشریف شباب آلوده

۶ پاک و صافی شو و از چاه طبیعت بدر آی — که صفائی ندهد آب تراب آلوده

۷ گفتم ای جان و جهان، دفتر گل عیبی نیست — گر شود فصل بهار از می ناب آلوده

۸ آشنایان ره عشق درین بحر عمیق — غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده

۹ گفت: حافظ، لُغز و نکته به‌یاران مفروش! — آه ازین لطف به انواع عتاب آلوده

---

۷ نسخه : **یج طو خ عد فخ فط تغ**

ترتیب ابیات =

خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج عد فخ تغ :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۶	۹
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸
فط :	۱	۲	۳	۰	۴	۶	۷	۵	۸

۲/۱ **یج** : مغبچهٔ باده‌پرست.

۳/۱ **یج طو** : شست و شوئی بکن آنگه.

۴/۱ **طو خ فخ** : به هوای لب. **یج طو خ فخ** : شیرین پسران.

۵/۲ **طو** : خلقت شیب. **طو عد** : به تشریف شباب.

۶/۱ **یج** : پاک و صافی و خوش از چاه.

۷/۱ **خ عد** : ای جان جهان. ۷/۲ **یج طو خ** : که شود.

۸/۱ **یج** : غرقه گردند و نگردند.

۹/۱ **تغ** : گفت خامش لغز و نکته به حافظ مفروش. **طو** : گفت حافظ برو و نکته به یاران مفروش.

شمار دگرسانیها : **طو** = ۷ - **یج** = ۶ - **خ** = ۴ - **عد فخ** = ۲ - **تغ** = ۱ - **فط** = ۰ -

(نسخهٔ **فط** یک بیت کم دارد).

۳۷۰

۱ دامن کشان همی شد در شَرب زر کشیده — صد ماهرو ز رشکش جیب قصب دریده

۲ از تاب آتش می برگرد عارضش خوی — چون قطره‌های شبنم بر برگ گل چکیده

۳ یاقوت جان‌فزایش از آب لطف زاده — شمشاد خوش‌خرامش در ناز پروریده

۴ لفظی فصیح شیرین، قدّی بلند چابک — روئی لطیف دلکش، چشمی خوش کشیده

۵ آن لعل دلکشش بین وان خندهٔ دل آشوب — وان رفتن خوشش بین وان گام آرمیده

۶ آن آهوی سیه چشم از دام ما برون شد — یاران چه چاره سازیم با این دل رمیده

۷ زنهار، تا توانی اهل نظر میازار — دنیا وفا ندارد ای یار برگزیده

۸ تا کی کشم عتابت زان چشم نیمخوابت — روزی کرشمه‌ای کن ای نور هر دو دیده

۹ گر خاطر شریفت رنجیده شد ز حافظ — باز آ، که توبه کردیم از گفته و شنیده

---

(۱۰) بس شکر باز گویم در بندگی خواجه — گر اوفتد به دستم آن میوهٔ رسیده

۶ نسخه : **یج طو خ عز فط پن**

										(۱۰)
ترتیب ابیات = **یج پن** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
طو :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸	۹	۰
خ :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸	۱۰	۹
عز :	۱	۲	۳	۶	۵	۴	۷	۰	۹	۸
فط :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰

۱/۱ **یج فط** : دامن کشان همی رفت. ۱/۲ **طو** : صد ماهروش در پی. **خ** : صد ماهرو ز عشقش.

۴/۱ **خ پن** : لفظی فصیح و شیرین. **طو** : قد بلند چابک. **پن** : قدی بلند و چابک.

۴/۲ **خ** : روئی لطیف زیبا. **طو** : روئی لطیف و زیبا. **پن** : روئی لطیف و دلکش چشم خوشی کشیده.
طو : چشم خوش کشیده.

۵/۱ **طو** : آن حسن دلکشش بین وان خنده‌های شیرین. **عز پن** : وان خندهٔ پرآشوب.

۵/۲ **عز پن** : آن رفتن خوشش بین. ۶/۲ **خ فط پن** : چه چاره سازم. **طو** : با آهوی رمیده.

۷/۲ **یج عز** : دنیی وفا ندارد. **خ عز فط پن** : ای نور هر دو دیده.

۸/۱ **خ** : تا کی کشم عتیبت. **طو خ** : از چشم. **یج طو خ فط** : دلفریبت.

۸/۲ **خ پن** : ای یار برگزیده. ۹/۲ **طو** : باز آکه باز گشتیم.

شمار دگرسانیها : طو خ = ۹ - پن = ۸ - عز فط = ۴ - یج = ۳ -

۱ سحرگاهان که مخمور شبانه گرفتم باده با چنگ و چغانه
۲ نهادم عقل را ره توشه از می ز ملک هستیش کردم روانه
۳ نگار می فروشم عشوه‌ای داد که ایمن گشتم از مکر زمانه
۴ ز ساقیِّ کمان ابرو شنیدم که ای تیر ملامت را نشانه
۵ نبندی زان میان طرفی کمروار اگر خود را ببینی در میانه
۶ برو این دام بر مرغی دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه
۷ ندیم و مطرب و ساقی همه اوست خیال آب و گِل در ره بهانه
۸ بده کشتیِّ می تا خوش برآئیم ازین دریای ناپیدا کرانه
۹ وجود ما معمّائی‌ست حافظ که تحقیقش فسون است و فسانه

(۱۰) که بندد طرف وصل از حسن شاهی که با خود عشق بازد جاودانه

۱۰ نسخه : یج طو خ مج مط ند عد فخ صد تغ

ترتیب ابیات										(۱۰)
= یج مج مط ند :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
طو خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۱۰	۷
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۹	۱۰	۸
فخ :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹	۰
صد :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷	۸	۰
تغ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۹	۰

۱/۱ **طو خ** : سحرگاهی. **طو** : چو مخمور شبانه.
۲/۲ **طو خ مط صد** : ز شهر هستیش. **تغ** : به شهر هستیش.
۵/۲ **طو** : اگر خود را نبینی.
۷/۱ **یج** : ندیم و ساقی و مطرب. **فخ** : ندیم مطرب و. ۷/۲ **طو** : در وی بهانه
۸/۱ **طو خ** : تا خوش برانیم.
(۱۱/۱) **خ** : از عشق شاهی.
شمار دگرسانیها : طو = ۶ - خ = ۴ - یج مط فخ صد تغ = ۱ - مج ند عد = ۰ -

۱ **چراغ روی تو را شمع گشت پروانه** — مرا ز خال تو ب حال خویش پروا نه

۲ **خرد که قید مجانین عشق می‌فرمود** — به بوی حلقهٔ زلف تو گشت دیوانه

۳ **به مژده جان به صبا داد شمع در نفسی** — ز شمع روی تواش چون رسید پروانه

۴ **به‌بوی زلف تو گر جان به‌باد رفت چه‌شد؟** — هزار جان گرامی فدای جانانه

۵ **بر آتش رخ زیبای تو بجای سپند** — بغیر خال سیاهش که دید بِه دانه؟

۶ **من رمیده ز غیرت ز پا فتادم دوش** — نگار خویش چو دیدم به دست بیگانه

۷ **چه نقشها که برانگیختیم و سود نداشت** — فسون ما برِ او گشته است افسانه

۸ **مرا به دوْر لب دوست هست پیمانی** — که بر زبان نبرم جز حدیث پیمانه

۹ **حدیث مدرسه و خانقه مگوی که باز** — فتاد در سر حافظ هوای میخانه

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج فخ فط صف**

متن = **یج فط صف** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۰	۰	۲	=	۳	۴	۵	۶
خ :	۱	۲	۷	۳	۶	۴	۵	۸	۹
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸
فخ :	۱	۴	۲	۶	۳	۵	۷	۸	۹

۱/۱ **صف** : چراغ وصل تو را. **طو فخ فط** : شمع روز. **خ** : شمع گشته. **مج** : شمع چرخ.
۱/۲ **یج طو مج** : مرا ز حال تو.
۲/۲ **خ فخ** : به بوی سنبل زلف تو. **فط** : گشته دیوانه.
۳/۱ **خ** : شمع هر نفسی. ۳/۲ **یج فط** : چون رساند.
۴/۱ **صف** : به بوی زلفت اگر رفت جان به باد چه شد.
۵/۱ **خ مج فط صف** : بر آتش رخ زیبای او. **یج** : برای سپند.
۶/۱ **مج** : من رمیده فتادم ز غیرت از پا دوش.
۷/۲ **یج** : فسون او بر ما گشته است افسانه.
۹/۱ **طو** : بگوی که باز. ۹/۲ **طو صف** : هوای جانانه.
شمار دگرسانیها : **یج طو خ مج فط صف** = ۴ - **فخ** = ۲ -

۳۷۳

۱ ای که با سلسلهٔ زلف دراز آمده‌ای — فرصتت باد که دیوانه نواز آمده‌ای

۲ ساعتی ناز مفرما و بگردان عادت — چون به پرسیدن ارباب نیاز آمده‌ای

۳ پیش بالای تو نازم چه به‌صلح و چه به‌جنگ — که به هر حال برازندهٔ ناز آمده‌ای

۴ آب و آتش بهم آمیخته‌ای از لب لعل — چشم بد دور که خوش شعبده‌باز آمده‌ای

۵ آفرین بر دل نرم تو که از بهر ثواب — کشتهٔ غمزهٔ خود را به نماز آمده‌ای

۶ زهد من با تو چه سنجد که به یغمای دلم — مست و آشفته به خلوتگه راز آمده‌ای

۷ گفت: حافظ دگرت خرقه شراب آلود است — مگر از مذهب این طایفه باز آمده‌ای

---

۱۰ نسخه : **یج کا طو خ مج مط سو سز فط تغ**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۹ نسخهٔ فوق (سوای طو).

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۴	۲	۳	۵	۶	۷

۲/۱ **یج مط سو سز تغ** : ناز مفرمای و

۲/۲ **طو** : چو به پرسیدن

۳/۱ **خ** : تو میرم

۳/۲ **طو** : چو به هر حال برآرندهٔ ناز. **خ** : چون به هر حال.

۴/۱ **سز** : از لب و رخ.

۴/۲ **خ** : که بس شعبده‌باز.

۷/۱ **خ** : شراب‌آلوده‌ست.

۷/۲ **مج مط سو** : آن طایفه.

شمار دگرسانیها : خ = ۴ - طو مط سو سز = ۲ -

یج مج تغ = ۱ - کا فط = ۰ -

۳۷۴

۱ ای دل گر از آن چاه زنخدان بدر آئی — هر جا که روی زود پشیمان بدر آئی
۲ هش‌دار که گر وسوسهٔ نفس کنی گوش — آدم صفت از روضهٔ رضوان بدر آئی
۳ شاید که به آبی فلکت دست نگیرد — گر تشنه لب از چشمهٔ حیوان بدر آئی
۴ جان می‌دهم از حسرت دیدار تو چون صبح — باشد که چو خورشید درخشان بدر آئی
۵ چندان چو صبا بر تو گمارم دم همّت — کز غنچه چو گل خرّم و خندان بدر آئی
۶ در تیره شب هجر تو جانم به لب آمد — وقت است که همچون مه تابان بدر آئی
۷ بر خاک درت بسته‌ام از دیده دو صد جوی — تا بو که تو چون سرو خرامان بدر آئی
۸ حافظ مکن اندیشه که آن یوسف مهروی — باز آید و از کلبهٔ احزان بدر آئی

۶ نسخه : **یج طو خ نه قب فط**

ترتیب ابیات =

خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷
طو :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷
نه قب :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸
فط :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷

۱/۲ **طو** : باز پشیمان.
۲/۱ **خ** : وسوسهٔ عقل.
۳/۲ **یج** : کت تشنه لب از چشمهٔ حیوان.
۵/۱ **یج** : تاکی چو صبا. **یج** : بر تو گمارم دم و همت. ۵/۲ **یج** : کز غنچهٔ گل.
۶/۱ **نه** : از تیره شب.
۷/۱ **طو خ** : بر رهگذرت. **یج** : بستم از دیده. **طو** : دو صد جو.
۸/۱ **یج** : خسرو خوبان. **طو خ** : یوسف مهرو. **فط** : یوسف کنعان.
شمار دگرسانیها : یج = ۶ - طو = ۴ - خ = ۳ - نه فط = ۱ - قب = ۰ -

۱ در همه دیر مغان نیست چو من شیدائی — خرقه جائی گرو باده و دفتر جائی
۲ دل که آئینهٔ شاهی‌ست غباری دارد — از خدا می‌طلبم صحبت روشن رائی
۳ کرده‌ام توبه به دست صنم باده‌فروش — که دگر می نخورم بی‌رخ بزم آرائی
۴ جویها بسته‌ام از دیده به دامن که مگر — در کنارم بنشانند سهی بالائی
۵ کشتی باده بیاور که مرا بی رخ دوست — گشت هر گوشهٔ چشم از غم دل دریائی
۶ سرّ این نکته مگر شمع بر آرد به زبان — ورنه پروانه ندارد به سخن پروائی
۷ نرگس ار لاف زد از شیوهٔ چشم تو مرنج — نروند اهل نظر از پی نابینائی
۸ این حدیثم چه خوش آمد که سحرگه می‌گفت — بر در میکده‌ای با دف و نی ترسائی
۹ گر مسلمانی ازین است که حافظ دارد — آه اگر از پی امروز بود فردائی

---

(۱۰) سخن غیر مگو با من معشوقه پرست — کز وی و جام میَم نیست به کس پروائی

۸ نسخه : **یج طو خ عز فخ فط صف تغ**

									(۱۰)
ترتیب ابیات = **یج فخ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
طو :	۱	۲	۵	۴	۳	۷	۶	۸	۹	۰
خ :	۱	۲	۵	۴	۳	۷	۶	۹	۱۰	۸
عز صف :	۱	۲	۶	۵	۴	۳	۸	۹	۱۰	۷
فط :	۱	۲	۶	۸	۳	۴	۷	۹	۱۰	۵
تغ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۱۰	۷

۲/۲ **طو** : از خدا می‌طلبد.
۳/۱ **فط تغ** : صنمی باده‌فروش.
۴/۱ **خ** : از دیده به دامان. ۴/۲ **یج** : برکنارم.
۶/۱ **طو خ** : شرح این قصه. **عز صف** : شرح این نکته.
۷/۲ **طو** : نرود اهل نظر.
شمار دگرسانیها : طو = ۳ - خ = ۲ - یج عز فط صف تغ = ۱ - فخ = ۰.

۳۷۶

۱ به چشم کرده‌ام ابروی ماه سیمائی — خیال سبزخطی نقش بسته‌ام جائی

۲ زمام دل به کسی داده‌ام من درویش — که نیستش به‌کس از تاج و تخت پروائی

۳ سرم ز دست بشد، چشم از انتظار بسوخت — در آرزوی سرو چشم مجلس آرائی

۴ اُمید هست که منشور عشقبازی من — ازان کمانچهٔ ابرو رسد به طُغرائی

۵ مکدّر است دل، آتش به خرقه خواهم زد — بیا ببین که کرا می‌کند تماشائی

۶ به روز واقعه تابوت ما ز سرو کنید — که می‌رویم به داغ بلندبالائی

۷ دران مقام که خوبان ز غمزه تیغ زنند — عجب مدار سری اوفتاده در پائی

۸ فراق و وصل چه باشد؟ رضای دوست طلب — که حیف باشد ازو غیر او تمنّائی

۹ دُرر ز شوق بر آرند ماهیان به نثار — اگر سفینهٔ حافظ بری به دریائی

---

(۱۰) مرا که از رخ او ماه در شبستان است — کجا بود به فروغ ستاره پروائی

۷ نسخه : یج طو خ مج نز عد صف

ترتیب ابیات =

										(۱۰)
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
طو :	۱	۰	۳	۲	۴	۵	۶	۸	۹	۷
خ :	۱	۶	۳	۲	۴	۵	۷	۹	۱۰	۸
مج :	۱	۶	۳	۲	۴	۸	۵	۷	۹	۰
نز :	۱	۷	۳	۲	۴	۹	۵	۸	۱۰	۶
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۱۰	۸
صف :	۱	۶	۳	۲	۴	۸	۰	۷	۹	۵

۲/۱ **صف** : عنان دل.

۳/۱ **طو مج نز** : سرم ز دست شد و. ۳/۲ **صف** : ماه‌سیمائی.

۴/۱ **یج** : زهی خیال. ۴/۲ **طو** : ازان کمان مه‌ابرو.

۵/۲ **مج** : بیا بیا. **عد** : که کری می‌کند.

۶/۱ **یج** : تابوت من.

۷/۱ **یج** : ز غمزه تیغ کشند. **طو** : ز غمزه تیر زنند.

۸/۲ **یج طو** : ازو غیر ازو.

۹/۲ **خ** : رسد به دریائی.

شمار دگرسانیها : یج طو = ۴ - مج صف = ۲ - خ نز عد = ۱ -

۳۷۷

۱ سلامی چو بوی خوش آشنائی   بدان مردم دیدهٔ روشنائی
۲ درودی چو نور دل پارسایان   بدان شمع خلوتگه پارسائی
۳ نمی‌بینم از همدمان هیچ بر جای   دلم خون شد از غصّه، ساقی کجائی
۴ ز کوی مغان رخ مگردان، که آنجا   فروشند مفتاح مشکل گشائی
۵ می صوفی افکن کجا می‌فروشند؟   که در تابم از دست زهد ریائی
۶ رفیقان چنان عهد صحبت شکستند   که گوئی نبوده است خود آشنائی
۷ عروس جهان گرچه در حدّ حسن است   ز حد می‌برد شیوهٔ بیوفائی
۸ دل خستهٔ من گرش همّتی هست   نخواهد ز سنگین دلان مومیائی
۹ مرا گر تو بگذاری، ای نفس طامع   بسی پادشاهی کنم در گدائی
۱۰ بیاموزمت کیمیای سعادت   ز هم‌صحبت بد جدائی، جدائی
۱۱ مکن حافظ از جور دوران شکایت   چه دانی تو ای بنده کار خدائی

---

۱۰ نسخه : **یج طو خ مج نز سز عد عز فط صف**

ترتیب ابیات -

یج عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
طو فط :	۱	۲	۳	۴	۰	۰	۵	۶	۷	۸	۹
خ :	۱	۲	۳	۴	۷	۸	۵	۶	۹	۱۰	۱۱
مج نز :	۱	۲	۳	۵	۴	۸	۶	۷	۱۰	۹	۱۱
سز صف :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷	۸	۱۰	۹	۱۱
عز :	۱	۰	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۰	۸	۹

۱/۱ **یج** : چو باد خوش.   ۱/۲ **یج مج** : بران مردم.
۲/۲ **مج نز** : بران شمع.
۳/۱ **عد فط** : از همرهان.
۴/۱ **طو** : رو مگردان. **نز** : ره بگردان. **یج** : که اینجا.
۹/۲ **خ** : بسی پادشایی کنم.
۱۱/۲ **طو** : تو ای تواینده.
شمار دگرسانیها : یج = ۳ - طو مج نز = ۲ - خ عد فط = ۱ - سز عز صف = ۰ -

۳۷۸

۱ ای پادشه خوبان، داد از غم تنهائی — دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آئی

۲ مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد — کز دست بخواهد شد پایاب شکیبائی

۳ ای درد توام درمان در بستر ناکامی — وی یاد توام مونس در گوشهٔ تنهائی

۴ در دایرهٔ قسمت ما نقطهٔ تسلیمیم — لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمائی

۵ فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست — کُفر است درین مذهب خودبینی و خودرائی

۶ یارب به که شاید گفت این نکته که در عالم — رخساره به کس ننمود آن شاهد هرجائی

۷ دیشب گلهٔ زلفت با باد همی گفتم — گفتا غلطی، بگذر زین فکرت سودائی

۸ صد باد صبا آنجا با سلسله می‌رقصند — این است حریف ای دل، تا باد نپیمائی

۹ ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست — شمشاد خرامان کن تا باغ بیارائی

۱۰ دایم گل این بُستان شاداب نمی‌ماند — دریاب ضعیفان را در وقت توانائی

۱۱ زین دایرهٔ مینا خونین جگرم، می ده — تا حل کنم این مشکل در ساغر مینائی

۱۲ حافظ شب هجران شد بوی خوش صبح آمد — شادیت مبارک باد، ای عاشق شیدائی



۵ نسخه : حیـ طو خ مج تق

متن = مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
حیـ :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸	۰	۹	۱۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۱۰	۱۱	۸	۷	۹	۱۲
خ :	۱	۵	۸	۹	۱۰	۶	۳	۴	۷	۲	۱۱	۱۲
تق :	۱	۲	۴	۰	۵	۶	۸	۷	۹	۳	۱۰	۱۱

۲/۲ **حیـ** : کز دلت بخواهد رفت. **طو** : نایاب شکیبائی. ۳/۱ **حیـ** : بر بستر ناکامی. **طو** : ای درد توام درمان مستیز به ناکامی. ۳/۲ **طو** : چون عشق تو فخر ماست ما را چه ز بدنامی.

۴/۱ **حیـ** : در دایرهٔ پنهان. **حیـ** : ما نقطهٔ پرگاریم. ۶/۲ **حیـ** : رخسار به کس.

۷/۱ **خ مج** : گلهٔ زلفش. **حیـ خ** : با باد همی کردم. ۸/۱ **خ مج تق** : باد صبا اینجا. **حیـ** : بی‌سلسله می‌رقصند. **طو** : با سلسله می‌رقصد. ۹/۱ **حیـ** : ساقی چمن را چون رخسار تو رنگی نیست.

۱۰/۱ **طو خ** : سیراب نمی‌ماند. ۱۰/۲ **مج** : در روز توانائی. ۱۱/۱ **تق** : خونی جگرم.

۱۲/۱ **طو** : بوی خوش یار. **خ** : بوی خوش وصل. ۱۲/۲ **طو** : ای عاشق هرجائی.

شمار دگرسانیها : حیـ = ۸ - طو = ۷ - خ = ۵ - مج = ۳ - تق = ۲ -

۱ می خواه و گل‌افشان کن، از دهر چه می‌جوئی؟ — این گفت سحرگه گل، بلبل تو چه می‌گوئی ؟
۲ مسند به گلستان بر تا شاهد و ساقی را — لب گیری و رخ بوسی، می نوشی و گل بوئی
۳ شمشاد خرامان کن وآهنگ گلستان کن — تا سرو بیاموزد از قدّ تو دلجوئی
۴ تا غنچهٔ خندانت دولت به که خواهد داد — ای شاخ گل رعنا از بهر که می‌روئی ؟
۵ چون شمع، نکو روئی بر رهگذر باد است — طرف هنری بربند از شمعِ نکو روئی
۶ امروز که بازارت پر جوش خریدار است — دریاب و بنه گنجی از مایهٔ نیکوئی
۷ آن طرّه که هر جعدش صد نافهٔ چین ارزد — خوش بودی اگر بودی بوئیش ز خوشخوئی
۸ هر مرغ به دستانی در گلشن شاه آید — بلبل به نواسازی، حافظ به دعاگوئی

۶ نسخه : یج خ مج قب عد صد

ترتیب ابیات = یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
مج قب :	۱	۲	۴	۳	۰	۵	۶	۷
خ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸
عد :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
صد :	۱	۲	۳	۴	۵/۱ ۰	۰ ۵/۲	۶	۷

۲/۱ یج عد صد : زان به چه که در بستان معشوقه و ساقی را.
۳/۱ صد : شمشاد خرامان کن آهنگ.
۵/۱ خ : در رهگذر باد است. ۵/۲ یج : از مایهٔ نیکوئی.
۷/۱ یج : صد نافهٔ چین دارد.
۷/۲ یج : بوئیش ز خوشبوئی. عد : بوئیش ز خوش (...؟).
۸/۱ یج مج : در مجلس شاه آید. خ : در گلشن شاه آمد. قب : در گلشن شاه آیند.
۸/۲ مج قب : بلبل به غزل‌خوانی. خ : حافظ به غزل‌گوئی.
شمار دگرسانیها : یج = ۵ - خ = ۳ - مج قب عد صد = ۲ -

۱ مخمور جام عشقم، ساقی بده شرابی — پر کن قدح که بی می مجلس ندارد آبی
۲ عشق رخ چو ماهش در پرده راست ناید — مطرب بزن نوائی ساقی بده شرابی
۳ شد حلقه قامت من تا بعد ازین رقیبت — زین در دگر نراند ما را به هیچ بابی
۴ در انتظار رویت ما و امیدواری — در عشوهٔ وصالت ما و خیال و خوابی
۵ مخمور آن دو چشمم آیا کجاست جامی؟ — بیمار آن دو لعلم آخر کم از جوابی
۶ حافظ چه می‌نهی تو، دل بر خیال خوبان — کی تشنه سیر گردد از لمعهٔ سرابی؟

---

۵ نسخه : یج طو خ مج نز

متن = طو خ مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶
یج :	۱	۲	۰	۳	۴	۰

۲/۱ **طو** : عیش رخ. خ : وصف رخ. **طو** : در دیده راست آمد.
۳/۱ **نز** : شد حلقه قامت ما.
۳/۲ **طو خ** : هر دم ز در نراند. خ : دیگر به هیچ بابی.
۴/۱ **یج** : ما و امید روزی.
۴/۲ **یج** : در عشوه و خیالت. **یج** : ما و خیال خوابی.
۵/۱ **یج** : آخر کجاست جامی.
۶/۱ **طو** : چه می‌نهی تو دل در. خ : چه می‌نهی دل تو در. نز : چه می‌نهی تو بر دل.
شمار دگرسانیها : یج طو خ =۴- نز =۲- مج =۰-

۱ با مدّعی مگوئید اسرار عشق و مستی — تا بیخبر بمیرد در درد خود پرستی
۲ عاشق شو ارنه روزی کار جهان سر آید — ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی
۳ تا فضل و عقل بینی بی‌معرفت نشینی — یک نکته‌ات بگویم خود را مبین و رستی
۴ بر آستان جانان از آسمان میندیش — کز اوج سربلندی افتی به خاک پستی
۵ خار ار چه جان بکاهد، گل عذر آن بخواهد — سهل است تلخی می در جنب ذوق مستی
۶ آن روز دیده بودم این فتنه‌ها که برخاست — کز سرکشی زمانی با ما نمی‌نشستی
۷ عشقت به دست طوفان خواهد سپردن ای جان — چون برق ازین کشاکش پنداشتی که جستی
۸ صوفی پیاله پیما، حافظ قرابه پرهیز — ای کوته آستینان تا کی دراز دستی ؟

(۹) با ضعف و ناتوانی همچون نسیم خوش باش — بیماری اندرین ره خوشتر ز تندرستی
(۱۰) در مذهب طریقت خامی نشان کفر است — آری طریق رندی چالاکی است و چستی
(۱۱) در گوشهٔ سلامت مستور چون توان بود — تا نرگس تو با ما گوید رموز مستی
(۱۲) در آب دیده حافظ تا دید زلف پستت — با جمله سربلندی شد پایمال پستی

۵ نسخه : یج مج ند حة تم

									(۹)	(۱۰)	(۱۱)	(۱۲)
متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۰	۰	۰
یج :	۱	۵	۳	۴	۹	۸	۰	۱۱	۲	۶	۷	۱۰
مج :	۱	۲	۱۰	۴	۵	۷	۸	۱۱	۳	۹	۶	۰
ند :	۱	۲	۸	۴	۵	۰	۰	۹	۳	۷	۶	۰
حة :	۱	۵	۳	۴	۸	۷	۰	۹	۲	۰	۶	۰
تم :	۱	۲	۵	۶	۴	۹	۰	۱۰	۳	۸	۷	۰

۱/۱ **ند** : احوال عشق و مستی.
۳/۱ **مج ند** : تا علم و عقل.
۳/۲ **حة** : مبین که رستی.
۴/۱ **یج حة تم** : در آستان جانان.
۵/۲ **مج ند** : در جنب عیش مستی.
۶/۱ **یج** : آن فتنه‌ها.
۸/۱ **یج** : عابد قرابه‌پرهیز.
(۱۰/۲) **یج تم** : آری طریق دولت.
(۱۲/۱) **یج** : از راه دیده حافظ.
شمار دگرسانیها : یج = ۵ - ند = ۳ - مج حة تم = ۲ -

۳۸۲

۱ آن غالیه خط گر سوی ما نامه نوشتی   گردون ورق هستی ما در ننوشتی
۲ هرچند که هجران ثمر وصل بر آرد   دهقان جهان کاش که این تخم نکشتی
۳ آمرزش نقد است کسی را که در اینجا   یاری‌ست چو حوریّ و سرائی چو بهشتی
۴ تنها نه منم کعبهٔ دل بتکده کرده   در هر قدمی صومعه‌ای هست و کنشتی
۵ در مصطبهٔ عشق تنعّم نتوان کرد   چون بالش زر نیست بسازیم به خشتی
۶ مفروش به باغ ارم و نخوت شدّاد   یک شیشه می و نوش لبیّ و لب کشتی
۷ تا کی غم دنیای دنی، ای دل دانا   حیف است ز خوبی که شود عاشق زشتی
۸ آلودگی خرقه خرابیّ جهان است   کو راهروی، اهل دلی، پاک سرشتی؟
۹ از دست چرا هِشت سر زلف تو حافظ   تقدیر چنین بود، چه کردی که نهشتی؟

---

۷ نسخه : یج طو خ نز قب سز حک

متن = یج طو حک :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
خ :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷	۸
نز سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹
قب :	۱	۲	۳	۴	۸	۵	۶	۷	۹

۱/۱ **یج** : گر بر ما.   ۱/۲ **نز** : هجرش ورق.

۲/۱ **یج** : نمر وصل بر آورد.

۲/۲ **یج** : کاچ که (با املای کاچ که). **طو** : این دانه نکشتی.

۶/۱ **قب حک** : جنت شداد.

۷/۱ **یج** : دنیی دنی. **طو** : دنیا دنی ای دل نادان.

۸/۲ **سز** : پاک‌دلی خوب سرشتی.

شمار دگرسانیها : یج = ۴ - طو = ۲ - نز قب سز حک = ۱ - خ = ۰ -

۳۸۳

۱ ای قصّهٔ بهشت ز کویت حکایتی شرح جمال حور ز رویت روایتی
۲ انفاس عیسی از لب لعلت لطیفه‌ای وآب خضر ز نوش دهانت کنایتی
۳ هر پاره از دل من و از غصّه قصّه‌ای هر سطری از خصال تو وز رحمت آیتی
۴ کی عطرسای مجلس روحانیان شدی گل را اگرنه بوی تو کردی رعایتی
۵ در آرزوی خاک ره یار سوختیم یادآور ای صبا که نکردی حمایتی
۶ ای دل به هرزه دانش و عمرت ز دست رفت صد مایه داشتیّ و نکردی کفایتی
۷ در آتش ار خیال رخش دست می‌دهد ساقی بیا که نیست ز دوزخ شکایتی
۸ دانی مُراد حافظ ازین درد و غصّه چیست؟ از تو کرشمه‌ایّ و ز خسرو عنایتی

---

(۹) بوی دل کباب من آفاق را گرفت این آتش درون بکند هم سرایتی

۶ نسخه : **یج طو خ مج سد فخ**

ترتیب ابیات =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	(۹)
سد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
یج طو فخ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۷
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۸	۶	۹	۷

۲/۱ **طو** : انفاس حور از لب لعلت لطیفه‌ای.
۲/۲ **طو خ فخ** : آب خضر. **خ فخ** : ز نوش لبانت.
۳/۱ **سد** : از دل من و وز غصه قصه‌ای. **طو** : از قصه غصه‌ای.
۳/۲ **یج** : هر شطری. **فخ** : از رحمت. **طو** : از خصال تو و از رحمت.
۴/۱ **سد** : گر عطر سای مجلس.
۵/۱ **یج خ** : خاک در یار. ۵/۲ **طو** : یاد آر ای صبا.
۶/۱ **طو** : دانش و جهدت. **سد** : دانش و دینت. **خ** : به باد رفت. **مج سد** : ز دست شد.
۷/۱ **مج** : خیال رخت.
۸/۱ **یج مج سد** : ازین درس غصه.
(۹/۱) **مج** : این سوز اندرون.
شمار دگرسانیها : طو=۶- سد=۵- خ مج=۴- یج فخ=۳-

۱ دیدم به خواب دوش که ماهی بر آمدی — کز عکس روی او شب هجران سر آمدی

۲ تعبیر چیست؟ یار سفرکرده می‌رسد — ای کاش هرچه زودتر از در در آمدی

۳ ذکرش بخیر ساقی فرخنده فال من — کز در مدام با قدح و ساغر آمدی

۴ خوش بودی ار به خواب بدیدی دیار خویش — تا یاد صحبتش سوی ما رهبر آمدی

۵ آنکو تو را به سنگدلی گشت رهنمون — ای کاشکی که پاش به سنگی بر آمدی

۶ فیض ازل به زور و زر ار آمدی به دست — آب خضر نصیبهٔ اسکندر آمدی

۷ آن عهد یاد باد که از بام و در مرا — هر دم پیام یار و خط دلبر آمدی

۸ کی یافتی رقیب تو چندین مجال ظلم — مظلومی ار شبی به درِ داور آمدی

۹ خامان ره نرفته چه دانند ذوق عشق؟ — دریا دلی بجوی، دلیری، سر آمدی

۱۰ ور دیگری به شیوهٔ حافظ زدی رقم — مقبول طبع شاه هنرپرور آمدی

---

۶ نسخه : **طو خ مج مط نز عد**

ترتیب ابیات =

مط :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
طو خ :	۱	۲	۳	۴	۹	۵	۶	۷	۸	۱۰
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۱۰	۷
عد :	۱	۲	۳	۴	۸	۵	۶	۹	۷	۱۰

۲/۱ **خ** : تعبیر رفت. ۲/۲ **طو خ مج** : ای کاج (با املای ای کاج).

۴/۱ **نز** : بدیدی خیال دوست.

۵/۱ **خ مط** : کرد رهنمون.

۶/۱ **مط** : فضل ازل.

۷/۲ **مج مط** : دایم پیام. **عد** : پیام دوست و غم دلبر آمدی.

۹/۱ **عد** : ندانند سوز عشق.

۹/۲ **مط** : دانا دلی. **طو** : دریادلی بجون تو دلیری برآمدی.

۱۰/۱ **طو خ** : گر دیگری. **مج مط** : :دی قلم. **عد** : رقم زدی.

شمار دگرسانیها : مط = ۵ - خ = ۴ - طو مج عد = ۳ - نز = ۱ -

۱ سحر با باد می‌گفتم حدیث آرزومندی — خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی
۲ دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است — بدین راه و روش می‌رو، که با دلدار پیوندی
۳ قلم را آن زبان نبود که سرّ عشق گوید باز — ورای حدّ تقریر است شرح آرزومندی
۴ الا ای یوسف مصری که کردت سلطنت مشغول — پدر را بازپرس آخر کجا شد مهر فرزندی
۵ جهان پیر رعنا را ترحّم در جبلّت نیست — ز مهر او چه می‌جوئی، در او همّت چه می‌بندی
۶ همائی چون تو عالیقدر حرص استخوان حیف است — دریغ آن سایهٔ دولت که بر نااهل افکندی
۷ درین بازار اگر سودی‌ست با درویش خرسند است — خدایا منعمم گردان به درویشیّ و خرسندی
۸ به شعر حافظ شیراز می‌رقصند و می‌نازند — سیه چشمان کشمیریّ و ترکان سمرقندی

(۹) دل اندر زلف لیلی بند و کار از عقل مجنون کن — که عاشق را زیان دارد مقالات خردمندی
(۱۰) به سِحر غمزهٔ فتّان دوابخشیّ و دردانگیز — به چین زلف مشک افشان دلارامی و دلبندی
(۱۱) به خوبان دل مده حافظ ببین آن بیوفائیها — که با خوارزمیان کردند ترکان سمرقندی

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز عد**

ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	(۹)	(۱۰)	(۱۱)
= خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰	۰	۸
طو :	۱	۰	۲	۴	۷	۶	۸	۹	۳	۵	۰
مج نز :	۱	۹	۲	۴	۶	۷	۸	۰	۳	۵	۱۰
عد :	۱	۲	۳	۵	۶	۷	۸	۰	۴	۰	۹

۱/۲ **مج نز** : جواب آمد. **طو** : به وصلم مژدگانی داد و الطاف خداوندی.
۲/۲ **یج** : که در دلدار پیوندی. ۳/۲ **یج** : ورای حد تقریر است.
۴/۱ **طو** : بیا ای یوسف. **خ** : که کردت سلطنت مغرور. ۵/۲ **یج** : ز عشق او. **خ** : چه می‌پرسی.
۶/۱ **طو مج نز** : همائی چون تو عالیقدر و. **طو عد** : حرص استخوان تاکی. **خ** : سهل است.
۶/۲ **یج خ عد** : سایهٔ همت.
۷/۱ **مج** : درین عالم. **طو** : اگر سود است.
۸/۱ **طو** : می‌رقصند و می‌خندند. ۸/۲ **خ** : سیه‌چشمان شیرازی و.
(۹/۲) **عد** : ملاقات خردمندی.
شمار دگرسانیها : طو = ۶ - خ = ۵ - یج = ۴ - مج عد = ۳ - نز = ۲ -

۱ چه بودی ار دل آن ماه مهربان بودی | که حال ما نه چنین بودی ار چنان بودی
۲ گرم زمانه سرافراز داشتیّ و عزیز | سریر عزّتم آن خاک آستان بودی
۳ به خواب نیز نمی‌بینمش چه جای وصال | چو این نبود و ندیدیم باری آن بودی
۴ بگفتمی که چه ارزد نسیم طرّهٔ دوست | گرم به هر سر مونی هزار جان بودی
۵ برات خوشدلی ما چه کم شدی یارب | گرش نشان امان از بد زمان بودی
۶ ز پرده کاش برون آمدی چو قطرهٔ اشک | که بر دو دیدهٔ ما حکم او روان بودی
۷ اگرنه دایرهٔ عشق راه بربستی | چو نقطه حافظ بیدل نه در میان بودی

---

۷ نسخه : **یج طو خ مج نز صف تغ**

									مربوط به غزل ۳۸۷: ۳	۴
ترتیب ابیات = **تغ**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰
یج	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۰	۰
طو	:	۱	۵	۰	۲	۴	۶	۷	۰	۳
خ	:	۱	۷	۵	۲	۴	۸	۹	۶	۳
مج نز صف	:	۱	۲	۰	۳	۶	۵	۷	۰	۴

۱/۱ **یج تغ** : ار دل آن یار. ۱/۲ **طو مج نز** : که کار ما.
۳/۱ **خ** (ضمن این غزل و ضمن غزل۳۸۷) : چه جای خیال. ۳/۲ **تغ** : چو آن نبود و.
۴/۱ **طو** : به نکهتی که چو آرد نسیم.
۵/۱ **طو** : برای خوشدلی ما. **تغ** : چه کم شود.
۵/۲ **طو** : گرش تفقد این زار ناتوان بودی.
۶/۱ **یج صف** : ز پرده کاج (با املای کاج).
۶/۲ **نز** : که بر دو چشم همه.
۷/۱ **طو** : اگر نه دایرهٔ راه عشق برگشتی.
۷/۲ **یج** : حافظ مسکین نه در میان. **تغ** : حافظ مسکین دران میان.
خ : حافظ سرگشته در میان.
شمار دگرسانیها : **طو** =۵- **تغ** =۴- **یج** =۳- **خ نز** =۲- **مج صف** =۱-

۱ به جان او که گرم دسترس به جان بودی　　کمینه پیشکش بندگانش آن بودی

۲ اگر دلم نشدی پایبند طرّهٔ او　　کِیَم قرار درین تیره خاکدان بودی

۳ به رخ چو مهر فلک بی‌نظیر آفاق است　　به دل دریغ که یک ذرّه مهربان بودی

۴ عیان شدی که بها چیست خاک پایش را　　اگر حیات گرانمایه جاودان بودی

۵ در آمدی ز درم کاشکی چو لمعهٔ نور　　که بر دو دیدهٔ ما حکم او روان بودی

۶ به بندگیِّ قدش سرو معترف گشتی　　اگر چو سوسن آزاده دَه زبان بودی

۷ ز پرده نالهٔ حافظ برون کی افتادی　　اگرنه همدم مرغان صبح خوان بودی

---

۶ نسخه : **یج طو خ　فخ فط تغ**

ترتیب ابیات متن برابر است با یج فخ فط تغ

								مربوط به غزل ۳۸۶ بیت ۳
متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	٠
طو :	۱	۲	۳	٠	۴	٠	۵	٠
خ :	۱	۵	۶	۲	۷	۳	۸	۴

۲/۲ **طو خ** : کیش قرار درین.

۳/۱ **یج** : بی‌نظیر آفاق اوست.

۳/۲ **خ** (ضمن غزل ۳۸۶) : به دل چه بودی اگر نیز مهربان بودی.

۴/۱ **یج خ فخ فط تغ** : بگفتمی. (ضبط این بیت ضمن غزلِ ۳۸۶ در همهٔ نسخه‌ها با «عیان شدی» آغاز می‌شود.

۵/۱ **یج تغ** : کاچکی (با املای کاجکی). **فط** : کاجکی.

۵/۲ **یج** : که بر دو [د] یدهٔ ما.

۶/۲ **خ** : گرش چو سوسن. **یج فط** : آزاده‌اش زبان بودی.

شمار دگرسانیها : یج = ۵ - خ = ۴ - فط = ۳ - تغ = ۲ - طو فخ = ۱ -

۳۸۸

۱ تو را که هرچه مُراد است در جهان داری — چه غم ز حال ضعیفان ناتوان داری

۲ بخواه جان و دل از بنده و روان بستان — که حکم بر سر آزادگان روان داری

۳ میان نداری و دارم عجب که هر ساعت — میان مجمع خوبان کنی میانداری

۴ بیاض روی تو را نیست نقش درخور ازانک — سوادی از خط مشکین بر ارغوان داری

۵ بنوش می که سبک روحی ای ظریف مدام — علی‌الخصوص درین دم که سرگران داری

۶ مکن عتاب ازین بیش و جور بر دل ما — بکن هر آنچه توانی که جای آن داری

۷ به اختیارت اگر صد هزار تیر جفاست — به قصد جان من خسته در کمان داری

۸ بکش جفای رقیبان مدام و خوشدل باش — که سهل باشد اگر یار مهربان داری

۹ به وصل دوست گرت دست می‌دهد یک دم — برو، که هرچه مُراد است در جهان داری

۱۰ چو گل به دامن ازین باغ می‌بری حافظ — چه غم ز ناله و فریاد باغبان داری

---

(۱۱) چو ذکر لعل لبش می‌کنی چه می‌شنوی — حدیث یا شکر است آن که در دهان داری

۶ نسخه : **طو خ سز فط صف حک**

ترتیب ابیات = **خ صف حک** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	(۱۱) ٠
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	٠	۸	۹	۱۰
سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۱	۱۰
فط :	۱	۲	۴	۵	۳	۸	۷	۶	۹	۱۰	٠

۴/۱ **طو** : در خور رنگ. **خ** : در خور زانک. ۴/۲ **طو** : سواد از خط مشکین ارغوان داری.

۵/۱ **طو خ** : سبک روحی و. **طو** : لطیف اندام. **خ** : لطیف مدام. **سز** : حریف مدام.

۵/۲ **طو خ** : دران دم.

۶/۱ **طو سز صف حک** : جور بر دل من. **فط** : جور با دل ما. ۶/۲ **خ صف** : مکن هر آنچه توانی.

۷/۱ **صف حک** : به اختیار گرت. **خ** : به اختیارت اگرت. **سز** : به اختیار اگرت.

۷/۲ **سز صف حک** : به قصد خون من خسته.

۸/۱ **فط** : بکش جفای حسودان. **سز صف** : جفا ز رقیبان. **خ** : مدام و جور حسود. **فط** : دلا و جور رقیب.

۹/۱ **فط** : وصال دوست. **حک** : گرت دست می‌رسد.

۱۰/۱ **طو** : ازین باغ می‌برد حافظ.

شمار دگرسانیها : طو خ = ۷ - سز صف = ۵ - فط حک = ۴ -

۳۸۹

۱ صبا تو نکهت آن زلف مشکبو داری — به یادگار بمانی که بوی او داری

۲ دلم که گوهر اسرار حسن و عشق در اوست — توان به دست تو دادن گرش نکو داری

۳ قبای حسن فروشی تو را برازد و بس — که همچو گل همه آئین رنگ و بو داری

۴ دم از ممالک خوبی چو آفتاب زدن — تو را رسد که غلامان ماهرو داری

۵ دران شمایل مطبوع هیچ نتوان گفت — جز این قَدَر که رقیبان تندخو داری

۶ نوای بلبلت ای گل کجا پسند افتد؟ — که گوش هوش به مرغان هرزه‌گو داری

۷ به جرعهٔ تو سرم مست گشت نوشت باد — خود از کدام خُم است این که در سبو داری؟

۸ به سر کشیِّ خود ای سرو جویبار مناز — که گر به او رسی از شرم سر فرو داری

۹ ز کنج صومعه حافظ مجوی گوهر عشق — قدم برون نه اگر میل جست و جو داری

---

۶ نسخه : **یج طو خ مج نز عد**

ترتیب ابیات									
= **مج نز** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج طو عد :	۱	۲	۰	۰	۳	۴	۵	۶	۷
خ :	۱	۲	۸	۷	۳	۴	۵	۶	۹

۲/۱ **طو** : اسرار حسن عشق. ۲/۲ **طو** : توان به دست تواش دادگر نکو داری.

۶/۱ **طو** : نوای بلبلت ای دل.

۶/۲ **یج عد** : جو گوش هوش. **طو** : چه گوش هوش.

۷/۱ **طو** : سرم سبز گشت نوشت باد.

۸/۲ **طو خ** : که گر بدو رسی. **یج** : از شرم سر فرو آری. **طو** : سر فرود آری.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - یج = ۲ - خ عد = ۱ - مج نز = ۰ -

۳۹۰

۱ بیا با ما مورز این کینه داری — که حقّ صحبت دیرینه داری

۲ نصیحت گوش کن کین دُر بسی بِه — از آن گوهر که در گنجینه داری

۳ به فریاد خمار مفلسان رس — خدا را گر مِی دوشینه داری

۴ و لیکن کی نمائی رخ به رندان — تو کز خورشید و مه آئینه داری

۵ بدِ رندان مگو ای شیخ و هش دار — که با مهر خدائی کینه داری

۶ نمی‌ترسی ز آه آتشینم؟ — تو دانی خرقهٔ پشمینه داری

۷ ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ — به قرآنی که اندر سینه داری

---

۱۴ نسخه : **یج حیـ طو کد که خ   لو مط عد عز صة صد حة حک**

ترتیب ابیات متن برابر است با ۱۲ نسخهٔ فوق (سوای طو خ).

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
طو خ	:	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۷

۱/۱ **کد** : بتا با ما مورز.

۵/۲ **حیـ** : تو با مهر خدائی. **طو** : که بر حکم خدائی.

خ : که با حکم خدائی.

۶/۲ **طو** : که در بر خرقهٔ.

شمار دگرسانیها : طو = ۲ - حیـ کد خ = ۱ -

یج که لو مط عد عز صة صد حة حک = ۰ -

۳۹۱

۱ ای که در کوی خرابات مقامی داری   جم وقت خودی ار دست به جامی داری

۲ ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز   فرصتت باد که خوش صبحی و شامی داری

۳ ای صبا، سوختگان بر سر ره منتظرند   گر از آن یار سفرکرده پیامی داری

۴ گو به هنگام وفا گرچه ثباتیت نبود   می‌کنم شکر که بر جور دوامی داری

۵ خال سرسبز تو خوش دانهٔ عیشی‌ست ولی   بر کنار چمنش وه که چه دامی داری

۶ بوی جان از لب خندان قدح می‌شنوم   بشنو ای خواجه اگر زانکه مشامی داری

۷ نامی ار می‌طلبد از تو غریبی چه شود   تونی امروز درین شهر که نامی داری

۸ بس دعای سحرت حارس جان خواهد بود   تو که چون حافظ شبخیز غلامی داری

---

۷ نسخه : **یج حی طو خ مج ند حة**

ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
= **مج ند** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج :	۱	۲	۳	۰	۰	۴	۰	۵
حی :	۱	۲	۴	۰	۶	۳	۵	۷
طو :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷
خ :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۸
حة :	۱	۲	۳	۰	۶	۴	۵	۷

۱/۲ **طو** : تونی امروز جم وقت که جامی داری.

۲/۱ **طو** : وی که با زلف و رخ یار. **ند** : این که با زلف و رخ خویش.

۴/۱ **خ** : چون به هنگام وفا هیچ ثباتیت نبود.

۵/۱ **حی حة** : خال شیرین تو. **طو** : تو چون. **طو** : دانهٔ عیش است ولی.

۶/۱ **مج ند** : لب جانبخش قدح.

۷/۱ **طو خ** : نام نیک ار طلبد. **ند** : نانی ار می‌طلبد.

۸/۱ **یج** : بسی دعای سحرت. **یج حی خ** : مونس جان.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - خ ند = ۳ - یج حی = ۲ - مج حة = ۱ -

۱ ای که مهجوری عشّاق روا می‌داری　　بندگان را ز برِ خویش جدا می‌داری

۲ تشنهٔ بادیه را هم به زلالی دریاب　　به امیدی که درین ره به خدا می‌داری

۳ دل ربودیّ و بحل کردمت ای جان لیکن　　بِه ازین دار نگاهش که مرا می‌داری

۴ ساغر ما که حریفان دگر می‌نوشند　　ما تحمّل نکنیم ار تو روا می‌داری

۵ ای مگس حضرت سیمرغ نه جولانگه توست　　عِرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری

۶ حافظ، از پادشهان پایه به خدمت طلبند　　کار ناکرده چه امّید عطا می‌داری

۷ تو به تقصیر خود افتادی ازین در محروم　　از که می‌نالی و فریاد چرا می‌داری؟

(۸) حافظا عادت خوبان همه جور است و جفا　　پس چرا اینهمه ناله ز جفا می‌داری

۸ نسخه : یج طو خ　مج عد عز فط صف

ترتیب ابیات =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	(۸)
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰
یج خ عد عز فط صف :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷

۱/۲ **طو خ مج عز صف** : عاشقان را. **طو** : ز در خویش. **عد** : ز بر در خویش.

۳/۱ **طو خ** : دل ببردی و.

۴/۲ **طو مج** : ما تحمل بکنیم (حرف اول بی‌نقطه). **عد عز فط صف** : ما تحمل بکنیم.

۵/۱ **طو** : حضرت سیمرغ تو جولانگه توست.

۶/۲ **خ** : سعی نابرده.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - خ = ۳ - مج عد عز صف = ۲ - فط = ۱ - یج = ۰ -

۳۹۳

۱ روزگاری‌ست که ما را نگران می‌داری / مخلصان را نه به وضع دگران می‌داری
۲ گوشهٔ چشم رضائی به منت باز نشد / اینچنین عزّت صاحب‌نظران می‌داری
۳ تاصبا بر گل و بلبل ورق حسن تو خواند / همه را نعره زنان جامه دران می‌داری
۴ ساعد آن بِه که بپوشی تو چو از بهر نگار / دست در خون دل پر هنران می‌داری
۵ پدر تجربه ای دل توئی آخر، ز چه روی / طمع مهر و وفا زین پسران می‌داری
۶ گرچه رندیّ و خرابی گنه ماست همه / عاشقی گفت که تو بنده بران می‌داری
۷ نرگس باغ نظر چون توئی ای چشم و چراغ / سر چرا بر من دلخسته گران می‌داری؟
۸ ای که در دلق ملمّع طلبی ذوق حضور / چشم سرّی عجب از بیخبران می‌داری
۹ گوهر جام جم از کان جهانی دگر است / تو تمنّا ز گل کوزه‌گران می‌داری
۱۰ کیسهٔ سیم و زرت پاک بباید پرداخت / زین طمعها که تو از سیمبران می‌داری
۱۱ مگذران روز سلامت به ملامت حافظ / چه توقّع ز جهان گذران می‌داری؟

(۱۲) نه گل از داغ غمت رَست نه بلبل در باغ / همه را نعره‌زنان جامه‌دران می‌داری

۷ نسخه : **یج طو کد که خ صد تم**

متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	(۱۲) ۰
یج صد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱۰	۰
طو :	۱	۲	۰	۳	۰	۰	۵	۴	۶	۰	۷	۰
کد :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۰	۱۰	۰
که :	۱	۲	۰	۵	۹	۶	۳	۷	۸	۰	۱۰	۴
خ :	۱	۲	۰	۳	۸	۱۰	۶	۵	۷	۹	۱۱	۴
تم :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۰	۰	۹	۰

۱/۲ **تم** : بندگان را. ۲/۱ **صد** : گوشه چشم رضائی نکنی باز به من.
۳/۲ **یج صد** : همه را جامه‌دران نعره‌زنان می‌داری. ۴/۱ **طو خ تم** : آن به که نپوشی. **طو** : تو و از بهر نگار.
۵/۱ **کد** : پدر تجربه ای دل چو توئی. **که** : پدر تجربه آخر توئی ای دل. **یج** : توئی از بهر چه روی.
۶/۱ **خ** : گنه ماست ولی. ۷/۱ **طو خ** : چون توئی. نرگس باغ نظر. **طو** : باغ نظر و چشم و چراغ.
۸/۱ **که صد** : ای که در دلق مرقع‌طلبی. **کد** : ذوق و حضور. **خ** : نقد حضور.
۹/۱ **طو** : جوهر جام جم. ۹/۲ **طو** : تو تمنای گل. ۱۰/۲ **خ** : این طمعها.
۱۱/۲ **کد** : به جهان گذران. (۱۲/۱) **خ** : از دست غمت. **خ** : رست و نه بلبل.
شمار دگرسانیها : خ = ۷ - طو = ۶ - کد صد = ۳ - یج که تم = ۲ -

۱ چو سرو اگر بخرامی دمی به گلزاری — خورد ز غیرت روی تو هر گلی خاری
۲ ز کفر زلف تو هر حلقه‌ای و آشوبی — ز سحر چشم تو هر گوشه‌ای و بیماری
۳ مرو چو بخت من ای چشم مست یار به‌خواب — که در پی است ز هر سویت آه بیداری
۴ نثار خاک رهت نقد جان من هرچند — که نیست نقد روان را بَرِ تو مقداری
۵ دلا همیشه مزن رای زلف دلبندان — چو تیره رای شدی کی گشایدت کاری؟
۶ سرم برفت و زمانی به سر نرفت این کار — دلم گرفت و نبودت غم گرفتاری
۷ چو نقطه گفتمش اندر میان دایره آی — به خنده گفت که حافظ تو در چه پرگاری؟

---

۷ نسخه: **یج طو که خ فخ صف پذ**
ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.
متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۲/۱ **طو**: ز کفر زلف توام. **فخ**: تو هر حلقه‌ای و سودائی.
۲/۲ **صف**: ز تیر چشم تو. **پذ**: ز چشم مست تو.
۳/۲ **یج**: که در بیست. **یج**: ز هر سوی آه بیداری.
۴/۱ **یج**: نثار خاک رهش. **طو**: جان من هر دم.
۴/۲ **پذ**: که نیست گنج روان را.
۵/۱ **یج**: راه زلف. **خ**: لاف زلف.
۵/۲ **طو خ**: چو تیره رای شوی.
۶/۱ **طو**: زمانه به سر نبرد.
۶/۲ **یج**: دلم برفت و نبودت. **یج**: دلی گرفتاری.
که پذ: دل گرفتاری. **طو**: سر گرفتاری.
۷/۱ **یج طو**: اندر میان دایرهٔ (= دایره‌ای)
۷/۲ **یج**: گفت به حافظ که این چه پرگاری.
طو که: گفت که‌ای حافظ این چه پرگاری.
خ: که حافظ چه جای پرگاری. **صف پذ**: برو چه پرگاری.
شمار دگرسانیها: یج = ۸ - طو = ۷ - پذ = ۴ - خ = ۳ -
که صف = ۲ - فخ = ۱ -

۱ شهری‌ست پر ظریفان وز هر طرف نگاری یاران صلای عشق است، گر می‌کنید کاری

۲ چشم جهان نبیند زین تازه‌تر جوانی در دست کس نیفتد زین خوبتر نگاری

۳ جسمی که دیده باشد از روح آفریده زین خاکیان مبادا بر دامنش غباری

۴ چون من شکسته‌ای را از پیش خود چه رانی کم غایت توقّع بوسی‌ست یا کناری

۵ می بی‌غش است بشتاب، وقتی خوش است دریاب سال دگر که دارد امّید نوبهاری؟

۶ در بوستان حریفان مانند لاله و گل هر یک گرفته جامی بر یاد روی یاری

۷ هر تار موی حافظ در دست زلف شوخی مشکل توان نشستن در اینچنین دیاری

---

(۸) چون این گره گشایم وین راز چون نمایم دردیّ و سخت دردی کاریّ و صعب کاری

۶ نسخه : یج حیـ خ مج نز صف

ترتیب ابیات								(۸)
= حیـ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	٥
یج خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷
مج نز :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۸	۷
صف :	۱	۲	۳	۷	۴	۵	۸	۶

۱/۲ **یج** : ار می‌کنید کاری.

۲/۱ **خ صف** : چشم فلک. **خ** : زین طرفه‌تر.

۲/۲ **صف** : زین خوبتر شکاری.

۳/۱ **خ** : هرگز که دیده باشد جسمی ز جان مرکب. **یج** : کز روحش آفریدند.
حیـ : کز روح آفریدند. **مج نز** : از روحی آفریده.

۳/۲ **خ** : بر دامنش مبادا. **خ** : زین خاکیان غباری.

۴/۲ **مج نز** : چون غایت توقع. **حیـ** : یا کناری.

۵/۱ **خ مج نز** : دریاب وقتی خوش است بشتاب. ۵/۲ **نز** : سالی دگر ندارد.

۷/۱ **یج حیـ** : هر تاره موی. **یج** : در دست زلف شوخی‌ست. **حیـ** : بر گوشه‌ای مقیم است.

۷/۲ **یج حیـ** : در این دیار باری.

(۸/۱) **یج** : وین ریش (۸/۲) **یج** : دردی و صعب دردی. **یج** : کاری و سخت کاری.

شمار دگرسانیها : یج = ۸ - خ = ۶ - حیـ = ۵ - نز = ۴ - مج = ۳ - صف = ۲ -

(نسخهٔ طو با سیزده اختلاف حذف شد.)

۱ طفیل هستی عشقند آدمیّ و پری — ارادتی بنما تا سعادتی ببری

۲ چو مستعدّ نظر نیستی وصال مجوی — که جام جم نکند سود وقت بی‌بصری

۳ بکوش خواجه و از عشق بی‌نصیب مباش — که بنده را نخرد کس به عیب بی‌هنری

۴ می صبوح و شکر خواب صبحدم تا چند — به عذر نیمشبی کوش و گریهٔ سحری

۵ بیا و سلطنت از ما بخر به مایهٔ حسن — وزین معامله غافل مشو که حیف خوری

۶ دعای گوشه‌نشینان بلا بگرداند — چرا به گوشهٔ چشمی به ما نمی‌نگری؟

۷ ز هجر و وصل تو در حیرتم چه چاره کنم — نه در برابر چشمی نه غایب از نظری

۸ هزار جان مقدس بسوخت زین غیرت — که هر صباح و مسا شمع مجلس دگری

۹ به بوی زلف و رُخت می‌روند و می‌آیند — صبا به غالیه سائیّ و گل به جلوه‌گری

۱۰ چو هر خبر که شنیدم دری به حیرت داشت — ازین سپس من و مستیّ و وضع بیخبری

۱۱ به یمن همّت حافظ امید هست که باز — أَریٰ أُسامِرُ لَیلایَ لَیلَةَ القَمَرِ

(۱۲) ز من به حضرت آصف که می‌برد پیغام — که یاد گیر دو مصرع ز من به نظم دری

(۱۳) بیا که وضع جهان را چنانکه من دیدم — گر امتحان بکنی مِی خوریّ و غم نخوری

(۱۴) کلاه سروریت کج مباد بر سر حسن — که زیب بخت و سزاوار تخت و تاج سری

(۱۵) مرا درین ظلمات آنکه رهنمائی کرد — نیاز نیمشبی بود و گریهٔ سحری

(۱۶) طریق عشق طریقی عجب خطرناک است — نعوذ باللّٰه اگر ره به مقصدی نبری

۶ نسخه : یج طو خ عد فط ته

												(۱۲)	(۱۳)	(۱۴)	(۱۵)	(۱۶)
ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۰	۰	۰	۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۹	۱۱	۰	۱۰	۰	۰	۰
طو :	۱	۳	۲	۰	۶	۵	۰	۰	۰	۰	۸	۰	۰	۰	۴	۷
خ :	۱	۱۰	۲	۳	۱۲	۱۱	۴	۵	۹	۰	۱۴	۶	۷	۸	۰	۱۳
عد ته :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۸	۰	۰	۰	۹	۰	۷	۰	۰	۰
فط :	۱	۷	۰	۲	۳	۵	۹	۸	۴	۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۰	۰	۶

۱۱/۲. ببینم که در شب مهتابی با لیلای خود گفتگو می‌کنم.

۱/۱ **طو** : مستی و عشقند.
۴/۱ **یج** : شکرخواب بامدادی چند. **عد** : شکرخواب صبحگه تا چند. **تم** : شکرخواب صبحدم تا کی.
۷/۱ **خ** : تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین‌کار.
۷/۲ **خ عد** : که در برابر چشمی و غایب از نظری (عد = نه در برابر).
۸/۱ **یج** : بسوخت از غیرت. ۸/۲ **یج** : شمع مجلسی دیگری. **فط** : شمع خلوت دگری.
۱۱/۱ **طو** : منال حافظ و می نوش کاندرین دو سه روز ۱۱/۲ **طو** : اذا اسامر.
(۱۳/۱) **عد** : چنین که می‌بینم. **تم** : چنان که می‌بینم.
(۱۴/۲) **خ** : که زیب تخت و سزاوار ملک و. **فط** : که زیب بخت و سرافراز تخت و.
(۱۵/۱) **طو** : مرا ازین ظلمات آنکه رهنمائی داد.
(۱۶/۱) **طو** : طریق عجب خطرناک است. **فط** : طریق عشق به هر گام صد کمینگاه است.
(۱۶/۲) **فط** : اگر ره به مأمنی نبری.
شمار دگرسانیها : طو = ۵ - فط = ۴ - یج خ عد = ۳ - تم = ۲ -

۳۹۷

۱ ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی — ازین باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
۲ چو گل گر خرده‌ای داری خدا را صرف عشرت کن — که قارون را غلطها داد سودای زراندوزی
۳ سخن در پرده می‌گویم ز خود چون غنچه بیرون آی — که بیش از پنج روزی نیست حکم میرنوروزی
۴ میی دارم چو جان صافیٌ و صوفی می‌کند عیبش — خدایا هیچ عاقل را مبادا بخت بدروزی
۵ طریق کام بخشی چیست؟ ترک کام خود کردن — کلاه سروری آن است کز این ترک بردوزی
۶ ندانم نوحهٔ قُمری به طرف جویبار از چیست؟ — مگر او نیز همچون من غمی دارد شبانروزی
۷ جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع — که حکم آسمان این است اگر سازی وگر سوزی
۸ به بستان رو که از بلبل رموز عشق گیری یاد — به مجلس آی کز حافظ غزل گفتن بیاموزی

(۹) به عُجب علم نتوان شد ز اسباب طرب محروم — بیا ساقی که جاهل را هنی‌تر می‌رسد روزی

۶ نسخه : **یج طو خ مج فط صف**

ترتیب ابیات =									(۹)
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰
طو :	۱	۲	۴	۰	۳	۵	۶	۷	۰
خ :	۱	۲	۴	۶	۳	۵	۷	۰	۸
مج :	۱	۲	۸	۴	۳	۵	۶	۹	۷
فط :	۱	۲	۵	۶	۳	۷	۴	۸	۰
صف :	۱	۲	۶	۷	۳	۵	۴	۸	۰

۳/۱ **طو خ** : جوگل از غنچه. **صف** : بیرون آ.
۴/۲ **خ** : خدایا هیچ غافل را.
۵/۱ **مج** : طریق کام جستن چیست.
۵/۲ **یج** : این دان کزین دو ترک بردوزی. **طو** : این است گر ترکی بران دوزی.
۶/۱ **خ فط** : جویباران چیست. ۶/۲ **مج** : مگر کو نیز.
۷/۱ **یج** : یار شیرینم. ۷/۲ **طو صف** : اگر سازی اگر سوزی.
۸/۱ **یج** : به بستان شو. **طو** : به مجلس رو. **مج** : بیا مطرب. **طو** : که از حافظ.
۸/۲ **طو** : به بستان آ. **مج** : بیا بلبل. **فط** : به مجلس آ. **طو** : که از بلبل.
مج فط : که از حافظ.
(۹/۱) **خ** : به عیب علم. (۹/۲) **خ** : بیا حافظ که جاهل را.
شمار دگرسانیها : طو = ۷ - خ مج = ۵ - یج فط = ۳ - صف = ۲ -

۳۹۸

۱ عمر بگذشت به بیحاصلی و بُلهوسی   ای پسر جام میَم ده که به پیری برسی

۲ چه شکرهاست درین شهر که قانع شده‌اند   شاهبازان طریقت به مقام مگسی

۳ با دل خون شده چون نافه خوشش باید بود   هرکه مشهور جهان گشت به مشکین نفسی

۴ بال بگشای و صفیر از شجر طوبی زن   حیف باشد چو تو مرغی که اسیر قفسی

۵ کاروان رفت و تو در راه کمینگاه به خواب   وه که بس بیخبر از غلغل چندین جرسی

۶ لَمَعَ البَرْقُ مِنَ الطّورِ وَ آنَسْتُ بِهِ   فَلَعَلّی لَکَ آتٍ بِشِهابٍ قَبَسِ

۷ چند پوید به هوای تو ز هر سو حافظ   یَسَّرَ اللهُ طَریقاً بِکَ یا مُلْتَمَسی

(۸) تا چو مجمر نفسی دامن جانان گیریم   جان نهادیم بر آتش ز پی خوش نفسی

(۹) دوش در خیل غلامان درش می‌رفتم   گفت کای بیکس بیچاره تو باری چه کسی

۹ نسخه : **یج طو کد که خ قب عز صف پن**

ترتیب ابیات =									
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	(۸) ۰	(۹) ۰
طو :	۱	۲	۰	۵	۴	۳	۷	۶	۰
کد :	۱	۲	۴	۵	۶	۳	۷	۰	۰
که پن :	۱	۳	۴	۵	۶	۲	۷	۰	۰
خ :	۱	۲	۴	۷	۶	۵	۹	۸	۳
قب :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۹	۷	۸
عز صف :	۱	۳	۷	۸	۵	۲	۹	۴	۶

۲/۲ **طو** : پادشاهان ملاحت.   ۴/۱ **طو خ** : بال بگشا و.   ۵/۱ **خ** : تو در خواب و بیابان در پیش.

۵/۲ **یج** : بیخبر از اینهمه بانگ جرسی. **طو** : بیخبر ازین همه بانگ جرسی. **که** : غلغل و بانگ جرسی.

۶/۲ **یج کد که قب پن** : فلعلی لک آتی. **یج طو کد قب عز صف پن** : بشهاب قبسی.

۷/۱ **طو** : ز هوای تو. **طو که** : به هر سو.

(۸/۱) **طو خ** : دامن جانان گیرم.

(۹/۲) **خ** : گفت ای. **خ** : عاشق بیچاره. **عز صف** : بیدل بیچاره.

شمار دگرسانیها : **طو** = ۷ - **خ** = ۵ - **یج که** = ۳ - **کد قب عز صف پن** = ۲ -

---

۶. برقی از کوه طور درخشیدن گرفت و من آن را دیدم. پس شاید برای تو شعله‌ای از آن بیاورم.

۷/۲. ای دلخواه من، خداوند راهی بسوی تو هموار گرداند.

۱ نو بهار است دران کوش که خوشدل باشی — که بسی گُل بدمد باز و تو در گِل باشی
۲ من نگویم که کنون باکه نشین و چه بنوش — که تو خود دانی اگر زیرک و عاقل باشی
۳ چنگ در پرده همین می‌دهدت پند، ولی — وعظت آنگاه کند سود که قابل باشی
۴ در چمن هر ورقی دفتر حالی دگر است — حیف باشد که ز حال همه غافل باشی
۵ گر چه راهی است پر از بیم ز ما تا برِ دوست — رفتن آسان بود ار واقف منزل باشی
۶ نقد عمرت ببرد غصّهٔ دنیا به گزاف — گر شب و روز درین قصّهٔ مشکل باشی
۷ حافظا گر مدد از بخت بلندت باشد — صید آن شاهد مطبوع شمایل باشی

۸ نسخه : **یج طو خ مج نز فط صد تم**
ترتیب ابیات متن برابر است با مج نز فط صد تم.

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷
طو خ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷

۴/۲ **طو خ** : که زکار همه.
۵/۱ **یج طو مج** : ز ما تا در دوست.
۶/۱ **یج تم** : غصهٔ دنیی.
۶/۲ **طو** : که شب و روز.
شمار دگرسانیها : طو = ۳ - یج = ۲ - خ مج تم = ۱ -
نز فط صد = ۰ -

۴۰۰

۱ هزار جهد بکردم که یار من باشی — مراد بخش دل بیقرار من باشی

۲ شبی به کلبهٔ احزان عاشقان آئی — دمی انیس دل سوکوار من باشی

۳ چراغ دیدهٔ شب زنده‌دار من گردی — انیس خاطر امّیدوار من باشی

۴ ازان عقیق که خونین دلم ز عشوهٔ او — اگر کنم گله‌ای غمگسار من باشی

۵ چو خسروان ملاحت به بندگان نازند — تو در میانه خداوندگار من باشی

۶ دران چمن که بتان دست عاشقان گیرند — گرت ز دست بر آید نگار من باشی

۷ شود غزالهٔ خورشید صید لاغر من — گر آهوئی چو تو یک‌دم شکار من باشی

۸ سه بوسه کز دو لبت کرده‌ای وظیفهٔ من — اگر ادا نکنی قرضدار من باشی

۹ من این مراد ببینم به خود که نیمشبی — بجای اشک روان در کنار من باشی

۱۰ من ار چه حافظ شهرم جوی نمی‌ارزم — مگر تو از کرم خویش یار من باشی

---

۷ نسخه : **یج طو کد که خ مج نز**

ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
= **مج نز** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج که :	۱	۰	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۰	۸
طو :	۱	۰	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸	۹
کد :	۱	۰	۲	۵	۴	۳	۶	۷	۰	۸
خ :	۱	۶	۲	۴	۳	۵	۷	۸	۹	۱۰

۲/۱ **مج نز** : دمی به کلبهٔ.   ۲/۲ **مج نز** : شبی ندیم.

۴/۲ **مج نز** : گرم بود گله‌ای. **یج که مج نز** : رازدار من.

۵/۲ **مج نز** : دران میانه.

۸/۲ **طو** : وامدار من باشی.

۹/۱ **طو** : نبینم به خود که نیمشبی.

شمار دگرسانیها : مج نز = ۵ - طو = ۲ - یج که = ۱ - کد خ = ۰ (نسخهٔ کد دو بیت کم دارد).

۱ ای دل آن دم کـه خـراب می گلگون باشی — بی زر و گنج به صد حشمت قارون باشی
۲ در مقامی که صدارت به فقیران بخشند — چشم دارم که به جاه از همه افزون باشی
۳ در ره منزل لیلی که خطرهاست در ان — شرط اوّل قدم آن است که مجنون باشی
۴ نقطهٔ عشق نمودم به تو هان سهو مکن — ور نه چون بنگری از دایره بیرون باشی
۵ کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش — کی روی؟ ره ز که پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟
۶ تاج شاهی طلبی گوهر ذاتی بنمای — ور خود از گوهر جمشید و فریدون باشی
۷ ساغری نوش کن و جرعه بر افلاک فشان — چند و چند از غم ایّام جگر خون باشی
۸ حافظ از فقر مکن ناله که گر شعر این است — هیچ خوشدل نپسندد که تو محزون باشی

---

۷ نسخه : **یج حی طو کد خ نه سو**

ترتیب ابیات = **یج طو کد سو** : ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸

یج طو کد سو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
حی :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷
خ :	۱	۲و ۳/۱ ۰ ۳/۲	۰	۴	۵	۶	۷	۸
نه :	۱	۲	۳	۰	۴	۶	۵	۷

۱/۱ **کد** : ای دل آن به. **خ** : که خراب از می

۴/۱ **طو** : منظر عشق.

۵/۱ **حی** : تو در راه و بیابان در پیش.

۶/۱ **طو** : گوهر ذاتی بنما. ۶/۲ **خ** : تخمهٔ جمشید.

۷/۱ **طو** : جرعه‌ای نوش کن و. **نه** : قدحی. **یج** : نوش کن [و] جرعه. **طو** : درد بر افلاک
طو کد : افشان.

۸/۲ **نه** : هیچ عاقل.

شمار دگرسانیها : طو = ۵ - کد خ نه = ۲ - یج حی = ۱ - سو = ۰ -

۴۰۲

۱ زین خوش رقم که بر گل رخسار می‌کشی — خط بر صحیفهٔ گل و گلزار می‌کشی

۲ اشک حرم نشین نهانخانهٔ مرا — زان سوی هفت پرده به بازار می‌کشی

۳ کاهل روی چو باد صبا را به بوی زلف — شیرین به قید سلسله در کار می‌کشی

۴ هر دم به یاد آن لب میگون و چشم مست — از خلوتم به خانهٔ خمّار می‌کشی

۵ گفتی سر تو بستهٔ فتراک ما سزد — سهل است اگر تو زحمت این بار می‌کشی

۶ با چشم و ابروی تو چه تدبیر دل کنم — وه زین کمان که بر من بیمار می‌کشی

۷ باز آ، که چشم بد ز رُخت دور می‌کنم — ای تازه گل که دامن ازین خار می‌کشی

۸ حافظ، دگر چه می‌طلبی از نعیم دهر — می می‌چشیّ و طرّهٔ دلدار می‌کشی

---

۵ نسخه : **یج طو خ فط صد**

ترتیب ابیات متن برابر است با **یج طو خ**

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
فط :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷
صد :	۱	۲	۴	۳	۵	۶	۷	۸

۱/۱ **یج طو صد** : این خوش رقم. **طو** : که بر مه رخسار.

۳/۲ **طو خ فط** : هر دم. **یج** : به قید و سلسله.

۵/۱ **یج طو خ صد** : فتراک ما شود.

۷/۱ **یج** : دفع می‌کنم. **طو خ** : دفع می‌کند.

۸/۲ **خ** : می می‌خوری و. **طو** : می می‌کشی و.

شمار دگرسانیها : طو ۶- یج خ = ۴- صد = ۲- فط = ۱-

۱ رفتم به باغ صبحدمی تا چنم گلی — آمد به گوش ناگهم آواز بلبلی
۲ مسکین چو من به عشق گلی گشته مبتلا — و اندر چمن فکنده ز فریاد غلغلی
۳ می‌گشتم اندران چمن و باغ، دمبدم — می‌کردم اندران گل و بلبل تأمّلی
۴ گل یار حسن گشته و بلبل قرین عشق — این را تغیّری نه و آن را تبدّلی
۵ چون کرد در دلم اثر آواز عندلیب — گشتم چنان‌که هیچ نماندم تحمّلی
۶ بس گل شکفته می‌شود این باغ را ولی — کس بی بلای خار نچیده است از و گلی
۷ حافظ مدار امید فرح زین مدار، کو — دارد هزار عیب و ندارد تفضّلی

---

۸ نسخه : **طو که خ ند سو عد فخ صف**
ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.
متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸
۱/۱ **طو** : یافتم گلی. **ند** : از پی گلی.
۲/۲ **طو** : و اندر چمن فکند.
۳/۱ **که صف** : چمن باغ.
۴/۱ **سو فخ** : گل یار خار گشته و.
۴/۲ **خ** : این را تفضلی نه و.
۵/۲ **که** : گشتم چنانچه.
۶/۲ **طو** : نچیده است خود گلی.
۷/۱ **طو** : زین مدار کون. **که** : کین مدار دون.
خ : از مدار چرخ. **عد** : زین مدار دون.
۷/۲ **طو** : دارد هزار عیب و ندارم تفضلی.
شمار دگرسانیها : طو = ۵ - که = ۳ - خ = ۲ - ند سو عد فخ صف = ۱ -

۴۰۴

۱ این خرقه که من دارم در رهن شراب اولیٰ ... وین دفتر بیمعنی غرق می ناب اولیٰ

۲ چون عمر تبه کردم چندانکه نگه کردم ... در کنج خراباتی افتاده خراب اولیٰ

۳ چون مصلحت اندیشی دور است ز درویشی ... هم سینه پر آتش به، هم دیده پر آب اولیٰ

۴ من حال دل زاهد با خلق نخواهم گفت ... این قصّه اگر گویم با چنگ و رباب اولیٰ

۵ تا بی سر و پا باشد اوضاع فلک زین دست ... در سر هوس ساقی در دست شراب اولیٰ

۶ از همچو تو دلداری دل بر نکنم، آری ... گر تاب کشم باری زان زلف بتاب اولیٰ

۷ چون پیر شدی حافظ از میکده بیرون آی ... رندیّ و هوسناکی در عهد شباب اولیٰ

---

۷ نسخه: یج حی طو خ مج فط صف

ترتیب ابیات متن برابر است با ۵ نسخهٔ فوق (سوای حی صف).

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
حی	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶
صف	:	۱	۲	۴	۵	۳	۶	۷

۳/۲ خ: هم سینه پر از آتش.

۴/۱ خ صف: من حالت زاهد را.

۴/۲ یج حی مج: کین قصه. طو: کان قصه.

۵/۱ یج: تا بی سر و پا [با] شد. یج: احوال فلک.

یج فط: زینسان. ۵/۲ یج: در سینه غم ساقی.

۶/۱ یج: دل بر نکنم باری.

۶/۲ یج حی: چون تاب کشم باری. طو خ: چون ناز کشم باری.

۷/۲ یج: رندی و هوسی‌ناکی.

شمار دگرسانیها: یج = ۸ - خ = ۳ - حی طو = ۲ - مج فط صف = ۱ -

۱ زان می عشق کزو پخته شود هر خامی / گر چه ماه رمضان است بیاور جامی
۲ روزها رفت که دست من مسکین نگرفت / زلف شمشاد قدی ساعد سیم اندامی
۳ روزه هر چند که مهمان عزیز است ای دل / صحبتش موهبتی دان و شدن انعامی
۴ مرغ زیرک به درِ خانقه اکنون نپرد / که نهاده است به هر مجلس وعظی دامی
۵ گله از زاهد بدخو نکنم، رسم این است / که چو صبحی بدمد در پیَش افتد شامی
۶ یار من چون بخرامد به تماشای چمن / برسانش ز من ای پیک صبا پیغامی
۷ گو: حریفی که شب و روز می صاف کشد / بود آیا که کند یاد ز دُرد آشامی
۸ حافظا گر ندهد داد دلت آصف عهد / کام دشوار به دست آوری از خودکامی

---

۷ نسخه : **طو خ مج ند نز عز صف**

ترتیب ابیات = **خ مج ند نز** : ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸
طو : ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷/۱ | ۰ ۰ | ۷/۲
عز صف : ۱ ۷ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۸

۱/۱ **عز** : زان می عیش.
۲/۲ **مج ند نز عز صف** : ساق شمشاد قدی.
۳/۲ **صف** : رفتنش موهبتی دان و.
۴/۱ **طو** : به ره خانقه.
۵/۱ **مج ند نز** : زاهد خودبین چه کنم.
۷/۱ **خ** : آن حریفی که.
۸/۱ **خ** : گر ندهد کام دلت.
۸/۲ **طو** : به دست آورد.
شمار دگرسانیها : طو خ مج ند نز عز صف = ۲ -

۴۰۶

۱ که برد به بزم شاهان ز من گدا پیامی — که به کوی می فروشان دو هزار جم به جامی
۲ شده‌ام خراب و بدنام و هنوز امیدوارم — که به همّت عزیزان برسم به نیک نامی
۳ تو که کیمیا فروشی نظری به قلب ما کن — که بضاعتی نداریم و فکنده‌ایم دامی
۴ عجب از وفای جانان که تفقّدی نفرمود — نه به نامه‌ای پیامی، نه به خامه‌ای سلامی
۵ سر خدمت تو دارم بخرم به لطف و مفروش — که چو بنده کمتر افتد به مبارکی غلامی
۶ به کجا برم شکایت، به که گویم این حکایت — که لبت حیات ما بود و نداشتی دوامی
۷ اگر این شراب خام است و گر این حریف پخته — به هزار بار بهتر ز هزار پخته خامی
۸ بگشای تیر مژگان و بریز خون حافظ — که چنین کشنده‌ای را نکند کس انتقامی

---

(۹) ز رهم میفکن ای شیخ به دانه‌های تسبیح — که چو مرغ زیرک افتد نفتد به هیچ دامی
(۱۰) بروید پارسایان که نماند پارسائی — می ناب در کشیدیم و نماند ننگ و نامی

۶ نسخه : **یج طو خ مج عد تم**

ترتیب ابیات =									(۹)	(۱۰)
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۰
یج :	۱	۴	۵	۷	۸	۶	۲	۹	۳/۱ ۰	۰ ۳/۲
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۰	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۷	۸	۵	۹	۶	۰
عد :	۱	۴	۵	۷	۸	۶	۲	۹	۳	۰
تم :	۱	۲	۳	۵	۷	۸	۴	۹	۶	۰

۱/۱ **خ عد تم** : به نزد شاهان. ۱/۲ **یج** : که به کوی باده‌نوشان.
۲/۲ **طو** : که مگر خلاص یابم. **طو** : به دعای نیک‌نامی. ۴/۱ **طو خ** : که عنایتی نفرمود.
۴/۲ **یج عد** : نه به نامه‌ای سلامی نه به خامه‌ای پیامی. **مج** : نه به خامه‌ای سلامی نه به نامه‌ای پیامی.
تم : نه به خامه‌ای پیامی نه به نامه‌ای سلامی.
۵/۱ **طو** : نفروش.
۷/۱ **یج** : اگر آن شراب. **خ** : خام است اگر آن. **مج** : خام است وگر آن. **مج** : فقیه پخته.
۷/۲ **یج** : به هزار پاره بهتر.
۸/۲ **طو خ مج** : که چنان کشنده‌ای را.
(۹/۱) **یج** : ای پیر.
شمار دگرسانیها : یج طو = ۵ - خ مج = ۴ - عد تم = ۲ -

۱ ساقی بیا که شد قدح لاله پُر ز می — طامات تا به چند و خرافات تا به کی
۲ بگذر ز کبر و ناز، که دیده است روزگار — چین قبای قیصر و طرف کلاه کی
۳ هشیار شو که مرغ چمن مست گشت، هان — بیدار شو که خواب عدم در پی است، هی
۴ خوش نازکانه می‌چمی ای شاخ نوبهار — کآشفتگی مبادت از آشوب باد دی
۵ بر مهر چرخ و شیوهٔ او اعتماد نیست — ایوای بر کسی که شد ایمن ز مکر وی
۶ فردا شراب کوثر و حور از برای ماست — و امروز نیز ساقی مَهروی و جام می
۷ باد صبا ز عهد صِبیٰ یاد می‌دهد — جانداروئی که غم ببرد درده ای صُبَی
۸ حشمت مبین و سلطنت گل که بسپَرَد — فرّاش باد هر ورقش را به زیر پی
۹ در ده به یاد حاتم طی جام یکمنی — تا نامهٔ سیاه بخیلان کنیم طی
۱۰ زان می که داد حسن و لطافت به ارغوان — بیرون فکند لطف مزاج از رُخش به خوی
۱۱ مسند به باغ بر که به خدمت چو بندگان — استاده است سرو و کمر بسته است نی
۱۲ حافظ حدیث سِحر فریب خوشت رسید — تا حدّ مصر و چین و به اطراف رومَ و ری

(۱۳) بشنو که مطربان چمن راست کرده‌اند — آهنگ چنگ و بربط و مرغول نای و نی

۵ نسخه : حیـ طو خ مجـ عد

ترتیب ابیات = خ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	(۱۳)
													۰
حیـ	۱	۰	۰	۲	۰	۳	۰	۰	۰	۴	۶	۷	۵
طو	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹/۱ ۰	۰ ۹/۲	۱۰	۱۱	۰
مجـ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱۱	۱۲	۱۰
عد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸	۰	۹	۱۰	۰

۲/۱ **طو** : بگذر به کبر و ناز. ۲/۲ **طو** : حسن قبای قیصر و. ۴/۱ **حیـ عد** : نازکانه می‌روی.
۴/۲ **عد** : آشفتگی مبادت. **مجـ** : از آسیب. **حیـ طو** : ماه دی. ۵/۱ **مجـ** : عشوهٔ او.
۶/۲ **حیـ طو** : ساقی مهرو و. ۷/۱ **طو مجـ** : یاد می‌کند. ۸/۱ **طو** : که چون ببرد. **مجـ** : که گسترد.
۸/۲ **طو** : فراش باد برد رخش را. ۹/۱ **طو** : جام ارغوان. **مجـ** : جام ده‌منی. ۱۰/۱ **حیـ** : رنگ طبیعت.
۱۰/۲ **حیـ** : بیرون فکند از رخش آن رنگ خوش به خوی. ۱۱/۱ **عد** : مسند به باغ بر که به خدمت ستاده است.
۱۱/۲ **طو** : استاده است سر و کمر بسته همچونی. ۱۲/۲ **حیـ عد** : تا حد چین و مصر و.
شمار دگرسانیها : طو = ۹ - حیـ = ۶ - مجـ = ۵ - عد = ۴ - خ = ۰ -

۴۰۸

۱ ز دلبرم که رساند نوازش قلمی ——— کجاست پیک صبا گر همی کند کرمی

۲ قیاس کردم و تدبیر عقل در ره عشق ——— چو شبنمی ست که بر بحر می‌کشد رقمی

۳ بیا که خرقهٔ من گرچه وقف میکده‌هاست ——— ز مال وقف نبینی به نام من درمی

۴ چرا به یک نی قندش نمی‌خرند آنکس ——— که کرد صد شکر افشانی از نی قلمی

۵ دلم گرفت ز سالوس و طبل زیر گلیم ——— بِه آنکه بر در میخانه بر کُنم علمی

۶ دوام عیش و تنعّم نه شیوهٔ عشق است ——— اگر معاشر مائی بنوش نیش غمی

۷ طبیب راه‌نشین درد عشق نشناسد ——— برو به دست کن ای مُرده دل مسیح دمی

۸ نمی‌کنم گله‌ای لیکن ابر رحمت دوست ——— به کشتزار جگر تشنگان نداد نمی

۹ حدیث چون و چرا درد سر دهد حافظ ——— پیاله گیر و بیاسا ز عمر خویش دمی

---

(۱۰) بیا که وقت شناسان دو کوْن بفروشند ——— به یک پیاله می صاف و صحبت صنمی

(۱۱) سزای قدر تو شاها به دست حافظ نیست ——— جز از نیاز شبیّ و دعای صبحدمی

۷ نسخه : **یج طو خ مج ند نز فط**

ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	(۱۰)	(۱۱)
										۰	۰
یج فط	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۹	۱۰	۶	۱۱
طو	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۰	۸	۰	۶	۹
خ	۱	۲	۳	۱۰	۶	۸	۵	۹	۴	۷	۱۱
مج ند نز	۱	۲	۳	۶	۷	۹	۵	۱۰	۴	۸	۱۱

۱/۲ **طو** : باد صبا. ۲/۲ **یج** : چو شبنم است.

۵/۲ **فط** : خوش آنکه بر در میخانه. **طو خ فط** : برکشم علمی.

۶/۱ **طو** : دوام عشق و تنعم. ۷/۱ **یج مج ند نز فط** : سرّ عشق نشناسد.

۸/۱ **یج** : نمی‌کنم گله لیکن ز ابر. **خ** : گله‌ای لیک ابر.

۸/۲ **طو خ مج فط** : به کشته زار **طو** : جگرخستگان. **نز** : ستم‌دیدگان.

۹/۱ **یج خ مج ند نز** : درد سر دهد ای دل.

(۱۰/۱) **یج نز** : ںفروشند (حرف اول بی‌نقطه است). **خ** : نفروشند.

(۱۰/۲) **طو** : می ناب و. **ند** : می صاف [و]. (۱۱/۱) **طو فط** : به دست حافظ چیست.

۱۱/۲ **یج** : جز از نماز شبی و. **خ** : جز از دعای شبی و نیاز صبحدمی. **نز** : بجز نیاز شبی و.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - یج خ = ۶ - نز فط = ۵ - مج ند = ۳ -

۱ لبش می‌بوسم و در می‌کشم می — به آب زندگانی بُرده‌ام پی
۲ نه رازش می‌توانم گفت با کس — نه کس را می‌توانم دید با وی
۳ لبش می‌بوسد و خون می‌خورد جام — رُخش می‌بیند و گل می‌کند خوی
۴ گل از خلوت به باغ آورد مسند — بساط زهد را چون غنچه کن طی
۵ بده جام می و از جم مکن یاد — که می‌داند که جم کی بود و کی کِی
۶ بزن در چنگ چنگ ای ماه مطرب — رگش بخراش تا بخروشم از وی
۷ چو چشمش مست را مخمور مگذار — به یاد لعلش ای ساقی بده می
۸ نجوید جان ازان قالب جدائی — که باشد خون جامش در رگ و پی
۹ زبانت درکش ای حافظ زمانی — حدیث بی‌زبانان بشنو از نی

---

۷ نسخه : طو خ سز عد عز فط صف

ترتیب ابیات =									
سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
طو :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۰	۰	۶
خ :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۸	۹
عد :	۱	۲	۳	۰	۶	۷	۴	۵	۸
عز صف :	۱	۲	۵	۳	۴	۶	۷	۸	۹
فط :	۱	۲	۰	۷	۴	۵	۳	۶	۸

۴/۲ **خ** : بساط زهد همچون.
۵/۱ **طو عد** : بده جام جم و از جم.
۶/۱ **خ عد** : بزن در پرده چنگ. ۶/۲ **طو عز صف** : دلش بخراش.
۹/۱ **طو** : زبان درکش تو. **عز صف** : زبان را درکش.
۹/۲ **عز صف** : زبان بی‌زبانان.
شمار دگرسانیها : طو عز صف = ۳- خ عد = ۲- سز فط = ۰ (نسخهٔ فط یک بیت کم دارد).

۴۱۰

۱ سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی — دل ز تنهائی به جان آمد خدا را همدمی
۲ خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم — کز لبانش بوی خون عاشقان آید همی
۳ چشم آسایش که دارد از سپهر تیز رو — ساقیا جامی بیاور تا بیاسایم دمی
۴ زیرکی را گفتم این احوال بین، خندید و گفت — صعب روزی بلعجب کاری پریشان عالمی
۵ سوختم در چاه صبر از بهر آن شمع چگل — شاه ترکان غافل است از حال ما، کو رستمی ؟
۶ در طریق عشقبازی امن و آسایش بلاست — ریش باد آن دل که با درد تو خواهد مرهمی
۷ اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست — رهروی باید جهان سوزی نه خامی بیغمی
۸ آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست — عالمی دیگر بباید ساخت و ز نو آدمی
۹ گریهٔ حافظ چه سنجد پیش استغنای عشق — کاندرین طوفان نماید هفت دریا شبنمی

---

۸ نسخه : **یج طو خ عز فخ صف حک تم**

متن = **عز صف حک** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۰	۸
طو :	۱	۰	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
خ :	۱	۸	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹
فخ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۷	۸
تم :	۱	۶	۲	۷	۳	۴	۸	۵	۹

۱/۱ **یج طو** : ای دریغا محرمی. ۱/۲ **طو فخ** : خدایا همدمی.
۲/۱ **عز صف** : به آن ترک. **یج** : سمرقندی نهیم.
۲/۲ **عز صف حک** : کز لبانش بوی خون مولیان. **یج** : کز نسیمش بوی خوی حوریان. **خ** : کز نسیمش بوی خون مولیان.
۳/۱ **صف تم** : زین سپهر تیزرو. ۳/۲ **طو خ تم** : ساقیا جامی به من ده. **صف** : ساقیا جامی بده تا دل بیاساید دمی.
۴/۱ **طو** : این احوال خوش.
۴/۲ **یج**: هست کاری. **صف**: صعب حالی. **تم**: صعب کاری. **یج**: بوالعجب رایی. **خ عز فخ صف حک**: بوالعجب کاری.
تم : بوالعجب حالی. ۵/۱ **فخ** : از دست آن. ۵/۲ **خ تم** : فارغ است. **طو** : کو دشمنی.
۶/۱ **عز** : آسایش بد است. ۷/۱ **طو** : کام و آز را. **تم** : کام و عیش را. **یج** : در کوی رندان.
۸/۲ **طو** : عالمی از نو. ۹/۱ **یج** : توبهٔ حافظ. **یج** : پیش استغفار او. **حک** : پیش استغنای دوست.
تم : نزد استغنای عشق. ۹/۲ **طو خ تم** : کاندرین دریا. **یج** : کاندرین طوفان نماند.
شمار دگرسانیها : یج = ۹ - طو تم = ۸ - صف = ۶ - خ = ۵ - عز = ۴ - فخ حک = ۳ -

۴۱۱

۱ به صوت بلبل و قمری اگر ننوشی می — علاج کی کنمت، آخِرُ الدّواء اَلْکَی
۲ چو هست آب حیاتت به دست تشنه ممیر — فَلاتَمُتْ، وَ مِنَ الماءِ کُلُّ شَیئٍ حَی
۳ چو گل نقاب برافکند و مرغ زد هو هو — منه ز دست پیاله، چه می‌کنی هی‌هی
۴ ذخیره‌ای بنه از رنگ و بوی فصل بهار — که می‌رسند ز پی رهزنان بهمن و دی
۵ زمانه هیچ نبخشد که باز نستاند — مجو ز سفله مروّت که شَیئُهُ لاشَی
۶ شکوه سلطنت و حکم کی ثباتی داشت؟ — ز تخت جم سخنی مانده است و افسر کی
۷ خزینه داری میراث خوارگان کفر است — به قول مطرب و ساقی به فتوی دف و نی
۸ نوشته‌اند بر ایوان جنّت المأویٰ — که هر که عشوهٔ دنیا خرید وای به وی
۹ سخا نماند، سخن طی کنم، بیا ساقی — بیار باده به شادیّ روح حاتم طی
۱۰ بخیل بوی خدا نشنود، بیا حافظ — پیاله گیر و کرم ورز، و الضَّمانُ عَلَیّ

۸ نسخه : **یج حیـ طو کهـ خ مج عد فخ**

ترتیب ابیات = **مج** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج طو کهـ :	۱	۵	۳	۲	۶	۰	۴	۷	۸	۹
حیـ عد فخ :	۱	۶	۴	۲	۳	۰	۵	۷	۸	۹
خ :	۱	۰	۳	۲	۶	۴	۵	۷	۸	۹

۱/۱ **طو** : قمری و بلبل. ۲/۲ **یج** : نگفتمت و من الماء. ۴/۲ **یج** : که در پیند دگر.
۵/۲ **طو** : که شبهه لاشی. ۶/۱ **خ** : شکوه سلطنت و حسن کی ثباتی داد.
۷/۲ **یج مج** : ساقی و فتوی.
۸/۱ **یج** : نوشته‌اند در ایوان. **حیـ** : نبشته‌اند بر ایوان. ۸/۲ **یج کهـ خ** : هرکه عشوهٔ دنیی خرید.
۹/۱ **حیـ** : سخن طی کن ای ندیم حکیم. **طو کهـ خ عد فخ** : سخن طی کنم شراب کجاست.
۹/۲ **یج طو کهـ خ مج عد فخ** : بده به شادی روح و روان حاتم طی.
۱۰/۱ **حیـ طو مج** : برو حافظ.
شمار دگرسانیها : یج = ۶ - حیـ طو خ = ۴ - کهـ مج = ۳ - عد فخ = ۲ -

---

۱/۲. واپسین درمان داغ کردن است. ۲/۲. هر چیزی به آب زنده است، پس تو هم نمیر.
۵/۲. هیچ چیز او ارزش ندارد. ۱۰/۲. ضمانت به عهدهٔ من.

۴۱۲

۱ نسیم صبح سعادت بدان نشان که تو دانی — گذر به کوی فلان کن دران زمان که تو دانی

۲ تو پیک خلوت رازیّ و دیده بر سر راهت — به مردمی نه به فرمان، چنان بران که تو دانی

۳ بگو که جان ضعیفم ز دست رفت خدا را — ز لعل روح فزایش ببخش از ان که تو دانی

۴ من این دو حرف نوشتم چنان‌که غیر ندانست — تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی

۵ خیال تیغ تو با ما حدیث تشنه و آب است — اسیر خویش گرفتی بکش چنان که تو دانی

۶ اُمید در کمر زرکشت چگونه نبندم — دقیقه‌ای ست نگارا در ان میان که تو دانی

۷ یکی ست ترکی و تازی درین معامله حافظ — حدیث عشق بیان کن به هر زبان که تو دانی

---

۶ نسخه : **یج طو خ قب سز پن**

متن = **طو خ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶
قب سز :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷
پن :	۱	۲	۳	۶	۵	۴	۷

۲/۱ **یج** : تو پیک صورت راهی و. **طو** : بر سر راه است.

۲/۲ **طو** : بران چنان که.

۳/۱ **طو خ** : جان عزیزم. **پن** : به لب رسید.

۳/۲ **طو سز** : روح فزایت. **یج** : ببخش از آنکه. **طو خ سز** : ببخش آن که.

۴/۱ **طو خ** : من این حروف. **یج** : نبشتم.

۵/۱ **قب پن** : خیال تیغ تو ما را.

۵/۲ **طو** : چنان بکش که تو دانی. **خ** : بکش چنانکه.

۶/۱ **خ** : چگونه ببندم.

۶/۲ **طو** : نگارا درین میان. **سز** : نهانی دران میان.

۷/۲ **یج** : به آن زبان. **طو خ** : بدان زبان.

شمار دگرسانیها : طو = ۹ - خ = ۶ - یج = ۴ - سز = ۳ - پن = ۲ - قب = ۱ -

۴۱۳

۱ هواخواه توام جانا و می‌دانم که می‌دانی — که هم نادیده می‌بینیّ و هم ننوشته می‌خوانی

۲ ملامت‌گو چه دریابد میان عاشق و معشوق — نبیند چشم نابینا خصوص اسرار پنهانی

۳ بیفشان زلف و صوفی را به پا بازیّ و رقص آور — که از هر رقعهٔ دلقش هزاران بُت بیفشانی

۴ ملک در سجدهٔ آدم زمین بوس تو نیّت کرد — که در حسن تو چیزی یافت بیش از طور انسانی

۵ چراغ افروز چشم ما نسیم زلف خوبان است — مباد این جمع را یارب غم از باد پریشانی

۶ گشاد کار مشتاقان از ان ابروی دلبند است — خدا را یک نفس با ما گره بگشا ز پیشانی

۷ دریغا عیش شبگیری که در خواب سحر بگذشت — بدانی قدر وقت ای دل ولی وقتی که درمانی

۸ ملول از همرهان بودن طریق کاروانی نیست — بکش دشواری منزل به یاد عهد آسانی

۹ خیال چنبر زلفش فریبت می‌دهد حافظ — نگر تا حلقهٔ اقبال ناممکن نجنبانی

---

(۱۰) خم زلفت بنام ایزد کنون مجموعهٔ دلهاست — از ان باد ایمنی بادت که انگیزد پریشانی

۶ نسخه : یج طو خ مج نز سز

ترتیب ابیات										(۱۰)
طو	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
یج سز	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷	۸	۰
خ	۱	۲	۳	۵	۶	۴	۷	۸	۹	۰
مج نز	۱	۷	۵	۲	۶	۴	۹	۸	۱۰	۳

۲/۱ **مج نز** : ز راز عاشق و معشوق.

۳/۱ **سز** : بدین بازی به رقص آور. ۳/۲ **یج** : که از هر رقعهٔ زلفش.

۴/۲ **خ** : لطفی دید. **خ مج** : بیش از حد انسانی. ۵/۱ **خ** : نسیم زلف جانان است.

۶/۱ **خ** : گشاد کار مشتاقان دران ابروی دلبند است. ۶/۲ **خ** : بنشین گره بگشا.

۷/۱ **مج نز** : دریغ آن عیش. **نز** : چون باد سحر بگذشت.

۷/۲ **یج سز** : بدانی قدر وصل. **خ** : ندانی قدر وقت. **یج** : دران وقتی که درمانی.

خ : مگر وقتی که درمانی. **سز** : چو در هجران فرومانی.

۹/۱ **خ** : فریبم می‌دهد. ۹/۲ **یج** : نگر تا چنبر اقبال ناممکن نجنبانی.

شمار دگرسانیها : طو = ۱۳ - خ = ۸ - یج = ۴ - مج نز سز = ۳ -

(از نقل سیزده اختلاف نسخهٔ طو صرف نظر شد).

۱ وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی حاصل از حیات ای جان، این دم است تا دانی
۲ کام بخشی گردون عمر در عوض دارد جهد کن که از دولت داد عیش بستانی
۳ پند عاشقان بشنو وز درِ طرب باز آی کاینهمه نمی‌ارزد شغل عالم فانی
۴ پیش زاهد از رندی دم مزن که نتوان گفت با طبیب نامحرم حال درد پنهانی
۵ باغبان، چو من زینجا بگذرم حرامت باد گرنه بر گِلم سروی همچو دوست بنشانی
۶ زاهد پشیمان را ذوق باده خواهد کشت عاقلا، مکن کاری کآورَد پشیمانی
۷ با دعای شبخیزان ای شکردهان مستیز در پناه یک اسم است خاتم سلیمانی
۸ یوسف عزیزم رفت ای برادران، رحمی کز غمش عجب دیدم حال پیر کنعانی
۹ خم‌شکن نمی‌داند اینقدر که صوفی را جنس خانگی باشد همچو لعل رمّانی
۱۰ می‌رویّ و مژگانت خون خلق می‌ریزد تیز می‌روی جانا ترسمت فرو مانی
۱۱ دل ز ناوک چشمت گوش داشتم، لیکن ابروی کماندارت می‌برد به پیشانی
۱۲ جمع کن به احسانی حافظ پریشان را ای شکنج گیسویت مجمع پریشانی

(۱۳) از درم درآ سرمست تا زنم به شادی دست روشنی به ما پیوست راستی به مَه مانی
(۱۴) گر تو فارغی از من ای نگار سنگین دل حال خود بخواهم گفت پیش آصف ثانی

۸ نسخه : یج حی طو خ نز عد فط تص

													(۱۳)	(۱۴)
ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۰	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۰	۰
حی :	۱	۳	۴	۲	۰	۰	۰	۷	۰	۵	۰	۹	۶	۸
طو :	۱	۲	۰	۸	۳	۴	۶	۷	۵	۹	۱۰	۱۱	۰	۰
خ :	۱	۲	۷	۹	۳	۴	۶	۸	۵	۱۰	۱۱	۱۲	۰	۰
نز :	۱	۲	۰	۳	۹	۰	۶	۸	۴	۵	۷	۱۰	۰	۱۱
عد :	۱	۹	۴	۲	۳	۰	۵	۶	۷	۸	۱۰	۱۱	۰	۰
فط :	۱	۹	۴	۲	۳	۰	۵	۶	۷	۸	۱۰	۱۱	۰	۱۲
تص :	۱	۲	۳	۴	۵	۱۰	۶	۷	۹	۱۲	۱۳	۱۴	۸	۱۱

۱/۲ **یج** : حاصل حیوة. **طو** : حاصل حیات. **یج حی طو** : ای دل.
یج : یک دم است. **حی** : آن دم است.
۲/۲ **عد** : از عشرت داد خویش. **طو** : کام عیش.
۳/۱ **حی** : قول عاشقان بشنو. **خ** : باز آ.
۵/۱ **یج عد** : باغبان چو من زانجا.
۵/۲ **خ نز عد فط** : گر بجای من سروی غیر دوست.
۶/۱ **تص** : زاهد پریشان را. **طو** : شوق باده. **تص** : خواهد سوخت.
۷/۱ **نز تص** : ای شکردهن.
۸/۲ **خ** : عجب بینم.
۹/۱ **طو خ** : محتسب نمی‌داند.
۱۰/۱ **طو** : می‌روی ز مژگانت. **یج** : خون خلق می‌ریزند.
۱۱/۱ **طو** : دل ز ناوک مژگان.
(۱۳/۱) **حی** : از درم در آ روزی. (۱۳/۲) **حی** : دوستی به ما پیوست.
(۱۴/۱) **حی تص** : گر تو فارغی از ما.
(۱۴/۲) **حی تص** : حال دل بخواهم گفت.
شمار دگرسانیها : **حی طو** = ۷ - **یج تص** = ۵ - **خ** = ۴ - **عد** = ۳ -
نز = ۲ - **فط** = ۱ -

۴۱۵

۱ بشنو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی　　خون خوری گر طلب روزی ننهاده کنی

۲ آخر الأمر گِل کوزه‌گران خواهی شد　　حالیا فکر سبو کن که پر از باده کنی

۳ گر از آن آدمیانی که بهشتت هوس است　　عیش با آدمئی چند پری زاده کنی

۴ تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف　　مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی

۵ اجرها باشدت ای خسرو شیرین دهنان　　گر نگاهی سوی فرهاد دل افتاده کنی

۶ خاطرت کی رقم فیض پذیرد هیهات　　مگر از نقش پراکنده ورق ساده کنی

۷ کار خود گر به کرم باز گذاری حافظ　　ای بسا عیش که با بخت خداداده کنی

---

(۸) ای صبا بندگی خواجه جلال الدین کن　　که جهان پرسمن و سوسن آزاده کنی

۱۴ نسخه : **یج حی طو کد که خ　مج مط نز سد سز عز فط تغ**

ترتیب ابیات متن برابر است با : حی طو خ سد سز عز فط

								(۸)
متن	= ۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰
یج تغ	: ۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
کد	: ۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷
که	: ۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۶
مج نز	: ۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸
مط	: ۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۰

۱/۱ **که** : بشنو این قصه.

۲/۱ **که** : گل کوزه‌گران خواهی بود.

۳/۱ **مج نز** : که ز غفلت خبری‌ست.　**که** : جهد آن کن که در ایام گل و فصل بهار.

۳/۲ **طو مط عز** : عیش با آدمی چند

۵/۱ **تغ** : ای خسرو خوبان جهان.　　۵/۲ **یج** : گر نهادی سوی فرهاد.

۷/۲ **سز** : که از بخت.　**فط** : که با حسن.

(۸/۲)**که** : تا جهان.

شمار دگرسانیها : که = ۴ -　**یج طو مج مط نز سز عز فط تغ** = ۱ -

حی کد خ سد = ۰ -

۱ ای که در کُشتن ما هیچ مدارا نکنی سود و سرمایه بسوزیّ و محابا نکنی
۲ دردمندان بلا زهر هلاهل دارند قصد این قوم خطر باشد هان تا نکنی
۳ رنج ما راکه توان بُرد به یک گوشهٔ چشم شرط انصاف نباشد که مُداوا نکنی
۴ دیدهٔ ما چو به امیّد تو دریاست چرا به تفرّج گذری بر لب دریا نکنی
۵ نقل هر جور که از خُلق کریمت کردند قول صاحب غرضان است تو آنها نکنی
۶ بر تو گر جلوه کند شاهد ما ای زاهد از خدا جُز می و معشوق تمنّا نکنی
۷ حافظا سجدهٔ ابروی چو محرابش کن که دعائی ز سر صدق جز آنجا نکنی

۹ نسخه : خ کد سد عد فط صد پن حة تج
ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ نسخه‌های فوق.

متن =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

۲/۱ کد : زهر هلاهل نوشند.
۲/۲ کد : خطر باشد و هان. خ صد : خطا باشد هان.
۳/۱ سد : درد ما را.
۴/۱ پن : که به امید تو.
۵/۲ سد فط حة : صاحب غرضان است و. عد فط پن : تو اینها نکنی.
۶/۲ کد : جز می و معشوقه.
۷/۱ خ حة : سجده به ابروی. عد : سجده بر ابروی.
خ : چو محرابش بر.
شمار دگرسانیها : کد خ = ۳ - سد عد فط پن حة = ۲ - صد = ۱ - تج = ۰ -

۴۱۷

۱ ای دل به کوی عشق گذاری نمی‌کنی — اسباب جمع داری و کاری نمی‌کنی

۲ میدان به کام خاطر و گویی نمی‌زنی — بازی چنین به دست و شکاری نمی‌کنی

۳ ساغر لطیف و پُر می و می افکنی به خاک — و اندیشه از بلای خماری نمی‌کنی

۴ در آستین جان تو صد نافه مُدرج است — وان را فدای طُرّهٔ یاری نمی‌کنی

۵ این خون که موج می‌زند اندر جگر تو را — در کار رنگ روی نگاری نمی‌کنی

۶ مشکین ازان نشد دم خُلقت که چون صبا — بر خاک کوی دوست گذاری نمی‌کنی

۷ ترسم کزین چمن نبری آستین گل — کز گلشنش تحمّل خاری نمی‌کنی

۸ حافظ برو که بندگی بارگاه دوست — گر جمله می‌کنند تو باری نمی‌کنی

---

۷ نسخه : **یج طو خ عد عز فط صف**

ترتیب ابیات								
= **یج عد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
طو :	۱	۲	۶	۵	۳	۰	۴	۷
فط :	۱	۲	۶	۰	۳	۴	۵	۷
خ :	۱	۲	۷	۶	۳	۴	۵	۸
عز صف :	۱	۲	۷	۵	۳	۶	۴	۸

۲/۱ **یج** : میدانی اینچنین خوش و. **طو خ** : چوگان حکم در کف و. **عز فط صف** : چوگان کام در کف و. ۲/۲ **طو خ** : باز ظفر به دست و.

۳/۱ **طو خ** : ساغر لطیف و دلکش و.

۴/۱ **یج عد** : در آستین کام تو. ۴/۲ **عد** : آن را فدای.

۵/۱ **عز** : اندر جگر چرا. ۵/۲ **خ فط** : رنگ و بوی.

۸/۱ **خ** : بندگی پادشاه وقت.

شمار دگرسانیها : خ = ۵ - طو = ۳ - یج عد عز فط = ۲ - صف = ۱ -

۱ دو یار زیرک و از بادهٔ کهن دو منی   فراغتیّ و کتابیّ و گوشهٔ چمنی

۲ من این مقام به دنیا و آخرت ندهم   اگرچه در پیَم افتند هر دم انجمنی

۳ هر آنکه کنج فراغت به گنج دنیا داد   فروخت یوسف مصری به کمترین ثمنی

۴ بیا که فسحت این کارخانه کم نشود   به زهد همچو توئی یا به فسق همچو منی

۵ ببین در آینهٔ جام نقشبندی غیب   که کس به یاد ندارد چنین عجب زَمَنی

۶ ز تندباد حوادث نمی توان دیدن   درین چمن که گلی بوده است یا سمنی

۷ ازین سموم که بر طرف بوستان بگذشت   عجب‌که رنگ‌گلی هست و بوی یاسمنی

۸ به صبر کوش تو ای دل، که حق رها نکند   چنین عزیز نگینی به دست اهرمنی

۹ مزاج دهر تبه شد درین بلا حافظ   کجاست فکر حکیمیّ و رای برهمنی؟

---

(۱۰) به روز حادثه غم با شراب باید گفت   که اعتماد به کس نیست در چنین زمنی

۶ نسخه : **یج طو که خ فط تغ**

ترتیب ابیات = **یج که فط** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰ (۱۰)
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۶	۷	۸	۹	۵
خ تغ :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸	۹	۰

۲/۱ **تغ** : من آن مقام. **یج که فط** : به دنیی و آخرت. ۲/۲ **طو** : خلق انجمنی.

۳/۱ **یج طو که فط تغ** : که هرکه. **طو که خ فط تغ** : کنج قناعت. **یج که فط تغ** : به گنج دنیی داد.

۴/۱ **که** : قسمت این. **خ** : رونق این. ۵/۱ **یج که فط** : بخواه آینهٔ جام و سرّ دور ببین.

۷/۲ **خ** : بوی گلی هست و رنگ نسترنی.

۸/۲ **طو** : چنان عزیز نگینی.

۹/۱ **که** : مزاج دهر تلف شد. **تغ** : مزاج عمر تبه شد درین هوا.

۹/۲ **یج** : کجاست رای حکیمی و فکر برهمنی.

(۱۰/۱) **طو** : مگو حکایت خود جز به جام صافی دل.

شمار دگرسانیها : که = ۷ - یج طو فط تغ = ۵ - خ = ۳ -

۴۱۹

۱ تو مگر بر لب آبی به هوس ننشینی ... ور نه هر فتنه که بینی همه از خود بینی

۲ به خدائی که توئی بندهٔ بگزیدهٔ او ... که برین چاکر دیرینه کسی نگزینی

۳ ادب و شرم تو را خسرو مهرویان کرد ... آفرین بر تو که شایستهٔ صد چندینی

۴ صبر بر جور رقیبت چه کنم گر نکنم ... عاشقان را نبود چاره بجُز مسکینی

۵ عجب از لطف تو ای گل که نشینی با خار ... ظاهرا مصلحت وقت دران می‌بینی

۶ گر امانت به سلامت ببرم باکی نیست ... بیدلی سهل اگر از پی نبود بیدینی

۷ سخن بی غرض از بندهٔ مخلص بشنو ... ای که منظور بزرگان حقیقت بینی

۸ نازنینی چو تو پاکیزه دل و پاک نهاد ... بهتر آن است که با مردم بد ننشینی

۹ حیفم آید که خرامی به تماشای چمن ... که تو خوشتر ز گل و تازه‌تر از نسرینی

۱۰ سیل این اشک روان صبر دل حافظ برد ... بَلَغَ الطّاقَةُ یا مُقْلَةَ عَیْنی بینی

---

(۱۱) شیشه‌بازی سرشکم نگری از چپ و راست ... گر برین منظر بینش نفسی بنشینی

(۱۲) تو بدین نازکی و دلکشی ای شمع چگل ... لایق بزمگه خواجه جلال الدینی

۶ نسخه : **یج طو خ فخ فط تم**

ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	(۱۱) ∘	(۱۲) ∘
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۱۰	۸	۱۱	۹	۱۲
طو :	۱	۲	۴	∘	۵	۳	∘	∘	۶	۷	∘	۸
خ :	۱	۲	۴	۷	۵	۳	۱۰	۶	۸	۱۲	۹	۱۱
فخ :	۱	۲	∘	۳	۷	۸	۴	۵	۶	۹	∘	∘
فط :	۱	۲	۷	۳	۸	۴	۵	۶	∘	۹	∘	∘
تم :	۱	۴	۵	۶	۹	۲	۳	۷	۱۰	۱۱	∘	∘

۱/۱ **فخ** : برلب جوئی. **یج خ** : به هوس بنشینی. **طو** : ىسشینی (دو حرف اول بی‌نقطه است).
۵/۱ **یج خ فخ** : نشستی با خار. ۵/۲ **فخ** : غالبا. ۶/۲ **طو خ فط** : سهل بودگر نبود.
۷/۱ **خ** : سخنی بی‌غرض. ۷/۲ **یج** : [ای] که منظور.
۸/۱ **یج** : پارسائی جو تو. **یج تم** : پاکیزه دل پاک نهاد. ۹/۱ **طو خ** : باد صبحی به هوایت ز گلستان برخاست.
۱۰/۱ **طو** : ان اشک روان. **طو خ فخ فط تم** : صبر و دل. **طو** : حافظ بود. ۱۰/۲ **طو** : یا نقد عینی بینی.
(۱۲/۱) **طو خ** : تو بدین نازکی و سرکشی. (۱۲/۲) طو خ : لایق بندگی.
شمار دگرسانیها : طو = ۹ - خ = ۸ - یج = ۵ - فخ = ۴ - فط تم = ۲ -

---

۱۰/۲. شکیبائیم به سر رسید ای مردمک دیده، از من دور شو.

۴۲۰

۱ سحرگه رهروی در سرزمینی / همی گفت این معمّا با قرینی

۲ که ای صوفی شراب آنگه شود صاف / که در شیشه بر آرد اربعینی

۳ گر انگشت سلیمانی نباشد / چه خاصّیت دهد نقش نگینی

۴ خدا زان خرقه بیزار است صد بار / که صد بُت باشدش در آستینی

۵ مروّت گر چه نامی بی‌نشان است / نیازی عرضه کن بر نازنینی

۶ ثوابت باشد ای دارای خرمن / اگر رحمی کنی بر خوشه چینی

۷ درونها تیره شد، باشد که از غیب / چراغی برکند خلوت نشینی

۸ نمی‌بینم نشاط عیش در کس / نه درمان دلی، نه درد دینی

۹ نه همّت را امید سر بلندی / نه نقش عشق بر لوح جبینی

۱۰ نه حافظ را حضور درس و خلوت / نه دانشمند را علم الیقینی

۱۱ در میخانه بنما تا بپرسم / مآل خویش را از پیش بینی

---

(۱۲) اگرچه رسم خوبان تندخوئی ست / چه باشد گر بسازد با غمینی

۱۰ نسخه : **یج طو کد خ مج نز سد عز فط صف**

ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	(۱۲)
یج کد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰ ۸/۲	۸/۱ ۰	۹	۰	۰
طو :	۱	۲	۸	۳	۴	۵	۷	۶	۰	۱۱	۹	۱۰
خ :	۱	۲	۸	۳	۴	۵	۷	۶	۰	۱۱	۱۰	۹
مج نز سد :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۵	۸	۰	۹	۱۰	۰
عز صف :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۵	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۸
فط :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۵	۰ ۸/۲	۸/۱ ۰	۹	۰	۰

۳/۱ **طو** : گر انگشت سلیمانی باشد. ۳/۲ **طو** : مهر نگینی. ۴/۲ **طو** : که صد بت دارد اندر آستینی.

۵/۱ **طو** : نام بی‌نشانی‌ست. ۶/۲ **طو کد** : اگر رحمت کنی. **صف** : اگر رحمی کنی بر نازنینی.

۸/۱ **طو** : نشاط عشق. **خ سد عز صف** : نشاط و عیش.

۱۰/۱ **یج خ مج فط صف** : حضور درس خلوت. **طو** : حضور سِرّ خلوت.

۱۱/۱ **خ** : ره میخانه بنما. ۱۱/۲ **مج** : مآل خویشتن.

(۱۲/۲) **عز صف** : چه باشد گر بسازی.

شمار دگرسانیها : طو = ۷ - صف = ۴ - خ = ۳ - مج عز = ۲ - یج کد سد فط = ۱ - نز = ۰ - (یک بیت کم دارد.)

۴۲۱

۱ ساقیا سایهٔ ابر است و بهار و لب جوی من نگویم چه کن، ار اهل دلی خود تو بگوی
۲ بوی یکرنگی ازین نقش نمی‌آید، خیز دلق آلودهٔ صوفی به می ناب بشوی
۳ سفله طبع است جهان، بر کرمش تکیه مکن ای جهاندیده ثبات قدم از سفله مجوی
۴ گوش بگشای که بلبل به فغان می‌گوید خواجه تقصیر مفرما، گل توفیق ببوی
۵ دو نصیحت کنمت بشنو و صد گنج ببر از در عیش در آی و به ره عیب مپوی
۶ روی جانان طلبی آینه را قابل ساز ورنه هرگز گل و نسرین ندمد ز آهن و روی
۷ گفتی از حافظ ما بوی ریا می‌آید آفرین بر نفست باد که خوش بردی بوی

---

(۸) شکر آن را که دگر باره رسیدی به بهار بیخ نیکی بنشان و گل توفیق ببوی

۹ نسخه : یج طو کد خ مج نز سز عد صف

								(۸)
ترتیب ابیات = مج نز سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۶/۱ ۰	۵	۷	۰ ۶/۲
طو :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۰
کد عد :	۱	۲	۳	۵	۴	۰	۶	۰
خ :	۱	۲	۳	۷	۴	۶	۸	۵
صف :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۰

۲/۱ **عد** : ازین وضع نمی‌آید.
۳/۲ **کد** : ثبات از قدم سفله.
۴/۱ **صف** : روی بنمای که بلبل. ۴/۲ **نز** : گل ببحار ببوی.
۵/۲ **طو خ** : در آ و.
۶/۱ **طو** : رخ جانان‌طلبی. ۶/۲ **یج سز** : زانکه هرگز.
(۸/۱) **خ** : دگر باز رسیدی.
شمار دگرسانیها : طو خ = ۲ - یج کد نز سز عد صف = ۱ - مج = ۰ -

۴۲۲

۱ ای بیخبر بکوش که صاحب خبر شوی   تا راهرو نباشی کی راهبر شوی

۲ در مکتب حقایق پیش ادیب عشق   هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

۳ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی   تا کیمیای عشق بیابیّ و زر شوی

۴ خواب و خورت ز مرتبهٔ خویش دور کرد   آنگه رسی به‌خویش که بی‌خواب و خور شوی

۵ گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد   باللّه کز آفتاب فلک خوبتر شوی

۶ یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر   کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی

۷ از پای تا سرت همه نور خدا شود   در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی

۸ وجه خدا اگر شودت منظر نظر   زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی

۹ بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود   در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

۱۰ گر در سرت هوای وصال است حافظا   باید که خاک درگه اهل هنر شوی

---

۸ نسخه : **یج طو خ مج نز عد فط تم**

ترتیب ابیات										
= **طو خ فط** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸	۹
مج :	۱	۲	۴	۳	۵	۷	۶	۸	۹	۱۰
نز :	۱	۲	۰	۳	۴	۶	۵	۷	۸	۹
عد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۹	۸	۱۰
تم :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۸	۹	۱۰

۲/۱ **طو** : حقایق نفس.

۳/۱ **طو** : ز مرتبهٔ عشق.   ۴/۲ **طو** : رسی به عشق. **فط** : به دوست.

۵/۲ **طو** : کز آفتاب فلک دورتر شوی.

۹/۲ **یج** : که دیگر ز بر شوی. **طو** : چو زیر و زبر شوی.

۱۰/۲ **طو** : صاحب هنر شوی. **تم** : اهل بصر شوی.

شمار دگرسانیها : طو = ۶ - یج فط تم = ۱ - خ مج نز عد = ۰ (نسخهٔ نز یک بیت کم دارد).

۱ بلبل ز شاخ سرو به گلبانگ پهلوی   می‌خواند دوش درس مقامات معنوی
۲ یعنی بیا که آتش موسی نمود گل   تا از درخت نکتهٔ توحید بشنوی
۳ مرغان باغ قافیه سنجند و بذله گوی   تا خواجه می خورد به غزلهای پهلوی
۴ چشمت به غمزه خانهٔ مردم خراب کرد   مخموریت مباد که خوش مست می‌روی
۵ دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر   کای نور چشم من بجز از کشته ندروی
۶ این قصّهٔ عجب شنو از بخت واژگون   ما را بکشت یار به انفاس عیسوی
۷ جمشید جز حکایت جام از جهان نبرد   زنهار دل مبند بر اسباب دنیوی
۸ خوش وقت بوریای گدائیّ و خواب امن   کین عیش نیست روزی اورنگ خسروی
۹ ساقی مگر وظیفهٔ حافظ زیاده داد   کآشفته گشت طرّهٔ دستار مولوی

(۱۰) می خور که در قیاس فراغ و حساب امن   یک بوریای فقر و صد اورنگ خسروی

۶ نسخه : یج طو خ مج عز فخ

ترتیب ابیات = یج فخ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	(۱۰) ۰
طو :	۱	۲	۳	۷	۸	۶	۵	۰	۹	۴
خ :	۱	۲	۳	۷	۸	۵	۴	۶	۹	۰
مج :	۱	۲	۳	۸	۷	۴	۵	۶	۹	۰
عز :	۱	۲	۳	۵	۷	۸	۶	۴	۹	۰

۴/۱ **مج** : چشمت به عشوه. **یج طو مج فخ** : سیاه کرد.
۵/۲ **یج** : کای نور چشم [ ] بجز از کشته ندروی.
۶/۱ **عز** : این نکتهٔ عجب شنو. **طو فخ** : ای بخت واژگون.
۷/۲ **یج طو** : در اسباب دنیوی.
۸/۱ **خ عز** : خوش‌وقت بوریا و گدائی و خواب امن. **مج** : بوریا و گدائی و خواب و امن.
۸/۲ **خ عز فخ** : در خور اورنگ خسروی.
شمار دگرسانیها : یج طو مج عز فخ = ۳ - خ = ۲ -

۱ سحرم هاتف میخانه به دولتخواهی گفت باز آی که دیرینهٔ این درگاهی
۲ همچو جم جرعهٔ ماکش که ز سرّ دوجهان پرتو جام جهان‌بین دهدت آگاهی
۳ بر در میکده رندان قلندر باشند که ستانند و دهند افسر شاهنشاهی
۴ خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای دست قدرت نگر و منصب صاحبجاهی
۵ سر ما و در میخانه که طرف بامش به فلک بر شده دیوار بدین کوتاهی
۶ اگرت سلطنت فقر ببخشند ای دل کمترین ملک تو از ماه بود تا ماهی
۷ قطع این مرحله بی همرهی خضر مکن ظلمات است، بترس از خطر گمراهی
۸ حافظ خام طمع شرمی ازین قصّه بدار عملت چیست که مزدش دوجهان می‌خواهی؟

---

(۹) گذرت بر ظلمات است بجو خضر رهی که درین مرحله بسیار بود گمراهی
(۱۰) با گدایانِ درِ میکده، ای سالک راه به ادب باش گر از سرّ خدا آگاهی
(۱۱) تو درِ فقر ندانی زدن از دست مده مسند خواجگی و مجلس تورانشاهی

۶ نسخه : **ید طو خ مج عد فط**

ترتیب ابیات =

									(۹)	(۱۰)	(۱۱)
ید :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۰	۰
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۸	۷	۰	۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۶	۱۰	۸	۰	۹
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۰	۷	۱۰
عد :	۱	۲	۴	۵	۶	۷	۸/۱ ۰	۱۰	۰ ۸/۲	۳	۹
فط :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۰	۵	۱۰

۲/۱ **مج فط** : جرعهٔ می کش. **ید** : که ز اسرار نهان.
۳/۱ **عد** : اندرین مصطبه رندان بلاکش باشند. ۳/۲ **ید** : دهند از سر شاهنشاهی.
۴/۱ **طو** : خشت در زیر سر و بر سر هفت اختر پای. ۴/۲ **طو** : دست مسند نگر و.
۵/۲ **ید خ فط** : به فلک بر شد و. ۷/۱ **مج** : قطع این بادیه.
۸/۲ **خ** : که فردوس برین می‌خواهی.
(۱۰/۲) **مج** : به ادب باش اگر از.
(۱۱/۱) **خ** : تو دم فقر. (۱۱/۲) **خ** : مسند خواجگی و منصب تورانشاهی.
شمار دگرسانیها : خ = ۴ - یدمج = ۳ - طو فط = ۲ - عد = ۱ -

بخش دوم

پیوستهای غزلها:

(غزلواره‌ها، تشبیب، تغزّل)

از شماره ۴۲۵ تا ۴۷۴

ـ ترکیب‌بند

ـ قصیده‌ها

ـ مثنوی‌ها

ـ قطعات

ـ رباعیات

۴۲۵

۱ دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما — چیست یاران طریقت بعد ازین تدبیر ما
۲ در خرابات مغان ما نیز هم منزل کنیم — کاینچنین رفته است در عهد ازل تقدیر ما
۳ ما مریدان روی سوی کعبه چون آریم چون — روی سوی خانهٔ خمّار دارد پیر ما
۴ با دل سنگینت آیا هیچ درگیرد شبی — آه آتشبار و سوز نالهٔ شبگیر ما
۵ عقل اگر داند که دل دربند زلفت چون خوش است — عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما
۶ باد بر زلف تو آمد شد جهان بر من سیاه — نیست از سودای زلفت بیش ازین توفیر ما
۷ مرغ دل را صید جمعیّت به دام افتاده بود — زلف بگشادی ز دست ما بشد نخجیر ما
۸ روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد — زین سبب جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما
۹ تیر آه ما ز گردون بگذرد حافظ خموش — رحم کن بر جان خود پرهیز کن از تیر ما

درج شده در ۲۲ نسخه : کج که خ مج نح قو قہ سو سز فخ فط صج صۀ صد پہ حۃ حک تص تغ تم تۀ تپ
اختلاف چهار نسخهٔ کج که خ صۀ :

ترتیب ابیات =									
صۀ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
کجکه :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۸	۹	۵
خ :	۱	۳	۲	۶	۴	۰	۰	۵	۷

۲/۱ **خ** : در خرابات طریقت. **که** : ما نیز هم منزل شویم. **خ** : ما بهم منزل شویم.
۲/۲ **صۀ** : که چنین رفته است.
۳/۱ **خ** : روی سوی قبله.
۴/۱ **صۀ** : درگیرد دمی.
۴/۲ **کج** : آه آتشبار و سوز و نالهٔ شبگیر ما. **که** : آه آتش‌سوز ما و نالهٔ. **خ** : آه آتشناک و سوز سینهٔ.
۵/۱ **که صۀ** : در بند زلفش.
۶/۲ **که** : از سودای دامش.
۷/۲ **کج** : زلف بگشادی زشست ما بشد زنجیر ما.
۸/۲ **کج که** : زان سبب. **خ** : زان زمان. **که** : جز لطف خوبی.
۹/۱ **کج که** : بگذرد جان عزیز.

۴۲۶

۱ می‌دمد صبح و کِلّه بست سحاب ‌‌ ‌ اَلصَّبوح الصَّبوح یا اَصْحاب
۲ می‌چکد ژاله بر رخ لاله ‌ اَلمُدام المُدام یا اَحْباب
۳ می‌وزد از چمن نسیم بهشت ‌ خوش بنوشید دایما می ناب
۴ تخت زمرّد زده است گل به چمن ‌ راح چون لعل آتشین دریاب
۵ در چنین موسمی عجب باشد ‌ که ببندند میکده به شتاب
۶ در میخانه بسته‌اند دگر ‌ اِفْتَتِحْ یا مُفَتِّحَ الاَبْواب
۷ حافظا غم مخور که شاهد بخت ‌ عاقبت در کشد ز چهره نقاب

مندرج است در ۲۶ نسخه : یج کد کہ خ لو مج ند نهنز نح قب سد سو سز عد فط ص صف قم پذ حص حک تص تغ تم تق.

اختلاف ۶ نسخهٔ **یج کد کہ مج فط تم** :

ترتیب ابیات = **تم**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج کہ	:	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۰
کد مج	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۰
فط	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰

۱/۱ **یج** : گل بشست سحاب. ‌ ۳/۲ **یج کد کہ مج فط** : پس بنوشید.
۲/۱ **فط** : از رخ لاله.
۴/۱ **کہ** : تخت زهره. ‌ **تم** : در چمن گل زد از زمرد تخت.
۵/۲ **یج** : که ببستند میکده.
۶/۱ **یج** : بسته‌اند مگر.

۴۲۶/۱ ای یاران، صبوحی، صبوحی (بادهٔ سحرگاهی). ‌ ۴۲۶/۲ ای دوستان باده بیاورید.
۴۲۶/۶ ای گشایندهٔ درها [این در را] بگشا.

۴۲۷

۱ روزه یکسو شد و عید آمد و دلها برخاست — می ز خمخانه به جوش آمد می باید خواست
۲ نوبت زهد فروشان گران‌جان بگذشت — وقت شادیّ و طرب کردن رندان برخاست
۳ چه ملامت رسد آن را که چو ما باده خورد — این نه عیبی‌ست که بر عاشق و بر رند خطاست
۴ باده نوشی که در او هیچ ریائی نبود — بهتر از زهدفروشی که در او روی و ریاست
۵ ما نه مردان ریائیم و حریفان نفاق — آنکه او عالم سرّ است بدین حال گواست
۶ فرض ایزد بگزاریم و به کس بد نکنیم — وانچه گویند روا نیست نگوئیم رواست
۷ چه شود گر من و تو چند قدح باده خوریم — باده از خون رزان است نه از خون شماست
۸ این چه عیب است کزین عیب خلل خواهد بود — ور بود نیز چه شد مردم بی‌عیب کجاست

(۹) از ریا دور شو و نوش کن این جام شراب — همچو حافظ اگرت آرزوست این ره راست
(۱۰) حافظ از چون و چرا بگذر و می نوش دمی — نزد حکمش چه مجال سخن چون و چراست

درج شده در ۱۰ نسخه : طو که خ سز عد پن حص تص تم تق.
اختلاف ۵ نسخهٔ طو که خ سز تم:

ترتیب ابیات متن = **طو خ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۰
که :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۰	۰	۰
سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
تم :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۰	۰	۷

(ستون‌های آخر: (۹) (۱۰))

۱/۲ **طو سز تم** : می ز میخانه. **که** : می و میخانه. **طو که خ** : به جوش آمد و.
۲/۱ **طو که خ** : توبهٔ زهدفروشان. ۲/۲ **خ** : وقت رندی و طرب کردن رندان پیداست.
۳/۱ **که تم** : چه ملامت خورد. **خ** : چه ملامت کند. **طو که خ تم** : آنکس که. **که تم** : چو ما باده نخورد.
خ : چنین باده خورد.
۳/۲ **طو** : این نه عیبی‌ست بدین بیخردی این نه خطاست. **که** : این نه عیب است بدین خرده و این خود نه خطاست.
خ : این چه عیب است بدین بیخردی وین چه خطاست. **تم** : این نه عیب است بر عاشق رند و نه خطاست.
۴/۱ **طو که سز** : باده‌خواری. **خ** : که در او روی و ریائی نبود.
۴/۲ **طو** : که در او رو و ریاست. **سز** : روی ریاست. ۵/۱ **خ** : ما نه رندان ریائیم و. **تم** : ریائیم و نه از اهل نفاق.
۵/۲ **سز تم** : وانکه او. **طو سز** : برین حال. **که** : بدین قول.
۶/۱ **طو خ سز** : فرض ایزد بگذاریم و. **که تم** : بدی هم نکنیم. ۶/۲ **خ** : ور بگویند ره این است بگوئیم رواست.
۸/۱ **طو** : این نه عیب است. **خ** : کزان عیب. ۸/۲ **طو** : مردم بی‌عیب خداست.

۴۲۸

۱ المنّة للّه که در میکده باز است زانرو که مرا بر در او روی نیاز است
۲ خمها همه در جوش و خروشند ز مستی وان می که در آنجاست حقیقت نه مجاز است
۳ از وی همه مستیّ و غرور است و تکبّر وز ما همه بیچارگی و عجز و نیاز است
۴ رازی که برِ خلق نگفتیم و نگوئیم با دوست بگوئیم که او محرم راز است
۵ شرح شکن زلف خم اندر خم جانان کوته نتوان کرد که این قصّه دراز است
۶ بار دل مجنون و خم طرّهٔ لیلی رخسارهٔ محمود و کف پای ایاز است
۷ بر دوختهام دیده چو باز از همه عالم تا دیدهٔ من بر رخ زیبای تو باز است
۸ در کعبهٔ کوی تو هر آنکس که در آید از قبلهٔ ابروی تو در عین نماز است
۹ ای مجلسیان سوزِ دل حافظ مسکین از شمع بپرسید که در سوز و گداز است

درج شده در ۱۷ نسخه: حی طو خ لد لط قد سو سز عد فط پذ حص حک نص نم تق تی.
اختلاف چهار نسخهٔ حی **طو خ فط**:

ترتیب ابیات = **طو خ فط**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
حی	:	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۹

۲/۲ حی: زین می.
۳/۱ حی: از (او = به خط الحاقی) همه مستی و.
۴/۱ خ: بر غیر نگفتیم و.
۵/۱ حی: خم اندر خم خوبان.
۸/۱ خ: که بیاید.
۹/۲ حی: با شمع بگوئید.

۴۲۹

۱ **حال دل با تو گفتنم هوس است — خبر دل شنفتنم هوس است**

۲ **طمع خام بین که قصهٔ فاش — از رقیبان نهفتنم هوس است**

۳ **شب قدری چنین عزیز شریف — با تو تا روز خفتنم هوس است**

۴ **وه که دُر دانه‌ای چنین نازک — در شب تار سُفتنم هوس است**

۵ **ای صبا امشبم مدد فرما — که سحرگه شکفتنم هوس است**

۶ **از برای شرف به نوک مژه — خاک راه تو رُفتنم هوس است**

۷ **همچو حافظ به رَغم مدّعیان — شعر رندانه گفتنم هوس است**

مندرج در ۳۸ نسخه با ۳۹ ضبط : یج حی کا طو کج کد کهخ لط$_1$ لط$_2$ مج مط ند نه نز نح نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صه صد قم پن حن حک تص تغ تل تم تق تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج حی کا طو**:

ترتیب ابیات متن برابر است با هر چهار نسخهٔ فوق.

متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۱ **طو** : حال خود.

۲/۲ **طو** : از رفیقان.

۳/۱ **طو** : عزیز و شریف.

۵/۱ **حی طو** : مدد فرمای.

۶/۲ **طو** : در و یاقوت سفتنم. **کا** : خاک درگاه رفتنم.

۴۳۰

۱ خم زلف تو دام کفر و دین است — ز کارستان او یک شمّه این است
۲ جمالت معجز حسن است لیکن — حدیث غمزه‌ات سِحر مبین است
۳ بران چشم سیه صد آفرین باد — که در عاشق‌کشی سِحرآفرین است
۴ عجب علمی‌ست علم هیأت عشق — که چرخ هشتمش هفتم زمین است
۵ نپنداری که بدگو رفت و جان برد — حسابش با کرام الکاتبین است
۶ ز چشم شوخ تو جان کی توان برد — که دایم با کمان اندر کمین است
۷ مشو حافظ ز کید زلفش ایمن — که دل برد و کنون دربند دین است

درج شده در ۲۷ نسخه : یج کا کج که خ لط مط ند نح قب سد سو سز عد عز فخ فط صۀ صد قه یذ حص حک تص تم تۀ تی.

اختلاف ۴ نسخۀ **یج کا که سز**:

ترتیب ابیات =							
سز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج کا که :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۰

۱/۲ **که** : نگارستان تو.
۳/۱ **یج** : بدان چشم سیه.
۴/۲ **یج کا** : که چرخ هفتمش.

۴۳۱

۱ دارم امید عاطفتی از جناب دوست — کردم جنایتیّ و امیدم به عفو اوست

۲ چندان گریستیم که هر کس که برگذشت — در اشک ما چو دید روان گفت کین چه جوست

۳ دانم که بگذرد ز سر جرم من که او — گرچه پریوش است ولیکن فرشته خوست

۴ ما سر چو گوی بر سر کوی تو باختیم — واقف نشد کسی که چه گوی است وین چه کوست

۵ بی‌گفت و گوی زلف تو دل را همی کشد — با زلف دلکش تو که را روی گفت و گوست

۶ هیچ است آن دهان که نبینیم ازو نشان — موئی‌ست آن میان و ندانیم آن چه موست

۷ عمری‌ست تا ز زلف تو بوئی شنیده‌ام — زان بوی در مشام دل من هنوز بوست

۸ دارم عجب ز نقش خیالت که چون نرفت — از دیده‌ام که دمبدمش کار شست و شوست

۹ حافظ بد است حال پریشان تو ولی — بر بوی زلف دوست پریشانیت نکوست

مندرج است در ۳۵ نسخه : یج حی کا کج کد که خ لد لو لط مج ند نح نط قو قب سو سز عد عز فح فط صج صف قه پن حص حت حک تغ تص تا تم تق تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ یج حی کا که:

ترتیب ابیات = **یج حی** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
کا :	۱	۲	۳	۰	۴	۶	۵	۷	۸
که :	۱	۳	۲	۴	۰	۵	۶	۷	۸

۲/۱ **یج کا** : که منبعد اگر کسی. — ۲/۲ **کا** : گفت این چه جوست.

۴/۱ **یج حی** : سرها چوگوی در سر کوی تو. — ۴/۲ **یج حی** : که چه گوی است و این.

۵/۱ **کا** : دلها همی برد. — ۵/۲ **کا** : برگ گفت و گوست.

۶/۱ **یج حی** : که نبینم ازو نشان.

۶/۲ **یج حی** : آن میان و ندانم که آن چه موست. **که** : آن میان که ندانیم.

۷/۲ **که** : زان ذوق در مشام دل ما.

۸/۱ **که** : ز نقش خیالش. **یج حی کا** : که چون گذشت.

۴۳۲

۱ حسن تو همیشه در فزون باد　　　رویت همه ساله لاله گون باد
۲ اندر سر من خیال عشقت　　　هر روز که هست در فزون باد
۳ قدّ همه دلبران عالم　　　پیش الف قدت چو نون باد
۴ هر سرو که در چمن برآید　　　در خدمت قامتت نگون با
۵ چشمی که نه فتنهٔ تو باشد　　　از گوهر اشک بحر خون باد
۶ چشم تو ز بهر دلربائی　　　در کردن سحر ذو فنون باد
۷ هر جا که دلی‌ست از غم تو　　　بی‌صبر و قرار و بی‌سکون باد
۸ هر کس که نباشدش فراقی　　　از حلقهٔ وصل تو برون باد
۹ لعل تو که هست جان حافظ　　　دور از لب هر خسیس دون باد

درج شده در ۴۰ نسخه : یج حیـ کا طو کج کد که خ لد لو لط مج مط ند نه نز
نح قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صف صد قم په حصه حذ حک تغ تص تج تا تق تیـ.
اختلاف ۴ نسخهٔ یج حیـ کا مج :

ترتیب ابیات = مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج :	۱	۲	۳/۱ ۴/۲	۴/۱ ۳/۲	۵	۶	۷	۸	۹
حیـ :	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۶	۷	۸
کا :	۱	۲	۷/۱ ۳/۲	۳/۱ ۷/۲	۴	۵	۶	۸	۹

۱/۲ کا : رویت همه روزه.
۲/۱ حیـ کا : و اندر سر من.　　　۲/۲ کا : هر لحظه که هست. مج : بر فزون باد.
۳/۲ کا مج : پیش الف قد تو نون باد.
۴/۱ کا : از چمن برآید.
۵/۱ حیـ : عقلی که. مج : لعلی که نه تشنهٔ تو باشد.
۷/۱ کا مج : در غم تو.
۸/۱ حیـ : هر کس که نباشدش سر هجر. کا : هر دل که ز عشق توست خالی.
مج : هرکس که ندارد از تو دردی.

۱ آنکس که به دست جام دارد سلطانی جم مدام دارد
۲ آبی که خضر حیات ازو یافت در میکده جو که جام دارد
۳ سررشتهٔ جان به جام بگذار کین رشته ازو نظام دارد
۴ ما و می و زاهدان و تقوا تا یار سرِ کدام دارد
۵ بیرون ز لب تو ساقیا نیست در دوْر کسی که کام دارد
۶ نرگس همه شیوه‌های مستی از چشم خوش تو وام دارد
۷ ذکر رخ و زلف تو، دلم را وردی‌ست که صبح و شام دارد
۸ بر سینهٔ ریش دردمندان لعلت نمکی تمام دارد
۹ در چاه زنخ چو حافظ ای جان حسن تو دو صد غلام دارد

مندرج در ۳۱ نسخه : یج حی کا کج کد که خ لو مج نح نط قو قب سو سز عد فخ فط صج صة قه ید حص حک تغ تص تج تا تم تق تی.
اختلاف ۴ نسخهٔ یج حی کا مج :
ترتیب ابیات متن برابر است با همهٔ این نسخه‌ها.

متن : ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

۲/۱ یج : حیات ازان یافت.
۳/۱ کا : به جام یکتاست.
۵/۲ حی : کسی که جام دارد.
۶/۲ یج : از چشم خوشت به وام دارد.
۷/۱ مج : زلف تو دل من.
۸/۲ یج : نمک تمام دارد.

۴۳۴

۱ آنکه از سنبل او غالیه تابی دارد — باز با دلشدگان ناز و عتابی دارد

۲ از سر کشتهٔ خود می‌گذرد همچون باد — چه توان کرد که عمر است و شتابی دارد

۳ ماه خورشید نمایش ز پس پردهٔ زلف — آفتابی‌ست که در پیش سحابی دارد

۴ آب حیوان اگر آن است که دارد لب دوست — روشن است این که خضر بهره سرابی دارد

۵ چشم من کرد به هرگوشه روان سیل سرشک — تا سهی سرو تو را تازه به آبی دارد

۶ غمزهٔ شوخ تو خونم به خطا می‌ریزد — فرصتش باد که خوش فکر صوابی دارد

۷ چشم مخمور تو دارد ز دلم قصد جگر — ترک مست است مگر میل کبابی دارد

۸ جان بیمار مرا نیست ز تو روی سوآل — ای خوش آن خسته که از دوست جوابی دارد

۹ کی کند سوی دل خستهٔ حافظ نظری — چشم مستت که به هر گوشه خرابی دارد

مندرج است در ۳۵ نسخه : یج یو حیـ کا کج کد کهٔ خ لو مج ند نر نح نط قو قبـ سد سو سز عد عز فخ فط صج صهٔ صد قمـ حصـ حنـ حک تصـ تا تم تق تیـ.

اختلاف ۵ نسخهٔ **یج یو حیـ کا خ**

ترتیب ابیات = **یج یو حیـ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
کا :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶	۷	۸
خ :	۱	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۸	۹

۲/۱ **کا** : بر سر کشتهٔ خود. **خ** : می‌گذری.

۳/۱ **یج** : ماه و خورشید نمایش.

۴/۱ **خ** : اگر این است. ۴/۲ **یج** : روشن است این [ ] خضر.

۵/۲ **یو** : تا سهی قد تو را. **خ** : تازه‌تر آبی دارد.

۶/۱ **یج** : به جفا می‌ریزد. ۶/۲ **یج یو حیـ کا** : که این فکر صوابی دارد.

۷/۱ **یج** : تو دارد تو دارد ز دلم. ۷/۲ **یج** : مست است و مگر.

۹/۱ **کا** : که کند سوی دل خسته

۹/۲ **خ** : چشم مستتش. **یج** : هر گوشه کبابی دارد (روی «کبابی» به خط ریز «خرابی» نوشته شده است).

۴۳۵

۱ گل بی‌رخ یار خوش نباشد　　　بی‌باده بهار خوش نباشد
۲ طرف چمن و طواف بستان　　　بی لاله عذار خوش نباشد
۳ رقصیدن سرو و حالت گل　　　بی‌صوت هزار خوش نباشد
۴ با یار شکر لب گل اندام　　　بی‌بوس وکنار خوش نباشد
۵ باغ و گل و مُل خوش است لیکن　　　بی‌صحبت یار خوش نباشد
۶ هر نقش که دست عقل بندد　　　جز نقش نگار خوش نباشد
۷ جان نقد محقّر است حافظ　　　از بهر نثار خوش نباشد

مندرج در ۳۴ نسخه: یح حی کا طو کج کد که خ لو مج نح نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صد قد پن حص حذ حک تف تص تج تل تق تی.

اختلاف ۵ نسخهٔ یح حی کا خ مج:

ترتیب ابیات متن برابر است با یح حی کا مج

متن	=	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
خ	:	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶

۲/۱ حی: هوای بستان.

۵/۱ حی کا: باغ گل و مل.

۴۳۶

۱ ای پستهٔ تو خنده زده بر حدیث قند　　مشتاقم از برای خدا یک شکر بخند

۲ خواهی که برنخیزدت از دیده رود خون　　دل در وفای صحبت رود کسان مبند

۳ طوبی ز قامت تو نیارد که دم زند　　زین قصّه بگذرم که سخن می‌شود بلند

۴ گر طیره می‌نمائی و گر طعنه می‌زنی　　ما نیستیم معتقد مرد خودپسند

۵ ز آشفتگیٔ حال من آگاه کی شود　　آن را که دل نگشت گرفتار این کمند

۶ بازار شوق گرم شد آن شمع رخ کجاست　　تا جان خود بر آتش رویش کنم سپند

۷ حافظ چو ترک غمزهٔ ترکان نمی‌کنی　　دانی کجاست جای تو؟ خوارزم یا خجند

درج شده در ۳۸ نسخه : یج کا کج کد که خ لو مج مط ند نه نز نح نط قو قب سد سو سز عد عز فح فط صج صه صد قم ید حص حذ حک تغ تص تج تا تم تق تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج کا کد که** :

ترتیب ابیات متن برابر است با چهار نسخهٔ فوق.

متن :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

۱/۲ **یج** : از برای خد[ا]. **یج کا کد** : یک شکر به چند.

۲/۱ **کد** : بر نخیزد ازو دیده زود رود. **یج کا** : از دیده رود رود.

۲/۲ **یج** : دل در وفای و صحبت. **کا** : دل را فدای صحبت.

۳/۱ **کا** : طوبی به قامت تو.　　۳/۲ **کد** : سخن می‌شود به بند.

۴/۱ **یج** : ار طیره می‌نمائی و. **کا** : می‌نمائی و ور طعنه می‌زنی.

که : گر طیره می‌شوی و گرم طعنه می‌زنی.

۶/۱ **کا** : باران شوق. **که** : بازار عشق. **یج کد** : آن شمع قد.

کا که : آن سرو قد (متن = نز).

۶/۲ **کد** : تا جان [ ] بر. **که** : تا جان و دل به آتش رویش.

۷/۱ **که** : ترک غمزهٔ خوبان.

۴۳۷

۱ بعد ازین دست من و دامن آن سرو بلند — که به بالای چمان از بن و بیخم بر کند
۲ حاجت مطرب و می نیست تو برقع بگشای — که به رقص آوردم آتش رویت چو سپند
۳ هیچ رونی نشود آینهٔ چهرهٔ بخت — مگر آن روی که مالند بران سمّ سمند
۴ گفتم اسرار غمت هر چه بود گو می‌باش — صبر ازین بیش ندارم چه کنم تا کی و چند
۵ مکش آن آهوی مشکین مرا ای صیّاد — شرم ازان چشم سیه دار و مبندش به‌کمند
۶ من خاکی که ازین در نتوانم برخاست — از کجا بوسه زنم بر لب آن قصر بلند
۷ باز مستان دل ازان گیسوی مشکین حافظ — زانکه دیوانه همان به که بود اندر بند

---

(۸) چون غزلهای تر دلکش حافظ شنود — گر کمالیش بود شعر نگوید به خجند
(۹) جز به زلف تو ندارد دل حافظ میلی — آه ازین دل که به صد بند نمی‌گیرد پند

درج شده در ۱۹ نسخه : خ لط ند قب سو سز عد عز فخ فط صج پن حص حت نص تل تم تق تب.
اختلاف ۴ نسخهٔ خ ند قب تم :

								(۸)	(۹)
ترتیب ابیات = خ ند :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰
قب :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۰	۷	۰
تم :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۰	۷

۱/۲ ند : که به بالای چمن.
۲/۱ خ : برقع بگشا.
۳/۱ خ : نشود آینهٔ حجلهٔ بخت. ۳/۲ تم : که مالید. خ ند : در آن. قب : به آن.
۴/۱ تم : هر چه شود گو می‌شو. ۴/۲ ند : ازین بیش ندانم.
۵/۱ ند : مکش آن سنبل مشکین مرا باد صبا.
۶/۱ قب : چو ازین در. ۶/۲ قب : بر در آن قصر بلند.
۷/۱ خ : دل ازان آهوی مشکین حافظ.

۱ شب قدر است و طی شد نامهٔ هجر — سَلامٌ فیهِ حتّیٰ مَطْلَعِ الفَجْر
۲ دلا در عاشقی ثابت قدم باش — که در این ره نباشد کار بی‌اجر
۳ من از رندی نخواهم کرد توبه — وَلو آذَیْتَنی بِالهَجْرِ وَ الحَجْر
۴ دلم رفت و ندیدم روی دلدار — فغان از این تطاول آه ازین زجر
۵ بر آی ای صبح روشندل خدا را — که بس تاریک می‌بینم شب هجر
۶ وفا خواهی جفا کش باش حافظ — فَإنَّ الرِّبْحَ و الخُسْرانَ فی التَّجْر

درج شده در ۳۶ نسخه : یج طو کج کد که خ لو لط مج ند نز نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صف صد قم ید حص حة حک تد تص تج تا تم تة تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ یج خ سد سز :

ترتیب ابیات = سد سز	۱	۲	۳	۴	۵	۶
یج	۱	۲	۳	۴	۰	۵
خ	۱	۲	۳	۵	۴	۶

۱/۱ خ : شب وصل است و.
۵/۱ سد : بر آ ای صبح.

۱/۲ سلامت و آسایش در آن شب تا سپیدهٔ صبح. ۳/۲ هرچند مرا با جدائی و بازداشتن از دیدار بیازاری.
۶/۲ در بازرگانی هم سود و هم زیان هست.

۱ بر گل ز شاخ سرو سهی بلبل صبور　　گلبانگ زد که چشم بد از روی گل به دور
۲ ای گل به شکر آن که توئی پادشاه حسن　　با بلبلان بیدل شیدا مکن غرور
۳ از دست غیبت تو شکایت نمی‌کنم　　تا نیست غیبتی ندهد لذّتی حضور
۴ گر دیگران به عیش و طرب خرّمند و شاد　　ما را غم نگار بود مایهٔ سرور
۵ زاهد اگر به حور و قصور است امیدوار　　ما را شرابخانه قصور است و یار حور
۶ می خور به بانگ چنگ و مخور غصّه ور کسی　　گوید تو را که باده مخور گو هو الغفور
۷ حافظ شکایت از غم هجران چه می‌کنی　　در هجر وصل باشد و در ظلمت است نور

مندرج در ۲۳ نسخه : حی کج خ مج نه نح قب سو سز عد عز فخ صج صف صد پذ حص حک تص تل تم تق تی
اختلاف ۴ نسخهٔ حی خ مج تم :

ترتیب ابیات = حی خ مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
تم :	۱	۲	۴	۵	۳	۶	۷

۱/۱ حی خ مج : دیگر ز شاخ سرو.　　۱/۲ تم : از طلعت تو دور.
۲/۲ حی مج : با بیدلان.　حی مج تم : با بلبلان عاشق مسکین.
۳/۲ حی مج : ندهد لذت حضور.　خ : نبود لذت حضور.
۴/۱ خ : گر دیگر [ان = به خط الحاقی] به عیش.
۵/۲ حی : قصور است و باده حور.
۶/۱ حی : به بانگ چنگ مخور غم که گر کسی.　مج : به بانگ چنگ و مخور غم و گر کسی.
۶/۲ تم : گوید که جام باده مخور.

۱ بر نیامد از تمنّای لبت کامم هنوز   بر امید جام لعلت دُردی آشامم هنوز
۲ روز اوّل رفت دینم در سر زلفین تو   تا چه خواهد شد درین سودا سرانجامم هنوز
۳ ساقیا یک جرعه ده زان آب آتشگون که من   در میان پختگان عشق او خامم هنوز
۴ از خطا گفتم شبی موی تو را مشک ختن   می‌زند هر لحظه تیغی مو بر اندامم هنوز
۵ پرتو روی تو را در خلوتم دید آفتاب   می‌دود چون سایه هر دم بر درو بامم هنوز
۶ نام من رفته است روزی بر لب جانان به سهو   اهل دل را بوی جان می‌آید از نامم هنوز
۷ در ازل داده است ما را ساقی لعل لبت   جرعهٔ جامی که من مدهوش آن جامم هنوز
۸ ای که گفتی جان بده تا باشدت آرام دل   جان به غمهایت سپردم نیست آرامم هنوز
۹ در قلم آورد حافظ قصّهٔ لعل لبت   آب حیوان می‌چکد هر دم ز اقلامم هنوز

مندرج است در ۳۵ نسخه : یج کا طو کج کد که خ لد لو لط نه نز نح فو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صهٔ صد قه په حه حک تص تج تا تم تق تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج کا طو کد** :

ترتیب ابیات =	**طو** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
	یج :	۱	۲	٠	۳	۵	۴	۶	۷	۸
	کا :	۱	۲	۳	۴	٠	۵	۶	۷	۸
	کد :	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۷	۸	۹

۳/۱ **طو** : ساقیا یک جرعه‌ای زان آب آتشگون بده. **کد** : ساقیا یک دور ده.
۴/۲ **یج** : می [ ] هر لحظه. **کد** : هر لحظه تیغی زان.
۵/۱ **یج** : در خلوتش.   ۵/۲ **یج** : می‌دود هر دم چو سایه. **طو کد** : می‌رود چون سایه.
۷/۱ **یج** : داده است ساقی آن لب لعلت مرا.
۸/۲ **یج طو کد** : جان به غمهایش.
۹/۱ **طو** : قصهٔ لعل لبش.   ۹/۲ **یج کا طو کد** : می‌رود هر دم (متن = نز).

۴۴۱

۱ ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس — بوسه زن بر خاک آن وادیّ و مشکین کن نفس
۲ منزل سلمیٰ که بادش هر دم از ما صد سلام — پر صدای ساربانان بینی و بانگ جرس
۳ محمل جانان ببوس آنگه به زاری عرضه‌دار — کز فراقت سوختیم ای مهربان، فریاد رس
۴ من که قول ناصحان را خواندمی قول رباب — گوشمالی دیدم از هجران که اینم پند بس
۵ عشرت شبگیر کن بی‌ترس کاندر شهر عشق — شبروان را آشنائیهاست با میر عسس
۶ عشقبازی کار آسان نیست ای دل سر بباز — ورنه گوی عشق نتوان زد به چوگان هوس
۷ دل به رغبت می‌سپارد جان به چشم مست یار — گرچه هشیاران ندادند اختیار خود به کس
۸ طوطیان در شکّرستان کامرانی می‌کنند — وز تحسّر دست بر سر می‌زند مسکین مگس
۹ نام حافظ گر برآید بر زبان کلک دوست — از جناب حضرت شاهم بس است این ملتمس

مندرج است در ۳۶ نسخه : یج کا طو کج کد که خ مج ند نه نز نح نط قو قب سد سو سز
عد عز فخ فط صج صف صد قم پذ حص حذ حک تج تص تا تم تق تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ یج خ مج نز :

ترتیب ابیات = **یج خ مج** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
نز :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۹

۲/۱ **نز** : هر زمان از ما سلام.
۳/۱ **یج** : ببرس آنگه. ۳/۲ **خ** : کز فراقت سوختم. **یج** : ای نامهربان فریاد رس.
۴/۱ **نز** : پند ناصحان را.
۵/۱ **یج** : شبگیر کن بی‌تر[س]. **خ** : شبگیر کن می نوش. **خ** : کاندر راه عشق.
۶/۱ **یج** : پادشاهی کار بازی نیست. **خ** : عشقبازی کار بازی نیست.
۶/۲ **خ** : زانکه گوی عشق.

۱ ببرد از من قرار و طاقت و هوش — بت سنگین دل سیمین بناگوش
۲ نگاری، چابکی، شنگی پریوش — حریفی، مهوشی، ترکی قباپوش
۳ ز تاب آتش سودای عشقش — بسان دیگ دایم می‌زنم جوش
۴ چو پیراهن شوم آسوده خاطر — گرش همچون قبا گیرم در آغوش
۵ اگر پوسیده گردد استخوانم — نگردد مهرش از جانم فراموش
۶ دل و دینم، دل و دینم ببرده است — بر و دوشش، بر و دوشش، بر و دوش
۷ دوای تو، دوای توست حافظ — لب نوشش، لب نوشش، لب‌نوش

مندرج است در ۳۷ نسخه با ۳۸ ضبط : یج۱ یج۲ کا طو کج کد کهٔ خ لد لط مج مط ند نه نز نح نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صۀ صد قم حص حک تۀ تص تج تل تم تۀ.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج۱ کا طو کد** :

ترتیب ابیات = **کا طو کد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج۱ :	۱	۲	۰	۳	۴	۵	۶

۱/۲ **یج۱ کا** : بتی شیرین‌لبی.
۲/۱ **طو** : نگار چابک و شنگی کله‌دار.
۲/۲ **طو** : ظریفی مهوش و ترکی. **کا** : ظریفی مهوشی.
۳/۱ **کا** : ز آب و آتش. ۳/۲ **کا** : بسان دیک روئین.
۶/۲ **طو** : ورو دوشش ورو دوشش ورو دوش.
۷/۱ **کا** : دوای توست دوای توست حافظ.

۴۴۳

۱ قسم به حشمت جاه و جلال شاه شجاع — که نیست با کسم از بهر مال و جاه نزاع
۲ شراب خانگیم بس می مغانه بیار — حریف باده رسید ای رفیق توبه وداع
۳ خدای را به میَم شست و شوی خرقه کنید — که من نمی‌شنوم بوی خیر ازین اوضاع
۴ ببین که رقص‌کنان می‌رود به نالهٔ چنگ — کسی که رخصه نفرمودی استماع سماع
۵ بیار می که چو خورشید مشعل افروزد — رسد به کلبهٔ درویش نیز فیض شعاع
۶ به عاشقان نظری کن به شکر این نعمت — که من غلام مطیعم تو پادشاه مطاع
۷ به فیض جرعهٔ جام تو تشنه‌ایم ولی — نمی‌کنیم دلیری نمی‌دهیم صداع
۸ هنر نمی‌خرد ایّام و غیر ازینم نیست — کجا روم به تجارت بدین کساد متاع
۹ جبین و چهرهٔ حافظ خدا جدا مکناد — ز خاک بارگه کبریای شاه شجاع

---

(۱۰) صراحئی و حریفی خوشم ز دنیا بس — که غیر ازین همه اسباب تفرقه‌است و نزاع

مندرج است در ۴۰ نسخه : یج ید کا طو کج کد که‌ِ خ لط مج مط ند نه نز نح نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صهٔ صد قه په حص حه حک ته تص تج تا تم تهٔ تی.

اختلاف ۵ نسخهٔ یج ید کا طو که‌ِ :

ترتیب ابیات =										
که‌ِ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
یج ید :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶	۷	۸	۰
کا :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۹	۱۰	۶
طو :	۱	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۳

(ستون آخر: (۱۰))

۱/۲ **طو** : از بهر جاه و مال.
۲/۱ **کا طو که‌ِ** : می مغانه بده.
۳/۲ **کا طو** : بوی عشق. **که‌ِ** : بوی عیش.
۴/۱ **ید کا که‌ِ** : بیا که رقص‌کنان. ۴/۲ **کا** : کسی [ ] رخصه. **که‌ِ** : رخصت نفرمودی.
۵/۱ **کا** : شعله افروزد.
۶/۱ **کا که‌ِ** : به شکر آن نعمت. **طو** : برای آن رحمت.
۸/۱ **کا که‌ِ** : بیش ازینم نیست. ۸/۲ **طو** : درین کساد.
۹/۱ **ید** : خدا جدا نکند.

۴۴۴

۱ بامدادان که ز خلوتگه کاخ ابداع شمع خاور فکند بر همه اطراف شعاع
۲ برکشد آینه از جیب افق چرخ و دران بنماید رخ گیتی به هزاران انواع
۳ در زوایای طربخانهٔ جمشید فلک ارغنون ساز کند زهره به آهنگ سماع
۴ چنگ در غلغله آید که کجا شد منکر جام در قهقهه آید که کجا شد منّاع
۵ وضع دوران بنگر ساغر عشرت برگیر که به هر حالتی این است بهین اوضاع
۶ طرّهٔ شاهد دنیا همه بند است و فریب عارفان بر سر این رشته نجویند نزاع
۷ عمر خسرو طلب ار نفع جهان می‌طلبی که وجودی‌ست عطابخش و کریم نفّاع
۸ مظهر لطف ازل روشنی چشم امل جامع علم و عمل جان جهان شاه شجاع

مندرج در ۳۹ نسخه : یج حی کا طو کج کد کهـ خ لد لط مج مط ند نه نز نح نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صهٔ صد یہ حص حۂ حک تص تج تا تم تۂ تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج طو نه فط** :

ترتیب ابیات متن برابر است با چهار نسخهٔ فوق.

متن : ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸

۲/۱ **یج** : چرخ دران. **طو** : چرخ دورو.
۳/۲ **طو** : زهره به آغاز سماع.
۴/۲ **یج** : جام در قهقهه گوید که کجا رفت مناع
۶/۱ **یج** : شاهد دنیی. **فط** : همه زرق است و فریب.
۷/۱ **طو** : عمر خرم طلب. ۷/۲ **یج** : عطابخش کریم نفاع. **طو** : عطابخش و کریم و.
۸/۱ **یج طو** : منظر لطف ازل.

۴۴۵

۱ در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع — شب‌نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع
۲ شبرو خوابم نمی‌آید به چشم غم‌پرست — بسکه در بیماری هجر تو گریانم چو شمع
۳ رشتهٔ عمرم به مقراض غمت ببریده شد — همچنان در آتش مهر تو خندانم چو شمع
۴ گر کُمیت اشک گلگونم نبودی گرمرو — کی شدی روشن به‌گیتی راز پنهانم چو شمع
۵ در میان آب و آتش همچنان سرگرم توست — این دل زارِ نزارِ اشکبارانم چو شمع
۶ در شب هجران مرا پروانهٔ وصلی فرست — ورنه از دودش جهانی را بسوزانم چو شمع
۷ کوه صبرم نرم شد چون موم در دست غمت — تا در آب و آتش عشقت گدازانم چو شمع
۸ بی‌جمال عالم‌آرای تو روزم چون شب است — با کمال عشق تو در عین نقصانم چو شمع
۹ سرفرازم کن شبی از وصل خود وز در درآ — تا منوّر گردد از دیدارت ایوانم چو شمع
۱۰ همچو صبحم یک‌نفس باقی‌ست با دیدار تو — چهره بنما دلبرا تا جان بر افشانم چو شمع
۱۱ آتش مهر تو حافظ را عجب در سر گرفت — آتش دل کی به آب دیده بنشانم چو شمع

مندرج است در ۳۹ نسخه : یج حـ طو کج کد که خ لط مج مط ند نه نز نح نط فو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صه صد قم ینـ حص حـ حک تغ تص تج تا تم تق تبـ.

اختلاف ۴ نسخهٔ یج خ مج نز :

ترتیب ابیات											
= مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
یج :	۱	۰	۳	۴	۵	۹	۲	۶	۷	۸	۱۰
خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۱۰	۹	۱۱

۲/۱ **خ** : روز و شب خوابم.
۳/۱ **یج خ** : رشتهٔ صبرم.
۳/۲ **خ** : در آتش هجر تو سوزانم. **مج** : در آتش عشق تو. **نز** : همچنان در آتش عشقت گدازانم.
۵/۲ **یج** : این دل زار (ترادر؟).
۶/۱ **یج** : پروانه وصلی (فریفت =کذا)
۶/۲ **یج** : ورنه از دودت. **خ** : ورنه از دردت. **نز** : ورنه از دودی.
۷/۱ **یج** : نر[م] شد.
۸/۱ **نز** : روز من شب است.
۹/۱ **یج** : از وصل خود گردن‌کشا (گشا؟). **مج نز** : از وصل خود گردنکشا. **خ** : ای نازنین (متن = فط).
۱۰/۱ **مج نز** : بی دیدار تو. ۱۰/۲ **یج** : چهره بنما دل‌ربا. **یج** : (تا=کذا) جان برافشانم.
۱۱/۱ **یج خ** : آتش مهر تو را حافظ عجب در سر گرفت.

۱ زبان خامه ندارد سر بیان فراق　　وگرنه شرح دهم با تو داستان فراق
۲ رفیق خیل خیالیم و همعنان شکیب　　قرین آتش هجران و همقران فراق
۳ دریغ مدّت عمرم که بر امید وصال　　به سر رسید و نیامد به سر زمان فراق
۴ سری که بر سر گردون به فخر می‌سودم　　به راستان که نهادم بر آستان فراق
۵ چگونه باز کنم بال در هوای وصال　　که ریخت مرغ دلم پر در آشیان فراق
۶ کنون چه چاره که در بحر غم به گردابی　　فتاد زورق صبرم ز بادبان فراق
۷ بسی نماند که کشتیّ عمر غرقه شود　　ز موج شوق تو در بحر بیکران فراق
۸ چگونه دعوی وصلت کنم به‌جان که شده است　　تنم وکیل قضا و دلم ضمان فراق
۹ فلک چو دید سرم را اسیر چنبر عشق　　ببست گردن صبرم به ریسمان فراق
۱۰ ز سوز شوق دلم شد کباب و دور از یار　　مدام خون جگر می‌خورم ز خوان فراق
۱۱ به پای شوق گر این ره به سر شدی حافظ　　به دست هجر ندادی کسی عنان فراق

درج شده در ۳۹ نسخه : یجـ حیـ کا طو کجـ کد کهـ خ لد لط مجـ مط نهـ نز نحـ نط قو قبـ سد سو سز عد عز فخ فط صجـ صهٔ صد قمـ پهٔ حصـ حهٔ حک تصـ تهٔ تجـ تا تهٔ تیـ .

اختلاف ۴ نسخهٔ **یجـ طو کد مجـ** :

ترتیب ابیات											
= **یجـ کد** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۰	۹	۱۰
مجـ :	۱	۲	۳	۴	۷	۸	۹	۵	۱۰	۶	۱۱

۱/۲ **مجـ** : چگونه شرح دهم.
۲/۱ **یجـ کد** : هم رکیب شکیب.
۵/۲ **کد** : پر بر آشیان فراق.
۹/۱ **یجـ کد** : فلک مگر چو سرم دید. **یجـ** : اسیر چنبر شوق.
۹/۲ **مجـ** : ببست چنبر وصلم.
۱۰/۱ **یجـ طو** : شد کباب دور از یار.

۴۴۷

۱ خوش‌خبر باشی ای نسیم شمال — که به ما می‌رسد زمان وصال

۲ ما لِسَلْمیٰ و مَنْ بِذی سَلَمٍ — اَینَ جیرانُنا و کَیفَ الْحال

۳ عرصهٔ بزمگاه خالی ماند — از حریفان و رطل مالامال

۴ عَفَتِ الدّارُ بَعْدَ عافِیَةٍ — فَاسْأَلُوا حالَها عَنِ الاَطْلال

۵ سایه افکند حالیا شب هجر — تا چه بازند شبروان خیال

۶ قِصَّةُ العِشْقِ لاَ انفِصامَ لَها — فُصِمَتْ هاهُنا لِسانُ مَقال

۷ ترک ما سوی کس نمی‌نگرد — وه ازین کبریا و جاه و جلال

۸ فی جَمالِ الکَمالِ نِلْتَ مُنیٰ — صَرَّفَ اللهُ عَنْکَ عَیْنَ کَمال

۹ حافظا عشق و صابری تاچند — نالهٔ عاشقان خوش است بنال

۱۰ یا بَریدَ الحِمیٰ حَماکَ اللّٰه — مَرحَبا مَرحَبا تَعال تَعال

مندرج در ۳۷ نسخه : یج کا طو کج کد که خ لد لط مج مط ند نه نز نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صف صد قه پذ حص حذ حک تغ تص تل تق تیـ .

اختلاف ۴ نسخهٔ یج کد که سو :

ترتیب ابیات = **یج سو** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
کد :	۱	۲	۳	۴	۷	۵	۶	۸	۹	۱۰
که :	۱	۲	۳/۱ | ۴/۲	۴/۱ | ۳/۲	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

۱/۱ **سو** : خوش‌خبر بادی. — ۱/۲ **یج** : که به ما کی رسد.

۲/۱ **یج** : و من بذی سلمی.

۴/۱ **سو** : عتب الدار.

۵/۱ **کد** : شب قدر.

۶/۱ **یج** : لانفصام لها. — ۶/۲ **کد که سو** : فصمت ههنا.

۷/۲ **کد سو** : آه ازین.

۸/۱ **یج** : فی کمال الکمال. **که** : فی الجمال الکمال نلت منی.

---

۲. سلمی و مردم «ذی سلم» در چه حالند. همسایگان ما کجا هستند و حالشان چگونه است؟

۴. خانه ویران شد پس از دورانی که آباد بود. اکنون وضعش را باید از ویرانه‌ها پرس و جو کرد.

۶. داستان عشق گسستنی نیست. اینجا زبان گفتار بریده شده است.

۸. در جمال کمال به آرزویت نائل شدی. خداوند از چشم‌زخم نگهدارت باشد.

۱۰. ای پیک منزلگه دوست خداوند حامی تو باد. خوش آمدی بیا، بیا.

۱ اگر به کوی تو باشد مرا مجال وصول — رسد به دولت وصلت نوای من به اصول
۲ قرار برده ز من آن دو سنبل رعنا — فراغ برده ز من آن دو نرگس مکحول
۳ دل از جواهر مهر تو صیقلی دارد — بود ز زنگ حوادث هر آینه مصقول
۴ من شکستهٔ بدحال زندگی یابم — دران نفس که به تیغ غمت شوم مقتول
۵ چه جرم کرده‌ام ای جان و دل به حضرت تو — که طاعت من بیدل نمی‌شود مقبول
۶ چو بر در تو من بینوای بی‌زر و زور — به هیچ باب ندارم ره خروج و دخول
۷ کجا روم چه کنم چون شوم چه چاره کنم — که گشته‌ام ز غم جور روزگار ملول
۸ خرابتر ز دل من غم تو جای نیافت — که ساخت در دل تنگم قرارگاه نزول
۹ به درد عشق بساز و خموش کن حافظ — رموز عشق مکن فاش پیش اهل عقول

مندرج است در ۴۱ نسخه : یج یو حب کا طو کج کد کهخ لد لو لط مج مط ند نه نز نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صه صد قم پد حص حذ حک تغ تص تج تا تم تق.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج یو کا طو** :

ترتیب ابیات = **یج یو طو** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
کا :	۱	۲	۳	۴	۸	۵	۶	۷	۹

۱/۲ **کا** : نوای ما.

۲/۱ **یج طو** : قرار برد ز من. **کا** : آن دو نرگس رعنا.

۲/۲ **یج طو** : فراغ برد ز من. **کا** : آن دو جا[ ]ی مکحول.

۳/۱ **یج یو کا طو** : چو از جواهر (متن = خ). **یو کا** : صیقلی داده.

۴/۲ **کا** : در آن زمان. **طو** : که ز تیغ غمت.

۵/۱ **کا** : چه جرم کردم.

۶/۲ **طو** : ره (...) و دخول.

۷/۱ **یج** : چه کنم چون روم. **یو** : چون کنم. ۷/۲ **کا طو** : ز غم و جور روزگار.

۱ مرا می‌بینی و در دم زیادت می‌کنی دردم — تو را می‌بینم و میلم زیادت می‌شود هر دم
۲ به سامانم نمی‌پرسی نمی‌دانم چه سر داری — به درمانم نمی‌کوشی نمی‌دانی مگر دردم
۳ نه راه است اینکه بنشانی مرا بر خاک و بگذاری — گذاری آر و بازم پرس تا خاک رهت گردم
۴ ندارم دستت از دامن بجز در خاک و آن دم هم — که بر خاکم روان گردی بگیرد دامنت گردم
۵ فرو رفت از غم عشقت دمم دم می‌دهی تا کی — دمار از من برآوردی نمی‌گوئی برآوردم
۶ شبی دل را به تاریکی ز زلفت باز می‌جستم — رُخت می‌دیدم و جامی ز لعلت باز می‌خوردم
۷ کشیدم در برت ناگاه و شد در تاب گیسویت — نهادم بر لبت لب را و جان و دل فدا کردم
۸ تو خوش می‌باش با حافظ برو گو خصم جان می‌ده — چو گرمی از تو می‌بینم چه غم از خصم دم سردم

مندرج در ۳۵ نسخه : یج حی طو کد کھ خ لد لو لط مج ند نز نح نط فو قب سد سو سز عد فخ فط صج صة صد قم پۂ حۂ حک تص تج تا تم تق تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج طو کھ فط** :

ترتیب ابیات متن برابر است با چهار نسخهٔ فوق.

متن : ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸

۱/۲ **فط** : مهرم زیادت می‌شود.
۳/۱ **طو** : اندازی مرا بر راه و بگذاری. **کھ فط** : بگذاری مرا و بگذری چون باد.
۴/۱ **کھ** : در خاک و آن هم نیز.
۴/۲ **کھ** : چو بر خاکم.
۶/۲ **طو** : جام هلالی باز می‌خوردم.
۸/۱ **طو** : گو خصم جان می‌کن. ۸/۲ **فط** : چه باک از خصم.

۴۵۰

۱ روز عید است و من امروز دران تدبیرم — که دهم حاصل سی روزه و ساغر گیرم
۲ دوسه روز است که دورم ز رخ ساقی و جام — بس خجالت که پدید آید ازین تقصیرم
۳ من به خلوت ننشینم پس ازین ور به مَثَل — زاهد صومعه بر پای نهد زنجیرم
۴ پند پیرانه دهد واعظ شهرم لیکن — من نه آنم که دگر پند کسی بپذیرم
۵ آنکه بر خاک در میکده جان داد کجاست — تا نهم بر قدمش این سر و پیشش میرم
۶ می به زیرِ کش و سجّادهٔ تقوا بر دوش — وای اگر خلق شوند آگه ازین تزویرم
۷ خلق گویند که حافظ سخن پیر نیوش — سالخورده میی امروز به از صد پیرم

مندرج است در ۹ نسخه: نخ عد عز صح صد تص تل تم تق.

اختلاف ۴ نسخهٔ عد عز صد تق:

ترتیب ابیات = عد تق :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
عز :	۱	۲	۳	۴	۰	۵	۶
صد :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶

۲/۱ **عز** : چند روز است. **صد** : دو سه ماه است. **عد عز** : که دورم ز می و ساغر و جام. **تق** : ز می و ساقی و جام.

۲/۲ **عز** : که پدید آمد. **صد** : که به روی آمد.

۳/۲ **عز** : در پای نهد.

۵/۱ **عد** : جان داد کجا. ۵/۲ **عد تق** : در قدمش.

۶/۱ **عد** : باده در خرقه و. **تق** : می رنگین‌کش و سجادهٔ رنگین بر دوش.

۶/۲ **عز** : وای اگر خلق شود واقف این تزویرم.

۷/۲ **عد عز صد** : سالخورده می امروز.

۴۵۱

۱	بُشریٰ اِذا السَّلامَة حَلَّتْ بِذی سَلَم	لِلّٰهِ حَمْدُ مُعْتَرِفٍ غایَةَ النِّعَم
۲	آن خوش خبر کجاست کزین فتح مژده داد	تا جان فشانمش چو زر و سیم در قدم
۳	از بازگشت شاه درین طرفه نوبت است	آهنگ خصم او به سراپردهٔ عدم
۴	پیمان شکن هر آینه گردد شکسته حال	اِنَّ العُهودَ عِنْدَ مَلیکِ النُّهیٰ ذِمَم
۵	می‌جست از سحاب امل رحمتی ولی	جز دیده‌اش معاینه بیرون نداد نم
۶	در نیل غم فتاد و سپهرش به طنز گفت	اَلآنَ قَدْ نَدِمْتَ و ما یَنْفَعُ النَّدَم
۷	ساقی بیا که دوْر گل است و زمان عیش	پر کن پیاله و مخور اندوه بیش و کم
۸	بشنو ز جام باده که این زال نو عروس	بسیار کشت شوهر چون کیقباد و جم
۹	حافظ به کنج میکده دارد قرارگاه	الطَّیرُ فی الحَدیقَةِ و اللَّیثُ فی الأَجَم

مندرج است در ۲۵ نسخه : یج کج که خ لو لط مج نز سو سز عد فخ فط صفه صد به حص حة حک تص تج تا تم تة تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج مج نز فط** :

ترتیب ابیات =										
مج فط	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
یج نز	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	०	०	०

۱/۱ **یج فط** : لنا السلامه. **مج** : اذ السلامه.

۲/۱ **یج فط** : که این فتح.

۳/۱ **نز** : درین نوبه طرفه نیست.

۶/۱ **یج** : در نیل غم فتاده. **نز** : فتاد سپهرش.

۷/۱ **فط** : ساقی بیا که موسم عیش است و وقت گل.

۷/۲ **فط** : پیش آر جام و هیچ مخور غم ز بیش و کم.

۱/۱ مژده باد که آسایش به «ذی سلم» باز آمد. ۱/۲ سپاس خدای را، سپاس کسی که معترف نعمتهای بزرگ است.

۴/۲ پیمانها نزد صاحبان خرد تعهد یافته است.

۶/۲ اکنون پشیمان شده‌ای ولی این پشیمانی سودی ندارد.

۹/۲ جای پرنده در باغ است و مکان شیر در بیشه.

۱ **عمری‌ست تا به راه غمت رو نهاده‌ایم** — روی و ریای خلق به یک سو نهاده‌ایم
۲ **ناموس چند سالهٔ اجداد نیکنام** — در راه جام و ساقی مهرو نهاده‌ایم
۳ **هم جان بدان دو نرگس جادو سپرده‌ایم** — هم دل بدان دو سنبل هندو نهاده‌ایم
۴ **بی‌ناز نرگسش سر سودائی از ملال** — همچون بنفشه بر سر زانو نهاده‌ایم
۵ **عمری گذشت تا به امید اشارتی** — چشمی بدان دو گوشهٔ ابرو نهاده‌ایم
۶ **ما ملک عافیت نه به لشکر گرفته‌ایم** — ما تخت سلطنت نه به بازو نهاده‌ایم
۷ **حافظ به عیش کوش که ما نقد عقل و هوش** — از بهر یار سلسله گیسو نهاده‌ایم

---

(۸) **ننهاده‌ایم بار جهان بر دل ضعیف** — وین کار و بار بسته به یک مو نهاده‌ایم
(۹) **در گوشهٔ امید چو نظارگان ماه** — چشم طلب بر آن خم ابرو نهاده‌ایم
(۱۰) **گفتی که حافظا دل سرگشته‌ات کجاست** — در حلقه‌های آن خم گیسو نهاده‌ایم

مندرج است در ۲۰ نسخه : طو کد۲ خ۲ مج۲ مط ند۲ نه نز۲ نح۲ نط۲ قب سد۲ سز صف حص حک نص تج۲ تا تق۲.

اختلاف ۴ نسخهٔ طو کد۲ مج۲ نز۲ :

								(۸)	(۹)	(۱۰)
ترتیب ابیات =	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۰	۰
طو کد۲ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۰	۰	۷
مج۲ نز۲ :	۱	۲	۰	۶	۰	۴	۷	۳	۵	۰

۱/۱ **مج۲ نز۲** : به راه غمش. ۱/۲ **طو** : رو و ریا [ ] خلق.
۲/۱ **طو** : اجداد و ننگ و نام.
۳/۲ **طو** : هم دل بران
۴/۱ **طو کد۲** : بی‌وصل زلف تو. **مج۲ نز۲** : سر سودائی از خمار.
۵/۱ **طو** : عمری‌ست تا که ما. ۵/۲ **طو** : چشمی بر آن.

۴۵۳

۱ گر چه ما بندگان پادشهیم		پادشاهان ملک صبحگهیم
۲ گنج در آستین و کیسه تهی		جام گیتی نمای و خاک رهیم
۳ هوشیار حضور و مست غرور		بحر توحید و غرقهٔ گنهیم
۴ شاهد بخت چون کرشمه کند		ماش آئینهٔ رخ چو مهیم
۵ شاه بیدار بخت را هر شب		ما نگهبان افسر و کلهیم
۶ گو غنیمت شمار همّت ما		که تو در خواب و ما به دیده‌گهیم
۷ شاه منصور واقف است که ما		روی همّت به هر کجا که نهیم
۸ دشمنان را ز خون کفن سازیم		دوستان را قبای فتح دهیم
۹ رنگ تزویر پیش ما نبود		شیر سرخیم و افعی سیهیم
۱۰ وام حافظ بگو که باز دهند		کرده‌ای اعتراف و ما گُوَهیم

مندرج است در ۲۹ نسخه : یج حی کد کهـ خ مج مط ند نه نز نح نط سد سو سز عد عز فخ فط صج صف قه ینـ حصـ حذ حک تغ تص تل.

اختلاف ۴ نسخهٔ یج خ مج نز :

ترتیب ابیات = یج خ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۹	۱۰	۷

۲/۲ خ نز : جام گیتی‌نما و.

۶/۱ خ : غنیمت شمار صحبت ما.

۱ چندانکه گفتم غم با طبیبان　　درمان نکردند مسکین غریبان
۲ دُرج محبّت بر مُهر خودنیست　　یا رب مبادا کام رقیبان
۳ آن گل که هردم در دست بادی‌ست　　گو شرم بادت از عندلیبان
۴ یا رب امان ده تا باز بیند　　چشم محبّان روی حبیبان
۵ ما درد پنهان با یار گفتیم　　نتوان نهفتن درد از طبیبان
۶ ای مُنعم آخر بر خوان جودت　　تا چند باشیم از بی‌نصیبان
۷ حافظ نگشتی شیدای گیتی　　گر می‌شنیدی پند ادیبان

مندرج است در ۳۸ نسخه : یج طو کج کد که خ لد لط مج مط ند نه نز نح نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صة صد قم پـ حص حة حکـ تغ تص تج تا تم تة تپ .

اختلاف ۴ نسخهٔ یج طو مج نز :

ترتیب ابیات = مج نز :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج :	۱	۲	۳	۵	۴	۶	۷
طو :	۱	۴	۲	۳	۵	۶	۷

۲/۱ **مج** : بر مهر خویش است.　　۲/۲ **یج** : یا رب مباد[ا].

۴/۱ **یج** : تا باز بینم.

۵/۲ **طو** : رنج از طبیبان.

۶/۱ **یج** : بر خوان لطفت. **طو** : برخوان وصلت.

۴۵۵

۱ خدا را کم نشین با خرقه پوشان — رخ از رندان بیسامان مپوشان

۲ درین خرقه بسی آلودگی هست — خوشا وقت قبای می‌فروشان

۳ تو نازک طبعی و طاقت نیاری — گرانیهای مشتی دلق پوشان

۴ بیا وز غبن این سالوسیان بین — صراحی خوندل و بربط خروشان

۵ چو مستم کرده‌ای مستور منشین — چو نوشم داده‌ای زهرم منوشان

۶ درین صوفی‌وشان دَردی ندیدم — که صافی باد عیش دُرد نوشان

۷ ز سوز سینهٔ حافظ حذر کن — که دارد سینه‌ای چون دیگ جوشان

مندرج است در ۳۹ نسخه : یج حی طو کج کد که خ لد لط مج مط ند نه نز نح نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صذ قم پذ حص حذ حگ تغ تص تج تا تم تق تپ.

اختلاف ۴ نسخهٔ یج طو کج که :

ترتیب ابیات =	یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
	طو :	۱	۲	۴	۷	۵	۳	۶
	کج که :	۱	۲	۴	۶	۳	۵	۷

۲/۱ **طو** : هزار آلودگی.

۲/۲ **یج** : که خوش وقت. **طو** : قبای دردنوشان. **که** : قبای باده‌نوشان.

۶/۲ **طو** : عیش دردی‌نوشان.

۷/۱ **یج طو که** : ز دل‌گرمی حافظ برحذر باش.

۱ چو گل هر دم به بویت جامه بر تن — کنم چاک از گریبان تا به دامن
۲ تنت را دید گل گوئی که در باغ — چو مستان جامه را بدرید بر تن
۳ من از دست غمت مشکل برم جان — ولی دل را تو آسان بردی از من
۴ به قول دشمنان برگشتی از دوست — نگردد هیچکس با دوست دشمن
۵ تنت در جامه چون در جام باده — دلت در سینه چون در سیم آهن
۶ ببار ای شمع اشک از دیده چون من — که شد سوز دلت بر خلق روشن
۷ مکن کز سینه‌ام آه جگر سوز — برآید همچو دود از راه روزن
۸ دلم را مشکن و در پا مینداز — که دارد در سر زلف تو مسکن
۹ چو دل در زلف تو بسته است حافظ — بدینسان کار او در پا میفکن

مندرج است در ۳۸ نسخه : یج حی طو کج کد که خ لط مج مط ند نه نح نط فو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صه صد قم ینه حص حه حک تغ تص تج تل تم تق تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج طو خ مج** :

ترتیب ابیات = **یج طو خ** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
مج :	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۵	۸	۹

۱/۱ **یج خ مج** : جامه در تن. — ۱/۲ **یج** : زنم چاک.
۲/۱ **مج** : دید گوئی گل. — ۲/۲ **یج** : بدربد در تن.
۴/۱ **طو** : برگشتن از دوست.
۵/۲ **یج** : چون در سینه آهن.
۶/۱ **یج** : برانی سرخ اشک از دیده چون خون. **طو** : از دیده خونین. **خ** : از چشم خونین.
۶/۲ **یج** : که سوز دل شود.
۹/۱ **یج** : اگر دل بست در زلف تو حافظ.

۱ ای روی ماه منظر تو نوبهار حسن　　خال و خط تو مرکز لطف و مدار حسن
۲ در چشم پر خمار تو پنهان فنون سحر　　در زلف بیقرار تو پیدا قرار حسن
۳ ماهی نتافت همچو تو از برج نیکوئی　　سروی نخاست چون قدت از جویبار حسن
۴ خرّم شد از ملاحت تو عهد دلبری　　فرّخ شد از لطافت تو روزگار حسن
۵ از دام زلف و دانهٔ خال تو در جهان　　یک مرغ دل نماند نگشته شکار حسن
۶ دایم به لطف دایهٔ طبع از میان جان　　می‌پرورد به ناز تو را در کنار حسن
۷ گرد لبت بنفشه ازان تازه و تر است　　کآب حیات می‌خورد از چشمه‌سار حسن
۸ حافظ طمع برید که بیند نظیر تو　　دیّار نیست جز رخت اندر دیار حسن

مندرج است در ۲۱ نسخه : که خ مج نز نح سو سز عد عز فخ صج صف قم حتـ حک تغ تص تا تم تق تی .

اختلاف ۴ نسخهٔ **که خ مج نز** :

ترتیب ابیات = **خ مج نز** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
که :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰

۱/۲ **خ** : مرکز حسن و مدار حسن.
۲/۱ **خ** : فسون سحر.
۴/۱ **که** : عهد دلبران.
۵/۲ **که** : مرغ دلی نماند.
۶/۱ **که** : به لطف طبع فلک.
۷/۲ **خ مج** : می‌خورد از جویبار حسن.
۸/۲ **مج نز** : دیار نیست جز تو خود.

۴۵۸

۱ مرا چشمی‌ست خون‌افشان ز دست آن کمان‌ابرو — جهان پرفتنه خواهد شد ازین چشم و ازان ابرو
۲ غلام چشم آن ترکم که در خواب خوش مستی — نگارین گلشنش روی است و مشکین سایبان ابرو
۳ هلالی شد تنم زین غم که با طغرای مشکینش — که باشد مه که بنماید ز طاق آسمان ابرو
۴ رقیبان غافل و ما را ازان چشم و جبین هر دم — هزاران گونه پیغام است و حاجب در میان ابرو
۵ دگر حور و پری را کس نگوید با چنین حسنی — که این را اینچنین چشم است و آن را آنچنان ابرو
۶ روان گوشه گیران را جبینش طرفه گلزاری‌ست — که بر طرف سمنزارش همی گردد چمان ابرو
۷ تو کافر دل نمی‌بندی نقاب زلف و می‌ترسم — که محرابم بگرداند خم آن دلستان ابرو
۸ اگر چه مرغ زیرک بود حافظ در هواداری — به تیر غمزه صیدش کرد چشم آن کمان ابرو

مندرج در ۳۵ نسخه : یج حب کا طو کج کھ خ لد لط مج مط ند نز نح نط قو قب سو سز عد عز فح فط صح صه صد ید حص حز حک تص تا تم تق تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج مج نز فط** :

ترتیب ابیات = **مج نز**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج فط	:	۱	۲	۳	۴	۶	۵	۰	۷

۱/۲ **مج‌نز** : ازان چشم و.
۳/۱ **یج** : هلالی شد منم زین غم.
۴/۱ **یج** : رفیقان غافل و ما را [ ] چشم و جبین هر دم.
۵/۱ **یج فط** : با چنان حسنی.
۵/۲ **یج** : که این را اینچنین حسن است و. **مج** : که آن را اینچنین چشم است و این را.
۶/۱ **فط** : رخ او طرفه گلزاری‌ست.
۶/۲ **یج فط** : که بر طرف چمن‌سارش. **یج** : چمان همی گردد چمان ابرو.
۸/۱ **مج نز** : حافظ در نکونامی.

۱ گر تیغ بارد در کوی آن ماه گردن نهادیم الحکم لله
۲ آئین تقوا ما نیز دانیم لیکن چه چاره با بخت گمراه
۳ ما شیخ و واعظ کمتر شناسیم یا جام باده یا قصّه کوتاه
۴ من رند و عاشق وانگاه توبه أَستَغْفِرُ الله أَستَغْفِرُ الله
۵ عکسی ز رویت بر ما نیفتاد آئینه رویا آه از دلت آه
۶ الصَّبْرُ مُرٌّ و العُمْرُ فانٍ یا لَیْتَ شِعْری حتّامَ اَلقاه
۷ حافظ چه نالی گر وصل خواهی خون بایدت خورد در گاه و بیگاه

مندرج است در ۳۸ نسخه : یج ید کا طو کج کد که خ لد لو مج مط ند نه نز نح نط قو قیه سد سو سز عد عز فخ فط صج صه صد یه حص حک تغ تص تا تم تق تی.
اختلاف ۴ نسخهٔ **یج طو خ سز** :

ترتیب ابیات = **خ سز** :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج :	۱	۲	۴	۳	۶	۵	०
طو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	०

۲/۱ **یج** : من نیز دانم. **طو** : من نیک دانم.
۴/۱ **خ** : عاشق در موسم گل. **سز** : عاشق آنگاه توبه.
۴/۲ **خ** : آنگاه توبه استغفر الله.
۵/۱ **یج طو خ** : مهر تو عکسی بر ما نیفکند.
۶/۱ **یج** : و العمر فانی.

۶/۱ صبر تلخ و ناگوار است و زندگی ناپایدار. ۶/۲ کاش می‌دانستم کی او را می‌بینم.

۱ عیشم مدام است از لعل دلخواه　　کارم به کام است الحمد لله

۲ ای بخت سرکش تنگش به بر کش　　گه جام درکش گه کام دل خواه

۳ ما را به مستی افسانه کردند　　پیران جاهل شیخان گمراه

۴ از قول زاهد کردیم توبه　　وز فعل عابد أَستَغفِرُ الله

۵ جانا چه گویم شرح فراقت　　چشمیّ و صد نم جانیّ و صد آه

۶ کافر مبیناد آن غم که دیده است　　از قامتت سرو از عارضت ماه

۷ شوق رُخت برد از یاد حافظ　　ورد شبانه درس سحرگاه

مندرج است در ۳۸ نسخه : یج حی کا طو کج کد کهخ لد لو لط مج مط ند نه نز نط فو فی سد سو سز عد عز فخ فط صج صف صد ید حص حک تغ تص تا تم تق تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج خ مج سز** :

ترتیب ابیات = **خ مج سز**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
یج	:	۱	۲	۳	۰	۴	۰	۵

۲/۲ **یج** : گه جام می‌گشت. **خ مج** : گه جام زرکش. **یج خ سز** : گه لعل دلخواه.

۳/۱ **یج** : ما را به تشنیع. **خ** : ما را به رندی.

۴/۱ **خ** : از دست زاهد.

۶/۱ **خ سز** : این غم.

۷/۱ **یج خ** : شوق لبت.　　۷/۲ **خ مج** : درس شبانه ورد سحرگاه.

۱ خنک نسیم معنبر شمامهٔ دلخواه — که در هوای تو برخاست بامداد پگاه
۲ دلیل راه شو ای طایر خجسته لقا — که دیده آب شد از شوق خاک آن درگاه
۳ به یاد شخص نزارم که غرق خون دل است — هلال را به کنار شفق کنید نگاه
۴ منم که بی تو نفس می‌زنم زهی خجلت — مگر تو عفو کنی ورنه چیست عذر گناه
۵ ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر — سپیده‌دم که هوا چاک زد شعار سیاه
۶ به عشق روی تو روزی که از جهان بروم — ز تربتم بدمد سرخ گل بجای گیاه
۷ مده به خاطر نازک ملالت از من راه — که حافظ تو خود این لحظه گفت بسم‌الله

مندرج است در ۳۵ نسخه : یج حیـ کا طو کج کد کهٔ خ لو لط مج مط ند نه نز نح قو قـ سد سو سز عد عز فحـ صج صهٔ صد پـ حص حک تص تل تم تق تیـ.
اختلاف ۴ نسخهٔ یج حیـ خ نز :
ترتیب ابیات متن برابر است با چهار نسخهٔ فوق.
متن : ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱/۲ یج : برخاست بامدادگاه.
۲/۱ یج : ای طالب خجسته‌لقا. ۲/۲ یج حیـ : خاک این درگاه.
۳/۲ حیـ : زکنار شفق. خ نز : زکنار افق. یج حیـ نز : کنند نگاه.
۴/۱ حیـ خ : نفس می‌کشم. ۴/۲ یج : ورنه نیست.
۵/۱ خ : ز آستان تو آموخت. یج : در طریقت و مهر. نز : در طریقهٔ مهر.
۵/۲ خ : که صبا چاک زد.
۶/۱ نز : ز شوق روی تو.
۷/۱ یج حیـ : ملالت از من زود. خ : ملالت از من دور.

۴۶۲

۱ از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه   اِنّی رَأَیتُ دَهْراً مِن هَجْرِکَ القِیامه
۲ دارم من از فراقت در دیده صد علامت   لَیْسَتْ دُموعُ عَینی هٰذا لَنا العَلامه
۳ هرچند کازمودم از وی نبود سودم   مَن جَرَّبَ المُجَرَّب حَلَّتْ بِهِ النَّدامه
۴ پرسیدم از طبیبی از حال دوست گفتا   فی قُربِها عَذابٌ فی بُعدِها السَّلامه
۵ گفتم ملامت آید گر گرد کوت گردم   وَ اللهِ ما رَأَینا حُبّاً بِلا مَلامه
۶ حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین   حتّیٰ یَذوقَ مِنها کَأساً مِنَ الکَرامه

مندرج است در ۳۱ نسخه : یج کا طو کج کد که خ لو لط مج مط ند نه نح نط
قو قب سو سز عد فح فط صج صد په حص تص تل تم تق تو.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج کا طو سو** :

ترتیب ابیات =						
سو :	۱	۲	۳	۴	۵	۶
یج :	۱	۴	۲	۳	۵	۶
کا :	۱	۰	۲	۳	۴	۵
طو :	۱	۲	۳	۴	۰	۵

۱/۱ **یج** : نبشتم نزدیک یار.   ۱/۲ **طو** : فی هجرک القیامه.
۲/۱ **طو** : از فراقش. **یج** : بر دیده.   ۲/۲ **یج** : سلاً (کذا) لنا العلامه
۳/۱ **کا** : چندانکه آزمودم از وی نداد سودم. **سو** : صد بارت آزمودم یک ره وفا نکردی.
۴/۱ **یج** : پرسیدم از چه بینی انکار دوست گفتا. **کا** : احوال دوست گفتا.
۴/۲ **کا** : فی بعدها عذابٌ. **یج** : من بعدها ندامه. **کا** : فی قربها سلامه.
طو : فی بعدها سلامه.
۶/۱ **یج** : حافظ جو طالبی تو.
۶/۲ **یج** : حتی تذوق منه. **کا** : حتی یذوق منه. **طو** : حتی نذوق منه.

۱/۲ از دوری تو روزگار را بسان قیامت دیدم.   ۲/۲ تنها اشکهای چشم من برای ما گواه و نشانه نیست.
۳/۲ آنکه آزموده را بیازماید پشیمان می‌شود.   ۴/۲ نزدیکیش موجب رنج و آزار است و دوریش موجب سلامت.
۵/۲ به خدا سوگند که ما عشقی بدون ملامت ندیدیم.   ۶/۲ تا از آن جام کرامتی جرعه‌ای بنوشد.

۴۶۳

۱ از من جدا مشو که توام نور دیده‌ای — محبوب جان و مونس قلب رمیده‌ای
۲ از دامن تو دست ندارند عاشقان — پیراهن صبوری ایشان دریده‌ای
۳ از چشمزخم خویش مبادت گزند ازانک — در دلبری به غایت خوبی رسیده‌ای
۴ منعم کنی ز عشق وی ای مفتی زمان — معذور دارمت که تو او را ندیده‌ای
۵ آن سرزنش که کرد تو را دوست حافظا — بیش از گلیم خویش مگر پا کشیده‌ای

مندرج است در ۳۷ نسخه : یج حی کا طو کج کد کهخ لد لو مج مط ند نه نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صف صد قم یذ حص حک تص تج تا نم تق تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج کا کد مج**:

ترتیب ابیات =						
یج کد	:	۱	۲	۳	۴	۵
کا مج	:	۱	۳	۲	۴	۵

۱/۲ **مج** : آرام جان و.

۳/۱ **یج** : از چشم آید که مبادت. **کد** : از چشم بخت خویش.

۴/۱ **کا** : منعم مکن.

۵/۱ **مج** : این سرزنش. **کا** : تو را دوش حافظا.

۴۶۴

۱ ای دل مباش یک دم خالی ز عشق و مستی — وانگه برو که رستی از نیستی و هستی
۲ گر خرقه‌پوش بینی مشغول کار خود شو — هر قبله‌ای که باشد بهتر ز خودپرستی
۳ با ضعف و ناتوانی همچون نسیم خوش باش — بیماری اندرین ره خوشتر ز تندرستی
۴ در مذهب طریقت خامی نشان کفر است — آری طریق رندی چالاکی است و چستی
۵ دوش آن صنم چه خوش گفت در مجلس مغانم — با کافران چه کارت گر بت نمی‌پرستی
۶ سلطان من خدا را زلفت شکست ما را — تا کی کند سیاهی چندین دراز دستی
۷ در گوشهٔ سلامت مستور چون توان بود — تا نرگس تو با ما گوید رموز مستی
۸ حافظ ندید اوّل وین غم گرفت مهمل — کز اوج سر بلندی افتد به چاه پستی

غزلی با این مطلع تنها در چهار نسخه در هیأت ضبط کا طو۲ خ۲ قو۲ درج شده است که سه یا چهار بیت اول مضبوط در آن چهار نسخه متعلق به این غزل است. به استثنای دو بیت ۱ و ۲ همهٔ ابیات دیگر با ابیات غزل ۳۸۱ (با مدعی مگوئید اسرار عشق و مستی...) که در ۳۹ نسخه کتابت شده است به هم آمیخته است.

۸ ضبط : **کا طو۲ خ۲ قو۲ طو خ مج عد**

ترتیب ابیات :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
کا :	۱	۲	۳	۰	۰	۰	۰	۰
طو۲ خ۲ قو۲ :	۱	۲	۳	۴	۰	۰	۰	۰
ضمن غزل ۳۸۱ **طو** :	۰	۰	۰	۰	۳	۴	۵	۶
خ :	۰	۰	۰	۰	۳	۴	۵	۰
مج :	۰	۰	۳	۹	۰	۰	۶	۰
عد :	۰	۲	۳	۴/۱ ۰	۰	۰	۸	۰

۱/۱ **کا طو** : ای دل مباش خالی یک دم. **قو۲** : یک دم مباش خالی از راه عشق و مستی.
۱/۲ **قو۲** : وانگه روکه رستی.
۲/۱ **کا** : گر خود [ ] ببینی. **طو۲** : گر خود دوئی نبینی. **خ۲** : گر جان به تن ببینی.
قو۲ : گر خرده‌دانی. **طو۲** : مشغول کار من شو. **خ۲** : مشغول کار او شو.
۲/۲ **خ۲** : هر قبله‌ای که بینی.
۳/۱ **قو۲** : همچو نسیم.
۳/۲ **قو۲** : بیماری از غم تو. **کا طو۲ خ۲ قو۲ عد** : بهتر ز تندرستی.
۴/۲ **طو۲ خ۲ قو۲** : آری طریق دولت.
۷/۲ **طو** : تا نرگس توگوید با ما.

۱ اکنون که ز گل باز چمن شد چو بهشتی — ساقی می گلرنگ، طلب بر لب کشتی
۲ گر محتسبت بر کدوی باده زند سنگ — بشکن تو کدوی سر او نیز به خشتی
۳ زنگ غمت از دل می چون زنگ زداید — بشنو که چنین گفت مرا پاک سرشتی
۴ بسیار نوشتم به تو حال دل غمگین — ای کلبهٔ من کرده جمالت چو بهشتی
۵ کلکت که مریزاد زبان شکرینش — مهر از تو ندید ارنه جوابی بنوشتی
۶ معمار وجود ار نزدی رنگ تو بر عشق — در آب محبّت گل آدم نسرشتی
۷ جهل من و علم تو فلک را چه تفاوت — آنجاکه بصر نیست چه خوبیّ و چه زشتی
۸ ترسابچه‌ای دوش چه خوش گفت که حافظ — حیف است که هر دم کند آهنگ کنشتی

---

(۹) آن ماه اگر از مهر به ما نامه نوشتی — گردون ورق هستی ما در ننوشتی
(۱۰) زاهد مکن از نسیه حکایت که به نقدم — ترکی‌ست چو حوری و سرائی چو بهشتی
(۱۱) بر خاک در خواجه که ایوان جلال است — کافی‌ست به زیر سر ما بالش خشتی

مندرج در ۴ نسخه : مج ند پن تل.

ترتیب ابیات	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	(۹)	(۱۰)	(۱۱)
									۰	۰	۰
مج	۱	۲	۳	۰	۴	۵	۷	۸	۰	۶	۰
ند	۰	۰	۰	۲	۳	۴	۶	۸	۱	۵	۷
پن	۰	۴	۳	۰	۲	۵	۷	۹	۱	۶	۸
تل	۱	۲	۰	۰	۳	۵	۴	۷	۰	۰	۶

۱/۱ تل : اکنون که چمن گشت به گل همچو بهشتی.
۲/۱ تل : بر کدوئی باده.
۳/۱ پن : از دل غم بیهوده به می پاک توان کرد. — ۳/۲ پن : چنین گفت به من.
۵/۱ تل : کلکفت (کذا) مریزاد.
۸/۱ ند پن تل : دوش همی گفت. — ۸/۲ تل : سهل است که هر دم.
(۹/۱) پن : هجرش ورق.
(۱۰/۱) ند : چو به نقدم. — (۱۰/۲) ند : چو حوری به بهشت و لب کشتی.
(۱۱/۲) پن تل : گر بالش زر نیست بسازیم به خشتی.

۴۶۶

۱ سَبَتْ سَلمیٰ بِصُدغَیها فُؤادی — وَ روحی کُلَّ یومٍ لی یُنادی

۲ خدا را بر من بیدل ببخشای — وَ واصِلْنی علیٰ رَغمِ الأعادی

۳ اَمَن اَنکَرتَنی عَن عِشقِ سَلمیٰ — تز اوّل آن رُیِ نیهکو بِوادی

۴ که همچون مُت ببوتَن دل وَ اِی ره — غَریقُ العِشقِ فی بَحرِ الوِدادِ

۵ و پی ماچان غرامت بسپریمن — غرت یک وی روشتی از امادی

۶ که غمْتِ دل بواتن خورد ناچار — وغرنه او بنی آنچت نشادی

۷ نگارا در غم سودای عشقت — تَوَکَّلْنا علیٰ رَبِّ الْعِبادِ

۸ دل حافظ شد اندر چین زلفت — بِلَیْلٍ مُظْلِمٍ وَ اللهُ هادی

مندرج است در ۲۰ نسخه : یج حی طو کد که خ لط نح سو عز قط صه صد
پنه حه حک تج تم تق تو.

اختلاف ۴ نسخهٔ یج کد که خ :

ترتیب ابیات								
= که :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یج :	۱	۲	۳	۴	۷	۰	۵	۶
کد :	۱	۲	۳	۴	۵	۰	۶	۷
خ :	۱	۲	۴	۵	۰	۰	۳	۶

۲/۱ **خ** : نگارا بر من. ۳/۱ **یج کد** : عن عشق لیلی.

۳/۲ **کد** : از اول تان روی نیهکو بوادی. **یج** : تز اول روی نکوء لولی بوادی.
که : تز اول ری نیکوی (...؟) بوادی. **خ** : ان رؤ نهکو نوادی.

۴/۱ **یج** : اغر چون مت. ۴/۲ **یج کد که** : فی بحر الودادی.

۵/۱ **که** : ولی ما چان.

۷/۱ **کد** : نگارا از غم. **خ** : حبیبا در غم. **یج** : سودای رویت.

۷/۲ **کد که** : رب العبادی.

۸/۱ **که** : اندر چین زلفش.

---

۱ سلمیٰ با دو زلفش دل مرا ربود و روح من هر روز مرا ندا می‌دهد.
۲/۲ به رَغم دشمنان مرا به وصال برسان.
۳ ای کسی که مرا از عشق سلمی ممانعت می‌کنی. تو از اول کاش آن رویِ نیکو را می‌دیدی.
۴ تا همچون من دل تو هم یکباره غریق عشق در دریای محبّت می‌بود.
۵ با تأدیب در صف نعال تاوان می‌دهیم اگر یک حرکت بر خلاف روش و آئین از ما ببینی.
۶ که غم دلت را ناچار باید تحمل کنی وگرنه می‌بینی آنچه را که شایسته نیست.
۷/۲ توکل کردیم به پروردگار بندگان.
۸/۲ در شب تاریک و خداوند است که راهنماست.

۱ خوش کرد یاوری فلکت روز داوری   تا شکر چون کنی و چه شکرانه آوری
۲ در کوی عشق شوکت شاهی نمی‌خرند   اقرار بندگی کن و اظهار چاکری
۳ آنکس که اوفتاد و خدایش گرفت دست   گو بر تو باد تا غم افتادگان خوری
۴ ساقی به مژدگانی عیش از درم درآی   تا یک دم از دلم غم دنیا بدر بری
۵ در شاهراه جاه و بزرگی خطر بسی‌ست   آن به کزین گریوه سبکبار بگذری
۶ سلطان و فکر لشکر و سودای گنج و تاج   درویش و امن خاطر و کنج قلندری
۷ یک حرف صوفیانه بگویم اجازت است؟   ای نور دیده صلح بِه از جنگ و داوری
۸ نیل مراد بر حسب فکر و همّت است   از شاه نذر خیر و ز توفیق یاوری
۹ حافظ غبار فقر و قناعت ز رخ مشوی   کین خاک بهتر از عمل کیمیاگری

مندرج است در ۳۸ نسخه : یج کا طو کج کد که خ لد لو لط مج مط ند نز نح قه سد سو سز عد عز فخ فط صج صه صد قه پد حص حد حک تغ تص تج تا تم تق تی .
اختلاف ۴ نسخهٔ یج کد خ مج :

ترتیب ابیات -									
یج کد :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
خ :	۱	۳	۲	۴	۵	۶	۷	۸	۹
مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	۷	۹

۲/۱ **یج** : در کوی عشقت. **کد** : شوکت شاهان.   ۲/۲ **مج** : دعوی چاکری
۳/۱ **خ** : اوفتاد خدایش گرفت دست.
۶/۱ **خ** : سودای تاج و گنج
۷/۱ **مج** : بگویم اجازه هست؟

۴۶۸

۱ ای که دایم به خویش مغروری　　گر تو را عشق نیست معذوری

۲ گرد دیوانگان عشق مگرد　　که به عقل عقیله مشهوری

۳ مستی عشق نیست در سر تو　　رو که تو مست آب انگوری

۴ روی زرد است و آه درد آلود　　عاشقان را گواه رنجوری

۵ بگذر از نام و ننگ خود حافظ　　ساغر می‌طلب که مخموری

مندرج است در ۳۷ نسخه : یج حی کا طو کج کد که خ لد لو لط مج مط ند نه نح نط فو قب سد سو سز عد عز صج صۀ صد پۀ حص حۃ حک تۀ تص تج تا تم تۃ .

اختلاف ۴ نسخهٔ یج که خ مج :

ترتیب ابیات متن برابر است با چهار نسخهٔ فوق.

متن =	۱	۲	۳	۴	۵

۱/۲ مج : گر تو را عقل نیست.

۲/۲ مج : گر به عقل و عقیله.

۳/۲ که : رو که تو مست از آب انگوری. مج : زانکه مست شراب انگوری.

۴/۲ یج که خ : دوای رنجوری.

۵/۲ که : ساغری می‌طلب.

۴۶۹

۱ سُلَیمیٰ مُنْذُ حَلَّتْ بالعِراقِ　　　اُلاقی مِن نَواها ما اُلاقی

۲ الا ای ساربان محمل دوست　　　اِلیٰ رُکْبانِکُم طالَ اشتیاقی

۳ خرد در زنده‌رود انداز و می نوش　　　به گلبانگ جوانان عراقی

۴ بیا ساقی بده رطل گرانم　　　سَقاکَ اللهُ مِنْ کَأسٍ دِهاقِ

۵ جوانی باز می‌آرد به یادم　　　سماع چنگ و دست افشان ساقی

۶ می باقی بده تا مست و خوشدل　　　به یاران برفشانم عمر باقی

۷ درونم خون شد از نادیدن دوست　　　اَلا تَعْساً لِاَیّامِ الفِراقِ

۸ رَبیعُ العُمرِ فی مَرعیٰ حِماکُم　　　حَماکَ اللهُ یا عَهدَ التَّلاقی

۹ دمی با نیکخواهان متّفق باش　　　غنیمت دان امور اتّفاقی

۱۰ مَضَتْ فُرَصُ الوصالِ و ما شَعِرنا　　　بگو حافظ غزلهای فراقی

۱۱ دُموعی بَعْدَکُم لا تَحْقِروها　　　فَکَم بَحرٍ جُمِعْنَ مِنْ سَواقی

مندرج است در ۳۳ نسخه : یج حی کا طو کج کد کهخ لط مج مط ند نر نح نط سو سز عد عز فخ فط صج صف ید حص حة حک تغ تص تج تم تق تی.

احتلاف ۴ نسخهٔ **یج کا کهٔ فط** :

ترتیب ابیات =												
یج	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
کا فط	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۰	۸	۹	۰
که	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۰

۱/۱ **که** : سلیمی من دخلت بالعراقی.　　۱/۲ **کا که فط** : من هواها. **که** : یا الاقی.

۲/۱ **کا که فط** : منزل دوست.　　۲/۲ **که** : الی [ر] کبانکم.　　۳/۱ **یج** : خرد در زند رود.

۴/۲ **کا که** : من کاس دهاقی.　　۵/۱ **یج** : باز می‌آید به یادم.

۶/۱ **یج** : تا مست و مدهوش.　　۶/۲ **کا که** : به ساقی بر فشانم.

۷/۱ **کا** : دل من خون شد.　　۷/۲ **که** : لایام الفراقی.　　۸/۲ **که** : بالعهد التلاقی.

۹/۱ **یج** : با نیکخواهان خوش به سر بر.　　۹/۲ **کا** : حضور اتفاقی.

۱۰/۱ **کا فط** : مضت فرض الوصال.　　۱۱/۲ **یج** : من العوافی (متن = خ).

---

۱ از زمانی که یارم «سُلیمیٰ» در عراق منزل گزیده از دوریش آن می‌بینم که می‌بینم.

۲/۲ به [دیدار] سواران [محمل] شما شوقم افزون شد.

۴/۲ خداوند از قدحی مالامال سیرابت کند.

۷/۲ نابود باد روزهای جدائی.

۸ بهار زندگی در چراگاه محلهٔ شما بود. ای روزگار دیدار، در امان خدا باشید.

۱۰/۱ فرصتهای دیدار سپری شد و ما قدر ندانستیم.

۱۱ اشکهایم را از پس دوری خود ناچیز نشمارید. چه بسا دریاهائی که از جویبارها ایجاد می‌شود.

۱ كَتَبْتُ قِصَّةَ شوقى و مَدْمَعى باكى   بيا كه بى تو به جان آمدم ز غمناكى
۲ بساكه گفته‌ام از شوق با دو ديدهٔ خويش   أيا مَنازِلَ سَلمىٰ فَأيْنَ سَلماكِ
۳ عجيب واقعه‌ایّ و غريب حادثه‌ای‌ست   أنا اصْطَبَرْتُ قَتيلاً و قاتِلى شاكى
۴ كه را رسد كه كند عيب دامن پاكت   كه همچو قطره كه بر برگ گل چكد پاكى
۵ ز خاک پای تو داد آب روی لاله و گل   چو كلک صنع رقم زد بر آبى و خاكى
۶ صبا عبير فشان گشت ساقيا برخيز   وَ هاتِ شَمْسَةَ كَرمٍ مُطَيَّبٍ زاكى
۷ دَعِ التَّكاسُلَ تَغنَمْ فَقَد جَرىٰ مَثَلٌ   كه زاد راهروان چستى است و چالاكى
۸ اثر نماند ز من بى شمايلت آرى   أرىٰ مَآثِرَ مَحياىَ مِن مُحَيّاكِ
۹ ز وصف حسن تو حافظ چگونه نطق زند   كه چون صفات الاهى وراى ادراكى

مندرج است در ۳۱ نسخه : يج حى طو كد كه خ لط مج مط نز نح نط قب سد سو سز عد عز فخ فط صف صد قم بذ حص حذ حك نج تم تق تم.

اختلاف ۴ نسخهٔ **يج كه مج نز** :

ترتيب ابيات متن برابر است با چهار نسخهٔ فوق.

متن : ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

۱/۱ **يج** : قصة شوقٍ. **كه** : شوقى مدمعى الباكى. **مج** : بدمعى و باكى.
(ظاهراً ضبط اصلى نسخهٔ مج «و مدمعى باكى» بوده كه دستكارى شده است).

۱/۲ **يج** : ز غمناک.

۲/۲ **يج** : ايا منا[ ] سلمى. **يج** : فاين سلماكى. **كه** : و اين سلماكى.

۳/۲ **يج كه نز** : ان اصطَبرتُ.

۶/۲ **يج مج** : مطيب زاک.

۸/۱ **يج** : اثر نماندن من.

۸/۲ **يج كه نز** : من محياكى.

۹/۱ **كه** : به وصف روى تو.

۱/۱ قصهٔ اشتياق خود را نوشتم در حالى كه ديده‌ام گريان بود.

۲/۲ اى زيستگاههاى سلمىٰ، سلماى شما كجاست؟

۳/۲ من كه كشته شده‌ام شكيبايم ولى آنكه قاتل من است شاكى هم هست.

۶/۲ بياور آن خورشيد رز را كه خوشبوى و پاک است.

۷/۱ كاهلى را رها كن تا غنيمت يابى و مثلى مشهور است.

۸/۲ مفاخر زندگى خود را از روى تو مى‌بينم (مفاخر زندگى من پرتوى از وجود توست).

۴۷۱

۱ **بگرفت کار حسنت چون عشق من کمالی** **خوش باش از آنکه نبود این حسن را زوالی**

۲ **در وهم می‌نگنجد کاندر تصوّر عقل** **آید به هیچ معنی زین خوبتر مثالی**

۳ **شد حظّ عمر حاصل گر زانکه با تو ما را** **هرگز به عمر روزی روزی شود وصالی**

۴ **آن دم که با تو باشم یک سال هست روزی** **وان دم که بی‌تو باشم یک لحظه هست سالی**

۵ **چون من خیال رویت جانا به خواب بینم؟** **کز خواب می‌نبیند چشمم بجز خیالی**

۶ **رحم آر بر دل من کز مهر روی خوبت** **شد شخص ناتوانم باریک چون هلالی**

۷ **حافظ مکن شکایت گر وصل دوست خواهی** **زین بیشتر بباید بر هجرت احتمالی**

مندرج در ۳۶ نسخه: یج حی کا طو کج کد که خ لط مج مط ند نز نح نط قه سد سو سز عد عز فخ فط صج صذ ید حص حذ حک تذ تص تج تا تم تق تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ **یج که خ تم**:

ترتیب ابیات = **یج که خ**	:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
تم	:	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۷

۱/۲ **خ**: خوش باش زانکه نبود. **تم**: یا رب مباد هرگز. **خ**: این هردو را.

۲/۲ **خ**: زین خوبتر خیالی.

۴/۱ **تم**: یک سال نیست روزی.

۴/۲ **تم**: یک روز هست سالی.

۴۷۲

۱ سَلامُ اللهِ ما کَرَّ اللَّیالی　　وَ جاوَبتِ المَثانی وَ المَثالی
۲ علیٰ وادِی الأراکِ وَ مَن عَلَیْها　　و دارٍ باللِّویٰ فوقَ الرِّمالِ
۳ دعا گوی غریبان جهانم　　و اَدْعو بالتَّواتُر و التَّوالی
۴ منال ای دل که در زنجیر زلفش　　همه جمعیّت است آشفته حالی
۵ اَموتُ صَبابَةً یا لَیتَ شِعری　　مَتیٰ نَطَقَ البَشیرُ عَنِ الوِصالِ
۶ فَحُبُّک راحَتی فی کُلِّ حینٍ　　و ذِکْرُک مونِسی فی کُلِّ حالِ
۷ سویدای دل من تا قیامت　　مباد از شوق و سودای تو خالی
۸ کجا یابم وصال چون تو شاهی　　من بد نام رند لا ابالی
۹ ز خطّت صد جمال دیگر افزود　　که عمرت باد صد سال جلالی
۱۰ بران نقّاش قدرت آفرین باد　　که گِرد مه کشد خطّ هلالی
۱۱ به هر منزل که روی آرد خدایا　　نگه دارش به فضل لا یزالی
۱۲ تو می‌باید که باشی ورنه سهل است　　زیان مایهٔ جاهیّ و مالی
۱۳ خدا داند که حافظ را غرض چیست　　وَ عِلْمُ اللهِ حَسْبی مِن سؤالی

مندرج است در ۳۱ نسخه: یج حیہ طو کج کد کہ خ لط مج مط نز نح قب سو سز عد عز فخ فط صج صفہ یہ حص حذ حک تغ تص نج تم تق تہ

اختلاف ۴ نسخهٔ یج حیہ خ مج:

ترتیب ابیات = مج :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
یج :	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۹	۱۱	۸	۱۰	۶	۰	۱۲
حیہ :	۱	۲	۳	۷	۰	۹	۴	۱۱	۱۰	۵	۸	۶	۱۲
خ :	۱	۲	۳	۵	۰	۹	۱۰	۱۱	۶	۸	۴	۷	۱۲

۱/۲ خ: المثانی و المثال.　　۲/۲ خ: و دار باللّوا. حیہ: فوق الرمالی.　　۳/۲ یج: و ادعوا.
۴/۱ یج: در زنجیر زلفت.　　۶/۲ یج: فی کل حالی.
۷/۲ حیہ: مبادا از سر سودات. مج: از شور سودای تو.　　۱۰/۱ خ: بدان نقاش.
۱۱/۱ حیہ: که روی آری. خ: که رو آرد خدا را.　　۱۱/۲ حیہ: به حفظ لایزالی. خ مج: به لطف لایزالی.
۱۳/۱ یج: خدا واقف.

۱/۱ درود خدا باد، تا هنگامی که شبها به دنبال هم می‌آیند.
۱/۲ و تارهای دوگانه و سه‌گانهٔ عود در جوابگوئی هستند.
۲/۱ بر «وادی الاراک» و کسی که آنجا ساکن است.
۲/۲ و خانه‌ای که در «لوی» بالای تپهٔ ریگهاست.
۳/۲ پی در پی و پیوسته دعا می‌کنم.
۵/۱ از شدت اشتیاق می‌میرم. ایکاش می‌دانستم.
۵/۲ پیک خوش خبر چه وقت از وصال سخن می‌گوید.
۶/۱ دوست داشتن تو در همه وقت سبب آسایش من است.
۶/۲ و یاد تو در همه حال مونس من است.
۱۳/۲ و آگاهی خداوند در این آرزو و خواهش بسنده است.

١ أتَتْ روائِحُ رَنْدِ الحِمىٰ وَ زادَ غَرامی — فدای خاک در دوست باد جان گرامی
٢ پیام دوست شنیدن سعادت است و سلامت — مَنِ المُبَلِّغُ عَنّی اِلیٰ سُعادَ سَلامی
٣ بیا به شام غریبان و آب دیدهٔ من بین — بسان بادهٔ صافی در آبگینهٔ شامی
۴ اِذا تَغَرَّبَ عَنْ ذی الأراکِ طائِرُ خَیرٍ — فَلا تَفَرَّدَ عَنْ روضِها اَنینُ حَمامی
۵ بسی نماند که روز فراق یار سر آید — رَأَیْتُ مِن هَضَباتِ الحِمیٰ قِبابَ خِیامِ
۶ و اِن رَغِبْتُ بِخُلدٍ و صِرْتُ ناقِضَ عَهْدٍ — فَما تَطَیَّبَ نومی وَ ما اسْتَطابَ مَنامی
٧ خوشا دمی که درآئی و گویمت به سلامت — قَدِمْتَ خَیرَ قُدومٍ نَزَلْتَ خَیرَ مَقامِ
٨ امید هست که زودت به کام خویش ببینم — تو شادگشته به فرماندهی و من به غلامی
٩ بَعِدْتُ مِنْکَ وَ قَدْ صِرْتُ ذائِباً کَهِلالٍ — اگر چه روی چو ماهت ندیده‌ام به تمامی
١٠ چو سلک دُرِّ خوشاب است نظم پاک تو حافظ — که گاه لطف سبق می‌برد ز نظم نظامی

(١١) من ار چه هیچ ندارم سزای صحبت شاهان — تو از برای ثوابم قبول کن به غلامی

مندرج است در ٢۴ نسخه : طوکدکه خ لط مج مط ند نز نح نط سو سز عد فخ صف صد پذ حص حذ حک تج نم تی.

اختلاف ۴ نسخهٔ کد که مج نز :

ترتیب ابیات :	١	٢	٣	۴	۵	۶	٧	٨	٩	١٠	(١١) ٠
کد :	١	٢	٣	۴	۶	۵	٧	٨	١٠	٠	٩
که :	١	٢	٠	٣	۵/١ ٠	۴	٠ ۵/٢	٩	٧	٨	۶
مج نز :	١/١ ٢/٢	٢/١ ١/٢	٣	۴	۵	۶	٧	٨	٩	١٠	٠

١/١ **که** : و رد اغرامی. ۴/١ **که** : عنی الاراک. ۴/٢ **مج** : فلا نعرّه عن روضها انین حمام.
۵/١ **کد که** : فراق ما به سر آید. ۵/٢ **نز** : من هصاب الحمی. **کد** : عن هضبات الحمی قباب خیامی.
مج : قیام خیام. **نز** : قیام حمام. ۶/١ **کد** : وان رغبت لنجد فصرت. **مج نز** : وان وعیت بلحد.
۶/٢ **کد** : فما تطیب یومی. ٧/٢ **کد که** : خیر مقامی. ٨/١ **که** : به بخت خویش ببینم.
٨/٢ **کد مج نز** : تو شاه گشته. ٩/١ **کد که** : تغیب منک و قد صرت راثنا کهلال.
١٠/١ **که** : به سلک در خوشاب و ز نظم پاک تو حافظ. ١٠/٢ **که** : ز شعر نظامی
(١١/٢) **کد** : ز بهر کار تو آیم قبول کن به غلامی.

١/١ بوی خوش عود از منزلگه معشوق به مشامم رسید و شوق مرا افزون کرد. ٢/٢ کیست که سلام مرا به سعاد برساند.
۴/١ هر گاه از ذی الاراک طایر فرخنده دور شود. ۴/٢ نالهٔ حزین کبوتر من نیز از گلستانهای آنجا دور نماند.
۵/٢ از تپه‌های منزلگاه دوست قبه‌های خیمه‌ها را دیدم. ۶/١ اگر به بهشت اشتیاق ورزم و عهدشکنی کنم
۶/٢ نه خواب بر من گوارا باشد و نه جایگاه خوابم. ٧/٢ آمدی و خوش آمدی و به بهترین منزلگاه فرود آمدی.
٩/١ از تو دور گشتم و مانند هلال گداخته شدم.

۱ نوش کن جام شراب یکمنی | تا بدان بیخ غم از دل برکنی
۲ دل گشاده دار چون جام شراب | سر گرفته چند چون خُمّ دَنی
۳ چون ز جام بیخودی رطلی کشی | کم زنی از خویشتن لاف منی
۴ سنگسان‌شو در قدم نی همچو ابر | جمله رنگ آمیزی و تر دامنی
۵ دل به می در بند تا مردانه‌وار | گردن سالوس و تقوا بشکنی
۶ خیز و جهدی‌کن چو حافظ تا مگر | خویشتن در پای معشوق افکنی

مندرج است در ۱۵ نسخه: کا طوکج خ قوعد عز فخ صج صفحک نص تج تق تپ).
اختلاف ۴ نسخهٔ کا طو خ حک:

ترتیب ابیات برابر است با ۴ نسخهٔ فوق.
متن = ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶

۲/۲ کا: چون خنب دنی.
۳/۱ کا: چون ز زخم بیخودی. طو: جامی کشی.
۳/۲ کا: کم زنی از بیخودی لاف منی. طو: کم زنی بر خویشتن. حک: از خویش لاف کم زنی.
۴/۱ طو: سنگستان سر در قدم نه همچو آب. کا: نه همچو ابر. خ: نی همچو آب.
۵/۱ طو: دل به من دربند. خ: دل به ما دربند
۶/۱ خ: خیز جهدی کن. ۶/۲ کا: خویش را در پای معشوق افکنی.

ترکیب‌بند

۱ ساقی اگرت هوای ما هی — جز باده میار پیش ما شی
۲ سجّاده و خرقه در خرابات — بفروش و بیار جرعه‌ای می
۳ گر زنده دلی شنو ز مَستان — در گلشن جان ندای یا حی
۴ با درد درآ به بوی درمان — کونین نگر ز عشق لا شی
۵ اسرار دل است در ره عشق — آواز سماع و نالهٔ نی
۶ یک مفلس پاکباز در عشق — بهتر ز هزار حاتم طی
۷ سلطان‌صفت آن بت پریروی — می‌آمد و خلق شهر در پی
۸ مردم نگران به روی خویش — وز شرم فکنده عارضش خوی
۹ حافظ ز غم تو چند نالد — آخر منِ دل‌شکسته تا کی

۱۰ بنشینم و با غم تو سازم
جان در سر کار عشق بازم

مندرج است در ۱۷ نسخه : یج حی طو کج کد که لد نه قو قخ قه پذ تص تج ته تة تی
(در نسخهٔ قه این ترکیب‌بند در شش قطعه کتابت شده است.)

اختلاف ۴ نسخهٔ یج که پذ قه :

ترتیب ابیات = که :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
یج :	۱	۰	۰	۰	۲/۱ ۰ ۰	۲/۲	۳	۴	۵	۶
پذ :	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰
قه :	۱	۳	۰	۴	۲/۱ ۰ ۰	۲/۲	۵	۶	۷	۸

۱/۲ که پذ : پیش ماهی.
۴/۲ که : اکنون بنگر ز عشق لا شی. قه : تا روح تو را مدد دهد نی.
۷/۱ یج قه : آن بت پریوش.
۸/۲ که : وز شرم گرفته.
۱۰/۲ یج قه : جان در سر و کار عشق.

قصیده‌ها

ق ۱

در مدح شاه شیخ ابواسحاق

۱ سپیده دم که صبا بوی لطف جان گیرد — چمن ز لطف هوا نکته بر جنان گیرد
۲ هوا ز نکهت گل در چمن تتق بندد — افق ز عکس شفق رنگ گلستان گیرد
۳ نوای چنگ بدانسان زند صلای صبوح — که پیرِ صومعه راه درِ مغان گیرد
۴ نکال شب که کند قدَح در سیاهی مشک — در او شرار چراغ سحرگهان گیرد
۵ شه سپهر چو زرّین سپر کشد در روی — به تیغ صبح و عمود افق جهان گیرد
۶ به رَغم زاغ سیه شاهباز زرّین بال — درین مقرنس زنگاری آشیان گیرد
۷ محیط شمس کشد سوی خویش دُرّ خوشاب — که تا به قبضهٔ شمشیر زرفشان گیرد
۸ چو شهسوار فلک بنگرد به جام صبوح — که چون به شعشعهٔ نور ملک جان گیرد
۹ به بزمگاه چمن رو که خوش تماشائی‌ست — چو لاله کاسهٔ نسرین و ارغوان گیرد
۱۰ صبا نگر که دمادم چو رند شاهد باز — گهی لب گل و گه زلف ضیمران گیرد
۱۱ ز اتّحاد هیولا و اختلاف صور — خرد ز هر گل او نقش صد بیان گیرد
۱۲ من اندر آن که دم کیست این مبارک دم — که وقت صبح درین تیره خاکدان گیرد
۱۳ چه حالت است که گل در سحر نماید رخ — چه آتش است که در مرغ صبح‌خوان گیرد
۱۴ چه پرتوی‌ست که نور چراغ صبح دهد — چه شعله‌ای است که در شمع آسمان گیرد
۱۵ چرا به صد غم و حسرت سپهر دایره‌گرد — مرا چو نقطهٔ پرگار در میان گیرد
۱۶ ضمیر دل نگشایم به کس مرا آن به — که روزگار غیور است و ناگهان گیرد
۱۷ چو شمع هر که به افشای راز شد مشغول — بسش زمانه چو مقراض در زبان گیرد
۱۸ کجاست ساقی مهروی من که از سر ناز — چو چشم خویشتنم ساغری گران گیرد
۱۹ پیامی آورد از یار و در پیش جامی — به شادی رخ آن یار مهربان گیرد
۲۰ نوای مجلس ما را چو برکشد مطرب — گهی عراق زند گاه اصفهان گیرد
۲۱ فرشته‌ای به حقیقت سروش عالم غیب — که روضهٔ کرمش نکته بر جنان گیرد
۲۲ سکندری که مقیم حریم او چون خضر — ز فیض خاک درش عمر جاودان گیرد
۲۳ جمال چهرهٔ تابنده شیخ ابواسحاق — که ملک در قدمش زیب بوستان گیرد
۲۴ کسی که بر فلک سروری عروج کند — نخست پایهٔ خود فرق فرقدان گیرد
۲۵ چراغ دیدهٔ محمود شه که دشمن را — ز برق تیغ وی آتش به دودمان گیرد
۲۶ به اوج ماه رسد موج خون چو تیغ کشد — به تیر چرخ برد حمله چون کمان گیرد
۲۷ عروس خاوری از شرم رای انور او — به جای خود بود ار راه قیروان گیرد

۲۸ ایا عظیم وقاری که هر که بندهٔ توست / ز رفع قدر کمربند توأمان گیرد
۲۹ رسد ز چرخ عطارد هزار تهنیتت / چو فکرتت صفت امر کن فکان گیرد
۳۰ مدام در پی طعن است بر حسود و عدوت / سماک رامح ازان روز و شب سنان گیرد
۳۱ فلک چو جلوه‌کنان بنگرد سمند تو را / کمینه پایگهش اوج کهکشان گیرد
۳۲ ملالتی که کشیدی سعادتی دهدت / که مشتری نسق کار خود ازان گیرد
۳۳ از امتحان تو ایّام را غرض آن است / که از صفای ریاضت دلت نشان گیرد
۳۴ و گر نه پایهٔ عزّت ازان بلندتر است / که روزگار براو حرف امتحان گیرد
۳۵ مذاق جانْش ز تلخیّ غم شود ایمن / هر آنکه شکّر شکر تو در دهان گیرد
۳۶ دلیر برخرد آنکس بود که در همه حال / نخست بنگرد آنگه طریق آن گیرد
۳۷ چو جای جنگ نبیند به جام یازد دست / چو وقت کار بود تیغ جانستان گیرد
۳۸ ز لطف غیب به سختی رخ از امید متاب / که مغز نغز مقام اندر استخوان گیرد
۳۹ شکر کمال حلاوت پس از ریاضت یافت / نخست در شکن تنگ ازان مکان گیرد
۴۰ دران مقام که سیل حوادث از چپ و راست / چنان رسد که امان از میان کران گیرد
۴۱ چه غم بود به چنان حال کوه ثابت را / که حمله‌های چنان قلزم گران گیرد
۴۲ اگرچه خصم تو گستاخ می‌رود حالی / تو شاد باش که گستاخیش عنان گیرد
۴۳ که هرچه در حق این خاندان دولت کرد / جزاش در زن و فرزند و خان و مان گیرد
۴۴ زمان عمر تو پاینده باد کین نعمت / عطیّه‌ای‌ست که در کار انس و جان گیرد

مندرج است در ۴ نسخه به صورت قصیده: **کهـ** (۲۱ بیت)، **سو** (۴۲ بیت)، **صد** (۳۸ بیت)، **تما** (۴۱ بیت)، و در ۱۸ نسخه (طو لو مج ند نز نخ قہ سد سز عز فخ صف پن حک تص تج تل تپ) به صورت غزل (۷ تا ۱۷ بیت) که شعر زیر را به عنوان بیت تخلص غزل بر آن افزوده‌اند:

خیال شاهی اگر نیست در سر حافظ / چرا به تیغ زبان عرصهٔ بیان گیرد

۴۲ بیت از متن قصیده برابر است با نسخهٔ سو. بیت ۴ با یک تغییر از کهـ و بیت ۷ از طو افزوده شد.

(۴/۱ کهـ: ز حال شب. متن «نکال شب» = لو).

نسخهٔ سو در ۴۲ بیت با متن ۱۱ اختلاف دارد به این شرح:

۲/۱ هزار نکتهٔ گل (متن = طو). ۸/۲ که همچو شعشعهٔ نور کحل جان گیرد (متن = صد).
۱۱/۱ در اتحاد هیولی و اختلاف دهور (متن = نخ). ۱۴/۱ چه پرتو است (متن = کهـ).
۱۹/۲ ماه مهربان (متن = صد). ۲۴/۲ نخست پایهٔ او (متن = کهـ).
۲۸/۲ ز رفع و قدر کمر [بند] توأمان (متن = کهـ). ۳۱/۱ فلک چو جلوه کند بنگرد (متن = کهـ).
۳۲/۱ ملامتی (متن = کهـ). ۳۳/۲ از جفای ریاضت (متن = کهـ).
۳۴/۱ پایهٔ فرصت (متن = تما).

ق ۲

در مدح شاه منصور

۱ سحر چون خسرو خاور عَلَم بر کوهساران زد — به دست مرحمت یارم درِ امّیدواران زد
۲ چو پیش صبح روشن شد که حال مهر گردون چیست — برآمد خنده‌ای خوش بر غرور کامگاران زد
۳ نگارم دوش در مجلس به عزم رقص چون برخاست — گره بگشود از گیسو و بر دلهای یاران زد
۴ من از رنگ صلاح آنگه به خون دل بشستم دست — که چشم باده‌پیمایش صلا بر هوشیاران زد
۵ کدام آهن دلش آموخت این آئین عیّاری — کز اوّل چون برون آمد ره شب‌زنده‌داران زد
۶ خیال شهسواری پخت و شد ناگه دل مسکین — خداوندا نگه دارش که بر قلب سواران زد
۷ درآب و رنگ رخسارش چه خون خوردیم و جان‌دادیم — چو نقشش دست داد اوّل رقم بر جانسپاران زد
۸ منش با خرقهٔ پشمین چگونه در کمند آرم — زره موئی که مژگانش ره خنجرگزاران زد
۹ نظر بر قرعهٔ توفیق و یمن دولت شاه است — بده کام دل حافظ که فال بختیاران زد
۱۰ شهنشاه مظفّرفر شجاع ملک و دین منصور — که جود بی دریغش خنده بر ابر بهاران زد
۱۱ ازان ساعت که جام می به دست او مشرّف شد — زمانه ساغر شادی به یاد میگساران زد
۱۲ ز شمشیر سرافشانش ظفر آن روز بدرخشید — که چون خورشید انجم‌سوز تنها بر هزاران زد
۱۳ دوام عمر و ملک او بخواه از لطف حق ای دل — که چرخ این سکّهٔ دولت به دور روزگاران زد

مندرج است در ۳۷ نسخه (یج طو کج کد که خ لو لط مج مط ند نه نز نح نط قو قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صذ صد پذ قه حص حک تص تج تل تم تذ تیـ).

متن تا بیت ۱۰ با سه اختلاف برابر است با نسخهٔ یج.

سه بیت ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ با نسخهٔ قبـ مطابق است.

۴/۲ یج : که چشم بادپیمایش (متن =کد).

۷/۱ یج : جان دادیم و خون خوردیم (متن = طو).

۸/۲ یج : ره خنجر گذاران (متن = طو).

ق ۳

در مدح عماد الدین محمود وزیر شاه شیخ ابواسحاق

۱ کنون که در چمن آمد گل از عدم به وجود — بنفشه در قدم او نهاد سر به سجود
۲ شد از بروج ریاحین چو آسمان روشن — زمین به اختر میمون و طالع مسعود
۳ بنوش جام صبوحی به غلغل دف و چنگ — ببوس غبغب ساقی به نغمهٔ نی و عود
۴ به باغ تازه کن آئین دین زردشتی — کنون که لاله برافروخت آتش نمرود
۵ ز دست شاهد نازک عذار عیسی دم — شراب نوش و رها کن حدیث عاد و ثمود
۶ جهان چو خلد برین شد به دوْر سوسن و گل — ولی چه سود که در وی نه ممکن است خلود
۷ به دوْر گل منشین بی‌شراب و شاهد و چنگ — که همچو دوْر بقا هفته‌ای بود معدود
۸ چو گل سوار شود بر هوا سلیمان وار — سحر که مرغ درآید به نغمهٔ داوود
۹ بخواه جام لبالب به یاد آصف دهر — وزیر ملک سلیمان عماد دین محمود

مندرج است در ۳۷ نسخه (یج کا کج کهـ خ لط مج مط ند نه نز نح نط قو قیـ سد سو سز عد عز فخ فط صج صذ صد پذ قه حصـ حذ حک تغ تصـ تج تل تمـ تة تپ).

متن با دو اختلاف برابر است با نسخهٔ **مج**.

۴/۲ **مج**: ازانک لاله برافروخت (متن = کهـ).

۷/۱ **مج**: به دور گل می گلگون منه ز کف حافظ (متن = کهـ).

نسخهٔ **یج** دو بیت کم دارد و در هفت بیت دیگر در مقایسه با متن ۶ اختلاف دارد.

نسخهٔ **کهـ** با متن ۴ اختلاف دارد و بیت ۸ محذوف است.

ق ۴

در مدح شاه یحیی

۱ دارای جهان نصرت دین خسرو کامل — یحیی بن مظفّر ملک عالم عادل

۲ ای درگه اسلام پناه تو گشاده — بر روی جهان روزنهٔ جان و درِ دل

۳ تعظیم تو بر جان و خرد واجب و لازم — انعام تو بر کوْن و مکان فائض و شامل

۴ روز ازل از کلک تو یک قطره سیاهی — بر روی مه افتاد که شد حلّ مسائل

۵ خورشید چو آن خال سیه دید به دل گفت — ایکاج که من بودمی آن هندوی مقبل

۶ شاها فلک از بزم تو در رقص و سماع است — دست طرب از دامن این زمزمه مگسل

۷ می نوش و جهان بخش که از زلف کمندت — شد گردن بدخواه گرفتار سلاسل

۸ دوْر فلکی یکسره بر منهج عدل است — خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل

۹ حافظ قلم شاه جهان مقسم رزق است — از بهر معیشت مکن اندیشهٔ باطل

مندرج است در ۲۹ نسخه (طو کج خ لو مج مط ند نه نز نط لو قب سد سو عد عز فخ فط صح صف صد پن حص حت حک تص تل تق تی).
متن با یک اختلاف برابر است با نسخهٔ خ.
۲/۲ خ: بر روی زمین (متن = طو).
نسخهٔ طو با متن ۸ اختلاف دارد.

ق ۵

در مدح شاه منصور

۱ جوزا سحر نهاد حمایل برابرم　　یعنی غلام شاهم و سوگند می‌خورم
۲ ساقی بیا که از مدد بخت کارساز　　کامی که خواستم ز خدا شد میسّرم
۳ جامی بده که باز به شادیّ روی شاه　　پیرانه‌سر هوای جوانی‌ست در سرم
۴ راهم مزن به وصف زلال خضر که من　　از جام شاه جرعه‌کش آب کوثرم
۵ شاها من ار به عرش رسانم سریر فضل　　مملوک این جنابم و مسکین این درم
۶ من جرعه نوش بزم تو بودم هزار سال　　کی ترک آبخورد کند طبع خوگرم
۷ ور باورت نمی‌شود از بنده این حدیث　　از گفتهٔ کمال دلیلی بیاورم:
۸ «گر برکَنم دل از تو و بردارم از تو مهر　　آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم»
۹ منصور بن مظفّر غازی‌ست حِرز من　　وز این خجسته نام بر اعدا مظفّرم
۱۰ عهد الست من همه با عشق شاه بود　　وز شاهراه عمر بدین عهد بگذرم
۱۱ گردون چو کرد نظم ثریّا به نام شاه　　من نظم دُر چرا نکنم از که کمترم
۱۲ شاهین‌صفت چو طعمه چشیدم ز دست شاه　　کی باشد التفات به صید کبوترم
۱۳ ای شاه شیرگیر چه کم گردد ار شود　　در سایهٔ تو ملک فراغت مسخّرم
۱۴ بال و پری ندارم و این طرفه‌تر که نیست　　غیر از هوای منزل سیمرغ در سرم
۱۵ شعرم ز یمن مدح تو صد ملک دل گشاد　　گوئی که تیغ توست زبان سخنورم
۱۶ بر گلشنی اگر بگذشتم چو باد صبح　　نه عشق سرو بود و نه شوق صنوبرم
۱۷ بوی تو می‌شنیدم و بر یاد روی تو　　دادند ساقیان طرب یکدو ساغرم
۱۸ مستی به آب یکدو عنب وضع بنده نیست　　من سالخورده رند خرابات پرورم
۱۹ با سیر اختر و فلکم داوری بسی‌ست　　انصاف شاه باد درین قصّه یاورم
۲۰ شکر خدا که باز درین اوج بارگاه　　طاووس عرش می‌شنود صیت شهپرم
۲۱ نامم ز کارنامهٔ عشّاق محو باد　　گر جز محبّت تو بود شغل دیگرم
۲۲ شبل الاسد به صید دلم حمله کرد و من　　گر لاغرم و گر نه شکار غضنفرم
۲۳ ای عاشقان روی تو از ذرّه بیشتر　　من کی رسم به وصل تو کز ذرّه کمترم
۲۴ بنما به من که منکر حسن رخ تو کیست　　تا دیده‌اش به گزلک غیرت برآورم

۲۵ بر من فتاد سایهٔ خورشید سلطنت اکنون فراغتی‌ست ز خورشید خاورم
۲۶ مقصود ازین معامله بازار تیز نیست نه جلوه می‌فروشم و نه عشوه می‌خرم
۲۷ دارم ولی امید که از یمن دولتش بر همسران خویش کند بخت سرورم

مندرج است در ۲۹ نسخه (یج طو که خ لو لط مج مط ند نه نح نط قب سد سو سز عد عز فخ فط صج صذ صد پذ حذ حک تص تج تم).

متن با چهار اختلاف برابر است با نسخهٔ **مج**

۷/۱ **مج**: ور زانک باورت نکند از من این حدیث (متن = یج).

۱۰/۲ **مج**: بدین جهد بگذرم (متن = یج).

۱۸/۲ **مج**: پیر خرابات (متن = یج).

۲۱/۱ **مج**: نامم ز کارخانهٔ (متن = یج).

در نسخهٔ **یج** دو بیت ۱۱ و ۲۷ نیست و با متن حاضر ۱۶ اختلاف دارد.



ق ۶

در مدح برهان الدین ابونصر فتح‌الله وزیر امیر مبارز الدین محمد

۱ دیدار شد میسّر و بوس و کنار هم — از بخت شکر دارم و از روزگار هم
۲ زاهد برو که طالع اگر طالع من است — جامم به دست باشد و زلف نگار هم
۳ ما عیب کس به رندی و مستی نمی‌کنیم — لعل بتان خوش است و می خوشگوار هم
۴ ای دل بشارتی دهمت محتسب نماند — وز می جهان پر است و بت میگسار هم
۵ آن شد که چشم بد نگران بودی از کمین — خصم از میان برفت و سرشک از کنار هم
۶ خاطر به دست تفرقه دادن نه زیرکی ست — مجموعه‌ای بخواه و صراحی بیار هم
۷ بر خاکیان عشق فشان جرعهٔ لبش — تا خاک لعلگون شود و مشکبار هم
۸ چون کاینات جمله به بوی تو زنده‌اند — ای آفتاب سایه ز ما بر مدار هم
۹ چون آب روی لاله و گل فیض حسن توست — ای ابر لطف بر من خاکی ببار هم
۱۰ حافظ اسیر زلف تو شد از خدا بترس — وز انتصاف آصف جم‌اقتدار هم
۱۱ برهان ملک و دین که ز دست وزارتش — ایام کان یمین شد و دریا یسار هم
۱۲ بر یاد رای انور او آسمان به صبح — جان می‌کند فدا و کواکب نثار هم
۱۳ گوی زمین ربودهٔ چوگان عدل اوست — وین برکشیده قبّهٔ نیلی حصار هم
۱۴ عزم سبک عنانش به جنبش در آورد — این پایدار مرکز عالی مدار هم
۱۵ تا از نتیجهٔ فلک و طور دوْر اوست — تبدیل سال و ماه و خزان و بهار هم
۱۶ خالی مباد کاخ جلالش ز سروران — وز ساقیان سرو قد گلعذار هم

مندرج است در ۴۱ نسخه (یج کا طو کج کد کهٔ خ لد لو لط مج مط ند نه نز نح نط قو قب سد سو سز عد عز فح فط صج صذ صد قه پذ حص حذ حک تغ تص تج تل ته تة تپ).

متن با یک اختلاف برابر است با نسخهٔ **مج**

۴/۲ مج: از وی جهان پر است (متن = یج). دو مصرع ۸/۲ و ۹/۲ در نسخهٔ **مج** جابجا کتابت شده است.

نسخهٔ **یج** شامل ۱۰ بیت اول این قصیده است.

در نسخهٔ **کا** دو بیت ۷ و ۱۴ نیست و در بقیهٔ ابیات با متن ۷ اختلاف دارد.

در نسخهٔ **طو** تنها ۷ بیت از این قصیده نوشته شده است.

ق ۷

در مدح شاه شجاع

۱ شد عرصهٔ زمین چو بساط ارم جوان — از پرتو سعادت شاه جهان ستان
۲ خاقان شرق‌وغرب که درشرق‌وغرب اوست — صاحبقران و خسرو و شاه خدایگان
۳ خورشید ملک پرور و سلطان دادگر — دارای دادگستر و کسرای کی نشان
۴ سلطان نشان عرصهٔ اقلیم سلطنت — بالانشین مسند ایوان لامکان
۵ اعظم جلال دولت و دین آنکه رفعتش — دارد همیشه توسن ایّام زیر ران
۶ دارای دهر شاه شجاع آفتاب ملک — خاقان کامگار و شهنشاه نوجوان
۷ ماهی که شد به طلعتش افروخته زمین — شاهی که شد به همّتش افراخته زمان
۸ سیمرغ وهم را نبود قوّت عروج — آنجا که باز همّت او سازد آشیان
۹ گر در خیال چرخ فتد عکس تیغ او — از یکدگر جدا شود اجزای توأمان
۱۰ حکمش روان چو باد بر اطراف برّ و بحر — مهرش نهان چو روح دراعضای انس و جان
۱۱ ای صورت تو ملک جمال و جمال ملک — وی طلعت تو جان جهان و جهان جان
۱۲ تخت تو رشک مسند جمشید و کیقباد — تاج تو غبن افسر دارا و اردوان
۱۳ تو آفتاب ملکی و هر جا که می‌روی — چون سایه از قفای تو دولت بود روان
۱۴ ارکان نپرورد چو تو گوهر به هیچ قرن — گردون نیاورد چو تو اختر به صد قران
۱۵ بی‌طلعت تو جان نگراید به کالبد — بی‌نعمت تو مغز نبندد در استخوان
۱۶ هر دانشی که در دل دفتر نیامده است — دارد چو آب خامهٔ تو بر سر زبان
۱۷ دست تو را به ابر که یارد شبیه کرد — چون بدره بدره این دهد و قطره قطره آن
۱۸ با پایهٔ جلال تو افلاک پایمال — وز دست بحر جود تو در دهر داستان
۱۹ بر چرخ علم مهری و بر فرق عقل تاج — در چشم فضل نوری و در جسم ملک جان
۲۰ علم از تو با کرامت و عقل از تو با شکوه — شرع از تو در حمایت و دین از تو در امان
۲۱ ای خسرو رفیع جناب منیع قدر — وی داور عدیم مثال عظیم شان
۲۲ ای آفتاب ملک که در جنب همّتت — چون ذرّهٔ حقیر بود گنج شایگان
۲۳ در جنب بحر جود تو از ذرّه کمتر است — صد گنج شایگان که ببخشی به رایگان
۲۴ عصمت نهفته رخ به سراپرده‌ات مقیم — دولت نهاده رخت بقا زیر کندلان

۲۵ گردون برای خیمهٔ خورشید فلکهات　　از کوه و ابر ساخته پازیر و سایبان
۲۶ وین اطلس منقّش نُه توی زرنگار　　چتری بلند بر سر خرگاه خویش دان
۲۷ بعد از کیان به ملک سلیمان نداد کس　　این ساز و این خزینه و این لشکر گران
۲۸ بودی درون گلشن و از پردلان تو　　در هند بود غلغل و در روم بُد فغان
۲۹ در دشت روم خیمه زدی و غریو کوس　　در دشت چین فتاد و بیابان سیستان
۳۰ تا قصر زرد تاختی و لرزه اوفتاد　　در قصرهای قیصر و در خانه‌های خان
۳۱ آن کیست کو به ملک کند با تو همسری　　از مصر تا به روم و ز چین تا به قیروان
۳۲ سال دگر ز قیصرت آرند باج سر　　وز چینت آورند به درگه خراج جان
۳۳ تو شاکری ز خالق و خلق از تو شاکرند　　تو شادمان به دولت و ملک از تو شادمان
۳۴ اینک بطرف گلشن و ایوان همی روی　　با بندگان سمند سعادت به زیر ران
۳۵ ای ملهمی که از صف کرّوبیان قدس　　فیضی رسد به خاطر پاکت زمان زمان
۳۶ ای آشکار پیش دلت هر چه کردگار　　دارد همی به پردهٔ غیب اندر و نهان
۳۷ داده فلک عنان ارادت به دست تو　　یعنی که مرکبم به مراد خودم بران
۳۸ گر کوششیت افتد پر داده‌ام به تیر　　ور بخششیت باید زر داده‌ام به کان
۳۹ خصمت کجاست درکف پای خودش فکن　　یار تو کیست بر سر و چشم منش نشان
۴۰ هم کام من به خدمت تو گشت منتظم　　هم نام من به مدحت تو گشت جاودان

مندرج است در دو نسخهٔ **سو** **ته**. ۳۷ بیت از متن به استناد نسخهٔ **سو** نقل گردید.
دو بیت ۲۸ و ۳۸ از نسخهٔ **ته** و بیت ۳۰ از نسخهٔ **ع** افزوده شد.
در مورد هفت اختلافِ ضبطِ نسخهٔ **سو** در مقایسه با متن به شرح زیر متن مستند است به نسخهٔ **ته**:
۱/۲ شاه جهان نشان.　۲/۲ صاحبقران و خسرو [و].　۵/۱ اعظم جلال دنیا و دین.
۱۰/۱ بر اطراف بحر و بر.　۱۲/۲ عین افسر.　۲۴/۱ عصمت نهاده.
۲۵/۱ خیمهٔ خورشید ملکتت.
در برابر پنج دگرسانی دو نسخهٔ **سو** **ته** متن مستند است به ضبط نسخهٔ **ف**
۹/۲ **سو ته**: اجزای نایمان.　۲۹/۱ **سو ته**: خیمه زدی وز غریو کوس.
۲۹/۲ **سو ته**: تا دشت روم رفت.　۳۲/۲ **سو ته**: به درگه خراج خان.　۳۶/۲ **سو ته**: یعنی که من کیم.
در برابر دو اختلاف دیگر در دو نسخهٔ **سو** **ته** متن مستند است به ضبط نسخهٔ **ح**
۱۴/۱ **سو**: چو تو هرگز. **ته**: چو تو دولت.
۲۵/۲ **سو**: از کوه [و] ابر ساخته ... سایبان. **ته**: ساخته نازیر و سایبان.

ق ۸

در مدح اتابک پیر احمد بن پشنگ

۱ رایت سلطان گل پیدا شد از طرف چمن   مقدمش یارب مبارک باد بر سرو و سمن
۲ خوش به‌جای خویشتن بود این نشست خسروی   تا نشیند هر کسی اکنون به جای خویشتن
۳ خاتم جم را بشارت ده به حسن خاتمت   کاسم اعظم کرد ازو کوتاه دست اهرمن
۴ تا ابد معمور باد این خانه کز خاک درش   هر نفس با بوی رحمت می‌وزد باد یمن
۵ شوکت پور پشنگ و تیغ عالمگیر او   در همه شهنامه‌ها شد داستان انجمن
۶ خنگ چوگانی چرخت رام شد در زیر زین   شهسوارا خوش به میدان آمدی گویی بزن
۷ جویبار ملک را آب روان شمشیر توست   تو درخت عدل بنشان بیخ بدخواهان بکن
۸ بعد ازین نه شگفت اگر با نکهت خلق خوشت   خیزد از صحرای ایذج نافهٔ مشک ختن
۹ گوشه‌گیران انتظار جلوهٔ خوش می‌کنند   برشکن طرف کلاه و برقع از رخ برفکن
۱۰ مشورت با عقل کردم گفت حافظ باده نوش   ساقیا می ده به قول مستشار مؤتمن
۱۱ ای صبا بر ساقی بزم اتابک عرضه دار   تا ازان جام زرافشان جرعه‌ای بخشد به من

مندرج است در ۳۱ نسخه (یج حی طو که خ مج مط ند نه نز نح قب سو سز عد عز فخ صج صف صد قه پن حص حن حک تص تج تل تم تة تی).

متن با دو اختلاف برابر است با نسخهٔ یج

۱/۲ یج: مبارک باد بر سرو چمن (متن = حی).

۴/۲ یج: با بوی رحمت می‌رود (متن = حی)

ق ۹

در مدح شاه شجاع

۱ ای قبای پادشاهی راست بر بالای تو　　تاج شاهی را فروغ از گوهر والای تو
۲ آفتاب فتح را هر دم طلوعی می‌دهد　　از کلاه خسروی رخسار مه سیمای تو
۳ جلوه‌گاه طایر اقبال گردد هر کجا　　سایه اندازد همای چتر گردون سای تو
۴ در رسوم شرع و حکمت با هزاران اختلاف　　نکته‌ای هرگز نشد فوت از دل دانای تو
۵ آب حیوانش ز منقار بلاغت می‌چکد　　طوطی خوش‌لهجه یعنی کلک شکّرخای تو
۶ گرچه خورشید فلک چشم و چراغ عالم است　　روشنائی بخش چشم اوست خاک پای تو
۷ آنچه اسکندر طلب کرد و ندادش روزگار　　جرعه‌ای بود از زلال جام جان افزای تو
۸ عرض حاجت در حریم حضرتت محتاج نیست　　راز کس مخفی نماند با فروغ رای تو
۹ خسروا پیرانه سر حافظ جوانی می‌کند　　بر امید عفو جان‌بخش جهان‌بخشای تو

مندرج است در ۳۶ نسخه (یج حی طو کج کد کھ خ لد لط مج مط ند نه نز نح نط قو قب سو سز عز فخ فط صج صذ صد قه پذ حص حذ حک تص تل تم تذ تپ).

ترتیب ابیات متن برابر است با نسخه‌های **طو خ مج نز**.

کلمات متن، با سه اختلاف، مطابق است با نسخهٔ **فط**.

۲/۱ **فط**: هردم فروغی می‌دهد (متن = یج).

۷/۲ **فط**: جام جان فرسای تو (متن = طو).

۹/۲ **فط**: بر امید لطف جان‌بخش گنه‌بخشای تو (متن = یج).

در دو نسخهٔ **یج** و **کد** دو بیت ۵ و ۷، در نسخهٔ **حی** بیت ۷ و در نسخهٔ **کھ** سه بیت ۵ و ۶ و ۷ کتابت نشده است.

ق ۱۰

در مدح نصرت الدین شاه یحیی

۱ ای که بر ماه از خط مشکین نقاب انداختی — لطف کردی سایه‌ای بر آفتاب انداختی

۲ تا چه خواهد کرد با ما تاب و رنگ عارضت — حالیا نیرنگ نقشی خوش بر آب انداختی

۳ گوی خوبی بردی از خوبان خلّخ شاد باش — جام کیخسرو طلب کافراسیاب انداختی

۴ گنج عشق خود نهادی در دل ویران ما — سایهٔ دولت برین کنج خراب انداختی

۵ هرکسی با شمع رخسارت به‌وجهی عشق باخت — زان میان پروانه را در اضطراب انداختی

۶ طاعت من گرچه از مستی خرابم رد مکن — کاندرین شغلم به امّید ثواب انداختی

۷ خواب بیداران ببستی وانگه از نقش خیال — تهمتی بر شبروان خیل خواب انداختی

۸ پرده از رخ برفکندی یک نظر در جلوه‌گاه — وز حیا حور و پری را در حجاب انداختی

۹ از فریب نرگس مخمور و لعل می پرست — حافظ خلوت نشین را در شراب انداختی

۱۰ وز برای صید دل در گردنم زنجیر زلف — چون کمند خسرو مالک رقاب انداختی

۱۱ داور دارا شکوه ای آنکه تاج آفتاب — از سر تعظیم بر خاک جناب انداختی

۱۲ نصرت الدین شاه یحیی ای که خصم ملک را — از دم شمشیر چون آتش در آب انداختی

۱۳ زینهار از آب شمشیرت که شیران را ازان — تشنه‌لب کشتیّ و گُردان را در آب انداختی

۱۴ باده نوش از جام عالم بین که بر اورنگ جم — شاهد مقصود را از رخ نقاب انداختی

مندرج است در ۳۷ نسخه (یج حی کا طو کج کد که خ لد لو لط مج مط ند نه نح نط قب سو سز عد عز فخ قط صج صف صد پد حص حذ حک تص تج تل تم تق تی).

در میان اقدم و اهم نسخ این قصیده تنها در دو نسخهٔ مج صف با ۱۴ بیت درج شده است.

در نسخهٔ حی ۷ بیت و در نسخهٔ یج تنها ۶ بیت از این قصیده مندرج است.

ترتیب ابیات برابر است با نسخهٔ مج.

۲/۱ مج : آب و رنگ عارضت (متن = یج).

۴/۲ مج : سایهٔ رحمت (متن = حی).

۶/۱ مج : گرچه سرمست و خرابم (متن = یج).

۱۲/۲ مج : از لب شمشیر (متن = خ).

۱۴/۱ مج : چو بر اورنگ (متن = کد).

ق ۱۱

در مدح برهان الدین ابونصر وزیر مبارز الدین

۱ یا مَبْسِما یُحاکی دُرجاً مِنَ اللآلی ... یارب چه در خور آمد گردت خط هلالی
۲ حالی خیال وصلت خوش می‌دهد فریبم ... تا خود چه نقش بازد این صورت خیالی
۳ دل رفت و دیده خون شد تن خست و جان برون شد ... فی العِشْقِ مُعْجِباتٌ یَأْتینَ بِالتَّوالی
۴ خوی تو گر نگردد هرگز دگر نگردد ... عاشق درین جوانب عارف درین حوالی
۵ می ده که گر چه گشتم نامه سیاه عالم ... نومید کی توان بود از لطف لایزالی
۶ اَلعینُ ما تَنامَت شوقاً لِأرض نَجْدٍ ... وَ القَلْبُ ذاتُ وَجْدٍ فی دائِهِ العضال
۷ ساقی بیار جامی وز خلوتم برون کن ... تا دربدر بگردم قلّاش و لا ابالی
۸ از چار چیز مگذر گر عاقلیّ و زیرک ... امن و شراب بی‌غش، معشوق و جای خالی
۹ دلبر به عشقبازی خونم حلال دانست ... فتویّ عشق چون است ای زمرهٔ موالی
۱۰ چون نیست نقش دوران در هیچ حال ثابت ... حافظ مکن شکایت تا می خوریم حالی
۱۱ صافی‌ست جام خاطر در دور آصف عهد ... قُمْ فَاسْقِنی رَحیقاً اَصْفیٰ مِنَ الزُّلالِ
۱۲ مسند فروز دولت کان شکوه و شوکت ... برهان ملک و ملّت بونصر بوالمعالی
۱۳ المُلْکُ قَد تباهی مِنْ جَدِّهِ وجِدِّه ... یارب که جاودان باد این قدر و این معالی

مندرج است در ۲۸ نسخه (یج طو کج کد که خ لط مج مط نز نح قب سو عد عز فخ فط صج صف پن حص حن حک تف تج تـ تن تپ).

ترتیب ابیات برابر است با نسخهٔ **طو**. بیت ۴ از نسخهٔ **که** و **مج** افزوده شد.

کلمات متن با پنج اختلاف با نسخهٔ **مج** مطابقت دارد.

۳/۱ **مج**: تن خسته جان زبون شد (متن = کد).

۶/۲ **مج**: فی دائه العزال (متن = پن).

۷/۲ **مج**: تا در بدر نگردم (متن = یج).

۸/۱ **مج**: گر زیرکی و عاقل (متن = طو).

۱۳/۱ **مج**: الملک قد دباهی من وجده و جدّه (متن = سو).

۱/۱ ای دهانی که یادآور گنجینه‌ای از مروارید هستی.

۳/۲ در عشق شگفتیهائی هست که پیاپی رخ می‌دهد.

۶/۱ از شوق سرزمین «نجد» چشمم به خواب نرفت.

۶/۲ در عین بیماری سخت و دشوار دلم لبریز از شوق است.

۱۱/۲ برخیز و با باده‌ای صافتر از آب زلال مرا سیراب کن.

۱۳/۱ کشور از بخت و کوشش او مباهات می‌کند.

ق ۱۲

در مدح قوام الدین محمّد صاحب عیار وزیر شاه شجاع

۱ ز دلبری نتوان لاف زد به آسانی — هزار نکته درین کار هست تا دانی
۲ بجز شکر دهنی مایه‌هاست خوبی را — به خاتمی نتوان زد دم از سلیمانی
۳ هزار سلطنت دلبری بدان نرسد — که در دلی به هنر خویش را بگنجانی
۴ چه گردها که برانگیختی ز هستی من — مباد خسته سمندت که تیز می‌رانی
۵ به همنشینی رندان سری فرود آور — که گنجهاست درین بی سریّ و سامانی
۶ بیار بادهٔ رنگین که یک حکایت راست — بگویم و نکنم رخنه در مسلمانی
۷ به خاکپای صبوحی‌کنان که تا من مست — به کوی میکده استاده‌ام به دربانی
۸ به هیچ زاهد ظاهر فروش نگذشتم — که زیر خرقه نه زنّار داشت پنهانی
۹ به نام طرّهٔ دلبند خویش خیری کن — که تا خداش نگه دارد از پریشانی
۱۰ مگیر چشم عنایت ز حال حافظ باز — وگرنه حال بگویم به آصف ثانی
۱۱ وزیر شاه نشان خواجهٔ زمین و زمان — که خرّم است بدو حال انسی و جانی
۱۲ قوام دولت و دنیی محمّد ابن علی — که می‌درخشدش از چهره فرّ یزدانی
۱۳ زهی حمیده خصالی که گاه فکر صواب — تو را رسد که کنی دعوی جهانبانی
۱۴ طراز دولت باقی تو را همی زیبد — که همّتت نبرد نام عالم فانی
۱۵ اگر نه گنج عطای تو دستگیر شود — همه بسیط زمین رو نهد به ویرانی
۱۶ توئی که صورت جسم تورا هیولائی‌ست — ز جوهر ملکی در لباس انسانی
۱۷ کدام پایهٔ تعظیم نصب شاید کرد — که در مسالک فکرت نه برتر از آنی
۱۸ درون خلوت کرّوبیان عالم قدس — صریر کلک تو باشد سماع روحانی
۱۹ تو را سزد شکر آویز خواجگی گه جود — که آستین به کریمان عالم افشانی
۲۰ سوابق کرمت را چگونه شرح دهم — تبارک اللّه ازان کارساز رحمانی
۲۱ صواعق سخطت را بیان چگونه کنم — نعوذ باللّه ازین فتنه‌های طوفانی
۲۲ کنون که شاهد گل را به حجله‌گاه چمن — بجز نسیم صبا نیست همدم جانی
۲۳ شقایق از پی سلطان گل سپارد باز — به بادبان صبا کلّه‌های نعمانی
۲۴ بدان رسید ز سعی نسیم باد بهار — که لاف می‌زند از لطف روح حیوانی

۲۵ سحرگهم چه خوش آمد که بلبلی گلبانگ   به غنچه می‌زد و می‌گفت در سخنرانی
۲۶ که تنگدل چه نشینی ز پرده بیرون آی   که در خُم است شرابی چو لعل رمّانی
۲۷ مکن که مِی نخوری بر جمال گل یک ماه   که باز ماه دگر می‌خوری پشیمانی
۲۸ به شکر تهمت تکفیر کز میان برخاست   بکوش کز گل و مل داد خویش بستانی
۲۹ جفا نه شیوهٔ دین پروران بود حاشا   همه کرامت و لطف است شرع یزدانی
۳۰ رموز سرّ انا الحق چه داند آن غافل   که منجذب نشد از جذبه‌های سبحانی
۳۱ درون پردهٔ گل غنچه بین که می‌سازد   ز بهر دیدهٔ خصم تو لعل پیکانی
۳۲ طرب سرای وزیر است ساقیا مگذار   که غیر جام می آنجا کنند گرانجانی
۳۳ تو بودی آن دم صبح امید کز سر مهر   برآمدی و سر آمد شبان ظلمانی
۳۴ شنیده‌ام که ز من یاد می‌کنی گهگاه   ولی به مجلس خاص خودم نمی‌خوانی
۳۵ طلب نمی‌کنی از من سخن جفا این است   وگرنه با تو چه بحث است در سخندانی
۳۶ ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد   لطایف حکمی با کتاب قرآنی
۳۷ هزار سال بقا بخشدت مدایح من   چنین متاع نفیسی به چون تو ارزانی
۳۸ سخن دراز کشیدم ولی امیدم هست   که ذیل عفو بدین ماجرا بپوشانی
۳۹ همیشه تا به بهاران صبا به صفحهٔ باغ   هزار نقش نگارد ز خطّ ریحانی
۴۰ به باغ ملک ز شاخ امل به عمر دراز   شکفته باد گل دولتت به آسانی

مندرج است در دو نسخهٔ سو ته.

دگرسانیهای نسخهٔ سو در مقایسه با ۳۹ بیت از متن فوق عبارت است از:

۱/۱ نتوان دم زدن به آسانی. ۶/۲ بگویم و بکنم (در کلمهٔ اخیر حرف اول بی‌نقطه است).
۱۱/۱ وزیر شاه نشین. ۱۳/۱ گاه فکر و صواب. ۱۷/۱ نصب باید کرد.
۲۲/۲ جز از نسیم. ۲۸/۲ کز مل و گل. ۳۳/۱ تو بودی ای دم صبح.
۳۵/۲ در سخنرانی.

در این نُه مورد متن مطابق است با نسخهٔ ته.
ضمناً بیت ۲۱ از نسخهٔ ته به متن افزوده شد.

ق ۱۳

در مدح احمد بن اویس ایلخانی

۱ اَلْحَمْدُ اللهَ عَلیٰ مَعدِلَةِ السُّلطانِ — احمد شیخ اویس حسن ایلخانی
۲ خان بن خان و شهنشاه شهنشاه نژاد — آنکه می‌زیبد اگر جان جهانش خوانی
۳ دیده نادیده به اقبال تو ایمان آورد — مرحبا ای به چنین لطف خدا ارزانی
۴ ماه اگر بی تو برآید به دو نیمش بزنند — دولت احمدی و معجزهٔ سبحانی
۵ جلوهٔ بخت تو دل می‌برد از شاه و گدا — چشم بد دور که هم جانی و هم جانانی
۶ برشکن کاکل ترکانه که در طالع توست — بخشش و کوشش خاقانی و چنگزخانی
۷ گرچه دوریم به یاد تو قدح می‌گیریم — بُعد منزل نبود در سفر روحانی
۸ از گل پارسیم غنچهٔ عیشی نشکفت — حبّذا دجلهٔ بغداد و می ریحانی
۹ سر عاشق که نه خاک در معشوق بود — کی خلاصش بود از محنت سرگردانی
۱۰ ای نسیم سحری خاک در یار بیار — تا کند حافظ ازو دیدهٔ دل نورانی

مندرج است در ۳۲ نسخه (ک طو کد کھ خ لط مج مط ند نھ نز نح نط قب سو سز عد عز فخ فط صف صد قه پذ حص حذ حکا تص تج تم تة تیـ).
متن با دو اختلاف برابر است با نسخهٔ خ.
۱/۱ خ: معدلة السلطانی (متن = نز). ۱۰/۲ خ: که کند (متن = کد).

۱/۱ خدای را سپاس می‌گویم بر دادگری پادشاه.

ق ۱۴

در مدح شاه شجاع

۱ ای در رخ تو پیدا انوار پادشاهی — در فکرت تو پنهان صد حکمت الاهی
۲ کلک تو بارک اللّه بر ملک و دین گشاده — صد چشمه آب حیوان از قطره‌ای سیاهی
۳ بر اهرمن نتابد انوار اسم اعظم — ملک آن توست و خاتم فرمای هرچه خواهی
۴ در حکمت سلیمان هر کس که شک‌نماید — بر عقل و دانش او خندند مرغ و ماهی
۵ باز ار چه گاهگاهی بر سر نهد کلاهی — مرغان قاف دانند آئین پادشاهی
۶ تیغی که آسمانش از فیض خود دهد آب — تنها جهان بگیرد بی‌منّت سپاهی
۷ کلک تو خوش نویسد در شأن یار و اغیار — تعویذ جان‌فزائی افسون عمرکاهی
۸ ای عنصر تو مخلوق از کبریای عزّت — وی دولت تو ایمن از صدمت تباهی
۹ گر پرتوی ز تیغت بر کان و معدن افتد — یاقوت سرخ‌رو را بخشند رنگ کاهی
۱۰ عمری‌ست پادشاها کز می تهی‌ست جامم — اینک ز بنده دعوی وز محتسب گواهی
۱۱ دانم دلت ببخشد بر عجز شب‌نشینان — گر حال من بپرسی از باد صبحگاهی
۱۲ ساقی بیار آبی از چشمهٔ خرابات — تا خرقه‌ها بشوئیم از عُجب خانقاهی
۱۳ جائی که برق عصیان بر آدم صفی زد — ما را چگونه زیبد دعوی بیگناهی
۱۴ حافظ چو پادشاهت گهگاه می‌برد نام — رنجش ز بخت منما باز آ به عذرخواهی

مندرج است در ۳۲ نسخه (یح حب طو کد که خ لط مج مط ند نه نح نط قم
سد سو سز عد عز فخ فط صج صد صد قه پد حص حد حک نص تج ته تپ).
ترتیب ابیات متن در ۱۴ بیت برابر است با دو نسخهٔ **قه فط**.
کلمات متن مطابق است با نسخهٔ **عد** با یک اختلاف: ۴/۱ **عد**: در حشمت سلیمان (متن = کد).

(۱۵) یا مَلجأَ البَرایا یا واهِبَ العَطایا — عَطفاً عَلیٰ مُقِلٍّ حَلَّتْ بِهِ الدَّواهی

۱۵/۱ ای پناهگاه مردم، ای بخشندهٔ انعامها.
۱۵/۲ به این بندهٔ کمترین که مصیبتها به او روی آورده است تفقد کن.

مثنویها

قطعات

رباعیات

مثنویها

م ۱

مغنّی کجائی؟ (مغنّی نامه)

۱ مغنّی کجائی دوتائی بزن — به یکتائی او که تائی بزن
۲ به مستان نویدِ سرودی فرست — به یارانِ رفته درودی فرست

*

۳ مغنّی نوائی به گلبانگ رود — بگوی و بزن خسروانی سرود
۴ روانِ بزرگان ز خود شاد کن — ز پرویز و از باربد یاد کن

*

۵ مغنّی بزن چنگ در ارغنون — ببر از دلم فکر دنیای دون
۶ مگر خاطرم یابد آسایشی — چو نبود ز غم با وی آلایشی

*

۷ مغنّی نوای طرب ساز کن — به قول و غزل قصّه آغاز کن
۸ که بار غمم بر زمین دوخت پای — به ضرب اصولم برآور ز جای

*

۹ مغنّی ازان پرده نقشی بیار — ببین تا چه گفت ازدرون پرده‌دار
۱۰ چنان برکش آهنگ این داوری — که ناهید چنگی به رقص آوری

*

۱۱ مغنّی بیا با منت جنگ نیست — کفی بر دفی زن گرت چنگ نیست
۱۲ شنیدم که چون غم رساند گزند — خروشیدنِ دف بود سودمند

*

۱۳ مغنّی کجائی که وقت گل است — ز بلبل چمنها پر از غلغل است
۱۴ همان به که خونم به جوش آوری — دمی چنگ را در خروش آوری

*

❁

۱۵ مغنّی بیا عود را ساز کن نو آئین نوائی نو آغاز کن

۱۶ به یک نغمه درد مرا چاره ساز دلم نیز چون خرقه صد پاره ساز

❁

۱۷ مغنّی چه باشد که لطفی کنی ز نِی آتشی در دلم افکنی

۱۸ برون آری از فکر خود یک دمم بهم برزنی خان و مان غمم

❁

۱۹ مغنّی بگو قول و بردارساز که بیچارگان را توئی چاره‌ساز

۲۰ تو بنمای راه عراقم به رود که بنمایم از دیده من زنده رود

❁

۲۱ مغنّی بیا بشنو و کار بند ز قول من این پند دانا پسند

۲۲ چو غم لشکر آرد بیارا صفی به چنگ و ربابیّ و نای و دفی

❁

۲۳ مغنّی تو سرّ مرا محرمی زمانی به نی زن دم همدمی

۲۴ به می دور کن در دلت گر غمی‌ست دمی در نیی دم که عالم دمی‌ست

❁

۲۵ مغنّی ز اشعار من یک غزل بر آهنگ چنگ آور اندر عمل

۲۶ که تا وجد را کارسازی کنم به رقص آیم و خرقه بازی کنم

❁

۲۷ مغنّی بساز این نو آئین سرود بگو با حریفان به آواز رود

۲۸ که از آسمان مژدهٔ فرصت است مرا بر عدو عاقبت نصرت است

❁❁❁

در مثنوی «مغنّی‌نامه» ترتیب بندها با نسخهٔ **مج** تفاوتهائی دارد
ولی کلمات متن مطابق است با آن نسخه با دو اختلاف:
بیت ۱ **مج**: مغنی کجائی به گلبانگ رود / به یاد آور آن خسروانی سرود.
(متن = نه)
۹/۲ **مج**: از حرم پرده‌دار (متن = خ).

م ۲

مدح شاه منصور

۱ به اقبال دارای دیهیم و تخت　　بهین میوهٔ خسروانی درخت
۲ پناه زمین پادشاه زمان　　مه برج دولت شه کامران
۳ که تمکین اورنگ شاهی ازوست　　تن‌آسانی مرغ و ماهی از اوست
۴ فروغ دل و دیدهٔ مقبلان　　ولی‌نعمت جمله صاحبدلان
۵ جهاندار دین پرور تاجور　　کزو تخت کی گشت با زیب و فر
۶ چگونه دهم شرح آثار او　　که عقل است حیران در اطوار او
۷ چو قدر وی از حدّ مدح است بیش　　سر اندازم از عجز و تشویر پیش
۸ بر آرم به اخلاص دست دعا　　کنم روی در حضرت کبریا
۹ که یارب به آلا و نَعمای تو　　به اسرار اسمای حُسنای تو
۱۰ به حقّ کلامت که آمد قدیم　　به حقّ رسول و به خلق عظیم
۱۱ که شاه جهان باد پیروز بخت　　به اقبالش آراسته تاج و تخت
۱۲ زمین تا بود مظهر عدل و جور　　فلک تا بود مرتع جدی و ثور
۱۳ خدیو جهان شاه منصور باد
غبار غم از خاطرش دور باد
۱۴ بحمدالله ای خسرو جم نگین　　شجاعی به میدان دنیا و دین
۱۵ به منصوریت شد در آفاق نام　　که منصور بادی بر اعدا مدام
۱۶ فریدون شکوهی در ایوانِ بزم　　تهمتن نبردی به میدان رزم
۱۷ فلک‌راگهر در صدف چون تو نیست　　منوچهر و جم‌ را خلف چون تو نیست
۱۸ نه تنها خراجت دهند از فرنگ　　که مهراج باجت فرستد ز زنگ
۱۹ اگر ترک و هندوست گر روم و چین　　چو جم جمله داری به زیر نگین
۲۰ زحل کمترین هندویت در یتاق　　سپهرت غلامی مرصّع نطاق
۲۱ همائی ست چترت همایون نظر　　که دارد بسیط زمین زیر پر
۲۲ سکندرصفت روم تا چین توراست　　گر او داشت آئینه آئین توراست
۲۳ بجای سکندر بمان سالها　　به دانا دلی کشف کن حالها

۲۴ چو دریای وصفت ندارد کنار ثنا را کنم بر دعا اختصار
۲۵ ز نظم نظامی که چرخ کهن ندارد چو او هیچ زیبا سخن
۲۶ بیارم به تضمین سه بیت متین که نزد خرد به ز دُرّ ثمین
۲۷ از آن بیشتر کآوری در ضمیر ولایت ستان باش و آفاق گیر
۲۸ زمان تا زمان از سپهر بلند به فتحی دگر باش پیروزمند
۲۹ ازان می که جان داروی هوش باد
مرا شربت و شاه را نوش باد
۳۰ بیا ساقی از من برو پیش شاه بگوی این سخن کای شه جم کلاه
۳۱ دل بینوایان مسکین بجوی پس آنگاه جام جهان بین بجوی

در مثنوی «مدح شاه منصور» متن برابر است با نسخهٔ مج با یک اختلاف:
۱۹/۱ مج: اگر ترک و هندست (متن = ند).
این مثنوی در نسخهٔ مج و بعضی نسخه‌های دیگر بدون ذکر عنوان متصل به مثنوی «مغنی‌نامه» نوشته شده است و در پایان به مثنوی «ساقی‌نامه» ملحق می‌گردد.



م ۳

بیاساقی (ساقی‌نامه)

۱ بیا ساقی آن می که حال آورد کرامت فزاید کمال آورد
۲ به من ده که بس بیدل افتاده‌ام وزین هر دو بیحاصل افتاده‌ام



۳ بیا ساقی آن می که عکسش ز جام به کیخسرو و جم فرستد پیام
۴ بده تا بگویم به آواز نی که جمشید کی بود و کاووس کی



۵ بیا ساقی آن می کزو جام‌جم زند لاف بینائی اندر عدم
۶ به من ده که گردم به تأیید جام چو جم آگه از سرّ عالم تمام



۷ بیا ساقی این جام پر کن ز می که گویم تو را حال کسریٰ و کی
۸ به مستی توان دُرّ اسرار سُفت که در بیخودی راز نتوان نهفت



۹ بیا ساقی از می بنه مجلسی که دنیا ندارد وفا با کسی
۱۰ حباب میّت داد ازین نکته یاد که چون برد باد افسر کیقباد



۱۱ بیا ساقی این نکته بشنو ز نِی که یک جرعه می به ز دیهیم کی
۱۲ دم از سیر این دیر دیرینه زن صلائی به شاهان پیشینه زن



۱۳ بیا ساقی آن بادهٔ ذوق بخش بده تا نشینیم بر پشت رخش
۱۴ تهمتن صفت رو به میدان کنیم به کام دل آهنگ جولان کنیم



۱۵ بیا ساقی آن آب اندیشه سوز که گر شیر نوشد شود بیشه سوز
۱۶ بده تا روم بر فلک شیرگیر بهم بر زنم دام این گرگ پیر



*

۱۷ بیا ساقی آن می که جان‌پرور است — دل خسته را همچو جان درخور است

۱۸ بده کز جهان خیمه بیرون زنم — سراپرده بالای گردون زنم

*

۱۹ بیا ساقی آن آب آتش‌خواص — به من ده مگر یابم از خود خلاص

۲۰ فریدون صفت کاویانی علم — برافرازم از پشتی جام جم

*

۲۱ بیا ساقی آن می که شاهی دهد — به پاکیّ او دل گواهی دهد

۲۲ به من ده مگر گردم از عیب پاک — خرامم به عشرت‌سرا زین مغاک

*

۲۳ بیا ساقی آن می که حور بهشت — عبیر ملایک دران می سرشت

۲۴ بده تا بخوری در آتش کنم — مشام خرد تا ابد خوش کنم

*

۲۵ بیا ساقی آن جام صافی صفت — که بر دل گشاید درِ معرفت

۲۶ بده تا صفا در درون آردم — دمی از کدورت برون آردم

*

۲۷ بیا ساقی آن ارغوانی قدح — که دل زو فرج یابد و جان فرح

۲۸ به من ده که از غم خلاصم دهد — نشانِ رهِ بزمِ خاصم دهد

*

۲۹ بیا ساقی از می ندارم گزیر — به یک جامِ باقی مرا دست گیر

۳۰ که از دوْرِ گردون به جان آمدم — روان سوی دیر مغان آمدم

*

۳۱ بیا ساقی آن می که تیزی کند — به باغِ دلم مشک بیزی کند

۳۲ بده تا بنوشم به یاد کسی — که هست از غمش در دلم خون بسی

*

۳۳ بیا ساقی آن جام یاقوت‌وش — که بر دل گشاید درِ وقت خوش

۳۴ بده وین نصیحت زمن گوش کن — جهان جمله نیش است می نوش کن

*

۳۵ بیا ساقی آن راح ریحان نسیم　　به من ده که نه زر بماند نه سیم

۳۶ زری را که بیشک تلف در پی است　　به می خور که درمان دلها می است

*

۳۷ بیا ساقی آن کیمیای فتوح　　که با گنج قارون دهد عمر نوح

۳۸ بده تا به رویت گشایند باز　　درِ کامرانیّ و عمر دراز

*

۳۹ بیا ساقی از ما مکن سرکشی　　که از خاکی آخر نه از آتشی

۴۰ قدح پر کن از می که می خوش بود　　خصوصا که صافی و بی‌غش بود

*

۴۱ بیا ساقی ایمن چه باشی که دهر　　بران است کت خون بریزد به قهر

۴۲ درین خونفشان عرصهٔ رستخیز　　تو خون صراحی به ساغر بریز

*

۴۳ بیا ساقی از می طلب کام دل　　که بی می ندیدم من آرام دل

۴۴ گر از وصل جان تن صبوری کند　　دل از می تواند که دوری کند

*

۴۵ بیا ساقی از کُنج دیر مغان　　مشو دور کاینجاست گنج روان

۴۶ ورت شیخ گوید مرو سوی دیر　　جوابش چه گوئی، بگو شب بخیر

*

۴۷ بیا ساقی اکنون که شد چون بهشت　　ز روی تو این بزم عنبر سرشت

۴۸ خُذِ الجامَ لا تَخْشَ فیهِ الجُناح　　که در باغ جنّت بود می مباح

*

۴۹ بیا ساقی آن جام چون مهر و ماه　　بده تا زنم بر فلک بارگاه

۵۰ چو شد باغ روحانیان مسکنم　　در اینجا چرا تخته بند تنم

*

۴۸/۱ جام را به دست گیر و از گناه میندیش.

۵۱ بیا ساقی آن جام چون سلسبیل　　که دل را به فردوس باشد دلیل
۵۲ به دستم ده و روی دولت ببین　　خرابم کن و گنج حکمت ببین

*

۵۳ بیا ساقی از باده‌های کُهُن　　به جام پیاپی مرا مست کن
۵۴ چو مستم کنی از می بیغشت　　به مستی سرودی بگویم خوشت
۵۵ که حافظ چو مستانه سازد سرود　　ز چرخش دهد رود زهره درود
۵۶ وگر همچو جم جام گیرد به دست　　ببیند در آن آینه هر چه هست
۵۷ به مستی درِ پارسائی زند　　دمِ خسروی در گدائی زند

***

در مثنوی «ساقی‌نامه» ترتیب بندها با نسخهٔ **مج** تفاوتهائی دارد
ولی کلمات همهٔ بندها با آن نسخه مطابق است، با دو اختلاف:

۶/۱ **مج**: که بادی به تأیید جام (متن = **خ**).

۲۶/۲ **مج**: دماغ خرد (متن = **طو**).

ضمناً (دو بیت ۴۱ و ۴۲) از سه نسخهٔ **ند فخ تو** نقل شد با یک اختلاف:

۴۲/۲ **ند فخ تو**: تو هم خون جام و صراحی بریز
(متن = **صف** ضمن مثنوی «فتنهٔ روزگار»).

م ۴

فتنهٔ روزگار

۱ سرِ فتنه دارد دگر روزگار — من و مستی و فتنهٔ چشم یار
۲ همی مانم از دوْر گردون شگفت — ولی نیست بر وی مجال گرفت
۳ فریبِ جهان قصّهٔ روشن است — ببین تا چه زاید شب آبستن است
۴ دگر همچو زند آتشی می‌زند — ندانم چراغِ که بر می‌کند
۵ دلا بر جهان دل منه زینهار — که کس بر سر پل نگیرد قرار
۶ همان مرحله‌است این بیابان دور — که گم شد در او لشکر سلم و تور
۷ همان منزل است این جهان خراب — که دیده است ایوان افراسیاب
۸ کجا رای پیران لشکر کشش — کجا شیدهٔ ترک خنجر کشش
۹ نه تنها شد ایوان و قصرش به باد — که کس دخمه‌اش هم ندارد به یاد
۱۰ چه خوش گفت جمشید با تاج و گنج — که یک جو نیرزد سرای سپنج

***

در مثنوی «فتنهٔ روزگار» متن برابر است با نسخهٔ مجـ.
که بدون قید عنوان درج شده است.



م ۵

آهوی وحشی

۱ الا ای آهوی وحشی کجائی — مرا با توست بسیار آشنائی
۲ دو تنها و دو سرگردان و بیکس — دودام است ازکمین از پیش و از پس
۳ بیا تا حال یکدیگر بدانیم — مرادِ هم بجوئیم ار توانیم
۴ که می‌بینم که این دشت مشوّش — چراگاهی ندارد ایمن و خوش
۵ که خواهد شد بگوئید ای حبیبان — رفیقِ بیکسان یارِ غریبان
۶ مگر خضر مبارک پی درآید — ز یمن همّتش کاری برآید
۷ مگر وقت وفا پروردن آمد — که فالم لا تَذَرنی فَرداً آمد



۸ که روزی رهروی در سرزمینی — به لطفش گفت رندی رهنشینی
۹ که ای سالک چه در انبانه داری — بیا دامی بنه گر دانه داری
۱۰ جوابش داد گفتا دام دارم — ولی سیمرغ می‌باید شکارم
۱۱ بگفتا چون به دست آری نشانش؟ — که از ما بی‌نشان است آشیانش



۱۲ چو آن سرو روان شد کاروانی — ز تاک سرو می‌کن دیده‌بانی
۱۳ مده پای گل و جام می از دست — ولی غافل مشو از چرخ بد مست
۱۴ نثار من چه وزن آرد درین ساز — که خورشید غنی شد کیسه پرداز
۱۵ لب سرچشمه‌ای و طرف جوئی — نم اشکی و با خود گفت و گوئی
۱۶ به یاد رفتگان و دوستداران — موافق گرد با ابر بهاران
۱۷ چو نالان آیدت آب روان پیش — مدد بخشش ز آب دیدهٔ خویش
۱۸ نکرد آن همدم دیرین مدارا — مسلمانان، مسلمانان، خدا را
۱۹ چنان بیرحم زد زخمِ جدائی — که گوئی خود نبوده است آشنائی
۲۰ برفت و طبع خوشباشم حزین کرد — برادر با برادر کی چنین کرد
۲۱ مگر خضر مبارک پی تواند — که این تنها بدان تنها رساند

۷/۲. مرا تنها مگذار.

*

۲۲ تو گوهر بین و از خرمهره بگذر — ز طرزی کان نگردد شهره بگذر

۲۳ چو من ماهیّ کلک آرم به تحریر — تو از نون والقلم می‌پرس تفسیر

۲۴ رفیقان قدر یکدیگر بدانید — چو معلوم است شرح از بر بخوانید

۲۵ مقالات نصیحتگو همین است — که حکم‌انداز هجران درکمین است

۲۶ روان را با خرد در هم سرشتم — وزان تخمی که حاصل بود کشتم

۲۷ فرحبخشی درین ترکیب پیداست — که نغز شعر و مغز جان اجزاست

۲۸ بیا وز نکهت این طیب امّید — مشام جان معطّر ساز جاوید

۲۹ که این نافه ز چین جیب حور است — نه زان آهو که از مردم نفور است

*

۳۰ درین وادی به بانگ سیل بشنو — که صد من خون مظلومان به یک جو

۳۱ پر جبریل را اینجا بسوزند — بدان تا کودکان آتش فروزند

۳۲ سخن گفتن که را یاراست اینجا — تعالی الله چه استغناست اینجا

۳۳ برو حافظ درین معرض مزن دم — سخن کوتاه کن والله اعلم

***

در مثنوی «آهوی وحشی» ترتیب ابیات و متن کلمات (به استثنای بیت ۲ که از نسخهٔ **قط**، و دو بیت ۲۴ و ۲۷ که از نسخهٔ **سو** نقل شد) مطابق است با نسخهٔ **مج**، با دو اختلاف: ۱۷/۲ **مج**: بده بخشش (متن = طو). ۲۳/۱ **مج**: آرم به تقریر (متن = یج).

قطعات

همهٔ قطعات، بجز مواردی که تصریح شده، مستند است به نسخهٔ مج، که در اینجا به ترتیب الفبائی تنظیم شده است. هر اختلاف موجود در ضبط نسخهٔ مج در مقایسه با کلمات متن در ذیل همان قطعه قید شده است.

۱

۱ تو نیک و بد خود هم از خود بپرس — چرا دیگری بایدت محتسب
۲ وَ مَن یَتَّقِ اللهَ یَجْعَل لَهُ — و یَرْزُقْهُ مِن حَیثُ لا یَحتَسِب

۲

۱ سرای[1] مدرسه و بحث علم و طاق و رواق — چه سود چون دل دانا و چشم بینا نیست
۲ سرای قاضی یزد ار چه منبع فضل است — خلاف نیست که حکم نظر در آنجا نیست

(۱) مج: سرای و مدرسه و (متن = پج).

۳

۱ قوّت شاعرهٔ من سحر از فرط ملال — متنفّر شده از بنده گریزان می‌رفت
۲ نقش خوارزم و خیال لب جیحون می‌بست — با هزاران گله از ملک سلیمان می‌رفت
۳ می‌شد آنکس که چو او جان سخن کس نشناخت — من همی دیدم و از کالبدم جان می‌رفت
۴ گفتمش صبر کن ای مونس دیرینهٔ من — سخت می‌گفت و دل آزرده و گریان می‌رفت
۵ گفتم اکنون سخن خوش که بگوید با من — کان شکر لهجهٔ خوشخوان سخندان می‌رفت
۶ لابه بسیار نمودم که مرو سود نداشت — زانکه کار از نظر رحمت سلطان می‌رفت
۷ پادشاها ز سر لطف و کرم بازش خوان — چه کند سوخته از غایت حرمان می‌رفت

قطعهٔ ۱ بیت ۲. کسی که از خدا بترسد خدا برای او امکان نجات فراهم می‌سازد و از جائی که به گمان وی نمی‌رسد به او روزی می‌رساند.

۴

۱ به عهد سلطنت شاه شیخ ابو اسحاق — به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد
۲ نخست پادشهی همچو او ولایت بخش — که جان خویش بپرورد و داد عیش بداد
۳ دگر مربّی اسلام شیخ مجد الدین — که قاضیئی بِه ازو آسمان ندارد یاد
۴ دگر بقیّهٔ ابدال شیخ امین الدّین — که یمن همّت او کارهای بسته گشاد
۵ دگر شهنشه دانش عضد که در تصنیف — بنای کار مواقف به نام شاه نهاد
۶ دگر کریم چو حاجی قوام دریادل — که نام نیک ببرد از جهان به بخشش و داد
۷ نظیر خویش بنگذاشتند و بگذشتند — خدای عزّ و جل جمله را بیامرزاد

۵

۱ خسروا گوی فلک در خم چوگان تو باد — ساحت کون و مکان عرصهٔ میدان تو باد
۲ زلف خاتون ظفر شیفتهٔ پرچم توست — دیدهٔ فتح ابد عاشق جولان تو باد
۳ ای که انشای عطارد صفت شوکت توست — عقل کل چاکر طغراکش دیوان تو باد
۴ طیرهٔ جلوهٔ طوبی قد چون سرو تو شد — غیرت خلد برین ساحت ایوان تو باد
۵ نه به تنها حَیَوانات و نباتات و جماد — هر چه در عالم امر است به فرمان تو باد

۶

(بیت ۲ از نسخهٔ نز افزوده شده است)

۱ دادگرا تو را فلک جرعه‌کش پیاله باد — دشمن دل‌سیاه تو غرقهٔ خون چو لاله باد
۲ زلف سیاه پرچمت پشت و پناه عالم است — جای نسیم دولتش در شکن کلاله باد
۳ ذروهٔ کاخ رفعتت راست ز فرط ارتفاع — راهروان وهم را راه هزار ساله باد
۴ ای مه چرخ معدلت چشم و چراغ عالمی — بادهٔ صاف دایمت در قدح و پیاله باد
۵ چون به نوای[1] مدحتت زهره شود ترانه‌ساز — حاسدت از سماع آن همدم آه و ناله باد
۶ نه طَبَق سپهر و آن قرصهٔ ماه و خور که هست — بر لب خوان حشمتت سهلترین نواله باد
۷ دختر فکر بکر من محرم مدحت تو شد — مهر چنان عروس را هم به کفت حواله باد

---

(۱) ۶/۵ مج: به هوای مدحتت (متن = پج).

۷

۱ دل مبند ای مرد بخرد بر سخای عمرو و زید ‌ ‌ کس نمی‌داند که کارش از کجا خواهد گشاد

۲ رو توکّل کن نمی‌دانی که نوک کلک من ‌ ‌ نقش هر صورت که زد رنگی دگر بیرون فتاد

۳ شاه هرموزم ندید و بی سخن صد لطف کرد ‌ ‌ شاه یزدم دید و مدحش گفتم و هیچم نداد

۴ کار شاهان اینچنین باشد تو ای حافظ مرنج ‌ ‌ داور روزی رسان توفیق نصرتشان دهاد

۸

۱ روح القدس آن سروش فرّخ ‌ ‌ از قبّهٔ طارم زبرجد

۲ می‌گفت سحرگهان که یا رب ‌ ‌ در دولت و حشمت مخلّد

۳ بر مسند خسروی بماناد ‌ ‌ منصور مظفّر محمّد

۹

۱ مرا می دگر باره از دست برد ‌ ‌ به من باز بنمود مِی دستبرد

۲ بنازم به دستی که انگور چید ‌ ‌ مریزاد پائی که درهم فشرد

۳ هزار آفرین بر می سرخ باد ‌ ‌ که از روی من رنگ زردی ببرد

۴ برو زاهدا خرده بر ما مگیر ‌ ‌ که کار خدائی نه کاری ست خرد

۵ مرا از ازل عشق شد سرنوشت ‌ ‌ قضای نبشته نشاید سترد

۶ شود مست وحدت ز جام الست ‌ ‌ هر آنکو چو حافظ می ناب خورد

مندرج است در ۴ نسخهٔ ند نه نز نح جزو قطعات و در ۲۲ نسخهٔ دیگر (حِ طو که لد نط قِ سد سو سز عد فخ فط صج صۀ صد پ‍ حص حک تج تل تۀ تی) ضمن غزلها. متن برابر است با نسخهٔ قِ.

۱۰

۱ به سمع خواجه رسان ای ندیم وقت شناس — به خلوتی که دران اجنبی صبا باشد
۲ لطیفه‌ای به میان آر و خوش بخندانش — به نکته‌ای که دلش را دران رضا باشد
۳ پس آنگهش ز کرم اینقدر به لطف بپرس — که گر وظیفه تقاضا کنم روا باشد

۱۰/۱ مج : ای حریف (متن = کجا).

۱۱

۱ گلقند شعر من ز بنفشه شکر رباست — زان غیرت طبرزد و کعب الغزال شد
۲ بادا دهانش تلخ که عیب نبات کرد — خاکش به سر که منکر آب زلال شد
۳ هر کس که کور زاد ز مادر به عمر خویش — کی مشتریّ شاهد صاحب جمال شد

۱۲

۱ صورت خوبت نگارا خوش به آئین بسته‌اند — گوئیا نقش لبت از جان شیرین بسته‌اند
۲ از برای مقدم خیلِ خیالت مردمان — ز اشک رنگین در دیار دیده آئین بسته‌اند
۳ کار زلف توست مشک افشانی و نظّارگان — مصلحت را تهمتی بر نافهٔ چین بسته‌اند
۴ یا رب آن روی است و در پیرامنش بند کلاه — یا به گرد ماه تابان عِقد پروین بسته‌اند
۵ خطّ سبز و عارضت را چون مه دوران مدام — سایبان از گَرد عنبر گِرد نسرین بسته‌اند
۶ جمله وصف عشق من بوده است و حسن روی تو — آن حکایتها که بر فرهاد و شیرین بسته‌اند
۷ حافظا محض حقیقت گوی یعنی سرّ عشق — غیر ازین دیگر خیالاتی به تخمین بسته‌اند

مندرج است در ۸ نسخه (یج کھ نح حص تص تل تہ تق).
متن برابر است با نسخهٔ تہ با دو اختلاف:
۳/۱ تہ : کار زلف توست عطّاریّ و مشک افشاندن (متن = یج).
۶/۱ تہ : حسن روی او (متن = حص).

۱۳

۱ شمّه‌ای از داستان عشق شورانگیز ماست — آن حکایتها که از فرهاد و شیرین کرده‌اند
۲ هیچ مژگان دراز و غمزهٔ جادو نکرد — آنچه آن زلف سیاه و خال مشکین کرده‌اند
۳ ساقیا می ده که با حکم ازل تدبیر نیست — قابل تغییر نبود آنچه تعیین کرده‌اند
۴ در سفالین کاسهٔ رندان به خواری منگرید — کین حریفان خدمت جام جهان‌بین کرده‌اند
۵ نکهت جان‌بخش دارد خاک کوی دلبران — عارفان اینجا مشام عقل مشکین کرده‌اند
۶ ساقیا دیوانه‌ای چون من کجا در بر کشد — دختر رز را که نقد عقل کابین کرده‌اند
۷ خاکیان بی‌بهره‌اند از جرعهٔ کأس الکرام — این تطاول بین که با عشّاق مسکین کرده‌اند
۸ شهپر زاغ و زغن زیبای صید و قید نیست — کین کرامت همره شهباز و شاهین کرده‌اند

۱۴

۱ بلبل اندر ناله و گل خنده‌ای خوش می‌زند — چون نسوزد دل که دلبر دروی آتش می‌زند
۲ ناخوشیها دیده‌ام از زاهد پشمینه پوش — من غلام مطربم کابریشم خوش می‌زند
۳ ظاهرا از تیر مژگانش حذر کردن چه سود — زخم پنهانم به ابروی کمانکش می‌زند

۱۵

۱ دل منه بر دنیی و اسباب او　　زانکه از وی کس وفاداری ندید
۲ کس عسل بی نیش ازین دکّان نخورد　　کس رطب بی خار ازین بستان نچید
۳ هر به ایّامی چراغی برفروخت　　چون تمام افروخت بادش دردمید
۴ بی تکلّف هر که بر وی دل نهاد　　چون بدیدی خصم خود می‌پرورید
۵ شاه غازی خسرو گیتی ستان　　آنکه از شمشیر او خون می‌چکید
۶ گه به یک حمله سپاهی می‌شکست　　گه به هوئی قلبگاهی می‌درید
۷ سروران را بی سبب می‌کرد حبس　　گردنان را بی‌گنه سر می‌برید
۸ از نهیبش پنجه می‌افکند شیر　　در بیابان نام او چون می‌شنید
۹ عاقبت شیراز و تبریز و عراق　　چون مسخّر کرد وقتش در رسید
۱۰ آنکه روشن بد جهان بینش بدو　　میل در چشم جهان بینش کشید

۱۵/۱ مج: بر دنیا و (متن = بج).

۱۶

۱ بر سر بازار جانبازان منادی می‌زنند　　بشنوید ای ساکنان کوی رندی بشنوید
۲ دختر رز چند روزی هست کز ما گم شده است　　رفت تا گیرد سر خود هان و هان حاضر شوید
۳ جامه‌ای دارد ز لعل و نیمتاجی از حباب　　عقل و دانش می‌برد تا ایمن از وی نغنوید
۴ هر که این تلخم دهد حلوا بها جانش دهم　　ور بود پوشیده و پنهان به دوزخ دررَوید
۵ دختری شبگرد تیز تلخ گلرنگ است و مست　　گر بیابیدش بسوی خانهٔ حافظ برید

۱۶/۵ مج: گلرنگ است مست (متن = بج۱).

۱۷

۱ حسن این نظم از بیان مستغنی است　　بر فروغ خور کسی گوید دلیل؟
۲ آفرین بر کلک نقّاشی که داد　　بکر معنی را چنین حسنی جمیل
۳ عقل در حسنش نمی‌یابد بدل　　طبع در لطفش نمی‌بیند بدیل
۴ معجز است این نظم یا سحر حلال　　هاتف آورد این سخن یا جبرئیل
۵ کس نداند گفت رمزی زین نمط　　کس نیارد سُفت دُرّی زین قبیل

۱۷/۲ مج: یک معین را (متن = کها).

۱۸

۱ درین ظلمت سرا تا کی به بوی دوست بنشینم — گهی انگشت بر دندان گهی سر بر سر زانو
۲ تَناهی اَلصَبرُ مُذْحَلَّت بِمأوی الأُسْدِ سِرحانٌ — و طارَ العَقْلُ اِذْ غَنّی بِمَغنی الوُرْقِ غِربانٌ
۳ بیا ای طایر فرّخ بیاور مژدهٔ دولت — عَسَی الاَیّامُ اَن یَرجِعْنَ قوماً کالذی کانوا

۱۸/۱ مجـ : در دندان (متن = کد.)

۱۹

۱ ای معرّا اصل عالی جوهرت از حقد و حرص — وی مبرّا ذات میمون اخترت از زرق و ریو
۲ در بزرگی کی روا باشد که تشریفات را — از فرشته بازگیری وانگهی بخشی به دیو

۲۰

۱ ساقیا پیمانه پر کن زانکه صاحب مجلست — آرزو می‌بخشد و اسرار می‌دارد نگاه
۲ جنّت نقد است اینجا عیش و عشرت کن به ذوق — زانکه در جنّت خدا بر بنده ننویسد گناه
۳ دوستداران دوستکامند و حریفان با ادب — پیشکاران نیکنام و صف‌نشینان نیکخواه
۴ ساز چنگ آهنگ عشرت، صحن مجلس جای رقص — خال جانان دانهٔ دل، زلف دلبر دام راه
۵ دوْر از این بهتر نگردد ساقیا عشرت گزین — حال از این بهتر نباشد حافظا ساغر بخواه

۲۱

۱ به گوش جان رهی منهیی ندا در داد — ز حضرت احد لا اله الّا الله
۲ که ای عزیز کسی را که خواری است نصیب — حقیقت آنکه نیابد به زور منصب و جاه
۳ به آب زمزم و کوثر سپید نتوان کرد — گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه

۲۲

(قطعهٔ شمارهٔ ۲۲ در نسخهٔ مجـ نیست. تا بیت ۷ از نسخهٔ نز و بیت ۸ از نسخهٔ خ نقل شد.)

۱ به من پیام فرستاد دوستی دیروز — که ای نتیجهٔ کلکت سواد بینائی
۲ پس از دو سال که بختت به خانه بازآورد — چرا ز خانهٔ خواجه بدر نمی‌آئی

۱۸/۲ صبرم به‌انتها رسید از زمانی که به‌جای شیر گرگ نشسته و عقل از سرم پرید وقتی که دیدم کلاغان بجای کبوتران تغنی می‌کنند.
۱۸/۳ امید است که روزگاران خوش برای قومی همان گونه که بوده‌اند باز آید.

۳ جواب دادم و گفتم که دار معذورم   که این طریقه نه خودکامی است و خودرائی
۴ وکیل قاضیم اندر گذر کمین کرده است   به کف قبالهٔ دعوی که من ز شیدائی
۵ اگر برون نهم از آستان خواجه قدم   بگیردم سوی زندان برد به رسوائی
۶ جناب خواجه حصار من است و گر اینجا   کسی نفس زند از حجّت تقاضائی
۷ به عون قوّت بازوی بندگان وزیر   به سیلیّش بشکافم دماغ سودائی
۸ همیشه باد جهانش به کام وز سر صدق   کمر به بندگیش بسته چرخ مینائی

۲۲/۶ نز: زحمت تقاضائی (متن = خ).

۲۳

(قطعهٔ شمارهٔ ۲۳ از نسخهٔ نز نقل شد)

۱ گدا اگر گهر پاک داشتی در اصل   بر آب نقطهٔ شرمش مدار بایستی
۲ ور آفتاب نکردی فسوس جام زرش   چرا تهی ز می خوشگوار بایستی
۳ وگر سرای جهان را سر خرابی نیست   بنای او به ازین استوار بایستی
۴ زمانه گر نه سر قلب داشتی، کارش   به دست آصف صاحب عیار بایستی
۵ چو روزگار همین یک کریم بیش نداشت   به عمر مهلتی از روزگار بایستی

۲۴

۱ ساقیا باده که اکسیر حیات است بیار   تا تن خاکی من عین بقا گردانی
۲ چشم بر دوْر قدح دارم و جان بر کف دست   به سر خواجه که تا آن ندهی نستانی
۳ همچو گل در چمن از باد میفشان دامن   زانکه در پای تو دارم سر جان افشانی
۴ بر مثانی و مثالث بنواز ای مطرب   وصف آن ماه که در حسن ندارد ثانی

۲۵

۱ دریغا خلعت حسن و جوانی   گرش بودی طراز جاودانی
۲ دریغا حسرتا دردا کزین جوی   بخواهد رفت آب زندگانی
۳ همی باید برید از خویش و پیوند   چنین رفته است حکم آسمانی
۴ و کُلّ اَخٍ مُفارِقُهُ اَخوهُ   لَعَمْرُ اَبیکَ اِلّا الفَرقَدانِ

۲۵/۴ به جان پدر سوگند که هر برادر از برادر خود جدا می‌شود مگر ستارهٔ فرقدان.

۲۶

۱ خسروا دادگرا شیردلا بحر کفا ای جناب تو به انواع هنر ارزانی
۲ همه اطراف گرفت و همه آفاق گشاد صیت مسعودی و آوازهٔ شه سلطانی
۳ گفته باشد مگرت ملهم غیب احوالم وین که شد روز منیرم چو شب ظلمانی
۴ دو سه سال آنچه بیندوختم از جاه وزیر همه بربود به یک دم فلک چوگانی
۵ دوش در خواب چنان دید خیالم که سحر گذر افتاد بر اصطبل شهم پنهانی
۶ بسته بر آخر او استر من جو می‌خورد توبره افشاند و به من گفت مرا می‌دانی؟
۷ هیچ تعبیر نمی‌دانمش این خواب که چیست تو بفرمای که در فهم نداری ثانی

۲۷

۱ پادشاها لشکر توفیق همراه تواند خیز اگر بر عزم تسخیر جهان ره می‌کنی
۲ با چنین اوج جلال از پیشگاه مسکنت آگهی و خدمت دلهای آگه می‌کنی
۳ با فریب رنگ این نیلی خم زنگارفام کار بر وفق مراد صبغة اللّه می‌کنی
۴ آنکه ده با هفت و نیم آورد بس سودی نکرد فرصتت بادا که هفت و نیم با ده می‌کنی

قطعات متضمن رثا و تاریخ درگذشتها

۲۸

۱ آصف عهد و زمان جان جهان تورانشاه که درین مزرعه جز دانهٔ خیرات نکشت
۲ ناف هفته بُد و از ماه رجب کاف و الف که به گلشن شد و این گلخن پر دود بهشت
۳ آنکه میلش سوی حق بینی و حق گوئی بود سال تاریخ وفاتش طلب از میل بهشت
(۷۸۷)

۲۹

۱ بهاء الحق و الدین طاب مثواه امام سنّت و شیخ جماعت
۲ چو می‌رفت از جهان این بیت می‌خواند بر اهل فضل و ارباب براعت
۳ به طاعت قرب ایزد می‌توان یافت قدم در نه گرت هست استطاعت
۴ بدین دستور تاریخ وفاتش برون آر از حروف قرب و طاعت
(۷۸۲)

۳۰

۱ رحمان لایموت چو این پادشاه را | دید آنچنان کزو عمل خیر لایفوت
۲ جانش قرین رحمت خود کرد تا بود | تاریخ این معامله رحمن لایموت
(۷۸۵)

۳۱

۱ اعظم قوام دولت و دین آنکه بر درش | از بهر خاکبوس نمودی فلک سجود
۲ با آن جلال و آن عظمت زیر خاک شد | در نصف ماه ذوالقعد از عرصهٔ وجود
۳ تا کس امید جود ندارد دگر ز کس | آمد حروف سال وفاتش امید جود
(۷۶۴)

۳۲

۱ برادر خواجه عادل طاب مثواه | پس از پنجاه و نه سال از حیاتش
۲ بسوی روضهٔ رضوان روان شد | خدا راضی ز افعال و صفاتش
۳ خلیل عادلش پیوسته برخوان | وز آنجا فهم کن سال وفاتش
(۷۷۵)

۳۳

۱ مجد دین سرور و سالار قضات اسماعیل | که زدی کلک زبان آورش از شرع نطق
۲ ناف هفته بُد و از ماه رجب «ی ز» روز | که برون رفت ازین منزل بی ضبط و نسق
۳ کنف رحمت حق منزل او دان وانگه | سال تاریخ وفاتش طلب از رحمت حق
(۷۵۶)

۳۳/۱ مجه: سرو سالار (متن = مط).

۳۴

(قطعهٔ شماره ۳۴ از نسخهٔ قه افزوده شد)

(۷۵۷)
۱ بلبل و سرو و سمن یاسمن و لاله و گل | هست تاریخ وفات شه سنبل کاکل
۲ خسرو روی زمین غوث زمان بواسحاق | که به مه طلعت او نازد و خندد بر گل
۳ جمعهٔ بیست و دوم ماه جمادی الاوّل | در پسین بود که پیوسته شد از جزو به کل

۳۵

۱ صباح جمعه بد و سادس ربیع نخست	که از دلم غم آن ماهروی شد زایل
۲ به سال هفتصد و شصت و چهار از هجرت	چو آب گشت به من حل حکایت مشکل
۳ دریغ و درد و تأسّف کجا دهد سودی	کنون که عمر به بازیچه رفت و بیحاصل

۳۶

۱ سرور اهل عمایم شمع بزم انجمن	صاحب صاحبقران حاجی قوام الدّین حسن
۲ هفصد و پنجاه و چار از هجرت خیرالبشر	مهر را جوزا مکان و ماه را خوشه وطن
۳ سادس ماه ربیع الآخر اندر نیمروز	روز آدینه به حکم کردگار ذوالمنن
۴ مرغ روحش کو همای آسمان قدس بود	شد سوی باغ بهشت از دام این‌دار محن

۳۷

۱ دلا دیدی که آن فرزانه فرزند	چه دید اندر خم این طاق رنگین
۲ بجای لوح سیمین در کنارش	فلک بر سر نهادش لوح سنگین

۳۸

۱ آن میوهٔ بهشتی کآمد به دستت ای جان	در دل چرا نکشتی از کف چرا بهشتی
۲ تاریخ این حکایت گر از تو باز پرسند	سر جمله‌اش فرو خوان از میوهٔ بهشتی
(۷۷۸)

رباعیات

در اکثر نسخه‌های خطی که رباعیات به‌ترتیب حروف آخر قافیه تنظیم نشده دو رباعی شمارهٔ ۱ و ۲ در صدر رباعیها کتابت شده است و رباعی شماره ۲۰ «گفتم که لبت ...» در آخر. در نسخهٔ مج نیز ترتیب درج این سه رباعی چنین است. بقیهٔ رباعیها در اینجا به ترتیب الفبائی تنظیم شده است. در همهٔ رباعیها کتمات مستند است به نسخهٔ مج و هر گونه اختلاف این نسخه با متن در زیر صفحه تصریح شده است. بعضی از رباعیها که اسناد آنها به حافظ مشکوک بود حذف شد.

۱

مردی ز کنندهٔ در خیبر پرس — واسرار کرم ز خواجهٔ قنبر پرس
گر تشنهٔ فیض حقّ و صدقی حافظ — سرچشمهٔ آن ز ساقی کوثر پرس

۲

قسّام بهشت و دوزخ آن عقده گشای — ما را نگذارد که درآئیم ز پای
تا کی رود این گرگ ربائی بنمای — سر پنجهٔ دشمن فکن، ای شیر خدای

۳

اول به وفا می وصالم در داد — چون مست شدم جام جفا را سر داد
پر آب دو دیده و پر از آتش دل — خاک ره او شدم به بادم بر داد

۴

نه دولت دنیا به ستم می‌ارزد — نه لذّت مستیش الم می‌ارزد
نه هفت هزار ساله شادیّ جهان — این محنت هفت روزه غم می‌ارزد

۵

هر دوست که دم زد از وفا دشمن شد — هر پاک روی که بود تر دامن شد
گویند شب آبستن غیب است عجب — چون مرد ندید از که آبستن شد

۶

با می به کنار جوی می‌باید بود — وز غصّه کناره‌جوی می‌باید بود
این مدّت عمر ما چو گل ده روز است — خندان لب و تازه روی می‌باید بود

۳/۱ مج: جام جفا با سر داد (متن = خ). ۵/۲ مج: شب آبستن و عیبی‌ست عجب (متن = نز).

۷

چون غنچهٔ گل قرابه پرداز شود   نرگس به هوای می قدح ساز شود
فارغ دل آن کسی که مانند حباب   هم در سر می خانه برانداز شود

۸

از چرخ به هر گونه همی دار امید   وز گردش روزگار می‌لرز چو بید
گفتی که پس از سیاه رنگی نبود   پس موی سیاه من چرا گشت سپید

۹

عشق رخ یار بر من زار مگیر   بر خسته دلان خرده به یکبار مگیر
صوفی چو تو رسم رهروان می‌دانی   بر مردم رند نکته بسیار مگیر

۱۰

چشم تو که سحر بابل است استادش   یا رب که فسونها برواد از یادش
وان گوش که حلقه کرد در گوش جمال   آویزهٔ دُر ز نظم حافظ بادش

۱۱

چون جامه زتن برکشد آن مشکین‌خال   حقّا که نظیر خود ندارد به جمال
در سینه ز نازکی دلش بتوان دید   مانندهٔ سنگ خاره در آب زلال

۱۲

(این رباعی در نسخهٔ مج نیست. از نسخه‌های خ سو عز نقل شد.)

در باغ چو شد باد صبا دایهٔ گل   بر بست مشاطه‌وار پیرایهٔ گل
از سایه به خورشید اگرت هست امان   خورشید رخی طلب کن و سایهٔ گل

۱۳

چون باده ز غم چه بایدت جوشیدن   با لشکر غم نمی‌توان کوشیدن
سبز است لبت ساغر ازو دور مدار   می بر لب سبزه خوش بود نوشیدن

۱۴

ای شرم زده غنچهٔ مستور از تو حیران و خجل نرگس مخمور از تو
گل با تو برابری کجا یارد کرد کو نور ز مه دارد و مه نور از تو

۱۵

ایکاش که بخت سازگاری کردی با جور زمانه یار یاری کردی
از دست جوانیم چو بربود عنان پیری چو رکاب پایداری کردی

۱۶

گل گفت اگر دستگهی داشتمی بگریختمی اگر رهی داشتمی
در بیگنهی مرا چنین می‌سوزند ایوای به من گر گنهی داشتمی

۱۷

با شاهد شنگ شوخ و با بربط و نی کنجیّ و فراغتیّ و یک شیشهٔ می
چون گرم شود ز باده ما را رگ و پی منّت نبریم یک جو از حاتم طی

۱۸

گفتم که چه خال است بدان شیرینی گفتا تو سلیم و ساده و مسکینی
بر آینهٔ جمال ما خالی نیست تو مردم چشم خود دراو می‌بینی

۱۹

این رباعی از نسخهٔ عز نقل شد

ای باد، حدیث من نهانش می‌گوی سرّ دل من به صد زبانش می‌گوی
می‌گو نه بدانسان که ملالش گیرد می‌گو سخنی و در میانش می‌گوی

*۲۰

گفتم که لبت، گفت لبم آب حیات گفتم دهنت، گفت زهی حبّ نبات
گفتم سخن تو گفت حافظ، گفتا شادیّ همه لطیفه‌گویان صلوات

* در اکثر نسخه‌ها رباعی شمارهٔ ۲۰ در پایان رباعیها کتابت شده است.

فهرست الفبائی غزلها و قصیده‌ها

غزلهای حافظ (شمارهٔ ۱ تا ۴۲۴) در بخش اول دیوان آمده است.

پیوستهای غزلها (شمارهٔ ۴۲۵ تا ۴۷۴)، و قصیده‌ها (ق ۱ تا ق ۱۴) در بخش دوم مندرج است.

د

پ

ت

د



انتشارات سخن منتشر کرده است

از مجموعهٔ آثار دکتر عبدالحسین زرّین‌کوب

• **پیر گنجه در** ***جستجوی ناکجاآباد***
دربارهٔ زندگی، آثار و اندیشهٔ نظامی
۳۶۰ ص، وزیری، چاپ هفتم، ۴۵۰۰ تومان

• **شعلهٔ طور**
دربارهٔ زندگی و اندیشهٔ حلّاج
۳۲۰ ص، وزیری، چاپ هفتم، ۳۵۰۰ تومان

• ***صدای بال سیمرغ***
دربارهٔ زندگی و اندیشهٔ عطار
۲۳۸ ص، وزیری، چاپ پنجم، ۴۵۰۰ تومان

• **حدیث خوش سعدی**
دربارهٔ زندگی و اندیشهٔ سعدی
۱۹۲ ص، وزیری، چاپ چهارم، ۴۵۰۰ تومان

• ***نامورنامه***
دربارهٔ فردوسی و شاهنامه
۱۹۴ ص، وزیری، چاپ دوم، ۲۹۰۰ تومان

• ***دیدار با کعبهٔ جان***
دربارهٔ زندگی، آثار و اندیشهٔ خاقانی
۲۲۴ ص، وزیری، چاپ سوم، ۲۹۰۰ تومان

• ***از کوچهٔ رندان***
دربارهٔ زندگی و اندیشهٔ حافظ
۲۸۰ ص، وزیری، چاپ هفدهم، ۲۹۰۰ تومان

• ***نقش برآب***
جستجویی چند در باب شعر حافظ، گلشن راز، ادبیات تطبیقی، گفت و شنودها و خاطره‌ها
۶۱۲ ص، وزیری، چاپ پنجم، ۴۵۰۰ تومان

• ***آشنایی با نقد ادبی***
تاریخ نقد و ادبیات فارسی
۵۰۸ ص، وزیری، چاپ هفتم، ۴۹۰۰ تومان

• ***روزگاران***
تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی
۱۰۱۴ ص، وزیری، چاپ هفتم، ۸۵۰۰ تومان

• **دو قرن سکوت**
سرگذشت حوادث و اوضاع ایران در دو قرن اول اسلام از حملهٔ عرب تا ظهور دولت طاهریان
۳۸۴ ص، وزیری، چاپ بیستم، ۴۹۰۰ تومان

• ***آشنایی با تاریخ ایران***
۴۰۰ ص، وزیری، چاپ دوم، ۶۵۰۰ تومان

• **حکایت همچنان باقی** (مجموعه مقالات)
مقاله‌های فارسی
۵۱۲ ص، وزیری، چاپ سوم، ۴۹۰۰ تومان

• ***از چیزهای دیگر***
مجموعه نقد، یادداشت، بررسی و نمایشواره
۳۴۰ ص، وزیری، چاپ پنجم، ۳۵۰۰ تومان

• ***یادداشتها و اندیشه‌ها***
مقاله‌های فارسی
۴۳۲ ص، وزیری، چاپ ششم، ۴۵۰۰ تومان

• ***از گذشتهٔ ادبی ایران***
مروری بر نثر فارسی، سیری در شعر فارسی با

نظری بر ادبیات معاصر
۵۷۶ص، وزیری، چاپ دوم سخن، ۶۹۰۰ تومان

• **نردبان شکسته**
شرح توصیفی و تحلیلی دفتر اول و دوم مثنوی
۵۲۰ ص، وزیری، چاپ سوم، ۷۵۰۰ تومان

• **سیری در شعر فارسی**
بحثی انتقادی در شعر فارسی و تحول آن، نمونه‌هایی از شعر شاعران و جستجویی در اقوال ادبا و تذکره‌نویسان
۶۰۰ص، وزیری، چاپ اول سخن، ۵۵۰۰ تومان

• ***تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن***
ترجمهٔ دکتر مجدالدین کیوانی
۲۰۰ ص، وزیری، چاپ دوم، ۲۵۰۰ تومان

• **درخت معرفت**
جشن‌نامهٔ استاد دکتر عبدالحسین زرّین‌کوب
به‌اهتمام علی‌اصغر محمدخانی
۶۰۶ ص، وزیری، چاپ سوم، ۵۵۰۰ تومان



از مجموعهٔ آثار فریدالدین عطار نیشابوری

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی

• *منطق‌الطیر*

۹۰۴ ص، وزیری، چاپ سوم، ۸۵۰۰ تومان

• *مصیبت‌نامه*

۹۳۸ ص، وزیری، چاپ دوم، ۱۲۵۰۰ تومان

• *الهی‌نامه*

۷۶۶ ص، وزیری، چاپ دوم، ۹۵۰۰ تومان

• *اسرارنامه*

۵۷۴ ص، وزیری، چاپ دوم، ۸۵۰۰ تومان

• *مختارنامه*

۴۹۲ ص، وزیری، چاپ سوم، ۷۵۰۰ تومان

• *تذکرةالاولیا*

• *دیوان قصاید و غزلیات*



از مجموعهٔ میراث عرفانی ایران

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی

• *دفتر روشنایی*

از میراث عرفانی بایزید بسطامی

۴۰۴ ص، رقعی، چاپ سوم، ۵۵۰۰ تومان

• *نوشته بر دریا*

از میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی

۵۷۶ ص، رقعی، چاپ دوم، ۶۵۰۰ تومان

• *چشیدن طعم وقت*

از میراث عرفانی ابوسعید ابوالخیر

۳۳۶ ص، رقعی، چاپ سوم، ۵۵۰۰ تومان

• *زبان شعر در نثر صوفیه*

مقدمه‌ای بر میراث عرفانی ایران

• *در هرگز و همیشهٔ انسان*

از میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری

• *درویش ستیهنده*

از میراث عرفانی شیخ جام

از مجموعهٔ فرهنگ‌های سخن
به سرپرستی دکتر حسن انوری

• **فرهنگ بزرگ سخن** (دورهٔ ۸ جلدی)

۸۷۵۲ ص، رقعی، چاپ پنجم، ۹۵۰۰۰ تومان

این فرهنگ با همکاری بیش از یک‌صد تن (مشاور، مؤلف، ویراستار، نقاش، مترجم و جز آنها) در طول هشت سال با تلاش شبانه‌روزی فراهم گردیده است. حاوی بیش از ۷۵۰۰۰ سرواژهٔ اصلی (مدخل اصلی)، ۴۵۰۰۰ سرواژهٔ فرعی (مدخل فرعی)، ۱۶۰۰۰ شاهد مستند، ۱۰۰۰۰ مثال، و ۱۵۰۰ تصویر است و شامل واژه‌های به‌کاررفته در زبان فارسی قدیم و جدید است. در این فرهنگ برای همهٔ واژه‌ها و تعبیرات (در حوزهٔ واژگان عمومی، از قدیم و جدید) شاهد مستند نقل شده است.

• **فرهنگ فشردهٔ سخن** (دورهٔ ۲ جلدی)

۲۸۳۲ ص، رقعی، چاپ سوم، ۲۵۰۰۰ تومان

فرهنگ فشردهٔ سخن به‌منزلهٔ فرهنگ فشردهٔ جامع زبان فارسی و حاوی واژگان قدیم و جدید فارسی است. این فرهنگ تلخیصی است از فرهنگ ۸ جلدی سخن و هدف از تلخیص آن بوده که به کسانی که به هر دلیل به فرهنگ بزرگ سخن دسترسی ندارند یا حجم آن را مناسب کتابخانهٔ کوچک خود نمی‌دانند و در عین حال با مستندات واژه کاری ندارند امکان بهره‌وری از یک فرهنگ کوچک‌تر داده شود.

• **فرهنگ روز سخن**

۱۲۸۰ ص، وزیری، چاپ سوم، ۱۳۵۰۰ تومان

فرهنگ روز سخن سومین فرهنگ از سلسله فرهنگ‌های سخن است و شامل واژگان روز فارسی است. کسانی که در روزنامه‌ها و کتاب‌های روز و رسانه‌های صوتی و تصویری به‌واژه‌ای ناآشنا برمی‌خورند، واژهٔ ناآشنای خود را در این فرهنگ خواهند یافت.

• **فرهنگ کوچک سخن**

۱۰۷۶ ص، جیبی، چاپ اول، ۶۹۰۰ تومان

چهارمین فرهنگ از سلسله فرهنگ‌های سخن، فرهنگ کوچک سخن است. این فرهنگ برای استفادهٔ دانش‌آموزان تهیه شده است و فرهنگی است که در کیف مدرسهٔ هر دانش‌آموزی باید باشد؛ همچنین در روی میز هر ایرانی.

• **فرهنگ *کنایات* سخن** (دورهٔ ۲ جلدی)

۱۸۰۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۸۵۰۰ تومان

انسان برای بسیاری از مفاهیم زبان کنایی به کار می‌برد. از این رو پرداختن به کنایات زبان از امور مهم و واجب در زمینهٔ مسائل فرهنگی است و ما نخستین بار در زبان فارسی توانسته‌ایم کنایات را به‌طور مستند در فرهنگ دوجلدی به جامعهٔ ادب ایران پیشکش کنیم.

• **فرهنگ کودکان سخن**

تألیف منیژه گازرانی

۳۶۰ ص، رحلی، گلاسه، ۶ رنگ، چاپ اول، ۲۲۰۰۰ تومان

کودکان سازندگان آیندهٔ جامعه هستند. هرچه در تربیت کودکان بکوشیم و در فراهم آوردن مواد فرهنگی برای آنان تلاش کنیم به آیندهٔ جامعه کمک کرده‌ایم. فرهنگ کودکان سخن نخستین بار در زبان فارسی با توجه به‌سنت‌های بومی و با امعان نظر به تربیت صحیح کودکان تألیف شده و با

طرز نوین و با تصاویر ابتکاری در شش رنگ روی کاغذ گلاسه عرضه شده است.

• **فرهنگ *دانش‌آموز* سخن**

۵۰۲ ص. رقعی. چاپ اول. ۳۵۰۰ تومان

فرهنگ دانش‌آموز سخن در صفحات اندک و با جلد نازک تهیه شده است تا در هر کیفی به آسانی جا شود و در هر موقعیتی مورد استفاده قرار گیرد.

• **فرهنگ *نام* سخن**

تألیف مرجان انصاری و سولماز شرکت‌افتخار

۳۰۴ ص. رقعی. چاپ اول. ۲۵۰۰ تومان

جامع‌ترین فرهنگ نامی که تاکنون با روشی علمی منتشر شده است. در این فرهنگ علاوه بر آوانگاری، ریشه، و معنی برای اغلب نام‌ها شاهدی نیز نقل شده است.

• **فرهنگ *امثال* سخن** (دورهٔ ۲ جلدی)

۱۶۰۰ ص. رقعی. چاپ اول. ۱۸۵۰۰ تومان

فرهنگی است شامل بیش از ۳۰۰۰۰ مثل فارسی که به ترتیب الفبایی تنظیم شده است. در این کتاب سعی شده مأخذ اکثر امثال ذکر شود. در موارد لازم، شأن نزول و نظیر امثال نیز آورده شده است.

• **فرهنگ جیبی سخن**

۵۲۰ ص. جیبی. چاپ اول. ۲۵۰۰ تومان

فرهنگ جیبی سخن قابل استفاده برای دانش‌آموزان و کسانی است که زبان فارسی را در حدّ ابتدایی می‌دانند و به‌دلیل کوچکی می‌تواند همیشه همراه آنها باشد.

• **فرهنگ *درست‌نویسی* سخن**

تألیف دکتر یوسف عالی عباس‌آباد

۲۸۰ ص. رقعی. چاپ اول. ۵۵۰۰ تومان

فرهنگ درست‌نویسی سخن شامل مطالب و مباحثی دربارهٔ نگارش درست زبان فارسی است و مطالعهٔ آن ما را قادر می‌سازد واژه‌ها، ترکیب‌ها، و جمله‌هایی را که دربارهٔ درست و نادرست بودن آنها اختلاف نظر هست یا برخی از مبتدیان به‌سبب ناآگاهی آنها را غلط به کار می‌برند، بشناسیم و درست به کار ببریم.

• **فرهنگ *نوجوان* سخن**

تألیف منیژه گازرانی

فرهنگ نوجوان سخن فرهنگی است مصور با حدود ۱۰۰۰۰ مدخل اصلی و فرعی که با زبانی بسیار ساده برای نوجوانان گروه سنّی ۹ تا ۱۳ سال نوشته شده است.

• **فرهنگ *شاعران و نویسندگان معاصر* سخن**

تألیف دکتر داریوش صبور

کتابی در شرح حال و معرفی اجمالی بیش از هزار تن از شاعران و نویسندگان قرن حاضر است.

• **فرهنگ *مشاهیر* سخن** (دورهٔ ۳ جلدی)

این کتاب که در حقیقت از آن می‌توان به‌عنوان اعلام فرهنگ بزرگ سخن نام برد، به صورتی اجمالی شرح حال بزرگان ایران و جهان را معرفی می‌کند.



از مجموعهٔ شعر معاصر ایران

• **زیبای جاودانه**
منتخب دوازده دفتر شعر فریدون مشیری
۶۴۰ ص، رقعی، چاپ هشتم، ۶۵۰۰ تومان

• **در جدال با خاموشی**
منتخب چهارده دفتر شعر احمد شاملو
۴۸۰ ص، رقعی، چاپ چهارم، ۵۵۰۰ تومان

• **شعلهٔ کبود**
منتخب پنج دفتر شعر فریدون توللی
۴۴۸ ص، رقعی، چاپ دوم، ۳۳۰۰ تومان

• **از سال‌های آب و سراب**
منتخب هفت دفتر شعر سیمین بهبهانی
۴۸۰ ص، رقعی، چاپ دوم، ۳۹۰۰ تومان

• **باران**
منتخب پنج دفتر شعر مجدالدین میرفخرایی «گلچین گیلانی»
۲۸۸ ص، رقعی، چاپ دوم، ۲۵۰۰ تومان

• **باران صبحگاهی**
منتخب دو دفتر شعر محمدحسن رهی‌معیری
۴۳۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• **به‌آفتاب سلامی دوباره**
منتخب پنج دفتر شعر فروغ فرخزاد
۴۳۲ ص، رقعی، چاپ دوم، ۳۳۰۰ تومان

• **از خون سیاوش**
منتخب سیزده دفتر شعر سیاوش کسرایی
۵۱۰ ص، رقعی، چاپ چهارم، ۴۹۰۰ تومان

• **مرغ سحر**
منتخب اشعار ملک‌الشعرای بهار
۴۲۴ ص، رقعی، چاپ دوم، ۴۵۰۰ تومان

• **راهی و آهی**
منتخب هفت دفتر شعر هوشنگ ابتهاج (ه‌.ا. سایه)
۳۶۰ ص، رقعی، چاپ سوم، ۴۹۰۰ تومان

• **آن‌گاه پس از تندر**
منتخب هشت دفتر شعر مهدی اخوان‌ثالث (م. امید)
۴۲۰ ص، رقعی، چاپ چهارم، ۵۵۰۰ تومان

• **خانه‌ام ابری‌ست**
منتخب اشعار نیما یوشیج (علی اسفندیاری)
۳۲۰ ص، رقعی، چاپ دوم، ۲۶۰۰ تومان

• **در طلسم شعر**
منتخب اشعار نادر نادرپور
۴۳۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• **وفا به عهد**
منتخب اشعار ابوالقاسم لاهوتی
۲۳۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۵۰۰ تومان

• **سرود آبشار**
منتخب اشعار شهریار
۶۴۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۵۵۰۰ تومان

• **ستایشگر مادر**
منتخب اشعار ایرج‌میرزا
۲۹۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۵۰۰ تومان

Contemporary Persian Poetry

از مجموعهٔ شعر معاصر ایران به دو زبان فارسی-انگلیسی
(Contemporary Persian Poetry)

• عاشق همیشه تنهاست

The Lover is Always Alone

گزیدهٔ اشعار سهراب سپهری

ترجمه به‌انگلیسی: کریم امامی

۲۱۶ ص، رقعی، چاپ سوم، ۵۵۰۰ تومان

• گرگی در کمین

A Wolf Lying in Wait

گزیدهٔ اشعار عباس کیارستمی

ترجمه به‌انگلیسی: کریم امامی و مایکل بی یرد

۲۰۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۴۵۰۰ تومان

• خوش به حال غنچه‌های نیمه‌باز

Lucky Those Half-Opened Buds

گزیدهٔ اشعار فریدون مشیری

ترجمه به‌انگلیسی: سارا خلیلی

۲۴۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۵۵۰۰ تومان

• به سرخی آتش، به طعم دود

As Red As Fire, Tasting of Smoke

گزیدهٔ اشعار سیاوش کسرایی

ترجمه به‌انگلیسی: سارا خلیلی

۲۳۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۵۵۰۰ تومان

• دوباره می‌سازمت وطن

My Country, I Shall Build You Again

گزیدهٔ اشعار سیمین بهبهانی

ترجمه به انگلیسی: سارا خلیلی

• ترانهٔ بزرگ‌ترین آرزو

Song of the Greatest Wish

گزیدهٔ اشعار احمد شاملو

ترجمه به‌انگلیسی: شیدا دیانی

• در غروبی ابدی

In an Eternal Dusk

گزیدهٔ اشعار فروغ فرخزاد

ترجمه به‌انگلیسی: شیدا دیانی

• گزیدهٔ اشعار شفیعی‌کدکنی

ترجمه به انگلیسی: پری آزرم معتمدی

ویراستار: آلن ویلیامز



از مجموعهٔ در ترازوی نقد
نقد شعر معاصر ایران

• ***سفرنامهٔ باران***
نقد و تحلیل اشعار شفیعی‌کدکنی (م. سرشک)
به اهتمام دکتر حبیب‌الله عباسی

• ***ای عشق همه بهانه از توست***
نقد و تحلیل اشعار هوشنگ ابتهاج (ه.ا. سایه)
به اهتمام سارا ساور سُفلیٰ

• **شهریار شهر سنگستان**
نقد و تحلیل اشعار مهدی اخوان‌ثالث (م. امید)
به اهتمام شهریار شاهین‌دژی

• ***من زبان وطن خویشم...***
نقد و تحلیل اشعار ملک‌الشعرای بهار
به اهتمام میلاد عظیمی

• ***معجزهٔ پروین***
نقد و تحلیل اشعار پروین اعتصامی
به اهتمام محمد افشین‌وفایی

• ***کهن دیارا***
نقد و تحلیل اشعار نادر نادرپور
به اهتمام وحید عیدگاه طرقبه‌ای

• ***میوهٔ این باغ***
نقد و تحلیل اشعار سهراب سپهری
به اهتمام سارا ساور سُفلیٰ

• ***شبی هم در آغوش دریا***
نقد و تحلیل اشعار مهدی حمیدی‌شیرازی
به اهتمام محمد خلیلی

• ***حرف آخر عشق***
نقد و تحلیل اشعار قیصر امین‌پور
به اهتمام محمد افشین‌وفایی

• ***نقد و تحلیل اشعار احمد شاملو***
• ***نقد و تحلیل اشعار فروغ فرخزاد***
• ***نقد و تحلیل اشعار سیمین بهبهانی***
• ***نقد و تحلیل اشعار نیما یوشیج***
• ***نقد و تحلیل اشعار محمدحسین شهریار***
• ***نقد و تحلیل اشعار فریدون مشیری***
• ***نقد و تحلیل اشعار فریدون توللی***
• ***نقد و تحلیل اشعار سیاوش کسرایی***
• ***نقد و تحلیل اشعار رهی معیری***
• ***نقد و تحلیل اشعار ایرج میرزا***
• ***نقد و تحلیل اشعار ابوالقاسم لاهوتی***



از مجموعهٔ آثار جمال‌زاده

• آشنایی با حافظ
۲۱۶ ص، رقعی، چاپ دوم، ۲۹۰۰ تومان

• قلتشن دیوان
۲۴۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۲۰۰ تومان

• قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریشدار
۳۲۸ ص، رقعی، چاپ سوم، ۳۵۰۰ تومان

• یکی بود و یکی نبود
۲۳۶ ص، رقعی، چاپ چهارم، ۲۹۰۰ تومان

• قصهٔ ما به‌سر رسید
۴۲۴ ص، رقعی، چاپ سوم، ۴۹۰۰ تومان

• سر و ته یک کرباس
۵۰۴ ص، رقعی، چاپ دوم، ۴۹۰۰ تومان

• تلخ و شیرین
۳۰۸ ص، رقعی، چاپ سوم، ۳۵۰۰ تومان

• فرهنگ لغات عامیانه
۵۹۲ ص، رقعی، چاپ دوم، ۴۹۰۰ تومان

• برگزیدهٔ آثار جمال‌زاده
۸۴۰ ص، رقعی، چاپ سوم، ۹۵۰۰ تومان

• خاطرات سیدمحمدعلی جمال‌زاده
۴۰۴ ص، رقعی، چاپ دوم، ۳۳۰۰ تومان

• قصه‌نویسی
۶۱۶ ص، رقعی، چاپ دوم، ۴۵۰۰ تومان

• آسمان و ریسمان
۴۴۸ ص، رقعی، چاپ سوم، ۵۵۰۰ تومان

• هفت‌کشور
۲۷۴ ص، رقعی، چاپ دوم، ۲۹۰۰ تومان

• قنبرعلی
۳۲۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• کهنه و نو
۲۹۰ ص، رقعی، چاپ دوم، ۲۹۰۰ تومان

• هزار بیشه
۳۸۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۴۵۰۰ تومان

• آزادی و حیثیت انسانی
۲۳۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۴۵۰۰ تومان

• گنج شایگان
۲۴۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۹۰۰ تومان

• تاریخ روابط روس و ایران
۲۹۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۹۰۰ تومان

• کشکول جمالی
۴۲۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۴۵۰۰ تومان

• جنگ ترکمن
۳۱۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• نامه‌های ژنو
(نامه‌های جمال‌زاده به ایرج افشار)

• مقالات ادبی

• مقالات تاریخی

• نامه‌های جمال‌زاده در دانشگاه تهران



از مجموعهٔ میراث ادب فارسی

• **در آرزوی خوبی و زیبایی**
گزیدهٔ بوستان سعدی
انتخاب و توضیح: دکتر غلامحسین یوسفی
۵۷۶ ص، رقعی، چاپ دهم، ۴۵۰۰ تومان

• **دامنی از گل**
گزیدهٔ گلستان سعدی
انتخاب و توضیح: دکتر غلامحسین یوسفی
۴۷۶ ص، رقعی، چاپ دوازدهم، ۳۵۰۰ تومان

• **ره‌آورد سفر**
گزیدهٔ سفرنامهٔ ناصرخسرو
تصحیح و توضیح: دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی
۲۵۴ ص، رقعی، چاپ چهارم، ۵۵۰ تومان

• **نامهٔ نامور**
گزیدهٔ شاهنامهٔ فردوسی
تصحیح و توضیح: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن
۷۷۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۵۰ تومان

• **آن سوی حرف و صوت**
گزیدهٔ اسرارالتوحید
انتخاب و توضیح: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی
۳۴۶ ص، رقعی، چاپ دوم، ۱۱۰۰ تومان

• **مجموعهٔ رنگین گل**
گزیدهٔ اشعار صائب تبریزی
انتخاب و توضیح: محمد قهرمان
۴۰۴ ص، رقعی، چاپ نهم، ۳۵۰۰ تومان

• **مفلس کیمیافروش**
نقد و تحلیل شعر انوری
انتخاب و توضیح: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی
۳۶۰ ص، رقعی، چاپ سوم، ۳۳۰۰ تومان

• **درس زندگی**
گزیدهٔ قابوسنامه
انتخاب و توضیح: دکتر غلامحسین یوسفی
۴۲۸ ص، رقعی، چاپ دهم، ۲۹۰۰ تومان

• **تصویرها و شادی‌ها**
گزیدهٔ اشعار منوچهری دامغانی
انتخاب و توضیح: دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی
۴۳۲ ص، رقعی، چاپ پنجم، ۲۳۰۰ تومان

• **سخن‌گستر سیستان**
گزیدهٔ اشعار فرخی سیستانی
انتخاب و توضیح: دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی
۳۶۸ ص، رقعی، چاپ پنجم، ۳۵۰۰ تومان

• **شاعر صبح**
پژوهشی در شعر خاقانی شروانی
انتخاب و توضیح: دکتر سید ضیاءالدین سجادی
۴۱۶ ص، رقعی، چاپ نهم، ۳۹۰۰ تومان

• **خمی از شراب ربانی**
گزیدهٔ مقالات شمس
انتخاب و توضیح: دکتر محمدعلی موحد
۴۰۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۵۴۰ تومان

• **بگشای راز عشق**
گزیدهٔ کشف‌الاسرار میبدی
انتخاب و توضیح: دکتر محمدامین ریاحی
۲۵۶ ص، رقعی، چاپ دوم، ۶۹۰ تومان

• **گنجور پنج گنج**
گزیدهٔ اشعار نظامی
انتخاب و توضیح: عبدالمحمد آیتی
۳۴۴ ص، رقعی، چاپ سوم، ۳۳۰۰ تومان

• **گلشن عشق**
گزیدهٔ شرح گلشن راز لاهیجانی
انتخاب و توضیح: محمد برزگر خالقی، عفت کرباسی
۲۸۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۵۸۰ تومان

• **در معرفت شعر**
گزیدهٔ المعجم فی معاییر اشعارالعجم
انتخاب و توضیح: دکتر سیروس شمیسا
۳۷۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۷۵۰ تومان

• **کهن‌ترین نثر تاریخی**
گزیدهٔ تاریخ بلعمی
انتخاب و توضیح: دکتر سیدضیاءالدین سجادی
۲۸۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۸۴۰ تومان

• **کلید سعادت**
گزیدهٔ اخلاق ناصری
انتخاب و توضیح: دکتر صمد موحد
۲۵۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۵۲۰ تومان

• **نغمه‌گر حدیقهٔ عرفان**
گزیدهٔ اشعار سنایی
انتخاب و توضیح: دکتر سید ضیاءالدین سجادی، دکتر جعفر شعار
۳۸۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۷۵۰ تومان

• **برگ خزان‌دیده**
گزیدهٔ اشعار سیف فرغانی
انتخاب و توضیح: دکتر سید محمد ترابی، مقدمه: دکتر ذبیح‌الله صفا
۳۵۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۹۸۰ تومان

• **رای و برهمن**
گزیدهٔ کلیله و دمنه
انتخاب و توضیح: دکتر فتح‌الله مجتبائی
۴۰۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۷۵۰ تومان

• **صدای سخن عشق**
گزیده، غزلیات حافظ
انتخاب و توضیح: دکتر حسن انوری
۴۰۸ ص، رقعی، چاپ دهم، ۳۵۰۰ تومان

• **نظام‌نامهٔ سیاست**
گزیدهٔ سیاست‌نامه (سِیَر الملوک)
انتخاب و توضیح: دکتر مهدی محقق
۳۸۴ ص، رقعی، چاپ دوم، ۳۵۰۰ تومان

• **از نی‌نامه**
گزیدهٔ مثنوی معنوی، انتخاب و توضیح: دکتر عبدالحسین زرین‌کوب و دکتر قمر آریان
۴۴۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۴۰۰ تومان

• **از جام شیخ جام**
گزیدهٔ آثار شیخ جام
انتخاب و توضیح: دکتر علی فاضل
۳۲۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۱۰۰ تومان

• **در باغ روشنایی**
گزیدهٔ حدیقةالحقیقه
انتخاب و توضیح: دکتر احمد مهدوی دامغانی
۲۹۲ ص، رقعی، چاپ دوم، ۱۶۰۰ تومان

• **زندانی نای**
گزیدهٔ اشعار مسعود سعد
انتخاب و توضیح: دکتر سیروس شمیسا

۴۰۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۱۰۰ تومان

• اسطرلاب حق

گزیدهٔ فیه مافیه

انتخاب و توضیح: دکتر محمدعلی موحد

۲۷۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۸۲۰ تومان

• درویش گنج‌بخش

گزیدهٔ کشف‌المحجوب

انتخاب و توضیح: دکتر محمود عابدی

۵۲۰ ص، رقعی، چاپ چهارم، ۴۵۰۰ تومان

• بیهقی تصویرگر زمان

گزیدهٔ تاریخ بیهقی

انتخاب و توضیح: دکتر احسان اشراقی

۲۴۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۶۰۰ تومان



از مجموعهٔ جوانان و فرهنگ جهانی

به اهتمام دکتر حسین محی‌الدین الهی قمشه‌ای

- **۳۶۵ روز با سعدی**
  ۴۱۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۳۰۰ تومان
- **در قلمرو زرین**
  ۳۶۵ روز با ادبیات انگلیس
  ۶۵۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۸۵۰۰ تومان
- **در صحبت مولانا**
  ۳۶۵ روز با مولوی
  ۶۵۸ ص، رقعی، چاپ دوم، ۸۵۰۰ تومان
- **در صحبت قرآن**
  ۳۶۵ روز با قرآن
- **در صحبت حافظ**
  ۳۶۵ روز با حافظ
- **در صحبت نظامی**
  ۳۶۵ روز با نظامی
- **در صحبت فردوسی**
  ۳۶۵ روز با فردوسی
- **در صحبت شکسپیر**
  ۳۶۵ روز با شکسپیر
- **در صحبت افلاطون**
  ۳۶۵ روز با افلاطون
- **در صحبت دانته**
  ۳۶۵ روز با دانته
- **در صحبت هومر**
  ۳۶۵ روز با هومر
- **در صحبت ارسطو**
  ۳۶۵ روز با ارسطو

از مجموعهٔ آثار جبران خلیل جبران

به اهتمام موسی اسوار

- *پیامبر و باغ پیامبر*
  ۲۲۲ ص، رقعی، چاپ دوم، ۵۵۰۰ تومان
- *ماسه و کف و خدایان زمین*
  ۱۶۰ ص، رقعی، چاپ دوم، ۵۵۰۰ تومان
- *دیوانه و پیشگام و گمشده*
  ۲۴۰ ص، رقعی، چاپ دوم، ۵۵۰۰ تومان
- *عیسی پسر انسان*
- *پریان سبزه‌زارها و ارواح سرکش*
- *اشکی و لبخندی*
- *طوفانها*
- *موسیقی و بالهای شکسته و مواکب*

از مجموعهٔ آموزش و درمانهای روان‌شناختی

تألیف سعید کاوه

(کارشناس ارشد روانشناسی و مشاور خانواده)

- *روانشناسی ناسازگاری همسران*
  ۲۰۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان
- *والدین بی‌اقتدار و فرزند ناسازگار*
  ۲۱۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان
- *روانشناسی همسر ناسازگار*
  ۲۰۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان
- *عکس و فیلم پورنوگرافی*
  (برهنه‌نمایی) و پیامدهای آسیب‌زای آن در رفتار جنسی
  ۲۱۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان
- *روانشناسی ارتباطی دختران و پسران*
  ۲۷۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان
- *انتخاب شغل مناسب*
  ۲۲۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان
- *بهداشت روانی طلاق*
  ۲۹۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۰۰۰ تومان
- *سوءظن میان همسران*
  ۲۳۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۰۰۰ تومان
- *روانشناسی بی‌وفایی و خیانت*
- *روانشناسی حریم شخصی*
- *مداخله و مشکل‌آفرینی در زندگی همسران*
- *از عصبیت تا سلامت رفتار*
- *راه دشوار مرد شدن*
- *زن، بودن یا شدن*
- *همسران و بی‌وفایی و خیانت*

مرجع

• *فرهنگ ایران‌زمین* (دورهٔ کامل ۳۰ساله در ۱۵ مجلد)
مجموعه‌ای از مقالات ایران‌شناسی که در طول قریب ۵۰ سال انتشار آن طول کشیده و اکنون دورهٔ ۳۰ سالهٔ آن در ۱۵ مجلد توسط انتشارات سخن منتشر شده است.
بنیادگذاران: محمدتقی دانش‌پژوه، دکتر منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، دکتر عباس زریاب‌خویی، ایرج افشار
به اهتمام ایرج افشار
۱۲۲۰۰ ص، رقعی، چاپ اول سخن، ۱۵۰۰۰۰ تومان

• *متن و شرح مثنوی مولانا* (دورهٔ ۷ جلدی)
تألیف دکتر محمد استعلامی
۳۴۳۶ ص، وزیری، چاپ هشتم، ۵۵۰۰۰ تومان

• *درس حافظ* (دورهٔ ۲ جلدی)
نقد و شرح غزل‌های حافظ
تألیف دکتر محمد استعلامی
۱۳۱۲ ص، وزیری، چاپ سوم، ۱۵۵۰۰ تومان

• *فرهنگ واژه‌نمای حافظ*
دکتر مهین‌دخت صدیقیان، با همکاری دکتر ابوطالب میرعابدینی
۱۳۶۰ ص، رقعی، چاپ اول سخن، ۱۰۰۰۰ تومان

• *کلک خیال‌انگیز* (دورهٔ ۵ جلدی)
فرهنگ تصویری و بسامدی دیوان حافظ
دکتر حسن انوری، احمد معین‌الدینی، دکتر فاطمه معین‌الدینی
۳۳۱۴ ص، وزیری، چاپ اول، ۳۵۰۰۰ تومان

• *دانشنامهٔ ایران باستان* (دورهٔ ۵ جلدی قابدار)
تألیف هاشم رضی
۳۲۷۲ ص، وزیری، چاپ اول، ۳۵۰۰۰ تومان

• *فرهنگ کنایات*
تألیف دکتر منصور ثروت
۵۱۸ ص، وزیری، چاپ سوم، ۳۹۰۰ تومان

• *فرهنگ لغات عامیانه و معاصر*
تألیف دکتر منصور ثروت، دکتر رضا انزابی‌نژاد
۹۲۰ ص، وزیری، چاپ اول سخن، ۳۹۰۰ تومان

• *اطلاعات عمومی سخن* (جیبی)
تألیف سعید درودی
۱۰۴۲ ص، جیبی، چاپ هشتم (ویرایش جدید)، ۴۹۰۰ تومان

• *اطلاعات عمومی سخن* (وزیری)
تألیف مهندس مهدی یداللّهی

۸۲۴ ص، وزیری، چاپ ششم، ۶۹۰۰ تومان

• *اصطلاحات دیوانی دورهٔ غزنوی و سلجوقی*

تألیف دکتر حسن انوری

رقعی، ۶۵۰ تومان

• *فرهنگ فارسی مدرسهٔ سپهسالار*

به کوششِ دکتر علی‌اشرف صادقی

۲۹۲ ص، وزیری، چاپ اول، ۲۹۰۰ تومان

• *فرهنگ املایی و دستور خط*

تألیف دکتر جعفر شعار

۲۴۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۹۵۰ تومان

• *واژه‌نامهٔ ساختمان* (انگلیسی-فارسی و فارسی-انگلیسی)

تألیف بزرگمهر ریاحی

۶۷۰ ص، وزیری، چاپ سوم، ۶۵۰۰ تومان

• *فرهنگ امثال و حکم* (فارسی-انگلیسی)

گردآوری سید اسماعیل ضیاء

ویرایش لطفعلی خنجی

۷۳۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۸۵۰۰ تومان

• *تاریخ ادبیات ایران* (دورهٔ ۲ جلدی)

تألیف یان ریپکا، ترجمهٔ ابوالقاسم سری

۱۴۰۶ ص، وزیری، چاپ اول، ۱۳۵۰۰ تومان

• *فرهنگ ازبکی به فارسی* (دورهٔ ۲ جلدی)

تألیف محمدحلیم یارقین، شفیقه یارقین

۱۴۷۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۸۵۰۰ تومان

• *فرهنگ شعر نو*

شامل مفردات، ترکیب‌ها، مثل‌ها، تلمیحات، اصطلاحات محلی، عامیانه و علمی، اسطوره‌ها، نمادها، اعلام و شأن نزول اشعار بیش از ده شاعر معاصر برتر

تألیف دکتر یوسف عالی عباس‌آباد

• *فرهنگ لغات مخفف*

تألیف دکتر عباسعلی وفایی

• *فرهنگ عارفان*

تألیف دکتر حبیب‌الله عباسی

دین ـ فلسفه ـ عرفان

• *تاریخ جمع قرآن کریم*
تألیف دکتر سیدمحمدرضا جلالی نائینی
۴۹۶ص، وزیری، چاپ اول سخن،
۵۹۰۰تومان

• *الاصنام*
تاریخ پرستش عرب پیش از ظهور اسلام
دکتر سیدمحمدرضا جلالی نائینی
۳۰۶ ص، وزیری، چاپ اول، ۵۵۰۰ تومان

• *پژوهشهای قرآنی*
تألیف محمد قطب؛ ترجمهٔ دکتر حامد صدقی و
دکتر حبیب‌الله عباسی

• *دین، فلسفه، قانون*
مجموعه مقالات عرفانی
تألیف دکتر سیدمصطفی محقق داماد
۵۸۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۹۰۰ تومان

• *سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن*
تألیف دکتر محمدکریم الکوّاز
ترجمهٔ دکتر سیدحسین سیدی

• *کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم*
تألیف دکتر عبدالسلام الراغب
ترجمهٔ دکتر سیدحسین سیدی

• *زیباشناسی واژگان قرآنی*
تألیف احمد یاسوف
ترجمهٔ دکتر سید حسین سیدی

• *تحلیل زبان‌شناختی جزء سی‌ام قرآن*
تألیف محمود احمد نحلة
ترجمهٔ دکتر سید حسین سیدی

• *ویژگی‌های بلاغی بیان قرآنی*
تألیف عبدالعظیم ابراهیم محمد
ترجمهٔ دکتر سید حسین سیدی

• *تاریخ اجمالی ادیان جهان*
تألیف دکتر مسعود جلالی مقدم

• *روایتهایی در آیین بودایی*
با پیشگفتاری از لئو تولستوی
ترجمهٔ صفدر تقی‌زاده

• *باورهای ایران باستان*
پژوهشی دربارهٔ دین‌ها و اعتقادات رایج در
ایران پیش از اسلام
دکتر ژاله آموزگار

• *دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت*
تألیف هاشم رضی
۴۹۶ ص، وزیری، چاپ دوم، ۵۵۰۰ تومان

• *زرتشت در گاثاها*
جهان‌بینی، فلسفه، حکمت و عرفان از منظر
زرتشت
تألیف هاشم رضی
۲۸۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۵۹۰۰ تومان

• *مزدک*
پیامبر ایران باستان
هاشم رضی

• *آیین زروانی ـ آیین میترایی*
باستانی‌ترین اساطیر تطبیقی ایرانی برمبنای
فلسفه، حکمت و عرفان ایران
هاشم رضی

• *آیین مغان*
پژوهش دربارهٔ دین‌های ایران باستان
تألیف هاشم رضی
۴۷۲ ص، وزیری، چاپ دوم، ۵۵۰۰ تومان

• *مانی*
پیامبر ایران باستان
هاشم رضی

• *سوشیانت*
ظهور پیامبران در آخر زمان
هاشم رضی

• *نیچه و مسیحیت*
تألیف کارل یاسپرس
ترجمهٔ عزت‌الله فولادوند
۱۶۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۱۰۰ تومان

• *آخرین حجاب*
سفری به عالم تعلیمات دراویش
تألیف رشاد فیلد، ترجمهٔ مریم بیات
۲۸۶ص، رقعی، چاپ اول سخن، ۲۹۰۰تومان

• *یک پیام از مجوگوریه*
تألیف وین ویبل، ترجمهٔ مریم بیات
۴۸۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۴۹۰۰ تومان

• *فرستادگان نور*
نوشتهٔ جیمز توئیمن، ترجمهٔ مریم بیات
۳۱۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۶۰۰ تومان

• *آیین جوانمردی*
نویسنده: هانری کربن
ترجمهٔ احسان نراقی
۲۳۴ ص، وزیری، چاپ دوم، ۳۵۰۰ تومان

• *نمادهای سیر و سلوک در آثار پائولو کوئیلو*
دل‌آرا قهرمان

• *آوای حکمت تولتک*
نوشتهٔ روی میکل رویز، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان

• *زوایای تاریک حکمت*
پیتز کینگزلی، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان
۲۵۶ ص، رقعی، چاپ دوم، ۲۵۰۰ تومان

• *راه چهارتو*
نوشتهٔ آنجلس آرین، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان و فیروزه پاکروان

• *بودلر*
نوشتهٔ ژان پل سارتر، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان
۱۹۱ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• *عرفان و جادوگری در تبت*
نوشتهٔ الکساندر دیوید نیل، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان

• *خرد شرق، صوفی ـ تائو ـ ذن*
نوشتهٔ پریا همنوی، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان

• *انسان، خدا، عشق*
تألیف لینیا گلداشمیت
ترجمهٔ مژگان پرندیان
۱۷۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۴۵۰۰ تومان

• *تتبعات*
تألیف مونتنی، ترجمهٔ احمد سمیعی گیلانی
۲۶۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۳۰۰ تومان

• *مجمع‌البحرین*
به کوشش دکتر محمدرضا جلالی نائینی
۷۰ ص، وزیری، چاپ دوم، ۸۵۰ تومان

• *تصوف و سوررئالیسم*
تألیف علی‌احمد سعید (ادونیس)؛ ترجمهٔ دکتر حبیب‌الله عباسی
۳۳۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۴۵۰۰ تومان

• *چهرهٔ مسیح در ادبیات فارسی*
تألیف دکتر قمر آریان
۳۵۲ ص، وزیری، چاپ دوم، ۲۲۰۰ تومان

ادبیات و شعر

• *غزلهای سعدی*
تصحیح و توضیح: دکتر غلامحسین یوسفی
۸۴۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۸۵۰۰ تومان

• *گزیده‌ای از شعر عربی معاصر*
تألیف دکتر مصطفی بدوی؛ انتخاب و ترجمهٔ دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر یوسف بکّار

• *روانهای روشن*
تألیف دکتر غلامحسین یوسفی
۳۲۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۵۵۰۰ تومان

• *کاغذ زر*
تألیف دکتر غلامحسین یوسفی

• *فرهنگ و تاریخ* (مجموعه مقالات)
تألیف دکتر غلامحسین یوسفی
۳۴۶ ص، وزیری، چاپ اول، ۶۵۰ تومان

• *یادداشت‌ها* (مجموعه مقالات)
تألیف دکتر غلامحسین یوسفی
۲۶۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۲۰ تومان

• *منابع و روش تحقیق در ادبیات فارسی*
تألیف دکتر غلامحسین یوسفی

• *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*
تألیف دکتر احمد تفضلی
۴۵۲ ص، وزیری، چاپ پنجم، ۶۵۰۰ تومان

• *گمشدهٔ لب دریا*
تأملی در معنی و صورت شعر حافظ
تألیف دکتر تقی پورنامداریان
۵۱۴ ص، وزیری، چاپ دوم، ۵۵۰۰ تومان

• *در سایهٔ آفتاب*
شعر فارسی و ساخت‌شکنی در شعر مولوی
تألیف دکتر تقی پورنامداریان
۴۱۶ ص، وزیری، چاپ دوم، ۴۵۰۰ تومان

• *آواز پر جبرئیل*
منتخبی از آثار شهاب‌الدین سهروردی
مقدمه و شرح از دکتر تقی پورنامداریان

• *رهروان بی‌برگ* (مجموعه شعر)
دکتر تقی پورنامداریان
۳۸۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۵۰۰ تومان

• *درآمدی بر شعر غنایی*
دکتر تقی پورنامداریان

• *زبان‌های ایرانی*
یوسیف. م. ارانسکی، ترجمهٔ دکتر علی‌اشرف صادقی
۲۱۶ ص، وزیری، چاپ دوم، ۲۵۰۰ تومان

• *مسائل تاریخی زبان فارسی*
تألیف دکتر علی‌اشرف صادقی
۳۰۴ ص، وزیری، چاپ اول، ۲۳۰۰ تومان

• *تاریخ بیهقی*
تألیف ابوالفضل بیهقی؛ تصحیح، فهارس، نسخه‌بدلها و تعلیقات: دکتر محمدجعفر یاحقی و مهدی سیّدی

• *تاریخ بیهقی*
تألیف ابوالفضل بیهقی؛ توضیحات از دکتر محمدجعفر یاحقی و مهدی سیّدی

• *حدیث کرامت*
بررسی و نقد کرامات صوفیان

دکتر محمد استعلامی

• *یک حرف صوفیانه*

دکتر محمود عابدی

۵۲۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۵۵۰۰ تومان

• *نفحات‌الانس*

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمود عابدی

۱۲۴۴ ص، وزیری، چاپ پنجم، ۱۲۵۰۰ تومان

• *آیین نگارش*

مقالهٔ علمی-پژوهشی

دکتر محمود فتوحی

۲۳۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• *شوریده‌یی در غزنه*

اندیشه‌ها و آثار حکیم سنائی

به‌کوشش دکتر محمود فتوحی و علی‌اصغر محمدخانی

۳۵۶ ص، وزیری، چاپ اول، ۴۹۰۰ تومان

• *فارسی عمومی*

تألیف دکتر محمود فتوحی و دکتر حبیب‌الله عباسی

۳۵۲ ص، وزیری، چاپ بیست‌ویکم، ۳۵۰۰ تومان

• *بلاغت تصویر*

تألیف دکتر محمود فتوحی

۴۹۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۶۹۰۰ تومان

• *سبک‌شناسی*

مکاتب، نظریه‌ها و روش‌ها

تألیف دکتر محمود فتوحی

• *نظریهٔ تاریخ ادبیات*

نقد و بررسی تاریخ ادبیات‌نگاری در ایران

تألیف دکتر محمود فتوحی

• *خورشیدهای پارسی در قونیه*

روایتی دیگر از شمس و مولانا

تألیف دکتر محمود فتوحی

• *نقد ادبی در سبک هندی*

دکتر محمود فتوحی

۴۳۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۵۵۰۰ تومان

• *پیشگامان نقد ادبی در ایران*

تألیف دکتر محمد دهقانی

۳۵۲ ص، وزیری، چاپ اول، ۳۳۰۰ تومان

• *شیوه‌نامهٔ نقد ادبی*

مریم مشرّف

۲۱۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• *صدای روز*

گزیدهٔ شعر بعد از انقلاب

به کوششِ دکتر صابر امامی

• *شکفتن‌ها و رستن‌ها* (دورهٔ ۲ جلدی)

منتخب شعر معاصر

به کوششِ فریدون مشیری

۹۲۶ ص، رقعی، چاپ دوم، ۷۵۰۰ تومان

• *لحظه‌ها و احساس* (مجموعه شعر)

فریدون مشیری

۱۶۰ ص، رقعی، چاپ چهارم، ۱۱۰۰ تومان

• *تشنهٔ طوفان* (مجموعه شعر)

فریدون مشیری

۲۰۶ ص، رقعی، چاپ سوم، ۲۳۰۰ تومان

• *از خاموشی* (مجموعه شعر)

فریدون مشیری

۱۷۶ ص، رقعی، چاپ ششم، ۱۴۵۰ تومان

• *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*

به‌کوشش علی‌اصغر محمدخانی

• *ادبیات داستانی* (قصه، رمان، داستان کوتاه)

تألیف جمال میرصادقی

۵۹۲ ص، رقعی، چاپ پنجم، ۶۹۰۰ تومان

• *عناصر داستان*
تألیف جمال میرصادقی
۶۳۸ ص، رقعی، چاپ پنجم، ۶۵۰۰ تومان
• *راهنمای داستان‌نویسی*
تألیف جمال میرصادقی
• *گاورمنت و بانیدینگ*
تألیف دکتر محمود فرخ‌پی
۳۰۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۱۴۰۰ تومان
• *مفاهیم اساسی زبان‌شناسی*
تألیف دکتر محمود فرخ‌پی
۳۰۸ ص، وزیری، چاپ سوم، ۲۷۰۰ تومان
• *زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی*
تألیف دکتر محمد دبیرمقدم
۵۸۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۲۹۰۰ تومان
• *روشنگران ایرانی و نقد ادبی*
تألیف دکتر ایرج پارسی‌نژاد
۴۷۴ ص، وزیری، چاپ اول، ۳۳۰۰ تومان
• *دستور مفصل امروز*
تألیف دکتر خسرو فرشیدورد
۷۰۴ ص، وزیری، چاپ دوم، ۶۵۰۰ تومان
• *مسألهٔ درست و غلط و نگارش در زبان فارسی*
تألیف دکتر خسرو فرشیدورد
• *دستور امروز*
تألیف دکتر خسرو فرشیدورد
• *تمرین‌های کلاس دستور زبان فارسی*
تألیف دکتر حسن انوری
۴۴۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۷۰۰ تومان
• *آیین ویرایش*
تألیف احمد سمیعی گیلانی
• *از فن نگارش تا هنر نویسندگی*
تألیف دکتر حسن احمدی گیوی
۳۲۰ ص، وزیری، چاپ چهارم، ۲۹۰۰ تومان
• *رسالهٔ سپهسالار*
در مناقب حضرت خداوندگار (کهن‌ترین سند دربارهٔ زندگینامهٔ مولوی)
تألیف فریدون بن احمد سپهسالار؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمد افشین‌وفایی
۲۸۸ ص، وزیری، چاپ اول، ۵۵۰۰ تومان
• *صد شعر از این صد سال*
برگزیدهٔ شعر قرن بیستم ایران
(صد شعر نو، صد غزل و صد شعر در قوالب دیگر سنّتی)
به کوشش محمد افشین‌وفایی
• *تصنیف‌ها و ترانه‌های ماندگار این صد سال*
به کوشش محمد افشین‌وفایی
• *مجموعهٔ ترجیعات*
مجموعهٔ منحصری از ترجیع‌بندهای شعر فارسی
مقدمه، تصحیح و توضیحات: محمد افشین‌وفایی
• *شرح شکن زلف*
بر حواشی دیوان حافظ
تألیف دکتر فتح‌الله مجتبایی
۳۲۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۵۵۰۰ تومان
• *حافظ و پیدا و پنهان زندگی*
تألیف دکتر منصور رستگار فسائی
۳۸۸ ص، وزیری، چاپ اول، ۵۵۰۰ تومان
• *دیوان حافظ*
بر اساس نسخه‌های خطی سدهٔ نهم
مقدمه و تدوین از دکتر سلیم نیساری
• *دیوان حافظ*
تصحیح و مقدمه از دکتر سیدمحمدرضا جلالی نائینی و دکتر نورانی وصال

۳۸۶ ص، وزیری، چاپ چهارم، ۱۹۵۰ تومان

• **کلیات سعدی سخن** (قابدار)
به کوششِ کمال اجتماعی جندقی
۱۰۷۴ص، وزیری، چاپ چهارم، ۱۲۵۰۰ تومان

• **شاهنامهٔ ژول مل** (دورهٔ ۳ جلدی)
۲۳۱۲ ص، وزیری، چاپ ششم، ۷۵۰۰ تومان

• **چهل گفتار در ادب و تاریخ ایران**
تألیف دکتر محمد امین ریاحی
۶۰۶ ص، وزیری، چاپ اول، ۳۹۰۰ تومان

• **واسطی‌نامه**
شرح احوال و بازسازی و تصحیح انتقادی آثار ابوبکر واسطی
تألیف میلاد عظیمی

• **سفینهٔ شمس حاجی شیرازی**
(تألیف و کتابت ۷۴۱)
مقدمه، تصحیح و تعلیقات: میلاد عظیمی

• **سیمرغ در جستجوی قاف**
درآمدی بر سیر تحول عقلانیت در ادب فارسی
تألیف دکتر مهدی محبتی
۵۳۶ ص، وزیری، چاپ دوم، ۳۹۰۰ تومان

• **پهلوان در بن‌بست**
متن کامل رستم و سهراب و رستم و اسفندیار، با نگاهی تازه به فردوسی و عناصر داستانی در شاهنامه
تألیف دکتر مهدی محبتی
۲۹۶ ص، وزیری، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• **فارسی عمومی**
تألیف دکتر مهدی محبتی
۳۱۲ ص، وزیری، چاپ دوم، ۲۵۰۰ تومان

• **بدیع نو**
هنر ساخت و آرایش سخن
تألیف دکتر مهدی محبتی
۳۱۲ ص، وزیری، چاپ اول، ۱۹۰۰ تومان

• **تا سبز شوم از عشق** (مجموعه اشعار نزار قبانی)
ترجمهٔ موسی اسوار
۴۰۶ ص، رقعی، چاپ دوم، ۴۵۰۰ تومان

• **از سرود باران تا مزامیر گل سرخ**
پیشگامان شعر امروز عرب
تألیف موسی اسوار
۷۲۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۴۹۰۰ تومان

• **وقتی میان خاکستر و گل**
منتخب اشعار ادونیس
به‌اهتمام موسی اسوار

• **تاریخ ادبیات عرب**
تألیف دکتر عبدالحسین فرزاد
۲۰۴ ص، وزیری، چاپ پنجم، ۲۵۰۰ تومان

• **رویکردهای شعر معاصر عرب**
دکتر احسان عباس، ترجمهٔ دکتر حبیب‌الله عباسی
۴۸۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۴۹۰۰ تومان

• **سنّت و تجدّد (ثابت و متحوّل)**
تألیف أدونیس (علی‌احمد سعید)؛ ترجمهٔ دکتر حبیب‌الله عباسی

• **المنهج** (نثر و شعر عربی)
انتخاب و شرح از: دکتر جعفر شعار، دکتر عبدالحسین فرزاد
۴۱۶ ص، وزیری، چاپ سوم، ۲۹۰۰ تومان

• **دیوان امیری فیروزکوهی** (دورهٔ ۲ جلدی)
به‌کوشش امیربانو فیروزکوهی (مصفا)
وزیری، ۲۲۰۰ تومان

• **بر کران بیکران**
تألیف دکتر داریوش صبور
۵۳۸ ص، وزیری، چاپ دوم، ۳۹۰۰ تومان

• *از کاروان حله*
تألیف دکتر داریوش صبور
۸۴۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۷۹۰۰ تومان

• *گزیدهٔ مخزن‌الاسرار نظامی*
انتخاب و توضیح: دکتر کامل احمدنژاد
۱۶۰ ص، وزیری، چاپ سوم، ۱۶۰۰ تومان

• *آتش اندر چنگ*
مقدمه، شرح و تفسیر: دکتر مهدی ماحوزی
۳۴۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۱۲۰۰ تومان

• *اسم گل* (منتخب اشعار)
کمال اجتماعی جندقی (گلبانگ)
۱۸۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۶۵۰ تومان

• *سروده‌های اعتراض*
(مجموعه شعر)
ترجمهٔ سعید توکلی پارسان
۵۴۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۹۰۰ تومان

• *سروده‌های الوی*
(مجموعه شعر)
ترجمهٔ پیام نیکدست، ویرایش: م. آزاد
۵۱۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۷۰۰ تومان

• *الگوهای قهرمانی در درام*
مونا انوری‌زاده

• *با صبغ‌دمان*
برگزیدهٔ شعر معاصر ایران
مقدمه و انتخاب از میمنت میرصادقی
۴۴۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۲۵۰ تومان

• *سیب باغ جان*
تألیف دکتر مریم خلیلی جهانتیغ
۲۹۶ ص، وزیری، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• *تحفه‌های آن‌جهانی*
سیری در زندگی و آثار مولانا جلال‌الدین رومی
به کوششِ علی دهباشی
۷۵۶ ص، وزیری، چاپ دوم، ۷۹۰۰ تومان

• *میراث مولوی*
شعر و عرفان در اسلام
نوشتهٔ ویلیام چیتیک، آنه ماری شیمل،
کریستف بورگل و دیگران
ترجمهٔ دکتر مریم مشرّف
۴۴۸ ص، رقعی، چاپ دوم، ۵۵۰۰ تومان

• *مفتاح‌الاسرار*
شرح مثنوی مولوی
مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر عباسعلی وفایی
۳۵۲ ص، وزیری، چاپ اول، ۶۵۰۰ تومان

• *ذرّه و نور در اندیشه‌های مولانا*
سمیرا قیومی

• *طرز تازه*
سبک‌شناسی غزل سبک هندی
دکتر حسین حسن‌پور آلاشتی
۲۷۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۹۰۰ تومان

• *زلالی خوانساری و سبک هندی*
بررسی جایگاه زلالی در شعر قرن یازدهم همراه
نمونه‌های شعر او
دکتر سعید شفیعیون

• *برداشت آخر*
نگاهی به طنز امروز ایران
رؤیا صدر
۴۶۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۵۹۰۰ تومان

• *اصول نظریه‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*
دکتر سیدمحمد ضیاءحسینی
۲۲۴ ص، وزیری، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• *روش تدریس زبان فارسی به فارسی‌آموزان خارجی*
دکتر سیدمحمد ضیاءحسینی

۲۷۲ ص، وزیری، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• **آشنایی با مکتبهای ادبی**
دکتر منصور ثروت
۳۷۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۹۰۰ تومان

• **صهبای خرد**
شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام
تألیف دکتر مهدی امین رضوی، ترجمهٔ دکتر مجدالدین کیوانی
۴۸۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۵۹۰۰ تومان

• **ختم‌الغرایب**
تحفةالعراقین
تصحیح دکتر یوسف عالی عباس‌آباد
۷۲۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۸۵۰۰ تومان

• **گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی**
(تشبیهات و استعارات)
همراه با شرح و معنی همهٔ ابیات مربوط به گل و گیاه در دیوان حافظ
دکتر بهرام گرامی با مقدمهٔ ایرج افشار
۵۲۸ ص، وزیری، چاپ اول، ۶۵۰۰ تومان

• **جامعه‌شناسی ادبیات داستانی (رمان و واقعیت اجتماعی)**
تألیف میشل زرافا؛ ترجمهٔ نسرین پروینی
۳۴۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۵۰۰ تومان

• **علی دشتی و نقد ادبی**
تألیف دکتر ایرج پارسی‌نژاد

• **روانکاوی و ادبیات**
دو متن، دو انسان، دو جهان
از بهرام گور تا راویِ بوفِ کور
تألیف حورا یاوری

• **ادبیات ایران در ادبیات جهان**
بررسی تطبیقی ادبیات ایران و جهان
دکتر امیراسماعیل آذر

• **سرود نیایش (گیت‌آنجلی)**
اثر رابیندرانات تاگور؛ ترجمهٔ دکتر عبدالغفور روان‌فرهادی

• **مرادالعارفین**
صوفی الله‌یار
مقدمه و تصحیح: دکتر عباسعلی وفایی

• **کوچ** (دفتر شعر)
دل‌آرا قهرمان

• **اشعار شعرای جهان**
ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان

• **لیلی عاشق** (مجموعه سه دفتر شعر)
دل‌آرا قهرمان
۱۴۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۳۰۰ تومان

• **بادهای مدور** (مجموعه شعر)
دل‌آرا قهرمان
۹۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۳۰۰ تومان

• **غم این خفتهٔ چند...**
مقالات
دل‌آرا قهرمان

• **آسوده بر کنار...**
یادداشت‌ها
دل‌آرا قهرمان

• **پارهٔ ذهن**
تألیف استیو هریس، ترجمهٔ پیام نیکدست
۴۲۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

رمان و مجموعه داستان

• **خاطرات یک گیشا**
نوشتهٔ آرتور گلدن، ترجمهٔ مریم بیات
۶۴۰ ص، رقعی، چاپ چهارم، ۶۵۰۰ تومان

• **پائولا**
نوشتهٔ ایزابل آلنده، ترجمهٔ مریم بیات
۴۴۰ ص، رقعی، چاپ چهارم، ۳۹۰۰ تومان

• **با قلب خود چه خریدم؟**
نوشتهٔ سیمین بهبهانی
۲۳۲ ص، رقعی، چاپ دوم، ۹۵۰ تومان

• **کلید و خنجر**
نوشتهٔ سیمین بهبهانی
۲۷۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۶۰۰ تومان

• **کوهستان جان**
نوشتهٔ گائوچینگ ژیان، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان
۶۸۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۹۰۰ تومان

• **کاخ‌های خشم**
نوشتهٔ آلساندرو باریکو، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان

• **تک‌گویی هزارونهصد**
نووچنتو: پیانیست
نوشتهٔ آلساندرو باریکو، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان
۶۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۳۰۰ تومان

• **مستر ورتیگو**
نوشتهٔ پل اُستر، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان

• **داستان‌های کوتاه**
نوشتهٔ خورخه لوئیس بورخس، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان

• **کاف**
نوشتهٔ دینو بوتزاتی، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان

• **چشمهٔ گیلاس (مجموعه داستان)**
دل‌آرا قهرمان

• **زندگی یک نویسنده**
نوشتهٔ جولیا کامرون، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان و مریم سطوتی

• ***رؤیای حوا* (مجموعه داستان)**
نوشتهٔ دل‌آرا قهرمان
۱۲۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۱۰۰ تومان

• **بذر ستارگان**
نوشتهٔ کن کری، ترجمهٔ دل‌آرا قهرمان

• **سوگ سیاوش**
به روایت پری صابری
۲۵۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۴۰۰ تومان

• **شمس پرنده**
نوشتهٔ پری صابری
رقعی، ۹۵۰ تومان

• **رند خلوت‌نشین**
نوشتهٔ پری صابری
۱۹۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۳۰۰ تومان

• **یوسف و زلیخا**
نوشتهٔ پری صابری
۲۱۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۷۰۰ تومان

• **اطلسی**
نوشتهٔ پری صابری
۳۶۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۳۰۰ تومان

• **مرد جوان بی‌باک روی طناب بندبازی و داستان‌های دیگر**
نوشتهٔ ویلیام سارویان، ترجمهٔ پونه پاک‌نشان؛
مقدمه و ویرایش: صفدر تقی‌زاده
۳۳۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۹۰۰ تومان

• **خبرنامهٔ محرمانه** (مجموعهٔ طنز)
نوشتهٔ رؤیا صدر
۱۵۲ ص، رقعی، چاپ اول، ۹۵۰ تومان

• **فردا**
ویلیام فالکنر
ترجمهٔ صفدر تقی‌زاده

• **تندیس سکندر**
تألیف بهرام افراسیابی

• **شراره‌های شهر اترار**
تألیف بهرام افراسیابی

• **بانو**
نوشتهٔ بانو ایراندخت
۴۹۸ ص، رقعی، چاپ چهارم، ۵۵۰۰ تومان

• **دید و بازدید**
نوشتهٔ تارا بهرام‌پور، ترجمهٔ هرمز عبداللهی
۵۹۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۵۰۰ تومان

• **راستی آخرین‌بار پدرت را کی دیدی؟**
نوشتهٔ مارسین بلیک، ترجمهٔ فرزانه طاهری
۳۲۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۸۰۰ تومان

• **شاهزادهٔ خوش‌بخت**
نوشتهٔ اسکار وایلد، ترجمهٔ دکتر حمید حقیقت
۱۷۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۱۱۰۰ تومان

• **تبردار**
سردار دلیر خراسان
تألیف بهرام افراسیابی
۳۱۶ ص، وزیری، چاپ اول، ۶۰۰ تومان

• **ناگهان فرشته**
نوشتهٔ هوشنگ خوش‌روان
۹۵۰ تومان

• **ثمر تلخ سمرقند**
تألیف بهرام افراسیابی
۶۸۸ ص، وزیری، چاپ اول، ۵۲۰ تومان

• **قتل در کرانهٔ نیل**
نوشتهٔ آگاتا کریستی، ترجمهٔ بهرام افراسیابی
۱۸۴ ص، رقعی، چاپ دوم، ۴۶۰ تومان

• **ارتش سری**
تألیف بهرام افراسیابی

• **سیزده نفر سر میز شام**
نوشتهٔ آگاتا کریستی، ترجمهٔ بهرام افراسیابی
۲۹۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۴۴۰ تومان

• **سیانوژن نورانی**
نوشتهٔ آگاتا کریستی، ترجمهٔ بهرام افراسیابی
۲۸۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۴۲۰ تومان

• **پدر**
نوشتهٔ دانیل استیل، ترجمهٔ سعید درودی

• **عشق، جدایی، و دیگر هیچ**
نوشته ژرژ سیمنون، ترجمهٔ بهرام افراسیابی
۱۷۴ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۸۰ تومان

• **بازگشت به زندگی**
نوشتهٔ دانیل استیل
ترجمهٔ علی حسین قاسمی

• **قلعهٔ پری**

از کریم‌خان تا لطفعلی‌خان
تألیف بهرام افراسیابی
۷۴۰ ص، وزیری، چاپ ششم، ۲۹۰۰ تومان

• **عقاب کلات**
خاطرات طبیب مخصوص نادر
گردآوری بهرام افراسیابی
۹۳۴ ص، وزیری، چاپ هفتم، ۳۵۰۰ تومان

• ***راز حباب‌ها***
نوشتهٔ آگاتا کریستی، ترجمهٔ بهرام افراسیابی
۲۴۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۷۰ تومان

• ***و آنگاه دیگر هیچ***
نوشتهٔ آگاتا کریستی، ترجمهٔ بهرام افراسیابی
۲۰۶ ص، رقعی، چاپ دوم، ۲۶۰ تومان

تاریخی-سیاسی

• ***تاریخ تمدن*** (دورهٔ ۲ جلدی)
هنری لوکاس، ترجمهٔ عبدالحسین آذرنگ
۱۴۷۰ ص، وزیری، چاپ دوم سخن، ۱۲۵۰۰ تومان

• ***برآمدن عباسیان***
ایدئولوژی مذهبی و اقتدار سیاسی (پژوهشی جامعه‌شناختی دربارهٔ انقلاب و عصر عباسی و دولت مطلقهٔ عباسیان)
تألیف دکتر نادر نادری، ترجمهٔ عبدالحسین آذرنگ و نگار نادری
۱۹۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۵۰۰ تومان

• ***تاریخ علم و فن‌آوری***
تألیف جیمز مک کلی‌لن و هرولد دُرن ترجمهٔ عبدالحسین آذرنگ و نگار نادری

• ***ماکجاآباد***
مسائل مبرم جهان در عصر جهانی شدن
گرت جونز
ترجمهٔ عبدالحسین آذرنگ
۱۵۹ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۳۰۰ تومان

• ***تاریخ تمدن و فرهنگ جهان***
پیوندهای فراسوی زمان و مکان
گروه نویسندگان؛ ترجمهٔ عبدالحسین آذرنگ

• ***تاریخ ایران باستان*** (دورهٔ ۲ جلدی)
دکتر اردشیر خدادادیان
۱۷۹۸ ص، وزیری، چاپ دوم، ۱۹۵۰۰ تومان

• ***تاریخ مصر باستان***
دکتر اردشیر خدادادیان

• ***تاریخ یونان باستان*** (دورهٔ ۲ جلدی)
دکتر اردشیر خدادادیان
۱۲۰۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۱۴۵۰۰ تومان

• ***تاریخ روم باستان*** (دورهٔ ۲ جلدی)
دکتر اردشیر خدادادیان
۱۰۹۶ ص، وزیری، چاپ اول، ۱۴۵۰۰ تومان

• ***تاریخ تمدن و زندگی مردم جهان***
تألیف: لوئیس پل تاد و کنت اس. کوپر، ترجمهٔ هاشم رضی
۷۰۴ ص، وزیری، چاپ اول، ۶۹۰۰ تومان

• ***تمدن و دین ایرانیان خاوری در قدیم‌ترین ازمنه***
هاشم رضی

• ***خاطرات یک مترجم***
دل‌آرا قهرمان

• ***یادگار عمر*** (خاطرات)
دل‌آرا قهرمان

• ***مسافر (خاطرات سفر)***
دل‌آرا قهرمان

• ***برج فرازان***
تألیف باربارا تاکمن، ترجمهٔ عزت‌الله فولادوند

۱۰۸۸ ص، رقعی، چاپ دوم، ۸۵۰۰ تومان

• *جامعه و اقتصاد عصر ساسانی*
ترجمهٔ حسین کیان‌راد
۲۰۰ ص، وزیری، چاپ اول، ۲۹۰۰ تومان

• *خاطرات دکتر علی‌اکبر سیاسی*
به کوششِ علی دهباشی

• *نخبگان سیاسی ایران* (دورهٔ ۴ جلدی)
از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی
تألیف زهرا شجیعی
۲۲۰۰ ص، وزیری، چاپ دوم، ۲۲۵۰۰ تومان

• *تاریخ انقلاب مشروطیت* (دورهٔ ۳ جلدی)
تألیف دکتر مهدی ملک‌زاده
۱۶۹۸ ص، وزیری، چاپ اول سخن، ۱۷۵۰۰ تومان

• *خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی*
تألیف بهرام افراسیابی

• *بنگاله در قند پارسی*
پژوهش‌هایی در روابط فرهنگی ایران و هند
تألیف دکتر فتح‌الله مجتبایی

• *مصدق و مسائل حقوق و سیاست*
تألیف ایرج افشار
۵۴۴ ص، وزیری، چاپ اول، ۴۵۰۰ تومان

• *خاطرات اردشیر آوانسیان*
از اعضای گروه ۵۳ نفر
به کوششِ علی دهباشی
۵۴۴ ص، وزیری، چاپ دوم، ۲۹۰۰ تومان

• *خاطرات پرنس ارفع*
به کوششِ علی دهباشی
۶۰۶ ص، وزیری، چاپ دوم، ۲۹۰۰ تومان

• *سفرنامهٔ حاج سیاح به‌فرنگ*
به کوششِ علی دهباشی
۵۴۴ ص، وزیری، چاپ پنجم، ۶۹۰۰ تومان

• *مختصر تاریخ ایران در دورهٔ افشاریه*
تألیف دکتر رضا شعبانی
۶۵۴ ص، وزیری، چاپ اول، ۲۹۰۰ تومان

• *تاریخ شیراز*
تألیف دکتر حسن خوب‌نظر، به کوششِ دکتر جعفر مؤید شیرازی
۱۰۶۴ ص، وزیری، چاپ اول، ۷۹۰۰ تومان

• *مروری کوتاه بر تاریخ ایران*
تألیف دکتر رضا شعبانی
۷۰۴ ص، وزیری، چاپ اول، ۴۹۰۰ تومان

• *خاطرات جعفر شریف‌امامی*
به کوششِ حبیب لاجوردی
۳۱۰ ص، رقعی، چاپ دوم، ۲۳۰۰ تومان

• *انگلستان و روسیه در ایران ۱۹۲۲-۱۹۱۹*
جلوه‌هایی از سلطهٔ آنها و تلاش برای رهایی از آن، از جمله استمداد از جامعهٔ ملل
تألیف دکتر مصطفی دبیری
۱۶۰ ص، رقعی، چاپ اول، ۲۳۰۰ تومان

• *زندگی سیاسی و اجتماعی مظفر فیروز*
به کوششِ علی دهباشی
۵۲۸ ص، وزیری، چاپ اول، ۳۵۰۰ تومان

• *یادداشت‌های اللهیار صالح*
به کوششِ ایرج افشار

• *یادهایی از گذشته*
خاطرات دکتر فروتن، به‌کوشش علی دهباشی
۵۷۲ ص، وزیری، چاپ اول، ۳۹۰۰ تومان

• ***تاریخ جامع بهائیت***

تألیف بهرام افراسیابی

۷۹۲ ص، وزیری، چاپ پنجم، ۲۳۰۰ تومان

• ***سفر به کرانه‌های جیحون***

تألیف بایرون ـ رابرت، ترجمهٔ لی‌لا سازگار

۵۲۶ ص، رقعی، چاپ اول، ۳۹۰۰ تومان

• ***کاروان عمر***

خاطرات اسفندیار بزرگمهر

۴۲۲ ص، وزیری، چاپ اول، ۴۵۰۰ تومان

• ***آئینهٔ عبرت***

تألیف دکتر سیف پورفاطمی؛ به کوششِ علی دهباشی

۱۰۶۸ ص، وزیری، چاپ اول، ۴۹۰۰ تومان

• ***سفرنامهٔ کنت دوسرسی***

سفیر فوق‌العادهٔ فرانسه در زمان محمدشاه قاجار

ترجمهٔ دکتر احسان اشراقی

• ***چهرهٔ دیگری از شاه سلطان‌حسین صفوی***

بر اساس تحفةالعالم

تألیف میرزا ابوطالب بن میرزابیگ فندرسکی

به اهتمام دکتر احسان اشراقی

• ***زنانی که دنیا را تکان داده‌اند***

ترجمه و تألیف عفت برادران رحیمی

۶۸۸ ص، رقعی، چاپ اول، ۶۹۰۰ تومان

Divãn-e Hãfez

Based on Manuscripts of 9th Century H.

Compiled by
Salim Neysãri, Ph.D.



Sokhan Publishers
Tehran, Iran

کتاب حاضر که براساس نسخ خطی سدهٔ نهم دیوان حافظ تدوین شده است علاوه بر"صحّت متن"، "اصالت متن" و "منقّح و مضبوط بودن متن" را نیز ملاک قرار داده و به جرأت می‌توان ادعا کرد که دیوان حاضر یکی از اصیل‌ترین و صحیح‌ترین نسخه‌های دیوان حافظ است که تاکنون نشر یافته است.



